[illegible]

فرزگان ولایت [illegible] در بزرگ چخنی دره لغک واقع است یک دره معظم [illegible] که از جنوب بشمال است [illegible]
حد شمال [illegible] از طرف شرق [illegible] حد جنوب [illegible]
متصل [illegible] حد مغرب شمال متصل [illegible]
[illegible] سه بلوک است [illegible] یک بلوک [illegible] یک بلوک [illegible] سه بلوک دیگر قصبه [illegible]
[illegible] که در هر بلوک واقع است از قرار تفصیل ذیل است

سه بلوک

قصبه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
نمور	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
هزده	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

بلوک فرهکان

[illegible]

مجاری سیاه دره و خانها

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مجلس خاص وکلای فخام

اعضای مجلس: عبارت از دو رشته اشخاص محترم است که یکی را اعضای طبیعیه و دیگری را اعضای منتخبه مینامند. (وزیر امور داخله) (وزیر جنگ) (وزیر امور دریا) (وزیر امور خارجه) (رئیس شورای دولت) (وزیر عدلیه و مذاهب) (وزیر توپخانه و قورخانه) (وزیر امور مالیه) (وزیر تجارت و فلاحت) (وزیر اوقاف) (وزیر علوم) (وزیر فوائد) (مسند صدارت) اعضای طبیعیه این مجلس است. اما اعضای منتخبه آن را (ولاة و ولات و بعضی کبراء رجال دولت) (از وزراء و بعضی معزولین که لایق ترجیح) — مقصود از وزراء و بعضی معزولین وزراء یا معزولی از یک وزارتخانه شده یا معزول از والیگری یکی از ولایات معظمه از جهه اولی گردیده یا اینکه از پیری خانه نشین شده است تا از جانب سلطان انتخاب کرده میشوند) تشکیل مینماید.

صدر اعظم رئیس اول شیخ الاسلام رئیس ثانی این مجلس است رئیس ثانی در غیاب رئیس اول اجرای ریاست میکند و همچنین رئیس اول دارای دو رأی است اما در هنگام حضور رئیس اول صاحب یک رأی و یکی از اعضا محسوب است در غیاب هر دو رئیس هر کدام از اعضا مسن تر است ریاست میکند.

ریاست دار التحریر این مجلس محول بمسند صدارت است مدیر دار التحریر وقایع نگار دولت است که چند نفر منشی و ثبات و یک حافظ اوراق و منشی رموز در تحت اداره او سپرده شده است اما غیر از وقایع نگار احدی حق دخول مجلس ندارد اگر کاغذ و کتابچه لازم شود باید که شخص وقایع نگار مجلس برود هر کاغذ و کتابچه را که مجلس از دار التحریر میخواهد باید که اسم آن چیز را بیک کاغذ نوشته از جانب رئیس امضا کرده بوقایع نگار داده شود که آن کاغذ و کتابچه را بمجلس بجهه تسلیم نماید و بعد از آنکه استغنا از وجود آن حاصل شود [illegible] ثبت و با کاغذ باو رد میشود.

غیر از شخص سلطان احدی حق دخول مجلس خاص ندارد خواه یکی از شاهزادگان باشد مگر تقریر مجلس بخواهد. چند نفر به زبان و کر و لال تربیت شده است که هر یک [illegible] در صف النعال مجلس ایستاده اگر اطلاع امری لازم شود بکار آورد و هر امر راجع بمجلس قرار است [illegible] و اشخاص آنکه اشاره مخصوص دارند و اوامر قرین را بوقایع نگار رسیده علم آن امر را او بجا آورد.

ادای مجلس: میزگرد یا مستطیل بزرگی که در وسط مجلس گذارده باید که [illegible] در اطراف میز است نشسته گوش بکاغذی که مسند صدارت میخواهد بدهند بعد از مذاکره هر یک رأی خود را بمجلس اظهار میکند اگر آراء توافق نماید باید که هر شخص رأی خود را بکاغذ جداگانه نوشته امضا نماید اگر موافق نشود ورقه کتابچه کبیر مذاکره نوشته با مضای اعضا رسانیده میشود. در مذاکره هم آراء از

درجه که در خارج شنیده نشود بلند گفتن ممنوع است. در وقت غلیان و قهوه مذاکره موقوف است حرف زدن گوشی زدن. و گفتگوئی که راجع بکار باشند ممنوع. و معارضه کردن سخت ممنوع است. و فاش اسرار دولت را و مجرم باشد از حال و رتبه وزارت تا تقریر یافرد دارد.

دائرهٔ مجلس عبارت اطاقی است در یک حیاط علیحده که در ب حیاط قراول گذارده و یک سلطان بیشتر قراول نشسته است که غیر از وزرا و یک پیشخدمت هر وزیر با عمارت نمیگذارند که بحیاط داخل شود. سه اطاق مخصوص باعضا معین است اول اطاق مذاکره است این اطاق خیلی بزرگ است و در وسط آن میز بزرگی و در اطراف میز مقدار لازم صندلی گذارده شده است. آرم دولت در مقابل در ب اطاق گذارده بچهار چراغ دیوار کوب و ساعت و نقشه ها بزرگ را از دیوار ها آویزان کرده اند تمام قوانین دولت و عهدنامه ها را بیک طاقچه در دار گذارده اند. ثانی اطاق محاکمه است که در وسط میز علیحده و در دیوار ها نقشه ندارد و اما موهر آن مثل موهر اطاق مذاکره است. ثالث اطاق تنفس است یکی و یا چند نفر از اعضا کدام خسته باشند رفته قدری در آنجا دراز میکشند و موهر این اطاق عبارت از کاناپه و یک عدد ساعت و چند چراغ و چند عدد دیوار کوب و یک سجاده برای گذاردن نماز و آفتابه لگن برای گرفتن وضو است. ۲عبارت از

دار التحریر - عبارت از سه اطاق است که اول مخصوص بوقایع نگار و منشی اسرار و منشی رموز و چند نفر محرر است ثانی مخصوص به ثبات است ثالث مخصوص به اوراق یعنی حافظ اوراق است.

غیر از این اطاقها قهوه خانه و اطاق نوکر تیلی و اطاق مخصوص به چرباخانه و در وسط حیاط از سنگ و یا آجر و آهک ساخته شده خزانه اوراق. و در جنب خزانه اوراق اطاق قراولها و محلها است.

تکالیف عمدهٔ این مجلس عبارت از تدقیق کتابچه دخل و خرج دولت (سوق قشون) (تکالیف دول) (امور عمده داخله) (وضع و تغییر قوانین) (عزل و نصب حکام و روسای مأمورین) (صلح و جنگ و معاهده و مشارکت) (تزیید و تخفیف قشون) (افتتاحات و ابتیاعات و احالات) و تعرفات نقوات مسطوره است.

معاملات: چون عمده مقصود این فقره است لازم می‌آید که ابلاغ شود در
هر والیگری که وظائف و تکالیف مأمورین را قوانین موضوعه معین نموده در آن حال [illegible]
هر مأمور در دایرهٔ تکلیف خود حرکت کند قدمی خارج از دایرهٔ تکلیف نگذارد از این جهت هر مأموری
کاری را خارج از حد معین قانونی [illegible] رجوع بما فوق خود که دستورالعمل میخواهند از این قبیل کارها که
بوزرا و دربار میرسد انجام [illegible] خارج از تکلیف [illegible] رجوع بصدراعظم میکنند و اگر صدراعظم هم نخواهد
از عهده برآید [illegible] مجلس خاص وزرا [illegible] یا بعرض سلطان میرساند [illegible] سلطان هم [illegible]
مجلس [illegible] مثلاً یک عشیرت [illegible] میخواهد از خاک عثمانی کوچ کند با ایران بیاید
رئیس عشیرت مراجعت بحاکم سرحد نمود حاکم سرحد مجبور است که این فقره را بوالی ولایت اطلاع
بدهد زیرا نه حق دارد که مستقیماً بدربار بنویسد و نه قبول عشیرت مذکوره داخل در
دایرهٔ تکلیف اوست والی ولایت هم بوزیر امور داخله مینگارد چون فقره مربوط بوزیر امور خارجه
هم دارد وزیر امور داخله مجبور است که اطلاع بوزیر امور خارجه هم بدهد مسلم است که این فقره را [illegible]
عثمانی هم نوشته [illegible] بوزارت امور داخله و خارجه [illegible] نوشته اند بعد از [illegible] مذاکره وزرای
داخله و خارجه با سفیر ایران دستورالعمل بسفیر [illegible] که در طهران است داده اند [illegible] رجوع بوزارت
خارجه این دولت کرده است [illegible] وزیر امور خارجه این دولت مجبور است که [illegible] بصدراعظم
اطلاع نوشته [illegible] از این فقره [illegible] و چه نظر [illegible] در این باب [illegible]
[illegible] صدراعظم [illegible] فهرست [illegible] نوشته
میفرستند [illegible] وزیر [illegible] رسانیده [illegible]
[illegible] صدراعظم [illegible] و در [illegible] قرار [illegible] سلطان
فقط این قدر مینویسد (کورلوی [illegible] اولنمه نتیجه قرار [illegible])
[illegible] در مجلس [illegible] نتیجه قرار [illegible] عرض رسد [illegible]
صدراعظم هم [illegible] خط (موجبنجه) یعنی بموجب [illegible] همان کاغذ را [illegible]
بعد اوراق مجلس [illegible] بعد اوراق هم در ثبت [illegible] دولتها از [illegible]
و وزارت وزیر امور داخله و خارجه [illegible] و فهرست [illegible] راجع [illegible] سال
[illegible] بعد از [illegible] وقایع [illegible] مطلب [illegible]
[illegible] صدارت [illegible]
[illegible] در مجلس [illegible]

و تحت [illegible] امضا [illegible] هر یک از اعضا [illegible] واقع شود در تحت
امضای خود فقط یک جمع [illegible] تفصیل را در یک جزو انشا نوشته هر که از یک گوشهٔ
این کاغذ [illegible] بدار التحریر میفرستند در آنجا هم یک فهرست نوشته بعد بحضور صدراعظم
تقدیم حضور مینمایند سلطان اگر اعتراضی [illegible] جهات اعتراض را [illegible] اگر [illegible]
فقط لفظ (موجبنجه) یعنی بر وفق [illegible] صدراعظم [illegible]
صدراعظم هم [illegible] دار التحریر [illegible] وزیر امور داخله و خارجه نوشته
[illegible] دار التحریر [illegible] در آنجا هم ثبت شده [illegible]
اوراق [illegible] وزیر امور داخله و خارجه هم [illegible] صدراعظم را [illegible]
دربار [illegible] چاپ [illegible] دولت [illegible] ارسال داشته اطلاع [illegible]
اما اگر مواد مذاکره راجع [illegible] مملکت و دولت باشد [illegible]
[illegible] با اعضا [illegible] خارج [illegible]
ارسال میدارد [illegible] مستقل باشد [illegible] رای [illegible]
[illegible] مذاکره [illegible] اکثریت آرا [illegible] حضور [illegible]

تمهید قرار: قرارنامه را [illegible] مستقل صدارت مهر میکند بعد [illegible]
[illegible] وزارت هر کدام [illegible] از اجزای [illegible] مهر میکنند [illegible]
[illegible] اجزا هم [illegible] قرار که [illegible] مذکور شده مهر مینمایند [illegible]
بعد صدراعظم مهر میکند که از قرار ذیل است

صدراعظم [illegible] وزیر [illegible] وزیر [illegible] وزیر [illegible] وزیر [illegible] وزیر [illegible] وزیر [illegible]

وزیر تجارت [illegible] وزیر [illegible] وزیر [illegible] [illegible] والی [illegible] والی [illegible] والی [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] مستشار صدارت

[illegible] در مجلس هم [illegible] قرار و تشریفات [illegible]

اگر [illegible] از این اطلاع لازم می‌آید [illegible] سال [illegible]

[illegible]

ترجمه امتیاز نامه دخانیات

فصل اول صاحبان امتیاز نامه متعهد میشوند در هر سال مبلغ پانزده هزار لیره انگلیس بخزانه دولت علیه ایران بپردازند اعم از آنکه از امتیازی که پیشنهاد شده است نفع نمایند یا ضرر و این مبلغ را کمپانی دخانیات در آخر هر شش ماه مقطعاً خواهد پرداخت

فصل دوم صاحبان امتیاز نامه محض تعیین مقدار تنباکو و توتون که در ایران عمل میآید حق دارند از زارعین [illegible] که آنها بجهت آنها اطلاعات لازمه بخواهند و دولت علیه حضرت شاهنشاهی تکالیف اطلاعات از مأمورین خود خواهد فرمود که آنها حصول این اطلاعات را از زارعین توتون و تنباکو با اسباب تسهیل فراهم آورند

و جز از صاحبان امتیاز نامه احدی حق [illegible] نخواهد داشت در تجارت خرید و فروش توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه و مثله اجازه کتبی با صاحبان [illegible] اشخاصی که حال توتون و تنباکو را خرده فروشی میکنند میتوانند با این تجارت مداومت نمایند ولی مشروط بر این است کمپانی دخانیات در باب اجازه خاص [illegible]

فصل سوم از آنچه عاید کمپانی میشود مخارج [illegible] توسط کمپانی نشده بعد از [illegible] پنج درصد کسر شود و پس از وضع مخارج و پنج درصد هر چه باقی بماند از عاید خالص میشود سه ربع آن هم راجع بکمپانی خواهد بود و یک ربع باقی را که بخزانه دولت پرداخته شود و محض اینکه دولت علیه ایران حق دارد که رسیدگی بامور حساب کمپانی نموده تدقیقات لازمه را بعمل [illegible] .

فصل چهارم جمیع اسباب و آلات لازمه دخانیات که صاحبان امتیاز نامه بایران می آورند از جمیع رسوم گمرکی و هر گونه مالیات معاف خواهند بود

فصل پنجم حمل و نقل توتون و تنباکو در ایران ممنوع است مگر در صورتیکه صاحبان این امتیاز نامه اجازه بدهند ولی مسافرین میتوانند مقداری از توتون و تنباکو جهت استهلاک لازمه شخصی خودشان همراه داشته باشند

فصل ششم صاحبان امتیاز نامه متعهد میشوند که تمام مقدار توتون و تنباکو که در ایران حاصل میشود و قابل استهلاک باشد نقداً ابتیاع نمایند اما در باب قیمت آنها باید مابین صاحبان امتیاز نامه و زارع موافقت و رضای طرفین ملحوظ شود و در ظهور اختلاف در قیمت از طرفین یک نفر حکم انتخاب کرده و هر قیمتی که آن حکم معین نماید باید طرفین آن قیمت را قبول کنند

فصل هفتم دولت علیه ایران متعهد میشوند که رسوم گمرکی را که حالیه از توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه گرفته میشود از روز امضای این امتیاز نامه تا پنجاه سال بهیچ وجه تغییر ندهند و صاحبان امتیاز نامه هم متعهدند که آنچه را که دولت علیه ایران تا کنون از دخانیات بابت گمرکات میگرفت بدولت علیه ایران بپردازند .

فصل هشتم کسانیکه از شرایط حالیه تخلف نمایند گرفتار جریمه سخت خواهند شد و هر کس [illegible] مطلع شود

موازنه مالیه دولت بهیه روس مخصوص بسال هزار و هشتصد و هشتاد و هشت میلادی موافق سال ۱۳۰۵ هجری که بتاریخ ۲۹ ماه دسامبر ۱۸۸۷ حکم امپراطوری بدستورالعمل آن صدور یافته است .

مداخل مخصوصه دولتی در سال [illegible]

گروه		اسامی نوع و جنس مالیات	موازنه سال ۱۸۸۸ منات	موازنه سال ۱۸۸۷ منات
[illegible]		مالیات املاک و اراضی و جنگل	۰۳۳/۱۱۶/۸۹۷	۰۴۰/۱۶۸/۷۴۱
		مالیات تجارت و در نسبت مداخل بازدیاب	۰۲۹/۷۵۸/۰۰۰	۰۲۷/۲۰۰/۰۰۰
		مالیات از اجارات املاک و عقار از صد پنج	۰۱۰/۹۸۳/۰۰۰	۰۱۰/۳۹۷/۰۰۰
[illegible]	مصرفیات داخله	رسوم زنجیره از مسکرات	۲۵۲/۱۳۷/۰۸۰	۲۳۶/۳۵۰/۳۸۰
		رسوم عرفیه از دخانیات	۰۲۶/۵۹۶/۰۰۰	۰۱۹/۵۴۹/۰۰۰
		مالیات قند	۰۱۷/۱۶۴/۰۰۰	۰۱۹/۷۰۸/۰۰۰
		مالیات نفت	۰۰۵/۰۰۰/۰۰۰	ندارد
		مالیات از کبریت و رنگ	۰۰۷/۰۰۰/۰۰۰	ندارد
		رسم گمرکخانه ها	۱۳۴/۵۸۳/۰۰۰	۱۱۵/۷۴۴/۰۰۰
[illegible]		قیمت (تمبر) مخصوص باحکام و اسناد و تمسکات و عرایض و غیره	۰۱۹/۸۰۰/۰۰۰	۰۱۶/۵۴۴/۰۰۰
		حق ثبات دفاتر و سجلات مقاولات و محاکم	۰۱۰/۱۱۰/۰۰۰	۰۱۰/۴۲۰/۰۰۰
		حق فراغ و انعقاد و استقلال اراضی	۰۰۳/۷۰۰/۰۰۰	۰۰۳/۴۰۰/۰۰۰
		قیمت تذاکر مرور و پاسپورت	۰۰۳/۴۹۵/۰۰۰	۰۰۳/۴۹۳/۰۰۰
		رسوم استعمال راه آهن که از برای واگونهای سریع السیر از مسافرین و صاحبان مال التجاره گرفته میشود	۰۰۸/۱۰۰/۰۰۰	۰۰۹/۰۰۰/۰۰۰
		رسم امنیت از ضمانتنامه های بیمه حریق	۰۰۳/۲۷۷/۰۰۰	۰۰۳/۳۱۱/۰۰۰
		تفاوت عمل از مواجب مأمورین و غیره	۰۰۱/۱۵۱/۰۰۰	۰۰۱/۰۹۰/۰۰۰
		عوارض مختلفه	۰۰۳/۶۵۲/۱۵۹	۰۳/۲۸۸/۸۴۰
	مخصوص بشخص [illegible]	قیمت و براق از معدنها	۰۰۲/۷۷۳/۷۸۹	۰۰۲/۰۰۷/۷۵۵
		مسکوکات جدیده معدنیه	۰۰۰/۲۰۱/۸۰۰	۰۰۰/۲۶۸/۲۴۰
		مداخل پستخانه ها	۰۱۷/۳۵۲/۵۰۰	۰۱۷/۱۰۹/۰۰۰
		مداخل تلگرافخانه ها	۰۰۹/۶۵۴/۰۰۰	۰۰۹/۶۴۴/۶۳۰
[illegible]		مداخل املاک و قرای خالصه	۰۰۸/۹۲۲/۸۸۴	۰۰۸/۶۸۷/۳۳۵
		مبایعات از حاصلات اراضی دولتی	۰۰۰/۶۳۷/۸۱۹	۰۰۰/۸۹۴/۲۸۸
		مداخل جنگلهای دولتی	۰۱۲/۷۸۸/۳۰۴	۰۱۲/۹۱۸/۱۳۶
		قیمت حاصلات معادن امپراطوری و از موسسات آنها	۰۰۵/۷۸۳/۴۰۰	۰۰۵/۷۸۳/۰۴۸
		مداخل راههای آهنی دولتی	۰۲۱/۸۳۶/۲۱۰	۰۱۵/۷۴۳/۷۶۶
		منافع قرای تیول و املاک ضبطی دولت	۰۴۳/۲۲۹/۷۷۳	۰۴۳/۷۴۴/۲۰۸
		مالیات اهالی قرای خالصه	۰۵۳/۴۶۴/۷۸۷	۰۵۳/۰۶۶/۹۱۱
		رسم امتیاز از تأسیسات علمیه و فنیه و صناعیه و کتب و رسایل و روزنامه ولایات	۰۰۱/۶۰۸/۰۳۴	۰۰۱/۴۲۷/۸۵۰
		منافع فروش محصولات	۰۰۲/۰۴۰/۶۹۷	۰۰۲/۱۱۱/۲۵۸
		وجوهی است که شرکتهای راه آهن از برای ادای تنزیل اسناد شرکتی خود بخزانه میدهند	۰۴۷/۰۹۲/۰۳۰	۰۳۴/۱۶۱/۹۵۲
		مداخل و تنزیل اسناد اعتباری دولت که در بانک محفوظ و متداول است	۰۰۸/۲۵۷/۸۲۸	۰۲۱/۷۵۴/۶۹۴
		حق تعلیم علومی است که از شاگردان مدارس مخصوص هر سال گرفته میشود	۰۰۰/۷۱۷/۱۴۹	۰۰۰/۷۱۲/۳۴۸
		اقساط و وجوهی است که [illegible] با اهالی بعضی بلاد از جانب خزانه دولت قرض داده شده	۰۲۱/۵۰۵/۲۲۷	۰۲۰/۲۴۰/۰۸۱
		جزای نقدی و خرج محاکم و حقوق تحصیلیه	۰۰۱/۴۶۷/۵۱۸	۰۰۱/۴۴۰/۸۹۶
		مداخل عایده از تفاوت عمل بلاد و غیره بخزانه	۰۱۳/۲۴۱/۷۰۶	۰۱۲/۵۹۸/۳۱۴

منقول از صفحه اول

شرح	۱۸۸۷	۱۸۸۸
مالیات متنوعه	۰۱۰/۲۵۲/۰۱۵	۰۱۵/۰۸۰/۹۲۷
امدادیه از جانب اهالی بجهت تجهیز قشون	۰۰۳/۳۶۴/۱۱۵	۰۰۳/۷۲۲/۱۰۰
بدل سندات حصر	۰۰۸/۶۲۰/۰۰۰	۰۰۰/۷۱۵/۰۰۰
اقساط طلب خزانه از شرکتهای راه آهن	۰۰۱/۶۲۵/۰۰۰	۰۰۱/۰۰۰/۰۰۰
وجوهی است که از جانب اشخاص بخزانه قرض داده شده و بموعد معین بخزانه استرداد خواهد شد	۰۰۹/۵۰۰/۰۰۰	۰۰۷/۵۰۶/۹۱۰
بقیه وجوهی است که از مداخل دولتی سال گذشته در بقایا مانده است	۰۲۲/۰۵۸/۶۴۳	۰۲۵/۷۸۰/۸۸۵
مقابل اسناد دولتی که در سال گذشته از برای ساختن بنادر و راه آهن بندا... انتشار شده	۰۲۴/۴۶۳/۰۷۹	ندارد
قیمت اقلات قرضی و مصرفی که از معادن و کارخانجات دولتی بعسکریه و بحریه داده میشود	۰۰۲/۳۰۶/۱۵۷	۰۰۱/۸۵۵/۰۹۰
قیمت ماکولات و مشروب و سایر لوازم که از دولت جنگ بحریه و سایر وزارتخانه داده شده است	۰۰۰/۸۶۴/۹۲۱	۰۰۰/۷۳۴/۵۰۷
تمامی مداخل دولت روس در سال ۱۸۸۸ عبارت از هشتصد و هشتاد و هشت	۸۸۷/۳۳۱/۶۷۲	۸۸۸/۰۸۲/۱۱۰
ملیون و هشتاد و دو هزار و یکصد و ده منات، یعنی پانصد و نود و دو کرور	۵۹۷/۲۸۰/۵۵۷	۵۹۳/۰۲۷/۳۷۰

و بیست و هفت هزار و سیصد و هفتاد تومان رایج ایرانست.

از این موازنه معلوم میگردد که: چهار کرور و دویست و سی و شش هزار و هشتصد و سیزده تومان نسبت بسال گذشته مالیات امسال اضافه شده است.

مخارج مخصوصه دولتی در سال سابق و حال

قروض

شرح	موازنه سال ۱۸۸۷ منات	موازنه سال ۱۸۸۸ منات	تنزیل	رأس المال
از برای تنزیل و اقساط رأس المال ...	۳۳/۹۲۸/۹۹۷	۰۳۳/۸۷۱/۲۷۷	۲۳/۸۳۷/۳۶۶	۱۰/۰۳۳/۹۱۱
فرق قیمت مسکوکات و حق الجعاله صرافخانه	۲۳/۸۵۸/۲۴۹	۰۲۷/۲۱۷/۰۵۸		
از برای تنزیل و اقساط رأس المال پانزده فقره دیون	۱۲۰/۱۲۱/۲۷۷	۱۲۳/۶۰۰/۹۹۵	۷۴/۴۲۷/۵۷۹	۴۸/۲۷۳/۳۱۶
از برای جمعیت راه آهن و تخلیصیه	۷۵/۲۹۴/۲۵۳	۰۷۰/۲۷۸/۱۳۳	۶۱/۶۷۰/۷۲۳	۹/۶۰۷/۴۱۰
			۱۶۱/۸۳۹/۶۶۸	۶۷/۳۳۰/۶۳۷
فرق قیمت مسکوکات و حق الجعاله صرافخانه	۲۶/۳۶۹/۹۲۶	۰۳۱/۴۷۱/۵۰۹	۵۳/۴۴۳/۲۲۲	۲۳/۴۷۴/۵۳۵
از این موازنه معلوم میگردد که: دولت روس در همین سال دویست و هشتاد و چهار ملیون	۲۷۸/۵۹۱/۶۹۴	۲۸۷/۹۳۹/۴۷۲		
و نهصد و سی و نه هزار و چهارصد و هفتاد و دو منات یعنی نود و شش کرور و دویست	۰۹۳/۳۶۳/۸۹۸	۰۹۴/۳۲۹/۸۲۴		

صد و هفتاد و نه هزار و هشتصد و بیست و چهار تومان فقط از برای تنزیل و اقساط رأس المال قروض متفرقه خود کارسازی خواهد کرد. و از این مبلغ پنجاه و ... کرور و چهارصد و چهل و سه هزار و دویست و بیست و دو تومان تنزیل و بیست و دو کرور و چهارصد و هفتاد و سه هزار و پانصد و چهل و پنج تومان مقابل اقساط رأس المال قروض باقی فرق قیمت مسکوکات و حق الجعاله بانک است.

هیئت مجمع عظمی

شرح	۱۸۸۷	۱۸۸۸
مواجب و مخارج خلوت و دوائر تحریریه و مسایره امپراطوری	۹۴۸/۹۸۰	۱/۰۱۳/۳۰۵
مواجب مشاوران و جمعیت قوانین و احکام صادره از امپراطور و امپراطریس	۳۳۲/۹۳۶	۰/۳۱۸/۴۳۱
مواجب مأمورین اداره تقدیم معروضات وزراء	۰۹۳/۴۶۰	۰/۰۹۷/۷۷۵
مواجب منشیان مخصوص امپراطوری	۵۰۷/۹۹۳	۰/۵۰۸/۰۷۰
مواجب اعضای کمیسیون مخصوص بقبول عرایض و منشیان اسرار و اداره تحریرات	ندارد	ندارد
خرج سفر تمامی مأمورین و خدام عمارت سلطنتی	۱۰۳/۲۵۵	۰/۱۰۹/۱۳۵
مواجب مربیان اطفال	۰۷۸/۷۴۲	۰/۷۰۸/۵۸۹
	۲/۰۶۵/۴۷۶	۲/۱۲۵/۳۰۵

	شرح	۱۸۸۷	۱۸۸۸
وزارت امور مذهبیه	مواجب و مخارج اداره مرکزیه	۲۴۶/۷۸۹	۲۴۶/۷۸۹
	مواجب خلفا و رهبانان و شماسان و جمعیات آنها	۱/۴۳۷/۴۹۳	۱/۴۴۱/۹۶۳
	مخارج دیر کزینات و معتکفات	۰/۴۰۲/۴۷۲	۰/۴۰۲/۴۷۳
	مخارج و مواجب ادارات روحانیه شهرها و مواضع	۶/۳۹۲/۰۲۲	۶/۳۹۹/۹۰۴
	اعانه تقدیر از جانب دولت بجهت تأسیس و تشکیل مکاتب رهبانان	۱/۷۳۸/۰۶۰	۱/۷۴۴/۸۶۰
	از برای نشر آئین ارتدکسی در میان پیروان سایر مذاهب	۰/۱۸۸/۱۲۲	۰/۱۹۷/۲۵۱
	از برای تعمیرات اماکن مذهبیه	۰/۲۶۵/۵۴۱	۰/۲۷۵/۴۹۹
	مخارج متفرقه	۰/۳۰۷/۶۴۳	۰/۳۲۱/۷۳۹
	جمع مخارج امور مذهبیه	۱۰/۹۹۹/۱۳۲	۱۱/۰۳۰/۴۷۷
وزارت دربار	مبالغ مخصوص مخارج مخصوصه امپراطور و امپراطریس و شاهزادگان و شاهزاده خانمها	۱۰/۵۶۰/۰۰۰	۱۰/۵۶۰/۰۰۰
	جمع مخارج وزارت دربار یعنی دو کرور و چهارصد و هشتاد و چهار هزار و ششصد تومان ...	۱۰/۵۶۰/۰۰۰	۱۰/۵۶۰/۰۰۰
وزارت امور خارجیه	مواجب وزیر و مأمورین مرکزیه و کارگزاران داخله وغیره	۳۹۹/۰۷۱	۳۹۶/۱۷۱
	مواجب سفرا و مأمورین سفارات	۱/۸۳۹/۳۵۰	۱/۱۶۱/۶۰۰
	مواجب جنرال قونسولها و قونسولها	۶۲۵/۷۷۸	۶۱۵/۷۷۸
	مخارج فوق العاده وزارت امور خارجیه	۱/۸۳۹/۶۵۹	۲/۰۴۲/۴۲۸
	مخارج متفرقه	۰/۶۶۴/۵۵۰	۰/۶۶۴/۰۶۱
	جمع مخارج وزارت امور خارجیه	۴/۳۴۸/۴۰۸	۴/۵۲۵/۴۳۸
وزارت جنگ	مواجب وزیر و سایر مأمورین مرکزیه	۲/۳۰۵/۶۲۷	۲/۳۰۰/۶۴۳
	مواجب ولاة عسکریه ولایات	۶/۴۵۷/۸۸۳	۶/۵۰۳/۰۴۷
	مواجب معلمین مکاتب و مخارج مدارس عسکریه	۷/۰۰۱/۳۱۱	۶/۸۴۵/۶۶۸
	مواجب و مخارج مأمورین صحیه عسکریه	۳/۷۸۰/۴۴۷	۳/۷۵۱/۹۱۲
	ملبوس	۱۹/۰۰۸/۳۱۱	۱۹/۸۹۹/۶۰۹
	جیره سرباز	۴۰/۱۴۳/۷۵۱	۳۹/۱۱۲/۹۵۰
	علیق حیوانات عسکریه	۱۹/۰۳۰/۰۱۱	۱۸/۷۰۷/۳۸۸
	مواجب قشون	۴۸/۲۹۹/۵۵۴	۴۹/۱۸۸/۹۵۸
	مواجب و مخارج قشون ذخیره و در هنگام اجتماع	۱۳/۸۹۰/۷۶۱	۱۳/۶۶۴/۷۹۶
	مخارج تعمیر ابنیه عسکریه	۱۵/۱۹۱/۴۴۷	۱۳/۴۶۱/۰۱۸
	مخارج کارخانجات اسلحه و ماکولات	۱۰/۷۹۹/۵۸۴	۱۰/۹۸۱/۸۵۹
	مخارج شفریه و مشق و تیراندازی توپچیان	۱/۹۳۸/۴۰۴	۱/۹۹۲/۰۸۸
	مخارج نقلیه عسکریه و اجرت پست و سوخت و عماره	۷/۰۳۱/۷۰۷	۷/۳۴۲/۴۹۱
	مبلغ مخصوص از برای ادارات قزاق عسکریه	۲/۲۹۵/۶۰۰	۲/۳۷۰/۶۰۰
	مبلغ مخصوص بجهة تربیت و مشق قشون احتیاط	۰/۸۲۴/۸۸۳	۱/۲۲۲/۸۰۴
	مبلغ مخصوص بجهة برداشتن نقشه عسکریه از مواقع لازمه	۰/۲۵۵/۵۰۰	۰/۲۶۰/۰۰۰
	مبلغ مخصوص بمجازات و انعام و امدادیه عسکریه	۲/۴۷۱/۱۵۵	۲/۴۳۹/۴۹۱
	مبلغ مخصوص از برای صندوق مخصوص خوراک قشون	۲/۷۳۷/۴۸۶	۲/۹۴۳/۱۷۱
	مخارج و مواجب مأمورین عسکریه ولایت ترکستان	۰/۹۸۳/۳۲۱	۰/۸۸۶/۳۲۴
	مخارج فوق العاده عسکریه	۰/۶۳۳/۹۲۵	۰/۵۳۱/۷۵۳
	مخارج از برای اعمار و احیاء خطة ماوراء الخزر	۱/۹۲۱/۲۵۵	۰/۹۳۸/۵۹۸
	مخارج متفرقه	۰/۹۵۰/۷۴۷	۱/۱۸۸/۱۶۷
	جمع مخارج وزارت جنگ	۲۰۸/۴۶۶/۵۵۱	۲۰۸/۴۱۲/۱۰۸

مواجب و مخارج وزیر و مأمورین مرکزیه و محافظین قلاع		
اعانه دولتی و ملتی از برای تربیت و تعلیم اطفالی که میخواهند ملاحی را تحصیل کنند و انعام [illegible]		
مبالغ مخصوصه بجهة مدارس بحریه		
مواجب و مخارج مأمورین صحیه بحریه		
مواجب قشون بحری		
جیره سرباز		
ملبوس		
مبالغ مخصوص بجهة مخارج سیر سفاین حربی در آبهای [illegible]		
مبالغ مخصوص بجهة مخارج سیر سفاین حربی در آبهای مملکت خارجه		
مبلغ مخصوص بجهة خدمات [illegible] و تعریفات بحریه		
مبالغ مخصوصه بجهة [illegible] بحریه		
مبالغ مخصوصه انشاء سفاین		
مبالغ مخصوصه [illegible]		
اجارات اداره خانه‌ها و از برای انشاء و تعمیرات ابنیه بحریه		
مبالغ مخصوصه از برای مخارج [illegible] بحریه		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج وزارت دریا		
مواجب وزیر و سایر مأمورین مرکزیه		
مواجب مأمورین ولایات		
مخارج مدرسه‌ها		
مبلغ مخصوص از برای [illegible] و کاغذ و سایر اسباب تحریر و اعلانات [illegible]		
مواجب و جیره و اجاره خانه‌های ایتام و بیوه‌زنان		
بابت مبلغ وزارت مالیه [illegible]		
مبالغی است که از برای اطمینان دولت به کمپانیهای راه آهن میدهد		
مبالغی است که از برای تضمینات [illegible]		
مبالغی است که در مقابل خسارت نقود کم‌عیار و ناقص الوزن که از اداره شده است		
اعانات نقدیه از جانب دولت [illegible]		
مخارج سفر [illegible]		
مخارج تعمیرات ابنیه عمومیه که [illegible] و مشروبات و غیره		
مبلغ مخصوص از برای مخارج فقرا و ایتام و بیوه‌زنان		
مبلغ مخصوص از برای اینکه [illegible]		
مبلغ مخصوص از برای مصارف [illegible]		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج وزارت مالیه		
مواجب و مخارج وزیر و مأمورین مرکزیه		
مواجب و مخارج مأمورین ولایات		
مبلغ مخصوص بعملیات و تأسیسات راجعه بجنگل و مدارس زراعت و مزروعات [illegible]		
مبلغ مخصوص بجهة مکافات تشویقیه زراع و صنایع متعلقه [illegible]		
مواجب محافظین و ادارات جنگلها		

وزارت دریا

وزارت مالیه

مخارج تحریر و مساحت املاک و اراضی و ممیزین مالیات		
مخارج ابنیه		
از برای مبایعات معروفات معدنیه که در وزارت جنگ و دریا و راه‌آهن و غیره ابتیاع میشود		
از برای مالیات املاک و اراضی و جنگل دولتی که [illegible] داده میشود		
مبلغ مخصوص بجهة تصفیه نقره خام و [illegible]		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج وزارت املاک		
مواجب و مخارج وزیر و مأمورین مرکزیه		
مواجب و مخارج مأمور تفتیش		
مواجب و مخارج ولاة و ولایات و مأمورین		
مخارج مدارس ملکیه		
مواجب علماء مذاهب مختلفه خارجه		
مخارج امور حفظ الصحه داخلیه و قرانتین		
مخارج محبوسخانه‌ها		
از برای اجاره اماکن و انشاء ابنیه میدهد		
از برای اعانه که دولت بادارات بلدیه میدهد		
مخارج عمارات تلگرافخانه و اداره پست		
مخارج چاپارخانه‌ها		
مخارج تعمیر و محافظت ابنیه و ادوات متعلقه تلگراف و تلفون دولتی		
خرجراه مأمورین که از ادارات بخارج فرستاده میشود		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج وزارت داخله		
مواجب و مخارج وزیر علوم و مأمورین مرکزیه		
مخارج مدارس اطفال (مکاتب ابتدائیه)		
مخارج مدارس درجه ثانیه (مکاتب رشدیه) و دارالفنونها		
مخارج مدارس (ژیمناسی) و صنایع و غیره		
مخارج مدارس علوم مذهبیه		
مخارج مدرسه موسوم بدار المعلمین		
مخارج ابنیه متعلقه بوزارت علوم		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج مخصوصه بوزارت علوم		
مواجب و مخارج وزیر و مأمورین مرکزیه		
مواجب و مخارج مأمورین ولایات		
مدارس متعلقه بوزارت فوائد		
مخارج تطهیر انهار		
مخارج راههای شوسه		
مخارج راههای آهن دولتی		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج مخصوصه بوزارت فوائد		

مواجب هیئت مجلس جلال الاحکام عدلیه و مجلس تمیز
مواجب وزیر و مأمورین مرکزیه وزارت عدلیه
مواجب هیئت قضاة ولایات و نواحی و محال و مجالس مخصوص فوق العاده
مواجب هیئت محاکم و ضبط قدیم
مواجب مأمورین تحریر املاک و اراضی و ممیزین و مهندسین
مخارج مدرسه دولتی علم حقوق
خرج راه مأمورین عدلیه که بجهت تحقیق بعض مطالب بخارج فرستاده میشوند
مخارج خفیه عدلیه
مخارج متفرقه
جمع مخارج وزارت عدلیه
مواجب و مخارج هیئت تفتیشیه جریان حقوق سلطنتی یعنی پولیس خفی
مواجب مدیر و مأمورین مرکزیه انجمنهای دولتی یعنی خیول
مخارج تمامی انجمنها و مؤسسات راجعه بتحصیل دواب سکو و [illegible]
مخارج احیاء اراضی موات
مخارج متفرقه
جمع مخارج اداره خیول
جمع تمامی مخارج
یکسال
وجوهاتی است از برای مخارج غیر مترقبه و مخارج از مخارج معینه در [illegible]
جمع المجموع مخارج
وجوهی که از برای مخارج ساختن راه آهن و لنگرگاه و غیره
علاوه [illegible] و نشان و سایر مزینات نقره مانند که بحساب دولت در [illegible]
یا در کارخانجات وزارت حربیه و بحریه ساخته میشود
مبلغ مخصوص از برای اینکه قبل از وقت بر [illegible] و تعلیق قشون و سایر اسباب و آلات
که از جانب وزارتخانه ها یا کارخانجات اطلاعات [illegible] میدهند داده شود
جمع مخارج فوق العاده
جمع کل مخارج

۱

راه آهن ایران عمده که مسئله پلتیکی

بسط تجارت که در چندین سال باین طرف در جمیع ممالک شاهنشاهی و روز بروز
توسعه پیدا کرده و همه خیرخواهان ایران را وادار نموده برای اینکه وسائط نقل
و تجارت این مملکت را مطمح نظر نمایند

این مطلب مسلم عام است که دولت ایران در زمان قدیم یکی از ممالک با ثروت
مشرق زمین و ملت ایران بسبب ترقی در صنایع و فنون فاتح خود
مفاخرت و برتری بر دیگری از ملل داشت
ولیکن ثروت و برتری این مملکت این بود که سابقاً بمنزله امروز
و ممالک ایران فیمابین حرص و ولع دولتین انگلیس و روس شیر سیاسی
مشکله مصالحه نشده بود
دولت انگلیس زرنگی و باخدعه همیشه در خیال دارد که در این مملکت جای برای
خود باز کند ولی در صورتیکه بخادعت او پی برند و سخت در تعاقب آنها
ایستادگی کرده چندی در هوای نفس و خواهش خود ممالک را در تحت قوت نماید
دولت روس چون خودش از نژاد اهل مشرق زمین است بهمین جهت

۲

بهتر از انگلیسها میتواند خود در تمام ثروت این حصه خاک بنماید فتوحات
این دولت بر خلاف هجوم و حیله‌بازی انگلیس در نهایت تأنی بنا شده و لیکن
بر شمال سورچه همیشه در خیال گرد آوردن و جمع کردن آذوقه و تعاقب نموده
خیانت تسخیر و پیش بردن آمال خود ساعی است چنانکه سیبری را با نگاه اطراف کارها
دولت فراهم آورده چنانکه سرباز نقدینه بخشش پیش میبرند و مرکوبه کار
تمام شده را دیگر چاره نیست باید جسیماً قبول کرد
دولت ایران ناچار و ناامید است که پیش بندی ولع و حرص این دو دولت
رقیب را بنماید و تا بنا بنهایت آرامی ولی در کمال جرئت و آمال آینده
نشان بدهم که دولت ما را ایشان هم جاده در میان دارد و میخواهم که در اعلا
ترقی قدمی پیش گذارد
این مطلب مسلم است که اولین اسباب زندگانی و ترقی یک مملکت راه آهن است
چنانچه بواسطه این راه تجارت زراعت و صنایع که منبع ثروت
قدرت است توسعه پیدا کرده و راه آهن موجب تهیه ... داخله
و خارجه بوده منبعه مملکت را از خارجه میرساند و باعث مزید ثروت میگردد
اگر بدقت نقشه خاک ایران ملاحظه شود عمده کشیدن راه ... برای آن

یک خط راه‌آهن از شمال بجنوب این مملکت بنا نهاده شود
امروز مهمترین خروج تنها راه ایران منحصر بهمین دو بندر انزلی و محمره است خط
راه‌آهن از راه تهران کشیده شده و به عراق و عجم کردستان فراهان
و لرستان که همه از ممالکات حاصلخیز ایران میباشند عبور کرده به محمره
خواهد رسید محمره در شط العرب و در مصب رود کارون و تقریباً نقطه
کیلومتر در پایین اتصال شط و فرات بهمدیگر واقع شده محمره بهمین ملاحظه
بهترین راههای تجارتی ایران است بلکه میتوان گفت راهی است که موجب
استخلاص و آزادی ایران در آتیه خواهد بود اگر چنانچه راه‌آهن از آنجا تا سرحد روس بشود
بندر محمره بازار مهمی است که تجارت غرب مملکت ایران را در وهله اولی
و ترقیات توسعه خواهد داد
بمناسبات مذکوره فوق بندر محمره به بندر بوشهر رجحان کاملی دارد و در آتیه
محمره و رود کارون است که بعدها این راه تجارت ایران به یوروپ و هند و سایر
نقاط مشرق زمین باز خواهد شد
دولت انگلیس اهمیت تجارتی و جنگی محمره را از نظر دقت سنجیده و اظهار داشته است
در فکر و تدارک این است که در آن حوالی قلعه بنا کند که جلوگیری از تاخت کرده و نگاه

ولی چون اعلیحضرت قدرتهای ایرانی اهل بصیرت بهره در کارها دارند و نتیجه
در سبب رقابت دولتین انگلیس و روس در این نقطه مشرق زمین دیر یا زود
حوادثات عظیمه روی خواهد داد مستملکه مانع از جریان تصرفات انگلیس در خصوص
محمره بوده و میباشند ولی حق بصیرترین ملت ایران وجود های این مشاغل مرات
دولت روس همواره خیالاتش صرف تصرف و تسخیر
ممالک مشرق زمین است فقط لازم است به پطر کبیر شاه این
مدعیات چنانچه پطر کبیر در همان وصیت قید نمود از جمله تکالیف ارکان
روس این است که همیشه این نکته را در نظر داشته و در تعقیب باشند
... و وسیله کمتر خورده با بندر بوشهر و بندر و شهر عباس نزدیک گشته
محمره ، دولت عثمانی و دولت ایران سیرنشینی دارد که این دو دولت را
مغلوب و مخذول دارند در خاک ... کشتی‌سازی نموده این دریا را
بتصرف خود در آورند ضمناً دولت ایران که تشنه ... و خلیج
خلیج فارس شوند و بندرهای در جنوب مملکت از بزرگترین قطعات
روی زمین است خود را برسانند)
خالی از زبانت نیست که تفصیلی نداشته که رئیس اداره شرقیه دولت روس

که یکی از دوستان من کرده بود برای آگاهی آن دولت ایران در اینجا قید کنم
[ا] دولت روس به هیچ وجه راضی نیست که دولت ایران راه آهن داشته باشد
و بدین جهت نتوانسته خود را از قید ذلت خلاص کند تکلیف دولت بارها این
که نگذارد دولت ایران پیش برود این تشخیص شده از زمان پطر بوده
از حوادث اخیر این عهد معلوم شد که وصیت پطر کبیر از نظر روسها محو نشده
پیروی کلمه‌های او را مینمایند چنانچه روسیه خط راه آهن خود را که در ترکستان
از عشق آباد گذرانده هر روز به سرحد ایران و افغانستان نزدیک‌تر شده
و بطرف هندوستان که منتهی آمال اوست سیر میکند
با خط راه آهن بادکوبه تفلیس و باطوم هم دولت روس منظور دارد که تجارت
ایران را در چنگ قفقاز نگه دارد و میخواهد که قفقاز را راه تجارت آسیای
وسطی و یوروپ قرار دهد چنانچه در زمان قدیم در ممالک سیاه و گرجستان
تجارتخانه‌های بزرگ همین کار را کرده‌اند علاوه بر اینها دولت روس در خیال
این است که دهنه خلیج فارس شده انگلیس را در تصرفات هندوستانی
متزلزل نموده تجارت انگلیس را با هندوستان و چین را باطل کند
هرگاه دولت روس از طرف شمال و مغرب و شمال غربی تصرفات

هندوستان انگلیس از خشکی هجوم آور شود و از طرف دریای هند هم کشتیهای خود را مانع
از عبور و مرور کشتیهای انگلیس و هندوستان شود یقیناً حکم نمود که کار دولت انگلیس در تصرفات
هندوستانی خود زیاد صعب و دشوار خواهد گردید
پس دولت ایران هم باید به هر راهی و هر درجه که ممکن است از مدعی این دولت
رقیب احتراز کند و نگذارد که دولت انگلیس حق ترقی کشتی در رود کارون
چنانچه سالها است این آرزو را داشته باشد و همچنین به هر دو دولت اجازه ساختن
راه آهن خلیج فارس را ندهد
ساختن راه آهن در ایران که امروز لازم نموده است باید به توسط سرمایه یک دولت
دوست باشد که دولت در ایران غیر از منافع تجارتی مقاصد خطر دیگر نداشته باشد تا
بقدر استعداد داشته باشد که در حین ظهور خطر فیمابین انگلیس و روس استقلال
دولت ایران را که حافظش باشد از مدعیان دولتین مصون نماید ثابت و پایدار
کرده نگذارد این ملت قدیم طعمه حرص و ولع دو دولت متجاوز گردد
از آنجا که سالهاست عمر خود را در ایران صرف کرده بهمت چاکری و بندگی در آستان
پادشاهان تحصیل نموده برای این مملکت میل مفرط دارم و با کمال صدق تقدیم این اوراق
و همچنین بجهت سابقه‌ام تکلیف است که در ادای حق شناسی و شکر نعمت

۷

در تهیه اسباب ترقی ایران بقدر قوه خود سعی و کوشش نمایم و آنچه متعلق بآینده خود
برسد و خیرخواهی از شخص اول خود دارا کنم

اگر فرضاً راه آهن ایران را از دریای خزر بخلیج فارس با پول و ثروت ملی بکشم اولاً
حق وطن پرستی خودم را ادا کرده ام ثانیاً این حقوق ملی را رد کرده ام که محبوب
ملت خواهم شد

دولت ایران که محتاج بتجارت خارجه از خارج داشته باشد زیرا که چه فوائد
بدست این سرمایه دولت خارجی که بسبب خطر پلتیکی داشته باشد بغیر از
این مقاصد عالیه همیشه منظور نظر اعلیحضرت پادشاه و دولت ایران بوده و هست
از حسن نیت و علو همت پادشاه عادل دولت ایران سرمایه
دولت دولت میتواند بمدارج عالیه برگشته ثروت خود افزوده بلکه مملکت
کیومرث سابق گشته و ترقیات گذشته خود را از نو تحصیل کند

وصل نمودن طهران بخلیج فارس یکی از کارهای بزرگ و مهمه دنیا است
و این یک بنای یادگار گران بها بنام نامی اعلیحضرت پادشاه ایران است

۸

و همسایگان دولت علیه که مجاور ایشان هستند منتفع خواهند شد هرگاه این خط اهم
عالم ظهور و بپایان برسد منافع حاصله از آن بیشمار است اولاً
دولت ایران راه مراوده بلاواسطه با ممالک اروپ بدست آورده
ثانیاً از محاذات بجهت بروس و انگلیس چنانچه تا امروز گرفتار است در کار
تجارت خود آزاد و خلاص خواهد شد در اینصورت تجارت ایران از مخارجی که
تا امروز متحمل آن میشده و دولتین انگلیس و روس میبردند آزاد گشته
تجارت توسعه پیدا نموده و بسبب از اینکه در منطقه خارجه حاصل
خواهد گشت پول ایران کمتر بخارجه خواهد رفت

علاوه بر منافع مسطوره فوق راه آهن از نقاط مهم از خاک ایران عبور
خواهد کرد که در زمان قدیم این نقاط مایه شرف و افتخار و ثروت
و بزرگی دولت ایران بود و بواسطه ایجاد بسط تجارت و ترقیه صنایع
و ضبط مهم پلتیکی در آنجا نموده دولت ایران از عهده و ظهور
آنها بهره مند خواهد شد

راه آهن باعث شرف و ترقی عمومی زراعت شده و حاصل مملکت را
بخارجه و جاهای دور فروش خواهد رساند این راه زراعت تنباکو و قهوه

و بانکها و تجارتخانه‌ها و غیره را که بعضی از آنها در ایران کمپانیها پدید
و معدوم شده‌اند از نو بکار خواهد نمود و بدین سبب ثروت ملی را
افزوده اهالی فقیر و بی استطاعت ایران را که همواره عادت بکار
کردن و زراعت دارند از فقر خلاص خواهد نمود بدیهی است که کارات
راه آهن جزئی نبوده چندین هزار نفر را بکار خواهد داشت
حال لازم است که ملاحظه فعلیت این راه را بکنیم از کجا باید بگذرد
چه قدر مخارج لازم دارد عایدات بچه اندازه میشود و مختصراً ملاحظه
سود و زیان آورد کرده باشیم بعد از آنکه منافع این راه را در مقابل
سرمایه مصرف شده ثبوت رسانیدیم بدلائل خواهیم نمود که
منافع عایده از آن برای مملکت تا چه درجه مهم است و نیز بیان
خواهیم نمود که بچه راه و طریقه باید این مقصود را مجری داشت
دو خط برای راه آهن ایران در نظر است یکی خطی است که به بندر
بوشهر و دومی راهی است که بمحمره منتهی میشود خط اولی که از قم
و کاشان و اصفهان و شیراز عبور کرده به بوشهر میرسد در بادی
نظر راحت‌تر و مستقیم‌تر میباشد ولی اشتباه است از او در سیصد الی چهارصد

کیلومتر بیشتر از خط راهی است که بمحمره می‌پیوندد
علاوه اشکال زیاد در خط اولی رسانیدن این راه از شیراز به بوشهر است
و در بندر بوشهر نیز نقصهای زیادی بکار ادارات افزوده میشود زیرا که
بندر مزبور بواسطه کثرت ریگ دریا برای لنگر انداختن کشتیهای بخار
بسیار صعب و دشوار است و کشتیها باید در فاصله شش یا ده کیلومتر
دورتر از ساحل لنگر بیندازند چندی قبل که راه بوشهر را بازدید کردند
مهندسین صرف نظر از رسانیدن سر خط راه آهن به بوشهر نموده از راه
محمره را ترجیح دادند این خط راه هم شعبه اولی از طهران الی قم
و سلطان آباد میرسد ولی از آنجا گذشته اختلاف آراء پیدا میشود
بعضی از مهندسین معتقد بر این هستند که باید خط راه آهن از سلطان
آباد به بروجرد و خرم آباد که پایتخت لرستان است و از آنجا
به دزفول که شهر معمور و در زمانی دارالسلطنه بود متصل شود برخی میگویند
که باید خط راه آهن به کرمانشاهان رسیده و از همدان که اکباتان قدیم
بگذرد و از آنجا به دزفول برسد از دزفول هر دو خط بیک نهج بشوشتر
منتهی شده و از آنجا بمحمره میرسد

هرگاه خط آهنی را که از بروجرد و خرم‌آباد و سایر جاها است ملاحظه بکنیم
راه آهن از طهران الی محمره بیشتر از هشتصد و شصت کیلومتر امتداد
نخواهد داشت و حال آنکه راه کرمانشاهان زیاده از هزار کیلومتر طول
خواهد داشت ولی در هر دو صورت باید که شعبه از راه آهن شوشتر جدا شده
به اصفهان برسد و در قم بهمان خط جمع خواهد بود تهران قم و اصفهان
در این صورت عمده‌گی تجارت بسیار خواهد نمود باز شعبه از راه آهن
در سلطان آباد یا کرمانشاهان جدا شده به بغداد و کربلا خواهد رسید علی ای حال
و علاوه ملاحظه اتفاقات آتیه باید که راه آهن از محمره شروع بشود چه انجام
محمره با بنادر راه آهن عمده‌گی کلی حاصل خواهد نمود

تفصیل ساختن راه را در اینجا بیان نخواهیم کرد مقصود ما این است ثانی
هم از ثروت زراعتی و معدنی صفحاتی را که راه آهن از آنجا عبور خواهد کرد
و بسط تجارتی که از این سبب حاصل خواهد شد و دیگری در عمل که راه آهن باقی
نخواهد گذاشت زیرا که این صفحات برای حاصلخیزی و ثروت طبیعی دارای
گندم جو کنجد کرچک نیشکر تنباکو زیتون و مازو
خرما تریاک و غیره و غیره در این جاها زراعت میشود

در شوشتر نفط از زمین جاری میشود در کنار صحاری و [illegible]
میتوان این نفط را بفروش خوب رسانید انواع و اقسام انگور در آنجا
بعمل میاید و اگر اندک توجهی بشود بمقدار آن مراتب افزوده خواهد شد
و میتوان این متاع را به هندوستان و اقصی بلاد شرق زمین و حتی
ممالک اروپ رسانیده منافع بسیار از آن حاصل کرد

تجارت تریاک که امروز از ده الی دوازده میلیون قیمتدار میشود بسبب
راه آهن بیش از بیش وجه افزوده شده و پیشرفت کلی هم
خواهد رسید

معادن نمک هر یک از نواحی ایران سالیانه هر پول نمک میدهد
که جمع کرده را میتوان در سالی سیصد هزار تومان قیمت کرد اگر این نمک را
بخارجه حمل بکنیم و موقعی که بواسطه راه آهن در حمل و نقل تسهیل رسیده اثر
میتوان بیقین گفت که سالی از صد الی دویست هزار طن به هندوستان
که نمک در آنجا خیلی کمیاب است حمل کرده بفروش رسانید کلکته برای اطلاعها
کمی نمک در ناحیه هندوستان از لیورپول نمک بآنجا میاورند
بواسطه نداشتن راه تجارت این خاک حاصلخیز در اکثر نقاط خالی و بیکار

مانده دهقان فقط بقدر لزوم خود زمین را تخم میکنند دیگر زیادی
باشد جای فروش ندارد حاصل آن می پوسد ولی اگر راه تجارتی در این حال
بکار بیفتد زراعت روش دیگری پیدا خواهد کرد

در سال ۱۸۷۰ گندم از همدان و کردستان بجای دیگر برده نمیشد لیکن در سال ۱۸۹۱
یعنی بیست و یک سال بعد از تاریخ شصت نوزده کرور خروار گندم از همدان و کردستان
بخارج حمل و فروخته شده که سیصد و پنجاه هزار آن فقط حمل انگلیستان
شده در کرمانشاهان و سایر محال حاصلخیز ایران جاهائیکه خروارها گندم
غالباً به نرخ ارزان فروخته میشود و اکثر اوقات بواسطه نبودن راه در انبار
می پوسد بعد از ساخته شدن راه آهن بر شمال همدان و کردستان توسعه زراعت
گندم رست خواهد داد

بعضی از اوقات گندم ایران را به مارسیل بردند و با وجود مخارج گزافی که
از حمل و نقل آن علاوه بر قیمت شده باز در بازارهای فرانسه گندم
ایران خوب بفروش رفته است

برخی از منافع راه آهن را مختصراً در این کتابچه قید کردم ولی از شرح
منافع کلیه آن خودداری مینمایم از ترس آنکه مبادا این تفصیل در نظر

موجب ملالت خاطر مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم کاملاً باشد
مقصود فدوی این است که هر قدر زودتر سیستم ترقی در تحت سرکاری دولت علیه ایران
ویدنو تمام فزودن ثروت این مملکت موجب زنده ماندن نام نیک حضرت اجل
و آن حضرت مستطاب اجل اکرم خواهد بود

١۴٣٧

pour cent) dans le bénéfice net (art 7 de la concession) et le fondateur ou ses héritiers ou ayant-causes auront 25% (vingt cinq pour cent) dans le bénéfice net. Le reste de 65% sera distribué entre les actionnaires.

La Société paiera à l'expiration de chaque année opérative mille (1000) tomans du fait de son monopole des ventes aux enchéres à Téhéran. (Art. 7 de la concession).

VIII.

Le Fonds de reserve.

§ 27. Le fonds de reserve est destiné à couvrir des dépenses imprévues et à completer des dividendes si, dans quelque année, ces derniers n'atteignaient pas le chiffre de 8% (huit pour cent) du capital. Le fonds de reserve ne peut être entamé que sur décision de l'Assemblée Générale.

§ 28. Aprés l'approbation du compte rendu par l'Assemblée Générale il sera prélevé sur le produit net de l'année, c'est-à dire sur la somme qui reste aprés avoir couvert toutes les dépenses et pertes, 10% pour le tresor de Sa Majesté Impériale le Schah Nassereddin conformement à l'art 7 de la concession, au moins 5% (cinq pour cent) destinés à constituer le fonds de réserve.

١۴٣۶

IX.

§ 29. En cas de malentendus, etc. le texte français de la susdite concession, accordée par Sa Majesté Impériale le Schah de Perse en date du $\frac{21 \text{ Avril}}{3 \text{ Mai}}$ 1890 sera consulté, conformément aux stipulations de la dite concession. (Art. 12 de la concession).

X.

§ 30. Tous les cas et toutes les questions non prévus par les présents statuts seront réglés et décidés par décision de l'Assembée Générale des Actionnaires en conformité avec la concession.

L'original porte la signature de Son Altesse le Grand Vizir Amin ous Sultan, certifiée par la Légation Imperiale de Russie à Téhéran en date du $^{9}/_{21}$ Mai 1891 sub. № 141.

l'argent, des droits dûs, qui ne pourront excéder neuf pour cent pour l'estimation, pour la garde et pour l'assurance des objets, valeurs, marchandises, etc. reçus en nantissement ou en dépôt.

Ces droits sont dus à la Société à partir du moment où les objets, valeurs, marchandises, etc, entrent dans les caisses et les dépôts de la Société, jusqu'au moment où ils en sortent pour être rendus à leurs propriétaires.

§ 21. La Société se charge de tous genres de dépôts, de numéraires, de comptes courants et de valeurs ayant cours, excepté les Barattes du Gouvernement Persan, pour les faire valoir; ainsi que de la vente et de l'achat de marchandises de diverses provenances, ainsi que de fonds public pour compte de tiers, et délivre des documents y relatifs, soit des quittances, des livres de chéques, des warrants de dépots, etc. etc. Les conditions seront fixées de commun accord entre la Société et ses clients et inscrites dans des livres à cet effet.

§ 22. Le taux de l'intérêt ne doit pas dépasser de 12 à 18% (de douze à dixhuit pour cent). La Société accorde des prêts et des avances contre nantissement de marchandises et toutes valeurs, fonds publics, (excepté les Barattes du Gouvernement Persan), lettres de change et divers objets, mais elle peut refuser tout ce qui serait en mauvais état ou dont la garde serait

dangereuse ou impossible. (Art. 13 de la concession).

§ 23. Le montant des prêts et avances ne peut dépasser 75% (soixante quinze pour cent) de l'estimation faite pour les métaux précieux; et 50% (cinquante pour cent) pour tout le reste. L'Assemblée Générale seule peut modifier les taux sus-dits.

§ 24. Les objets, effets, marchandises, fonds publics etc., donnés en gage à la Société ne peuvent être sequestrés ni vendus pour dettes des emprunteurs envers tiers ou autres causes qu'aprés plein remboursement de la Société. (art. 10 de la concession).

VI.

Comptabilité.

§ 25. Il sera dressé un compte rendu detaillé de toutes les opérations et le bilan des virements de la Société tous les douze mois, pour être soumis à l'approbation de l'Assemblée Générale des Actionnaires.

VII.

Répartition des bénéfices.

§ 26. Le Tresor de Sa Majesté Impériale Nassereddin Schah aura une part de 10% (dix

causes et les personnes invitées par lui à participer dans l'entreprise et ne pourront être modifiés que par décision de l'Assemblée Générale et suivant le réglément qui sera établi à cet effet: pour l'époque et le mode des convocations; pour les droits et les obligations; pour les questions à débattre et à resoudre; pour la confirmation des comptes rendus, pour la décharge à donner à l'administration; pour les élections; pour l'établissement du controle; pour la nomination des organes y relatifs; pour l'augmentation ou la réduction du capital actions et obligations, pour l'époque et le mode des émissions; pour l'emploi des sommes libres; pour les opérations de credit et autres; pour les ouvertures des succursales et des agences; pour l'acquisition des immeubles nécéssaires pour les opérations de la Société etc; pour le mode de ballotage et de la mojorité nécéssaire pour la validité de chaque décision, prise tant par l'administration, comme par les assemblées générales; pour le développement des opérations, et pour la liquidation partielle ou définitive des affaires; pour la distribution du bénéfice; pour la part du Trésor de Sa Majesté le Schah (art. 7 de la concession) et pour celle du fondateur ou des ses héritiers ou ayant causes; pour la dotation du capital de reserve; pour la fondation de caisses de secours; pour les droits et

obligations des actionnaires; pour le droit d'assister aux assemblees générales et de prendre part aux délibérations et aux décisions; pour le droit de vote; pour le droit de réclamation de la part des actionnaires, mécontents de la gestion des affaires; pour la validité des assemblées générales et de leurs décisions; pour les modifications à porter aux statuts et aux réglements etc, etc.; pour les propositions que les actionnaires auraient à faire aux assemblées générales; pour les contestations entre l'administration et les actionnaires; pour le décompte du bénéfice brut et du bénéfice net; etc. etc.

V.

Les opérations.

§ 19. Les opérations doivent être en conformité avec la concession, les statuts de la Société et les réglements élaborés par elle.

Les réglements concernant les opérations de prêts sur gages et avances contre marchandises doivent être affichés dans les bureaux de la Société, et tout changement dans les dits réglements doit être communiqué au Gouvernement en vue de l'article 6 de la concession.

§ 20. Conformément à l'Art. 16 de la concession la Société perçoit, outre les interêts pour

porteur des certificats provisoires, des actions ou des obligations en est le propriétaire. Dans aucun cas un titre quelconque ne peut être soumis à un fractionnement.

§ 14. Tous les actionnaires sont également soumis aux régles des présents Statuts, ainsi qu'aux décisions des Assemblées Générales des Actionnaires.

§ 15. Au fur et à mesure du développement des opérations de la Société son capital actions ou obligations peut-être augmenté, suivant décision de l'Assemblée Générale des Actionnaires.

III.

L'administration.

§ 16. L'organisation et l'administration sont à la charge de la Société (Art. 5 de la concession).

Remarque. Les agents et représentants de la Société peuvent être sujets Persans (Art. 9 de la concession).

§ 17. L'administration sera composée de sept membres, dont deux à nommer par le fondateur ou ses héritiers ou ayant causes et cinq par les actionnaires. L'administration sera organisée suivant entente entre le fondateur ou ses héritiers ou ayant causes et les personnes qu'il aura invitées à participer dans l'entreprise et ne pourra être modifiée par la suite qu'avec le consentement du fondateur ou ses héritiers ou ayants cause:— pour le terme du mandat des administrateurs; pour leur remplacement en cas de maladie, d'absence prolongée ou de décés; pour la destitution avant terme en cas d'insuffisance; pour leur rétribution; pour leurs droits et leurs devoirs; pour leur réélection; pour leur responsabilité envers la Société; pour la nomination de gérants, et de membres de la Commission Permamente (voir Art. 11 de la concession); pour l'organisation de l'ensemble des opérations; pour la comptabilité es les comptes rendus; pour les frais généraux; pour l'emploi des sommes libres; pour les signatures, dont doivent être munies toutes les lettres, actes, documents, engagements etc. de la Société; pour les modifications à porter aux statuts et aux réglements, etc. etc.

IV.

Assemblées Générales des Actionnaires.

§ 18. Les assemblées générales seront ordinaires et extraordinaires.

Les détails y relatifs seront établis par le fondateur de la Société ou ses héritiers ou ayant

II.

Le capital de la Société.

§ 8. Le capital de la Société est fixé à cinq millions de francs, dont un million à verser dans le courant de six mois, et le reste par versements successifs suivant décision de l'Administration de la Société. (Art. 5 de la concession).

§ 9. La Société devra commencer ses opérations au plus tard dans dèux ans après signature de la sus-dite concession. Quand la Société sera formée, ses statuts devront être présentés au Gouvernement Persan; ce n'est qu'alors qu'ils entreront en vigueur et que les opérations pourront être commencées. (Art. 4 de la concession).

§ 10. A l'effectuation des versements les participants reçoivent des certificats provisoires. Les versements se font conformement aux décisions de l'Assemblée Générale des Actionnaires.

§ 11. Les versements seront portés sur les certificats provisoires, qui seront ensuite remplacés par les actions effectives, signées par l'administration de la Société. Les actions doivent porter des numéros d'ordre et être munies du cachet de la Société.

Remarque. Si quelqu'un des propriètaires des certificats provisoires ne verse pas à terme les sommes appelées, il lui est accordé un mois de

sursis et il doit payer au profit de la Société un pour cent par mois de la somme due. Si après ce délai le versement sur les certificats n'est pas encore fait, ces certificats seront considérés comme annulés et en leur lieu et place la Société pourra émettre des nouveaux certificats. Les sommes réalisées par ces émissions seront employées à couvrir le déficit des versements avec les intérêts—dus pour le sursis, et les frais de vente et autres; le reste, s'il y a lieu, sera remis au ci'devant propriétaire des certificats annulés.

§ 12. Les actions et les obligations de la Société seront au porteur. Chaque action et chaque obligation est munie d'une feuille de coupons pour toucher le dividende ou les intérêts pendant vingt ans, après expiration desquels les porteurs des actions ou des obligations recoivent des nouvelles feuilles de coupons. La transmission des actions et des obligations d'une personne à une autre s'opère sans aucune formalité et chaque personne qui les tient est considérée par la Société comme leur propriétaire.

§ 13. En cas de décés d'un propriétaire de certificats provisoires d'actions ou obligations, ou d'un actionnaire, ses droits passent à ses héritiers légaux ou testamentaires, sans que la Société ait à s'en occuper. Pour la Société le

des dépôts pour la garde des marchandises et autres, avec délivrance de recepissés (warrants); pour escomptes et réescomptes et pour tous genres d'opérations, il est fondé un établissement de crédit sous le nom de „Société de Prêts de Perse". (Article 2 de la concession).

Remarque 1. Le fondateur de la Société est Monsieur Jacques de Poliakoff, Conseiller d'Etat Actuel, Consul Général de Perse (Art. 1 de la concession).

Remarque 2. La concession est accordée pour la création d'une Société de Prêts sur gages et d'un Hôtel des Ventes ainsi que de magasins nécéssaires seulement pour la garde des marchandises des Monts de Piété et Hôtel des Ventes. La durée du monopole est de soixante quinze ans à partir du jour où Sa Majesté aura apposé Sa haute sanction à la dite concession, savoir à partir du $\frac{\text{21 Avril}}{\text{3 Mai}}$ 1890, jusqu'au $\frac{\text{22 Avril}}{\text{4 Mai}}$ 1965.

§ 2. La Société commence ses opérations á Téhéran et les étend successivement sur d'autres villes et places, où et quand elle le jugera utile et nécessaire (Art. 3 de la concession). La Société achète ou loue des immeubles pour installer ses bureaux, ses magasins et ses depôts et les salles de ventes. (Art. 6 de la concession).

§ 3. Les opérations et l'organisation de l'ad-

ministration de la Société doivent être en tout conformes aux stipulations des présents Statuts et garanties par tous les capitaux de la Société, meubles et immeubles.

§ 4. La formation et l'émission du capital actions et obligations de tous genres est à la charge de la Société. (Art. 5 de la concession).

§ 5. Pendant toute la durée de l'existence de la Société ses biens, ses capitaux et ses revenus, ses actes, ses contrats et documents, etc. seront exempts de tous droits, impôts, taxes, redevances, etc. etc. de quelque nature ou dénomination qu'ils soient. (Art. 8 de la concession).

§ 6. Le Gouvernement Persan prend sous sa haute protection la Société, ses biens mobiliers et immobiliers, ses installations et ses magasins et ses employés, et, sur sa demande, il prendra toujours toutes les mesures nécessaires pour la preserver de tout préjudice. Les bureaux, magasins de la Société seront gardés par des Karauls. (Art. 6 de la concession).

§ 7. La Société a un cachet portant sa raison sociale: „Société de Prêts de Perse".

Дозволено цензурою, С.-Петербургъ, 17 Мая 1891 г.

STATUTS

de la

„Société de Prêts de Perse"

fondée conformément à la concession, accordée par Sa Majesté Impériale le Schah de Perse, au Conseiller d'Etat Actuel, Consul Géneral de Perse, Monsieur Jacques de Poliakoff, en date du $\frac{21 \text{ Avril}}{3 \text{ Mai}}$ 1890, enregistrée et visée à la Légation Impériale de Russie à Téhéran, à la même date.

I.

But de la Société, ses droits, ses obligations et ses prérogatives.

§ 1. Pour faire des prêts et des avances contre nantissement de tous genres de fonds publics, lettres de change, marchandises et tous autres objets et valeurs, excepté les immeubles, et les Barattes du Gouvernement Persan; pour la vente aux enchères, et de gré à gré; pour installer

STATUTS

de la

„Société de Prêts de Perse“.

agrées par le Gouvernement Persan en date du 6/18 Mai 1891 et visés à la Légation Impériale de Russie à Téhéran en date du 9/21 Mai 1891 sub № 141.

ST. PÉTERSBOURG.
Imprimerie A. Moutschnik (Liteinaja, 30.)
1891.

ترجمهٔ امتیازنامهٔ فرانسوی العباره که مسیو فابیوس بوواتال از برای راه آهن ایران تقدیم مینماید

صورت ترجمه ایست که در امتیازنامهٔ مذکور نوشته اند :

بملاحظهٔ اینکه ساختن راههای آهن در بعضی نقاط دولت ما فواید بسیار دارد لهذا ما ناصرالدین شاه قاجار که مایل بترقی دولت علیهٔ ایران هستیم بموجب فصول ذیل امر و مقرر میفرمائیم

فصل اول — دولت علیهٔ ایران بر (مسیو فابیوس بوواتال) مهندس رعیت دولت فرانسه امتیاز ساختن یک رشته راه آهن از بحر خزر الی بحر عمان یا بیکی از بنادر خلیج فارس که بعدها مشخص خواهد شد مرحمت میفرماید و مسیو بوواتال را ماذون ساخته که خطوط دیگری را که بجهت امر تجارت و صنایع دولت علیهٔ ایران مفید است امتداد دهد .

فصل دوم — صاحب امتیاز بعد از امضای این امتیازنامه نقشه بجهة نمودن راه آهن را که ساخته خواهد شد باولیای دولت علیه تقدیم خواهد نمود و معلوم خواهد کرد که کدام زمین بجهة راه آهن لازم است و همچنین زمینی را که بجهة انبار و چوب وغیره لازم خواهد شد سه ماه بعد از فرستادن نقشه دولت علیهٔ ایران حکم باگذارکردن اراضی متعلقه بخود که در نقشه قید شده بصاحب امتیاز نموده و صاحب امتیاز بفاصلهٔ شش ماه بعد از این مدت شروع بساختن راه خواهد نمود .

ترجمه ایست که این غلام خانه زاد بدقت نموده است :

بملاحظهٔ اینکه ساختن راههای آهن در بعضی نقاط دولت ما فواید بسیار دارد لهذا ما ناصرالدین شاه قاجار امر و مقرر میفرمائیم :

فصل اول — دولت علیهٔ ایران بمسیو فابیوس بوواتال مهندس رعیت دولت فرانسه امتیاز ساختن یک رشته راه آهن از بندر انزلی واقع بر بحر خزر الی طهران و از طهران الی خلیج فارس بالکلیه اعطا مینماید و آن خط بحره یا بنقطهٔ دیگری که بعد از تحقیقات معین شود منتهی خواهد شد و مسیو بوواتال را ماذون ساخت که شعب دیگری را که بجهة رواج امر تجارت و صنایع دولت علیهٔ ایران مفید داند امتداد دهد .

فصل دوم — صاحب امتیاز فوراً اقدام بتحقیقات خواهد نمود و آنچه زودتر ممکن باشد نقشه را برای تعیین اراضی لازمه که برای راه آهن و متعلقات آن لازم خواهد شد بدولت ایران باید تقدیم نماید که اراضی لازمه برای راه آهن که در نقشه مشخص شده و متعلق بخود دولتست بصاحب امتیاز واگذار شود بعد از واگذار شدن اراضی تا مدت شش ماه باید اقدام بساختن راه آهن شود .

فصل سوم — صاحب امتیاز محق است که در تمام امتداد راه آهن بیست و پنج متر زمین از دو طرف راه متصرف بشود اراضی متعلقه بدولت که از برای راه و ساختن (گار) و انبارها وابنیهٔ دیگر لازم است مجاناً اعطا خواهد شد و اگر زراعت دارد صاحب امتیاز قبل از وقت بقیمت در آورده قیمت آنرا بدولت داده بعد شروع بکار خواهد نمود ، و اراضی که تعلق برعایا وغیره دارد صاحب امتیاز باید با خود مالکین آنها قطع و فصل حق قیمت آنرا نماید ، هرگاه از طرف صاحبان املاک در ادعای قیمت اشکالات و سختی زیادی روی دهد که اسباب تعویق کار و ممانعت عمل کرده بخواهش صاحب امتیاز دولت علیهٔ ایران متعهد میشود که در رفع اشکالات برآید و نوعی قرار دهد که هیچوقت این نوع اشکالات مانع از پیشرفت عمل راه نگردد ، و هرگاه در عرض راه اراضی بلا مالکی هست چنانچه بجهة راه آهن مفید فایده میتواند بشود صاحب امتیاز را ممکن است که این قبیل اراضی متصرف بشود ، مشروط براینکه قبل از وقت دولت علیه را مطلع سازد .

فصل چهارم — خطوط راه آهن باید بطرزی امتداد یابد که بابنیه جات مذهبی از قبیل مساجد و امامزاده ها صدمه وارد نیاید ، و بناهای متبرکه و مقبره وغیرها در کمال احترام و رعایت نموده معاف بدارد .

فصل سوم — صاحب امتیاز محق است که در تمام امتداد راه آهن سی متر از هر طرف راه متصرف بشود ، اراضی متعلقه بدولت که از برای راه و ساختن (مواقف) و انبارها و ابنیهٔ دیگر لازم است مجاناً اعطا خواهد شد ، و اگر زراعت داشته باشد صاحب امتیاز قبل از وقت بقیمت در آورده قیمت مناسبی بدولت داده بعد شروع بکار خواهد نمود ، و اراضی که تعلق برعایا وغیره دارد صاحب امتیاز باید با خود مالکین آنها قطع و فصل حق قیمت آنرا نماید ، هرگاه از طرف صاحبان املاک در ادعای قیمت اشکالات و سختی روی دهد که اسباب تعویق کار و عمل کرده بخواهش صاحب امتیاز دولت علیهٔ ایران در صدد رفع اشکالات بر خواهد آمد ، و هرگاه در امتداد خط راه اراضی بلا مالکی شد چنانچه آن اراضی بجهة راه آهن مفید فایده شود یا اینکه صاحب امتیاز بخواهد آن اراضی را زراعت کند میتواند آنرا متصرف شود ، مشروط براینکه قبل از وقت دولت علیه را مطلع سازد .

فصل چهارم — خطوط راه آهن باید بطرزی امتداد یابد که با ابنیهٔ مذهبی از قبیل مساجد و امامزاده ها صدمه وارد نیاید و نیز از مقابر و امکنهٔ متبرکه رعایت و احترام شود .

فصل پنجم — بعد از امضا و مبادله این امتیازنامه یک ملیون
فرانک در یکی از بانکهای دولتی بطور ضمانت سپرده خواهد شد
که پس از ساختن ده کیلومتر راه صاحب امتیاز اخذ نماید و این
تنخواه که عبارت از یک ملیون فرانک باشد که بضمانت بانک
سپرده میشود در صورت عدم شرایط این امتیازنامه بدولت
علیه ایران تعلق خواهد یافت .

فصل ششم — صاحب امتیاز مأذونست که از اراضی و معادن
و جنگل دولتی اسباب لازمه را از قبیل چوب و آهن و آهک
و سنگ وغیره که بجهت ساختمان و دایر داشتن راه و بناهای
متعلقه بآن لازم افتد بدون اینکه حق مخصوصی بدولت علیه
بدهد مجاناً هر قدر لازم باشد بمخارج خود فراهم سازد
ولی صریحاً قید میشود که صاحب امتیاز بهیچوجه اسباب
و آلات و ادوات مزبوره را مال التجاره قرار ندهد .

فصل هفتم — جمیع مصالح و ادواتی که از خارج می آورند
و بجهت ساختمان یا دایر داشتن راه لازم می باشد پس از تحقیق
اجزای گمرکخانه مبارکه بدون حق گمرک و راهداری داخل سازند
و مصالحی که از داخله مملکت میباشد و حمل و نقل از محلی بمحل دیگر
میشود از حقوق راهداری وغیره در تمام مدت قرارداد نامه
بکلی معاف است . و بنای اراضی و ابنیه و ساختمان وغیره
از هر قبیل که متعلق براه آهن است مالیات وغیره ندارد

فصل پنجم — در وقت شروع شدن عملیات راه آهن صاحب
امتیاز مبلغ یک ملیون فرانک را بعنوان ضمانت در یکی از
بانکهای دولتی بسپارد که اگر صاحب امتیاز در اجرای
تعهدات خود کوتاهی کند آن مبلغ حق دولت ایران باشد
هرگاه ده کیلومتر راه ساخته و تمام شده باشد از وقت صاحب
امتیاز میتواند مبلغ مذکور ضمانتی را از بانک پس بگیرد .

فصل ششم — صاحب امتیاز مأذونست که از اراضی و معادن
و جنگل دولتی اسباب لازمه را از قبیل چوب و گچ و آهک
و سنگ وغیره که بجهت ساختمان و دایر داشتن راه و بناهای
متعلقه بآن و (واگون) ها لازم افتد بدون اینکه حق مخصوص
بدولت علیه بدهد هر قدر لازم باشد مجاناً بمخارج خود
فراهم سازد ولی صریحاً قید میشود که صاحب امتیاز
بهیچوجه حق ندارد که مصالح مذکوره را مال التجاره قرار دهد .

فصل هفتم — جمیع مصالحی که از خارج می آورند و بجهت
ساختمان یا دایر داشتن راه لازم می باشد پس از تحقیق
اجزای گمرکخانه مبارکه بدون حق گمرک و راهداری داخل سازند
و مصالحی که از داخله مملکت میباشد و حمل و نقل از محلی بمحل
دیگر میشود از حقوق راهداری وغیره در تمام مدت قرار دادنامه
بکلی معاف است و بنا ابنیه و متعلقات اراضی و ابنیه و راه آهن از
ادای هر قسم مالیات معاف خواهد بود و همچنین اجزای عملجات

از اجیر جات راه آهن و عملیات و عوایدی که از راه آهن
حاصل میشود بهیچوجه مطالبه مالیات نخواهد شد .

فصل هشتم — محل استقرار کمپانی که صاحب امتیازاست
از برای ساختن و دایر داشتن راه آهنی که این امتیازنامه حق
رفته در یکی از شهرهای پایتخت اروپ واقع گردد و محل اداره
در طهران میباشد .

فصل نهم — در اجیر کردن عملیات — کمپانی خود
مختاراست ولی تا ممکنست از رعیت ایران که ربط و
سررشته این عمل دارند اجیر کند .

فصل دهم — این امتیازنامه از برای نود و نه ۹۹ سال
منعقد شده که اول آن از روز افتتاح رسمی خط راه مزبور
میباشد و باید هفت سال تمام کار راه باتمام برسد یعنی
ساخته شود بعد از انقضای نود و نه ۹۹ سال ساختمانها
باانضمام جمیع ادوات متعلقه بدایر داشتن راه آهن
حق طلق دولت علیه ایران خواهد شد ، هرگاه بخواهند
خطوط جدیدی احداث نمایند باید مجدداً قرارنامه دیگری
منعقد شود .

فصل یازدهم — دولت علیه ایران متعهد میشود که بهیچیک
از کمپانیهای دیگر اذن ساختن یا دایر داشتن

راه آهن . . .

فصل هشتم — صاحب امتیاز مأذون است از اینکه برای احداث
و دایر داشتن راه آهن یک شراکت بی اسمی (انونیم) را تشکیل بدهد
و تعهدات و حقوقی که از این امتیاز مترتب میشود بعهده آن شراکت
واگذار نماید ، مقر شراکت ممکنست در یکی از پایتختهای فرنگ
باشد اما محل اداره باید در طهران باشد .

فصل نهم — در اجیر کردن عملجات و اجزا کمپانی خود مختاراست
ولی تا ممکنست از رعیت ایران که ربط و سررشته و
این عمل دارند باید اجیر کند .

فصل دهم — این امتیازنامه از برای نود و نه ۹۹ سال منعقد شده که
اول آن از روز افتتاح رسمی خط راه مزبور میباشد و افتتاح
رسمی راه باید در مدت هفت سال بعد از واگذاری ارشدیت(؟)
از اطرافین آورده شود بعد از انقضای نود و نه ۹۹ سال تمام ابنیه با ضمیمه
جمیع ادوات متعلقه بدایر داشتن راه آهن حق طلق دولت علیه ایران
خواهد شد مگر در صورتیکه برای امتداد خطوط بنائیهای جدید
شده باشد و در این صورت باید قرارنامه های جدید منعقد
گردد .

فصل یازدهم — دولت علیه ایران متعهد میشود که بهیچیک
از کمپانیهای دیگر اذن ساختن یا دایر داشتن

راه آهن مابین بحر خزر و خلیج فارس راند هد مگر از طهران الی
شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام را . نیز دولت علیه تعهد میکند
که هر وقت از طرف کمپانی دیگر بجهت ساختن خطوط دیگر در ممالک
ایران گفتگوی واقع شود صاحب این امتیاز نامه را به شرایط مقرره
ترجیح بر سایرین بدهد و همچنین تعهد میکند که حمایت لازمه نسبت
بکمپانی مرعی داشته هر نوع اشکالاتی که مانع از پیشرفت کارها است
رفع نماید .

فصل دوازدهم — دولت علیه ایران بصاحب امتیاز ، امتیاز
دایر ساختن دریاچه های نمکی و معادن نمک که در ممالک ایران یافت
میشود با انضمام جمیع معادنی که دایر داشتن آنها امروز بحال دولت
و کمپانی داشته باشد میدهد جنگلهائی که مشرف بخط راه
آهن باشد بکار بردن و آباد کردن آنها نیز بکمپانی اعطا میشود .

فصل سیزدهم — صاحب امتیاز یا کمپانی در تمام مدت این قرارداد
هر سال هشتصد و پنجاه هزار تومان بدولت علیه ایران از بابت
وجه گمرک ایران که بکمپانی منتقل و واگذار میشود خواهد داد این
مبلغ هشتصد و پنجاه هزار تومان نقد طلا یا نقره هر سال به دو قسط

راه آهن مابین بحر خزر و خلیج فارس راند هد مگر از طهران الی
شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام که قبلا داده شده است
و نیز دولت علیه تعهد میکند که هر وقت از طرف کمپانی دیگر بجهت
ساختن خطوط دیگر در ممالک ایران تکلیفی شود صاحب این امتیاز نامه
بهمان شرایطی که کمپانی دیگر پیشنهاد نموده داشته باشد باید حق
این امتیاز نامه را مرجح بداند است و کذالک تعهد میکند که حمایت
و معاونت لازمه را نسبت به مهندسین و کارکنان و عمله جاتی که
در امر تحقیقات و بنا و دایر داشتن راه آهن اشتغال دارند رعایت نماید

فصل دوازدهم — دولت علیه ایران بصاحب امتیاز ، امتیاز
بکار بردن دریاچه ها و معادن نمک را با انضمام جمیع معادنی که دایر
داشتن آنها امروز بحال دولت و کمپانی داشته باشد میدهد
و نیز جنگلهائی که در دو طرف خط راه آهن و متعلق بدولت
باشد کمپانی حق داشته باشد که آنها را استعمال نماید بعلاوه
بعضی اشجار عمل دایر داشتن راه آهن دولت بقدر ..... ذرع زمین
غیر مزروع که متعلق بدولت باشد از هر طرف راه بکمپانی
واگذار خواهد کرد که کمپانی در آن اراضی زراعت نماید .

فصل سیزدهم — صاحب امتیاز یا کمپانی در تمام مدت این قرارداد
هر سال هشتصد و پنجاه هزار تومان بدولت علیه ایران از بابت وجه
اجاره گمرک ایران که در مدت معهود بکمپانی واگذار میشود خواهد
داد این مبلغ هشتصد و پنجاه هزار تومان طلا یا نقره هر سال بدو قسط

داده خواهد شد قسط اول عید نوروز سلطانی که در ابتدای دولت
روز افتتاح راه آهن است و قسط ثانی هر سال ششماه بعد از عید
نوروز گذشته میشود . بیست و یکم ماه مارس فرنگی که اول حمل
میباشد چهارصد و بیست و پنج هزار تومان قسط اول .
بیست و یکم ماه سپتامبر فرنگی که اول میزان میباشد چهارصد
بیست و پنج هزار تومان قسط ثانی .

فصل چهاردهم — هرگاه کمپانی راه آهن یکی از این قسطها را که
در فصل سیزدهم قید شده در سر موعد نرساند یا مسامحه شد
این قرار داد نامه از درجه اعتبار ساقط خواهد گردید .

فصل پانزدهم — کمپانی راه آهن عاید راه آهن و علاوه
آنچه را از وجوه گمرک بدولت ایران بموجب فصول دوازدهم و
سیزدهم داده میشود از بابت تنزیل کردن اصل تنخواه مصروف شده
و شش و نیم درصد تنزیل (آکسیون) و (اوبلیقاسیون) که برای
ساختن راه کمپانی مذکور مقرر خواهد داشت و تنزیل پانصد
اصل تنخواه و منافع پانزده درصد که تنزیلا قسمت خواهد داد
و از بابت مخارج سایر کارها که کمپانی اقدام با آنها خواهد نمود بمصرف
خواهد رسانید و آنچه که علاوه بر این مخارج عاید سالیانه خواهد
داشت بسه قسمت مساوی منقسم خواهد نمود باین معنی که
یک قسمت آن با علیحضرت همایون شاهنشاهی داده میشود
قسمت دوم بکمپانی و قسمت سوم به [illegible] خواهد بود .

پیشکی داده خواهد شد یعنی در بیست و یکم ماه مارس (مطابق نوروز)
که اجاره گمرک بصاحب امتیاز واگذار خواهد شد پیشکی چهارصد
و بیست و پنج هزار تومان بدهد و ششماه بعد که بیست و یکم ماه
سپتامبر فرنگی (مطابق اول میزان) چهارصد و بیست و پنج هزار تومان
بدهد و این قرارنامه در مدت امتیاز دایر باشد .

فصل چهاردهم — هرگاه کمپانی راه آهن یکی از این قسطهای را که در فصل
سیزدهم قید شده در سر موعد نرساند یا مسامحه نماید این قرار
داد نامه از درجه اعتبار ساقط خواهد گردید .

فصل پانزدهم — کمپانی راه آهن باید منافع مخارج دفتر راه آهن
و منافع سایر امتیازات که در فصل دوازدهم و سیزدهم مذکور است باید
بمصرف ادای تنزیل مقرر و استهلاک سرمایه و بجهت سهام و اسناد
قرض که بجهت ساختن و دایر داشتن راه آهن و سایر ادارات بمصرف رسانیده است
خواهد رسانید . از این عواید و منافع ، کمپانی هر سال نقدینه اول
برخواهد داشت که از قرار شش و نیم درصد تنزیل سهام و اسناد قرضه
خود را ادا نماید و نیز سرمایه را بواسطه ترتیب استهلاک کند و کذلک
از قرار صدی پانزده منفعت بصاحبان سهام تقسیم نماید و زیاده
از این هر چه بماند از قرار مسطور ذیل بسه قسمت تقسیم خواهد شد
یک ثلث با علیحضرت شاه داده خواهد شد ، یک ثلث بکمپانی
و یک ثلث بصاحب امتیاز .

فصل شانزدهم — حق دولت علیه ایران است که در حسب اداره کمپانی
مزبور یک (کومیسر) مأمور بگمارد و معین کند و بر کومیسر مزبور
لازم است که کمال مواظبت را معمول دارد که شروط قرارداد نامه ما
از طرف کمپانی موافق قاعده بعمل آید و همچنین حق دارد که نهایت رسیدگی
و کمال غوررسی در کار کمپانی نماید و مواجب این مأمور بر عهده
کمپانی مزبور خواهد بود .

۱۷ فصل هفدهم — از تمام چیزهائیکه متعلق باین امتیاز میباشد مثل
خرید و فروش و غیره دولت علیه ایران حق مطالبه هیچگونه منفعت
وجهی نخواهد داشت .

فصل شانزدهم — حق دولت ایران است که در تحت اداره کمپانی
مزبوره یک نفر (کومیسر) یعنی مأمور بگمارد شغل کومیسر مزبور
اینست که کمال مواظبت را معمول دارد که شروط قرارداد نامه
حاضره از طرف کمپانی موافق قاعده بعمل آید و همچنین حق دارد که
نهایت رسیدگی و کمال غوررسی در امور کمپانی نماید و مواجب این
مأمور بر عهده کمپانی مزبوره خواهد بود .

فصل هفدهم — قرارداد نامه حاضره و ملحقات آن از جمیع
مرقومات و اسنادیکه برای ترتیب شراکت راه آهن یا بر اثر
احداث و دایر داشتن راه آهن لازم خواهد شد و همچنین
جمیع اسناد شراکت و اسهام و اسناد قروض و (بلیت) ها
تنزیل قروض یعنی (کوپون) ها از ادای هر قسم بده دیوانی
و حق (تمبر) معاف خواهد شد .

فصل هیجدهم — اگر چنانچه صاحب این امتیاز یا کمپانی در مدتی
که در فصل دوم معین شده کار نکند این امتیازنامه باطل و
از درجه اعتبار ساقط خواهد شد .

فصل نوزدهم — تمامی گفتگو و مشکلاتیکه مابین کاشتکان کمپانی
و کاشتکان دولت علیه یا مابین اداره ریاست و اجزای دولت در
باب امتیازنامه وارد آید بتوسط یک مجلس میانجی که از طرفین مقرر
میشود میباشد که نصف از جانب دولت علیه و نصف از
جانب کمپانی معین شده در صدد قطع و فصل آن برآید

فصل هیجدهم — اگر چنانچه صاحب این امتیازنامه یا کمپانی
در مدتی که در فصل دوم معین شده اقدام بکار ننموده باشند
این امتیازنامه باطل و از درجه اعتبار ساقط خواهد شد .

فصل نوزدهم — هرگاه مابین کاشتکان کمپانی و کاشتکان
دولت یا مابین اداره کمپانی و امنای دولت منازعه و مناقشه
راجعه باین امتیازنامه روی دهد باید حل آن مسئله راجع بمجلسی
مرکب از وکلای منتخبه طرفین رجوع شود نصف اعضای
آن مجلس از جانب دولت و نصف دیگر آن از جانب کمپانی

و در اتفاقاتیکه ختم گفتگو عادتاً میانجی ممکن نیست یکنفر ثالث
مخصوص یعنی حکم از طرفین باید معین شود که او بر قرار ختم گفتگو را
بدهد و هرچه این حکم مقرر دارد طرفین متقبل گردند .

فصل بیستم — هرگاه بعد از امضای این امتیازنامه الی
ختم عمل جمیع ساختمانهای راه مزبور حادثه عظیمی روی دهد
چنانچه جنگی یا اخبار جنگی شد که باعث اغتشاش عمل کمپانی
گردید و مانع از فراهم آوردن تنخواه شد آن مدتی که در فصل
سوم تعیین شده است از قرار مرضی الطرفین بقدریکه باعث
مکث کار و معطل شده بر مدت بیفزایند و نیز هرگاه طوفانی
واقع گردید موجب غرق شدن کشتی که ادوات راه آهن در آن
حمل است بشود بر نهج مذکور باید معمول داشت .

در طهران در دو نسخه نوشته شد

منتخب شود در صورت عدم اتفاق اعضای این مجلس باکثریت
آراء یکنفر حکم منتخب خواهند نمود و حکم آن حکم قطعی و مرعی
الاجرا خواهد شد .

فصل بیستم — هرگاه بعد از امضای این امتیازنامه الی ختم عمل
جمیع بناهای راه مزبور حادثه عظیمی روی دهد چنانچه جنگ
بالفعل جنگی شایع شود که باعث اغتشاش عمل مواظبت ها
گردد و مانع از فراهم آوردن تنخواه لازمه شود آنگاه باید مدتی
که در فصل دوم قید شده افزود و آنرا باقتضای وقایع بالاتفاق
امتداد داد و نیز هرگاه طوفانی واقع گردد موجب غرق شدن
کشتی که ادوات راه آهن در آن حمل است بشود بر نهج مذکور باید
معمول داشت .

در بلده تهران تحریر گردید

بدیهی است که وجود شرکه و نظم اداره آن از برای دول صاحب منافع کثیره و فواید مهمه است
و در امور ملکی و مالیه و پلتیکی مدخلیت کلی دارد این است که هر دولت توجه کامل باین
مینماید

از بیست پنج حسنه شرکه اینست که دولت میتواند بداند چند نفر از رعایای او در خارجه هستند
و در کجا هستند و بچه قصد رفته‌اند و اسامی آنها را در دفتر مخصوص ضبط و ثبت مینماید
و چون از رعایای او احدی بدون شرکه مرور از مملکت بیرون نمیتواند رفت پای
اشرار و مجرمان بجا عده بسته خواهد شد و بجای ادات فاسده باطراف دنیا منتشر
نمیشوند و ناموس و آبروی دولت در سایر دول محفوظ خواهد ماند همچنین اشخاص اجنبی
که از خارج داخل مملکت میشوند وقتی شرکه در کار باشد و مامورین کاردان مباشر
باشند بتحقیق خواهند پرداخت و خواهند دانست بچه قصد و نیت اشخاص آمده
اگر نفوس مضرت و فساد ببینند امنای دولت را خبردار کنند تا جلوگیری بدارند
و نگذارند وجود او محرک فتنه و مایه مخمصه گردد

نیز دولت هر سال از عدد مهاجرین مملکت خود مطلع میشود و ضمناً ملتفت جهت

۲

مهاجرت میگردد و اگر علت راجع بدولت باشد از قبیل بی‌اعتدالی حکام و کارگزاران
دیوان یا عروض آفات و خرابی ولایت برفع آن میپردازد مختصر با وجود
شرکه دولت میتواند از هجرت مهاجرین و ورود واردین را کلیة بر طبق منافع
خود قرار دهد و از مضرات آن اجتناب نماید و اخر الامر اداره منتظم شرکه علاوه
بر منافع مسطوره و غیرها منفعت دیگر برای دولت دارد یکی آنکه تقریباً پنجاه هزار
تومان عاید خزانه دولت میگردد دیگر آنکه جمعی از چاکران دولت بواسطه اشتغال
باین خدمت صاحب گذران و معاش میشوند و قانون اداره شرکه از قراری است
که در ذیل نگاشته میشود بعد از آنکه امنای حضرت گردون بسطت تصویب نمودند
معلوم است یکی از چاکران آستان آسمان جاه اینکار را اداره کند و مبلغ پول را
هر سال بخزانه مبارکه ایصال نماید و اگر کسی الان اقدام باشد خانه‌زاد بتصدی اینکار
این خدمت را متقبل است و در هر شش ماه از سال بیست و پنج هزار تومان از بابت
وجوه شرکه عاید خزانه عامره خواهد ساخت و قانون منظور از قرار است

(قانون اداره شرکه)

(باب اول در باب تذکره)

فصل اول — کلیهٔ تذکره بر دو قسم است تذکرهٔ مرور و تذکرهٔ اقامت و هر دو قسم باید چاپ شود و جای چند کلمه را که باید با قلم نوشته شود سفید گذارند و هر صد طغرا تذکره را دفتر مانند جلد کرده بمهر دولتی مختوم نمایند و بدست مباشرین دهند

فصل دوم — تذکرهٔ مرور باید روی دو قسم کاغذ چاپ شود یکی روی کاغذ سفید و قیمت آن یک تومان باشد دیگری مثلاً روی کاغذ زرد و مجانی است اما تذکرهٔ اقامت روی سه قسم کاغذ باید چاپ شود مثلاً قسمی روی کاغذ آبی و آن قیمتش سه تومان باشد قسمی روی کاغذ سفید و قیمت آن پانزده هزار باشد و قسمی روی کاغذ کاهی و قیمت آن یک تومان باشد و مدت تذکرهٔ اقامت یکسال باشد پس از انقضای این مدت باطل است و باید تجدید شود

فصل سوم — تذکرهٔ مجانی مخصوص حجاج بیت الله الحرام و زوار عتبات عالیات است و بس غیر از آنها باحدی داده نخواهد شد حجاج و زوار از قیمت تذکره معاف هستند ولی برای حق التحریر و ثبت هر یک طغرا باید یک قران بمحرر بدهند

فصل چهارم — هرگاه کسی تذکرهٔ مجانی باسم حج و زیارت بگیرد و در یکی از بلاد دولت عثمانی بماند و اقامت گزیند قنسولگری آن بلد مأمور و مکلف است که از آن شخص تفاوت قیمت آن اخذ نماید و تذکرهٔ اقامت از درجهٔ اول باو بدهد و در تذکرهٔ او و در رقعه که از همان تذکره در دفتر میماند آن زیادتی را که اخذ کرده ثبت و یادداشت نماید

(باب دوم در احکام عمومی)

فصل اول — هر کس بخواهد از ممالک ایران بخارجه برود باید حتماً بحکم قانون دولت تذکرهٔ مرور دریافت نماید

فصل دوم — در تذکرهٔ مرور باید تبعه بودن صاحب تذکره و اسم و وطن و صنعت و سیما و نام او و پدر او و جائی که خواهد رفت بدو زبان نوشته شود اگر بممالک دولت عثمانی میرود بفارسی و ترکی عثمانی اگر بروسیه بفارسی و بروسی اگر بسایر ممالک فرنگ بفارسی و فرانسه و تذکرهها بمهر دولتی مختوم شود

فصل سوم — هرگاه کسی با زوجه یا خواهر یا دختر خود یا زن دیگر از محارم خود یا پسر و نوکر و خادمهٔ خود بخواهد بخارجه رود اسامی نسوان در تذکره نوشته میشود

تکالیف ویزا و سایر مراتب برشرح مسطور در فصل سابق در تذکره دیگر و فقط قیمت یک تذکره گرفته خواهد شد

فصل چهارم — از مسلمانان ایران احدی نمی‌تواند زن با خود بممالک فرنگ و بلاد غیر اسلام ببرد اعم از اینکه آن زن زوجه و خواهر و مادر و محارم او باشند یا خادمه و غیره پس مباشرین تذکره نمی‌توانند تذکره بمسلمات برای رفتن ببلاد غیر اسلام بدهند

(باب سیم در شرایط گرفتن تذکره)

فصل اول — عموم شاهزادگان و میرزادگان و امرا و وزرا و خوانین و سایر طبقات نوکر از اهل نظام و غیر نظام حتی تکفیر سرباز بدون اجازه رسمی دولت نمی‌توانند بممالک خارجه سفر نمایند و مباشرین تذکره تا اجازه آنها را نبینند نباید بایشان تذکره مرور بدهند و اشخاصی که بمأموریت میروند در صورتیکه احتمال خلاف بروز دارند حکم مستثنا باشند

فصل دوم — هرکس از تبعه دولت علیه بخواهد بسفر تجارت یا زیارت برود اگر اولیای او یا غیره چون با مرد شقیه یا قضیه نایب الحکومه یا ضابط بلوک وطن خود

و اجازه نامه دریافت کند و آن اجازه نامه را بحاکم ولایت داده اجازه نامه از آنحاکم بگیرد بر مأمورین تذکره است که اجازه نامه حاکم را از او بگیرند و باو تذکره مرور بدهند

فصل سیم — از تبعه خارجه اشخاصی که در ممالک محروسه هستند هرگاه یکی از آنها بخواهد بوطن خود معاودت نماید تصدیق نامه که از قنسولگری دولت متبوعه او باو داده میشود باید نزد مأمورین تذکره آورده با آنها بدهد و تذکره مرور بگیرد

فصل چهارم — به اجامره و اشرار و آنهائیکه در باین صفتها اشتهار یافته‌اند بهیچ‌وجه معتبر تذکره داده نخواهد شد همچنین با آنهائیکه در سن رشد و بلوغ نرسیده‌اند اگر بخواهند بدون همراهی و اذن اولیای خود سفر کنند دادن تذکره مرور ممنوع است

باب چهارم راجع بمسافرین خارجه

فصل اول — از تبعه دول متحابه هرکس بخواهد بممالک ایران بیاید باید به قنسولگری دولت علیه مقیم مملکت و بلد وطنی خود با تذکره که از دولت خود دارد تا امضا نمایند و تمبر مهر دولت مخصوص روی امضا بچسبانند و مخارج از دینار از سی فرانک دریافت کنند و اگر در وطن مسافر از جانب دولت علیه قنسولگری

باشد هر قنسولخانه که در سر راه او باشد باید رسم مزبور را در آن بعمل آورد فقط مرور از
راه او هم قنسولخانه نباشد باید در سر حد در نزد مأمورین تذکره ادای رسم نماید
فصل دویم اگر از تبعهٔ دول خارجه کسی بخواهد بی باشپرت وارد خاک دولت علیه شود
یا باشپرت او معیوب و کهنه باشد بر مأمورین ادارهٔ تذکرهٔ سرحدیه است که از ورود
او ممانعت نمایند مگر از قنسول دولت متبوعهٔ خود یا قنسول دولتی که متبوعهٔ او
امور تبعهٔ خویش را بوی راجع کرده تصدیق بیاورد و کفیل آن کار او را کند و باشپرت
از مأمورین تذکرهٔ دولت علیه بگیرد و در این باشپرت باید مأمورین تذکره تصریح
نمایند که مسافر تبعهٔ کدام دولت است
فصل سیم از تبعهٔ خارجه یا داخله هر کس بخواهد وارد خاک ایران شود مقیم از اسکله
از راه دریا باشد یا خشکی حتماً باید تذکره یا باشپرت خود را با مأمورین تذکره که
در بنادر و حدود و معابر هستند نشان دهد اما ملاحان کشتیها و چاپاران دول
ازین حکم مستثنی میباشند
فصل چهارم هرگاه یکی از تبعهٔ دولت علیه بدون تذکرهٔ مرور وارد خاک ایران شود

باید مأمورین تذکره معلوم نمایند کجا بوده و از کجا آمده و در وقت حاصل تحقیقات خود را ثبت
کنند و ضامنی از او بگیرند که در خارجه مصدر خیانتی نشده باشد و تقصیری نداشته باشد
و اگر کسی بیاید و برای او ادعائی نماید حکومت میتواند او را بدست آورده آنوقت بموجب
قوانین دولت علیه (؟) داده خواهد شد یک مبلغ جریمه از او گرفته که چرا خلاف حکم دولت
متبوعهٔ خود کرده آنگاه او را مطلق العنان نمایند
فصل پنجم هرگاه یکی از تبعهٔ خارجه بدون باشپرت صحیح وارد خاک دولت علیه
شود و نتواند از شرح مسطور در فصل سیم از قنسولخانه تصدیق نامه تحصیل نماید
مأمور تذکره مکلف است با قنسولخانهٔ دولت متبوعهٔ مسافر مشغول جواب
نماید و با اطلاع آن قنسولخانه مانع مسافرت او در خاک ایران شود اما اگر
آن شخص متهم باشد باید با حاکم ولایت در این باب مذاکره کرده هر حکمی در حق
آن متهم صادر شود آنرا مجرا دارد
فصل ششم ناخدایان و عملجات سفاین دول متحابه اگر برای تفرج و گردش از دریا
بخشکی آیند و در یکی از بنادر حرکت و سیر نمایند از آنها مطالبهٔ باشپرت
لازم نیست اما اگر بعد از حرکت کشتی یکی از آنها در بنادر و شهر و قصبهٔ ما بموجب

فصل دهم همین باب از معامله و رفتار باید نمود

(باب پنجم در تذکرهٔ اقامت)

فصل اول هر یک از سه درجه تذکرهٔ اقامت مذکوره بیش از یکسال مدت ندارد بعد از آن باطل است و هر یک از تبعهٔ دولت علیه که در بلدی از بلاد دول خارجه اقامت داشته باشد باید یکی از این سه قسم تذکره را داشته باشد

فصل دوم تبعهٔ دولت علیه که در خارجه برای کاری اقامت دارند اگر از طبقهٔ معتبرین و تجار بزرگ هر سال باید یک تذکرهٔ اقامت از درجهٔ اول بگیرند و اگر از اصناف کسبه و امثال آنند باید یک تذکره از درجهٔ دوم بگیرند و اگر از جنس عمله و فعله و طوافند از درجهٔ سیم و هر سال تجدید کنند

فصل سیم تبعهٔ دولت ایران در خارجه از روزی که قصد اقامت میکند تذکرهٔ مرور او از درجهٔ اعتبار ساقط است و حتماً باید تذکرهٔ اقامت دریافت دارد

فصل چهارم تبعهٔ دولت ایران در خارجه نیز روزی که میخواهد ترک اقامت کند و عازم ایران شود تذکرهٔ اقامت او از درجهٔ اعتبار ساقط است باید تذکرهٔ مرور بگیرد

(باب ششم در تکلیف مأمورین تذکره و غیرها)

فصل اول تکلیف هر یک از مأمورین تذکره اینست در ابتدا ضامنی برای ثبوت اعتبار خود با دارهٔ مرکزی تذکره بدهند و از اوراق تذکره بقدر کفایت دریافت کنند و بعد از مأموریت خود روزی در عرض یکماه هر قدر تذکره داده شمارهٔ طغرا و ورق آنرا با قیمت در صورتی ثبت کرده و با نقود موجوده بعد از وضع حق الزحمه با پست دولتی با دارهٔ مرکزی ایصال نمایند و حق ندارند زیاده از یک ماه وجه تذکره را نزد خود نگاه دارند اگرچه یک قران باشد

فصل دوم عمده‌ترین تکلیف مأمورین تذکره اینست که با دقت تمام بتحقیق حال واردین و مسافرین بپردازند و تمام فصول این دستورالعمل را در مد نظر گرفته هر یک را در محل خود بموقع اجرا گذارند و اهمال و مسامحه را مطلقاً جایز نشمارند و از خیانت و جلب منفعت بیجا عمده صرف نظر کنند

فصل سیم چون بمأمورین تذکره مواجب داده نخواهد شد از وجوه حاصله از تذکره تومانی دو قران حق الزحمهٔ آنها خواهد بود باقی را چنانکه در فصل اول همین باب ذکر شد باید با دارهٔ مرکزی بفرستند اما مخارج پست و سایر مخارج بر عهدهٔ خود آنها است

فصل چهارم — قنسولهای دولت علیه مأمور و مقیم ممالک و بلاد دول خارجه مکلف اند که در اجرای فصول این دستورالعمل ساعی باشند ولی در هر باب [illegible] اگر مطلبی پیش آید باید بسفرای دولت علیه اظهار نمایند و بگفته آنها عمل کنند

فصل پنجم — هر قنسولی که در ناحیه مأموریت دارد مکلف است از تبعه دولت علیه هر چند نفر که در آن ناحیه باشند از ذکور و اناث و مقیم و مسافر اسم و رسم و شغل و کار و وطن آنها را در دفتر نوشته بتوسط سفارت باداره مرکزی بفرستد

فصل ششم — هر قنسول در آخر هر ماه باید مرتب [illegible] که شرح مسطور در فصل اول مجرا شود همچنین سفرا باید از اینکار غفلت نداشته باشند

فصل هفتم — حق امضای باشپرت تبعه دولت خارجه چهار قران است یعنی اینقدر از کسی گرفته میشود که با باشپرت دولت خود میخواهد بایران بیاید

فصل هشتم — چون قنسولها برای اجرای احکام این دستورالعمل محتاج بگرفتن نوکر میباشند برای مخارج و مواجب آن نوکر صدی سی از وجوه گمرک در مصادره و جریمه مأمورین گمرک با آنها کارسازی خواهند کرد

(باب هفتم در باب مجازات)

فصل اول — هر مأمور گمرک یا قنسولی در امور گمرک بسا ساعی شود و در اجرای این فصول و حفظ مال دیوان بدرستی اهتمام نماید و مطلقاً خلاف و خیانتی از او بظهور نرسد بر ذمه اداره گمرک است که از برای او از دربار دولت علیه امتیازی در خور استعدادش بخواهد

فصل دوم — هر مأمور گمرک یا قنسولی در امور گمرک سستی و اهمال نماید یا مال دیوان را ضایع کند مورد مؤاخذه سخت خواهد شد

فصل سوم — از تبعه خارجه هر کس بدون باشپرت بممالک دولت علیه بیاید یا باشپرت او امضا نشده باشد بعد از آنکه از قنسولگری دولت متبوعه خود عذرش پذیرفته شود و تصدیق نامه باو دهند بجهت نداشتن باشپرت شش تومان و برای امضا نشدن آن یک تومان از او گرفته میشود قبض گمرک باو داده خواهد شد

فصل چهارم — شخص [illegible] گمرک باشد احدی حق ندارد در قهوه خانه یا مهمانخانه یا در خانه یا کاروانسرا او را پذیرائی نماید و جای دهد و هر کس این قبیل اشخاص را جای دهد یا خبر شود که دیگری جا داده و بمأمور گمرک خبر ندهد از ده تومان الی بیست تومان جریمه از او گرفته خواهد شد و اگر قدرت دادن جریمه نداشته باشد

از سه ماه الی شش ماه محبوس خواهد شد

(خاتمه)

نظم و اجرای این کار موقوف بحسن توجه و احکام و اوامر وزارت جلیله داخله و وزارت جلیله خارجه میباشد

بسم الله تعالی

بانک شاهنشاهی ایران

دیباچه بملاحظه اینکه قرارداد بین دولت شاهنشاهی اعلیحضرت شاهنشاه ایران و بارون ژولیوس رویطر منعقد بود چون آنرا الان بر طرف کرده و در عوض امتیاز نامچه به بارون ژولیوس رویطر مذکور در ۲۵ ماه ژولیه ماه یکهزار و هشتصد و هفتاد و دو میلادی عطا شده بود چون معدوم گردید با اتفاق طرفین مراتب مفصله ذیل برقرار شد

(فصل اول)

بموجب این امتیاز نامچه دولت شاهنشاهی اعلیحضرت اقدس شهریاری به بارون ژولیوس رویطر و شرکاء یا قائم مقام او در مملکت ایران حق احداث یک بانک دولتی موسوم به بانک شاهنشاهی ایران میدهد

مدت حق مزبور برای مدت شصت سال ابتدا از تاریخ امضای این امتیاز نامچه توسط شاهنشاهی اعلیحضرت شاهنشاهی عطا میشود

مقر و شعبات مقر مخصوص و مسکن بانک در طهران مقرر گردیده و بانک مزبور خواهد توانست در شهرهای دیگر ایران و در خارجه شعبات قرار بدهد

اقدامات مختلفه محض بسط تجارت و ازدیاد ثروت ایران بانک شاهنشاهی هر گونه اقدامات که متعلق بامور تجارتی ها باشند با خرج خود یا بخرج سایرین اقدام در تمام کارهای محاسبه و صنعتی و تجارتی که برای نتیجه مقصود نافع بداند خواهد کرد

تقدم بانک شاهنشاهی حق خواهد داشت و اولی طلب هر امتیاز انتفاعی که دولت ایران بخواهد بدهد و بموجب این امتیاز نامچه دولت علیه حق تقدم الی در صورت تساوی شرایط با بانک مزبور میدهد

بانک حق نخواهد داشت در صورت دولت علیه ایران گرو ... قبول کند و غیر منقول از قبیل املاک و اراضی و دهات و غیره خریداری نماید مگر اراضی برای یک بنای کافی در طهران و شعباتش در سایر ایالات لازم داشته باشد و نیز قدغن اکید است که بانک مزبور بهات ... را که حواله باو منتقل شده است اخذ کند و یا در عوض آنها قرض بدهد

(فصل دوم)

سرمایه سرمایه این بانک مبلغ ... کرور فرانک تعیین شده ... کرور لیره انگلیس خواهد بود ... سهام احداث خواهد شد که بانک آنها را دسته دسته نشر خواهد داد هر وقت لازم بداند قسمت

اول سرمایه بیست و پنج کرور فرانک یا یک کرور لیره انگلیسی مضاعف بانک مزبور تشکیل شده ملاحظه خواهم کرد بمقتضای
تقسیم سرمایه در بانکهای مختلفه خصوصاً در طهران و لندن و پاریس ... و ... وضع خواهد شد
درصورتیکه دولت علیه ممالک محروسه اجازه بدهد
اسهام باسم حامل خواهد بود ولی بانک اسهام اسم دار هم میتواند نشر بدهد بانک مزبور میتواند هر وقت
مقتضی بداند سرمایه و عدد اسهام خود را باذن دولت علیه زیاد کند

(فصل سیم)

نشر بیته (اسکناسها) — بانک شاهنشاهی چون بانک دولت است دارای حق مانع الغیر نشر بیتهای (اسکناسهای) بحامل
خواهد داشت که بمحض رؤیت قابل الادا خواهد بود برای مساعدت بسط اعتبار
حالیه و محض تکثیر جریان مسکوکات نقره و ازدیاد نشر مسکوکات طلا بانک برای
مدت ... قبول وضع یک عیاری میکند بتوسط تومان طلا در مدت دو سال
اول تشکیل بانک دولت علیه اعلیحضرت شهریاری وعده میدهد با بانک ... قرار
و مدارهای لازمه را برای وصول بمقصود خواهد داد منظور النظر باقتضای
وضع حالیه مسکوکات نشر بیتهای بانک شاهنشاهی بر وجه ابتدا بر پایه ...
نقره خواهد بود
یعنی اسکناسها را تمام عمال و مامورین دولت علیه قبول خواهند کرد و در تمام معاملات
ایران رواج خواهد داشت ولی هر اسکناسی که بانک نتواند قیمت آنرا ...
عندالمطالبه بدهد ... نشر اسکناسهای بانک در تمام مملکت ایران منع خواهد شد
و بانک مجبور خواهد بود که قیمت تمام اسکناسهای منتشره را ادا کند

ضمانت ادای — محض اطمینان ادای بیتها (اسکناسها) بانک مزبور صریحاً متعهد میشود که در دو سال
اول ابتدا از شروع بکار اقلاً نصف قیمت اسکناسهای منتشره خود را
و از انقضای این دو سال اقلاً ثلث قیمت آنها را نقداً موجود داشته باشد

بانک شاهنشاهی مجبور است که قیمت بیتهای خود را بمحض رؤیت در هر کجا نشر شده ادا کند متعهد اسکناسهای
نقداً ... خواهد توانست در طهران ادا شود
بیتهای بانک بزبان ایرانی خواهد بود و بانک نخواهد توانست بدون اذن دولت علیه ایران اسکناس کمتر
از ... تومان نشر بدهد بیتهای بانک علامتی یا مهری خواهد داشت که بتوسط آن دفتر ایران بانی و مهر
خواهند بود با مضای یک مدیر یا مدیر و با مضای تحویلدار عمده تأسیس که در آنجا نشر شده اند
دولت ... اعلیحضرت اقدس شهریاری متعهد میشود که در طول مدت این امتیاز با هیچ نوع مسکوکات
کاغذی نشر ندهد و اجازت هیچ بانک یا تأسیس را که صاحب این امتیاز باشد اجازه ندهد

(فصل چهارم)

دولت علیه ایران سرمایه بانک را ضمانت نمیکند و نخواهد توانست بعدها خود را دارای اسهام بکند و با در هر حال
اسهام ... تعلق گردد تا به قدر خمس سرمایه منظوره و یا بعموم هر آن قدر که ... کند

اداره بانک — تقسیم سرمایه با سهام و عدد و قیمت بیتهای بانک مطابقاً بعد از ... فصل سیم این امتیاز ...
و نظم و نظارت بانک و تعیین رؤسا و اعضاء چه در ایران و چه در خارجه در ...
بعهده بانک با شخصی که میتواند ببرد و ... در ... است ...
خط کلی بر عهده ریاست صاحب امتیاز خواهد بود

مامور مخصوص — دولت علیه ایران مراقبت تامه حقاً در بانک متوسط یک نفر مامور مخصوص که ...
سعی کند ... خواهد ساخت ولیکن مامور حق خواهد داشت از نظارت بانک
اطلاع تحصیل کند و مواظبت با صادرات بانک روی شروط این امتیاز با همه ...
مامور مزبور هر وقت دعوت شود بر حسب تکلیف در مجالس عمومی اسهام داران
و همچنین در مجالس شورای مدیران در طهران حضور بهم خواهد رسانید و دفتر بیتهای
بانک را مقابله خواهد کرد و مواظبت تام خواهد داشت که مدلولات
فصل سیم این امتیاز با همه رعایت شود و مراقب روابط بانک با خزانه

دولت علیه بر عهده او است و نخواهد توانست در تحت نظارت اعمال بانک خود را داخل سازد و ما تعهد می‌نماییم او
به هیچ وجه اسباب مسئولیت دولت ایران نخواهیم کرد در

(فصل پنجم)

حمایت دولت — چون غرض از این بانک که تأسیس یافت ترقی خیر عامه و خیر دولت علیه است بندگان
اعلیحضرت اقدس شهریاری حمایت علیه خود را که برای حفظ امنیت مقر اصلی و شعبات
لازم است دریغ نخواهند داشت

دولت علیه ایران استیجار اراضی و امکنه را که برای بنای مقر اصلی بانک و شعبات آن لازم شود حتی‌الامکان
سهل و با وجه عادلانه و هرجا [illegible] خود اینها بانک و شعبات آن از اراضی بانک خواهد ساخت

معافیت بعضی از مالیات و واردات — خود بانک و بناهای او و شعبات آن کلیتاً از هر نوع مالیات و واردات معاف
علیحده هستند و همچنین اسهام و اسکناسها و قبوضات و چک‌ها و جمیع اسناد دیگر
که در باب امورات و داد و ستدهای او از طرف خود او صادر بشود
نیز معاف هستند ولی هرگاه دولت در مملکت خود تمبر را قرار
بدهد بانک هیچ برات و تمبر را نخواهد گرفت که تمبر دولت
علیه را نداشته باشد

(فصل ششم)

خدمات مخصوصه بانک — بانک شاهنشاهی در سهولت تادیه حوالجات خزانه عامره هم در داخل ایران و هم در خارجه
کوتاهی نخواهد کرد و برای هر خدمتی که دولت علیه با او رجوع کند کمال شکفتگی را خواهد داشت
و در مقابل این خدمات حقوق عادله در انتخاب به بانک داده شود بانک [illegible] خود منافع خواهد
قرض به دولت — پس از تشکیل و اشتراک سرمایه خود بانک شاهنشاهی تعهد می‌کند مبلغ چهل کرور فرانک
یعنی چهارصد هزار لیره انگلیس برای مدت ده سال سالی صدی شش تنزیل به بندگان
اعلیحضرت شهریاری قرض بدهد و بعد از آن هر ساله منافعش عوض حق [illegible]
بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری به صدی شش منافع خالص [illegible]

فصل هفتم این امتیازنامه که به پیشگاه سلطنت تقدیم شده است محسوب خواهد گردید
علاوه بر آن بانک شاهنشاهی پیوسته پس از تشکیلش حاضر خواهد بود ادارات تادیه وجوه پیشکی و استقراضاتی که
دولت علیه لازم داشته باشد و از او طلب نماید و در هر وقت قرار داده شود آن استقراض بین دولت و بانک
داده خواهد شد و به اینکه بعوض ربح معادل آن وجوه پیشکی و استقراضات را بانک از خود موجودی
که باید در صندوق حاضر داشته باشد کسر خواهد نمود یعنی وجوه پیشکی و استقراضات را دولت علیه
در رأس موعدهای مقرره ادا خواهد نمود سرجمع تنزیلات منظماً در آخر هر سال مالیاتی ایران یعنی
در آخر حوت داده خواهد شد اولین یعنی وجوه پیشکی که غیر از مبلغ ده کرور فرانک فوق‌الذکر است
هرگز بیش از ده کرور فرانک یعنی دویست هزار لیره انگلیس و در سالی با صدی شش تنزیل خواهد بود

(فصل هشتم)

حصه منافع — در آخر هر سال مالیاتی ایران (آخر حوت) بانک شاهنشاهی باید صدی شش منافع خالص
از سال خود را به دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری بدهد و بانک مخصوص سال ورود
در صورتی که حصه منافع صدی شش مذکوره در یک سال کمتر از صد هزار فرانک یعنی
چهار هزار لیره انگلیس شود بانک مجبور است که این مبلغ را کاملاً تا چهار هزار لیره
کسر آن را بپردازد خواه بانک در خرج منافع تحت محسوب بدارد و هرگاه حق
داشته باشد و جای فی‌الوجوه آن را به خرج حصه منافع که نتیجه عمل سال آینده است منظور دارد

(فصل نهم)

ضمانت — وجه ضمانت چهل هزار لیره انگلیس که در [illegible] مستقیماً و بعد [illegible] ایران [illegible]
در بانک انگلیس گذارده بود حالا برای ضمانت تشکیل بانک شاهنشاهی خواهد بود
فردای روز شروع عمل بانک در طهران دولت علیه ایران مستقل نموده فوراً
لازم شود را برای استرجاع چهل هزار لیره مذکوره از بانک انگلیس به او رد
خواهد کرد که اگر هرگاه ابتدا از تاریخ امضای این امتیازنامه توسط بندگان

اعلیحضرت اقدس شهریاری تا مدت نُه ماه بانک شاهنشاهی دایر نشود وجه ضمانت مزبور به دولت ایران منتقل خواهد شد
و لغو امتیازنامچه معدوم و ساقط الاعتبار خواهد بود مگر در صورتیکه بین بعضی دول بزرگ اروپا جنگ برپا
شود و یا در صورتیکه دولت ایران در آن جنگ دخالت داشته باشد و یا در وجه هر اتفاق فوق الطاقه

(فصل نهم)

قواعد بانک —
در حین تشکیل بانک شاهنشاهی بانیان او قواعدی را که بموجب آنها باید بانک
دایر شود ترتیب خواهند داد و آن قواعد باید مطابق مدلولات این امتیازنامچه
باشند پس از تشکیل بانک قواعد مزبوره متغیر نخواهند شد مگر بموجب قرارداد
مجلس عمومی صاحبان اسهام و مجلس مزبور باید در تغییر اسکله جاری بنمایند حفظ
و رعایت مدلولات این امتیازنامچه را بنمایند

(فصل دهم)

حمایت —
برای اجرای و حفظ حقوقیکه بموجب این امتیازنامچه داده شد بانک مزبور در تحت
حمایت بندگان اعلیحضرت شهریاری و دولتشان خواهد بود و بانک هم متعهد میشود
که قوانین عمومی مملکت را از جمیع جهات محترم داشته اطاعت نماید

محاکمه —
در صورتیکه بین دولت و بانک و یا بین بانک و سایر مردم اختلافی ظاهر گردد
هر یک از طرفین یک نفر حکم منتخب خواهد نمود و قرارداد آن دو حکم
قاطع خواهد بود و در صورت عدم توافق بین دو حکم آن دو حکم حاکم ثالثی
منتخب خواهند نمود که حکمش بدون برگشت الطاعت خواهد بود

(فصل یازدهم)

معادن —
از آنجائیکه بانک شاهنشاهی حاضر است که برای احیا و تمام و سایر استخراج ثروتهای
طبیعی مملکت فرصت کمال مساعدت را بکار برد دولت علیه به بانک مزبور در
تمام مدت این امتیازنامچه امتیاز خالص لغیر قطعی میدهد که در تمام وسعت
مملکت ایران معادن آهن و مس و سرب و زیبق و زغال سنگ

(۱۴)

و نفت و منگانز و بوره و آلیانت را که متعلق به دولت میباشند و قبل از وقت به دیگران واگذار نشده اند
دایر نماید حق انحصار مفاد این امتیازنامچه دولت علیه ایران در روز امضای این امتیازنامچه به مأموران
ژولیوس رویتر صورت رسمی معادنی را خواهد داد که قبل از وقت به دیگران واگذار شده اند معادن طلا و نقره
و جواهرات و آن فلزاتی که در فوق ذکر نشده اند متعلق به دولت میباشند لایتغیر و همچنین بانک اگر آنها را
کشف بکند مجبور است فوراً کشف آنها را به دولت بندگان اعلیحضرت شهریاری اطلاع بدهد

دست مزد —
علاوه بر مهندسین و سرکارهائی که مختص میباشند تمام عملجات معدنچی که برای
دایر نمودن معادن بانک لازم باشد از میان تبعه بندگان اعلیحضرت
اقدس شهریاری منتخب خواهند شد دولت علیه ایران تمام وسایلی که در دست
دارد بانک را اعانت خواهد کرد از اینکه دست مزد عملجات لازمه بنرخ
عادله وقت برایش میسر شود

تمام معادنی که بانک ده سال بعد از تشکیل خود شروع در دایر نمودن آنها ننموده باشد منسوخ و باطل خواهند بود که بانک
مزبور صرف نظر از آنها نموده است و دولت علیه خواهد توانست هر نوع تصرف در آنها بکند بدون اینکه
بانک صاحب امتیاز تعرض و مانع شود

(فصل دوازدهم)

اراضی متعلقه —
اراضی که برای دایر نمودن آن معادن و برای ساختن یک راه مراوده با طرق عمده و نقل و تقرب
لازم میباشند آنچه متعلق به دولت است از جانب دولت علیه مجاناً
به بانک داده خواهد شد هر گاه در معبر اینراه مراوده املاکی یافت شود
متعلق به اشخاص متفرقه دولت علیه ایران بانک را در خرید آن املاک از
صاحبانش تمام وسایلی که در دست دارد اعانت خواهد نمود

معاف از خرج —
ادوات لازمه برای دایر نمودن معادن ممالک ایران و اشیائی که بفروش میرود از
اینکه هیچ حقوقی بدهند اراضی و ابنیه متعلقه بآن و اداره جات معدنی هم

(۸)

از مالیات و عوارض خواهند بود

(فصل سیزدهم)

منفعت دولت — از منافع خالص تمام معادنی که بانک حق دارد مخصوص است دولت علیه ایران
شانزده درصد آن را اخذ خواهد نمود

رجعت بدولت — در انقضای مدت این امتیازنامه اراضی و بناهای معادن و ادارات با ابنیه آنها
و ادوات و متعلقات مطابقاً لقواعد النفع در حینی که باب همین حال استعمال
باشند بدولت علیه ایران تعلق خواهد گرفت

(فصل چهاردهم)

ترک — بار از حقوقی که بموجب این امتیازنامه به بارون ژولیوس رویتر و اکنون منتقل است
بارون مذکور صریحاً اقرار بترک کامل بدون استثناء تمام حقوق و امتیازاتی را
که بنا بر ماده ۳ امتیازنامه قدیم مورخه ۲۵ ژوئیه ماه یکهزار و هشتصد و
هفتاد و دو عیسوی که بمرتبط این شروط معدوم و ساقط الاعتبار گردیده بود باید
منعقد شده بود بنماید

این قرارنامه در شهر سنه یکهزار و سیصد و شش هجری مطابق شهر
سنه یکهزار و هشتصد و هشتاد و نه میلادی در دارالخلافه طهران نوشته
نوشته شد

(دستورالعمل مجلس تدقیقات امتیازات)

چون دولت ابد مدت قاهره مدتیست که امتیاز بعضی مواد را از قبیل تشکیل بانک و
تأسیس راه آهن و ترامواه و انحصار دخانیات و استخراج معادن از جبال
و قطع اشجار جنگلی از جنگلها [و امثال آنها] ~~ی گیلان و غیره ممالک محروسه ایران را~~
با شرایط [موقتی] ~~امتیازات موقته~~ به کمپانیها داده و بعد از این نیز امتیاز
سایر مواد را خواهد داد محض اطمینان دولت علیه از حسن جریان امور
امتیازات کمپانیها و حل بعضی [illegible]
و قطع و فصل دعاوی که فیما بین اشخاص و کمپانیها ظاهر شود مناسب
دیده شد که مجلسی مرکب از صاحبان وقوف با علم (مجلس تدقیقات
امتیازات) تشکیل و مأمور به تدقیقات امور مذکوره نمایند
تکالیف مجلس مذکور را از قرار این دستورالعمل معین فرمایند

(فصل اول)

این مجلس مرکب از یک رئیس و پنج [نفر اعضا] و یک منشی خواهد بود و اول

۲

رئیس و منشی مجلس باید که علاوه بر زبان فارسی زبان فرانسه یا یکی از السنه
خارجه را ابراز [اعضا] ~~و عضاء~~ نیز لازم است که دارای صفات لازمه و ممیزی
در امور محوله باشند (فصل دوم)

چون صورت امتیازنامه های کمپانیها با مجلس داده خواهد شد در روز شنبه
و چهارشنبه هر هفته [در مجلس حاضر شده] ~~اجتماع نموده~~ به تدقیق و تمیز و ترافع امور محوله خواهند
اشتغال ورزیده نتیجه هر امر را بتوسط مقام منیع وزارت عظمی بخاکپای همایونی
معروض خواهند داشت (فصل سوم)

در عهده تکالیف این مجلس است که مستمراً معاملات و حرکات کمپانیها را
تدقیق و تحقیق کرده در هر اداره حرکتی مغایر شرایط امتیازنامه ها از کمپانیها
صادر شده باشد بعرض برسانند و هر حکمی شرف صدور یابد باید بموجب
آن حرکت نمایند و دائماً مراقب امور کمپانیها شوند که خلاف شرایط
امتیازنامه ها حرکتی وقوع نیابد

(فصل چهارم)

هرگاه در مسئله اشکالی واقع شود بعد از اظهار بوزارت عظمی در حضور وکلای
کمپ پنها تکذیب آن مسئله شرعی نموده مکرراً نزد تبعه و ملت قیام نموده خسارت
بدولت و مملکت برسانند

(فصل پنجم)

اگر کمپ پنها از تبعه دولت علیه یا اینکه تبعه دولت علیه از کمپ پنها ادعائی
داشته باشند باید به مجلس اظهار نموده مرافعه و محاکمه
و از تکالیف مجلس است که از آن قبیل دعاوی را لانوافق حق ختم نموده
در حقایق حق مسامحت ننمایند

(فصل ششم)

هر شخصی از تبعه دولت علیه را از این کمپ پنها استخدام نمایند و هم بعد استخدام خواهند
نمود باید که آن اشخاص را بأین مجلس در مسئله تحقیق احوال آنها ازین
مجلس التماس نمایند و هیئت مجلس هم مکلف است بعد از تحقیق احوال
شخصیه آنها به وکلای کمپ نی جواب دهد یعنی از تبعه ایران کسی نمیتوانند در داخل
ادارات کمپ پنها شود بدون اینکه بروات خود را معرفی به مجلس نماید

و در آبرومندی و وطن پرستی خود سندی تحصیل کند

(فصل هفتم)

برای اینکه صاحبان امتیاز از تشکیل این مجلس اطلاع کامل حاصل نموده
مجلس مذکور را در مطالب راجعه بامور مذکوره مرجع دانند لازم است
که از مقام وزارت عظمی نسخه از این دستورالعمل بتوسط سفرای کرام دول
متحابه مقیم دربار پایتخت رسماً فرستاده شود که آنها به تبعه خود شان
ابلاغ نمایند

(خاتمه)

اجزاء این مجلس از نفرات معین خواهد شد
از طرف وزارت عظمی یک نفر که سمت ریاست خواهد داشت
از وزارت خارجه یکنفر
از وزارت تجارت یکنفر
از وزارت داخله یکنفر
از طرف مجلس شورای کبری نفر
از طرف حکومت دارالخلافه یکنفر

بسم الله خیر الاسماء

بر همه معلوم است که: چون از بدایت ظهور دولت علیه ما تا یکصد و پنجاه سال قبل رعایت
کامله باحکام مقدسه قرآنیه و قوانین منیفه شرعیه میگردید از این جهت قوت و قدرت
سلطنت ما و معموریت مملکت و رفاه رعیت واصل مرتبه غایت شده بود.

ولی از صد و پنجاه سال باین طرف بواسطه غوایل متعاقبه و اسباب متنوعه نه انقیاد بشرع
شریف و نه امتثال بقوانین منیفه کرده و از این رو قوت و معموریت قدیمه دولت و مملکت
بالعکس مبدل بضعف و فتور و فقر و خرابی گشته و میگردد.

بعد این واضحست هر مملکتی که در تحت اداره شرعیه نباشد پایدار نخواهد شد. از زمانی که
اندروز فیروز جلوس ما تا کنون افکار خیریت آثار ملوکانه ما فقط منحصر بقضیه نافعه
اعمار مملکت و احیا و ترفیه اهالی و فقرا بوده و نظر بموقع جغرافیائی ممالک دولت ما و اراضی پر برکت
و قابلیت و استعداد خلق آن هرگاه متشبث اسباب لازمه گردیده شود بدیهی و آشکار است که
بیاری خداوند در ظرف پنج و ده سال مقصود مطلوب بحصول خواهد پیوست.

فلهذا لازم و مهم دیده شد که من بعد اعتماد بعون و عنایت حضرت باری و توسل و استمداد
بامداد روحانیت حضرت پیغمبری (واله طاهره) کوشیده در باب حسن اداره امور دولت علیه و
ممالک محروسه ما بعض قوانین جدیده (که موافق شرع جلی و مطابق امر جمع و قابلیت اهالی
و مملکت باشد) وضع و تاسیس کرده شود.

مواد اساسیه همین قواعد و قوانین شرعیه مقتضیه نیز عبارت از قضایای امنیت جان
و محافظت عرض و ناموس و مال، و معین نمودن رفع مالیات سهل و صحیح المأخذ، و
و وضع کردن و استخدام نمودن مقدار کافی لشکر است.

زیرا در دنیا برای نوع بشر عزیزتر از عرض و ناموس چیزی نیست و این نیز از بدیهیات است که
هرگاه شخصی این دو چیز را در مخاطره ببیند اگر باقتضای خلقت ذاتیه و جبلت فطریه میلی
بخیانت هم نداشته باشد البته از برای حفظ جان و ناموس مجبور بایقاع بعض کارها خواهد شد
و خطرهائی که از این کارها بدولت و مملکت وارد است آن هم واضح و مسلم است.

اما اگر از جان و ناموس خود مأمون و از حکومت مطمئن باشد این هم ظاهر است که ابداً انفکاک
از راه صدق و استقامت نموده همه فکر و خیال و جمع همت خود را منحصر بحسن خدمت دولت
و ملت و مملکت خواهد ساخت.

و همچنین در حالت فقدان قضیه امنیت مال هم احدی از دولت و ملت مطلقاً تسلی نیست
از آبادی مملکت خواهد کشید (و تا خود را بمخارج نفرستد یا چنان از انتظار نکشد) آنگاه
اندیشه و اضطراب رهائی نخواهد جست.

ولی در زمانیکه امنیت کامله از اموال و املاک خود داشته باشد همیشه اشتغال بکار
خود کرده اقدام بتوسیع دایره معیشت خود میکند و محبت و غیرت در دل او فزوده دولت
و ملت خود را دوست داشته اقدام تام بحسن خدمت مینماید.

چون هر دولت از برای تأمین آسایش بلاد و حفظ مال و جان و ناموس عباد و دفع هجوم اعادی
مجبور بنگاهداشتن لشکر و تدارک مهمات حربیه و این هم محتاج بنقد و حصول نقد نیز منوط
بگرفتن مالیات از اهالی مملکت است لهذا دولت علیه ما مجبور است که مأخذ سهل و
صحیحی از برای مالیات معین نماید.

اگرچه چندی قبل اهالی مملکت از بلیه مقاطعه و ید واحد که اسماً مالیات دولت اما رسماً
مداخل حکام و خانه [illegible] رهائی یافت ولی در بعضی از آن بلیه قاعده التزامات وضع کردید و حکایتی
از این قاعده هم تا کنون ثمره نافعه مشهوده نگشت بلکه روز بروز مضرات آن افزوده میشود.

زیرا مملکتی را بطریق التزام بید واحد سپردن مثل اینست که مصالح سیاسیه و امور مالیه
یک دولت را بدست اختیار و پنجه جبر و قهر حاکمی سپرده شود و شکی نیست که هر حاکمی که اعتدال
القوام تابع حکومت [illegible] منفعت شخصیه خود را مرجح گشته [illegible] قرار داده بنیاد
ظلم و بیداد را نخواهد گذاشت و باعث خرابی مملکت و پریشانی فقرا و رعیت خواهد شد
پس دولت علیه ما لازم و اهم دانست که وضع التزام را مرفوع و منسوخ داشته مالیات را در
ثبت تخمین و منفعت املاک و اراضی و مداخل اصناف معین کرده اکید اقل و نیاید که

احدی از حکام و غیره بدون اجازه دولت و خارج از قانون دیناری از اهالی نگیرند .

و لازم است که مقدار لشکر بری و بحری و مخارج و مواجب سالیانه را معین کرده از مخارج اختیار ۲ ملاحظه کتاب وزخیره

بی لزوم و دادن مواجب بیجا اجتناب نمایند .

و اگر چه از برای محافظت وطن لشکر دادن از عمده تکالیف اهالی اسلام است ولی تا کنون با یک

وضع که فقط با استخدام نمودن لشکر اکتفا کرده و نفوس موجوده در هر ولایت بنظر دقت

نیاورده اند بعضی جا بیشتر از تحمل و از بعضی جاها کمتر از نسبت نفوس گرفته و مدتی هم

برای استخدام ایشان معین نکرده است .

حال اینکه بقای این قاعده غیر منتظم چنانچه باعث اختلال مواد نافعه زراعت و تجارت است

همانطور هم الی آخر العمر استخدام نفرات بسبب فتور لشکریان و مستلزم انقطاع نسل

و این هم موجب اضمحلال دولت است .

پس لازم و حتم است که کافه نفوس اهالی ثبت دفتر دیوان کرده بعد قانون لشکر گرفتن

و نگاه داشتن هر ولایتی از دول منظمه معظمه که امروز موافق قابلیت و ترتیب مملکت

و اهالی ممالک محروسه ما است همان قانون از برای لشکر گرفتن و ترتیب داده شده با قبول دستور العمل

قرار داده شود .

و الحاصل تا این قوانین شرعیه موسس نشود تحصیل قوت و معموریت و آسایش و استراحت امکان

در مملکت نیست و بنای قوانین شرعیه هم از مواد مشروحه منوط و موقوف است .

بنا بر این من بعد محاکمات و دعاوی صاحبان قباحت و جنحه و جنایت باقتضای قوانین شرعیه

در محضر مجلس مرکب از اعضا که اهالی انتخاب میکنند بدون غرض اجرا کرده بعد

ثبوت و صدور حکم در حق احدی خفیاً و جهراً اجرای معامله سمیه و اعدام جایز نشود

و از جانب همایون ما نیز در تقویت ملت و دیانت و مذهب تمامی اهالی و تبعه امنیت کامله

داده میشود که هیچ احدی از جانب احدی از بزرگ و کوچک تسلط عرض و ناموس هیچکس را

نمایند . و هر اهالی و نگاه داشتن ممالک و متصرف اموال و املاک خود شده از جانب ...

مداخله و تعرض نشود مثلاً در وقوع تهمت با قباحت و جنحه و جنایت دیگری این و امثال تهمت

که وراث و خویشان و فرزندان و طایفه و قوم و قبیله مقصر از آن تهمت با قباحت و جنحه و جنایت بری الذمه

هستند لهذا اموال آنها و اموال مجرم مصادره نکرده و وراث مجرم از میراث محروم

نخواهند شد .

چون از جانب همایون ما بمقتضای حکم شرعی و بدون تفریق دیانت و مذهب اطمینان کامل

تمام اهالی ممالک محروسه ما داده شده که در دایره قانون متصرف مال و املاک و وقف

جان و ناموس و مظهر آزادی کامل باشند لازم شد که قراری بسایر مضمونات هم داده

شود . و از برای استحکام این کار اعضای مجلس احکام عدلیه بقدر لزوم افزوده و اسناد و

رجال دولت ما نیز در بعضی ایام که معین خواهد کرد در این مجلس که تاسیس شده قرار دادها

ضبط و ربط و حسن اداره امور مملکت و حفظ مال و ناموس و حقوق اهالی و طرح و

توضیح رعایت و صرف مالیات دولت ما بدهند و هر شخص آرای خود را در کمال آزادی

دفتر را اظهار نمایند .

و از برای اصلاح احوال عساکر مقتضیه از امرای کار آگاه لشکر در دار شورای عسکری منعقد

مجلس مشورت نموده با قانون عسکری یکی از دول معظمه راجعاً با اصلاح مقتول کرده با

اینکه مجدداً قانونی نوشته عرض نمایند که از جانب ملوکانه ما با اراده آن قضیه توشیح

کرده الی ما شاء الله دستور العمل گرفته شود .

و تکالیف (مقام و مارزه صدارت) و (وزارت داخله) و (خارجه) و (مالیه) و (حربیه) و (عدلیه)

و (بحریه) و (علوم) و (فوائد) و (اوقاف) و (تنظیمیه) و (ولاة) و (حکام) و (زابطه

حکومت) والحاصل تمامی مستخدمین در خدمات داخله و خارجه دولت علیه بطور قانون معین

کرده قوانین مذکوره را چندی در بند مقدم نمایند که با اراده ما از جانب همایون ما بالاتر توشیحاً

و توشیح کرده موجب اعمال شود .

چون تمام قوانین مذکوره محض احیای دین و دولت و ملک و ملت تحقیق و توثیق خواهد گردید

از جانب همایون ما عهد و میثاق کردیم که ادنی حرکتی در خلاف قوانین بظهور آورده نشود و
در اطاق خرقه شریفه که کافه علما و سادات و امنا و رجال و اعیان مملکت حاضر بودند از برای
تأکید عهد و میثاق قسم بالله خورده شد و علما و امنا و سایرین هم قسم خوردند که در خلاف
قوانینی که تأسیس شده و خواهد شد حرکت نمایند.

پس لازم آمد که قانونی موافق شرع و عرف از برای مکافات و مجازات علما و سادات و امنا
و عموم نوکر و اهالی تحقیق و ترتیب کردیم هر کس خواه ذکور و خواه اناث خارج از تکلیف خود
(علی الاعتقاد) بخلاف قوانین موضوعه حرکت نماید بدون ملاحظات مرتبت و مجاملت رسمی و غیر رسمی
در نسبت قباحت و جنحه و جنایت ثابته تأدیبات و تجزیات قانونیه را که بین اشخاص بموقع
اجرا گذارده شود [امانفی و تغریب و حبس زیاده از یک سال و اخذ از اداره عرفیه و اعدام و رفع
بحکم همایون ما اجرا میشود]

و چون در دولت ما استحقاق بمواجب و معاش مشروط بخدمت است برای هر مأموری
مواجب و رسوم کافی بدرجه ثلاثه معین نموده و بموجب حکم ما در زمان خدمت ماه بماه از خزانه
محل خدمت مأمورین باقبض رسید از خزانه بدهند و از وزرا و رجال ما در زمان معزولی آنکه
که نصف مواجب زمان مأموریت خود شانرا باسم (مخارج مطبخ) از خزانه دریافت نمایند و
همچنین هر مأمور غیر مقصر که بنا بالجاء سیاسی از مأموریت خود شان معزول شوند در زمان معزولی
نصف و یا تمام مواجب انعام داده خواهد شد.

(و یا کشته) اما امرا و صاحب منصبان و سایر آزاده تشوند در خدمت دولت مقتول و از عمل مانده شوند حق
کافی بخود ایشان و عائله ایشان داده خواهد شد (اما) مواجب مقتول و عمل مانده تا دام الحیات
و مواجب مذکور عائله آنها تا بسن بیست و یک و اناث ایشان تا زمان ازدواج داده میشود
و همچنین از مأمورین کشوری هر شخصی چهل سال بدون تقصیر بدولت خدمت نماید یا اینکه
در خدمت دولت معلول شود از برای انعام مواجب خانه نشینی داده میشود و در حق
عائله انعام شد صاحب منصبان تشون معاشی داده خواهد شد و از برای مواجب و رسوم

قانونی نوشته شرایط و درجات معین خواهد گردید.

و هر مأموری حسن خدمت و ابراز صداقت و استقامت نماید روز بروز در مسلک خود ترقی
یافته تا بمنصب وزارت و صدارت عظمی که منتهای مراتب دولتی است نائل خواهد شد و مظهر
عواطف سنیه ما شده با نشان و انعام مسرور و ممتاز الاقران خواهد گشت.

و رشوه پیشکش و رشوت که شرعاً ممنوع و باعث اعظم خرابی دولت و مملکت است من بعد
شدیداً ممنوع است از برای منع این ماده در یک جزء در قانون جزا کیفر و مکافات سخت و تنبیه
و راشی و مرتشی و دهنده و گیرنده پیشکش را بهمان کیفر مکافات دهند.

چون بمقتضای مفاد این حکم محکم همایون ما تمام رفتار و قواعد و رسوم امور حکومتیه
تغییر و تجدید یافت باید که احکام مندرجه این حکم به همه السنه که اهالی ممالک محروسه
میفهمند بهمان لسان با علای و ادانی اعلان نمایند و همچنین صورت از مفاد این حکم را
بتمام سفرای مقیم دول متحابه در پایتخت ممالک ما ارسال نمایند که بمضمون این حکم
شاهد باشند.

حضرت حق علی الحضیر موفق فرماید و هر شخص که در خلاف این قوانین موسسه
حرکت نماید مظهر لعنت ایزدی شده و الی الابد فلاح نیابد

روز یکشنبه بیست و ششم شعبان سال هزار و دویست
و پنجاه و پنج

خلاصه بودجه پست عثمانی سنه ۱۳۰۰

در مدت یکسال سه کرور و دویست و هفتاد و شش هزار و سیصد و
شصت و پنج طغرا مکتوب عادی و یکصد و چهل و سه هزار و سیصد و چهل و سه
طغرا مکتوب سفارشی و یک کرور و یکصد و پنجاه و شش هزار و سیصد
و بیست و پنج طغرا حکم دیوانی بممالک داخله عثمانی . و سیصد و
هشتاد و نه هزار و هفتصد و هفتاد و هشت طغرا مکتوب عادی و بیست
و چهار هزار و چهارصد و نود طغرا مکتوب سفارشی بممالک خارجه فرستاده
شده و سیصد و ده هزار و یکصد و پنجاه طغرا مکتوب عادی و بیست و پنج
هزار و پانصد و پنجاه و دو طغرا مکتوب سفارشی از ممالک خارجه گرفته
شده است . از مکاتیب مزبوره مبلغ سیصد و شصت هزار و سی و شش
تومان اجرت گرفته و از این مبلغ دویست و هجده هزار و هشتصد و سی

وپنجتومان ماهیانه ومخارج داده ویکصد وچهل ویکهزار ودویست ویکتومان
بخزانه دولت تسلیم نموده شده است .

خلاصه بودجه تلکراف عثمانی ۱۳۰۰

درظرف مدت یکسال دوکرور ونه هزار وسیصد وبیست ودوطغرا
تلکرام درالسنه شرقیه وغربیه نوشته شده وازینها یك کرور وچهارصد
وهشتاد هزار وپانصد وهشتاد ودوتومان وپنجهزار دینار اجرت کرفته
ازین مبلغ یك کرور وپنجاه وشش هزار وششصد ونود وهفت تومان
پنجهزار دینار ماهیانه ومخارج داده وچهارصد وبیست وسه هزار و
هشتصد وهشتاد وپنج تومان بخزانه دولت تسلیم نموده شده است .
ازین تذکره معلوم میشود که تمامی مداخل وزارت تلکراف وپست
دولت عثمانی عبارت ازیك کرور وشصت وپنجهزار وهشتاد وشش تومان بوده است

بنا بالتماس رئیس جمهور اتازونی امریك اعلیحضرت سلطان حکم کرده اند که
از روز جلوس خود تا حال هر کتابی که تالیف وترجمه شده دو نسخه از آنها
بکتبخانه ملتی اتازونی بفرستند . وزارت علوم بعد از رجوع به ثبت کرده
واضح شده است از اول سلطنت اعلیحضرت عبدالحمید خان تا حال
هشتصد وبیست ودو کتاب که عبارت از دو هزار ویازده مجلد است
در دارالترجمه ودر خارج تالیف وترجمه وطبع ونشر شده است .
از هر کتاب دو عدد خریده وبمطبعه عثمانی فرستاده که آنها را بوضع مرغوب
جلد کرده بوزارت مشارالیها بدهند که از جانب سلطان بامریك
ارسال بدارند .

واعلیحضرت سلطان مقرر نموده اند که ازین کتابها وبعد از این هرچه ترجمه
وتالیف میشود یك قطعه خریده بکتابخانه عمومی سلامبول بگذارند .

جریده حوادث میگوید : قونسول روس مقیم بغداد بوزارت خارجه دولت
متبوعه خود نوشته که بجهت ناخوشی وبا که در کربلای معلا حکم فرما
اجرا میکند درحدود روس که متصل بخاک ایران است (کرانتین)
بگذارند . زیرا مأمورین (کرانتین) ایران از زوار وعابرین رشوه گرفته
بر (کرانتین) نگذارده اذن دخول بداخله ممالک ایران میدهند .

(طریق) میگوید : از مشاهیر اشقیای ایران ملا صادق نامی در
بیست وسیم حزیران بجهت دزدی از خط حدود قفقاز بجوار
(سوره) گذشته قزاقها خواسته اند که اورا گرفتار نمایند تسلیم نشده و
با قزاقها جنگیده قزاقها نیز اورا کشته اند .

موسیو (کیدرس) نایب دوم سفارتخانه اسلامبول از جانب دولت
روس بسفارتخانه طهران نائب اول معین نموده شده است .

مستر (استفانسون) نامی از صرافان انگلیس یک شرکت خیلی معتبر
تشکیل کرده واز دولت انگلیس استدعا نموده است که اذن واجازه
بساختن راه آهن از هندوستان بافغانستان واز افغانستان بایران
بدهد . بجهت ساختن راه آهن مزبور نود وشش کرور تومان مقتضی
بوده است . اگر دولت علیه ایران وامارت افغان اذن باستخدام
سرباز در راه آهن بدهند انوقت شصت وچهار کرور تومان لازم بوده است
ایضا طریق میگوید : امیر افغان خیال داشته است که عبارت از
هزار نفر یک فوج سواره خاصه تشکیل نماید امرا وخوانین قندهار
وکابل بصاحب منصبی همان فوج انتخاب خواهد شد . ودر کابل هر یک
باروتکوبخانه میسازند . اشخاصی که با ایوب خان مکاتبه داشته اند
در کابل گرفتار گردیده بمحبس انداخته شده اند . عبدالرحمن خان

خیال داشته است که سکه از طلا باسم خود بزند . در قندهار چهار برج سوای از جدید تشکیل کرده اند . بجهة استکشاف بعضی از صاحب منصبان از رودخانهٔ جیحون گذشته از حاکم میمنه اجازه خواسته اند که طرف هرات روند حاکم موحی الیه آنها را دوازده روز توقیف کرده بعد از امیر عبد الرحمن خان حکم رسیده بعزیمت آنها اذن داده است .

از جانب اعلیحضرت پادشاه ایران دو نفر شتر خیلی کوچک علی طریق الهدیه بباغ وحش پاریس فرستاده شده است شترهای مزبور در محل مخصوص باغ وحش محفوظ خواهند ماند این شترها در حقیقت نادر الامثال بوده و در اصطبل حیوانات خاصه همایون از اینها فقط چهار نفر بوده است .

مساحهٔ سطحیه اراضی مرو و قطعات متجاورهٔ آن که در این اواخر از جانب دولت روس ضبط کردید عبارت از دویست هزار میل مربع یعنی مملکتی است در بزرگی مملکت فرانسه نفوس ان از قرار ذیل است

وادی مرو	وادی تجن	آتک	مارف
۲۴۰۰۰۰	۲۵۰۰۰	۲۰۰۰۰	۶۵۰۰۰

ترکمن که فیمابین مرو و بخارا ساکنند
۲۵۰۰۰۰

از حساب بالا آشکار میشود که تمامی نفوس اهالی عبارت از یک کرور یکصد هزار نفس بوده است . تمامی این اهالی بادیه نشین نیستند در نزدیکی هرات در بعض وادیها ایلاتی از ترکمن در حالت کوچبه موجود است که عند الایجاب از اینها صد هزار سواره جرار حاضر میشود . حالا که اینها هم در تحت علم نصرت روس جمع شدند تا ببینیم نتیجه کار بکجا خواهد رسید .

دیدهٔ کلاه ستون روشن !!؟ . . . . .

ترجمه و نگارش چاکر خاکسار محمد عارف منشی و مترجم زبان عثمانی ۹ ربیع الاول ۱۳۰۱

هو المبین

مناسبات تجاریه ایران بممالک خارجه

تجارت

واسطه را مینامند که توسط بمبادله و معاوضه نتیجه سعی و عمل زارع و صانع مینماید . اگرچه انواع و اقسام تجارت متعدد و توضیح اینها از لوازم است ولی چون مقصود فقیر از ترتیب و تقدیم این لایحه فقط درجه مناسبات تجاریه ایران بممالک خارجه را و در ین ضمن حفظ اعتبار محصولات و امتعه داخله و ترقیات صنایع ملیه و محافظت حقوق مالیه دولت را که باسم رسم گمرک از تجار و غیره گرفته میشود بعرض اولیای امور رسانیدن است لهذا از ایضاح اقسام و انواع تجارت صرف نظر نموده محض تشحیذ ذهن خاطر خود فقط دو قسمت عمده از آنرا بعرض عالی میرساند که از ین قرار است .

از نقطه نظر (ایکونومی پولیتیک – علم ثروت ملل) صنعت تجارت را قسمت بدو نوع کرده نوع اول را موسوم بر (تجارت داخلیه) و دومی را بنام بر (تجارت خارجیه) نموده اند .

تجارت داخلیه آنست که مثلاً شخص تاجر از زارع مازندران و یا از نساج کرمان برنج و یا شال را که نتیجه سعی و عمل آن زارع و نساج است ابتیاع نموده و یا بچیز دیگر معاوضه کرده بطهران آورده معاوضه یا بنقد و یا بجنس مینماید .

هر دولتی که میخواهد رواج بتجارت داخله داده محصولات و امتعه خود را در انظار رعیت خود معتبر نماید از محصولات زمینی غیر از عشر و از امتعه داخله غیر رسم تمغا که غیر محسوس باشد رسم گمرک و سلامتی و چیزی دیگر ابداً از ین قبیل رسومات معاف میدارد .

تجارت خارجیه آنست که شخص تاجر یا از ممالک داخله نقد و یا جنس بخارجه فرستاده و از آنجا یا نقد و یا جنس بداخله می‌آورد .

در این باب هم بدولت لازم است که مذاکره با تجار و صاحبان وقوف و اطلاع نموده در نتیجه معین نماید که از محصولات و امتعه کدام نوع قابل التدارک و کدام نوع غیر قابل التدارک است و کدام نوع از اشیای داخله مخصوص بمملکت خود است و کدام چیز در سایر ممالک خارجه هم یافت میشود .

بعد از آنکه این چهار فقره معین شد امتعه که در داخل میتوان تدارک کرد حق دارد که بجهت همان امتعه رسم گمرک زیادی تا در صد بیست و پنج بگذارد که همان اشیا را تجار مجبور شوند که از خارج بداخل نیاورده رواج بآن قبیل اشیای داخله بدهند .

و اشیای غیر قابل التدارک اگر مایحتاج است باید که رسم گمرکی که غیر محسوس باشد مقرر نماید اگر مایحتاج و خرج عامه نیست حق دارد که رسم گمرک خیلی سنگین مقرر کرده نگذارد که داخل در ممالک خود نمایند .

و اگرچه از اشیای داخله مخصوص مملکت حق دارد که در یک مرتبه مناسب رسم گمرک بگیرد اما خلاف مملکت داری است که رسم گمرک از چیزی که در سایر ممالک هم بحصول می‌آید بگیرد .

حالا لازم می‌آید که بدانیم کدام اشیا بجهت ایران و ایرانیان در کدام نوع واقع شده است . در همین فقره آنچه بخاطر فقیر می‌آید از قرار ذیل است :

اولاً) آنچه قابل التدارک است بر دو نوع است : نوع اول
اشیای سهل التدارک است مثل رشته پنبه و علم(?) و کرباس و چیت
و تماج و مشین(?) و غیره است که ازین قبیل اشیا را یک قسمت جزوی
میتواند اصلاح کرده باب رقابت را باز بودی ازین قبیل امتعه خارجیه بایند
و این فقره هم بسته بتزیید رسم گمرک ادخالات و عفو رسم گمرک
اخراجات و مهربانیات داخله است .
نوع دوم صعب التدارک است مثل قند چغندری و چیت
فرنگ و بارفتی(?) روس و غیره که ازین قبیل تأسیسات بسته
بهمت بزرگان و اعیان و اشراف ملت است و دولت حق دارد که
رسم گمرک ازین قبیل امتعه را بشرطی که هر یک سال یک جزو آن کسر شود
مشروط بر بیست و پنج سال در صد بیست و پنج گمرک از امتعهٔ
خارجه گرفته ترقی و امتیاز بجهت اعمال و تکثیر ازان قبیل امتعه
بدهد .
و اشیای غیر قابل التدارک نیز از قبیل چای و قهوه و کنه کنه و وانیل
و سایر جوهریات کیمیویه طبیه و عجالةً ساعتهای بغلی و اسباب
هندسه و آلات مخصوصه بصنایع نازکه و نفیسه و چراغ و
امثال آنها است که از جهت عدم رواج در داخله و کثرت مخارج
باعمال آنها اقدام باعمال آنها در ایران لازم نیست .
اشیای داخله مخصوص بمملکت از قبیل آلوی ترش و قلم و تنباکو و غیره
اگرچه رسم گمرک در زمان اخراج آن بخارجه رواست ولی بر دولت
واجب است که بذل عاطفت باصلاح و ترقی از آن قبیل امتعه
داده تجار خارجه را چنین مجبور نماید که آنها را بکمال میل ابتیاع نمایند

چیزی که در ممالک خارجه هم محصول میاید امثال آنها از قبیل پنبه و توتون و تریاک
و زیتون و شال و قالی و نمد و امثال آنهاست محض اینکه ازین قبیل
اشیا از اشیای خارجه ارزانتر و بهتر بنظرها بیاید لازم نیست که رسم
گمرک ازین قبیل اشیا کمتر شود .

مناسبات تجاریه ایران

اما مناسبات تجاریه ایران بممالک خارجه ازینقرار است
اولاً) دولت انگلیس است که در اغلب ظروف چینی و سنگی و ادویه‌جات
و چای و قند و حلبی انواع چیت و کرباس و مدقال و چلواری یعنی تمام
منسوجات قطنیه و ماهوت فرد اعلی و بعض پارچه های پشمی و غیره
و شکر سفید و چاقو و مقراض از امتعه ممالک انگلیس است که داخل در
ممالک ایران میشود و از ایران نیز غالی و مازو و تریاک و کشمش و
لاس و آنچه که هیچ دولتی راضی باخراج آن نمیشود بممالک انگلیس میرود
درین معامله انگلیسها پانزده میفروشند و یک از ما میخرند و در
هر سال ما در پانزده تومان معامله چهار تومان خسارت داریم .
و معامله تجاریه انگلیسها در هر سال علی التخمین از هشت کرور تومان
کمتر شود .
ثانیاً) دولت عثمانیه است که آلوی ترش و تنباکو و قالی و چیت
اصفهان و غیره و هر نوع شال و زرنیخ و قلم و برنج و قناویز و تافته
و بقچه و پرده و لنگ دارایی و لاس و کوسفند و کرباس خام و پنبه
و غیره از ایران بممالک مذکوره و از آنجا هم با ایران شال انگوری و قدیفه
و حاولی بروسه و کلابتون خالص و نخ و عبای عراق و انگور خشک
و عسل و روغن و امثال آنها فرستاده میشود
در هر سال تخمیناً سه کرور تومان معامله کرده دو کرور و نیم تومان

نفع از عثمانیان بایرانیان عاید میشود .

ثالثاً) دولت اطریش والمان است خورده آلات و قلیان ونعلبکی وتمامی

بارفتنی وآئینه وکبریت وانواع ساز وبعضی بلور وچینی بدل وپولاد وقند ۲ وماهوت پنبه

وشلر وکمربند ودستمال وچاقو وبقچه وچیت استاری وبعضی پارچه ابریشمی

وخاقانی وپنج چلچراغی ازان ممالک بایران واز ممالک ایران بین ممالک خارجه

المانیه غالی وروده وکشمش فرستاده میشود .

درهر سال علی التخمین از ایران بممالک اطریش المان ده در قیمت چهل هزار

تومان امتعه فرستاده وبرای ایران از ان ممالک ولا دو قیمت یک کرور

تومان امتعه باشیاع اورده میشود .

رابعاً) دولت روس است از ایران بممالک دولت مشارالیها هر نوع میوجات

وحبوبات وپنبه خام و روغن وماهی وزیتون وچوب شمشاد وغیره وترنج

وتوتون وشراب وتنباکو وجلد گاو وگاومیش وجلد حیوانات وحشیه

وجلد بره وگوسفند وبز وامثال اینها واز ممالک روس بین بایران بارفتنی

وسماور وتخته مس وآهن وکرباس کتان وچیت ۲ وبلغار و سارغی و و برف شیرزانات

مشروبات مسکره وصابون معطر وبعضی مصنوعات حدیدیه وامثال وکاغذ ونفت

آنها آورده میشود اکرچه نمیدانم درهر سال معامله تجاریه ایران وروس وشمع کچی

بچند هزار تومان میرسد ولی اینرا صحیحاً وصریحاً میدانم که درین ۳ علی التخمین میتوان

معامله نفع ایرانیان بیش از نفع روسها است . کفت کمتر از سه

کرور تومان نیست

و

خامساً دولت فرانسه است از ایران بممالک فرانسه بادام وغالی و

کتیرا وانواع پوست وشمع عسل وپشم واثار عتیقه اخراج واز ممالک

فرانسه بممالک ایران قرمز خورده آلات وپیانو وکالسکه وادویه جات

وقند وشیشه وشراب وسایر مسکرات وماهوت خوب وکلاه بتون

وریسمان ومنسوجات قطنیه وحریریه وصوفیه ادخال کرده میشود

معاملات تجاریه ایران وفرانسه از ششکرور تومان بیشتر ودرین

معامله ضرر ایرانیان از چهار کرور تومان کمتر نیست .

اکرچه ایرانیان با (سویس) و (بلژیک) و (ایتالی) و (امریک) و (یونان)

هم معامله تجاریه دارند واز قبیل غالی وتنباکو بعضی امتعه فرستاده

خورده الات شیشه ماهوت کمربند وبعضی مصنوعات ابتیاع مینمایند

اما خسارت این معامله درمرتبه محسوسه نرسیده است .

خلاصه

از مطالعه این لایحه نتیجه که بدست میآید از قرار ذیل است :

معامله تجاریه ایران با ملل خارجه درهر سال علی التخمین بیست ودو

کرور تومان میشود وازین مبلغ بحساب صد وپنج بخزانه دولت یک

کرور وپنجاه هزار تومان عاید خواهد شد .

ودرین معامله ۱ ایرانیان هر سال پانزده کرور تومان از ثروت نقدیه مرفی نیست که

خود بملل خارجه میدهند .

وهمچنین اشکار میشود که یک قسمت کلی ثروت نقدیه ایران بمنسوجات

قطنیه که از قبیل متقال وچلوار وململ و تنظیف وهیون ودستمال وچیت و

مانند ان است میرود واین هم عمده متاع انگلیس است که در مانچستر

بعمل میآید اکر ممکن باشد رسم کمرک که ده صد کمتر از بیست وپنج نباشد قرار

بکذارند از وقتی که فرنگ هر چیت که اکنون چهارده دینار میدهند لازم میاید که فرنگ

همان چیت را بیک ریال بفروشند .

واز پانزده کرور ما اهالی ایران اکر ده کرور خلق هر سال هر یکی پنجهزار

دینار بجهت منسوجات قطنیه بدهند پنجکرور تومان میشود که رسم

کمرک این مبلغ عبارت از یک کرور ویکصد وبیست وپنجهزار تومان است

ودولت میتواند که بعد از شش سال همین مبلغ بلکه کارخانه منسوجات

قطنیه ساخته پنبه ایران را دراینجا استعمال نماید .

۲ وشکی دیگر قند است که علی التخمین در هر سال از مارسیل فرانسه و تریستای
اطریش و هندوستان در قیمت پنجکرور تومان داخل در ایران میشود
لازم است که دولت علیه همان معامله که در باب منسوجات قطنیه مینماید
تابستانی در باب قند هم مقرر فرماید ولی نه یک دفعه بل از صد و پنج گرفته هر سال
یکعباسی برسم گمرک علاوه نماید

از تمامی مسکرات اگر در صد هفتاد و پنج گمرک و رسوم ذخیره بگیرد
حق دارد .

زری و منسوجات حریریه و صوفیه و انواع ماهوت را اگر بممالک خود نپذیرد
حق دارد .

چون دانستن لزوم و عدم لزوم تمامی امتعه تجاریه بسته بدانستن اسامی
افزارهای است این فقره را واگذار بعهده کمیسیونی که اجزای آن عبارت
از تجار و اصحاب وقوف باشد کرده که کتابچه که آنها در غیاب خواهند
نگاشت از آن کتابچه فقره لزوم و عدم لزوم را تحقیق کرده بعد
رسم گمرک را مقرر نمودن لازم است .

و اجرای تمامی این فقرات بسته بتفسیخ فصل سوم عهدنامه تجارتی
ترکمان چای است چه در آن فقره دولت علیه متعهد شده است که
از صد فقط پنج رسم گمرک بگیرد
درین موقع امپراطوری روس هم گویا بفسخ این فقره راضی میشود اما
در اعتقاد حقیر بهتر است که بجهت مال التجاره روس تعرفه نوشته
شده بهر اشیائی که ایران و ایرانیان بآن محتاج است در صد فقط
هشت و بهر امتعه که احتیاج نیست در یکصد دوازده رسم
گمرک قرار داده شود و کذلک مال التجاره دولت عثمانی هم مثل مال التجاره

روس شناخته شود چه با این دو دولت مناسبات تجاریه ایران
نفع دارد .

اما هر اشیائیکه از ایران بروس و عثمانی فرستاده میشود بهتر است که
ابداً گمرک نگرفته شود اگر این را مناسب ندانند نباید که بیش از دوازده صد
گمرک گرفته شود زیرا اگر رسم گمرک سنگین باشد در تجارت ایران
کسادی بروز مینماید مثلا امروز یک وقیه یعنی هفده سیر برنج ایران
را در ارضروم ده شاهی است برنج دیاربکر که از برنج اروپ بهتر است
چون وقیه آن در ارضروم بجهت کرایه حمل و نقل یازده شاهی است از آن
بخریده برنج ایران را میخرند اگر رسم گمرک سنگین باشد تجار بجهت
عدم رواج نمیبرند و اهالی هم بالمجبوریه برنج دیاربکر را میخرند
پنبه و تنباکو و سایر اشیا هم ازین قبیل است

بسم الله الرحمن الرحیم
و به نستعین

این معنی بر ارباب دانش و ادراک پوشیده و مخفی نیست که دول خارجه روز بروز بر ترقی و کثرت
قدرت سلطنت و قوه عسکریه خود را به اعلی درجه میرسانند و [illegible] ایران [illegible] در اداره جات دولت اعلی [illegible]
و این مدعا چنین است که [illegible] در مملکت ایشان از این رو با تکمیلات و ترقی [illegible] که [illegible]
کارها در کار مملکت و رعیت که راجع به [illegible] است [illegible] مملکت [illegible]
که چطور دول فرنگستان در وسعت و کثرت [illegible] از [illegible] جان [illegible] دارد
[illegible] است که ملت ایران با آن همه غیرت و [illegible] دارند
و خیال [illegible] روز بروز بر ثروت و قدرت دول همجوار [illegible] اسلام [illegible]
باید در فکر [illegible] و در خیال حفظ بیضه اسلام [illegible]

ایران [illegible] سعادت [illegible] هرگاه اولیای دولت ابد مدت [illegible] بهره
[illegible] دولت و نظم مملکت و ترتیب قدرت سلطنت [illegible] عوام و جهال ملت
هزار [illegible] است [illegible] صد سال
قبل از این ملل فرنگ [illegible] العقلای ایران گفته [illegible] خواهد کرد از
[illegible] بعضی از اهل ایران الان [illegible] ملل فرنگ [illegible] صد سال قبل ایران
در [illegible] ایران [illegible] ده هزار [illegible] و صد [illegible] الان
هند و فرنگستان و روسیه [illegible] عالیه در [illegible] معظم
ایران [illegible] مملکت [illegible] حضرات تجار
و سایر اهل ایران [illegible] چراغ [illegible]
استعمال کنند و عمارات عالیه [illegible]
چای خوری [illegible] مختلفه استعمال کنند و [illegible] مطبوعات [illegible]
که [illegible] ایران [illegible]

بدعت

در فقرهٔ نهم که دولتین [illegible] است چرا که [illegible]

که مقصود [illegible] دولت علیه [illegible]

در [illegible] است که [illegible]

در کرهٔ ارض [illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible]

دولتین [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible]

سرحد و ثغور و امنیت طرق و شوارع [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible] که [illegible] است که [illegible]

حضرت [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible]

[illegible] که در ایران [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] است که در [illegible]

که از [illegible] رعیت [illegible] و چنانچه [illegible] در ایران [illegible]

[illegible]

رسم [illegible] در این صورت چه [illegible] دولت [illegible]

[illegible] است که [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible]

با این [illegible] دولت ایران [illegible]

و شوکت سلطنت [illegible] و قدرت عسکریه [illegible] دولت [illegible]

قرار تازه ٣ — الحاصل در این باب [illegible] دولت [illegible]

دولت [illegible] اهالی ایران [illegible]

صد سال است که دول تجربه داشتهاند که هم اسکناس را رایج آوردهاند و صنعت چاپ فن و ترقی آن
در صنعت ترقی اسرار قرار آن قرض خود از خزانه است و اسکناس اول تقریباً سعادت [illegible]
در سالی نیز رضعی در این کتابچه است که سعی شده و ایران ضعیف این رسالت اصلاً بر ضعف و عدم [illegible]
بسیجه از نه ذوب از ملل سلاطین و قانون که ازان روزگار در ملک داری و رعیت پروری و نظم که از این
که دانسته اند بدقت عدیده و اقسام مختلفه از اسناد هر قسمی را که با مزاج مملکت موافق و مناسب
دولت بود اصلح دیده در آنسنه به عمل اسکناس نوشته اند چنانکه الآن هم جمیع دول از قرار این وضع
رسومات و قوانین جدیده بسیار سخت و رواج اسکناس شرط و ترتیب اقتضای وقت و زمان
و شروطیست که در ضمن یک باب و یک خاتمه نوشته شود **باب اول** در وضع ورقه چاپخانه و تکلیف بر ایران
اسکناس که شرایط بر دوازده قاعده **قاعده اول** که عمده و اعظم شروط است اینست که باید جمیع
کاغذها در کارخانه دولتی بعمل آید ... ساخته شود و این شرط و قوانین بتدریج ساخته شود کاغذ در وسط آن
بکمال طبیعی نقش شود

قاعده دوم اگر چه حاضر نبودن کارخانه دولت ممکن نیست در ایران لهذا در روسیه و انگلستان باید چاپ

کارخانه شود و ... اداره ولی همینقدر ضرورت از این کاغذها ساخته شده تجارتی تمام و بفقط شکل آن
دولت چاپ و یک عیب نزد و گلاً بر خلاف شرط نامه رفتار کند فلان مبلغ جریمه بدهد
قاعده سیم اندازه هر ورقه باید تعیین شود مثلاً کاغذ این قدر بزرگتر از اندازه یک ورق
ارقام و قیمت و امثال آن باندازه یک ورق ملفوف در این احکام و در آنجا نهاده شود
همه بعضی نشان دار شریعه و امثال آن اندازه هر ورق و کاغذ از دیگر احکام و مسکوکات و امثال
آن ملصقه و تیزی تمام و رنگ کاغذ سیاه و دوام و رنگ آن خیره باشد

مهر ظهر **قاعده چهارم** نشان دولت علیه اسم ورقه و اندازه مبلغ آن و قیمت آن اجمال در قرار داده
چون که نشان شود و مرکب ثابت در بالای کاغذ در کنار است مهر شود به خطوط آن سیاه و رنگ و ایران
مهر ملکه در خانه ضرور است همیشه در جعبه بوده و سر آن جعبه بمهر رئیس و امین ... مهر کرده شود
مهر ... این که از جانب رئیس تعیین شود در سر آن کار باشد
قاعده پنجم بعد از آنکه بقدر ضرورت از این کاغذها حاضر شده و هر چه رسید در دفتر مخصوص که صفحات
آن نمره داشته باشد قید و از اول قیمت که از نمره هر ورق قطعات ... در جعبه دفتر نمره ... باشد

با ارقام معمول باشد و پس از آن ارقام همان دفتر تحویلی منقبض تحویلدار شده قبض گرفته شود

قاعده ششم تحویلدار و رقم صحیحه باطلاع رئیس استیفا بر ارقام اخراجات هر مملکت از این کاغذها بفرستند

که در این تحویلداران جزو هر مملکت دایم و رقم صحیحه موجود و مرتب باشد و ثبت آنها را نیز در دفترخانه

و صاف مرقومه و رقم عدد پنجم ثبت نماید

قاعده هفتم تحویلداران جزو هر ساله و هر ماه آنچه از رقم صحیحه بفروش رسیده و جدا از ارسال دارالخلافه

الباهره بنماید که تحویلدار کل بری و قبض بگیرند جزو از تحویلدار کل قبض بگیرد و تحویلدار کل آنچه در دارالخلافه بفروش

رسانیده تحویل همه را تحویل رئیس استیفا که قبض دریافت کند

قاعده هشتم تحویلداران جزو ممالک محروسه در وقت ارسال وجوه بحساب کل نوشته جزو بشت بنویسند که

کیسه و قبض بچه انباری که از بابت قیمه کاغذ از تحویلدار کل در دست دارند مع باقی ثبت کاغذها که فروش

رفته کاکم آن تا در هر دو نفر از کارهای دیوان در انجمن حضور خواهند داشت بیاید و آنها جواب اداره را اتصال کرده

و مهر بنمایند تا معلوم شود از کاغذها چه فروش شده چه باقی مانده و همان سند را لف نوشته تحویلدار کل و رقم بتصدیق آن

که اگر تحویلداران جزو در نوشتن حساب جزو تعلل ورزند حتما انها عمل نمایند و اگر از ارسال کوتاهی کنند در تحویلداران

جزو حساب خود را در دارالخلافه به تحویلدار کل نرسانند نیز به همان ترجمان از آنها گرفته شود و اگر ارتکابی [illegible]

با ارقام بفرستند معزول شوند

قاعده نهم و تحویلدار کل که در دارالخلافه خواهد بود چون وجه از ارسال و از وجه حساب کل نوشته جزو را

باید با این در رئیس استیفا برسد که او بعرض خاکپای همایون اعلیحضرت شاهنشاهی رسانیده و حواله را بدهد و اگر

از جهتی [illegible] در که وجه حساب خود سالانه به مهر روز [illegible] ترجمان [illegible] کلاه [illegible] بکند

از ارسال وجه حساب ماه بماه بعد از اداره ترجمان از شغل خود معزول شود

قاعده دهم کلا کسی از این کاغذها که گرفته باشد ولی بعد ضرر در فروش نشود و بخواهد با کاغذ علامت عوض نماید

تحویلداران [illegible] باشد [illegible] کاغذ [illegible] الی المصرف رسانیده و کاغذ [illegible]

لازم دارد و [illegible]

[illegible]

[illegible]

قاعده یازدهم [illegible] تحویلداران کل و جزو در هر شهر [illegible]

ایشان هر ساعت از روز رفته الی ساعت بغروب مانده در همان مکان معین حاضر باشند
که همه مردم معطل نمانند حتی روزهای جمعه و اعیاد

قانون دوازدهم تحویلداران تذکره و جواز و غیره از اوراق متعلقه نباید از مردم زیاده بگیرند هر کس زیاده بگیرد
هر آنچه گرفته ده مقابل برای اول دفعه جریمه بدهد و در دفعه ثانی و در دفعه سیم معزول شود

باب دوازدهم در اجرا و رواج ورقه صحیحه و تکلیف رعایا در کارهائی که شرعیات است

قانون اول هر کس فرامین و احکام لفظی و غیر لفظی و بروات و چک‌های دیوانی در اداره آنچه در قصاص دیوانی شود
با تعلیقه و حکم وزرای عظام و سران لشکر داده میشود و همچنین ارقام و احکام و ... که حکام و پیشکاران
ولایات میدهند باید جمیعا در روی ورقه صحیحه معتبره نوشته شود

قانون دوم در جمیع ممالک محروسه در یک تاریخ و یک روز معین اعلان شود که مردم اسناد خود را
از همان تاریخ ببعد از قباله و تمسک و شرطنامجات و امثال اینها جمیعا در روی ورقه صحیحه نوشته و مهر کنند
ارشاد مردم شود هر سندی که در روی ورقه صحیحه باشد قسمت محتاج تحقیق و تصدیق ارباب آن دیوانخانه
دیوانخانه همان است که در اجرای آن خواهد کرد

قانون

قانون سیم هر حکمی که از دفترخانه مبارکه پادشاهی یا از دیوان عدالت عظمی یا از وزرای عظام و سران
لشکر و دیوانیان جز و صادر شود باید بعد از تحقیق و غوررسی کامل حکم بدهند و دیگر بعد عذر و حساب
حکم امضا است مگر آنکه مسدود نشده تا بعد مردم پیشتر نشر دهند و پیشکاران در رواج کامل بگیرند

قانون چهارم هر بروات دیوانی و آنچه بنهائی وجوه و حکم است از قبیل اسناد هر کس از قبیل قباله و اجاره‌نامه
و تمسک و امثال اینها که محل گفتگو و مباحثه است و هر آنچه بعنوان عرضه دار و جز اینها سند بیرون آورد روی ورقه
صحیحه نوشته نشده باشد آن سند را موقوف الاجرا میدارند مگر سندهائی که تاریخ اینها قبل از قرار داده شدن
استعمال باشد در اینصورت بعد از اجرای عمل و احقاق حق و ارائه آنها در هر باب اگر جز نخواهد کرد

قانون پنجم هر سندی که در روی ورقه صحیحه نوشته شده باشد و ممتنع بحث و گفتگو و محتاج تحقیق از آنکه باشد و در کارهائی که
احقاق حق نیم عشر از آن خواهد گرفت و دیناری زیاده بهیچ اسم و رسم مطالبه نخواهد کرد و در کار جدید فقط این قدر
که زیاده برای آنکه تنصیف جزء معمولی خواهند کرد

قانون ششم در هر دیوانخانه که معتبر شده قرار این خواهد بود که هر آنچه از بابت نیم عشر یا یک عشر
که در قانون چهارم و پنجم ذکر شد عاید شود در دفتر مخصوص و جداگانه که در قانون پنجم مرقوم شد ثبت نمایند

قانون هفتم چنانچه برحسب اتفاق در جائی از ممالک محروسه ورقه صحیحه تمام شود و کسی بهر و بری [illegible] داشته باشد

که باید در ورقی از ورقه صحیحه نوشته شود (هرگاه صبر نماید تا از دوایر کلانتر ورقه صحیحه برسد مرقوم کارها که نوشته شود صبر باید

خواه برسد) از وقت نسبت مال سه بهر دار ورقه ورقه صحیحه با اطلاع اجزای دوایر کلانتر [illegible]

در کاغذ ساده هر قبض نسخه و بیرسی در کاغذ در ورقی کاغذ سفید [illegible] لصق [illegible]

و حکم ورقه صحیحه دارد و تا بعد از آنکه رسید ثبت باید [illegible] ورقه صحیحه [illegible] از ورقه

صحیحه لصق بر کاغذ [illegible] ثبت باید [illegible] است [illegible] ورقه صحیحه

ورقه صحیحه برود [illegible] نوشته

قانون هشتم عرض [illegible] عارضی [illegible] دوایر کلانتر [illegible] شرط شرط اول آنکه عارض

مطلب خود را در ورقی از ورقه صحیحه [illegible] نوشته [illegible] (اسم [illegible] دوایر کلانتر [illegible]

و هم عارض [illegible] عرض [illegible] در آن تغییر [illegible]) شرط دویم عارض هرگاه خود خط و سواد داشته [illegible]

عریضه [illegible] نوشته [illegible] خود [illegible] باشد [illegible]

برند شرط سیم هر عارض عریضه خود را [illegible]

و قبض از چاپارخانه بگیرد و از وقت پوشته [illegible] چاپارخانه است که عریضه عارض [illegible] در دوایر کلانتر

از دوایر [illegible] شرط چهارم هر عارض عریضه خود را در دوایر [illegible] شرط پنجم عریضه

تاریخ باید داشته باشد شرط ششم کلمات [illegible] باید داشته باشد شرط هفتم [illegible]

عریضه کلانتر عارض [illegible] اسم خود و پدر [illegible] در ذیل عریضه بنویسد (نکات و [illegible]

این واضح است [illegible] خواهد) [illegible] عریضه را از عارض [illegible]

[illegible] قبض [illegible] در قطع [illegible] صرف [illegible]

قانون نهم هرگاه [illegible] در این کتابچه ضمن [illegible] باب سیم [illegible] ورقه صحیحه [illegible] ورقه صحیحه [illegible]

[illegible] شمرده [illegible]

[illegible] ورقه [illegible] عمال [illegible]

[illegible] ورقه [illegible] نخواهد [illegible]

باب سیم در قیمت ورقه صحیحه [illegible] بر چهارده قسم

قسم اول [illegible]

[illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا [illegible] [illegible]
از [illegible] تا هر قدر [illegible] [illegible]

قسم دویم در فرق میان مراتب [illegible] بر دو علامت [illegible]

رتبه یا دوری [illegible] نظام [illegible] ان که [illegible] نظام [illegible]
[illegible] رتبه [illegible] آن [illegible] داد [illegible]

علم [illegible]

[illegible] رتبه [illegible] اوّل [illegible]
سرتیپ [illegible] [illegible]
سرتیپی سیم [illegible]
سرتیپی دوم [illegible]
سرتیپی اوّل [illegible]
امیر تومانی [illegible]
سرداری [illegible]
لال اعظم [illegible]
[illegible] [illegible]

قسم سیم در فرق میان حکومت [illegible] مراتب

[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
حکومت [illegible] [illegible]
حکومت [illegible] [illegible]
حکومت [illegible] [illegible]

قسم چهارم در فرق میان نشان [illegible]

از مرتبه یا دوری [illegible] آن [illegible]
[illegible] بر چهار مراتب

[illegible] سیم [illegible] [illegible]
[illegible] دوم [illegible] [illegible]
[illegible] اوّل [illegible] [illegible]
[illegible] سیم [illegible] [illegible]
[illegible] دوم [illegible] [illegible]
[illegible] اوّل [illegible] [illegible]
[illegible] سیم [illegible] [illegible]
[illegible] دوم [illegible] [illegible]
[illegible] اوّل [illegible] [illegible]
امیر تومانی سیم [illegible] [illegible]
امیر تومانی دوم [illegible] [illegible]
امیر تومانی اوّل [illegible] [illegible]
لال اعظم سیم [illegible] [illegible]
لال اعظم دوم [illegible] [illegible]
لال اعظم اوّل [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]

قسم پنجم در فرق میان القاب [illegible]

بر چهار مراتب

لقبی که آخرش [illegible] باشد [illegible]
لقبی که آخرش سلطنه باشد [illegible]
لقبی که آخرش ملک باشد [illegible]
لقبی که آخرش خارج از این [illegible] باشد [illegible]

قسم ششم در فرقی که در مراد متفرقه
خارج از این پنج قسم مذکور صادر [illegible]

بر یک مرتبه

هر ورقی [illegible]

قسم هفتم معرفه فرق میان [illegible]
معرفه فرق [illegible] [illegible]
از [illegible] [illegible]
معرفه فرق [illegible] [illegible]

قسم هشتم در بروات پیشکشی حکام [illegible]

برات دو مراتب [illegible]

از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]	[illegible]
از [illegible] تا یک کرور	[illegible]	[illegible]
از یک کرور تا هر قدر	[illegible]	[illegible]

قسم نهم در ارقام شغلی بر چهارده مراتب

رقمی که منصب و لقب و شغل در آن باشد	[illegible]
رقمی که شغل منصب و لقب و شغل باشد	[illegible]
رقمی که شغل [illegible] باشد از یکهزار تومان	[illegible]
از پانزده تومان تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا هر قدر باشد	[illegible]

قسم دهم در حکام و سران سپاه

و حکام جزو و رؤسای ولایات نهایی جزو ولکه

تعلیقه اطلاق شغل شش مراتب

تعلیقه منصب و سلغ در آن باشد	[illegible]
تعلیقه منصب و شغل در آن باشد	[illegible]
تعلیقه که سلغ در آن باشد در یکهزار تومان	[illegible]
از صد و پنجاه تومان تا پانصد تومان	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از هزار تومان تا هر قدر باشد	[illegible]

قسم یازدهم در حکم چاپارخانه و تنخواه

شغلی بر سه مراتب

که غدا از اسب چاپاری	[illegible]
با شرکت سمت بغداد و	[illegible]
با شرکت سمت [illegible] و [illegible]	[illegible]

قسم دوازدهم در عرایض که [illegible] که [illegible]

بستگان مهر [illegible] [illegible] خود به قبض مال را

در رقمی که [illegible] بسته و دو سه کلمه از دو دفتر زاده

مهر [illegible] ورق	[illegible]

قسم سیزدهم در فهرست و عرایض متفرقه

شغلی بر سه مراتب

فهرست و عریضه جهت حضرت [illegible]	[illegible]
عریضه جهت [illegible] وزرا و سران سپاه و حکام [illegible]	[illegible]
علیه عظیم می‌نویسند	[illegible]
عرض حال که حکام جزو و [illegible] می‌نویسند	
جزو و امثال می‌نویسند	[illegible]

قسم چهاردهم در [illegible]

تقسیم

قبالجات و شرط نامجات و شرکت و صیغه نامه و امثال آن ورقه اینها به اندازه خواهد بود

اول یک ورق دوم نیم ورق سیم یک صفحه تو با ورقه ده ... سطر ... است

از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]
از [illegible] تا [illegible]	[illegible]

خاتمه مشتمل بر سه فقره فقره اول کلاً این کار را نخواهند رواج بدهند باید قسم ورقه

صحیحه و قبوضات را با بعض از قواعد و قوانین بسند رجعه در آن کتابچه از قبیل قاعده

... به طبع برسد و چاپ بزنند و نقش ... کل ممالک محروسه و مردم اسلامیه آگاهی

حاصل شود و هم سررشته دولت ... داشته باشند که از روی آن استحکام ضرورت عمل کنند

فقره دویم از قرار تخمینی که از روی قاعده و بصیرت این چاکر را آمده ... است اگر ... در ایران

مجری و معمول شود در سالی قریب یک کرور تا دو کرور ... عاید خزانه عامره ... حاصل ... از ...

در بار ... هزار ... در ممالک محروسه مجری و معمول دارند ...

که مدت ... عمده ... دولت ... است و مراد ... خواهد گرد

فقره سیم ... رفته ... سکنه ... رفته ده شهر و ... قصبه

... در تمامی ... شهر و ... ده قصبه ... در ... از اینها ... هم رفته ...

و ... هزار ... در ... رفته ... فرض ...

در ... ایران ده هزار ... هزار ... هزار ...

رفتم رفته مهزار دینار قرض [illegible] یک ده شش [illegible] سیصد و شصت هزار [illegible] که

رقم [illegible]

بحساب سابق

[illegible] عیال [illegible] از بنده و قصبه [illegible] مقرر

از شهر و بنده و قصبه [illegible] در هر یک محکمه المقرر

[illegible] در هر محکمه [illegible] طرف و المقرر

[illegible] طرف ثم المقرر [illegible]

[illegible] طرف بر ثم المقرر [illegible]

[illegible] قیمت [illegible]

[illegible]

[illegible] تهران [illegible] به رواج [illegible] سرکار [illegible] امر [illegible]

در [illegible] مرکز [illegible] هر [illegible] معلم خانه [illegible] تهران [illegible]

[illegible] استطاعت [illegible] و در آن [illegible] معالجه [illegible]

[illegible] و در آن تعلیم خانه تربیت و تعلیم کنند [illegible]

[illegible] از [illegible] صحیحه داده شود [illegible] شرف [illegible]

[illegible] تعلیم [illegible] معالجه [illegible] لازم [illegible]

شهر ربیع المولود من شهور ۱۲۷۸ تم بالخیر

سال [illegible] سیصد در تهران

در شعبان [illegible] کردم

در [illegible] ۱۹ [illegible] دیوان [illegible] در [illegible] تا [illegible]
[illegible] عشق [illegible] . . . . . . [illegible]

ترتیب وزرای عثمانی

تشریفات دربار دولت عثمانی

صدر اعظم

جناب دولت فخامتماب سعید پاشا .

(معزولین صدارت)

جناب دولت والاهمتماب ادهم پاشا	وزیر امور داخله
جناب دولت والاهمتماب عبدالرحمن پاشا	والی ولایت قسطمونی
جناب دولت والاهمتماب عارف پاشا	اعضاء در مجلس اعیان
جناب دولت والاهمتماب خیرالدین پاشا	〃 〃 〃
جناب دولت والاهمتماب احمد وفیق پاشا	〃 〃 〃
جناب دولت والاهمتماب صادق پاشا	خانه‌نشین

وزرای قابل الصداره

جناب دولتماب احمد راسم پاشا	والی ولایت طرابلس غرب
〃 〃 ناشد پاشا	والی ولایت ازمیر
〃 〃 عاکف پاشا	رئیس شورای دولت
〃 〃 عاصم پاشا	وزیر امور خارجه
〃 〃 کامل پاشا	اعضاء در مجلس اعیان و ناظر امور خانواده سلطان عبدالعزیز
〃 〃 سرور پاشا	〃 〃 〃
〃 〃 صبحی پاشا	وزیر تجارت و فلاحت
〃 〃 عرفان پاشا	اعضاء در مجلس اعیان و رئیس کومیسیون سجل احوال مأمورین
〃 〃 لطیف پاشا	والی ولایت خداوندکار (بروسه)
〃 〃 رفعت پاشا	〃 〃 سیواس
〃 〃 مظهر پاشا	امین شهر اسلامبول
〃 〃 حسنی پاشا	خانه‌نشین
〃 〃 محمود پاشا	〃
〃 〃 اسماعیل پاشا	اعضاء در مجلس اعیان
〃 〃 منیف پاشا	خانه‌نشین
〃 〃 عابدین پاشا	والی ولایت اطنه
〃 〃 اسعد پاشا	سفیر کبیر در پاریس
〃 〃 شوکت پاشا	خانه‌نشین
〃 〃 محمود پاشا	رئیس دائره تنظیمات در شورای دولت
〃 〃 سعدالله پاشا	سفیر کبیر در وین
〃 〃 مصطفی پاشا	وزیر علوفه
〃 〃 سعید پاشا	سفیر کبیر در برلن
〃 〃 علی رضا پاشا	مفتش مخصوص و وزیر رسائل

جناب دولتماب منیر پاشا	ایشیک آغاسی باشی و مترجم حضور
〃 〃 کامل پاشا	وزیر اوقاف
〃 〃 جمیل پاشا	والی ولایت حلب
〃 〃 منیر پاشا	خانه‌نشین
〃 〃 رفیق پاشا	ناظر صندوق متقاعدین
〃 〃 غالب پاشا	والی ولایت سلانیک
〃 〃 حسن فهمی پاشا	وزیر عدلیه و مذاهب
〃 〃 رائف پاشا	وزیر فوائد

(توضیح)

امروز دولت عثمانی شصت و هفت نفر وزیر دارد که بعضی از هفتاد و پنج الی صد و پنجاه لیره در ماه مواجب گرفته خانه‌نشین هستند و بعضی هم یا در باب عالی یا در ولایات یا در سفارات مأموریت دارند و مواجب ایشان از یکصد و پنجاه لیره الی دویست و پنجاه لیره است .

غیر از اینها چهل و دو نفر هستند که از عسکری ترقی کرده نایل رتبه مشیری (مارشال) شده‌اند اینها هم یا در باب سرعسکری یا در اردوها و در سفارت پطرسبورغ مستخدم یا در بعض ولایات مدیر و والی هستند در زمان سلطان عبدالعزیز از اینها هم صدر اعظم گردید در تشریفات مشیران بوزراء تقدم دارد مواجبشان بالعموم دویست لیره است و جیره علیق هم دارند

ككك

(۱)

بسمه تبارک و تعالی

رساله در باب مقیاس اوزان و مقادیر و غیرها از حجم و کیل و نقود و سطح

حسب اراده علیه [illegible] اقتضا فرموده که شرحی در باب مقیاس اوزان و مقادیر
و کیل و غیرها [illegible] لازم [illegible] الاعلی که مسطوره در ذیل است را با تحقیقات لازمه و
دقت کامله در کمال وضوح و تفصیل نگاشته مرتب بر یک مقدمه و سه فصل داشت اما مقدمه مشتمل
بر فواید علمی و دوری اجرای قانون مزبور در این رساله است چنانکه در نظره اول آن فواید محقق و معلوم میگردد

فصل اول در قوانین قدیمه و جدیده راجعه باوزان و کیل و مقادیر و غیرها و دقایق علمیه متعلقه بآنها

فصل دویم در اصول قانون اوزان و مقادیر و وضع هر مقیاسی که از روی علم و دقت قبول و متوقع آمد

فصل سیم در قانونی که [illegible] برای اوزان و مقادیر و غیره ترتیب داده
یافته است و این فصل [illegible] که بمقام صدارت عظمی و شورای کبری [illegible] نظر [illegible]

پس از آنکه فواید و منافع آنها را واضح و مبرهن [illegible] اجرای آن حکم [illegible]

مقدمه

(۲)

هیچ شک نیست که برای تعیین طول و سطح و حجم و کیل و وزن و نقود مقیاسهای
صحیح لازم و واجب است و چون اغلب ممالک و بلاد معظمه فرنگ حتی دولت عثمانیه این لزوم
ضرورت را از روی تحقیق دریافت کرده و بترتیب آن پرداخته و مقیاسهای صحیحه که شرح هر یک
باید بیاید [illegible] و از فواید [illegible] آن یکی اینست که در بیع و شرای اجناس و امتعه هر یک
از بایع و مشتری قدر و تکلیف خود را دانسته طرفین از خیال فریب دادن یکدیگر خارج و هر دو
از غبن و خسارت محفوظ و ایمن میباشند فایده دیگر تسهیل و اعتبار عمل تجارت است که هرقدر
مبنای این عمل محکم و مبنی بر قانون مرتب و منظم باشد راه تقلب و تدلیس از آن مسدود گردد
بر رواج آن افزاید و چنانکه با [illegible] ترقی نماید و همینکه تجارت معتبر شد دایره آزادی و سعی [illegible]
آمد رعیت با مکنت و ثروت میگردد و دولت از رعیت متمول فایده [illegible] میبرد و دارای مکنت
و عدت میگردد مثلا تجار با واسطه نداشتن مقیاس صحیح طول چقدر با زحمت از کار [illegible]

فرنگ یا تجار آن ممالک ابتیاع نمایند نمیدانند چه خریده‌اند یعنی اندازهٔ آن پارچه‌ها
مجهول است و بهمین جهت حساب منفعت فروش آن را نمیتوانند کرد و همین است حال کیل
و اب است که در تعیین داد و ستد آیهٔ کریمه (ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون
و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون) در حق آنها صادق میاید و برکت کسب و تجارت آنها میرود
فایدهٔ دیگر آنکه چون نقود را مقیاسی صحیح باشد و در تحت قاعدهٔ معین دیگر مسکوکات مارا
در بلاد خارجه نمیتوانند در حکم جنس محسوب دارند و گفتگوهای طولانی لاطائل فیما بین عمّال
و ایران درباب زوار عتبات عالیات و مکه معظمه زادها الله شرفاً بانتها رسید فایدهٔ عاجله
دیگر آنست که بنص قرآن و ادلهٔ متقنهٔ خاتم پیغمبران صلعم از اعمال مشروعه معدوده است آنکه
بنحو قلیل که نهایت ده هزار تومان باشد دولت بتواند اقلاً صد هزار تومان منتفع شود و
مداخله کند و کدام فایده است که بالاتر از یک بر صد باشد علاوه بر این یک قسم مالیات
هم بجهت مخارج در محل مفتشین مقیاس اوزان و مقادیر و غیرها برقرار و معمول میشود که عامه

مردم بجهت آسایش و اطمینان قلب خود و ایمنی از هرگونه غبن و خطری با کمال میل و رضایت بکار گذارند
دولت میدهند و دولت البته از این راه هم منتفع میشود در صورتیکه شرعاً و عرفاً بعمل ممدوح و لازم
اقدام کرده و عموم اهالی مملکت را دعاگو و شکرگزار و رهین منت خود نموده است و البته مردم که
از صحت مقیاسها فایدهٔ کلی برند از دادن جزئی از آن بجهت مخارج و مواجب مفتشین مضایقه
نخواهند کرد و چنین مالیاتی اگرچه علاوه بر مالیات معموله میشود نه شرعاً بدعت است نه عرفاً باعث
حرف و حکایت ضمناً چیزی بنوکرهای بیکار دولت رسیده یعنی مواجب و معاشی عاید آنها شده
و دولت نیز خود فایده برده بعلاوهٔ آسایش رعیت و نیکی مرابری که نامرئی بود پست و ملت ایران
بر زبر سطه در خارج محروس میگردد و منافع آنها در داخله محفوظ میماند
اما فایدهٔ عاجله دولت که از یک معیناً صد حاصل خواهد نمود این است که در اول اجرای
قانون صحیح مقیاسها در قورخانه دولتی یا در هرجا که صلاح دانند ذرعهای مخصوص از روی قاعده

که در فصل پنجم ذکر میشود ساخته همچنین اوزان از نخود تا من از روی قاعدهٔ فصل مذکور ترتیب
میدهند و مهر و تمغای دولتی را بر روی آن میزنند و بقیمت معین که اجحافی نیز در آن نباشد بتمام
ممالک و بلاد ایلچی تقسیم فیمابین و طبقات کسبه از نفت فروش و نخود بریز تا آنهائیکه
شال ترمه و زری میفروشند مجبور باید از این ذرع و اوزان از دولت بگیرند در مقصودات باید
ملاحظه نمود که سالی از صد هزار تومان عایدی خواهد شد یا نه و هر سال هم کسبه و تجار قبلیت مبلغ غیر
محسوسی بتفتیش باید بر هر شهر که بر مهر و تمغای آن دولت مهر و تمغای معاینه را که دارای تاریخ آن سال است
بزنند نیز از فواید مهمه این مطلب است که غالب ادویهٔ معموله حالیه که اطبا در معالجات بکار میبرند
دواهای فرنگی است و اغلب آنها هادوتند و می و چون در کتب طبی قرار نیست و طرف آن
ادویه با وزان فرنگی نوشته شده اطبای فرنگی دارند در نسخه وزن هر دارا بگرام تعیین
ملیفاسیند و بر جمتهای بیاید با برگرام را با نخود تطبیق کنند و نخودها بالضروره کوچک و بزرگ است

چنانکه نخود قزوین تقریبا دو برابر نخود طهران است و نخود آب طهران نیز با نخود تمیز وزن تفاوت
کلی دارد و چه بسا دواهای سمی که اگر خردلی در قدر شربت آن تخلف حاصل آید مهلک است صرف نظر از
اسباب هزار گونه ضرر و اتلاف نفوس محترمه میگردد و اگر نتیجه هلاک و تلف نباشد اقلا صدمات
و مرارتهای طولانی خواهد بود پس وقتیکه اوزان را مقیاسهای صحیحه باشد این اختلاف و مضرت
مرتفع میگردد و حاصل آنکه فواید و منافع تصحیح اصل مقیاسها بسیار و مضرت اغتشاش آن
بیشمار و در اینجا بهمین قدر اقتصار میشود

فصل اول

در بروز خلقت یا در ابتدای هر دوره که بنی نوع بشر برو حاجت و مقامات عالیهٔ تمدن نائل گردیده
و سلسلهٔ جمعیت و معاشرت و معاملت سلوک انتظام پذیرفت مردم را با هم در زرای اسنی نمود و تعیین
مقیاس ضرورت و لزوم خود را ظاهر و محسوس نمیشود چنین طبیعت و دراکه انسان را ملتفت نماید
ساخت و لکن رادادو ستد از لذت احتیاج بانداره و کیل معلوم کردید و هر قوم برای خود

مقیاسی در اوزان و نقود و غیرها اختیار کنند و همانطور که سایر اوضاع زندگانی آنها از اصل صحیحه
دور بود مقیاسها نیز از مبانی منتظمه عالی و امری تقریبی مبهم و در معاملات کلا معین است که فرق
تقریب و تحقیق در اجزاست که سر و پایان آن نیز کل است زیرا پیداست که ابتدا معاملات
در میان قبایل و طوایف به مبادله بوده است نه نقود مثلاً یک قربان از گوسفند برکری داده چیزی از ملبوس
در عوض میگرفته است و از همین رو حالت مقیاسهای آن طوایف و قبایل معلوم میشود علاوه بر نقص کلی
این مقیاسها عیب دیگر نیز در آن بود که هر قومی مقیاسی علیحده داشتند و معاملات اقوام مختلفه
با هم بسیار مضر بوده است گذشته از اینکه هر طایفه از معلومات یکدیگر نیز مستفیض نمیشدند چنانکه اگر قومی تعیین
مسافت ما بین دو محل را میکرد چون مقیاس او غیر از مقیاس اقوام دیگر بود آن تعیین مسافت
برای آن اقوام بیچاره مطلقا از آن تعیین فایده عاید ایشان نمیگردید مثلاً اهالی قدیم روم که اکثر
مسافت زمین را از روی قدم معین نموده بودند و طول مسافتی که مساوی با هزار قدم بود آنرا
یک میلیر و یک میلیا رمی گفتند و در انتهای هر یک میلیر سنگ نصب کرده میگفتند
از فلان محل تا فلان جا و مکان صد میلیر است یا صد سنگ و اطلاق این لفظ بجای لفظ میلیر

لفظ ورست را قرار داده و میلیر را مخصوص مساحت دریا و تعیین سیر سفاین کردند و میل معروف
از میلیر اخذ و تعریب شده است
چون قرنی چند گذشت و علوم و کتب در میان ملل مرتب و مدون گشت و در قرون ماضی
فاضله هیئت و نجوم و مساحت و تعیین ابعاد که بها نوشته شد بطلمیوس حکیم معروف صاحب کتاب
مجسطی خواست مسافت یکدرجه از درجات زمین را معین کند که مساوی با چند میل است و جمعی
از شاگردان خود بصحرای زمین آمده بقدر گنجایش وقت و اقتضای زمان مساعی در اینکار مبذول
داشتند اما مقصود از تعیین یکدرجه از درجات زمین و طول و مسافت آن قرار دادن واحدی
برای مقیاس طول بود هیچ معلوم نیست آنچه مشخص است این است که بر حسب تحقیقات و اعمال
بطلمیوس مسافت یکدرجه زمین مساوی با شصت و شش میل و دو ثلث میل شده این اندازه را
سیصد و شصت برابر نموده از محیط زمین دانستند و زمین را نیز در این اوان کره حقیقی فرض میکردند
زیرا تنها مسافت و طول ابعاد را به استادیوم تعیین میکردند و هر صد و بیست و پنج قدم را یک استادیوم

سیر شستند و هشت استادیوم آنها با یک میلیر ازها رومیة الکبری مساوی بود

اما فرس و عجم چون با رومیة الکبری و یونان و مصر مراوده و آمد و شد بهم رسانیدند در تعیین طول

ابعاد پیرو فرس اما رومیه را اختیار کرده اجزاء پاره سنگ نامیدند و پاره سنگ از کثرت

استعمال پرسنگ و پرسنگ و چون در فارسی با و فا با هم تبدیل میشود فرسنگ شده

اعراب فرسنگ را معرب کرده فرسخ گفتند و بالجمله حکمای قدیم گفته اند استداره کره ارض

در موضع خط استوا سیصد و شصت درجه است و هر درجه بیست و پنج فرسخ و فرسخ سه میل و میل

چهار هزار ذراع و ذراع بیست و چهار اصبع و اصبع شش حبه جو که بعرض چسبیده شده

سنگ هر جو بشکم جو دیگر چسبیده باشد پس هر فرسنگ دوازده هزار ذراع خواهد بود بعضی گفته اند

فرسخ هفت هزار گام است و میل سه هزار ذراع

سکنه قدیم مصر در مقیاس طول و ابعاد انگشت را اختیار کرده و در اندازه آن اختلاف نموده بعضی آنرا

مقسمت استادیوم دانسته برخی جهت و در زمره بیست گفته اند

ملک اطریش و المان و نروژ و سوئد و انگلیس و اسکاتلند و لهستان و ایطالیا و کرواسی

لفظ میلیر را قبول نموده بر بسط آن تعیین نمودند اما اهالی اسپانیا و الکاس و فرانسه لیو و

روس ورست را اندازه خود قرار داده بودند

پس از آنکه در ضمن این مقدمات معلوم نمودیم که اندازه تعیین ابعاد و طول در ایران فرسخ

و میل و ذراع بوده و از روی ذراع اندازه معین نموده که آنرا ذرع نام نهاده بودند و این اندازه

اجزاء و اضعاف غیر اعشاری داشت و توضیح اجزاء و اضعاف اعشاری در میان خود بیاد

گوئیم مقیاس تعیین طول و وزن و حجم و سطح و کیل و نقد با وجود ترقی و پیشرفت کامل

تمدن در هر مملکتی و هر جائی وضع جداگانه بوده چنانکه از تحقیقات مسطوره در فوق محقق

و متعین میگردد علاوه بر این اختلاف در هیچ مقیاسی هم استحکامی نبوده دستی را اصلاح نموده

که طرف اعتماد و اطمینان گشته بلکه در ایالات مملکت واحده و ولایات آن اقسام

اوزان و اکیال و اندازه ها معمول بود بر خواه و اصری با یکدیگر تطبیق نمیشد و از کثرت آن

غافل نبوده‌اند و هر وقت که عقلای طوایف این معایب را احساس میکردند و قصد رفع آن
مینمودند با اشکالات و موانع و مخالفت جهال تصادف مینمودند و فی الحقیقه اصل
صحیحی هم برای مقیاس طول و وزن و غیرها در دست نبود که آنرا ماخذ قرار دهند و ترتیب
از روی آن ماخذ مقرر گردد تا اینکه تمدن ممالک فرنگ را روشن ساخته از پرتو علم
و تربیت دریافت نمودند که برای اندازه گرفتن هر قسم چیز واحدی باید اختیار نمود مشخص و
ثابت از همان قسم تا مقیاس آن چیز باشد و برای العین خسارت اغتشاش مقیاسها
مشهود گردید و دانایان مملکت فرانسه بواسطه اینکه در ممالک آنها مقیاسها متفاوت
و مغشوش بود در امور تجارت دچار اشکال گردیده در نقد و تحویل اوزان و قیمت اجناس
سرگردان بهر سختی بود بفکر برخاستند دولت فرانسه اقدام برفع و دفع این اغتشاش
کرده با جد و کوشش بسیار مملکت خود را از شر این عیب بزرگ مصفی داشت و ترویج آن

مساعی از قرار ذیل است

بعد از شورش بزرگ فرانسه مجلس و انجمنی از وکلای ملت در این مملکت منعقد شد و در هشتم ماه مه
سنه هزار و هفتصد و نود مسیحی مطابق سلخ رجب هزار و دویست و چهار هجری آن انجمن جمعی
از منجمین و مهندسین را مامور نمود تا مقیاسهائی وضع کنند که در تمام مملکت معمول شود تا
مدتی مشار الیهم مقیاسهای جدید متری را وضع نمودند و نزد اجزای مجلس و انجمن و سالار و غیره فرستادند
ولیکن پیش از اتمام و حسن این انجمن مبدل بانجمن مقننین شد آنها نیز این مقیاسها را قبول کردند
بنابراین در هفتم ماه نوامبر سنه هزار و هشتصد و یک میلادی مطابق بیست و پنجم جمادی الاولی
سال هزار و دویست و شانزده هجری بر آن شدند که آن مقیاسها را معمول دارند اما در اجرای
این حکم موانع بسیار رخ نمود دولت فرانسه برای اینکه مردم باین مقیاسها مانوس شوند و
خود از روی میل آنرا اختیار کنند چندین سال در مجرا داشتن آن مسامحه و اهمال نمود

و این تدبیر با آنکه اسباب اصلاح کار شد بر موانع آن افزود و ثمری حاصل نشد عاقبة الامر
از روی ضرورت روز چهارم ماه ژوئیه سال هزار و هشتصد و سی و هفت مسیحی مطابق بیست و
نهم ربیع الاول سنه هزار و دویست و پنجاه و سه هجری در باب اجرای مقیاس متری
حکم محکمی صادر کرده و صدور سیاست سختی معین نمودند و از اول ماه ژانویه هزار و هشتصد و
چهل میلادی مطابق بیست و ششم شوال هزار و دویست و پنجاه و پنج با کمال [illegible]
مشغول اجرای حکم گردیده و مقرر داشتند که از امروز به بعد غیر از مقیاس جدید متری هیچ مقیاسی
نباید معمول باشد و احدی بنابراین حکم تجاوز و تخلف ننماید و از آن وقت مقیاس جدید متری
که در سال هزار و هشتصد و یک منتشر شد در تمام مملکت فرانسه معمول شد و مقیاسهای
مغشوش سابق منسوخ گردید و این مقیاسها و قانون را سیستم متریک میگویند یعنی
طرح و طریقه متری و برای مزید توضیح شرحی در این مطلب نگاشته میشود در فصل ثانی مقیاسهای

طول و وزن و حجم و سطح و کیل و نقود را بیان مینمائیم

پوشیده نباشد که هر چیز که قابل فزونی و کمی است آن را مقدار مینامند طول و سطح
و وزن و حجم مقدار است برای تعیین مقادیر آنها را مقابله مینمایند با مقداری دیگر از همان
جنس یعنی وزن را بوزن می‌سنجند و طول را بطول و قس علی ذلک چنانکه وزن یک
خربزه را با من معلوم میکنند و طول یک کوچه را با ذرع و میگویند طول این کوچه چند برابر
ذرع و وزن این خربزه با چه قدر از من مساوی است بنابراین باید ترتیب کاملی برای تعیین
مقادیر باشد که طول و سطح و وزن و حجم و کیل و ارزش نقود بواسطه آن ترتیب در کمال صحت
و درستی معین و مشخص گردد و از آنجا که اذهان اعداد بسیار زیاد و مقادیر زیاد قلیل را خوب
در آن فهم نمی‌نماید باید بزرگی اندازه با بزرگی مقداری که بایست معین شود متناسب باشد
با وجود دقت و عدم اختلاف و کمال استحکام و از این گذشته بر مبنایی که ترتیب کامل تعیین مقادیر را

سه شرط عمده است شرط اول آنکه واضح و ساده باشد یعنی مقیاس مقادیر دارای
اجزاء و اضعافی باشد متناسب با اصل مقیاس که در محاسبه اسباب اشکال نشود مثلاً
اجزای یک من ده یک من و صد یک من و هزار یک من باشد و اضعاف یک من
ده من و صد من و هزار من و اجزای ~~قران ده یک قران و صد یک قران و~~
تومان ده یک تومان و صد یک تومان و اضعاف آن ده تومان و صد تومان و هزار تومان
و این را اجزاء و اضعاف اعشاری گویند و در فصل سیم باز شرح آن بیاید
شرط دویم آنکه مقیاس باید از روی اصل مستحکم باشد که بهیچوجه قابل تلف و تغییر و اصل هر گاه
خود در آن دخل و تصرفی نتوان نمود و اگر غیر از این باشد نه صحت مقرون است و نه طرف اطمینان
و محل است زیاد و کم شود و این فقره مخصوصاً برای نقود ضرر مفرط دارد
ثالث باید در تمام ایالات و ولایات و محالات مملکت مقیاس مقادیر یکی باشد

و در همه جا نیز یک اسم نامیده شود تا در معاملات تجارتی اشکال و موانع در پیش نیاید
و از این بدتر چیزی نیست که در مملکتی اسم وزنی شایع باشد و مسمای آن در اماکن آن مملکت
بصورت اختلاف درآید مثل اینکه کلمه من در هر جای ایران بر یک مقدار اطلاق شود
چنانکه من در تبریز هزار مثقال است و در طهران ششصد و چهل مثقال و در شیراز هفتصد
بیست مثقال و قس علی ذلک و از آنجا که سیستم متریک یعنی ترتیب اوزان و مقادیر
از روی متر دانسته مبتنی بر اصل صحیح است و دارای شرایط مسطوره در فوق تا شرح آن را ذیلاً بیان مینمائیم

فصل دویم در سیستم متریک

سیستم متریک که عبارت از دستگاه مقیاسهای جدید فرانسه و همگی مشتق از متر میباشد وضع آن
از قرار ذیل است و اصول آن مقیاسها بر شش طبقه قسمت میشود اول مقیاسهای طول دویم
مقیاسهای سطح سیم مقیاسهای حجم چهارم مقیاسهای کیل برای اندازه گرفتن مایعات و حبوب.

و امثال آنها پنجم مقیاسهای اوزان ششم مقیاسهای وجوه نقدی

شرح مقیاسهای طول

چنین خواستند مقیاسهای جدید را بر ماخذ و مبنای محکم ثابتی قرار دهند بر وجهی که مصنوعی نباشد بلکه
طبیعت را در آن دخل و مداخله باشد تا هر وقت بخواهند ماخذ آنرا بدست آرند ممکن باشد
چنین مصلحت دیدند که واحد طول را با بعاد کره زمین نسبت دهند و سایر آحاد طبقات مختلفه را
از آن واحد مشتق نمایند حکمی صادر کردند که ابعاد زمین را بدقت تمام مساحت کنند و در تعیین مقدار آن کوشند
که دلامبر و میشن بعهده بانجام این خدمت مامور گشته آنها کمر همت بر میان بستند و قوسی از دایره
نصف النهار را فیمابین شهر دنکرک از بلاد و شهرهای فرانسه و شهر بارسلون اسپانیا مساحت نمودند
و چون نتایج زحمات ایشان را با آنچه سابق در لاپونی و پرو مساحت کرده بودند ترکیب کردند معلوم شد
که شکل زمین کره واقعی و حقیقی نیست بلکه جسمی است بشکل نارنج و قطر از آن زمین را که

واقعی میدانستند و بنا بر این فرض مساحت محیط آن خیلی آسان بود بأین طور که طول یک درجه
آنرا ذرع میکردند و حاصل را سیصد و شصت بار ضرب نمایند تا وسعت دایره آن بدست آید و
پیش این مطلب ذکر شد آنان اندازه‌هائیکه در این موقع گرفته شد از درجه خط استوا بود تا قطب و شش
درجه عرض جغرافی در ممالک پرو و [illegible] درجه شرقی در فرانسه و [illegible] در انگلیس
و در روسیه و لاپونی و غیرها پس از روی این اعمال طول قطر استوائی زمین شد [illegible] هزار و
سی و چهار و سه ششهزار ذرعی و طول محیط زمین شد ششهزار و سیصد و هشتاد و هفت فرسخ
و چون طول تمام این محیط را بر چهل هزار هزار جزو قسمت نمودند و بعبارة اخری یک جزو
از هشتاد کرور جزو آنرا گرفتند اندازه آن قریب بیازده گره از ذرع شاه شد و آنرا متر
نامیدند پس یک متر فاصله قطب زمین از خط استوا معادل بیست کرور متر است
چون طول متر بدست آمد خواستند در موارد مختلفه مقیاسهای طول تعدد داشته باشد

پس اجزای اعشاری و اضعاف اعشاری متر را اختیار نمودند باین طرز که ده یک متر را
دسی متر گفتند و صد یک متر را سانتی متر و هزار یک آنرا میلی متر و ده متر را
دکامتر گفتند و صد متر را هکتومتر و هزار متر را کیلومتر و ده هزار متر را میریامتر
و در زبان یونانی دسی ده یک و سانتی صد یک و میلی هزار یک و دکا ده برابر
و هکتو صد برابر و کیلو هزار برابر و میریا ده هزار برابر است
پس این مقیاس طول که عبارت از متر است مبنی بر اصلی محکم است و بعد از آنکه حکم
قبول و اختیار آن در فرانسه صادر گردید اول نمونهٔ متر را با طلای سفید (پلاتین)
ریختند و در دفترخانهٔ دولتی گذاشتند و ممکن نیست که این اندازه تخلف کند چه
بالفرض انقلابات اسباب شورش آن گردد محیط زمین و خط استوا و قطب بجای خود است
و باز پیمودن و اندازه نمودن آنها در حیز امکان میباشد و با متر و اضعاف اعشاری و اجزای

اعشاری آن اطوال و ابعاد را معین مینمایند مثلاً با متر و اجزای اعشاری آن اندازه پارچه‌ها
و چیزهائی که چندان طولانی نیست مشخص میشود و با کیلومتر و میریا و اضعاف مسافات طرق و
راههای طولانی و غیره حسب التناسب

شرح مقیاسهای سطح

مقیاسهای سطح مربعاتی هستند که اضلاع آن همان آحاد طول مذکور باشد و واحد اصلی
متر مربع است و آن شکل مربعی است که هر ضلعش یک متر طول داشته باشد و اجزای
این مقیاس اول دسی متر مربع است یعنی ده یک متر که مربع باشد دوم سانتیمتر مربع است
یعنی صد یک متر مربع سیم میلیمتر مربع است یعنی هزار یک متر مربع و اضعاف متر مربع
اول دکامتر مربع است یعنی ده متر مربع دوم هکتومتر مربع است یعنی صد متر مربع سیم
کیلومتر مربع یعنی هزار متر مربع چهارم میریامتر مربع یعنی ده هزار متر مربع و هر یک

از اینها یکصد برابر واحد مادون خودش است مثلاً متر مربع یکصد برابر دسی متر
مربع است وقس علی ذلک و دکامتر مربع را آر نیز گویند و صد یک آر را
سانتی آر و یکصد برابر آر را هکتار نامند و در سطحهای مختصر متر مربع و اجزای
آن اسباب تعیین است و در سطحهای عمده آر و هکتار وسیله تشخیص میباشد

شرح مقیاسهای حجم

مکعب حجمی است بشکل جعبه که از اطراف محدود شده باشد بشش سطح مربع
مثل طاس تخته نرد و مقیاس حجم ~~مکعب است~~ و احاد حجم مکعبات هستند که اضلاعشان
احاد طول باشند و واحد اصلی حجم متر مکعب است و آن مکعبی است که هر ضلعش
یک متر طول داشته باشد و اجزایش اول دسی متر مکعب است و آن مکعبی است
که هر ضلعش یک دسی متر طول داشته دویم سانتی متر مکعب و آن مکعبی است که هر

ضلعش یک سانتی متر طول باشد سیم میلی متر مکعب و هر کدام از اینها هزار برابر
واحد مادون خود است و اضعاف متر مکعب معمول نیست

شرح مقیاسهای کیل که مکیال گوئیم

واحد اصلی برای اندازه گرفتن مایعات و حبوبات و غیره لیتر است و آن حجمی یا ظرفی است
که گنجایشش قدر یک دسی متر مکعب باشد و اجزای لیتر اول دسی لیتر است یعنی ده یک
لیتر دویم سانتی لیتر است یعنی صد یک لیتر و اضعاف لیتر اول دکالیتر است یعنی
ده لیتر دویم هکتولیتر است یعنی صد لیتر و هر کدام از این مقیاسها ده برابر زیر دست
واحد مادون خود است مثلاً لیتر ده برابر دسی لیتر است وقس علی ذلک

شرح مقیاسهای اوزان

واحد اصلی اوزان گرام است و آن وزن یک سانتی‌متر مکعب از آب مقطر است و آن
قریب پنج نخود است اجزای معموله گرام اول دسی گرام است یعنی ده یک گرام
دوم سانتی گرام است یعنی صد یک گرام سیم میلی گرام است یعنی هزار یک گرام و
اضعاف مستعمله گرام اول دکاگرام است یعنی ده گرام دوم هکتوگرام است یعنی صد گرام
سیم کیلوگرام است یعنی هزار گرام و کنتال معادل هزار کیلوگرام است و آن را تن نیز گویند

شرح مقیاسهای نقدی

واحد نقود فرانک است و آن قطعه پولی است نقره بوزن پنج گرام که تقریباً بیست و پنج
نخود باشد و عیار فرانک از این قرار است که ده یک آن مس است و نه عشر وزن آن
نقره خالص می‌باشد و قیمت آن امروز تقریباً معادل ~~بیست و یک شاهی~~ دو قران پول ایران است
و سابق معادل بود با نهصد دینار و اجزای معموله فرانک اول دسیم است

که ده یک فرانک باشد دوم سانتیم است یعنی صد یک فرانک
و اقسام پولهای رواج فرانسه چهارده قسم است که قیمت و وزن و قطر و جنس
آنها از سیاه و سفید و زرد مشخص است چنانکه پنج قسم پول طلا دارند
یکصد فرانکی و پنجاه فرانکی و بیست فرانکی و ده فرانکی و پنج فرانکی
و پنج قسم پول نقره دارند پنج فرانکی و دو فرانکی و یک فرانکی و نصف فرانکی
و خمس فرانکی
و چهار قسم پول مسی دارند ده سانتیمی و پنج سانتیمی و دو سانتیمی و یک سانتیمی
و علاوه برانها یک قسم پول طلائی هم رواج است بقیمت چهل فرانک
این است مقیاسهای طول و سطح و وزن و حجم و کیل و نقود در فرانسه که از روی
اصل اصیل و مأخذ صحیح قرار داده شده ~~و در صورتی که این مقیاسها را اعلی~~
~~فقط بعضی اسامی را بزبان معمول خود مستقیماً وضع کنیم یعنی در وزن بجای گرام~~

~~مثقال و بجای کیلوگرام من را قرار دهیم و در نقود بجای فرانک قران و بجای اضعاف آن~~

~~زمان و در مقیاس حجم بجای لیتر کیله و احیانا اگر در اسم مقیاسی لفظی من الاجانب~~

~~وضع آن اشکالی نخواهد داشت~~

بنا بر کمال صحت و اصالت مقیاسهای فرانسه همانها را دول و ممالک بلژیک

و هلاند و سویس و ایطالیا و یونان و اسپانیا و پرتوغال و ممالک متعدده امریکای

جنوبی بزودی قبول و اختیار نمودند و در انگلیس هم از سنه هزار و هشتصد و شصت و چهار و غیره

و چهار این مقیاسها مجاز شد اما حکمی نشد لکن ها دیگر که حکمی است

این اواخر اغلب دول بزرگ دنیا هم همین مقیاسها را معمول کرده و یقین است

که عنقریب تمام ملل متمدنه این سیستم متریک را قبول و متداول خواهند ساخت

چنانکه در سال هزار و دویست و نود و هشت بموجب فرمان اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان

در ممالک عثمانی نیز این سیستم معمول شد و در روزنامه نشست بطرز ابوبرغ همان وقت نقل از روزنامه

اسلامبول که این خبر را منتشر ساخته که حکمی از سلطان عثمانی مشتمل بر دو فصل صادر شده که بموجب آن باید از

اوزان و مقادیر و غیرها مقیاسهای سیستم متریک را در ممالک عثمانی معمول دارند ~~خیلی~~

~~است که اسامی را مطابق معمول ممالک عثمانیه از قبیل باتمان و اقه و غیره و مقیاس همان~~

~~مقیاس متری باشد و صورت فرمان سلطان در آخر این مقاله نقل میشود~~

~~یکی از محسنات این مقیاس این است که از هر یک میزان دیگری را اندازه نمود و معین کرد~~

~~زیرا که اشتقاق همه مقیاسهای متریک از متر است و بهمین واسطه است که همه را مقیاس~~

~~سیستم متریک نامند~~

~~صورت فرمان سلطان عثمانی در باب سیستم متریک~~

یکی از محسنات این مقیاس این است که از هر یک میزان دیگری را اندازه نمود و

معین کرد زیرا که اشتقاق همه مقیاسهای متریک از متر است و بهمین واسطه است که همه را

مقیاس سیستم متریک گویند

فصل سیم

غرض از نگارش فصول سابقه و مقدمه این بود که اصل مطالب و مقصود در میزان و مقادیر
معلوم باشد و نتیجه آن جمله این فصل است و چون این فصل قانونی است برای میزان
و مقادیر که بعقیده و رای نگارنده پسندیده است یعنی نتیجه افکار طولانیه چاکر آستان است
بعد از آنکه از لحاظ نظر انور ~~اقدس~~ حضرت همایون اعلی گذشت بموقع و محضر [illegible] رای کبری
رجوع شود تا درستی و صحت آن مذاکره نمایند اگر آن را صحیح و متین و اسباب آبادی ولایت
و منافع ملت یافتند وقتی مقتضی از وقت باید فرمان و حکم محکم در اجرای آن صادر
باید که خلف و تخلف را در آن راه نباشد و برای تجاوز کننده از آن کیفر و مصادره معین
باشد و تفصیل این اجمال این است که بعد از آنکه ذرع و سنگ برای مقیاس طول و
اوزان در قورخانه دولتی یا جای دیگر ساخته شد زمانی در تصحیح اوزان و مقادیر کلیه

طبع مخصوص با ذرع و سنگ در تمام ممالک محروسه منتشر سازند مثلا ضرابخانه
مقیاس ذرعی بجای ذرعهای حالیه و ضرابخانه سنگ بجای سنگهای وزن حالیه با اظهار طغرا
فرمان طبع شده و نتیجه همایون رسیده بعراق انفاذ میشود با ملفوفه فرمان خطاب بحکام
ایالات که باید قانون اوزان و مقادیر در این ایالات برقرار باشد تا بر طبق قانون طبع شده
که در تمام ایالات ممالک محروسه مجرا میشود و مدار معاملات و داد و ستد ها قانون
مسطور در این ~~قانون است~~ فرمان طبع شده است و تمام این مقیاسها میزان و مأخذ و در جمیع دفاتر اراضی و املاک
و مالیات و غیر ذلک باید مصدر و محصول بکار رود [illegible] چنین چنین کرده [illegible] که
اشخاص مجرا [illegible] رفع میشود و متعین است که [illegible]

قانون میزان و مقادیر منتجه خیال نگارنده

چون کلیه مقیاسها شش است این قانون نیز مشتمل بر شش فصل است که در فصلها

فصل اول در مقیاس طول

ذرع جریبی که در تمام ممالک محروسهٔ ایران حتی در قصبات و قرا باید معمول شود بحکم عقل باید
مطابق باشد با متر فرانسه که از روی مأخذ صحیح است و بنا بر این سعادت باید آنرا ذرع نامند
و هیچ ذرعی غیر از آن در هیچ جا مجاز و معمول نباشد و از برای اجزای ذرع مقرر دارند
که ذرع را بده قسمت متساوی منقسم ساخته هر قسمت را یک گره گویند و هر یک گره را
نیز ده قسمت متساوی نموده آن قسمت را بُهر خوانند و یک بهر را نیز ده قسمت متساوی
کرده آن قسمت را شعیر نامند و از برای اضعاف ذرع مقرر شود که ده ذرع یک نَی
نام داشته باشد و صد ذرع یک طناب و هزار ذرع یک میدان و ده هزار ذرع
یک فرسنگ و این بر ترتیب مطابق است با متر و دسی متر و سانتیمتر و میلیمتر و دکامتر و

هکتومتر و کیلومتر و میریامتر فرانسه و اسامی مقیاسها نیز بر همین منوال بالا ترتیب یافته است

فصل ثانی در مقیاس سطح

برای مقیاس سطح ذرع مربع باید معمول شود از روی ذرع جریبی و برای اجزایش گره
مربع و بُهر مربع و شعیر مربع را اختیار کنند و برای اضعافش نی مربع و طناب
مربع و میدان مربع و فرسنگ مربع را قبول نمایند و نی مربع را نیز قفیز و صد یک آنرا
جبه و صد برابر آنرا جریب نامند و این مطابق است با آر و سانتیار و هکتار
فرانسه

فصل ثالث در مقیاس حجم

برای مقیاس حجم ذرع ~~مربع~~ مکعب را که رمز و معنی مکعب را پیش ذکر کرده ام و برای
اجزای ذرع مکعب گره مکعب و بُهر مکعب و شعیر مکعب قبول شود و اضعاف ذرع مکعب

برسم دول متمدنه معمول باشد

فصل چهارم در مقیاس کیل

مقیاس کیل برای اندازه گرفتن مایعات و حبوبات و غیره است و برای این مقیاس اول لیتر را اختیار کنند و آن ظرفی باشد که گنجایشش بقدر یک دسیمتر مکعب است و اجزای لیتر اول فنجان باشد که ده یک لیتر گنجایش اوست دوم قاشق که صد یک لیتر گنجایش خواهد داشت و برای اضعاف لیتر اول پیمانه باشد یعنی ده لیتر و دوم قدح یعنی صد لیتر

فصل پنجم در مقیاس وزن

برای مقیاس وزن مثقال اول وزن است اما باید مثقال را مطابق پنج گرام فرانسه که تقریباً بیست و پنج نخود باشد قرار دهند و برای اجزای مثقال ده یک آن را که مثقال نیم گرام

فرانسه است نقیر خوانند و صد یک آن را گندم نامند و آن ربع نخود و مطابق اصطلاح حالیه است و برای اضعاف مثقال هر ده مثقال را یک سیر نامند و صد مثقال را یک وزنه و هزار مثقال را یک من و صد من را یک خروار و از آنجا که مثقال مطابق با پنج گرام فرانسه شده اجزا و اضعاف آن مطابق با اوزان فرانسه خواهد شد مثلاً میتوان فهمید که یک کیلوگرام فرانسه تحقیقاً چند سیر یا چند مثقال است برخلاف اوزان معموله حالیه که باید بطور تقریب معلوم کنند یا کسورات چند در حساب آورده شود اینکه بگوئیم یک کیلوگرام عبارتست از یک ثلث من و دو ثلث عشر سیر و شش عشر مثقال و پنج عشر نخود و این حساب برای عموم ناس بمنزله حل مالاینحل است

فصل ششم

بهتر این است که وزن ضرب شود بوزن یک مثقال بیست و پنج نخود که مطابق پنج گرام

فرانسه است و نه عشر آن نقرهٔ خالص و یک دهٔ عشر مس بر داشته باشد از قبیل
وزن و عیار آن بعینه مثل وزن و عیار فرانک فرانسه است واحدی از طلا و دول
ایرادی بر آن نمیتوان گرفت و اجزای اول آن صد دینار است که عشر آن است
ده یک قران است و چنین معمول است که پول سیاه کم قیمت را بخارجه حمل کنند و مدار معاملات
با خارجه باشد برای اجزای دیگر قران یک شاهی که نصف صد دینار باشد و نیم شاهی
که نصف شاهی است عیبی نخواهد داشت و بر رشتهٔ معاملات گسستگی وارد نخواهد
آمد و تطبیق پول سیاه داخله با خارجه چندان ضرورتی ندارد اما اضعاف
قران اشرفی یک تومانی و دو تومانی و پنج تومانی و ده تومانی باید باشد و عیار آن
بعیار لیرهٔ طلای فرانسه باشد که رفع فقر و قال الله و غبن از ملت و دولت علیه
و سایر مفاسد انعطاف گنج و ناموس ملت و دولت محفوظ است و در اختتام مطلب

مزید التوضیح اظهار میدارد که هر قدر ضرابخانه قانون اختیار شود بالغرض که بهتر
هم باشد و حال آنکه نخواهد بود چنین با سیستم متریک مطابق نباشد اسباب بی‌اداری است
و مایهٔ خسارت و غبن دولت و ملت والسلام

راپورت سالیانهٔ
ایران ۱۳۰۳

فصل اوّل

طریقهٔ مقرون بصرفه در ایران

علم صرفه جوئی عامه در ایران آنطور که گمان میکنند متروک و مهجور نیست بر خلاف عقیده این
علم در خیالات همه کس هست ولی در اثر احتیاجات آنرا نمیدانند از وجه قدر است —
ممالک ایران یکی از اولین منبع و منشأ ثروت و تربیت است و از خیلی از منه قدیم در
تواریخ موقع بزرگی دارد ولی با اینحال آنطور که باید شناخته نشده است —
وقتی بخواهند ممالک قدیم را بشناسند کسب اطلاع و معرفت کامل علماء را لازم است باید ایران را شناخت
و نباید اوضاع این مملکت را برای همیشه که با سایر ممالک فرق دارد طعن و ضرب زد و هم مخفی
نباید از بعضی اخلاق و عاداتی که در اول وهله تولید ذهن مسافر غریبه تنفر کند
اگرچه در فرنگستان معلم خانه‌های عمومی هست که صنعت علم صرفه جوئی ترقی ملت را آموزاند ولی
دانستن این فقره بسیار بی نفع نیست که در عملیات تنبیهی است در بعضی ممالک قرنها
نگاهداری کرده است ممالک ایران هم از این قبیل است و اگر گوشه از این پرده ظلمانی
که مانع است هم خیلی از اوضاع این مملکت را از انظار فرنگستان مخفی داشته است بر داریم

بر خیلی از اوضاع این ممالک مطلع خواهند شد و علاوه بر اینکه مقصود در نظر ما است
باید عقلانی مسئله را در اینجا ملاحظه کنیم که باید دانست چه طور ایران توانسته است خود را ضبط
کند و از قرض دادن و دوستی و غیره و غیره احتراز کند و چه کرده است تا ممکن از احتیاجات مستغنی است
از قبیل اسکناس و غیره در همه وقت منبع درجات دولت و هر جا در بعضی ولایات
قائم مقام بی شده است خود را حفظ نموده — این را هم باید تحقیق کرد که از عظمت
و عظمت تجارت ایران و ضرورت بزرگی در کارش بی دارد و نداشتن اسباب حمل و نقل
مثل راه آهن و غیره در این قرن برای جوامع خارجه مشهور است همه باید موروث این شده باشد
دولت ایران رواج یک قسم پول کاغذی برقرار کرده باشد و با وجود این حکومت
آیا اعتبار آنرا داشته است در این کار رابطه با جز قوانین صرفه آیا مرتبط است
مانع این کار بوده است مطلب در این است — در ایران
در مراد عالی باید دلیل آورد بازی در صورتی هم اگر فرض کنیم خیالات غلط باطل در باره
در فرنگستان تا تأثیری کرده باشد و این مانع آن شده باشد در دولت ایران استقراضی
از فرنگستان بکند آیا این رای تعلق قبول کرده اگر ایران محو کاری میخواست بکند

گروهی خیلی معتبر درجه اولی بوده است که خیلی از بانکها با تعلق بعضی با ایران به هم بسته خصوص

در حالتی که بانکها بتجربه این را فهمیده اند و دانسته که طلب کارهای دولتی را حرکتی غالباً اولین

درجه گرو را دارند این مسئله ثابت است حتی اگر از تنزل خود بری کند

ولی گذشته از این طریقه استقراض از خارجه اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحنا فداه اگر

منبع همیشه حقوق وسیعه خود را انکار ننمایند با نهایت اجلال حکم و اعلان منتشر نمودند که رواج

پول کاغذی بطور حتم و حکم معین و مقبول همه کس لازم باشد و خزانه دولت هم [illegible] قبول کند

در اینصورت آیا میتوان فرض کرد که ملت با کمال اطاعت داد و ستد آن را بقیمت [illegible] قبول نمیکرد

پس این اثبات عدم امکان استقراض نیست بلکه اثبات بی میلی دولت است به ترویج پول کاغذ

و این مسئله باز پیداست که ایران سالها از داخل شدن به این تدبیر باز مانع [illegible] مشهور

بملاحظه اینکه خاصیت آن جز این نیست که سرمایه کارهای با منفعت مملکت را منحرف کند و خیالات

منفعت جوئیهای سخت و صعب در میان پدید آورد که سرمایه باقی که در صنایع عمده [illegible] صرف میشد

از میان ببرد صنایع را ضایع و تجارت را ضعیف کند بنا بر این دولت اعلیحضرت شاهنشاهی

خوب ملتفت شده اند در این مسئله باز بها سرمایه دهی تازه را ایجاد نمیکنند و اگر هم [illegible]

بواسطه آنکه مثل سایر مواد [illegible] معدن تازه برای مملکت پیدا نکرده است

بلکه جای ترس هم است که بواسطه عدم معرفت با این که پایه آن کار را در روی چه مبنا نهند

بکلی از این مسئله بازی تجارت تحقق خیالات خام بشوند

علاوه بر این نوان است که ایران آنچه را مهمات و اسباب بهانه برای کار دانسته است

بکار برده باشد بلکه هم تقسیم بکوشیم که هنوز زبان شروع هم نکرده است ولی روز ترقیات

ملت یکی خود برسد همه روز از آتش رونق های عموم ملت از بعضی موانع و ملاحظات

که آزاد شده مستقلانه با این تدابیر و قوانین با تمام اجرا کنند و منفعت در این صورت از این

قوانین مقصود است حاصل شود

فصل دوم

مسکوکات در ایران

از قرار آنچه در فوق ذکر شده دولت امپراطوری اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه ملتفت

این مسئله فوق شده و بنا بر کمال کار آگاهی تکلیف احکام علامت سکه [illegible] را

نمودند و از ابتدای دولت الی الآن نقود ضرب کرده به نقد قیمت است در میان تمام ملل

رواج و قدر و بها دارد

پس سکه ضرب نقود ایران عبارت است از تومان طلا و قران نقره و شاهی مس
و پولهای خورده این سه قسم مسکوک در سال ۱۸۷۷ مسیحی بوده بموجب میل خاطر مبارک
اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه ضرابخانه موافق قاعده در طهران برقرار شد و مرحوم
مغفور امین السلطان طالب شد که پولهای مسطوره در ذیل از روی مبنای قاعده اعشاری
با اندازه قشنگ و سکه ها کنگره زده شد

سکه طلا که ده عیار دارد			سکه نقره		
ده تومانی	دو تومانی	تومانی	پنج هزاری	دو هزاری	قران
[illegible] نخود	[illegible] نخود	[illegible] نخود	[illegible] نخود	[illegible] نخود	[illegible] نخود
[illegible] گلم			[illegible] گلم	[illegible] گلم	ده گلم
نیم تومانی	خمسی		ده شاهی	پنج شاهی	[illegible]
[illegible] نخود	۳ نخود		[illegible] نخود	[illegible] نخود	[illegible]

سکه مس	
عباسی	صد دینار
[illegible] گلم	[illegible] گلم
شاهی	نیم شاهی
[illegible] گلم	[illegible] گلم

وصل ماخذ مسکوکات ایران تومان است و چون در سکه این تومان وجهاً
من الوجوه تعیین مبلغ نشده است و در هیچ طرف سکه نوشته نشده است نسبت
قیمت طلا با نقره چیست قیمت آن نسبت به نقره قابل تغییر است هر اندازه ترقی
و تنزل قیمت نقره در فرنگستان بهم میرسد محاسب قیمت امروز تومان حساب مملکتیه
دوازده قران است ولی در محاسبات اهل فرنگ قاعده است که تومان را ده قران

فصل سوم

صنعت ایران

مملکت ایران الآن لایه است هر با ... شبیه دارد ... صنایع اهل ایران و فرنگستان
با چرخ و ماشین درست کرده میشود با صنایع دستی خود ... و چند نامه کارخانه
با اسم ... منعقد شده ... بر رواج محصولات آنها دارد در این
عرض مدت ... تغییرات ... در حالت ... ایران و در اخلاق و عادات اهل آن رسیده
باشد در از زمان محصولاتی که از خارجه وارد میشده منحصر بود به بعضی چیزهای ... لازم و حال اهل
الآن ... مشمول مملکت ... و اسباب تجملی و تزئینات هم از خارجه وارد میشود

معلوم است از عمده بزرگی از همه جور اسباب تجملی و زینت که روز بروز دارد وارد ما
است و بیش انچه بنظر میاید نه تنها از بابت تحصیل اسباب و ادوات چرخ ماشین
کارخانجات فرنگ است بلکه از بابت کمی حقوق گمرکی است

اگر ما به داد و ستد اهل ایران و فرنگستان از حیثیت مبادلات امتعه با یکدیگر
درست دقیق شویم مبتلا از فرق کلی است در گذشته شده بود صناعت ایران تا یک
اندازه میتوانست که بقدر حصه خود در مقابل این رقابت متزاید خارجه مقاومت
و پایداری کند هر قدر ما ببینیم در عوض سهولتهائی که در ادخال امتعه خارجه
بایران داده اند امتعه مخصوصه ما هم در گمرکات ممالک خارجه معامله بمثل را با انها نمیکنند
میتوانیم گمان کرد که صناعت مملکت بتواند میزان تعادل مبادلات
ما را با خارجه نگاه دارد زیرا که با وجود هزاران موانع که برای تجارت
و حمل و نقل امتعه در کار است ملت ایران بواسطه غیرت خود را از دست
نداده نگاه میدارند با این اسباب میزان تعادلات شاید روزی قدر
برابر شود مفتاح بیش از همه ما دقت رات بهتر برسد میباید

از این که گذشتیم به بعضی اشارات مهم بپردازیم صناعت در ایران از ادوات
و هر کس میتواند هر صنعتی که میل دارد بایست اقدام نماید و هر نوع کارخانجات
و دستگاهی که بخواهد باز میکنند و از همین بابت است که هر نوع از هر جنس شخصی
در میان صنعتکاران هست که سعی میکنند کارهاشان تعریفی شود چنانچه بعضی از
آن صنایع از قبیل قالی و شالها و زریهای ایران و غیره و غیره معروف و مشهور
عالم شده است قالی در امکنه مختلفه ایران بافته میشود در خراسان
و فراهان و کردستان و شیراز و کرمان و غیره و در همه جا بدست بافته میشود
و از این بابت است که اقسام آن با یکدیگر فرق و مباینت دارد لطافت و اعلائی
انها با فوق درجه تعریف را دارا است و علی رغم تمام خیالاتی که در اینها اظهار چه
برای تقلید قالیهای با کهنه نمونه نقشه مثل قالیهای با بعضی اوزان قالیهای با الوان
است بلکه در استعمال شغاف روز بروز زیاد میشود قدیمی بودن طرحهای انها و قسمتی
لطافتی که در رنگ آمیزی آن و سلیقه که در کلیه صنعت آن بکار برده میشود

آنرا در میان تمام قالیهای سایرین خیلی ممتاز نموده است
شالهای کرمان با شالهای هند و کشمیر چنانچه آن تفاوتی ندارد و قیمتش هم
ارزانتر است و صاحب کارخانجات آن قریحه خود را با حالت و مذاق
تازه مردم عصر تطبیق کرده شالها را القیمت مناسبتر از کار در می آورند بدون
اینکه قسمتی کمتر از شهرت و تعریف شالهاشان کاسته شود و باین وسیله
معمولات و فروش شالهاشان را العبده خیلی زیاد کرده اند
بافتهای معروف به برک و پتو که عموماً یک طرح مخصوص دارد بواسطه نازکی [illegible]
که در آن بکار برده میشود یکی از جمله صنایع معروف است که منتهای تعریف را دارد و هیچ
جای ایرادی نیست
پارچه های ابریشمیه یزد معروف است شعربافی که عبارت از قناویز و الجه و مخمل و دارائی و [illegible]
باشد همینطور پارچه های ابریشمیه کرمان و کاشان و [illegible] و کتان
و قلمکار اصفهان و بعضی پارچه های دیگر از شیراز و رویه و جوراب و غیره صنایعی هستند

و یک تجارت عمده معتبری از آنها تشکیل یافته و به ثروت این مملکت
معاونت میکند
صنعت کشیدن تیغه‌های سفید و [illegible] و توپ سازی اصفهان و خاتم سازی
شیراز و اصفهان خیلی ترقی کرده است و با صنایع مشابه خود از مصنوعات
خارجه رقابت میکند خصوصاً آلات فولادی جوهردار اصفهان و شیراز
بواسطه اینکه در طرز و طور همان ظرافت و خوبی کارهای قدیم را دارد خیلی
با قدر و بها است
محل حرف نیست که ایراغ و قدر و بهای صنعتی محصولات ایران مطبوع نیست
عامه یک روح و قالب تازه که صاحب سلیقه [illegible] اگر ایران هم مثل سایر
دول رقبای خود ممالک را بسبب بهای سهولت حمل و نقل مواد و ادوات را ارزان قیمت [illegible]
آهن و غیره که ملل مختلفه بنسبت ضروریات ملی خود اهتمام کرده اند دارا میشد

فصل چهارم

زراعت ایران

زمین ایران از زمینهای حاصل خیز دنیاست و با وجود خشکی هوا و کمی باران محصولات
بزرگی است و در تمام جاهای کشت و زرعها برجهات آبیاری رفع از اول گذشته زراعت
ایران نه تنها محصولش بمصارف داخله میرسد بلکه از بعضی محصولات یک عده زیادی بخارج حمل میشود
چنانکه از ایران هر ساله بطرف هندوستان و روسیه و عثمانی غله و برنج و حنا و صمغ …
خشکبار و بیش از صد هزار عدل پنبه و تخمیناً ده هزار صندوق تریاک و حبوبات حمل میشود
و جنس مخصوصی است از توتون علاوه بر مصرف زیادی که در ایران در خود مملکت میشود مقدار …
و مصر را هم میدهد و دیگر از محصولات بزرگ فارس است خصوص تنباکو که در حوالی
شیراز و در اصفهان و کاشان کاشته میشود
از بذر شوشتر و زعفران قاین و بجنورد و حنای یزد و کرمان که حنا … بر آنها خشک شده
نرم کهنه از ابک رنگ مرغوبی میدهد که در تمام مشرق زمین برای رنگ …
و مواد … هر نیز باید در جزو این عداد شمرد همین طور الفوزه در خصوص ایران

این نوع قسم بانبازه دنگه ها بزرگ و کوچک در توی حصیر پیچیده تقریباً در هر سال ده هزار
صندوق از آن بترکستان حمل میشود … با زوج مهمان … ترکستان از همین قبیل است
و قسمت عمده را
جنگلهای مازندران یک نوع سرچشمه بزرگی برای ثروت مملکت است چوبهای مخصوص
کشتی سازی در آن بسیار است چوبهای شمشاد در آن خیلی مطبوع در هر جهت سفر ان
دیگر درخت و هیزم در آن فراوان است و کم یابی چوبها در سایر امکنه … است
بجز … اسباب این است که در این جنگلها کم جهادی واقع شده است که گذشته از این
چوبهای مخصوص نازک کاری هم در این جنگلهاست در همه جای ترکستان … رنگی
برای فروش پیدا میکنند
نیشکر هم در ازمنه قدیم هزاران کارخانجات قند سازی را شکر میداد خصوصاً
در اهواز که مرکز این کارخانجات بود همین مقارن با شهباز هجرت این شهر
خراب شده گشت و کار نیشکر انجام ضعیف و ناچیز گردید و با زحم تحصیل آن آسان است
زیرا که در این عهد علاوه بر اینجا در همه جای مازندران هم نیشکر یافت میشود و نی

در یزد یک عمل قندسازی مانده است اگرچه قند سفید می‌سازند اما به تصفیه می‌کنند

این قند را مواد نیشکر آن خیلی زیاد است ممکن است هرگاه آن را به وضع حالیه

تصفیه کنند بسیار ثروت و منفعت بزرگی بشود علاوه بر این گذشته از نیشکر

چغندر در ایران فراوان است و در عمل آن محصول فراوان خوب میدهد به خیال

و خیلی با نمو میشود و تمام محصولات را برای قندسازی خوب است دارا میباشد هرگاه کارخانجات

قندسازی دایر شود میتوانند سد بزرگی برای ممانعت از ورود سالی صد هزار صندوق قند

از فرنگستان ... میکنند بشود —

در اختتام این فصل میبایستی این را هم عرض کنم که در هیچ جا رسم و معمول قدیم

در ایران به سبک و عادات قدیم باقی مانده است ...

در از پیران خود دیده و آموخته‌اند می‌کنند و از هرگونه اسبابهای تازه احتراز دارند

و هرگونه تجربه‌های جدید بنظر آنها خطرناک می‌آید و اگر چیزی تازه ... علاوه

طبیعت آنها را به سبک قدیم و ابزارهای کهنه و طرزهای سابق عمل کنند آن اشخاص

آن شخص هرچه نتایج و منافع عملهای است و از طرزهای تازه حاصل کنند چون اهل ایران

خیلی با هوش هستند همین که یک منفعت واقعی در کار ببینند فوراً اسبابهای خود را تغییر میدهند

پس در صورتیکه بواسطه تجربه‌های فراوان منافع و نتایج را اظهار ... در فواید علمی

برسد که در انظار زراعت کاران ایران معاینه کنند و رواج فروشی را هم از آن کارها

آهن برای محصولات آنها بدهند که ببینند آن بهترین تدبیر زمین خالص بود برای آنکه

ترقی در میان کار آورده شود و اکنون خیلی بنظر مشکل میآید و لازم ترین کارها اهم است :

فصل پنجم

محصولات حیوانی

در باب جنس اسبها عموم اسبهای دنیا بعد از اسبهای عراب بلا فاصله اسبهای ایران است

بواسطه کوهستانی بودن و سرمای مرتع و کوهستانهای آنجا ... معروف هستند و از تخمهای مختلف عمده

میآید بیشتر جنس آن با اسبهای عراب نزدیک است اسبهای ایران ...

هر طالب است در جنوب ایران برای قشون ... خیلی بفروش میرسند و علاوه بر این

گاو و گاومیش هم از مازندران بقفقاز و روسیه برده بمصرف فروش میرسد —
ولی اگر از حفظ حیوانات چنانچه تجارتی تجارت مهمی شود از محصولات آنها کارخانجات
تشکیل بشود کمک میکند به ثروت دولت —

پشمهای ایران در خیلی نرم و لطافت است پس از آن مقدار زیادی از آن بمصرف
کارخانجات داخله روسیه باتفاق آن به انگلیس و فرانسه و بمبئی مقدار زیادی فرستاده میشود
بعد از پشم پوستهای بره از دو قسمت آن در اصفهان و همدان است و در برنبیلو در روسیه حمل میشود و در
شهرهای تمام جهات روسیه در فرنگستان بخصوص انگلستان هم یک دخل دارد —
تجارت روده و دوشته پوستینه هم همین طور با خارجه زیاد است خصوص از طرف خراسان ایران
ولی ابریشم ولایات از محصولات عمده ولایات گیلان و مازندران و تون و طبس است
بیست سال قبل از این این محصول علاوه بر آنچه در خود داخله بمصرف میرسید قریب
به دو کرور کیسه کلاه (سه هزار خروار) تجارت حمل میشد ولی بعد بواسطه یک ناخوشی
در کرم ابریشم پیدا شد خیلی از این مقدار کاسته شد و الحمدلله بواسطه ...

و در این فقره بکار برده شده است و حالات در هر باره جائی گرفته است و
مبلغ فروش آن خیلی کم است و میتوان بکمتر از دوازده الی پانزده میلیون
قران تخمین کرد —

یکی دیگر از محصولات ایران تجارت ماهی است که فقط تخم ماهی آن که عبارت از اوشیل
است و از محصولات مخصوص ایران است تقریباً سالی یک میلیون کیلو بروسیه
حمل میشود و آن هم جزو عمده اجاره شیلات ماهی است که بکمپانی روس داده شده است
و در بابت شیلات به بیلان از شصت هزار تومان بیشتر میدهند

چیزی که باقی مانده صید مروارید و غواصی در بحر فارس است که خود به تنهائی اسباب
نعمت و دولت یک جزو عمده از اهالی بندر ابوشهر خصوصاً بندر لنگه است و علیه
در سال تقریباً دو کرور تومان از این محصول تجارت حمل میشود و حالات دولت ایران
برای اینکه این شعبه از چشمه ثروت مملکت بیشتر تقویت کند خیلی کشتی لازم دارد
الان برای حفاظت و ازدیاد این صید مروارید استیناع نماید و خیال دارد

امیدست در ظرف مدت کمی رسیده حاصل و ثمره این صنعت خیلی بیشتر شود

میتوانیم از بعضی محصولات دیگر بشماریم که اهمیت آن بالنسبه قدری کمتر است از قبیل ... باشد

و عمده محصولات تجارتی ما بالاتر برود ولی این مختصر نگارش سبب اهمیت فعلی کلیه ... از زراعت

ماشرده ... دولت ایران در صحت خود دارد خواهد شد و در روزی حمد و شکر ...

دیگر ایران شود امروز دولت ایران باید سعی نماید میزان آنچه از مملکت خارج

میشود با آنچه به مملکت وارد میشود هم تراز کند بلکه عمده محصولات ما بیش از آن

بشود از خارجه وارد میشود

فصل ششم در معادن ایران

این فقره را هم باید متذکر باشیم که علت استخراج معادن ایران چه از بابت ... قانون

و چه عمده ... چه از بابت ... اشخاص ارباب معدن در ایران نیست ناقص است

سرب و آهن و گوگرد و زرنیخ و آنتیموان و نفت هم در همه جا موجود است ولی اینها همه ترک شده

است و در زیر خاک مانده است اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه در ترتیب این معادن

ملک شخص همایونی شاهنشاهی است اگر کوه ... بود که اسباب لازمه کار کردن

معادن ایران ... خیلی حاضر و ... بسیار و اجازه کار ...

قرار بالطبع ... از اقتصاد ... اند

زغال سنگ هم خیلی فراوان است و معدنهای معتبر از آن تقریباً در همه جا هست

ولیکن چند سالی است فقط معدن ... را کار کنند ...

معدن ... سبب کار نشان خیلی کم است و از این بابت این معادن

مهمل مانده

مرمرهای بسیار خوب هم داریم از همه رنگ سبز ... سفید و سیاه اگر

در عمارات ... فرنگستان کار ببینند از نزدیک خیلی جلوه ... ولی علی

استخراج معادن آنهم ناقص مانده است

فقره دیگر در جنوب ایران معادن نفت معتبر هست ولی بواسطه نداشتن

سهولت حمل و نقل و از بابت گرانی کرایه از بار کوبیه ... مسئله ...

خطر در مقابل آن تجارت نمی‌بینیم

تنها معدنی که رونق عمده در آن کار می‌شود معدن فیروزه است که اختصاص به ایران
دارد و در هیچ جا یافت و این مواد قیمتی به واسطه رنگ آبی روشن و آبی مایل به سبز
بقشنگی معروف است جزو احجار صیقلی است که در جواهرات اکثراً بکار میبرند و در اراضی
آرامی و عموم طبقات مصرف می‌نمایند و از آن اسباب زینت بسیار می‌سازند و در
فرنگستان خصوص در روسیه خیلی طالب است و بهای این مواد در نشیب بوده است
سنگ قلوه در میان رگهای معدنی سنگ چخماق پیدا میشود —
ثروت معدنی ایران خیلی بزرگ است همین که چند معدنی به واسطه اشخاص ارباب
معادن کارفهم و مشترک معلم خانه خواهد شد برای استخراج معادن در ایران
و طولی نمی‌کشد که این کار بالا بگیرد و بطوری که یک سرچشمه ثروت این مملکت بشمار
بیاید الخ

فصل آخر

تجارت ایران با خارجه

قبل از شروع به مواد دیگر این مسئله لازم است که ممالک محروسه ایران از طرف
شمال به روسیه و دریای خزر که هیچ دریائی را راه ندارد محدود است و از طرف مغرب
با خاک عثمانی سرحد است که در هر دو طرف مبادله امتعه تجارتی اشکالات زیاد دارند
بخصوص که راهها سخت و گران می‌کنند

دولت بهیه روس بعد از پنجاه کرور تومان خرج برای خط راه آهن از باکو به
باطوم که منافع عمده آن سالها از ترانزیت مال التجاره ایران بود برای خاطر
صاحب کارخانجات روس حمل و نقل مال خارجه را با ایران از راه خط قدغن نمود
که اهالی ایران سالها مجبور شدند که لوازم خود را از امتعه مختصه به روس ابتیاع نمایند
نتیجه آن این شده است که راه تجارت ایران سالها به طرف طرابوزان و تبریز
از خاک عثمانی و به طرف خلیج فارس برگردانیده است چنین که از طرابوزان
تقریباً در زمستان چند ماه مسدود است و خیلی طولانی و پرخرج است سرحد
طبیعی ایران به خلیج فارس منحصر شده است که در آنجا ایران چند بندر دارد

و بزرگتر و محکمتر از بندر بوشهر است و چون این بندر بممالک حاصلخیز ایران نزدیک است و به هندوستان و عربستان اتصال دارد مسلماً یک بندرگاه تجارتی عمده شده است که اهالی بنادر و تجار آن حتی هندوستان و عربستان امتعهٔ ایران و فرنگ را در اینجا مبادله نموده در نتیجه این بندر را اهمیت بزرگی به هم رسیده است که سال بسال زیادتر خواهد شد

از طرف اداره کل گمرکات ممالک محروسه ایران که در تحت ریاست فائقه جناب جلالتمآب اجل امین السلطان وزیر مالیه و وزیر دربار اعظم هر ساله راپورتهای کافی در باب تجارت ایران بعرض میرسد اطلاعات خود را از همان راپورتها اکتساب کرده یک شرح مختصری در باب تجارت ایران با خارجه بعرض میرساند

قبل از اطلاع از ورقه‌های استاتیستیک در نظر است حاصل تمام اینها است که محصولات خارجه برای مصرف فروش ایران میرسند حتماً باید خیال باید کرد که اطلاع دیگر این است که امتعه فرنگ از قبیل پارچه‌های پنبه

و ماهوت و چلوار و چیت و جواهر و سنگهای قیمتی و بلور و باروط و تفنگ و اسباب خرازی و اسباب کالسکه و یراق اسب و قند و شمع و گچ و نفت و مشروبات و ادویه شیمیائی و عطاری و آئینه و عطریات و مأکولات و آهن و فولاد و مس و ادوات چرخ و منگنه و اسباب نقره و طلا و بلور آلات و ظروف چینی و قهوه و حریر و زری و چیت و پارچه‌های پشمی و غیره و غیره را از خارجه جلب میشود قیمت آنها قریب بیست کرور تومان میشود به تفصیل ذیل

از طرف روسیه قریب	از راه عثمانی قریب
[illegible] کرور و نیم	[illegible] کرور

از طرف خلیج فارس
[illegible] کرور و نیم

و مال التجاره ایران که بخارجه میرود جزو آن در فصل سابق ذکر شد قیمت آن تقریباً به بیست و نه کرور میرسد بتفصیل ذیل

بطرف خلیج فارس	بطرف روسیه	از راه عثمانی
[illegible] کرور	[illegible] کرور	[illegible] کرور

ولی این مبالغ فوق‌الذکر نمی‌توان قیمت واقعی این امتعه متبادله دانست لیکن اینکه
گمرکات با ملاحظه اینکه یک اطلاعی در باب امتعه ایران کرده باشد قیمت فروش
آنها هر قیمتی که تاجر اظهار کند با کمی کم قبول نمی‌نماید که در حمل آن رواج پیدا کند
از اینطرف حقوق صحیح گمرک امتعه خارجه از روی قیمت بازار فروش حساب میشود
که طبعاً از قیمتی که تاجر به کارخانه داده است بیشتر است علاوه بر این مبلغ
سیاحان مختلفه خارجه از ایران میخرند در گمرک تقسیم نمی‌کند پس برای اینکه
یک تخمین صحیحی در باب معاملات تجارتی خود با خارجه بدست بیاوریم علیهذا
ده یک بر قیمت امتعه خروجی که در فوق ذکر شد علاوه شود و از آنطرف از امتعه خارجه
هم ده یک کسر شود در اینصورت تفاوتی که برای اضافه امتعه خارجه ملاحظه [illegible]
دو میلیون تومان از ده میلیون تنزل تجارتی و صنایع ایران قرار داد بلکه تنها علاوه از
از مراعات بعضی تقررات خلاصه یقین میدانیم که روزی که عهدنامه‌های تجارتی
عوض شود و از روی قاعده و بنیان معامله ممکن منعقد گردد و از آنطرف

که اسباب ترقی صادرات پیدا شده و معاملات مملکت با سایر ممالک دنیا
از ارتباطات بهم رسانید از وزن ممالک ایران انبساط بزرگی پیدا خواهد نمود

تحریراً فی سلخ شهر شعبان المعظم

۱۳۰۳

لایحه و شرطنامهٔ فرانسوی العبارهٔ (م . فابریس بوالطان) مهندس راجع بلزوم تأسیس راه آهن از انزلی الی طهران و از طهران الی یکی از بنادر خلیج فارس مع ترجمه های آنها بدقت تمام و تأمل تام مطالعه و ملاحظه گذار این غلام گشت .

چون ترجمهٔ فارسی شرطنامهٔ مذکور بالمعنی رعایت عبارات فرانسوی آن بعینه و حرف بحرف نشده بلکه شروع بتدقیق و التفات شود محض وصول بحقیقت شرطنامهٔ مذکور بدون جرح و تعدیل از فرانسه بفارسی ترجمه کرده و در کتابچه جداگانه در مقابل ترجمه که در شرطنامهٔ مذکور مندرج است نوشته شد .

چون : درجهٔ خیالات سیاسی و تصورات دیپلوماسی دولتین انگلیس و روس را تحقیق و تعیین و انکون تأثیرات فعلیهٔ همان خیالات و تصورات را که در قوه مانده و هنوز در ساحت فعلیات اثبات وجود ننموده است کشف و تعیین از جملهٔ وظایف و تکالیف اولیای امور جمهور و سیاسیون و انتقاد از آن قبیل مواد بجهت سایرین داعی انواع محذورات است این غلام خانه زاد از محاکمه و انتقاد مسلک سیاسی دولتین مشار الیهما صرف نظر نموده تحقیقات و انتقادات خود را از نقطهٔ نظر فن حرب و فن ثروت ملی کرده و حرفی خارج از این دو نقطهٔ نظر که علمای علم حقوق بین الملل از برای تدقیق آنها و بدایت قبل تأسیسات مهمهٔ عظیمه معیاری قرار داده اند نخواهد نوشت !

اگرچه منفعت راه آهن از هر نقطهٔ نظر مصدق و یقین و ثابت است ولی این هم واضح است که بدون خسارت طرف مقابل بزرگ منفعت در جمیع کارها امری است محال !

پس باید تدقیق نمود که وجود این راه آهن مقصود برای مملکت ما نافع است یا مضر ! و در توضیح این نکتهٔ مهمه نیز جواب دو سؤال آتیة العرض است :

اولاً — مثل ایران مملکتی را که حدود جنوبیه از دریای عمان و میتوان گفت بیابانهای غیر مسکون و بی آب و علف کرده و غالب حدود شمالیه اش نیز سواحل جنوبیه بحر خزر و کوههای جنگلی از صعب المرور استرآباد و مازندران و گیلان محدود ساخته و در حقیقت همین دو مانعه راه استیلای دشمن شمالی و جنوبی این مملکت را که قطع و مطیع آنها است به مخارج دولتی تا بحدی بسته است آیا دولت علیه ایران را کدام منفعت معلوم است که

بواسطهٔ این راه آهن هر دو دریا را از خشکی بهمدیگر وصل کرده و از برای حفظ مملکت مجبور شود که در مدخل و مخرج و غالب نقاط مهمه واقعه در گذرگاه این راه مقصود استحکامات متینه بنا نموده لشکرگاهها با امن شکهای بحری سالم و ثابت و استحکامات با توپهای جدید الاختراع کرابها تسلیح و تحکیم کرده متحمل مخارج فوق الطاقه متمادی شود ؟!

ثانیاً — مملکتی که ثروت نقدیه اش بنهایت الیها رسیده و با وجود صعوبت حمل و نقل مال التجاره معاملهٔ سالیانهٔ تجاریه اش بیست و یک کرور تومان و ادخالات آن در مقابل اخراجاتش باشد و از نقطهٔ نظر صنایع و زراعت و چراغ هم در پستی بی مرتبه واقع شود و این راه نیز بهمان شرایطی که معایب و مجاورش در ذیل معروض خواهد شد بصرف قروض خارجه استقراض یابد جز خفت ثروت نقدیه و محو صنایع جزویهٔ داخلیه و تسلیم کلید خزانهٔ طبیعیهٔ مملکت بدست تبعهٔ خارجه کدام نفعی است متصور ؟!

بلی مملکتی که : غیر از بیابانهای شنزار و شوره زار و کوهستانات سنگلاخ و جاهای مسکون و بستر های رودخانه ها و دریاچه ها باقی مانده و کرور کرور متر زمین قابل زراعت و فلاحت و محصول خیز و قریب بتمام کرور نفوس است احتیاج کلی بطرق و معابر که باعث سهولت حمل و نقل محصول و نتیجهٔ سعی و عمل آنها باشد دارد ! اما این طرق و معابر نافعه بجالهٔ راههای شوسه است نه راه آهن ......

نیز او وضع حاضر مملکت ما با آن درجه رسیده است که راه آهن را در جلب منفعت مملکت ما اداره و تحکیم نماید !.

پس بر ما است که قبل از تمدید راه آهن مال التجاره تدارک نمائیم که (واگون)های وارده محمول مال التجاره ثروت در هر سفر مراجعت مملو از نقود خزینهٔ ما نبرده در مقابل مال التجاره وارده مال التجاره ببرد و بهمین واسطه توازن ما بین ادخالات و اخراجات حصول بیاورد ؟!!

و مال التجاره که بزودی میتوانیم تهیه بنمائیم و تهیهٔ توازن و تقابل بجهد و لیموازنه ادخالات و اخراجات تبدیل محصولات ارضیه و حیوانیه است و بس !

زیرا تداول معمولات صناعیه در مقابل کارخانجات لاتعد و لاتحصای فرنگ تا کنون بعد از دویست سال
هم برای ما مفقود و رفتنی است !؟!

امروز از وسایط معیشت عمومیه مشرق زمین ما هم بزرگری و باغبانی و زنبورداری و نقاشی و چوپانی و بلاواسطه
با این حال هم محتاج استاد مجبور بیاد گرفتن صنایع مذکوره هستیم و تا یاد نگیریم نمیتوانیم در مقابل [illegible]
صاحبان صنایع مذکوره امریکا و اروپا ایستاده رواج بتجربه سعی و جهد خودمان بدهیم !..

چه آنها عمل را از روی علم و بپایه قوای مبنی الات و ادوات سهل الاستعمال بموقع اجرا گذارده و نه فقط ما
میتوان گفت فوق الطبیعه محصول برداشته از ذات اولین محروم میشوند !

هرگاه حالا این هم مشروع بموقع اجرا ممکن داشتند چه طور میتوانستند که بعد از دادن مخارج اداریه و بهره
دیوانی و کرایه حمل و نقل و رسم گمرک خروج و سرحد و ساختن صندوق و قیمت پشتال و کاغذ و منتفع وقوع
من قند مکرر (مارسیل) را بسه عباسی بفروشند حال اینکه از برای تحصیل یک من قند مکرر بیست من
عصاره چغندر (سیلیزی) لازم است و تا سی و پنج من چغندر را رنج نکرده فشار ندهند عصاره
مذکوره المقدار را نمیتوانند بدست بیاورند . حالا باید حساب کرد که صاحب کارخانه قند چقدر
چغندر را بچند ابتیاع نماید که قند را باین قیمت نازل بفروشد و زارع آن چغندر چه شد که بعد از ادای
مخارج و مالیات گزاف دیوانی منفعت هم ببرد !!!

آیا کسی در مملکت ما دیده است که : من چغندر عادی را بسه شاهی بفروشند ؟ با اینکه بر همه ما در اینجا
بغایة النهایه یک قران ده برابرش سر قراری و مالیات اینجا نسبت بمالیات فرنگ عشر معشار است !

مقصود از نوشتن این فقره محتاج اصلاحات بودن وسایط معیشت عمومیه ما را بموقع ثبوت گذارده
و با وجود وضع حاضر وسایط معیشت عمومیه باعث خرابی مملکت بودن راه آهن را بادله مقنعه بنظر
صاحبان دقت رسانیدن است و بس . !

بیاییم بسر انتقاد و کلام . بعد در فواحص فصول سند ... مهندس مشارالیه :

در فصل اول : (خط مزبور از کدام شهرها و قصبات عبور خواهد کرد . و نقاط عبور و مدخل و
مخرج راه را کی با تحقیق و تعیین خواهد نمود . و در میان محققین و معینین از جانب دولت علیه ایران
مهندسین لشکری و کشوری خواهد بود یا نه) مندرج نیست باید مندرج شود . و خصوصاً منتخب دیگر
هم جمله (مفید دانند) مغایر استقلال سلطنت است و لازم است که جمله مذکوره از نقره زیر نوشته شود
(مفید دانند و دولت علیه بر موافق منافع ملکی خود دانسته اجازه فرمایند امتداد دهند .)

در فصل ثانی : لابد است که جمله (صاحب امتیاز فوراً ...) از این قرار تصحیح شود (صاحب امتیاز
مجبور است که بهمراهی یک هیئت فنیه که مقدار کافی مهندسین نظامی و غیر نظامی هم از جانب دولت علیه
در میان آن هیئت تحت حضور ... فوراً اقدام بتحقیقات خواهد نمود . و آنچه زودتر ممکن باشد
نقشه راه که جامع تمامی نکات باشد یعنی چند متر مربع از مستقلات و باغات و مزروعات و مراتع و جنگل
و ... چه قدر از اراضی قابل الزراعه و غیر قابل الزراعه از برای راه و متعلقات آن لازم
خواهد شد و قیمت این املاک و اراضی به چه قرار است . و از برای عبور چند جا ... لوله‌ها
و چند جا پل آهنی یا سنگی ساخته و چند جا (تونل) حفر یا شکافته خواهد شد و از برای
ابنیه‌ها ... مقطعه و (تراورس) چقدر چوب لزوم دارد طول و قطر آنها و مقدار پیچ و آهن و سنگ
و آجر را بنماید باکتابچه تخمین تمامی مخارج (کتابچه ده شارژ) ... بدولت ایران تقدیم نماید که
اراضی لازمه ...) [مواجب و مخارج راه هیئت فنیه را صاحب امتیاز متحمل خواهد شد]

در فصل سوم : از جمله واجبات است که فقرات ذیل بعد از جمله های آن علاوه کرده : (صاحب امتیاز متحمل
[جزو راه شهرها و قصبه‌ها و دهات] (در تمام امتداد راه آهن ... هر دو طرف راه ... من جمیع جهات
حرما نصف متر ...) (اما در داخل بلاد و قصبات و دهات من جمیع جهات بیست و پنج متر ...
شده در یمین و یسار خط راه در عرض ده متر دو خیابان خواهد ساخت و جز اماکن و مستقلات و باغات
و مستغلات و اراضی موقوفه ... (تمامی اراضی متعلقه به دولت) از خیابان و کوچه‌ها ... از برای راه و ساختن

مواقف و انبارها و ابنیه دیگر لازم است مجاناً اعطا خواهد شد .... (و [املاک و] اراضی که تعلق
برعایا و غیره دارد صاحب امتیاز باید با خود مالکین آنها قطع ......) (بخواهش صاحب امتیاز دولت علیه
ایران در صدد دفع اشکالات برخواهد آمد [اما هرگاه] املاک و اراضی که خارج از حدود معینه در دو طرف خط
واقع باشد و صاحب امتیاز طالب ابتیاع آن از قبیل املاک و اراضی شود در فروختن ملک خود مختار است
و دولت حق ندارد که رسمی و غیر رسمی مداخله در بیع و شرا از آن قبیل املاک نماید] (و هرگاه در امتداد خط
راه) [اراضی و املاک موقوفه یا ایتام صغار یا مجنون یا غایب بغیبة المنقطعه باشد صاحب امتیاز مجبور است که
بتوسط وزارت جلیله اوقاف یا بتوسط نواب وزارت مشار الیها مراجعت بمجتهد جامع الشرایع آن بلد نموده بطریق
مبادله یا اجاره متصرف شود و هرگاه] (اراضی بلا مالک شد چنانچه آن اراضی ....)

در فصل چهارم : نیز لازم است که این دو جمله علاوه شود [هرگاه در گذرگاه راه تکایا و مدارس و سقاخانه
و آب انبار واقع شود صاحب امتیاز حق دارد که آنها را بشرط مبادله متصرف شود یعنی در همان جوار در وسعت و وضع
عمارت آنها بعد از آن قبیل ابنیه عمومیه را ساخته و با هالی آن محل تسلیم کرده بعد آن قبیل جاها را متصرف شود]

در فصل پنجم : در اول فصل این فقره را باید علاوه نمود [بعد از امضا و مبادله این امتیاز نامه صاحب امتیاز را
یکصد و پنجاه هزار فرانک از برای تأمین دولت ببانک طهران تسلیم نموده بعد مشغول بعمل شرکت و اخذ
نقشه و تعیین گذرگاه راه شود و] (در وقت شروع شدن عملیات راه آهن) [از] (صاحب امتیاز مبلغ یک
ملیون فرانک را در یکی از بانکهای دولتی) [اروپا که در آن وقت دولت علیه معین خواهد نمود] (اگر صاحب امتیاز
[در اجرای تحقیقات و در تعیین نقاط و تشکیل هیئت فنیه کوتاهی نماید مبلغ یکصد و پنجاه هزار فرانک بلا تنزیل حق
طلق دولت ایران باشد . و هرگاه هیئت فنیه را تشکیل و کارهای فنی متعلقه براه آهن یعنی تحقیقات لازمه را
و نقشه و کتابچه تخمین تمامی مخارج را بعد از آنکه هیئت فنیه بالمسافه تکمیل و تقدیم نماید مبلغ یکصد و پنجاه هزار
فرانک بلا تنزیل بتصدیق دولت بصاحب امتیاز داده شود . و اگر صاحب امتیاز بعد از تقدیم نقشه و کتابچه [در اجرای
تعهدات خود کوتاهی کند] (یعنی شروع بساختن راه نماید یا قبل از ساختن و بکار انداختن ده کیلومتر مسافه ترک نماید)

نماید] (آن مبلغ) [یعنی یک ملیون فرانک موقوفه در بانک بلا تنزیل] (حق دولت ایران باشد هرگاه ....)

فصل ششم : بلا عیب بنظر می آید ....

در فصل هفتم : در ذیل این فصل مدرج فوراً آنچه از جمله واجبات است : [اما اشخاصی که در مکاتب و تجارات
و حمامخانه و غیره را جمعاً با دادن راه آهن مستأجراً اجرای صنعت نمایند از ادای عوارض و مالیات جزوی
معاف نخواهند شد

در فصل هشتم : در این فصل هم مدرج شده ذیل مقتضی است : (شرکت با اسمی (آنونیم) را) [بعنوان شرکت
راه آهن ایران] (تشکیل دهد و تعهدات و حقوقی که از این امتیاز مترتب میشود) [بتصویب و اجازه دولت علیه
بعهده آن شرکت ....) (مقر شرکت) [در لندن و بطرسبورغ تا ممکنست ....)

در فصل نهم : در این فقره هم دو جمله معترضه را باید الحاق نمود : (در اجرای کردن عملیات و اخذ) [تا تعیین] [گذرگاه
خود مختار است ولی تا ممکنست از رعیت ایران که ربط و سررشته از این عمل دارند باید اجیر کند] [اما قاعده انتهای
راه و مقر انبارها و جز ما کفیست و عملجات فنی سایر عملجات از رعیت ایران انتخاب خواهند کرد .]

در فصل دهم — آنچه لازم الدرج است این چند کلمه ایست که در جاهای معینه آنها الذکر باید الحاق نمود
[بعد از انقضا نود و نه سال تمام ابنیه] [مسقفه و غیر مسقفه و اراضی موجوده و معروضه و خالیه] [را تماماً
جمیع ادوات و کارها و نجات متعلقه) [از راه آهن و] [بد ایدا شتق راه آهن) [بی نقص و عیب و معمور و محکم و
و از هر گونه معایب نظریه و عملیه عاری] (حق طلق دولت علیه ایران خواهد شد) [و در وقت تسلیم یک هیئت
فنیه که مرکب از مأمورین فنیه طرفین خواهد بود تمامی خط و عمارات و آلات و سایره را معاینه کرده هرگاه عمارات
و غیره را موافق مطلوب بیابد قبول خواهد کرد و صاحب امتیاز یا کمپانی مجبور است که هیئت فنیه را اقناع و
مطمئن سازد] (مگر ....)

در فصل یازدهم — در آخر این فصل جملات آتیه را باید الحاق نمود [مأمورین و مهندسین و عملجات راه آهن
نیز مجبور و مکلفند که داخل دایره قانون و عادات مملکت حرکت نموده حسن معاشرت و معامله با اهالی

اس الحرکات قرار داده احتراز نمایند و شاید یکی از اولیا یا اتباع حق یکی از ایشان بی‌حرمتی نماید خود شان بتلافی قیام نموده در حضور وزیر عدلیه اعظم باقامه شهود محاکمه شده بعد از ثبوت مقصر نسبت بدرجه تقصیر خود تنبیه شود و هرگاه مدعی و مدعی علیه از رعیت خارجه باشند حسب الاصول یک نفر مأمور از جانب قونسولگری دولت متبوعه او در وزارت عدلیه حاضر شده محاکمه را استماع نماید و هرگاه در محاکمه مصاحبت و یا حمایت و غرض ببیند رسماً با امر خود بیان کرده اجرای اقتضای حال را بعهده آمر خود محول بدارد .]

در فصل دوازدهم — نیز تغییرات آتیه مقتضی است : (با انضمام جمیع معادنی که الحال دولت ایران خود دایر داشته که انحصار آنها بحال دولت و کمپانی خود داشته باشند) [بجای کمپانیها نداده با امتیازنامه علیحده و شرایط مقرره بایی کمپانی ؟] (میدهد) ... (کمپانی در آن اراضی زراعت نماید) [و کمپانی حق ندارد که برای خط قنوات محدث و چاه‌های (آرتزین) خسارتی بقنوات قدیمه اهالی برساند ، یا اینکه رودخانه‌های دایر و غیره را که زیاده از کفاف مزروعات اهالی باشد بواسطه ماشین و تبدیل بستر مختص بمزروعات خود نماید اما وقتی که بصوابدید دولت درجاهای مناسب سد بسته با احداث زراعت مملکت بکوشد .]

در فصل سیزدهم — درج این دو نکته از جمله واجبات است : (در مقام مدت این قرارنامه هر ساله .... تومان از بابت وجه اجاره گمرک ..... این مبلغ ... تومان طلای بعلاوه تفاوت قیمت طلای نقره‌ها سالی ...) در آخر فصل نیز : [هرگاه دولت علیه موافق تجدید عهدنامه‌جات تجارتی شود ، یا تعدیل تسعیر رسوم ما فیها اقدام نماید مقدار مبلغ مقطوع مذکور با قاعده موضوعه مالیه تزیید یا تقلیل کرده رجوع آن باشان کمپانی آورده نخواهد شد .

فصل چهاردهم — باید از این قرار نوشته شود : هرگاه کمپانی راه آهن یکی از این اقساط که در فصل سیزدهم قید شده در سر موعد نرساند یا مسامحه نماید مجبور است که بعد از بیان و ثبوت اسباب مانعه بحساب قسط الیوم مبلغ دین خود را با تنزیل ادا نموده بعد فسخ یا تعدیل احکام فصل سیزدهم این امتیازنامه را از دولت استدعا نماید .

در فصل پانزدهم — در ذیل این فصل باید نوشت که : [ابتدا محل احکام این فصل در مرکز اداره این کمپانی که دار الخلافه طهران است در حضور وکلای حصه‌داران و در تحت نظارت وزیر مالیه ایران بموقع اجرا گذارده خواهد شد]

فصل شانزدهم — بی‌عیب است .

در فصل هفدهم — در ذیل این فصل هم باید نوشت که : [اما دولت علیه حق دارد که معاملات جاریه صرافیه و بیع و فروخت اسناد و اسهام و تادیه وجه (کوپون) ها و غیره را در تحت نظارت خود گرفته حقوق صاحبان اسناد و اسهام را محافظت نماید .]

فصل هجدهم — نیز لازم است چونکه احکام لازمه فصل مذکور در فصل پنجم ثبت و علاوه شد و لازم است که در مقام فصل مذکور فقرات آتیه مندرج شود :

فصل هجدهم — وسعت ما بین هر دو خط و مقدار و محل مقراضیها را هیئت فنیه معین خواهد نمود و در هنگام حفریات هرچه از آثار قدیمه و ثمینه بظهور برسد عیناً یا قیمتاً ثلثان آن حصه دولت و ثلث حصه کمپانی مذکور راجع و عاید خواهد شد و در سر تپه‌ها و قصبه‌ها و قریه‌ها از هر دو طرف راه محجر کشیده انسان و حیوان از آسیب پامال کردن (تراکون) محافظت خواهد کرد و از برای مرور و عبور کوچه‌ها و خیابانهای واقعه در اراضی و دیوار حفظ از زیر خط معبرها خواهد ساخت .

فصل نوزدهم — و فصل بیستم بی‌عیب و موافق حقوق عمومیه است

فصل بیست و یکم — در جمیع معاملات و محاکم نسخه فرانسوی العباره این امتیازنامه معمول به خواهد شد .....

ترجمهٔ کتابچهٔ ترکی العباره در راجع بمحال قطور و حدود کردستانست که در سال ۱۲۹۶ هجری بحاجی میرزا
حسینخان مشیرالدوله که وزیر امور خارجه و سپهسالار دولت ابد مدت علیهٔ قاهره بود تقدیم نموده
شده است

اگرچه در استعفانامهٔ مفصله که چند روز قبل تقدیم حضور عالی جناب اشرف سپهسالار اعظم کرده
بودم مختصر اطلاعاتی راجعه باحوال مالیه و تبع ادارهٔ حالیهٔ محال قطور را هم بعرض سامی رسانیده جرئت
بجلب دقت مخصوصت مهامدانی نموده بودم اما بعضی فقرات مهمه که موجب مزید بصیرت و مستوجب
انواع محسنات و فوائد است در استعفانامهٔ مذکور نوشته نشده و باقی مانده بود از آنکه این
بنده وی داخل در جرگهٔ نوکری گردید و زیاده از حد خود نایل مراحم بی نهایه گردیده ام شکراً علی النعم لازم دانستم
آنها را هم در این کتابچه نوشته بعرض عالی برساند :

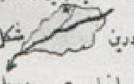
قبل از شروع بعرض مطالب لازم است که محض توسیع دایرهٔ اطلاع مجملی از احوال جغرافیهٔ عمومیهٔ محال
قطور در اینجا نوشته شود .

درهٔ قطور از منتهای طرف مغربی دشت خوی و از دامنهٔ تپهٔ معروف به (نشان طاشی) که در بالای تپه
علامتها قراولخانهٔ معتبری از برای نگاه ... ساخته بودند [۱] شروع مینماید .

چون این دره از جریان رودخانهٔ قطور بحصول آمده مثل سایر رودخانه‌ها در رودخانهٔ مذکوره هم بمرور زمان
کوهها این مجرای تنگی از برای خود ساخته و در هر دو طرف مجرا پرتگاهها که ارتفاع آنها از پانزده الی پنجاه
متر بنظر می آید و بالاخره که از برای مدافعهٔ یک قلعهٔ طبیعیه است قرار داده بکمال سرعت و شدت جاری
میشود علی العموم درجهٔ جریان این رودخانه در ثانیه هشت الی پانزده قدم است .

پشت تپه‌های مذکور کوههای مرتفعیست از سلسله جبال (آجودی) و (آرارات - آغری طاغ) . راه عبور و مرور
بخاک عثمانی از خوی منحصر براهیست که از این دره و از طرف یمین رودخانه بقطور میرود اگرچه از کوهها اینک
هم راهیست ولی خیلی صعب و خطرناک و مخصوص بتابستان .

[۱] این قراولخانه را شیخ عبیدالله ... خراب کرده تپه و خندق و در و دیوار ... خود فرستاد و عبارت بود از دو اطاق ... تا الان ... و غیره .

بقدر یک فرسخ و نیم که از این کلوی تنگ و راه مذکور رو بجریان آب و مغرب و گاه از زیر و گاه از بالای تپه‌ها رفته
میشود بقریهٔ (قیلانی) که تقریباً بیست خانوار سکنا دارد رسیده بقدر (۳۵۰) دونم [۲] اراضی قابل الزراعه
و درین  شکل در ساحل یمین رودخانه و در طرف غرب شمالی قریهٔ مذکوره واقع میشود
از قریهٔ مذکوره و از میان مزروعات که گذشته میشود بستر رودخانه رو بجنوب غرب میل کرده گاه خیلی تنگ
و گاه بالنسبه واسع شده راه از تپه‌ها که مرکب از گل پوسیده و یا از سنگ ریزه است انداخته عبور
حیوانات را بخطر می اندازد و جریان رودخانه هم در مواقع کسب شدت نموده و خود را بسنگهای بزرگ دره زده
بیک صدای خیلی مهیب جاری میشود و از قریهٔ مذکوره تا قریهٔ (زیوه) که عبارت از صد خانوار و اهالی آن
ذکوراً و اناثاً از مریدان شیخ عبیدالله (م...) هستند و درین  شکل در هر دو طرف رود بقدر
پانصد دونم اراضی قابل الزراعه دارد سه فرسخ مسافت است . در یک فرسخ و نیمی دره بمسافات
مختلفه سه کاروانسرای خیلی استوار با سنگ و آجر و آهک از قدیم ساخته اند که در زمستان مسافرین
از سرما و بوران برای خودشان پناهگاه قرار دهند و از دره که در میان این دره واقع است بعض دره‌ها
آبدار منشعب گردیده بدهات این ناحیه منتهی میشود

از زیوه که گذشته شد عرض دره بتدریج وسعت یافته و راه هم مستوی میشود و بعد از قطع مسافت یک
فرسخ بقریهٔ (حبشی سفلی) که دارای سی و پنج خانوار اهالی و قریب بهزار و پانصد دونم اراضی قابل الزراعت
که وضع اراضی درین  شکل است رسیده میشود
از قریهٔ مذکوره الی قطور یک فرسخ راه است و وضع اراضی از قرار ذیل و وسعتش بر تقریب بده هزار دونم است



[۲] هر دونم عبارت از هزار و ششصد متر مربع و لفظ ترکی است

تحفظها که در نقشه دیده میشود هر دو سرباز خانه ایست یکی مخصوص از برای هشتصد سواره و یکی
مخصوص یک فوج پیاده و یک بتاری توپ که ابنها را در وقتی پاشای امیر تومان طوری ساخته است که
درین مدت سنگی از دیوار اینها نیفتاده و تیری از سقفشان نشکسته است اما اکنون خالی و سپرده
بمأمورین حافظ الصحه است که خیلی آنجا را سته در هنگام ظهور ناخوشی اتباع سبیل را در آنجا ها نگاه بنی
بگذارند (افسوس دارم که بعد از استرداد قطور تیرهای آنجا ها که در اکشیده فروخته یا سوزانده اند و بنای
معتبر را خراب و بدولت علیه خیانت کرده اند)

دره مذکوره در بالای قطور منقسم بدو شعبه شده یکی رو بجنوب و جریان دره الباق و (دیر) بدشت
البّاق (باش قلعه) منتهی میشود درین دره قریه (خانیک) و (زاریان) من توابع قطور واقع و اهالی آنجا
اکراد قبیله (مرزیکی) و اکنون از توابع محال الباق معدود میشوند واین دره معبر چپاولچیهای
قبایل و ایلات اکراد هکاری است که در هنگام فرصت ازین راه آمده دهات خوی را میچاپند .

شعبه دیگر هم رو بسمت مغرب و جریان آب ساتمانس رفته از معبر (راضی) که نشته سنگ
ساتمانس منتهی میگردد قریه راضی دو فرسخ و نیم از قطور و یک فرسخ از سنگ نشانه حدود ساتمانس
و قطور دور و از نقطه نظر حرب در یک نقطه حاکم واقع است که اگر همان نقطه در دست عثمانی
بماند از برای استرداد قطور هیچوقت افسوس نخورده مواقع عسکریه خودشان زادران نقطه خواهند ساخت
مسافت نیم فرسخ که از معبر راضی و از پرتگاههای خیلی صعب عبور که دیده میشود سنگ ساتمانس
با نظار میرسد .

سنگ مذکور از سطح دره پنجاه متر مرتفع و بالای آن مسطح و متصل بکوه است و همین سنگ
دره را بدو شعبه قسمت کرده است که یکی بشعبه بزرگ رود و از یک راه خیلی خطرناک رو بقلعه (ساتمانس)
و آن دیگری بقدر یک فرسخ و نیم بشعبه کوچک رود و از یک راه خیلی مستوی بقریه (انبوخمانس) رسیده
بیکی از سطوح مائله دامنه کوه (الند) منتهی میگردد .

از آنجا از دامنه شرق شمالی ییلاق (کهیر) که (چمور ارچک) تابع وان را از غرب جنوب و محال (محموی)
تابع هکاری را از شرق شمال فصل مینماید بقدر یک فرسخ که قطع مسافت میشود بقریه (سرای)
و نیز چهار فرسخ که از دشت و از دامنه بعض تپه های پست و خاکی رفته از گردنه کوهی که در بالای
قریه (ملاحسن) واقع است عبور کرده میشود بدشت موسوم به (چمور آرچک) رسیده میشود و
از قریه (ملاحسن) تا شهر (وان) دوازده فرسخ است .

(حاشیه)

(قلعه ساتمانس) تحصنگاه (درباراقای) شمسیکی است که یکی از مشاهیر قطاع الطریق و تاخت و تاراج
کننده اموال ایرانیانست از آنکه بنا بشکایت حکومت آذربایجان مومی الیه را حکومت (وان) مقصر قرار
داده و اموال منهوبه ایرانیان را از او میخواهد و قلعه مذکوره را به (محمد اقای) میلان داد و مسلط براو
کرد مومی الیه چاره جز پناه آوردن بحکومت (خوی) نجسته بنده که در خوی بودم بتوسط نواب (عمید الدوله)
و (میرزا صادق خان امین نظام) آدم فرستاده و عرض پیشکش هم کرده بود که برای خود و عشیرتش که عبارت
از صد و هشتاد خانوار ند و دخیل است قشلاق و ییلاق در قطور داده اسکان نمایند . اما فدوی
محض دولتخواهی معروض میدارد که قبول التجای مومی الیه برای دولت و ملت و مملکت باعث خسارت
و مضرت کلی است . چه در قبول التجای او خسارتیکه بایرانیان رسانیده و حکومت عثمانی اوپیلیه
بکلی در همیانش خواهد ماند و دیناری بدست صاحبان اموال منهوبه نخواهد رسید و از آنکه به
(احمد اقا) نایب الحکومه قطور از قدیم الایام عداوت دارد و سمتقشکاک (عثمان) با اهالی مسکونه
قطور سخت دشمنی دارد اوکه با ایلات خود داخل دره قطور شود احدی از اهالی
اصلیه آنجا در منازل خودشان نمانده بخاک عثمانی هجرت خواهند کرد و مع ما فیه مومی
الیه در قطور هم آسوده ننشسته در خاک عثمانی شروع بتاخت و تاز نموده حکومت
عثمانی را مجبور بشکایت و تلافی خواهد کرد !! . . . .

(شوخانه) قریه‌ایست در داخله محال ساتماش و من القدیم قشلاق (محمد آقای)
میلان است و بیست و پنج خانوار از آقایان عشیرت میلان در این قریه سکنی دارند.
(قریه سرای) قشلاق (حاجی شیخ) نامی است از آقایان ایل میلان اهالی
این قریه عبارت از صد خانوار اکراد میلان و سیصد خانوار از طایفه نصارای
نسطوریه است.
(قریه ملاحسن) در منتهای اراضی متنازع فیها واقع و مسکن پنجاه و دو خانوار
از ایل (مُقُوری) است. (حاشیه تمام)

هرگاه کومیسرهای دولت ابد مدت علیه در کومیسیون منعقده حدود بتوانند موفق
شوند که حدود محال قطور را از تپه معروف به (تپه ملاحسن) و یکی از شعبات
کوه (الند) است گرفته با تپه‌ها رو بمغرب رفته و از (کفیر) فاصل حد (ارجک)
و (محمودی) گذرانده و بهمان رشته کوه تا به تپه‌های قزلدیر تابع محال الباق)
و از آنجا به تپه‌های واقعه در سمت مغربی (سلماس) که سرحد خاک (الباق) عثمانی
و (قلعه چهریق) ایران است بپیوندند آنزمان تمامی ایلات (میلان) و (شمسکی)
و قریب بدویست و پنجاه خانوار از ایل (مقوری) و زیاده از چهارصد خانوار از
نصارای نسطوری و ارمنی و بقدر پنجاه خانوار از ایل (شکفتی) داخل دایره تبعیت
دولت علیه ایران خواهند گردید و خزانه عامره نیز بقدر ده هزار تومان از نتیجه
هرسال مداخل خواهد نمود و از قوه بحیز حصول یعنی بفعل رسانیدن این مطلب
بحسن اجرای فقرات آتیة العرض است

اولاً — حسن اداره امور حکومتی و تلطیف آقایان و ملایان و کدخدایان قطور
و موقتاً تخفیف مالیات اهالی و رعیت آن.

ثانیاً — معناً و مادةً مداخله بامور مذهبیه و محاکمات شرعیه اهل سنت
نمودن و اهل ذمت یعنی نسطوریان و ارامنه را از تسلط اکراد نگاه داشتن

ثالثاً — آقایان و ریش سفیدان و کدخدایان ایلات و دهات را که بین الدولتین متنازع فیها است
با نشان و شمشیر و قمرشال و سرداری اطماع و تطمیع کردن و در خفا مقدار مالیاتی که دولت عثمانی از آنها
میگیرد تحقیق کردن و آنها را بتخفیف مالیات ترغیب بقبول تبعیت نمودن.

رابعاً — جلو شرارت و خسارت اجلاف اکراد را گرفته اهالی را از عدالت حکومت مستفید
و مستفیض و مطمئن ساختن.

اما حسن اداره امر حکومت قطور این نیست که میرزا صادق خان امین نظام دارد و این وضع خیلی خلاف
و اسراف اموال خزانه عامره دولت ابد مدت علیه و ترجیح اهالی آن حوالی فائده ندارد زیرا مثل محال قطور
محالاتیکه بموجب عهدنامه (آیاستفانوس) و (برلن) بدولت علیه داده شود و اهالی هم میل کلی بقبول تبعیت
این دولت داشته باشند معلوم است که از هیچ طرف ممانعت بدخول مأمورین کشوری و لشکری دولت
علیه ایران بظهور نمیرسید و لازم نبود که از برای تسلیم و تسلم محال مذکوره اینقدر مخارج نموده شود
حالا که اختیار این همه مخارج فرموده شده و از دست رفته و مرکز و معبر محال مذکور بدون ممانع بدست آمده
بهتر آنست که بتقلیل مخارج کوشید و بنای حکومت ملکیه و عسکریه آنرا از قرار عرض آتی تأسیس نمود:

اولاً — از برای حکومت محال مذکوره شخصی را معین نمود که دارای منصب سرهنگی و وقوف تام باحوال عشایر
و اکراد و قادر بایقاع تهدید و مقتدر بفتق و رتق امور و بوضع سرحدداری و بقوانین و اخلاق عثمانی
آشنا باشد و از برای شش ماه بیست تومان معاش مأموریت مقرر فرموده شود و اجازه داده شود که سؤال
و جواب راجعه بمأموریت خود را تا مطلب حاصل شود بمقام سپهسالاری نماید و غدغن فرموده شود که از
احدی پیشکش و هدیه و رشوت قبول نکرده و در امور عامه خود رأی نموده قرار مطالب عامه را بمجلس
حواله نماید و در این گونه فقرات خود را مأمور باجرای حکم و قرار مجلس بشناسد.

ثانیاً — دو نفر محرر از برای ضبط و ثبت امور حسابیه و تحریر بر حاکم از اهالی خوی انتخاب و مأمور کردن
و برای هر دو ماهی ده تومان ماهیانه معین نمودن و آنها را از گرفتن حق القلم و رسوم ممنوع ساختن لابد
و لازم است .

ثالثاً — مجلس محال مذکوره را مثل قاعدهٔ عثمانیان در هر هفته دو روز منعقد ساختن و حق انتخاب
اعضا را با هالی واگذار نمودن و در امور عامه صورت مجلس و قرار نامه ممهوره آنها را معتبر و موجب الاجرا
شناساندن از حکمت حکومت است [اعضا رسوم دیوانی و ملکی ندارند و مجبور بخدمت مجانی هستند]

رابعاً — بحض جلب قلوب اهالی ماهی سه تومان بمفتی حاضره قطور و سه تومان بشیخی که از جانب
شیخ عبید الله مأمور بارشاد عوام و ساکن در قریه (زیره — زاویه) است مقرر نمودن و کتخدای ارامنه را
یکی از اجزای مجلس محسوب داشتن مقتضی است .

خامساً — از برای احضار مفروضین و معروضین و مقصرین از دهات و محافظت محبس و غیرهم شش
نفر قراسن پیاده و چهار نفر غلام سواره از اهالی محال مذکوره استخدام نمودن و ماهی بهر پیاده پانزده هزار
بهر سواره بیست و پنج هزار دینار و برای یکنفر باشی هم چهار تومان ماهیانه دادن و مواجب آنها را از جریمه
و از ده یم رسوم مخصیه معین نموده و امر و نهیشان را بحاکم سپردن از جملهٔ واجبات است .

سادساً — در خصوص گرفتن مالیات موافق بقاعدهٔ عثمانیان حرکت نمودن و بحاکم دستور العمل دادن که
در رسیدن قطور محرر قدیم محل مذکور را بخواهد و از کتابچه مالیات مقدار و جنس مالیاتی که عثمانیان
از اهالی محال مذکوره میگرفته اند تحقیق برداشته و بهمان نسق کتابچه مالیات عثمانیان را هم باپست بدار
الخلافة العلیه روانه نماید .

(استطراد)

اگرچه از مقدار صحیح مالیاتی که عثمانیان از محال مذکوره میگرفته اند فدوی اطلاع ندارد اما نوع مالیات را
میداند که عبارت از (دیرکی) و (رسومات) و (فروش پاره) و (احتساب) و (رسم اغنام) و (بدلات عسکریه)

و (عشر از حبوبات) است [استطراد تمام]

(حاشیه)

(دیرکی) مالیاتی است که نسبت بآبادانی و ثروت اهالی از دهات نقداً و مقسطاً دریافت مینمایند .
(رسومات) آنست که غیر از سفرا و بستگان آنها و مأمورین محترم هر شخصی از ذکور از ایران بخاک عثمانی
قدم بگذارد سه هزار دینار از و گرفته تذکره بدست او میدهند و همان شخص در سالی صد دفعه از حدود
بآن طرف عبور نماید هر دفعه مبلغ مذکور را گرفته باز تذکره میدهند و این تذکره نه تذکرهٔ مرور و نه پسپورت است
(فروش پاره) مالیاتی است که هر شخص اسب و استر و شتر و خر و گاو و گوسفند و بز ابتیاع نموده و شتر
از قیمت آنها در چهل یک رسم میگیرند . (احتساب) مالیاتی است که از اصناف و از آسیابها و
رنگرزها و قهوه خانه ها بوضع مختلف هر ماه گرفته میشود . (رسم اغنام) مالیاتی است که ده روز
قبل از عید نوروز تمامی گوسفند و بز را که در محال مذکوره است شمرده و از صاحبانش برای هر یکی یکهزار
دینار دریافت مینمایند . (بدلات عسکریه) خراجی است از هر نفس ذکور غیر مسلم هر سال هشت هزار
چند دینار تحصیل میکنند . (عشر از حبوبات) جنسی است که از تمامی حبوبات که کاشته و خرمن کرده
میشود ده یکی را بصاحبش داده یک هم از برای دیوان میگیرند . [حاشیه تمام]

سابعاً — امر شود ساخلوی قطور را تحت نظام کشیدن و افراد عسکریه را در انظار با رواج و با هیئت منظم
نگاه داشتن و مقدار حاضر قشون را کاسته موقتاً دو دسته پیاده و فقط صد نفر سواره استخدام نمودن
و آنها را هم از خانه های اهالی برداشتن و بعد از اجرای تعمیرات در سربازخانه های سابق العرض جا دادن
و علی الخصوص دسته موزیک را که در خانه های ارامنه اسکان نموده اند فوراً از آن خانه ها بیرون آوردن
باعث منفعت مالیه و موجب خشنودی رعیت و اهالی است . هر گاه عثمانیها عهدنامه سلطانی
مراد رابع را سند اتخاذ کرده ممانعت بتغییر شهر قطور نمایند نهایة النهایه چهل پنجاه تومان خرج
کرده قلعه قدیم قطور را بوضع جدید تعمیر کرده یک بناری طرف نرجای تعمیر نمودن و ساخلوی

در داخل دایرهٔ قوانین عسکریه اداره نمودن یعنی نگذاشتن که عملگی و خرکچیگری و قصابی و بقالی وغیره نمایند از برای ابقای ناموس عسکریه و اثر سطوت قاهرهٔ دولت علیه بیش از همه لازم است .

ثامناً — هرگاه دولت ابد مدت علیه ابذال عاطفت و مرحمت فرموده فقط از رسوم اغنام که عثمانیها برای هر رأس یکهزار دینار دریافت مینمایند دو عباسی همان یکقران را باهالی ببخشند و عوض قرانی از هر رأس سه عباسی بگیرند هم تمام اهالی از دولت علیه خشنود میشوند و هم عشایر و اهالی محال متنازع فیها میل بدخول تابعیت دولت علیه مینمایند .

عدم مداخله بامور شرعیه و محافظت اهل ذمت نیز بسته بشرایط آتیه است :

اول — مأمورین و قشون ساخلو تقیه را از دست ندادن و هرگاه یکی جرأت بسب و لعن و ازدراء بخلفا وغیره و طعن بطریقهٔ آنها نماید و بطریقهٔ نصاری و نسطوریان بد بگوید مورد مؤاخذه آوردن است .

ثانی — در محاکمات شرعیه فتوی و قباله مفتی آنها را معمول بر داشتن حکم آنها را بموقع اجرا گذاردن و هرگاه یکی از مدعی و مدعی علیه خارج از مذهب آنها باشد محاکمهٔ آنها را بمجلس حواله نمودن و حکم مجلس را اجرا کردن است .

ثالث — ارامنه و نسطوریان را از تعدیات اکراد محافظت نمودن و از عدالت مساوات وا بهره‌دار کردن است .

معاملهٔ سیاسیه که با آقایان و ریش سفیدان و کدخدایان ایلات و دهات واقعه اراضی و قرای محال متنازع فیها بموقع اجرا گذاردن از لوازم کار آگاهی است نه اینست که مثل میرزا صادقخان امین نظام بهر دزد و دغل و مقصر و رذلی شال و عبا و شمشیر مطلا دهد در ازای آنها دو یک سه مقابل اسب و استر و قالی و گلیم تعارف بگیرند !!!

فدوی که در خوی بودم ابتدای کاری در دفعهٔ دوم بقطور رفته دیدم که امین نظام مشارالیه زیاده از شصت

راس اسب و مادیان معنکی و طریقی و هشت قطار قاطر خیلی خوب دارد چون در وقتیکه در قوبیر ارسال من قراء خوی بود هیچیکی از آنها نداشت جویا شدم واضح شد که از آقایان و ریش سفیدان ایلات طرفین در مقابل شمشیرها و شالهای دولتی که بآنها باسم خلعت داده بود گرفته و قناعت بآنقدر هم نکرده با شیخ صفی خان سرتیپ وغیره ساخته جیره و علیق قشون پیاده و سواره را از اهالی گرفته استصواب دیوانی افراد مذکوره را بالمعیه و غیر مخارج بجا غله که عثمانیها از برای اردوی بایزید در انبار کرده بودند انبارها را باز و غله را باند و خنترهای خودشان انبار نموده اند ......

خلاصه . معامله دلنوازی با اهالی آن حوالی بدون آرزوی پیشکش بزرگ افشان الحقیقه ساختن و لا اقل سه چهار سال از تمامی تکالیف افراد اهالی را معفو داشتن . و مهاجرین که از جهت استیلای قارص و قاغزمان با آن حوالی آمده اند مثل عثمانیها جیرهٔ آنها را لا اقل دو سال دادن است بعد از آنکه دولت ابد مدت علیه این جزویات را اختیار فرماید اهالی محال متنازع فیها در کمیسیون مختلط من القدیم متعلق بدولت علیه ایران بودن دهات و ییلاقات خودشان را اقرار کرده و اظهار رضایت از قبول رعیتی دولت علیه ایران را مینمایند و مصلحین کمیسیون بیرخی بادعای کمیسیر حق دولت علیه ایران ماده محال مذکوره را داخل در نقشهٔ ایران مینمایند .

گویا در خاطر است که در زمان تحدید حدود میرزا جعفرخان مشیر الدوله مأمورین دول متوسطه همین قطور را از ممالک دولت علیه ایران شناخته بودند اما چون درویش پاشا مطلوب اهالی قطور را جلب بعثمانی نموده بود ادعای خود را مبتنی بمیل اهالی و بمذهب کرده اعتنا بقرار آنها نموده ضبط نمود .

اما جلو شرارت اکراد وغیره را گرفتن بسته باجرای مواد آتیه الذکر است .

اول — هر طوریست نزاع حدود را از میان دو دولتین برداشتن و در تعیین و تحدید ییلاق و قشلاق عشایر طرفین را نقطهٔ اعتنا قرار داده از برای آنها ییلاق و قشلاق خارج از خاک دولت متبوعهٔ خودشان

ندادن و صرف مقدرت نمودن که نصف یک عشیرت در اینجا و نصف دیگرش در آنجا ماند .

ثانی — در بندرها و معابر و در سایر نقاط مهمه قراولخانه‌ها از طرفین ساخته شدن و در جاهای مناسب دروازه رسمی معین نمودن و جز از این دروازه‌ها از سایر نقاط اجازه بدخول و خروج اهالی ندادن و بدون تذکره مرور بر رسمیه آمد و شد احدی را نپذیرفتن و مانند عثمانیان هر شخصی که داخل در خاک ایران میشود تذکره با اسم اداره حافظ الصحه دادن و سر هزار دینار گرفتن .

ثالث — هر باری از ایران بخارج و از خارج بایران داخل میشود جنس و مقدار آنها را ثبت کردن و هر هفته اطلاع باداره گمرک دادن و مانع بدخول اشخاص مجهول الاحوال شدن .

رابع — بدون رضایت دولتین بمهاجرت عشایر و قبایل طرفین مانع شدن و مقصرین که از جانب دولتین خواسته میشود بدون مصاحبت کردن و تسلیم مامورین حدود طرفین نمودن .

خامس — امور اداره هر عشیرت را از دست آقایان حاضر ایشان انتزاع کرده هر گاه امکان آن نباشد که بمامورین دولت سپرده شود طایفه طایفه تقسیم کردن و امور یکی هر طایفه را بریش سفیدان خودشان و ایشان را هم بیکی از سرتیپان با امنیت سپردن .

سادس — از مقصرین رشوه و تعارف نگرفته کیفر شدیدی دادن و اموال منهوبه و مغصوبه را که از دزدان و راهزنان و هر گاه مرتکبین بدست نیاید از عشیرتشان استرداد نمودن و ریش سفیدان ایشان را معاتب ساختن است .

ترجمه فقره راجعه بشیخ عبید الله و ماو شمعون و لزوم تزاید مقدار قشون در اورومی و دریاو چیلاغ

بنا باظهارات جناب صاحب دیوان آنچه در باب کردستان عثمانی از فدوی پرسیده بودند و فدوی هم وعده کرده بود که جواب اسئله مذکوره را تحریرا معروض بدارد از این قرار است :

کردستان عثمانی عبارت از چهار ولایت وسیعی است که سطح این چهار ولایت مساوی بنصف سطح ممالک ایران و تمامی اهالی ولایات مذکوره پنج کرور و سیصد و چند هزار نفر است .

اول — ولایت ارزنة الروم است که در آن ولایت نود و شش هزار . ثانی — ولایت دیاربکر است که در آنجا هم یکصد و شصت هزار . ثالث — ولایت هکاری است که در آنجا نیز دویست و هشتاد هزار . رابع — ولایت موصل است که در آنجا هم یکصد و ده هزار نفر که جمعاً یک کرور یکصد و چهل و شش هزار کرد موجود است . باقی اهالی ولایات مذکوره ترک و عرب و ارامنه است .

اگرچه تمامی اکراد نواده ملت قدیمه (ماد = مید) هستند ولی اکنون این ارتباط قریبه قدیمه آنها گسیخته اصلاً بچهار فرع و چند هزار تیره منقسمند . تیره اول — معروف به (بابان) است که قسمت بزرگ آنها در ولایت موصل و قدری هم در دیاربکر و هکاری و جمع کثیری هم در ایران صحرانوردی مینمایند . تیره دوم — موصوف به (میل) است که ییلاق و قشلاق آنها در ولایت ارضروم (ارزنة الروم) و وان و هکاری و دیاربکر و در ایران (ماکو . خوی . سلماس) است . تیره سوم — موسوم به (ذیل) و ییلاق و قشلاق ایشان در ولایاتی است که تیره دوم بادیه پیمائی مینمایند . تیره چهارم — مسمی به (زی = زازا) است این تیره صحرانوردی نکرده مشغول بزراعت و رعایت و مسکونند در ولایت ارزنة الروم و دیاربکر هستند .

از نقطه نظر دیانت هم منقسم به (سه) فرقه میشوند . اول — اهل سنت و شافعی المذهب ثانی — نصیری که معروف بعلی اللهی . ثالث — یزیدی که نوعی از آفتاب پرست است .

آنهائی که سنی هستند غالباً اهل طریقت و طریقه مسلکه ایشان از (نقشبندیه) و از (قادریه) عبارت است . اما طریقت قادریه نسبت بنقشبندیه خیلی کمتر و سالکان نقشبندیه از صد هزار نفس بیشتر است .

تمامی نقشبندیها خودشان را از وی خانواده (شیخ طه) و قادریها نیز خودشان را از پاکزادان در مقام

(شیخ اسماعیل تلوی) شناخته باسم (نذور) مالیات میدهند .

اکنون رئیس خانواده شیخ طه (شیخ عبیدالله) [م ...] و رئیس خانقاه شیخ اسماعیل فقیرالله تلوی (شیخ حمزه) است . از جانب این دو خانواده در تمامی قصبات و دهات کردستان عثمانی بل ایران خلیفه‌ها ایست که ظاهراً مشغول باوراد و اذکار و انابه و عبادت و باطناً مأمور بجمع نذور و توسیع دائرهٔ نفوذ معنوی ارباب خودشانند .

در میان این دو خانواده عداوت و نقاری بود قدیم و این روح جنگ و جدال میان عشایر و قتال نقصان نمیشد . چند ماه قبل از جنگ اخیر روم و روس خلفای طرفین جمع شده آشتی دادند دختر شیخ حمزه را بزوجیت عبدالقادر پسر شیخ عبیدالله در آورده نقار را از میان برداشتند .

خانقاه شیخ اسماعیل فقیرالله در قریه (تلو) من محال سعرد تابع دیاربکر . و خانقاه شیخ طه در قصبچه (نوچه) من محال (شمدینان) قضاء (کوار) تابع ولایت هکاری واقع و در این هر دو خانقاه مقابر اجداد خودشان مانند امامزاده‌های خیلی معتبر مزین و زیارتگاه تمامی اهالی کردستان است .

و اعتقاد اکراد بر این است که زیارت همان مقابر ثواب عمره دارد و تمامی اکراد طوری معتقد باین مقابرند که هرگاه سر یکی درد بکند چیزی بیکی از این دو مقابر نذر کرده موقوف میدارند که در وقت رسیدن مأمور نذور باینها بدهند .

و بواسطهٔ نشینی این دو خانقاه نذورات را بیکی فروخته پول نقد میگیرند و بدست اجاره داران کامعذری میدهند اینها هم قریه بقریه دفتر نذورات را نقداً و جنساً جمع میکنند .

تمامی مالیات این اکراد عبارت از (دیوکی) و (رسم اغنام) است اغلب اینها مالیات خودشان را مقطوعاً داده غیر از رئیس خودشان اعتنا بمامورین دولت نمیکنند و گاهی بدون سوق قشون مالیاتشان را نپرداخته اظهار عصیان مینمایند و تمامی ایلات با دیرپیما سرباز نمیدهند و از عشایرها برازی میشوند هرگاه دولت عثمانی

مشغول بجنگی باشد بعضی نقداً و جنساً و بدناً بدولت یاری میکنند و غالب اینها عاصی شده اهالی مطیعه را میچاپند . اگرچه بعد بعد دولت عثمانی هم قشون فرستاده جزای مالیش اینها را میدهد اما بعد از آنکه قشون از میان آنها بیرون می‌آید باز همان شقاوت جبلی خودشان را از دست نداده اظهار شرارت مینمایند .

چون دولت عثمانی فهمیده است که اطاعت اکراد بسته بدلخواه مشایخ اینهاست غیر از املاک و اراضی موقوفه که مشایخ اینها دارند از برای اطعام طعام فقرای دراویش ماهی شصت مجیدی طلا بشیخ حمزه و پنجاه مجیدی بشیخ عبیدالله و بتفاوت بر بسیار مشایخ جزو ماهیانه میدهد در این جنگ اخیر روم و روس از این دو خانواده شیخ عبیدالله بباب عالی اظهار کرد که چهل هزار نفر مرد جنگی بمیدان حرب بیاورد شیخ حمزه که این فقره را شنید او هم متقبل بیست هزار مرد جنگی گردید شد دولت عثمانی هم قول اینها را راست پنداشته در اول جنگ بار دهات و بایزید قشون منظم کافی نفرستاده محافظت این دو موقع را بقشون مشایخ موعود … اما اینها هنوز از دهات خودشان حرکت نکرده بودند که روسها در یک حرکت همان دو نقطه را استیلا نمودند .

شیخ عبیدالله که متقبل چهل هزار نفر بود دوازده هزار و سیصد و چند نفر سواره و پیاده ایلات اکراد روم و ایران بدار الحرب (وان) و (بایزید) و شیخ حمزه نیز هفت هزار و هشتصد نفر بار بدار الروم و بایزید و قارص آورد . دولت عثمانی بدست افراد اینها تفنگهای مارتینی و دیگر چیزها داد .

اگرچه در جنگ کاری نکردند اما تقلباً جیره و علیق و مواجب را در بل سر مقابل میگرفتند و دولت گرفتار جسارت و در وقت آمدن باردو و مراجعت بوطن خودشان اهالی مطیعه دهات را تاراج کرده رعیت و مملکت را خراب نمودند و علاوه بر این ارامنه را مجبور نمودند که از دست اینها شکایت بدربارهای دول معظمه نمایند باعث آن شدند که از برای امتیاز ارامنه فصل معهود را بعهدنامهٔ ایاستفانوس و برلین نوشتند .

بعد از آنکه زمستان آمد و متارکه شد اکراد با اسلحه و جبه خانه زیاد باوطان خود شان برگشتند
که اول بهار بیایند و در زمستان مشق کنند شیخ عبید الله و خیالات او گمان بردند که ممالک
عثمانی را دول معظم قسمت خواهند کرد بعد از مشاوره و مذاکره قرار دادند که کردستان عثمانی
و ایران را ضبط نموده یک حکومت کردیه تشکیل نمایند چون (مارشمعون) که رئیس دینی طائفه
نصرانیهاست و در جبال (چیلو) واقع نزدیک اورومی و هکار و جولمرک و صاحب سی هزار
نفر مرد جنگی و تیرانداز است در میان اینها قوی بود لازم دانستند که او را هم داخل در دایره اتحاد
نمایند . شیخ سعید خواهرزاده شیخ عبید الله همراهی رشید بیک رئیس امرای هکاری که
خود شان از سلاله عباسیه میدانند برسم سفارت پیش مارشمعون فرستاده یاری طلبیدند
مارشمعون اینها را پذیرفته کاتب خود را پیش کنسولان اوروپائی که در اورومی و خسروا هستند
فرستاد از اینها رأی طلبید اینها باین امر راضی نشدند و او هم نخواست که شیخ عبید الله را برنجاند
جواب داد که من همیشه با شماها هستم اما حالا تکلیف ما اینست که پسران بدرخان پاشا که
در (جزیره) من محال موصل هستند اینها را پیش اندازیم باز و میدان بکنند هرگاه دولت عثمانی
بشدت قادر بدفع اینها شد باید از دولت تمکین کرد و هرگاه اظهار ضعف نمود آن وقت ما هم
از این طرف شوریده آنچه عمده آمال ماست از قوه بفعل بیاوریم .

بنا باین خبر حضرات مشایخ پسران بدرخان پاشا را اغفال و اضلال کرده بجنگ دولت عثمانی انداختند
اگر چه دولت عثمانی قشون فرستاد و جمعیت اینها را پریشان کرد اما تا هنوز هم آن خیال بیمآل
از لوح ضمیر مشایخ محو نشده بل روز بتزاید است .

حتی فدوی که مأمورا بقریه شیخ عبید الله رفتم از وضع و حرکات شیخ معلوم شد که شیخ خیال
شوریدن دارد چه باسم اطعام فقرا در خود (نوچه) هشت باب فر ساخته هر روزه خروار خروار
یکماه بقیه در انبار میبرد و مخصوصا از رواندوز چند نفر چخماقساز و قنداقساز آورده تفنگها که

از اردو آورده و هر چه دولت عثمانی خواست پس نداده بردند نهب میکرد .
چون فدوی آن وقت وضع و حالات شیخ و اکراد را در یک کتابچه مفصلا نوشته و مستقیما بباب عالی
تقدیم نموده بودم حکمی بسرداران اردوی چهارم و پنجم و ششم رسید که از کردستان غفلت ننمایند
هر چند عثمانیها در امور کردستان خود شان در یکوضع بیداری حرکت مینمایند اما روزی خواهد
آمد که این طایفه باغیه را یکی از دو دولت بزرگ که روس و انگلیس است در ضد دولت عثمانی یا
دولت علیه ایران استعمال نمایند .

از آنکه پولتیک و خیالات این دو دولت بزرگ در حق یکدیگر و در حق دولتین ایران و عثمانی دارند
در نزد دقایق‌فهم سامی حضرت سپهسالار اعظم غیرمستور است از ایضاح آن صرف نظر کرده
همین قدر بعرض عالی میرسانم که تا که عثمانیها شروع باصلاحات کردستان خود شان نموده
وجود بعضی اشخاص که خود شان میشناسند از کردستان بردارند از جانب دولت ابد مدت
علیه تا هر ملا اقل دو فوج سرباز عراقی که مملکتشان دور باشد و نتوانند از فوجشان بوطن
خود شان رفت و آمد نمایند در ارومی و دو فوج نیز در ساوجبلاغ و دو فوج هم در سنندج
با چند عراده توپ و مقدار کافی سواره و جبه خانه و سایر لوازم ساخلو گذارده شود خالی
از نفع نیست زیرا قشون ساخلو بودن در مواقع مذکوره دو نفع عظیمی دارد یکی سطوت
قشون باعث شکست جرئت شقاوت اینها و یکی هم هرگاه بحرکت بیایند مانع دخول شرارت
اینها بایران خواهد .

هرگاه معروضات فدوی موافق رای و مصلحت دولت ابد مدت علیه شود معلوم
بموقع اجرا گذارده اقدام بدفع صایل ملحوظ فرموده خواهند شد باقی الامر لمن له الامر

ترجمهٔ

بطور خلاصه قانون تشریفات رسمیهٔ دولت علیهٔ عثمانی است

فصل اول

در بیان القاب توقیریه رسمیهٔ دولت عثمانی است

فقره اول — القاب توقیریه رسمیه دولت عبارت است از (اغا = اقا) و (بک = بیک) و (افندی) و (بک افندی) و (پاشا) و (ملا) و (چلبی) است

فقره دوم — لفظ (اغا = اقا) باحترام بهم صاحب منصبی علاوه میشود که آن صاحب منصب سواد نداشته باشد

توضیح

لفظ (آغا) مشتق از (آق = سفید) [illegible] است قاف ساکن آخر این لفظ را در زبان ترکی بغین تبدیل نمودن از قاعده زبان ترکی است لفظ (آق) را که بالف ملکیت متحرک نموده اند قاف آق به این قاعده مبدل بغین گردید آنچه در باب لفظ (اغا — آق) در کتابهای نظام رسیده مخفف از لفظ مرکب (اغایوز = روسفید) بعضی است ~~[illegible]~~ در بعد و خواجه سرایان را باین صفت موصوف کرده اند بعد از خواجه سرایان هر دو بزرگ جنگ ابراز روسفیدی کرده اند آنهم موصوف باین صفت کرده اند . در لغت نیز معنی (سید القوم) و (سید بزرگ) و (سرکار) و (برادر بزرگ) ~~[illegible]~~ دارد (فوائد) میسراید (شاهی کرا تالک آکا (آغا) دور) (اول سنکا آتا دور (اغا) دور) معنی بیت آنست که پدرت برادر بزرگ اوست) (لهذا او هم بعد پدر و بزرگ تو است) (ایچ اغاسی = پیش خدمت بیرونش) آنچه در تأدیه این لفظ را با قاف مرقومه محض تفریق از خواجه سرائی است والاغلط است .

فقره دوم — لفظ (بک — بیک) باحترام بهم شخص علاوه میشود که در نظام دارای منصب سرتیپی گردد و امرا زادگان نیز بدون اینکه دارای منصبی ازمناصب گردند باین صفت موصوف میشوند .

توضیح

~~لفظ بیک~~ لفظ (بک — بیک) از لفظ (بیوک = بزرگ) اختصار گردیده است در زبان ترکی معنی (آمر . حاکم . بکار . متصرف . صاحب . سردار . حاکم مستقل جزو = امیر . خدیو) را دارد عثمانیها لفظ (بیک) را هم اختصار کرده (بک) مینویسند ~~[illegible]~~ و صاحب علم باشند محض توقیر خدام

فقره سوم — لفظ افندی باحترام بهم شخص علاوه میشود که اشخاص ارباب قلم ~~[illegible]~~ و قطیب خاطر علمای مکتب و صاحبان قلم شاهزادگان عثمانیه دولت عثمانیه هم باین صفت توقیریه موصوف میشوند

(توضیح)

لفظ افندی از لفظ (آفندی یوس) یونانی اقتباس گردیده است در زبان یونانی معنی (نافذ فی الامر) را دارد و این لفظ تا زمان فتح استانبول فیما بین عثمانیها معروف نبود زیرا در تواریخ ~~[illegible]~~ عثمانی لفظ مذکور بعد از فتح استانبول در تواریخ عثمانی نوشته شده است اما در زبان عثمانی معنی (بزرگ . نجیب . عالم . ولی النعمت) را دارد .

فقره چهارم لفظ (بک افندی) باحترام وزرازاده که صاحب قلم باشد و بیک و باحترام ارباب قلم که از ~~[illegible]~~ منصب (مقاماتی ثانیه) (از رتبهٔ بالا) مانند علاوه ~~[illegible]~~ میشود .

فقره پنجم — لفظ (پاشا) باحترام شخص علاوه میشود که در ضابطه ملکیه منصب ~~[illegible]~~ (امیر الامرائی) و (میرمیرانی) و (وزیری) و در عسکریه منصب (میرلوائی = سرتیپ اول) و (فریقی = امیر تومانی) و (مشیری — سرداری) را داشته باشد .

توضیح

آنچه بعضی با خبران لفظ (پاشا) را مأخوذ و مختصر از (پای شاه) بنداشته اظهار معلومات کرده اند ندانسته توجیه نموده اند حال آنکه لفظ مذکور ترکی است و معنی برادر بزرگ را دارد و این لفظ در زمان اورخان بر (علاء الدین) که برادر بزرگ ~~[illegible]~~

~~[illegible]~~

(خیر الدین پاشا) ~~[illegible]~~ لفظ مذکور مدتی مخصوص بصدر اعظم ~~[illegible]~~ (وزراء قبة الی) — وزارت ~~[illegible]~~ قرار داده بعد از آن وزارت بچهار مرتبه قرار داده و وزرای درجه اولی را هم موسوم به (وزیر اعظم) نمودند در لغت (اقوغ) قطاس ~~[illegible]~~ (بر توغ) رابعه را (ایکی توغ) ثالثه را (اوچ توغ) بنام به درجه ثانیه را وزرای دربار) وزرای رتبه ثانیه ~~[illegible]~~ ۳ قبضه و مرتبه ثالثه دو قبضه ~~[illegible]~~ در قدیم الایام در پیش وزرای اوچ توغ ~~[illegible]~~ وزرای قبه الی از وزرای اوچ توغ انتخاب و سعید و وزرای اوچ توغ ومرتبه رابعه یک قبضه بزه قطاس دارای کنیدند وزرای ~~[illegible]~~ سکه هم میزدند . ایکی توغ ها حق نقاره خانه داشتند اما نقاره خانه داشتند ودر هر ملک حکومت میکردند حق سکه زدن را نداشتند و بر توغ ها فقط توغی داشتند

[illegible]

فقره ششم — لفظ (ملا) با فرام شخصی گویده میشود که از طریق علمیه ... وغیره نائل منصب (مولویت) شده گرویده شود اما لفظ مذکور باول اسم طلبه علوم دینیه هم اورده میشود

فقره هفتم — لفظ (چلبی) فقط با فرام اولاد و احفاد ذکور ~~(جلال‌الدین صاحب کتاب مثنوی معنوی که)~~ معروف ... در ایران معروف به (مولوی) جناب (جلال الدین رومی - قدس سره السامی) [صاحب کتاب مثنوی ومعنوی] اورده میشود

(توضیح)

(چلبی) از لغات ترکیه است معنی (صاحب سواد . اهونه . منشی . با ادب . مکرم . نجیب ...) ... با سیقه . صاحب اعتبار . والنجند) را دارد این لفظ را سلاطین عثمانیه ... تبرک ... بعلاوه سلطان ... اول این سلطان ... جلال روم ... استانبول ... شهزادگان ... (محمد چلبی) ... شاهزادگان ملقب به (افندی) بایزید خان ملقب به (چلبی سلطان محمد) ... گرویده این لفظ ... ودر ایران ... ملقب ... لفظ (چلبی) ...

فصل ... ثانی

در بیان مناصب رسمیه عثمانیه است

(فقره اول — مناصب دولت عثمانیه ... است اول (مناصب علمیه) ثانی (مناصب قلمیه) ثالث (مناصب سیفیه) رابع ~~(مناصب ...)~~ (ملکیه) خامس (مناصب خاصه) است

فقره دوم — مناصب علمیه عبارت از منصب (قضاوت) و (مدرسیت) و (مولویت) و (پایه حرمین) و (پایه اسلامبول) و (صدوریت) و (مشیخت) است

فقره سوم — عنوان (قضاه) (مودتلو افندی — اغای مودتماب) وعنوان (مدرسین) (مکرمتلو افندی — اقای مکرمتماب) وعنوان (موالی) (فضیلتلو افندی — اقای فضیلتماب) وعنوان (پایه حرمین) (فضیلتلو افندم — اقای فضیلتمابمن) وعنوان (پایه اسلامبول) (فضیلتلو افندم حضرتلری — جناب اقای فضیلتمابمن) عنوان (صدورین) (سماحتلو افندم حضرتلری — جناب اقای سماحتماب من) وعنوان (معزولین مشیخت) (دولتلو فضیلتلو افندم حضرتلری — جناب اقای دولت و فضیلتماب من) وعنوان (منصوبین مشیخت) (دولتلو سماحتلو افندم حضرتلری — جناب اقای دولت و سماحتماب من) وعنوان سادات معتبر) (سیادتلو افندم حضرتلری — جناب اقای سیادتماب من) وعنوان اسیاد سادات) (سیادتلو افندم) یا (سیادتلو افندی = اقای سیادتماب من) یا (اقای سیادتمابما) وعنوان (فقها) (فقاهتلو افندی) یا (افندم) یا (افندم حضرتلری — اقای فقاهتماب من یا اقای فقاهتمابمن یا جناب اقای فقاهتماب من) وعنوان جلیل علمای درس العام که از تمام علوم اسلامیه بید طولی باشد (سماحتلو بحرالعلوم افندم حضرتلری — جناب اقای سماحتماب بحرالعلوم و اقای سماحتماب من) وعنوان مشایخ (رشادتلو افندی) یا (افندم) یا (افندم حضرتلری — اقای رشادتماب) یا (اقای رشادتماب من) یا (جناب اقای رشادتماب من)

(استطراد)

باید دانست که منصب مشیخت که معروف به (شیخ الاسلامی) است مساوی بمنصب صدر اعظم است ودر عرایض ... عنوان

تغییر میدهد ... زیرا اگر ... شیخ الاسلام عریضه نگار باشد در عنوان عریضه (معروض داعی دیرینه لریدرکه = داعی دیرینه سرکار عرضه میدارد) مینگارد اگر عریضه نگار خارج از علما باشد باید که در عنوان عریضه که بشیخ الاسلام میدهد (معروض بنده دیرینه لریدرکه = بنده دیرینه سرکار عرضه میدارد) واگر بمعزولین شیخ الاسلامی نگارد در عنوان (معروض داعیلریدرکه = داعی سرکار عرضه میدارد) واگر عریضه بمعزولین بنگارد لازم است که در عنوان عریضه اش (معروض بنده لریدرکه = بنده سرکار عرضه میدارد) بنگارد

فقره چهارم — عنوان (طریق = خلفای دیانت موسویه وعیسویه (رتبتلو افندی جنابلری = جناب اقای رتبتماب) وعنوان (رهبانان) ها (رهبانتلو افندی = اقای رهبانتماب) است بسکپوسهای انها (رتبتلو افندی = اقای رتبتماب)

فقره پنجم — (مناصب قلمیه) عبارت از (خامسه) و (رابعه) و (ثالثه) و (صنف ثانی ثانیه) و (صنف اول یا متمایزی ثانیه) و (صنف ثانی اولی) و (صنف اولی اولی) و (بالا) و (وزارت) ~~است~~ و (صدارت) است.

فقره ششم — عنوان منصب (خامسه) (حمیتلو افندی — اقای حمیتمابا) عنوان (رابعه) (فتوتلو افندی — اقای فتوتمابا) عنوان (ثالثه) (عزتلو افندی — ~~...~~ اقای عزتمابا) عنوان (صنف اول یا متمایزی ثانیه) (رفعتلو افندی — اقای رفعتمابا) عنوان (صنف ثانی ثانیه) ~~(اول صنف اول)~~ عنوان (صنف ثانی اولی) (سعادتلو افندم — اقای سعادتمابمن) عنوان (صنف اولی اولی) (عزتلو افندم — اقای عزتماب من) عنوان (بالا) (عطوفتلو افندم حضرتلری — جناب اقای سعادتماب من) عنوان (وزارت) (دولتلو افندم حضرتلری — جناب اقای دولتمابمن) عنوان معزولین (صدارت) (دولتلو (ابهتلو دولتلو افندم حضرتلری — جناب اقای عطوفتماب من) ~~عنوان منصوبین (دولتلو ابهتلو افندم حضرتلری — جناب اقای دولت وابهتماب من)~~ عنوان منصوبین صدارت (فخامتلو دولتلو افندم حضرتلری — جناب اقای فخامت ودولتماب من) است

(استطراد)

باید دانست که عنوان عریضه که از جانب حضرت ... عبارت وارد میشود (معروض داعی لریدرکه — داعی سرکار عرضه میدارد) ~~...~~ درنگنن لازم است ~~عریضه~~ در عنوان عریضه سایرین (معروض چاکرلریدرکه — چاکر سرکار عرضه میدارد) اما در عنوان عریضه که از جانب حضرت صدر اعظم منصوب وارد میشود (معروض داعی کمینه لریدرکه — داعی کمینه سرکار عرضه میدارد) درنگنن لازم است ودر عنوان عریضه سایرین (معروض چاکر کمینه لریدرکه — چاکر کمینه سرکار عرضه میدارد)

فقره هفتم — (مناصب عسکریه) عبارت از (اونباشی — دهباشی) و (چاوش — وکیل) و (باشچاوش — وکیل باشی) و (بولوک اغاسی) ... و (اغای یسار — یاور دوم) و (بوزباشی — سلطان) ... و (ملازم اول — نایب اول) و (ملازم ثانی — نایب دوم) و (قائممقام — سرتیپ سوم) و (میرالای — سرتیپ دوم) و (میرلوا — پاشا — میرپنج) و (فریق — پاشا — امیرتومان) و (مشیر — پاشا سردار) و (سرعسکر — پاشا — وزیر جنگ) است و (اغای یمین — یاور اول) و (بیکباشی — سرهنگ) و (سردار اکرم — پاشا سردار کل) ...

فقره هشتم — عنوان (دهباشی) و (وکیل) و (وکیلباشی) همان اسم منصب انها است اما عنوان (نایبها) (غیرتلو — غیرتمندا) عنوان (یاورها) (فتوتلو — فتوتمابا) عنوان (سرهنگ) (رفعتلو — رفعتمابا) عنوان (سلطان) (حمیتلو — حمیتمندا) عنوان (سرتیپ دوم) (عزتلو افندم — اقای عزتماب من) عنوان (سرتیپ اول — یا — میرپنج) (عزتلو بک — میرعزتمابا) عنوان (سرتیپ سوم) (سعادتلو افندم حضرتلری — جناب اقای سعادتماب من) عنوان (امیرتومان) (سعادتلو افندم — اقای سعادتماب من)

عنوان (سردار) (دولتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولتمآب من) عنوان (سردار کل) (دولتلو رافتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولت و رافتمآب من) عنوان (وزیر جنگ) (دولتلو عطوفتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولت و عطوفتمآب من) ۲

فقره نهم — عنوان (مشوف فوج — غیرتمندا) عنوان (لشکر نویس فوج) (عزتلو — قدرتمآبا) عنوان (تحویلدار سر فوج) (رفعتمآبا) عنوان (لشکر نویس سر فوج) (رفعتمآبا) عنوان (پیشنماز فوج) (آقای مکرمتمآبا) عنوان (مفتی سر فوج) (آقای فقاهتمآبا) عنوان (اسپید تدار) (حمیتا حمیتمآبا) است

۲ عنوان (رئیس دار شورای عسکری) (عطوفتلو افندم حضرتلری — جناب سرکار آقای عطوفتمآب من) است

(استطراد)

چون الجابه و دوساز و بیطار و نعلبند باشی و سراج باشی و چخماقچی و توفنکچی و سایر عمله عسکریه — دارای مناصب عسکریه هستند و مواجب و جیره و علیق آنها نیز مثل صاحبمنصبان فوج است لهذا از جانب دولت ابدمدت هم عنوان مخصوص برای آنها معین نکرده تابع عنوانهای مناصب معینه صاحبمنصبان فوج خواهند شد انتهی

فقره دهم — (مناصب ملکیه) عبارت از (قپوجی باشی درگاه عالی) و (قپوجی باشی رکاب همایون) و (مدیریت اصطبل عامره) (میرالامرا) و (میرمیران) و (بکلربیکی روم ایلی) (بعد وزارت است)

فقره یازدهم — عنوان (قپوجی باشیان) (رفعتلو آغا — رفعتمآب آغا) (عنوان مدیر اصطبل عامره) (عزتلو اغا یا بک — عزتمآب الحاج بک) عنوان (میرالامرا) (عزتلو پاشا — عزتمآب پاشا) و عنوان (میرمیران) (سعادتلو افندم — آقای سعادتمآب من) عنوان (بکلربیکی روم ایلی) (سعادتلو افندم حضرتلری — جناب آقای سعادتمآب من) ۲

فقره دوازدهم — (مناصب ضبطیه) (قولوکجی) عبارت از (قولوکجی معاونی) (قولوکجی) و (ژورنال امینی) (بلوک آغاسی معاونی) (بلوک آغاسی) (حساب امینی) (طابور آغاسی) (اداره امینی) (آلای بکی)

فقره سیزدهم — عنوان (قولوکجی معاونی — قولوکجی) همان اسم منصب آنها است (ژورنال امینی) و عنوان (ژورنال امینی) (حساب امینی) عنوان (حمیتلو — حمیتمندا) عنوان (بلوک آغاسی) و (بلوک آغاسی معاونی) (غیرتلو — غیرتمندا) عنوان (اداره امینی) (رفعتلو — رفعتمآبا) عنوان (آلای بکی) — (عزتلو بک — عزتمآبا) عنوان (طابور آغاسی) و (قوتلو — قوتمآبا) عزتمآب بک) است .

فصل ثالث

دربیان عنوان حکمداران و شاهزادگان و متعلقان سلطنت و سفرای خارجه و قونسولها

خطاب رقعات عثمانیه ترجمه حالت ایران [illegible]

فقره اولی عنوان حکمداران اعظم در هنگامی که اسم مبارک ایشان در فرامین رسمیه و در روزنامه‌ها برای تذکره نوشته میشود از قرار ذیل نوشته خواهد شد عنوان اعلیحضرت شاهنشاه ایران (شهنشاهلو ایران شاهی حضرتلری — اعلیحضرت شهنشاه شاه ایران) عنوان اعلیحضرت سلطان (شوکتلو قدرتلو عظمتلو [illegible] پادشاهمز ولی‌نعمت بی‌منتمز افندمز حضرتلری — اعلیحضرت شوکت و قدرت و عظمت و رأفت ماب مالک الرقاب و ولی النعمت جنت و پادشاه ما) (عنوان والده سلطنت (رأفتلو شفقتلو مرحمتلو عنایتلو مهد علیا و ستر کبری افندمز حضرتلری — علیا حضرت رأفت و شفقت ماب و مزید عنایت و مرحمت ماب مالکة الرقاب ما) و عنوان (اقبال — حرم جلالت) (صدف دردانه خلافت خاتون حرمخانه جلالت عصمتلو عفتلو افندمز حضرتلری — صدف دردانه خلافت خاتون حرمخانه جلالت علیا حضرت عفت و عصمت ماب مالکة الرقاب ما) و عنوان اعلیحضرت شاهزادگان اسلام) (نجابتلو دولتلو افندم حضرتلری — حضرت نجابت و دولت ماب آقای ما) عنوان ولیعهدهای حکومات اسلام) (نجابتلو فخامتلو افندمز حضرتلری — حضرت نجابت و فخامت ماب آقای ما) و عنوان عموم شاهزاده خانمها (عصمتلو فلان سلطان حضرتلری — یا عصمتلو [illegible] خانم حضرتلری — جناب عصمت ماب فلان سلطان — یا — جناب عصمت ماب خانم نافذة الحکم ما)

(استطراد)

اولاد ذکور شاهزاده خانمها عنوان مخصوص ندارند اما برای اولاد اناث شاهزاده خانمها دارای عنوان (عفتلو — عفتماب خانم سلطان افندی) هستند و عنوان داماد های دودمان سلطنت (عطوفتلو افندم حضرتلری = جناب آقای عطوفتماب من) عنوان خواجه باشی که منصب آقای اسلامبول هم دارد (دولتلو عنایتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولت و عنایت ماب [illegible] من) است

عنوان (سلطان فاس) (فی متلو سیادتلو مولانا فلان حضرتلری = حضرت سیادت و فی ماب مولا فلان) عنوان (امیر بخارا و امیر کاشغر) (فی متلو امارتلو خان حضرتلری = حضرت [illegible] خان فی نعمت و امارت ماب) — عنوان (خدیو مصر) و (خان خوقند) و (امیر افغان) (فی متلو دولتلو افندم [illegible] حضرتلری) و عنوان (امیر بلغارستان) و (امیر قره داغ) (فی متلو پرنس حضرتلری = جناب فی نعمت ماب پرنس) (خدیو) یا (خان) یا (امیر)

فقره دوم — عنوان حکمداران دول خارجه ازین قرار است عنوان (امپراطورها) (حشمتلو امپراطور — یا — امپراطوریچه — .... حضرتری — اعلیحضرت حشمتماب امپراطور — یا امپراطریس عنوان (پادشاه‌ها) (حشمتلو قرال — یا — قرالیچه ... حضرتری — اعلیحضرت — یا — علیاحضرت پادشاه — یا — ملکه ...) عنوان (ولیعهدها) (فخامتلو اصالتلو — غرانددوق فلان — یا — پرنس فلان — یا غراندپرنس — یا — پرنس فلان حضرتری) عنوان (صدر اعظمهای دول خارجه) (کیاستلو اصالتلو ... حضرتری) عنوان (سفرای کبار دول خارجه) (اصالتلو ... حضرتری) عنوان (وزیر مختاران) (معالیلو ... حضرتری) عنوان (کارگذارها) (رتبه‌لو بک جنابلری) عنوان (جنرال قونسولها) (رتبه‌لو بک) عنوان (قونسولها) (درایتلو بک) عنوان (دکیل قونسولها) (کفایتلو بک) است

استطراد

عنوان (سفیر کبیر دولت علیه ایران) (دولتلو افندم حضرتری) عنوان (وزیر مختار دولت علیه ایران) (عطوفتلو افندم حضرتری) عنوان (کارگذار دولت علیه ایران) (سعادتلو افندم) عنوان (کارپرداز اول) (سعادتلو خان) عنوان (کارپرداز) (عزتلو خان) عنوان (ویس قونسولها) (رفعتلو — یا — فتوتلو بک) است

فصل رابع

دربیان قاعده ترقی وتقدم در تمامی مناصب

فقره اول — ترقی در مناصب بسته بحسن خدمت وقدمت وقابلیت است بااین همه خلاف قانون وممنوع است که حکم منصب مافوق را گرفته حکم منصب بالاتری از منصب مافوق خود داده شود یعنی اگر سلطانی را بخواهند دفعة سرهنک نمایند خلاف قانون است باید که اول یاور دوم بعد یاور اول نموده بعد منصب سرهنگی باو بدهند

فقره دوم — صدر اعظمها بدون عرض نمیتوانند باحدی نشان ومنصبی بدهند بعد الاستیذان مناصب علمیه وملکیه را که رتبه‌ی ثانی وبالاتری روس کردارها (روس همایون) نوشته توجیه نموده تا به منصب بالا و... دیگر یک روم ایلی روس کردار الحاق (روس همایون) نوشته (صحیحه) کشیده بدست اصحاب مناصب میدهند اما منصب میشود داده بعد از ثبت در دفتر تشریفات (صحیحه) کشیده بدست اصحاب مناصب میدهند اما منصب وزارت را با (منشور همایون) توجیه ونموده میشود منشور همایون موشح بطغرای همایون است وصدر اعظمها پشت منشور همایون را امضا مینمایند

حبوه کتابچه تشریفات روس اخبار

فقره سوم — شیخ الاسلامها باستیذان تا منصب پایه استانبول توجیه کرده منشور بعد از ثبت پشت منشورها میدهند اما منصب صدور با منشور همایون طغرادار توجیه کرده پشت منشورها شیخ الاسلام امضا میکند

فقره چهارم — سرتیپ سوم حق دارد سربازها را تا تابین نصب نماید اما از نیابت تا منصب یاور اول مجلس فوج بعد از امتحان با شهادتنامه جوقی سردار را رسانیده سردار هم بوزارت جنگ شهادتنامه را تقدیم مینماید و وزیر جنگ نیز بعد از مراجعت بار بحضور شورای عسکریه از حضور همایون استیذان کرده بعد بدست آن صاحب منصب (بیورلدی) میدهد از منصب سرهنگی الا سرداری با فرمان همایون توجیه میشود

فقره پنجم مناصب ملکیه نیز مثل مناصب علمیه بعد الاستیذان از جانب صدر اعظمها تا منصب میرالامرائی توجیه کرده روس داده میشود اما منصب میرمیرانی با منشور همایون توجیه وتسلیم میشود

فقره ششم مناصب ضبطیه نیز مثل مناصب عسکریه هست در مجلس ومرتبه ضبطیه بعد المذاکره بتوسط میر ضبطیه بوزارت عرض ... باخریطه بیان واراده نیز از حضور همایون عرض واستیذان کرده منصب ضبطیه مطلوب ارجاع میشود ... ضبطیه توجیه کرده تا منصب (طابور آغاسی) ~~...~~ (بیورلدی) مناصب از جانب ضبطیه بیورلدی داده میشود اما از منصب (طابور آغاسی) تا فوق بفرمان سلطانی توجیه ... رتبه وفرموده میشود

فقره هفتم تقدم مناصب انواع اربعه بریکدیگر ازین قرار است

منصب مشیری تقدم دارد بر منصب وزارت	منصب وزارت	
صدر وشیخ	صدر اناطول	صدر اناطول
رجال از بالا	بالا	بالا
مولویت استانبول	امیر تومانی	امیر تومانی
صنف اول اولی	بکلربکی روم ایلی	بکلربکی روم ایلی
مولویت حرمین	میر ضخیم	میر ضخیم
میر میران	صنف ثانی اولی	صنف ثانی اولی
مولویت اربعه	مرتبه دوم	مرتبه دوم
متمایزی ثانیه	مولویت مخرج	مولویت مخرج
میر الامرائی	مرتبه سوم	مرتبه سوم
میر بت اصطبل	کبار مدرسین	کبار مدرسین
الای بیک	میر هنگی	میر هنگی
ثالثه	قپوجی باشی درگاه	قپوجی باشی‌ها
قپوجی باشی‌ها	مدرس موصله سلیمانیه	مدرس موصله سلیمانیه
لشکر تذکره‌جی	طابور آغاسی	طابور آغاسی
رابعه	یاوری	یاوری
خامسه	سلطانی	سلطانی
سلطانی	بلوک آغاسی	

فصل خامس

در بیان سلام دادن و گرفتن و پذیرفتن و پذیرفته شدن صاحبان مناصب

فقره اول چون سلام با کوچک دادن بر بزرگان و تواضع بزرگان نمودن بر کوچکان مشروع و از مقتضیات مدنیت و تربیت اسلامیه و از عادات قدیمه عثمانیه است لازم می‌آید که هر بزرگی داخل در مجلس کوچکان که میشود جمله شریفهٔ (السلام علیکم) را بزبان بیاورد از آنکه رد سلام یعنی (وعلیکم السلام) را واضع گفتن اظهار وجود [illegible] و از برای کوچکان منافی ادب و تواضع است لازم است که کوچکان سلام بزرگان را تلقیاً [illegible] رسم تواضع (تمنا) ی پذیرائی را بجا بیاورند

فقره دوم هر کوچکی که داخل در مجلس منزل بزرگی شود برای او لازم است که رسم تواضع که (تمنا) ای پذیرفته شدن او است بجا بیاورد و بر بزرگ نیز لازم است که پذیرفته شدن او را بحرکت معلومه دست یا ابلاغ [illegible] حق قعود [illegible] اگر دارد حق القعود دارد و جا برای نشستن او [illegible] جا نشان بدهد و اگر حق قعود ندارد جواب مطلب او را بقدر امکان زود تر داده بدون جهت راضی بایستادن او نشود و هر شخص صاحب منصب مجبور است که بعد از شنیدن جواب (تمنا) ی مرخصی را اجرا نموده با ادب از مجلس بیرون رود و بر بزرگان [illegible]

اگر با او کاری نداشته مرخصی داده شدن او را بحرکت معلومه دست خود یا ابلاغ نماید

فقره سوم در زمانی که [illegible] بزرگی کوچه سواره یا پیاده میروند و شناسا سلام لازم است که دو تر کوچک او روبروی بایستاده منتظر سلام بزرگ شود و بر بزرگ است که درجه منصب و قدر و مأموریت آن صاحب منصب کوچک را ملاحظه کرده بخنده رو یا با سر (سلام علیکم) بگوید یا (تمنا) نماید و کوچک سلام بزرگ را بکمال ادب و تواضع دیده [illegible] از تواضع بزرگ گرفته اگر سوالی از او پرسید یا تمنا جواب داده بکار خود برود اما در کوچه بدون ضرورت بعد از سلام سوال و جواب شایسته نیست [illegible] در هنگام تمنا سلام از وضع حرکت دست و سر معین میشود اما اقران با اقران که در کوچه [illegible] هرکدام که اول اقران خود را دید موافق بزبان گفتن دست بریش و به سینه و [illegible] که صاحب منصبان دست یکدیگر را گرفته در کوچه راه بروند خصوصاً در ماه رمضان جایز نیست

فقره چهارم سلام لشکری عبارت از دست راست را به پیشانی بردن و پائین آوردن است هر صاحب منصبی که بوضع نظامی یعنی شمشیر در کمر و تمام بوتکها [illegible] سینه سوار اسب یا پیاده یا از جای خود انداخته باشد صاحب منصبانی که از او کوچک هستند و تابعین لازم است که بدون اینکه بایستند بار سلام داده از او بگذرند و تابعین هم در این مورد مثل صاحب منصبان کوچک و در صنف قشون سوای جدائی ندارد صاحب منصب از هر صنف یعنی پیاده و سواره و توپ و مهندس باشد اتباع صاحب منصبان سوم و تابعین هر صنف در موقع [illegible] هستند [illegible] صاحب منصب را در کوچه ببینند سلام [illegible]

فقره پنجم صاحب منصبان علمیه سلام هم مثل صاحب منصبان قلمیه یکدیگر سلام داده و در جواب اما اینها مجبور نیستند که بموجب شرع انور سلام را صریحاً یعنی (السلام علیکم) بگویند و در وقت رد سلام جمله (وعلیکم السلام) را هم آشکار بزبان بیاورند

فقره ششم [illegible] مقام صدارت [illegible] از آنکه مقام صدارت مقام وکالت کبرای سلطنت است تمامی صاحب منصبان مجبور و مکلف هستند که بدون [illegible] صدر اعظم [illegible] اما صدر اعظم هم مجبور است که [illegible] معزولین صدارت [illegible] از وسط الحلقه مثل سفرای کبار از وسط [illegible] اوطاق و وزرای دولت را [illegible] مثل وکلای سفرای مختار [illegible] و وزرای اولات ولایات را که دارای منصب وزارت هستند مانند سفرای مقیم و ایلچیان کوچک و دو دفتر [illegible] میران و وزرای معزولین را در یک قدمی استقبال [illegible] و مانند اینها که مجبور هم گشته [illegible] سلام بوده خودشان را بخشیده (قفا) اما سوزن هستند هم گشته تمنا بجا آورده و در آن بین [illegible] که مناسبت بوده هم بزرگ وارد بزبان آورده [illegible] و معزولین صدارت و سفرای کبار را و [illegible] از صدر اعظم هم سا و هم صحت قدمت و سبقت دارند [illegible] دست یعنی در طرف راست [illegible] و وزرای دولت و سفرای مختار را در طرف یسار یعنی پائین دست [illegible] و بر حسب آنکه اتصال [illegible] طرف دارند [illegible] ترتیب و اجرای قهوه و غلیان [illegible] میران ارکان ها و وزرای ولایات [illegible] اینها که مسنی از صدر اعظم باشند از این مأموریت و در یکی از وزارتخانه بوده یا دارای [illegible] قطع رجعت [illegible] باشد در صندلی مقابل [illegible] صندلی سابق [illegible] صندلی [illegible] اجرای رسم ترتیب و اجرای قهوه و غلیان میخواهند هرگاه وزرای بیکار از [illegible] وزراء [illegible] وزارتخانه‌ها یا سفرا [illegible] مأمورین بر حسب امور صدر اعظم شوند [illegible] وارد [illegible] قدیم [illegible] شئونات و مقامات تشریفات خود را از دست نداده رسومات تعظیم را [illegible] بجا آورند [illegible] رجال قدیم از معزولین صدارت یا یکی از وکلای کبار بعضی رجال قدیم هم یا از معزولین صدارت یا سفرای کبار باشد الحاله لازم است که قدمت [illegible] توجیه منصب [illegible] سفارت [illegible] بنظر آورده جدید جای خود را تقدیم [illegible]

فقره هفتم — صدر اعظم مجبور است [illegible] رجال دولت [illegible] انکه منصب بالا دارند و رئیسی در شورای عسکری [illegible] در جای خود قیام کرده [illegible] و تمنا نموده می‌پذیرد اما صاحبان مناصب بالا که داخل کابینه [illegible] در حالت قیام و در [illegible] تمنای هم گذشته قبول [illegible] که [illegible] دو صندلی پائین تر از صدر اعظم جا نشان داده بعد از اجرای رسم قهوه غلیان میخواهند

فقره هشتم — صاحبان پایه مولویت اسلامبول و دارای ترنیان و صاحبان منصب اعلا اولی صنف اول و بعد یک روم ایلی را
و سه صندلی پایین تر از صندلی خود جا نشان میدهد
قاعاً و بیرون گذشته تعارف نموده می پذیرد [illegible] و بعد از احوالپرسی فقط قهوه میخواهد [illegible]
اما صاحبان پایه مولویت و بیشی دارای [illegible] و میرمیران [illegible] و صاحبان منصب صنف ثانی اولی را نیم قیام و تعارف معتدل پذیرفته
چهار صندلی پایین تر جا نشان داده با هم غیر قهوه میخواهد .

فقره نهم — صاحبان مولویت [illegible] سرتیبان دوم صاحبان منصب ثانیه را بحرکت تام و تعارف مع العاده
پذیرفته پنج صندلی پایین تر جا نشان میدهد و فقط اکتفا با احوالپرسی نموده اگر آن صاحبمنصب از [illegible] باشد با هم غیر قهوه میخواهد

فقره دهم — صاحبان مولویت و میرالامرا و سرتیبان سوم [illegible] و صاحبان منصب [illegible] و الا [illegible] را
بحرکت نیم و تعارف تام پذیرفته شش صندلی پایین تر جا نشان داده قهوه [illegible] میخواهد

فقره یازدهم — از صاحبان منصب پایین تر از صاحبمنصبان مذکور الفوق اهل نشستن در حضور [illegible] مقام صدارت ندارند
[illegible] و از جمله [illegible] است که در هنگام دخول بوسط اطاق که میرسند از زمین تعارف کرده موقوفات [illegible] را
بموجب صدر اعظم [illegible] و صدر اعظم نیز [illegible] مع العاده تعارف کرده حرف آنها را شنیده جواب میدهد

فقره دوازدهم — از رابعه تا بلوک امینی حق دخول بحضور صدر اعظم دارند و در هنگام دخول دم در ایستاده
[illegible] از زمین تعارف کرده بعضی عرض شان را [illegible] فقط جواب میشنوند و در هنگام جواب
[illegible] (احضار کرده) [illegible] بیرون میروند صدر اعظم
[illegible] جواب و [illegible] مطلب [illegible]
مجبور [illegible] است که اول در اطاق [illegible] انتظار

فقره سیزدهم — هر شخصی بخواهد بحضور صدر اعظم مشرف شود لازم است که [illegible] و در [illegible] اسم و لقب [illegible]
نوشته [illegible] صدر اعظم [illegible] نماید [illegible]
و ماموریت عالیه یا سابقه و منصب خود را ایضاح نماید که غلط در تشریفات بوقوع نیاید .

فقره چهاردهم — از جمله صاحبمنصبانی که در فقره هشتم مذکور است تا پایین قدمت نوکری و ترجیح [illegible]
یکدیگر را دانستن بدون واقفیت [illegible] کتابچه تشریفات امکان نیست ممکن نیست و در [illegible]
امکان تمیز این مطلب اشکال دارد لهذا از جمله مذکوره تا طبقات مذکوره الفوق [illegible]
[illegible] در زمان واحد در حضور باشند حق تقدم [illegible] در سن است اگر هم [illegible]
حق تقدم دادن بسته بر اراده صدر اعظم است

فقره پانزدهم — صاحبمنصبان نظامی در وقت ایفای خدمت رسم تعارف شان را [illegible] ایستاده
سلام میدهند و صدر اعظم اگر از میرمیران باشد آنهم [illegible] قاعده نظامی سلام ثانی [illegible] داعیان و بندگان
رسمی و سفرا را بطور نظام گرفته [illegible] نمیکند

فقره شانزدهم — وزراء وزارتخانه [illegible] و میرمیران صاحب اردو و ولات ولایات درجه اولی در مقام [illegible]
[illegible] رسم تشریفات را که بعینه بالاتر از صدر اعظم بجا آورند [illegible] و از صاحبان [illegible] رتبه بالا هم که رئیس
اداره باشند و ولات [illegible] ولایات درجه دوم نیز رسم تشریفات را [illegible] رتبه از [illegible] تشریفات صدارت بالاتر
بجا آورده [illegible] قدر و حیثیت داعیان و نوکران و مستخدمین مهمانان [illegible] را [illegible] میزنند

فقره هفدهم [illegible] صاحبمنصبانی که در [illegible] بابعالی یا سایر وزارتخانه‌ها یا در اردوها یا در ولایات مستخدم و هر روز
مجبور هستند که یکدیگر را [illegible] ببینند رسم تعظیم و احترام و احوالپرسی وغیره را در اول دفعه بجا آورده تا موجب
دیگر از [illegible] بجا آوردن رسم تشریفات صرف نظر نمایند اما صاحبمنصبانی که حق قعود دارند در جشن بزرگ در جای [illegible]
نشسته و آنها که حق قعود ندارند در موقعی که لازم است ایستاده [illegible] ادای [illegible] تعظیم و تعارف [illegible] عقب
کار خودشان میروند و در هنگام دخول [illegible] اما بزرگ [illegible] قیام
مدیر یا ناظر یک اطاق [illegible] و [illegible] رسانه [illegible] یک اطاق [illegible]
[illegible] است

فقره هجدهم — [illegible] فقط یک [illegible] است
صندلی که برای نشستن واردین خارج از اهالی اطاق مذکور باشد نیست [illegible] است که [illegible]
در زیر دست [illegible] صندلی مدیر یا ناظر گذاشته و آن هم مخصوص نشستن بزرگان است
وزارت دارد و احدی حق ندارد که داخل اطاق کار شده با یکی از اهالی [illegible] نشسته [illegible]
حرف زده او را از خدمت عوق نماید اما حق دارد که بواسطه [illegible] او را بیرون خواسته در اطاق که
مخصوص [illegible] است برده [illegible] دو دقیقه گفتگو نماید

فصل سادس

در بیان نشستن و ~~محل~~ ... و نوشته مشترک رساله را امضا کردن است

فقره اول — در مجلس نشستن و قرارنامه مجلس را امضا کردن تابع به ترتیبی است که در جدول فوق نمره نمرات مسطور است اما در بعضی مجالس اگر از اعضا هم منصب باشند حق تقدم با آن ~~~~ است که تاریخ ورود منصبش یک روز قبل از دیگری است اگر اتفاقا نمره تاریخ هم در یک روز باشند رجوع به تاریخ نشان و در نشان هم نیز مساوات باشند رجوع به تاریخ فرمان نشان و اگر در دو هم مساوات باشند رجوع به تاریخ دخول نوکری و اگر در دو هم مساوات شود رجوع به سن و علم و فضل و نجابت کرده میشود در صف سلام هم این قاعده مرعی الاجرا خواهد شد

بسم الله تعالی

اعتراضات ثروتی و تجارتی

شنیده‌ام قرارنامه‌های بانکهای متعدد که فعلاً در مدنظر این غلام است هیچیک در سهولت شرایط و ملاحظات برتری به این قرارنامه نمیرسد ولی اگر این اعتراضات و ایرادات ذیل هم دفع و رفع شود بهترین جمیع قرارنامهای بانکهای دنیا خواهد بود و عمده جهت این سهولت و ترجیح که این قرارنامه بر شرایط بانکهای دیگر امتیاز دارد از اینجاست که در ممالک دیگر دولتها خود طالب ایجاد و تشکیل بانک شده‌اند پس اگر تکلیف که اداره بانک در ملاحظه جانب خود مفتوح است دولت قبول کرده ولی در این قرار طالب بانک طالب تشکیل گردیده لهذا در همه جا رعایت حقوق دولت را نموده است تا اینکه پیشنهاد نماید و قبول فرماید

در فصل اول که متعلق است به مرکز و شعب عبارات مجملی آورده است در اجمال این مطلب اختیار را از دولت سلب میکند باید در همین مقام صریحاً بفرمایند که اداره بانک در تعیین مستقر مرکزی و مواقع تشکیل شعب باید مخصوصاً اذن مجدد از جانب کارگزاران دولت علیه تحصیل نماید

و همچنین در اقداماتی که زیاده بر تکلیف اصلی خود خیال دارد از قبیل تسهیل طرق تجارت و تکثیر جهات ازدیاد ثروت و منشأ اعمال تجارتی مطلق نیست و باید در هر یک از این خیالات اطلاع مخصوص به دولت بدهد و اجازه خاص تحصیل نماید و نیز در فصل اول سرمایه بانک معین شده است اما مقدار قبوض بانک که در عوض مسکوک رواج خواهد گرفت معین نیست و معلوم نیست که بانک چند مقابل علاوه بر سرمایه خود نشر بدهد پس لازم است که معین نماید

و هم در مسئله امتیاز زمانی که نوشته است اگر اداره بانک آن امتیاز را با همان شرایط قبول بکند بر غیر مقدم است باید قید شود که (اگر اشکالات پلتیکی در میان نیاید) چرا که ممکن است بانک آن امتیاز را با همان شرایط که غیر قرار میدهد قبول بکند ولی یک ملاحظه دیگر در مصلحت پلتیکی آن غیر را ترجیح بر بانک بدهد

و در فصل چهارم که قرار داده‌اند یک نفر مأمور محترم از جانب دولت علیه تفتیش بکند

محترم کم است زیرا که ممکن است که کمیته عمداً یا سهواً از تکلیف مخصوص خود اشتباه بکند پس باید قرار داد که نفوذ از
طبقات مختلفه رجال دولت بر تکلیف تفتیش اقدام و مراقبت داشته باشند در کمال استقلال شاید بهر جهت هم
و اما حق الزحمهٔ مأمورین تفتیش را که خواهیم داد با بانک نباید رجوع کرد اگر هم فی الواقع بر عهدهٔ بانک قرار بگیرد
در ظاهر باید دولت خود دریافت نماید و بمأمورین برساند که مأمورین را موجب خوار بانک محسوب نشوند
و در فصل ششم نوشته شده است که دولت علیه معادل یک ملیان فرانک بطور استقراض از قرار صد
شش منفعت از بانک دریافت خواهد داشت جهت لزوم این استقراض معلوم نیست فی الحقیقه مملکت
بی‌بهره است و تا آلآن ضرری هم ندارد این است که اولاً در سال هشت هزار فرانک باید منفعت بدهیم و ثانیاً بانک
در ظرف ده سال تقریباً معادل دو ثلث یک ملیان استقراض را باسم منفعت دریافت کرده است
علاوه بر اینکه باب استقراض مفتوح کردیم قدم لقیف نخواهد داشت و خدا نکرده شدن دولت عثمانی و مصر
و تونس معمور را جانب خواهد کرد

در فصل نهم این عبارت را باید افزود که اداره بانک باید متعهد شود که در آخر هر ماه صورت معاملات
آن ماه را بتوسط روزنامجات مرکزی انتشار بدهد و همچنین در آخر هر سال شش معامله دوازده ماه را اعلان
نماید تا تمام مردم از داد و ستد بانک مطلع بوده باشند

در فصل یازدهم چنانکه نوشته که بانک در مقام استکشاف معادن اگر معدنی در اراضی بایره و ملاک بانک
احتمال میدهد بدون استحصال اذن مخصوص از دولت میتواند در آنجا کاوش بکند ولی اگر در اراضی
مزروعه و آباد معدنی احتمال میدهد باید با اذن و رخصت و رضای صاحب ملک کاوش نماید خواه
اراضی دیوانی باشد و خواه رعیتی

در صورتیکه این قید بطور تأکید نشود مفاسد کلی بظهور خواهد رسید چنانکه در مملکت عثمانی از اعمال
این قید چه املاک معمور و اراضی دایر و بیوتات مسکون خراب شده و زیانهای بی حد و حصر
بر رعایا وارد آمد

(اما از حیثیت پلتیک)

در ظرف چهل و چهار سال سلطنت بندگان اعلیحضرت قدر قدرت همایون شهریاری ارواحنا فداه بواسطه حسن تدابیر و اجرای پلتیک
سالم و تدبیر درهم بناهای بر دولت رقیب بدون هیچگونه درد سر و زحمت خاطر مبارک بر اعلای سلطنت و حکمرانی افزوده گشت
و انشاءالله تعالی ده چهل سال دیگر هم بعون الله با کمال قدرت پادشاهی خواهند فرمود در اینچند ماه
بواسطه مسئلهٔ کارون خاطر مبارک فی الجمله مشغول است باز ممنون ... کردیم بر اینکه مسئلهٔ کارون
انتوناسیونال یعنی عمومی بود ولی دادن امتیاز به روطرز ثابت میکند که اولیای دولت
کلیتهٔ طرفداری سمت باشند و بسمت دیگر چندان وقعی و اعتنائی نمیکنند آیا مصلحت اولیای دولت
که از جادهٔ تسویه و تعدیل که در امنیت تمادی را ... سلامت ... انحراف نورزند و مصلحت ... بگذارند
نه و الله

دولت آلمان با قرب چهار کرور سر نیزه محض اثبات بیطرفی خود با نهایت ... از جنگ عثمانی و روس
ما بین آلمان و روس بروز کرد و تا آنکه طوری غلیظ شد که در هیئت ... اعلان جنگ بین ...
بود امپراطور ... با ... که ... و مقتضای سن ادبیت بنصیحت وزیر اعظم خود پرنس بیزمارک
ملاحظه تعزیه داری جد و پدر ... که در ظرف چهار ماه ... در پطرزبورغ ... محض جلوس شخص سلطنت ...
تعزیت و تهنیت ... کرده ...
با امپراطور روس نمود بلکه برای تشیید خصوصیت و جلب قلوب ما بین آلمان علی الخصوص امپراطور
روسیه به دانمارک که در جنب آلمان ... دارد مسافرت نمود باسم اینکه من
صلح طلب هستم و جنگجو نیستم فی الواقع اتمام حجت کرد که اگر مجادله ما بین دو دولت روس واقع شود
در انظار عامه ... علی الخصوص اهالی مملکت خود مسئول نباشم که مبادرت بخلاف
نموده است نمیدانم مصلحت است که رجال دولت با این ثروت بهانه بدست ... خود ...

بهمه که از یکطرف حدود ایران و هند نزدیک شده است و بعلاوه نشینهای را از ترک و تات لاعلاج بر
با سرحد نشینهای آن مرحله داشته باشد روز چهارشنبه گذشته در مجلس مذکور که قرارنامه اولی را ذکر کرده
و معقول نشده که بواسطه خواهش شخصی امپراطور ماضی روس آیا ممکن نیست در این سفر تیم که مرات و اقبال
بفرنگ تشریف خواهند برد امپراطور حالیه نیز همین خواهش را بکند و در آن صورت بکار کسی سند
معقول که در دست رجال دولت است سند صحیح در کمور که هر حرف بعضی سنه اول است و هم سند
سند ثانی بجنگ رد خلاف آمده و هم معقول و غیر معقول خواهد بود و تکلیف رجال دولت پس مجبور
خواهد بود نه انکار و قبول سند تبعه انگلیس پرده از عیب نمیتوانند کرد و از ادراه و قبول دراه
عذری در مقابل کلمه روسها خواهند داشت

این خانه زاد همچنان اطلاع و ربطی از پولتیک دولت علیه ندارد زیرا که در هیچ وقت دخالت و راهی
تحصیل نکرده است شرکت عمومی را عرض میکند که نه میبیند و نه میداند

اما بواسطه بصیرت و اطلاعات کاملی که در رسایل و جراید هر سه زبان فرانسه و انگلیس از پولتیک
سایر دول دنیا دارد معروض میدارد که رجال دولت بواسطه این همسایه شمال و مشرق و
شمال غربی خیلی ممکن است طرف زحمت و گرفتار رجال بشوند و از سمت جنوب ظاهرا بقدر
که تصور میکنند زحمت و خطری نیست توانستند مشغول کرد پس موافق عقیده قاصر و فکر فاتر این خانه زاد خوب است
که راه حرف روسها را هم ببندند و در مسئله هرات که بعد از چهارده سال عمری است عنوان کرده است از آنها
استشاره نمائیم و استمداد کنیم اگر چاره کردند نعم الاتفاق و الا هیچ وقت لامحاله حق کله از ما نخواهند
داشت انگلیسها بیرون از فتح کار درون نتیجه کشتیهای عمومی تا هزار سال دیگر ممنون رجال دولت
علیه بوده باشند و سکوت کنند و تعطیل قرارنامه اولی روس را اگر هم قبول انجام
و تکلیف رجال دولت نمایند این فقره پر روشن و مبرهن است که این خانه زاد همچنان هم

قصد عرض نمیکند اسم آنها را فضولی که شنیدن سبب است تا در نحو ... کفش
ولی محض شکار خاطر رجال دولت جسارت ورزیده عرضه میدارد که بر آحاد و افراد ملت ایران
واجب است که اول ملاحظه قدرت سلطنت و حفظ شوکت و ناموس دولت و آسایش خاطر مبارک
شخص شاهنشاه کیتی پناه خلد الله تعالی سلطانه و آرایش قلوب کافه اهالی وطن را که از نعمتهای بزرگ
الهی است بنمایند و بعد رعایت حقوق ثابته حالیه و آتیه دولت علیه را بدرجه کامل منظور
دارند

و اگر در این عرض هواخواهی همراه ندارد عرض میکند چنانچه قابل قبول نباشد تخفیف نیز نمایند و
توهین نفرمایند که آن بیچاره باعتقاد خود در مقام اداء تکلیف است نه استحقاق تخفیف
جناب ولایت مآب صلوات الله و سلامه علیه دستور العمل بزرگی داده اند که انظر الی
ما قال و لا تنظر الی من قال

خانه زاد ... مترجم
۲۳ ...

ترجمه

صورت عهدنامه ایست که نیمابین مصطفی پاشای صدر اعظم عثمانی و سارو خان امیر
و محمد قلی بیك ایشیك آقاسی سفیر شاه صفی صفوی در روز چهاردهم محرم سال هزار و چهل
و نه هجری منعقد شده است

الحمد لله العزیز الکریم الفتاح الذی افتتح ابواب الصلح والصلاح ، وارتفع ظلام المصاف
والکفاح بمصباح صباح الفوز والفلاح ، والصلوة والسلام علی رسوله الذی اظهر واوضح
الدین بکمال الایضاح ، وانشرح صدر الاسلام بطلعته السعیدة ای انشراح ، وعلی آله واولاده
واصحابه الذین هم الاشباح الذی ارواح ما فاح نشر الصبا ولاح نور الصباح اما بعد
چون بمشیت و ارادت رافع السماء بغیر عماد و حکمت و قدرت مبدع المرکبات عن الاضداد
جل شانه عن مشاکلة الانداد مدار نظام احوال عباد و منشاء ثبات و دوام عالم ایجاد
منوط بحسن اتفاق و اتحاد پادشاهان با عدل و داد و شهریاران مکرم و عدالت نهاد
و مربوط باتباع و انقیاد اوامر و نواهی خداوند کاری آنهاست و از آنکه سلاطین شوکت آئین
بفحوای شریف (فاتقوا الله واصلحوا ذات بینکم) بسمت اصلاح مستوجب الفلاح
عزیمت و از جانب خصومت و کفاح عودت فرموده تیغ خلاف طرفین در غلاف
کرده و ارباب مصاف جانبین بمحبه کرسینه صاف شده اند (ذلك فضل الله یؤتیه
من یشاء والله ذو الفضل العظیم) بناءً علی ذلك چون بو اضعف عباد الله (مصطفی پاشا)
از طرف اعلا جلالتقرین و از جانب اسناد سعادت مشحون جناب جلالتمآب پادشاه دین پناه و
ذات سعادت دستگاه سلیمان بارگاه خلیفة الله فی العالمین ما صدق مصداق السلطان ظل الله
فی الارضین سلطان اعاظم السلاطین معاذ اکابر الخواقین ناصر الاسلام والمسلمین قاهر الکفرة والمشرکین
سلطان البرین والبحرین خاقان الشرقین والمغربین خادم الحرمین الشریفین عین الانسان وانسان
العین المؤید بتأییدات الملك المستعان والموفق بتوفیق العزیز المنان لا زالت سلسلة خلافته ممتدة
الی آخر الزمان وما برحت الخطاب خیام سلطنته مشدودة الی انتهاء الدوران حل و عقد امور ممالك
مأمون و ماذون و در خصوص اختیار صلح و جنگ توفیق یافته اجازت همایون شده و بحسب وکالت مطلقه و
نیابت محققه مامور عساکر اسلام نصرت انجام را از بغداد بر داشته متوکلا علی الله تعالی
بعزم متین ولایت عجم آغاز با هلك طی مراحل و منازل نموده آنگاه که بمنزل موسوم به (هارونیه)
نزول کردیم عمدة الامراء قدوة الکبراء شمس الدین محمد قلی بیك ایشیك آقاسی از جانب شریف رفعت
افزون شهنشاه عجم خورشید علم دارا حکم فریدون مغفر خداوند مکرم درگاه جم تاجداری هرمز

شوکت پناهی کرده شاهان اوج شاهی عالیجاه سعادت دستگاه خسرو فلك بارگاه ستاره
سپاه اعلی الله اعلام قدره من السمك الی السماك ورفع بنیان مجده الی قمة الافلاك بطریق سفارت
آمده و بحضرت سعادت و عظمت مآب پادشاه نامه و باب حقیقت مکتوب ملاطفت خامه آورده چون
بنا بر اراده حضرت شاه در خصوص اصلاح ذات البین و صلح و صلاح جانبین داشته تسکین آتش جنگ
و جدال و دفع و رفع غبار حرب و قتال را طلب بوده مائز نص شریف (وان جنحوا للسلم فاجنح لها) کار
کرده از برای امن و استراحت عباد الله که ما فی جبل و مفصل هر باب است بصلح و صلاح رضا داده
جوابنامه بحضور همایونی فرستاده و در ضمن اظهار کرده بودیم که از برای اینکه بر وجهی
وجیهی که لایق شان دولت طرفین و موافق عرض و ناموس جانبین است با احوال
صلح تفصیل داده شود لازم است که از طرف شریف حضرت شاه والاجاه شخصی معتمد علیه
متوکل و ارسال فرموده شود الحالة هذه بجهة بسط بساط صلح و صلاح و ربط و ارتباط
مصالحه مستوجب الفلاح و استقرار مواثیق و عهود و تعیین احوال ثغور و حدود و عقد
صلح و صلاح انجام جناب امارتمآب ایالت نصاب مصادقت عنوان ساروخان دام ساعیا
بصالح الامن والامان از طرف اشرف حضرت شاهی بنهج قدیم شرع انور وکیل معتمد علیه
مطلق و مامور با انعقاد مصالحه و معاهده اند در منزل موسوم به زهاب آمده داخل اردوی
همایون خداوندگاری داخل شدند بعد از ایفای مراسم مهمان نوازی و رعایت روز چهارم
ماه محرم الحرام عظم الله قدره بین الانام سال هزار و چهل و نه هجری که بیك وقت خرم و ساعت
میمنت توام بود دیوان عالی آراسته از وزرای عظام و میرمیران عالیمقام و آقایان کرام قاپوقولی
و آقایان جماعات و سایر کبرای عسکر و علمای لشکر ظفر اثر که در اردوی همایون منصور حاضر
کردیم و مشار الیهما ساروخان وکیل معتمد علیه و محمد قلی بیك سفیر احضار دیوان همایون کردیم
مقدمات صحیحه معاهده که از برای نظام احوال فقرای رعایا و انتظام حال ودایع خالق البرایا
بالمشافهه ترتیب کردیم باین صورت نتیجه بخشا حسن قبول و تحریر مراتب کران جانبین ابراز
کردید قضایای مصالحه باین شکل مقضای قطع اجابت شمول شده است که (جسان) و
(بدره) و (مندلیجین) و (درتنك) و (درنه) که در ولایت بغداد است متعلق پادشاه سعادتمند
ما باشد محالی که تا مندلیجین و در تنك است صحرا را قلعه از این طرف ضبط کردیم کوه بجانب شاه
متعلق باشد و از برای درنه و تنك محل موسوم سرمیل حدود معین کردیم است و جماعت ضیاء الدین و
هارونی متعلق پادشاه کردون وقار شده عمر و رودی بطرف شاه باشد و قلعه زنجیر که در قلعه کوه واقع است
خراب کردیم و دهات واقعه در طرف مغرب آن از جانب خداوندگاری و قرای واقعه در طرف مشرقی آن نیز
از جانب شاهی ضبط شود و کریك (کوتی) چنان تقسیم حدود معین کردیم با قلاع قزلجه قلعه

از جانب اشرف شاهنشاهی و با توابع مهربان بین از جانب شریف شاهی تصرف کرده قلعه‌های
قطور و ماکو واقع در سرحد وان و قلعه مغازبرت واقع در جانب قارص را طرفین خراب نمایند و خواه
سواء مذکوره معتبره قلاع و بقاع و نواحی و اراضی و صحاری و براری و تلال و جبال واقعه در داخله ۲ ما دامکه از جانب حضرت شاه تعرض
حدود و ثغور آخسقه و قارص و وان و شهرزور و بصره و غیره واقع و حالت مرعیه که با هشتند
میشود صادر نشود ازین جانب نیز پادشاه سعادت و عظمتمآب این صلح را مقبول شناخته از طرف
همایونشان تعهد میفرمایند که محال واقعه در داخله حدود آن طرف از این جانب تعرض نموده نشود و از برای
اینکه تجار و ابناء السبیل طرفین با اطمینان تام بهره در مملکت آمد و شد نمایند و دوستی باقی بماند
این وثیقه انیقه مشتمل الحقیقه برحسب وکالت عامه و نیابت محققه مخصوصه کشیده
سلک سطور گردیده ارسال حضور شوکتناهی و ابلاغ مجلس شامخ ایران دوستانه
داشته شد که این شروط و عهود مرقومه معتبر شناخته شود و تا که ۲ بمفهوم نص شریف ۲ از جانب حضرت شاهی
(ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها) رعایت شود از جانب اشرف حضرت پادشاه
سعادت و عظمتمآب ما نیز متابعت بامر شریف (واوفوا بالعهد ان العهد کان
مسئولا) متابعت کردیم باذن الله الملک العلام این صلح خیر انجام الی یوم القیام
ثبات و دوام بیابد (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه) الحمد لله
وحده والصلوة علی النبی من بعده اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً (انتهی)

توضیح

این عهدنامه ایست که وکلای طرفین نوشته و مهر کرده مبادله نموده و این نسخه را
بدربار ایران فرستاده‌اند و آنکه در صفحه صد و هشتاد و هشت جلد دوم منشآت فریدون
ضبط است آن نامه سلطان مراد رابع و مصدق این عهدنامه ایست که مورخ بتاریخ
اوائل شهر شعبان ۱۰۴۹ هجری است و از تاریخهای این هردو واضح میشود که هفت ماه بعد از
عقد معاهده نامه‌های رسمی مبادله شده است

[illegible]

(١)

بسم الله تعالی شأنه العزیز

آل زیار

آل زیار که ایشان را دیالمه و آل قابوس نیز خوانند ده تن بوده‌اند که در طبرستان و گرگان سلطنت کرده‌اند و مدت
ملکشان یکصد و شصت و دو و بقولی یکصد و شصت و ده و بقولی یکصد و پنجاه و پنج بوده است معاصر با سامانیان و غزنویان
و هم معاصر دیالمهٔ آل بویه بوده‌اند مردم فرزین نژاد اند طایفه‌ای چنین نوشته‌اند که به ارغش ... نسب بکیخسرو و فریدون می‌رسد
پدرشان زیار از سرداران طبرستان بود و بطول مدت و قدرت و جلالت بزرگ مردمان آن مرز و بوم خداوندی
چندی او را بود و از آن کشور مرزبانی و فرمانروائی داشت آغازشان در سنه ٣١٦ و انقراضشان در سال ٤٦٢ هجری
ملکشان چنانکه نوشته شد یکصد و شصت و دو و بقولی ... ملکشان در سنه ٤٦١ ... بود

اول (ماکان بن کاکی) شش سال در طبرستان سلطنت داشت

دوم (اسفار بن شیرویه دیلمی) مدت ملکش ... سال بود ... در ... کشته شد

سوم (مرداویج بن زیار) پس از کشته شدن اسفار در طبرستان و بعضی از ... دعوی ... فرمانروائی
کرد ... هفت ... گویند در اصفهان ... ... کشته شد
... مدت ... پس از چندی در حمام ... از ... خود کشته شد مدت ملکش ...

چهارم (وشمگیر بن زیار (و بقولی وشمگیر که مخفف وشمگیر باشد) پس از کشته شدن برادر ...

(٢)

و کشته شد میان او و رکن الدوله دیلمی که دوستدار عماد الدوله بود چند نوبت محاربه رفت و وشمگیر
ظفر یافت پس از آن ابوعلی سیمجور که یکی از سرداران امیر نوح سامانی بود با لشکر فراوان به گرگان آمد
و وشمگیر مغلوب شد وشمگیر شکست خورده ... گریخت و حسن بن فیروزان پسر فیروزان که کارگزار او بود
... در آن سرزمین آرامش نداد پس از چند نوبت کارزار وشمگیر بمرد و پسرش ... امیر نوح سامانی یاری
نوح او را ... کرده سپاهی همراهش نمود و گرگان را از دیالمه باز گرفته حسن فیروزان را از آن کشور براند و چندی
آن کشور فرمانروائی کرد مدت ملکش بیست و چهار سال بود

پنجم (بهستون بن وشمگیر) مدت فرمانگذاری‌اش نه سال بود

ششم (شمس المعالی قابوس بن وشمگیر) قابوس برادر بهستون دانشمند و بزرگوار بود و صاحب تصنیف
داشت و در ... ... از ... خود ... چنانکه
هر وقت صاحب بن عباد سطری از خط او دیدی گفتی هذا خط قابوس ام جناح طاوس
(این خط قابوس است یا پر طاوس) پس از چهار سال سلطنت فخر الدوله دیلمی ... ... الدوله ...
گرگان ... قابوس ... تا سنه ... ... بانکه فخرالدوله کشور ...
... پس از مرگ برادرش ... از جانب خود ... گرگان حکمران ...

(۳)

قابوس بن [illegible] پس از مردن فخرالدوله که پس از شکستن شهریار که [illegible] بازی [illegible] کوهستان مازندران

و شهر گرگان و مازندران بنام قابوس شد و آن پاره [illegible] نشست و روز بروز بر بلندی

قدرش می افزود گیلان و طبرستان را نیز بچنگ آورد و فرزند منوچهر را بحکمرانی گیلان فرستاد قابوس که مردی

دانشمند و دادگر بود ولی با لشکریان و سرداران بسیار درشتی مینمود و مجرم را با مرگ کیفر میداد

بزرگان گرگان آزرده گشته شبی که در خارج شهر بود سراپرده او را فرا گرفتند [illegible]

از نزدیکانش بکار [illegible] شورش گرگان [illegible] [illegible] شدند و پیک [illegible]

منوچهر پسر قابوس را بیاری خواسته قابوس چون چنین دید دل از شهر برکنده [illegible] از نزدیکان

ببسطام رفت از آنسو چون منوچهر بگرگان رسید [illegible] کرده قصد کردند کار با [illegible]

شهر را بشهریاری برگیرید [illegible] [illegible] گرگان را [illegible]

چاره جز [illegible] نیافته [illegible] ببسطام شتافته [illegible] رفت و [illegible] گفت اگر [illegible]

بسر [illegible] قابوس [illegible] [illegible]

از روی [illegible] بفرمانروائی [illegible] بزرگان شمس المعالی را [illegible] بقلعه [illegible]

(۴)

و جمعی از خواص خدم در همراه او رفتند گویند یکی از مردمی که با قابوس بقلعه رفت قابوس از

وی پرسید از چه روی تنها گرد آمده اید از شاهی باز رفتند گفت چون بسیار خون مردم ریختی [illegible]

دیگر [illegible] گشته سپاهیان را [illegible] وادار نمودیم قابوس گفت این سخن غلط است زیرا که [illegible]

خون ریختن بر سر من آمد اگر تو دنان کسان را میکشتم [illegible] گویند [illegible]

در این حال از قابوس [illegible] نیز رسیدند گرفته او را در آن قلعه کشتند و در قبه [illegible] گرگان

برد دفن کردند که گنبد قابوس معروف است تربت سلطنتش [illegible] سال بود

هفتم (منوچهر بن قابوس) که او را فلک المعالی لقب دادند چون پس از پدر [illegible] او را

بفرمانروائی برداشتند از خردمندترین [illegible] سلطان محمود غزنوی [illegible]

کشور خویش بنام وی نمود یمین الدوله نیز نامه [illegible] فلک المعالی

بهنگام [illegible] [illegible] [illegible]

پدر خویش را [illegible] [illegible]

هشتم (دارا بن قابوس امیر کالنجار) [illegible] پدر [illegible] یمین الدوله [illegible]

(۵)

و چندی حکمرانی کرده تا هنگامی که مسعود غزنوی بگرگان آمد دارا تحمل نیروی آن لشکر را ننموده گرگان را

واگذاشته بعضی از ذوات مازندران پناه برد و در ایام روزگار اسکندر نیز تبعیت و چهار سال و بقولی

سی سال فرمانروائی کرد

نهم (عنصر المعالی امیر کیکاوس بن اسکندر بن قابوس) پس از مرگ دارا در سال ۴۴۱ ه

فرمانروا گشت قابوس نامه از آثار اوست که برای گیلانشاه پسر خود نوشته است مردی حکیم بود و دارای

ملکش طبرستان و گیلان

دهم (گیلانشاه بن کیکاوس) پس از پدر هشت سال در آن کوهستان روزگار گذرانید

و سلطنت آل زیار بپایان رسید

توضیح آنکه این القاب شمس المعالی و عنصر المعالی و فلک المعالی وغیره از طرف خلفای بنی عباس باین ملوک اعطا میشد

کمترین مرتضی علیمحمد در ظرف سی و هشت ساعت این مطالب را

در صفحه آل زیار از تواریخ منتخب کرده نگاشت

۱۲ تیر ماه ۱۳۱۱

فصل پنجم

در باب کارخانه تنباکو و توتون سازی و وضع و کشف نمودن حق انحصاریه است
بواسطه بانزرول و آن منقسم بر سه فقره است   فقره اولی   بعد از ابتدای سال
در تمام نقاط ممالک محروسه ممنوع و غدغن است در غیر از کارخانهای تنباکو کوبی و توتون
سازی هیچ قسم تنباکو و توتون کردی کوبیده و توتون سیگار و چپق نموده و سیگار
و سیگارت و انفیه و مضغه ساختن و این منع و غدغن با ملاحظه حالتی تبعه دولت
علیه است یعنی تبعه دول خارجه نیز میباشد

فقره ثانیه   هرکس بخواهد کارخانه بجهة هر نوع تنباکو و توتون کردی کوبها و توتون
سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه سازی احداث نماید از قرار شرایط ذیل باید
باید هر موقع کارخانه تنباکو و کرکله و توتون سازی احداث نماید
اولا هرکس بخواهد کارخانه تنباکو کرکله و توتون سازی احداث نماید ملزم است که قبل از وقت
عرضحالی باداره انحصاریه آن محل که در آن است و بجهة هر جائی که بخواهد کارخانه قرار دهد
محله و کوچه و اسم و صاحب آن محل را با آلات و اسبابی که در آن کارخانه استعمال
خواهد نمود و نوع و مقدار تنباکو و توتون همه را در آن عرضحال ایضاح نماید
ثانیا محل را که بجهة کارخانه توتون سازی در عرضحال خود معین نماید ملزم است که

ماموری

ماموری از جانب حکومت و اداره بلدیه و اداره پلیس و اداره بانزرول با آن محل
رفته اگر در آن محل برای تعیین کارخانه محظوری نه بیند اذن خواهند داد و آن محل
باید زیاده از یک در برای خروج و دخول نداشته باشد و نیز پنجره و منفذی که به
بیرون که در آن قرار داده شده و چهار دیوار بیرونی آن بقدری بلند باشد که فراره
و تردد و دادن و گرفتن چیزی از دیوار و بالای پشت بام آن ممکن نشود و راه مخفی
از زیر زمین بخارج نداشته باشد و پنجرهای بیرونی آن محل با مفتول چهار خانه باشد که
در آنها دادن و گرفتن چیز جزئی هم نباشد و این ترتیبات محض این است که تقلب
ممکن نباشد
ثالثاً ممنوع است در غیر از صاحب کارخانه و محرر
و عمله جات احدی حتی عیال و اولاد آنها در کارخانه شب کسی باشد
رابعاً چون از جانب ادارات بانزرول برای رسیدگی معاملات و کارخانه
شخص ماموری خواهد آمد باید در کارخانه جائی یعنی اطاقی آن مامور معین نماید که در آنجا
معاملات و عملیات کارخانه را تفتیش نماید
خامساً صاحب کارخانه ماذون نیست آلات و اسباب تنباکو و توتون کوبیده و سیگار
و سیگارت و انفیه را بدون تصدیق اداره انحصاریه آن محل استعمال نماید
سادساً هیچیک از صاحب کارخانها ماذون نیستند در حق ماموری که مامور بردن و رویت و مهر
تخمینیه و تذکره نقلیه بی عیب کمیه برگ تنباکو و توتون داخل در کارخانه خود نمایند

و چون ممکن است جامع شرایط نه کرده‌اند کارخانه قرار داده لازم است التزام نامه در صورت
اعتبار و اگر غیر معتبر باشد ضمانتی از صاحب کارخانه گرفته شود که هر قانونی در باب
مالیات که برای کارخانه‌ها مقرر شده و میشود بدون اعتراض خود را مطیع آن قانون بداند
نیز باید صاحب کارخانه خواه اجنبی و خواه بومی معتبر و معروف اداره باشد بدون
مالیات نشود و اگر هر صاحب کارخانه که برخلاف شرایط فوق التزام نامه یا ضمانت نامه
گرفته شود فوراً اجازه نامه که مخصوص صاحب کارخانه است و نمره آن در دفتر این اداره
ضبط شده نقل آن کارخانه را نوشته و بعد از رسیدن به ثبت و مهر صاحب آن کارخانه
مهر شود و صاحب کارخانه نیز ملزم است که بعد از دریافت اجازه نامه فوراً کارخانه
خود را باز کرده مشغول شود که کلیه ورقه‌ها و ... و ساختن کبریت و لفافه و جعبه سازی کرده
فقره سیم این کارخانه‌جات مستقیماً در تحت نظارت و تفتیش دائمی اداره باید
خواهند بود و با وجود تفتیش در هر رسید که هر وقت مأمور کارخانه مدیر یا مأمور اداره حق
دارد که هر وقت بخواهد کارخانجات را معاینه و دارایی نماید و اگر صاحبان کارخانجات
از تبعه خارجه هم باشند بموجب التزام نامه باید خود را مطیع تمام این قانون بدانند
فقره چهارم صاحب هر کارخانه باید انواع متاع که در کارخانه خود در جنس و عدد از
از کارخانه خارج میشود همه را در دفتری که از اداره باید بدون اجتماع مهر و ثبت کند
و دفتر نمبر دفتری است که مرکز ثبت اداره است باید ترتیب نام و در هر صفحه آن را
نمره گذارده و از تمام آن نواری کبریت را مهر و در جلد دفتر بالا که مهر کرده است و نمره این
در دفتر در دفتر قانون ضبط است

فقره پنجم

فقره پنجم از این کارخانجات آنها که در شهر طهران و تبریز و مشهد مقدس و شیراز
و اصفهان و کرمانشاهان باز خواهند شد باید در مرتبه باشند که هر یک ترانزیت بعوض و گیلان
کمرک سالی اقلاً معادل قیمت سه هزار و ششصد تومان باید در داخل بفروش برسانند درجه اول
باشد و باید در داخل مملکت فروش کبریت زیاد نمایند و آنها که در شهرهای درجه دوم از قبیل
همدان و زنجان و قزوین و خوی باز شود در عوض سالی اقلاً معادل دو هزار و چهار صد تومان
درجه سیم کارخانجات شهرهای کوچک و قصبات اقلاً هزار و دویست تومان
فقره ششم اگر صاحب کارخانه نتواند در ظرف شش ماه نصف مالیات معین را کرده
در فقره فوق را ولو هر از انواع باید بدون تعطیل آن در این فقره ذکر شده هر گاه از اداره انحصاریه
استیفا نماید اداره انحصاریه باید بدون هیچ مدت مطلع او را از اشتغال بعمل متاع کبریت
و غیره منع و مهر کارخانه او را بگیرد و اگر بعد از بستن و تعطیل کارخانه صاحب آن بخواهد
در کارخانه خود را مجدداً باز نماید مجبور است که مرحب قدر معین سالیانه کارخانه خود را
یکدفعه ادا نماید بدون استیفا مهر بعد کارخانه خود را باز کند
فقره هفتم اگر صاحب کارخانه بخواهد کارخانه خود را در همان شهر ممکن و در یا بعضی
و یا آلات و ادوات خود را از کارخانه خود بکارخانه دیگر ببرد مجبور است که پیش
از وقت از اداره باید بدون اجازه نامه تحصیل نماید
فقره هشتم هیچ وقت جایز نیست که در کارخانه زیاده از لزوم ... که متاع که
در تون نگاه دارند اما اگر صاحب کارخانه بیش از مقدار مرکوز در انبار علیحده

محفوظ نخواهد داشته باشد مأخوذ خواهد شد اما بشرط اینکه در بین قفل اسباب را
از جانب اداره باندرول و از جانب صاحب کارخانه تعقیب شود و مهر از آن
در کلید در اداره باندرول باشد و هر وقت صاحب کارخانه بخواهد تنباکو و توتون
برای ترتیب از این اسباب را بیرون آورد رجوع باداره باندرول کرده مأمور کلید
کلید در دست او است از ادارات کارخانه آمده در حضور مأمور هر قدر تنباکو و توتون
لازم دارد بیرون آورده و تحویل بشود اینکه همان تنباکو و توتون را از انبار جاری
استیاع ممهور است بدفتر انبار برده در فقره نهم از فصل سیم ذکر شد همان ترتیب
با تنباکو داشت ممهور بعد از آن در آن تصرف و ترتیب کرده بعد بدفتر مخصوص کارخانه
در در فقره چهارم همین فصل ذکر کرده و نمونه آن در آخر قانون ضبط است ثبت نماید

فقره نهم   هر قدر تنباکو و توتون خواه از بیرون و خواه از انبار کارخانه در حین در کارخانه مشغول
صاحب کارخانه باید آنها را با مأمور کارخانه که برای تفتیش کارخانه از اداره باندرول
معین شده نشان بدهد باطلاع مأمور سرمیم وزن را معین کرده و ثبت اداره دفتر
یعنی دفتر انبار و دفتر کارخانه تطبیق کرده بعد در آن تصرف نموده از استعمال و فروش
نماید و هر نوع تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه که در کارخانه ترتیب
شده از جهت فروش بانرخ نامه شود صاحب کارخانه ها باید تمام پاکتها با باندرول دار
آنها را با مأمور نشان بدهد بعد مقدار و جنس و نوع و درجه آنها را ثبت دفتر
کرده بمشتری بفروشند

فقره دهم

فقره دهم   هر صاحب کارخانه باندرولها را که لازم دارد شرح آنها در فقره دوازدهم
این فصل مسطور است از اداره باندرول استیاع نموده بکارخانه خود بیاورد باید بروی
تمامی اجناس تنباکوی مخصوص کارخانه خود زده بعد بدفتر مخصوص کارخانه خود که تفصیل آن
در فقره چهارم این فصل ذکر شده و از جانب اداره باندرول مخصوصاً ماهر شده است ثبت کند
دانسته باشد که هر قدر که از آنها بروی پاکتهای تنباکو که بیرون و توتون بریده
و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه بچسبد و بفروش رسانده شود در همان دفتر مطابق
مخارج ثبت نماید و بهیچ یک از صاحبان کارخانجات مأذون و مرخص نیستند که پاکتی را
بدون باندرول و یا باندرولها را بدون پاکت از کارخانجات خود خارج نمایند

فقره یازدهم   در باب بریدن و خورد کردن و ساختن و ترتیب دادن تنباکو و توتون
و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه هیچ ربطی بصاحب کارخانه است اما مأذون و مرخص
نیستند که بدون پاکت و چسب نمودن باندرول از کارخانه خود بیرون ببرند
و همچنین مجبور است که تمامی توتون و تنباکوی ترتیب یافته خود را در جعبه و پاکتهائی
که برای هر یک از انواع برای هر یک چهار گونه درجه معین و علیحده گذاشته و باندرولهای که
مخصوص آنها است و نمونه های آنها در ذیل ضبط است بانها چسبانیده بعد بفروشند

فقره دوازدهم   انواع تنباکوی فارس و کاشان و نیز دو درجه اصفهان و تنباکوی گیلان و مرغوب
و غیره که تقسیم حصر در نوع شده و از هر یک نوع اول ... و از نوع ثانی ... هزار
و از نوع ثالث هشت هزار و از نوع رابع هفت هزار و از نوع خامس شش هزار و از نوع

پنجهزار و از نوع سابع چهار هزار و از نوع ثامن سه هزار و از نوع تاسع دو هزار دینار
حق باندرول دریافت خواهد شد و همچنین انواع توتون رشت و استراباد و ارومی و کردستان
نیز بشش نوع منحصر شده از هر یک من نوع اول سه قران و از نوع ثانی [illegible] و چهار هزار
و از نوع ثالث دو قران و از نوع رابع شانزده هزار و از نوع خامس پانصد هزار
و از نوع سادس هشتهزار دینار حق باندرول گرفته خواهد شد اما تعیین نمودن انواع
و اقسام آنها برای صاحب کارخانها محول خواهد گردید و حق باندرول دریافت شود
باندرولهای الوان که صاحبان کارخانه دلخواه شود در بسته های تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه
و توتون بریده و کوبیده مصنوعه خود نه کم نه بیشتر و در آن باندرولها
بزبان فارسی و فرانسه مقدار و نوع یا عدد و وزن و قیمه و کمیت حق باندرول ثبت
و منطبع است و کیفیت وزن بسته ها هر نوع آن منقسم بشش جنس میباشد
پس در واقع حق باندرول بواسطه باندرولها دریافت شود

فقره سیزدهم صاحبان کارخانها از انواع توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه
و مصنوعه که منتشر شده در حالتی که تمام مالیات و مخارج را از قیمه تصحیح کرده باشند حق ندارند
که بیش از ده یک منفعت علاوه ببرند بلکه باید نا منظور و اگر کمتر از این بخواهند بفروشند در این باب
اختیار با خود آنها خواهد بود و مامورین باندرول حق دارند که از روی ابتیاع خرج حساب کرده
قیمه توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه مصنوعه را معین نموده بواسطه روزنامهای

مخصوصه

مخصوصه مطبوعه باطلاع ملت اعلان نمایند

فقره چهاردهم باندرول برای هر جنس تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت و انفیه
مصنوعه با اختیار از رنگ در دار الطباعه ناصری بشرح مسطوره در فوق طبع شود
و از مرکز کلی ادارات باندرول به ادارات انحصاریه هر مملکت فرستاده خواهد شد

فقره پانزدهم اگرچه کارخانهای مزبوره مأذون و مختار هستند از برگ توتون
سیگار لب زنند و از توتون بریده سیگارت بسازند اما باید آنها را نیز در جعبه
و پاکت گذارده و باندرول مخصوص را بر آن بسته و چسبانیده و مقرر است که
از یک مثقال توتون بریده کمتر از شش عدد سیگارت نه پیچند و بسته ها
و جعبه های مختلف الشکل با اختلاف الوان ساخته با نوع جعبه و بسته چهل و هشت
عددی و بسته نود و شش عددی و بسته صد و نود و دو عددی و بسته چهارصد و
هشتاد عددی و بسته نهصد و شصت عددی از سیگارت ترتیب داده عدد
و جنس و درجه توتون و قیمه آنها را معین کنند و از توتونهای درجه اول و دوم و سوم
و چهارم سیگار بزرگ و سیگارت ساختن جایز و از توتونهای درجه پنجم و ششم سیگار
و سیگارت پیچیدن و ساختن بکلی ممنوع است

فقره شانزدهم کاغذهای سیگارتها از کاغذ فرانسه و سیگارتها هم مشک دار
و غیر مشک دار خواهد بود و از هر یک جعبه نهصد و شصت عددی سیگارت توتون
درجه اول هشتهزار و دو شاهی و از درجه دویم ششهزار و از درجه سیم پنجهزار

و از درجه چهارم چهار هزار دینار حق الحفاظه یعنی قیمه بدولت از صاحبان
کارخانها دریافت خواهد شد

فقره هفدهم ـ بر صاحبان کارخانجات لازمست استعمال برگ توتون درجه
اول و دویم و سیم و چهارم که سیگار برگ بجعبه و پاکت نشانه زده و بر
دهشت دو صد و شصت عدد را نشت ـ از انواع درجه توتون در پاکت یا جعبه های
مختلف الکمی مختلف الوزن متفاوت یا جعبه با عدد کمتر یا بیشتر و درجه
توتون و قیمه فروش را معین بنماید و از هر جعبه صد و شصت عدد سیگار برگ
توتون درجه اول هشت هزار و دویست و از درجه دویم ششهزار و از درجه سیم
پنجهزار و از درجه چهارم چهار هزار دینار قیمه بدولت از صاحبان کارخانجات
گرفته خواهد شد

فقره هجدهم ـ هر صاحب کارخانه که از برگ توتون
سیگار برگ زده و استعمال آنرا در داخله ممالک یا در تجارت خارجه دارد بسته او را بسازد
از جمله تکالیف بر گمرکات ادارات بنزدول است در بعضی صاحب کارخانه که میخواهد
منتظر از تجار عظیم است که بعهده اوراقان امتیاز نامه عدد علاوه بر آن و عهده بسکند
در ده کمپانی از پاکت سیگار برگ یا هم امتیاز نامه و تکلیف او همیشه

فقره نوزدهم ـ هر شخص که بخواهد در ممالک محروسه کارخانه لفافه و مضغه یعنی قرص
توتونی که بعضی از فرنگیها مضغ میکنند بنا نماید بر او مثل صاحب کارخانجات تنباکو
و توتون سازی وغیره باداره بنزدول حق خود را بجانب گمرک و تمام شرایط را قبول کند

اداره

در بعضی کارخانجات تنباکو و توتون سازی اداره بنزدول مقرر و منظور خواهد نمود
و مطابع وابسته خود را تابع آن باشد

فقره بیستم ـ صاحبان کارخانه لفافه و مضغه توتون هشته هم از هر نوع توتون
لفافه و مضغه که بخواهند برای هر یک جداگانه فقط یک هزار بنزدول بر ...

فقره بیست و یکم ـ در کارخانه تنباکو و توتون سازی جایز است صاحب لفافه
و مضغه سازی قرار دهند اما بشرط اینکه مکان ترتیب این دو از مکان
ترتیب توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت جدا باشد و هر کدام در اطاق
علیحده ساخته شود و صاحب کارخانه باید بعد ساختن این دو نوع لفافه و مضغه
نیز از جانب اداره بنزدول رخصت جداگانه حاصل نماید و چون در ممالک
محروسه ایران ساختن لفافه بسیار مرغوبست و استعمال آن روز بروز زیاد میشود و احتیاج
باستیاع انواع لفافه خارجه حاصل شده لازم است که در گمرکات ادارات بنزدول
توسط سفارت کبری ... یک نفر از استادهای لفافه سازی ... یا قینه
بسمت معلمی اجیر ساخته بایران بیاورد

فقره بیست و دویم ـ هر نوع توتون که صاحبان کارخانها برای ساختن لفافه
و مضغه ابتیاع میکنند نیز لازم است که مثل توتون سیگار و سیگارت بانداز کرده
نقشه ... و در قفسه مخصوصه آنها را یک عیب نه بینند بکارخانهای خودشان بیاورند

و در وقت آوردن نیز بنظر تفتیش مأمور باژرول کارخانه برسد بعد از تطبیق
و معاینه در محل مخصوص آنها را انبار نمایند و اگر یکی از صاحبان کارخانجات
بخواهد که از خرده ریزه توتون‌هائی که بسیگار و سیگارت انفیه و مضغه بزند
باید قصد خود را پیش از وقت بمأمور باژرول کارخانه خود اطلاع داده بعد
در حضور مأمور معزی الیه آن خرده ریزه‌ها را بسنجد بعد بسمت ترتیب انفیه
و مضغه بفرستد و آن مأمور مکلف است مقدار وزن همان خرده
ریزه‌ها را در دفتر مخصوص ثبت خود ثبت و اشاره نماید که مقدار خرده
ریزه توتون برای ساخته شدن انفیه و مضغه بسمت ترتیب آن فرستاده شده است
و صاحب کارخانه نیز باید درست وزن شده مثقال انفیه را در پاکتها و هر هشتاد و
و صد و شصت مثقال آنرا در کوزه‌های فیروزه رنگ خوش وضع کاشی بریزد
و مضغه‌ها را نیز بوضع مذکور در قوطی یا پاکتهای کاغذی و جعبه‌های سفالی سیاه رنگ
گذارده باژرولهای مخصوص را بمواضع معینه آنها چسبانیده سر پاکت و جعبه
و کیسه‌های تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت بنظر مأمور باژرول کارخانه رسانیده
و مقدار آنها را در دفتر مرقوم داشته بعد بفروشنده‌ها دهد

فقره بیست و یکم   در کارخانهائی که جزئی فروختن تنباکو و توتون و سیگار
و سیگارت و انفیه و مضغه بمشتری و بخشیدن بدولت داشته و مقید در روی هر دانه

باژرول

باژرول ممنوع است و صاحب هر کارخانه باید خود را مستعد این قانون دانسته
همین فقره را در لوحه بخط جلی نوشته در سر در کارخانه نصب نماید و اگر صاحب کارخانه
بخواهد برای فروختن تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه خود در بیرون
کارخانه دکانی باز کند مختار است بشرط آنکه از کارخانه او در و پنجره بآن نگذارد

فقره بیست و چهارم   هر صاحب کارخانه باید در هنگام ساختن کیسه پاکت و جعبه
و سر بسته‌های تنباکو و توتون ملاحظه کند که کاغذی که بر روی آنها می‌چسبانند
صاف و شفاف باشد و برای هر جنس و درجه رنگ علیحده اختیار کنند و تعرفه‌ها
در زبان فرانسه آنرا اتیکت گویند و در فقره بیست و ششم این قصه مذکور شده و در روی
کیسه و جعبه و پاکت و بسته‌های تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه
از جانب صاحبان کارخانجات چسبانیده خواهد شد باید آنها هم بالوان مختلفه و صاف
و شفاف باشد و بزبان فارسی و فرانسه نوشته شده و در دار الطباعه دولتی آنها را طبع
کرده باشند و جعبه‌های توتون و سیگار و سیگارت که از خارج می‌آیند باید از تخته
باشند باید آنها را در کاغذهای رنگین مخصوص بحسب درجه و قسمت پیچیده
و این کاغذها نیز صاف و شفاف و در دخل دار خواهد بود و باژرولها در روی تمامی
کیسه‌ها و پاکتها و جعبه‌ها و کوزه‌ها و غیرها چسبانیده میشود باید تا آخر روی تعرفه‌های
صاحبان کارخانجات باشد و بطوری بچسبانند که پاره و سقط از عمل نبود و از ورود

کیسه و پاکت و جعبه و سایر ظروف بیرون آوردن مظروف عینی ممکن گردد
و درباب چاپ نمودن مأمورین امتعهٔ کارخانجات که به عمل آورده خواهند شد در دفعهٔ دیگر
استعمال آنها مطلقاً ممکن نگردد و آثار که بجهت چاپ نمودن مأمورین ترتیب داده
شود مرکب از نود و سه جزو نشاسته گندم و هفت جزو سریشم خواهد بود
فقرهٔ بیست و پنجم تکالیف مأمورین مأمورین ترتیب داده میشود مأمور
کارخانجات خواهند بود از قرار ذیل است
اولاً از این قبیل مأمورین صاحب سواد و خط در حساب سررشته و در ربط
و درست کار و مستقیم الاطوار باشند
ثانیاً هر نوع توتون و تنباکو که بعضی کارخانجات ابتیاع میشود باید آنها را بسنجند
و مقدار و وزن آنها را با مقداری که در تذکره نقلیه درج است موازنه و تطبیق نمایند
و با در حضور مأمور و محرر کارخانه در دفتری که مخصوص کارخانجات است و در فقرهٔ چهارم این
فصل ذکر شد ثبت نمایند با اجازه نمرهٔ آنها را داخل کارخانه نمایند
ثالثاً مکلف است بعد از سنجیدن و تطبیق و ثبت نمودن تنباکو و توتون مذکوره
نقلیهٔ آنها را ضبط و موافق نمرهٔ آن تذکرهٔ مذکوره را ابطال کرده وارد در جزو استعمال
... قطع صحه همان روز به اداره مأمورین دهد رابعاً هر نوع توتون و تنباکو و سیگار
و سیگارت و انفیه و مضغه در بسته قرار داده شد اگر مأمورین آن موافق قانون چاپ نمایند
شود بعد از وزن آنها را مأمورین سایر دولتی معرفه صاحب کارخانه نماید مکلف است در دفتر
ثبت

ثبت نمایند و مانع فروختن آنها گردد خامساً آن مأمورین باید همیشه دفتر
ادخالات و اخراجات کارخانه را مستحفظ نظر نظارت خود داشته باشند و در لزوم
رسیدگی ادخالات و اخراجات را موازنه نمایند و مرجوعی تنباکو و توتون را
با معمولات و مصارف معاینه کنند سادساً از تکالیف مأمورین است
در ضبط شرایط مأموریت خود ثبت نگذارد و از حرکتی که مغایر این قانون
و قوانین جزئیه و خلاف آداب عقیده باشد در کارخانه ملاحظه رسد و غیر از عمله جات
و صاحب کارخانه کسی با آنها و عمله‌جات مختص کارخانه داخل نشود و تحت دقت نماید
در شرایط و اوصاف کارخانه که در فقرهٔ سیم این فصل نوشته شد خلع وارد نماید و غیر
از دفتر مخصوص دخول و خروج کارخانه ممیزی دیگر بعضی آنها و شده دفتر اداره بگذارند و از باب
و آلات صنعتی اداره مأمورین در آن باشد نگذارند و اگر حرکتی بر خلاف قانون چند
بودن تأخیر کند به اداره مأمورین مفتشیه اطلاع دهد سابعاً هر قدر مأمورین صاحب کارخانه
از اداره مأمورین استیاع مهر و که کارخانه بیاورد باید آنها را بر حسب فقرهٔ دوم
این فصل فوراً به مهر مخصوص کارخانه رسانیده بعد در دفتر مخصوص ثبت نماید
فقرهٔ بیست و ششم صاحب کارخانه باید تعرفه طبع شده بعض چاپ نمودن روی
کیسه و پاکت و جعبه و کوزه که معمولات کارخانه خود قرار دهد و در تعرفه اسم
و مملکت و محله و کوچه و شماره کارخانه و علامت ممیزه خود را به زبان فارسی و فرانسه

گذاشته و غیر از این تعرفه تعرفهٔ دیگر هم طبع شده قرار دولتی هر دو این یک جنس
و مقدار وزن و درجه و قیمت مصنوعات کارخانه خود را با نشان‌های دفتر اسم
بر وضع لب و سطر خط نویسند و حتماً به ترتیب این تعرفه‌ها در ادارهٔ اطلاعیه که
طبع شده و این تعرفه را بر روی کیسه‌ها و کیسه‌ها و جعبه‌ها و کوزه‌ها طوری بچسبانند
که هر کس با مأمورین دولتی از طرفین هر تعرفه را بپوشاند

فقرهٔ بیست و هفتم   اگر یکی از اعیان و بزرگان بخواهد تنباکوی لازم خانهٔ خود را
یکجا از تجار معتبر بدست خود ترتیب دهد باید قبل از ابتیاع تنباکو جمیع
با ادارهٔ مأمورین مملکت خود معتبر جوازی بگیرد که تجار تنباکو بدون فروش به او
جواز را گرفته با تاجر نشان دهد تاجر باید یک کیسه که کمتر از ده من تنباکو نداشته
باشد به مشتری خود بفروشد ولی از آنکه مشتری تنباکو را در انبار قیمت کرده باید آن
تذکره که نقشه همان تنباکو را همراه مشتری به ادارهٔ انحصار آورده تنباکوی مبیع را
از جمع کسر تذکره و دفتر اداره کند و بعضی معتبر از اداره به مأمورین حق دارد در این
قبیل تنباکوها از نوع اول تنباکو اعتبار که معتبر نسبت مقدار وزن تنباکو به مأمورین
حساب نموده و آنگاه به مهر مخصوص ادارهٔ انحصار معتبر با جواز توسط یکی از عمله‌های اداره
بخانه آن مشتری روانه نماید و لیکن این قسم مشتریان باید معروف اداره و مأمورین باشند
و معلوم شود

و معلوم شود که بعضی معارف خانه خود خواسته‌اند اما اگر شخصی بخواهد برای استعمال خود
قدری توتون از تاجری ابتیاع کرده و در یکی از کارخانه‌ها آن را بریده یا خرد نماید
شرایط آتیه جواز باو دولت خواهد داد
اولاً توتون را در نزد تاجر ابتیاع نماید کمتر از سه من نباشد و باید همراه آن
تاجر توتون مبیع را به ادارهٔ مأمورین دولت آورده از نظر مدیر یا عمدهٔ اداره برساند
و بعد از گرفتن جواز از ادارهٔ انحصار به یکی از کارخانه‌های توتون‌خردی ببرد
ثانیاً بعد از وزن و تطبیق با جواز ثبت دفتر کارخانه بعد صاحب کارخانه
تسلیم کند هر طور که بخواهد باو دستورالعمل دهد
ثالثاً صاحب کارخانه از این قبیل توتون‌ها را در جای علیحده بدون اینکه مخلوط
با توتون‌های خود نماید بموجب دستورالعمل صاحب توتون ترتیب داده در پاکت
یا جعبه معتبر با اعتبار درجهٔ اول تعرفه و به مأمورین مخصوص حسب الامر
فقرات سابقه بر روی پاکت یا جعبه‌ها آن جا نموده حق آن ترتیب و قیمت
به مأمورین را اطلاق کرده در دفتر مخصوص کارخانه ثبت نموده بعد به صاحب
آن تسلیم نماید   فقرهٔ بیست و هشتم   هر شخص می‌تواند از جانب تنباکو
و یک من توتون کوزه‌ای که مبیع و نیم من توتون سیگار و یک صد و شصت سیگار

و نهصد و شصت سیگارت و سیصد و پنج مثقال انفیه و بخشفه در حالتی
در کیسه و پاکت و جعبه و کوزه‌های اداره مذکور دارد و خالی از شبهه‌ای بدون جواز
در سفرهای داخله ممالک محروسه با خود ببرد اما اگر بخواهد بیش از مقدار مذکور
حمل و یا بجای دیگر نقل نماید لابد باید از اداره مذکور آن شهر که آنها را ابتیاع
نموده جوازنامه‌ای که مذکوره مرور تذکره دریافت کند
فقره بیست و نهم هر نوع تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت و انفیه و بخشفه
معمول به کارخانجات ممالک محروسه که در کیسه و پاکت و جعبه و کوزه مختوم و بسته
باشد مذکور هرکس اجازه حق دارد که نشان ال... آنها را ابتیاع کند از نقطه به نقطه
دیگر حمل و نقل نماید اما اگر در مملکتی شراکت دکاکین ... لطف ... کارخانجات
مذکوره احدی حق ندارد که مثقالی از مقداری که تنباکو و توتون مملکتی را آنان ...
از خارج نماید و ... که کارخانجات امتیازی خارج از این قانون تابع قانون
عمومی می‌باشد فقره سی‌ام ادارهٔ ... آن تنباکو که خود ... می‌نماید
و توتون ... سیگار و سیگارت ... و انفیه و بخشفه ... و ...
یا ورود نماید لابد باید تمامی آنها را تسلیم اداره مذکوره داشته باشد و ازجمله تکالیف
اداره مذکوره است که در هر مملکت فقط دکانی برای ساختن و تعمیر کردن آنها
معین

معین نموده سایر اصناف را مانع از ساختن اسباب توتون کشی کرده و اگر
هرگاه ثابت شود احدی از اعالی و ادانی و اجنبی و بومی از اسباب راجعه به کارخانجات
تنباکو و توتون کشی ساخته شود یا احدی بدون اجازهٔ اداره آنها را بسازد
یا استعمال نماید اداره مذکور ملزم است که در حق این قبیل اشخاص
حکم فقره نهم فصل ثانی را از حکومت محلیه درخواست نماید که مجرا دارد و آنها
در ساختن آلات و ادوات مذکوره ... پیشه حق ندارند بدون
اجازه اداره را نه چیزی ساخته نه چیزی از اجزای آلات و ادوات مذکوره را بفروشند
فقره سی و دوم صاحب هر کارخانه که احتیاج به ابتیاع و تعمیر آلات و ادوات
مذکوره بهم رساند باید اول رجوع به اداره مذکور مملکت خود کرده جواز گرفته بعد
جواز اداره را به سازنده آلات نشان داده هر اسبابی که لازم است ابتیاع و یا تعمیر
نماید و همچنین باید اسباب و آلات را که در کارخانه خود استعمال می‌نماید تعداد آنها را
و در دفتر اداره مذکور ثبت کرده باشند فقره سی و سیم صاحبان کارخانجات از ادای
عوارض دیوانی و غیره تا در رسم نسق و تنقیحی که این جمع می‌نمایند معاف هستند
فقره سی و چهارم قیمه دیوانی و مقدار وزن اداره مذکوره مالیات دیوانی ادارات ...
از قرار جمع و کل ذمی است

۱

نظامنامه ... خصوصی

[illegible] تعیینی و تطبیقی [illegible] جدید

فصل اول

درباره مأمورین اوزان

[illegible]

[illegible]

عجمی

[illegible]

۱

(صورت دستخط ...) ([illegible])

قانون [illegible] دائره به ساعات و دوران کبرای

(اول) [illegible]

(دوم) [illegible]

(سوم) [illegible]

(چهارم) [illegible]

(پنجم) [illegible]

(ششم) [illegible]

(هفتم) [illegible]

(هشتم) [illegible]

(نهم) [illegible]

(دهم) [illegible]

[illegible] ساعات و دوران و کبرای [illegible]

[illegible]

۲

[illegible] از تاریخ [illegible]

[illegible] ۱۲۸۰ [illegible]

[illegible] ۱۲۹۰ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۸ [illegible] مطابق ۱۴ [illegible] سنه ۸۰

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

دستانی که حضرت [illegible] ... علیه السلام [illegible]

[illegible]

این قصبه [illegible]

مشرقان

کوه [illegible]

[illegible]

سمت مغرب آن

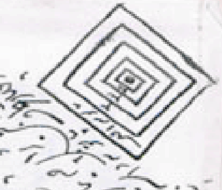
کوه [illegible] ... قصبه سلطان [illegible]

[illegible]

سمت شمال آن

[illegible]

[illegible]



[illegible]

(سمت جنوب)

[illegible] (چاپلاق) [illegible]

[illegible] از دهات آباد معموره ولایت است

[illegible]

در این قصبه شریفه [illegible]

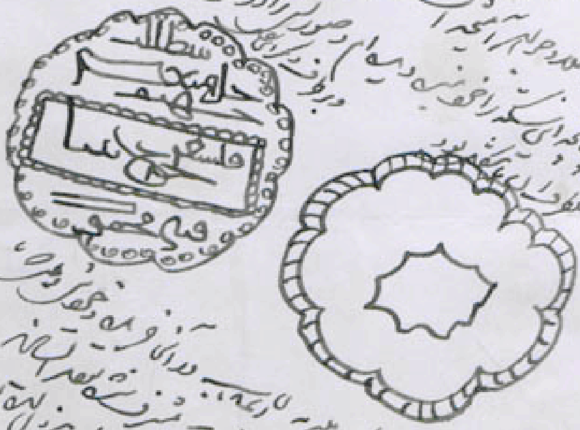
۱۲۹۹ [illegible]

[illegible]

(اما شرح حال قبرستان) [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

۱۰۹۴

بسم الله الرحمن الرحیم

لایحه خدمت جناب جلالتمآب امین الملک دام اقباله العالی

در محضر همایون ... مجلس محترم ... وزارت اعظم ... مجلس تحقیق ... اعلیحضرت قدر قدرت ... [illegible]

مجلس ... [illegible] ... علوم ... [illegible]

... چون در مجلس ... جناب جلالتمآب ... وزیر اعظم ... [illegible]

... وزرای عظام ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... اعلیحضرت ... [illegible]

... جناب جلالتمآب امین الملک ... مجلس محترم

... تقدیم ...

تکلیف ... [illegible] ... مجلس تحقیق ... [illegible]

اولاً ... [illegible] ... قوانین ... [illegible]

ثانیاً ... [illegible] ... دولت ... وزرای ... [illegible]

... [illegible] ... وزیران ... [illegible]

... [illegible] ... تکلیف ... مجلس تحقیق ... تحقیق ... [illegible]

ثالثاً تکلیف ... مجلس تحقیق ... قدرت ... وزرای ... [illegible]

... [illegible] ... قدرت ... عدل و اقتصاد ... افراط و تفریط ... [illegible]

رابعاً ... [illegible] ... اجزای این مجلس ... [illegible]

۱۰۹۵

... [illegible] ... قدرت ... [illegible]

... جناب جلالتمآب امین الملک ... حضور مبارک ... [illegible]

خامساً اجزای مجلس تحقیق ... [illegible] ... وضیع و شریف ... [illegible]

... [illegible] ... جناب ... [illegible]

حضور همایون ... منکشف و معروض شود

سادساً اجزای مجلس تحقیق ... [illegible]

... تکلیف ... مجلس تحقیق ... [illegible]

... [illegible]

... جناب جلالتمآب امین الملک ... مجلس تحقیق ... [illegible]

... [illegible] ... عدل و انصاف

... [illegible] ... اجزای مجلس ... عدل و انصاف ... تحقیق ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... جناب جلالتمآب امین الملک ... حضور همایون ... [illegible]

... جناب جلالتمآب ... وزیر اعظم ... [illegible]

سابعاً مجلس تحقیق ... وزارت عدلیه عظمی ... [illegible]

عدلیه ... مجلس تحقیق ... مجلس تحقیق ... [illegible]

وزارت عدلیه ... [illegible]

ثامناً اجزای مجلس ... جناب جلالتمآب ... وزیر اعظم ... [illegible]

و باید بقرآن مجید و بتاج و تخت همایون قسم یاد کنند که غرض و طمع و هوای نفس و ملاحظات شخصیه را بالمره از خود سلب نموده خالص
لوجه الله برای تحقیق امور و دوایر ملتزم و تقویت حق جانب حق کنند و در اظهار رای و بیان مطلب در مجلس بهیچ وجه از احدی باکی
نداشته باشند جناب مستطاب اجل اکرم که رئیس مجلس هستند باید آراء اعضا را واحد واحد در رقعه جات جداگانه
که خط و مهر خودشان است مأخوذ فرمایند و بدقت ملاحظه نموده هر قولی که اکثر آرا برای آن است بالاتفاق آن فقره را راجح دارند
و قطع فرمایند و طرف مرجوح و مغلوب رای خود را ترک کند و اگر کسی از اعضاء مجلس از حضور مجلس عذر موجهی داشته باشد و نتواند
حاضر شود رای خود را معروض دارد و جناب مستطاب رئیس مجلس درباره غرضی که طبیعة انسان است باید رای شخص
غایب را قوی و موافق رای خودشان دانسته هر طرف که رای شخص خودشان است رای غایب را هم باید تعلیق نمایند

تاسعاً اگر فرضاً عارضی متظلم وارد و خواهد از شخص همایون پادشاه شود جناب مستطاب رئیس مجلس تحقیق باید اسم و کیفیت مطلب
از طرف شخص اول دولت در جواب عارض نوشته باشند

عاشراً هر دستخط همایون ملوکانه ثابت و فرض است که حکام مجلس تحقیق را امر و مقرر فرمایند جناب مستطاب اجل اکرم افخم
وزیر اعظم دام اقباله بموقع اجرا برسانند

این مختصر اصول ... است که حسب الاحکام عرض شد اگر مقرر فرمایند
و هرچه بدهند باز هم در ترتیبات و تفضیلات مجلس تحقیق آنچه لازم است بنویسند

معروض ...

[illegible] مطالب [illegible] نمره ۴۲ [illegible] مطبوعات [illegible] [illegible]

احتساب شهر دارالخلافه

مقدمه — ازآنجائی که مقصود مقدس خاطر همایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاه [illegible] روحنا فداه همواره شامل حال عموم رعایا و چاکران است و هر وقت به وسیله خاصی نزول توجه در اصلاح امور آنان در رفاهیت و آسایش عموم اهالی مملکت مبذول می‌دارند این توجهات به تشکیل اداره احتسابیه که اساس رفاه و آسودگی روحانی و جسمانی است [illegible] فرمودند [illegible] که خانه‌زاد نیز به اقتضای وظیفه خانه‌زادی طرحی را [illegible] مناسب وضع مملکت و حال اهالی [illegible] که [illegible] حکم [illegible] تکلیف [illegible] ملت می‌شود [illegible] تحصیل رضایت [illegible] بوده [illegible] به فیض [illegible] حضور [illegible] اعلیحضرت [illegible] روحنا فداه [illegible] در این حال [illegible] اعلیحضرت [illegible] کمال [illegible] در صدد هستند که اهالی شهر را از مشقت و زحمت گرد و خاک و گل و خاشاک کوچه‌ها [illegible] فرمایند و نفوس محترمه را از خطرات خرابه‌ها [illegible] شهر برهانند و برای حفظ صحت عامه [illegible] و [illegible] هزاران [illegible] وقت و همت فرمایند الحق [illegible] اهل شهر توقع [illegible] که [illegible] این [illegible] عقل و حکمت است و نه مناسب [illegible] و ترتیبی که در [illegible] معمول [illegible] اهل شهر [illegible] مقتضیه [illegible] دولت [illegible] آسایش و حفظ صحت خود [illegible] در ممالک متمدنه خارجه [illegible] اول است [illegible] در [illegible] شهر [illegible] است و هر خانه در عوض [illegible] یا دوازده قران [illegible] میرابی و خاک‌روبه [illegible] و غیره [illegible] مبلغ هفت هزار تومان که [illegible] همه‌ساله [illegible] شهر [illegible] مبلغ [illegible] صرف [illegible] که در فصل [illegible] این لایحه [illegible] مصارف [illegible] اداره احتساب [illegible] دولت [illegible] نظر [illegible] خواهد کرد

و نیز محض رعایت اهالی شهر چنانکه در فصل [illegible] این لایحه [illegible] اداره احتساب [illegible] خانه‌ها [illegible]

مالیات بر آنها تعلق یافته زیاده از [illegible] هر که بیست و پنج [illegible] در خصوص [illegible] مطالبه نخواهد نمود که در حقیقت یک خانه [illegible] هزار دینار برای مصارف [illegible] سالیانه فرش کوچه و احداث نهرها و مجاری [illegible] آنها بهمه جهت بیش از بیست و پنج قران نخواهد شد

تشکیل احتساب

فصل اول — شهر دارالخلافه ناصری [illegible] و شناخته خواهد شد به واسطه هیئتی که احتساب نامیده می‌شود

هیئت مزبوره مرکب خواهد بود از یکنفر رئیس و دوازده نفر اعضا

رئیس و چهار نفر اعضا به تصویب جناب [illegible] (صاحب امتیاز در آخر این لایحه شناخته می‌شود) از جانب دولت علیه مشخص و منصوب می‌شوند و آنها اعضای دائمی و تغییرناپذیر هستند

شش نفر دیگر که از جانب اهل شهر موافق ترتیب خاص منتخب خواهند شد وکلای شهر نامیده می‌شوند و تغییر آنها در انقضای هر سه سال موقوف به صلاح و میل اهل شهر است می‌توانند تغییر بدهند یا مجدداً برقرار دارند اما در صورت وفات یا علتی که رفع آن زیاد طول بکشد یا استعفا یا بروز خیانت بدل او یکنفر دیگر بجای او منصوب خواهد گردید

فصل دوم — صاحب امتیاز و دوازده نفر اعضا هفته‌ای دو مرتبه مجلس نموده هر قراری که در اصلاح امور شهر به اکثریت آراء بدهند مصدق دولت علیه خواهد بود و دولت علیه اجرای آنرا کاملاً با تمام قوت تعهد می‌فرمایند

فصل سیم — گذشته از هفته‌ای دو روز مجلس اعضای دائمی همه روزه در اداره حاضر و مشغول خدمات و تکالیف خود خواهند بود

فصل چهارم — هنگام رأی دادن در صورتی که نصف جمیع اعضا یک طرف و نصف بطرف دیگر رأی بدهند در این حال رأی صاحب امتیاز بمنزله رأی دو نفر شمرده می‌شود

فصل پنجم — در وقت رأی دادن باید تمام اعضا یا اقلاً زیاده از نصف تمام آنها حاضر باشند در غیر این حالت هر رأی و قراری که در مجلس داده شود اعتبار و اجرا نخواهد داشت

فصل ششم — اعضای دائمی بلدیه که بموجب دو فصل فوق از طرف شهر منتخب خواهند شد و وکلای شهری هر مرتبه که در مجلس حاضر شوند مبلغ معین بعنوان حق السعی بآنها داده میشود و تعیین این تنخواه خارج بعد از تشکیل هیئت احتسابیه خواهد شد

فصل هفتم — دولت علیه قسمتی معتبر را در مکانی که کفایت هیئت اداره احتسابیه را نماید از ابنیه دولتی معین و مرحمت فرماید که در آنجا کارهای راجعه باداره رسیدگی و مرتب کنند

تکالیف

فصل هشتم — تکالیف اداره احتساب از قرار ذیل است
اصلاحات و تزیینات شهر. مراقبت در شرایط حفظ صحت از هر جهت خاصه دکانها و عطارها. مراقبت در امر مأکولات که بعیب نباشد. تعدیل قیمتها و جلوگیری از احتکار. دوافروشان که نسخهها و کلیه داروها را درست و تمام بدهند. فرش کردن کوچهها و حفظ آنها. احداث نهرها تجدید و تنقیه آنهای پاک. بنای مجاری برای اخراج فضول آنها. وسعت دادن کوچهها و بازارها و استقامت آنها بقدر امکان. ابتیاع اراضی بجهت احداث کوچههای جدید موافق ترتیب و قرار مخصوصی که در مجلس احتساب داده خواهد شد. تسمیه کوچهها و نمره گذاری خانهها. اجاره کردن کوچهها و میدانها. احداث نمودن تفرجگاههای عمومی از قبیل باغ و باغچه. قرار دادن ساعت در ابواب کبار. تشکیل کمپانی بجهت کالسکههای کرایه. نظم و ترتیب حمل و نقل اشیاء بوسیله مالهای بارکش. ترتیب و تقسیم آبهای شهر. روشنائی کوچهها. ترتیب و نظم دست فروشهای که چیده گرد و بارفروشها و دکاکین و قهوه در کوچهها. جاروب کشی و آب پاشی کوچهها و میدانها. حمل کثافات و خاکروبه و غیره بخارج. تخلیه مبالها و دستورالعمل بنای آنها. مراقبت در استحکام عموم ابنیه. احداث رخت شوی خانهها.

نظم حمامها و آب انبارها و مراقبت در تطهیر آنها. ثبت و ضبط موالید جدید و اموات. و دیگر آنچه صلاحیت و خیر عامه در آن باشد اعم از آنکه در این لایحه ذکر شده باشد یا نه که بعد از گفتگو و قرارهای مجلس احتسابیه لازم الاجرا شمرده خواهد شد

فصل نهم — صاحب امتیاز باتفاق پنج نفر اعضای دائمی جمیع قرارها و دستورالعملهای لازمه را در اجرای تکالیف مذکوره نوشته در مجلس وکلای شهری که هفته دو روز منعقد است مطرح مذاکره مینمایند بعد از جرح و تعدیل اکثریت آراء هر چه قرار یافت اعضاء دائمی بموقع اجرا خواهند گذاشت

فصل دهم — دولت اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه تعهد میفرماید که قرارهای مجلس احتسابیه شهر را که باکثریت آراء تصدیق شده مجری فرماید یعنی هر گاه در جانب اداره احتساب یا اهالی شهر مسامحه و تعطیلی ظاهر شود دولت آنها را مجبور باجرا خواهد نمود

فصل یازدهم — همینکه هیئت احتسابیه بطریق مسطور تشکیل یافت صاحب امتیاز نامه دو این لایحه با اعضای دائمی رسید اولین تکلیف مجلس احتساب این است که تشخیص کند بدواً از چه نقطه شروع خواهد کرد اگر چه عمده مطلب تشکیل هیئت احتسابیه در تحت قواعد مذکوره است که بمنزله اساس تصور شده است سایر امور فرعیات و راجع بمجلس و تابع اکثریت آراء میباشد که انشاءالله تعالی در کمال سهولت انجام پذیر خواهد شد

دخل

فصل دوازدهم — مبلغ هفت هزار تومان که بعنوان تنظیف کوچهها و مبلغ [illegible] در بابت روشنائی گاز و نفط همه ساله از دیوان اعلی مرحمت میشود نظر باینکه در اینجا امر رواجی نیافته و سرمایه هم صرف نشده است دیوان اعلی سال اول آن مبلغ را تماماً مرحمت کند و سال دوم نصف آنرا و سال سوم که اداره احتسابیه قوتی خواهد یافت هیچ مرحمت نفرماید که این مبلغ از خرج دولت در سال دوم نصف و در سال سوم و بعدها تماماً از خزانه عامره برداشته شود

فصل سیزدهم — برای اینکه بتوان شهر دارالخلافه را در زینت و آبادی و رونق بدون ضرر دولت مثل یکی از شهرهای فرنگستان کرد

۵

دولت علیه تمام خرابه‌ها و مزبله‌های مجهول المالک شهر را که جزو تولید امراض فاسده و برای آنها مترتب نیست بملکیت باداره احتسابیه واگذار مینماید
که کثافات و زبیل آنها را برداشته زمینهای آنها را هر قسم که صلاح بداند تقاضا کند ابنیه مفیده و باغچه و گردشگاه عمومی و نظایر آنها
بسازد

فصل چهاردهم — دولت علیه اجازه میدهد که جمیع حقوق راجعه را که بنا بها و کاروانسراها و دکاکین و حمامها و غیرها تعلق مینماید
در ظرف شش ماه اول از سال اول اعطای اداره احتسابیه معین میکنند بدون تأخیر در شش ماه دوم سال مزبور جمع آوری و تحصیل شود
و آنها ده کرور تا برای مخارج فوریه لازمه سال دوم و از اول سال تواند بمصرف رسید و در سنوات بعد از این قبیل وجوه کافیست
جمیع مصارف احتسابیه و منفعت خواه استقراض و بلکه قسمتی از اصل را هم خواهد نمود

فصل پانزدهم — هیئت احتسابیه شهرها مانند شخص بالغی در امور راجعه بخود فاعل مختار و مرخص است
چنانکه احدی مداخله در امور راجعه باو نتواند کرد — پس هر تکلیفی با اهل شهر دارد در معامله و شرکتی که باسم شهر با شعبه داخله و خارجه
کند صحیح و لازم الاجرا خواهد بود
اما هر گاه هیئت مزبوره از شرایط حق و حساب تخلف ورزد یا از وظایف و تکالیف خود تکاهل و انحراف نماید دولت علیه بر عهده
میگیرد که هیئت مزبوره را از آن منصرف سازد
و همچنین هر گاه اهالی شهر از صلاح دید و مقررات هیئت مزبوره تمرد نمایند نیز دولت علیه تعهد مینماید که آنها را مجبور باطاعت و تمکین نماید
چه نظر بمقدمات سابقه هر قراری که هیئت مزبوره میدهد حکم آن دارد که تمام اهالی شهر داده باشند — نیز دولت علیه
در اجرای تکالیف اداره احتسابیه را مدد مؤثر از هیئت مزبوره میخواهد تعهد مینماید که اهل شهر را نیز در صورت تمرد و تخلف مجبور بقبول
و اطاعت مقررات هیئت مزبوره نماید

۶

فصل شانزدهم — اداره احتسابیه تعهد مینماید که حقوق راجعه را در هر حال زیاده از ده یک نیم شاهی که پنج دینار باشد قرار ندهد
و البته کمتر از آن را مأذون است — همچنین باغ و عمارات سلطنتی و اقسام دوایر دولتی .... از این فصل مستثنا
و معاف است

صورت امتیازنامه

فصل اول — چون بندگان اعلیحضرت اقدس ظل اللهی محض رفاه و آسایش سکنه و اهالی شهر دارالخلافه اراده فرمودند که در اصلاحات
و تزئینات و تنظیفات شهریه اقدامات مجدانه بعمل آید دولت اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه به — تا پنجاه سال شمسی
امتیاز و حق مخصوص اعطا میکند که تمام خیابانها و کوچه‌های شهر دارالخلافه را مثل شهرهای فرنگستان فرش منظم و پیاده رو
ساخته و احداث نهرها بجهت آبهای پاک و مجاری دیگر برای فاضل آبها بنماید

فصل دوم — بجهت عملیات اعمال مزبوره مأذون خواهد بود از هر کس بخواهد استقراض کند یا یک کمپانی تشکیل دهد و متوسط آن
اعمال مزبوره را انجام دهد

فصل سیم — مبلغ وجه استقراضی یا سرمایه کمپانی مزبور که برای اعمال مسطوره تخصیص میشود ابتدائاً نباید از [illegible]
هزار تومان تجاوز کند

فصل چهارم — تمامی منافع سرمایه مزبوره که همه ساله با قسمتی از اصل تنخواه بتواند در ظرف پنجاه سال اصل و فرع را
هم پرداخته و ادا کند وجوه حاصله از شهر است بضمیمه اداره احتسابیه که در تحت نظارت صاحب این امتیاز تشکیل خواهد شد
مبلغ مزبور را در بابت دفعه شهر همه ساله بانک تعهد و ضمانت خواهد کرد که در ظرف پنجاه سال اصل و فرع [illegible] بپردازد

فصل پنجم ـــــ از تاریخ امضای این امتیاز نامه تا هیجده ماه دیگر صاحب امتیاز و کمپانی باید اقدام باجرای اعمال مذکوره نموده و از
روز شروع تا پنج سال با تمام برساند

فصل ششم ـــــ این امتیاز نامه که بامضای مقدس بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهنشاه کل ممالک محروسه ایران
موشح و بمهر همایون مزین گردیده است پس از تشکیل هیئت مقننه فوراً بمجلس مزبور ابلاغ شده مجلس مزبور از جانب [illegible]
و تصدیق خواهد نمود

فصل هفتم ـــــ امتیاز نامه حاضره که بدستخط مبارک و مهر همایون موشح گردیده و تصدیق نامه که بر طبق آن بمهر تمام اعضای
انتخاب رسیده است در نزد صاحب امتیاز ضبط خواهد گردید

زمان لرزه قوچان

۱۷

سید سعید لنگ مهندس [illegible] روسی در روزنامه نوویه وریمیا شرح
تفصیلات زلزله وحشت انگیز را که در ماه [illegible] گذشته هم در نواحی [illegible] ارائه
مرسوم بقوچان و در صفحه [illegible] جنوب عشق آباد واقع شده است تا [illegible]
خراب و ویران گشته علاوه بر قوچان نیز چندین ده در اطراف
قوچان واقع شده لذا [illegible] از ضربات زلزله منهدم گردید قریه
همینکه اول خبر بدبختی این حادثه بسمع [illegible] تلگرافی [illegible] مردم روی
رسید فوراً بموجب حکم او یک دسته از [illegible] با چادر
و سراپرده و ادویه لازم ترتیب و فراهم آمده در عشق آباد نیز
کمیسیونی از برای اعانت [illegible] زلزله [illegible] تعلیمات [illegible] نمودند
[illegible] دوم نوامبر [illegible] دسته [illegible] از عشق آباد حرکت نمود
و ما در روز چهارم وارد قوچان گردیدیم فاصله بین قوچان و عشق آباد
[illegible] خط ساخته شده و از میان جبال [illegible]
[illegible] کردند [illegible] را که از سطح [illegible] هزار قدم
ارتفاع دارد [illegible] است در [illegible] قوچان ما از کوهها
[illegible] مناظر [illegible] عجیبه [illegible] تماشا [illegible]
[illegible] زلزله از [illegible] استحکام [illegible]
و در بطن این شکافها [illegible] پیدا گردیده [illegible] بیشتر [illegible]
این شکافها [illegible] و در [illegible] قبل از [illegible]
خبر [illegible] هم در نواحی در قوچان زمین [illegible]
و صدمه و خرابی بزرگ در قوچان [illegible] وارد [illegible]
خلاصه ما بر خلاف [illegible] از مجروحین و مردگان بسیار
کم دیدیم چه بیشتر سکنه از [illegible] و صدمه زلزله تلف
نمودند [illegible] که [illegible] توانسته بودند خود را از [illegible] نجات
بدهند [illegible] از شدت وحشت [illegible]
و بیش از [illegible] نفر از مجروحین را اقوام و اقارب آنها
[illegible] نقل داده بودند
منظر قوچان خرابه ایست تمام بعضی از اقسام شهر [illegible]
خراب شده از [illegible] معروف [illegible]
[illegible] کوچه [illegible] واقع بود [illegible]
همه شهر [illegible] دیوار [illegible] خرد شده [illegible]
مبدل شده [illegible] از نقاط [illegible]
[illegible] ریخته شده [illegible]
کمتر از [illegible] هزار نفر [illegible] سکنه [illegible]
[illegible] قوچان [illegible] هزار نفر [illegible]

۲

وقتی که شهر خراب گردید تقریباً [illegible] حیوان از قبیل [illegible]
و الاغ و غیره بهلاکت رسیدند فی الحقیقه عده کلی و مقدار [illegible]
و در وقت زلزله تلف گردید لذا [illegible] از [illegible]
چه در خود آنها [illegible] اشخاص و حیواناتی که در [illegible]
از زلزله قوچان بهلاکت رسید لذا محسوب شده است بعضی از مردم
[illegible] بعد از ضربت اول زلزله از قوچان بیرون آمده
با اطراف متفرق گردیدند در اطراف شهر بسیاری از مردم [illegible]
[illegible] مشغول کندن [illegible] و حفاری [illegible] مقصود آنها [illegible]
و اجساد و اموال [illegible] زلزله در [illegible] زمین [illegible]
[illegible] نمایند [illegible] دسته [illegible]
[illegible] در وقت [illegible] از زیر [illegible]
[illegible] در بعضی از اماکن شهر [illegible]
[illegible] نعش [illegible] زیر زمین تقریباً [illegible]
[illegible] در حفاری [illegible] اشخاص [illegible]
[illegible] نیز در زیر [illegible] شهر [illegible] کار [illegible]
[illegible] از نعش [illegible]
[illegible] فقط اقوام [illegible]
و ساکنین [illegible] مشغول بودند بعضی از [illegible]
بقوچان [illegible] حکام [illegible] برای [illegible]
و اسباب [illegible] کاروانهای [illegible]
و محمول [illegible] وقتی که از [illegible]
[illegible] قوچان [illegible] از روی [illegible]
[illegible] الله الله
[illegible] از [illegible]
[illegible] حکام [illegible] استقلال [illegible]
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible]
[illegible] در عمارت [illegible] است [illegible]
[illegible] و قوچان وارد [illegible]
مشهد [illegible]
[illegible] بقوچان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible]
[illegible]

(۳)

[illegible] سکنات یافته [illegible] مهندم [illegible]
ساکنین [illegible] نیز [illegible] اتفاق [illegible]
[illegible] در انجا [illegible]
از کل [illegible]
[illegible] از زیر [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] تجارت [illegible] شهر [illegible]
[illegible] با ایران [illegible]
[illegible] عشق آباد [illegible]
[illegible] شهر [illegible] قوچان [illegible]
[illegible] و حیوانات [illegible]
[illegible] حیوانات [illegible]
[illegible] تمام [illegible]
[illegible] اقوام
[illegible]
ساکنین شهر [illegible]
[illegible]
[illegible] خرابی [illegible]
[illegible] سکنه [illegible]
[illegible] عشق آباد
[illegible] با قوچان [illegible] قطع شده است [illegible]
[illegible] اقوام
[illegible] مشهد مقدس [illegible] ایران
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible] ایران و ولایات
[illegible]
[illegible] شهر [illegible]
ایران [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible] حرکت [illegible]
[illegible]
[illegible] عشق آباد [illegible]
[illegible] مشهد [illegible]
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible] سکنه [illegible]
[illegible]

[illegible] اولین ضربت [illegible]
[illegible] شهر را [illegible] و ویران [illegible]
[illegible] عظیمی [illegible] شهر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کلی [illegible] حیاط [illegible]
[illegible] خراب [illegible]
[illegible] بزیر آوار دیوارها [illegible] هلاکت
[illegible] حیوانات [illegible]
[illegible] عظیمی [illegible] در بعضی از نقاط شهر [illegible]
[illegible] حادثه [illegible]
[illegible] هلاکت [illegible]
[illegible] شهر [illegible]
و در حقیقت [illegible] از خرابی [illegible]
[illegible]
[illegible] با بعضی از [illegible]
[illegible] بعد از ضربت اول [illegible]
[illegible]
[illegible] ضربت [illegible] اول [illegible]
[illegible]
[illegible] ضربت
[illegible] لرزه زمین [illegible]
[illegible]
[illegible] ضربت از زیر زمین [illegible]
عظیمی [illegible]
ضربت اول [illegible]
[illegible] در شهر [illegible] عمارت [illegible]
[illegible] آن عمارات [illegible]
[illegible] دیوارهای
[illegible]
[illegible] آن دیوارها [illegible]
[illegible]
[illegible]

۱۷۱۰

فاسد و در عرض کمتر از یک ساعت شهر [illegible] خراب و ویران شد
و بیشتر اینها که طرف مغرب و جنوب غربی و جنوب
شهر قوچان واقع شده بودند ویران شدند در نیم فرسخی
از شهر طرف شمال غربی خرابهای زیادی میبینیم
در حوالی اطراف قوچان تقریباً عمارت از زراع
[illegible] هزار جریب اراضی [illegible] [illegible]
[illegible] از [illegible] باشند ناحیه [illegible]
از میدانی است که مساحت آن هزار و [illegible]
ورست مکعب بوده باشد و عمده [illegible] آن طرف
و جنوب غربی قوچان گسترده شده است و [illegible]
[illegible] آن زمین [illegible] [illegible]
کمتر از پنجاه هزار ورست مکعب نباید دانست
اگر هم بدانیم این مطلب را که در همان روز در اصفهان
و شیراز و سایر بلاد ایران نیز [illegible] زمین [illegible]
[illegible] از وقت فراهم گشت که میدان [illegible]
[illegible] [illegible] این جنبش ناحیه [illegible]
آن هم [illegible] زمین لرزه [illegible] [illegible]
[illegible] و فقدان عمارتهای بزرگ در [illegible]
[illegible] داشته [illegible]
[illegible] زمین لرزه را [illegible]
[illegible] جناب محمد [illegible]
[illegible] نماید
[illegible] در جشن اعلیحضرت امپراطور [illegible]
[illegible]
[illegible] جناب [illegible]
[illegible] دلم [illegible]
[illegible] امپراطور [illegible] و با کمال احترام [illegible]
و وقت تلگراف [illegible] و [illegible]
اعلیحضرتا [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible]
عقل [illegible] که لازم است عظمت [illegible]
و [illegible] معاهده [illegible] [illegible]

۱۷۰۸ (۶)

[illegible] عظمت و قدرت [illegible] را [illegible]
و صلح [illegible] صلح و [illegible]
[illegible] جنگ تازه [illegible]
[illegible] جنگ [illegible] امپراطورها [illegible]
[illegible]
صلح را [illegible] ملل و ملت [illegible] آن را [illegible]
از [illegible] نمایند [illegible] وحشت [illegible]
[illegible] و [illegible] را [illegible]
ملت صلح طلب [illegible]
[illegible]
طبیعی است که اعلیحضرتا در جشنهای فرانسه و روسی در
[illegible] و [illegible] بلند [illegible] آن [illegible] را [illegible]
این [illegible] [illegible] اما اگر اعلیحضرتا [illegible]
[illegible] [illegible] این [illegible] داشته باشند آن وقت
با این قلب [illegible] [illegible] فهمیده [illegible]
صلح [illegible] و چگونه ملل [illegible] آرزو [illegible]
قلب هر کس [illegible] حس [illegible] [illegible]
[illegible] قلوب اینها نه از حس کینه [illegible]
و [illegible] بلکه از [illegible] اطمینان [illegible] صلح [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] از طرف [illegible] روی [illegible] فرانسه [illegible]
[illegible] صلح [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] ملت [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible]
صلح [illegible] [illegible] [illegible] آنها را [illegible]
[illegible] [illegible] خویش [illegible] نمایند و با
[illegible] [illegible] [illegible] جنگ [illegible]
[illegible] تلگراف اعلیحضرت امپراطور [illegible]
ملت [illegible] [illegible] فرانسه [illegible]
قلب فرانسویها را [illegible] که جنگ [illegible]
امپراطور [illegible] جنگ را [illegible] تکرار [illegible]

۱۷۰۹

اعلیحضرتا جنگ را [illegible] ازا به [illegible]
[illegible] و [illegible] آثار [illegible] و ملل این [illegible]
معترف [illegible] و قلوب [illegible] [illegible] است
فقط این مطلب نه اشاره [illegible] و فرانسه است
بلکه در آلمان نیز [illegible] است اعلیحضرتا [illegible]
اعتماد نمایند و حذر کنند از آنها [illegible]
نمایند که این جشنها [illegible] انتقام و تلافی [illegible]
[illegible] شخص اعلیحضرتا است اما اگر [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
با این [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
آرزو را [illegible] آرزوی صلح و [illegible]
[illegible] و آرزوی [illegible]
[illegible] فکر از خونریزی و قتل و غارت
[illegible] قلب [illegible] است این [illegible]
جنگ را [illegible] [illegible] را از [illegible] بیرون
[illegible]
[illegible]
[illegible] مردم [illegible] زیاد [illegible]
همه [illegible] [illegible] [illegible]
که [illegible] آن [illegible] [illegible]
نه فقط [illegible] آلمان [illegible] [illegible] اشاره
[illegible] [illegible] [illegible]
در [illegible] [illegible] از [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
و در [illegible] و [illegible] [illegible] این [illegible]
با [illegible] [illegible] [illegible]
مطلب [illegible] [illegible] [illegible]
این [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] آرزو
[illegible] [illegible] و [illegible] علم و ادبیات
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]

١٧١١

مجلس خاص وزراء

مجلس خاص وزراء

که عبارت است از شورای عالی

فقرهٔ اول مجلس خاص وزراء مجلسی است که تمام امور دولت یعنی امور راجعهٔ داخله و خارجه و مالیه و عسکریه و علمیه و فواید و عدلیه و [پولیس و موقوفات و تجارت] که از وزارتخانه‌ها میشود درین مجلس مذاکره کردیده نتیجهٔ قرار بتوسط صدراعظم بعرض رسانیده میشود. وزرای دربار که بالطبع داخل در عضویت‌اند (اعضای طبیعیه) و سایر اعضاء بانتخاب داخل [۲]

[۲] بشرف حضور ... امر ... در عضویت میشوند (اعضای منتخبه) نامیده میشوند.

فقرهٔ دوم عضویت این مجلس مشروط بشرایط آتیه الذکر است: اولاً سنش کمتر از چهل سال نبودن. ثانی آثار و افعالش شایان وثوق و اعتماد عامه بودن. ثالث خدمات مهم وجه انش در امور دولت مسبوق و متعارف شدن. رابع دارای لقب جنابی و حامل نشان درجه یکی از نشانهای دولت علیه بودن. خامس اطلاع کامل از احوال ملک و ملت و قوانین و عهدنامه‌ها و حقوق سلطنت و علم سیاست داشتن است

فقرهٔ سوم اگرچه وزرای دربار یعنی (وزیر امور داخله) (وزیر امور خارجه) (وزیر مالیه) (وزیر جنگ) (وزیر علوم) (وزیر فواید) (وزیر عدلیه و ...) (وزیر زراعت و تجارت) از اعضای طبیعیه این مجلس است اما بعد از عزل از وزارت بالطبع از عضویت مجلس هم معزول میشوند. مگر از مقام سلطنت عضویت آن وزیر ابقا [ترجیح] شود.

فقرهٔ چهارم اعضای منتخبهٔ این مجلس را اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی از معزولین و متقاعدین [۱] وزراء و علمای عظام و ولاة و سفرای کرام انتخاب فرموده بافرمان عالی در هنگام انعقاد مجلس هر کدام یکی از اجزای عضویت مجلس روانه میفرمایند و بعد از قرائت فرمان عضویت از جانب جلیل المناقب ریاست محل نشیمن اعضای جدید معین کردیده رسم مبارکبادی بعمل آورده و صورت فرمان در مجلس ثبت کرده میشود.

[۱] از وزراء و مأمورین هر شخص ... از ... تقاعد ... میباشند.

فقرهٔ پنجم هرگاه یکی از اجزای منتخبه بمأموریتی منصوب کردد از عضویت معزول است اگر مأموریت آن اعضا در پایتخت باشد و عضویتش نیز از مقام سلطنت ابقا فرموده شود

استثنا دارد اما مأموریت آن در خارج پایتخت باشد ابقای آن در عضویت جایز نیست. مأموریت موقت و مأذونیت از برای تسویهٔ امور و زیارت بیت‌الله الحرام و سایر مقامات عالیه و متبرکه باعث معزولی از عضویت نمیشود.

فقرهٔ ششم مقدار اعضای منتخبه نسبت باعضای طبیعیه در نسبت یک و نصف زیاده خواهد شد یعنی هیچوقت مقدار اعضای منتخبه کمتر از دوازده نفر نخواهد شد و در مجلس حق تقدم با منصب و قدمت و سن است یعنی وزرا رجال را و در همه منصب قدیم جدید را و در همزمانی پیری جوانی را تقدم دارد. مثلاً دو وزیر اگر در یک روز نایل وزارت شده باشند هر کدام از آنها مسن است تقدم با اوست هرگاه هر دو همسن باشند از زمان ... علم و خدمت و داخل در امور شدن ایضاً از سجل احوال مأمورین [۳] تحقیق کردیده هر کدام از ایشان در مذکورات فرق سبقت دارد حق تقدم با اوست.

[۳] سجل احوال مأمورین آن کتابی خواهد بود که هر صفحه‌ای از برای یک نفر از مأمورین کشوری و لشکری ... کرده ... اسم و اسم پدر و مملکت و احوال علمیه و اخلاقیه و تاریخ تولد ... نوشته ... تاریخ نصب و عزل و سبب عزل و نشانات و القاب ... دولتی ثبت کرده شده

فقرهٔ هفتم رئیس مجلس صدراعظم و در غیاب رئیس هر که از وزرا مسن‌تر است وکیل رئیس است. رئیس و در غیاب وی وکیل رئیس دارای دو رأی و سایر اعضا صاحب یک رأی هستند. نتیجهٔ مذاکره و احکام تابع اکثریت آرا است.

فقرهٔ هشتم در مجلس غیر از مذاکرهٔ امور متعلقه مشغول کار دیگر شدن و اختلاط مودت و در میان مذاکره قلیان و چپوق و سیگار کشیدن ممنوع است. بدون اذن و اجازهٔ رئیس احدی حق ندارد که کسی را از خارج مجلس جلب نماید و احدی داخل در مجلس شود.

فقرهٔ نهم در میان رأی تمامی اعضا حر و مختار هستند و مجبورند که هر امری را از نقطه نظر منفعت دولت و مملکت محاکمه نموده نیک و بد مادی و معنوی راجعه هر مطلب را در پیش نظر دقت گذارده بدون غرض شخصی و متابعت بخیال غیر رای خود شان را بدهند و از اعضا آنانکه در طرف مخالفت واقع میشوند باید که اعتراضنامه‌های خود شان را هر یکی جدا جدا نوشته و مهر کرده برئیس مجلس بدهند و معترضین هیچوقت از جهت اعتراض خود مورد بازخواست واقع نخواهند شد.

فقرهٔ دهم از آنکه هر وزیری از وزرای دربار مسئول از تمامی امور راجعه بوزارت خود شان

هستند مطالبی را که اهمیتی ندارد مسئولیت آنرا بگردن گرفته بدون مراجعه [مجلس]
قراری بآن مطلب میدهد اما هر مطلبی که راجع باسعد عامه و پولتیک و حقوق دولت
و تغییر و ایجاد قانون است هیچ وزیری از وزراء مأذون نیست که خود سرانه و بدون
قرار مجلس در دستخط همایونی مطلبی را بموقع اجرا بگذارد .

فقره یازدهم عزل و نصب ولاة ولایات و سفرا و سرداران بزرگ و محاکمات آنها
و ایجاد و الغاء هر نوع مالیات و رسوم و تنظیم و تعدیل قوانین و تحقیق مداخل و مخارج
دولت و تزیید و کمی مقدار قشون و پولیس و ژاندارم و سوق قشون و تعدیل و تزیید
مواجب مأمورین و فروختن و خریدن بعضی اشیا و لوازم دولتی و تدقیق یادداشتهای
پولتیکی سفرای خارجه و الحاصل تمامی امور معظمه دولت و مملکت قبل از اجرا
در این مجلس مذاکره کرده بعد قرارنامه مجلس بعرض رسانیده میشود .

فقره دوازدهم غیر از اعیاد و ایام رسمیه هر روز شنبه و سه شنبه و پنجشنبه
مجلس خاص وکلا شش ساعت بغروب مانده منعقد میگردد و بدون عذر شرعی
هیچیک از اعضا نمیتوانند از ملازمت مجلس طفره زنند و هرگاه یکی از اعضا بدون عذر
شرعی بمجلس نیاید مواجب یکماهه او را برای آنروز بعنوان جزای نقدی ضبط خزانه
میکنند و اگر سه روز علی التوالی بمجلس نیاید از جانب ریاست اخطارنامه فرستاده
اسباب عدم مداومت او پرسیده میشود هرگاه جواب شافی و کافی ندهد از عضویت
معزول شمرده خواهد شد .

علی الرسم و العادت و حسب اللزوم تا بامر صدراعظم در سایر ایام هم فوق العاده

فقره سیزدهم اگر عذر شرعی از برای یک اعضا روی دهد لازم است که اخبارنامه
بمقام ریاست نوشته اطلاع بدهد و عذر شرعی نقاهت و فوت یکی از
متعلقان و ناخوشی آنها و حضور همایون بودن و شدا است .

فقره چهاردهم هر کاغذی که راجع بمجلس است صدراعظم بالای آن کاغذ این
عبارت را (در مجلس خاص وکلا مذاکره شود فی ۲۲ رجب سنه ۱۳۰۳) نوشته
و اطاق اوراق میفرستد مدیر اوراق نیز مضمون این ورق را بطور خلاصه در

دفتر ثبت کرده نمره متوالیه و تاریخ حواله صدراعظم و تاریخ و نمره کاغذ را در پشت
آن اشارت کرده بکیسه اطلس کلی شنجرفی [۲] میگذارد مجلس که منعقد میگردد
همان کیسه را بمجلس آورده بمستشار صدارت تقدیم کرده و قبض الوصول از مستشار
گرفته از مجلس بیرون میآید .

فقره پانزدهم مستشار وزارت همان اوراق را باعتبار نمره یعنی نمره اول را از همه پیشتر
و نمره ثانی را بعد از نمره اول و قس علی هذا در مجلس در سر میز که تمامی اعضا در اطراف آن
و در صندلی نشسته اند بطوری که اعضا بشنوند خوانده منتظر رای میشود . مجلس شروع
بمذاکره کرده هر قراری که میدهد همان قرار را اول بکتابچه مسوده ثبت کرده میخوانند
و صاحبان رای ذیل مسوده را امضا میدهند و معترضین نیز (اعتراض دارم) نوشته همین
جمله را امضا مینمایند .

فقره شانزدهم همان اوراقی که بموجب فقره پانزدهم معامله کرده میشود منشی اول
صدراعظم همان کاغذ را مع قرارنامه مجلس و اعتراضات معترضین گرفته اول خلاصه
مندرجات آن کاغذ را بعد خلاصه مذاکرات و اعتراضات معترضین را باسم و رسم بعد
آرای اکثریت را در یک کاغذ نوشته در مجلس میخواند بعد از حک و اصلاح منشی
مخصوص مجلس آن مسوده را پاکنویس کرده بمجلس تقدیم مینماید و تمامی اعضا
هم بعد از مطالعه زیر رای خودشان را مهر کرده بمستشار میدهند

فقره هفدهم هرگاه یکی از وزرای دربار در مجلس حضور نرساند کاغذیکه راجع
باداره آن وزیر است در آن مجلس قرائت نمیشود و بالعکس آن کاغذ شاکی از آن وزیر
اوّل در غیاب او قرائت گردیده بعد بموقع رسم گذارده مثل سایر اشخاص آن فقره از آن وزیر
استعلام میشود .

فقره هجدهم قرارنامه مجلس را هم اعضای مجلس موافق با اصول تشریفات مهر مینمایند
یعنی اول اعضائی که از همه کوچک است مهر کرده از همه بعد رئیس مجلس مهر مینماید
مأموریت اعضا در فوق مهر آنها نوشته میشود طرف یسار کاغذ بالا و عرضش پائین است

[۲] چون رنگ بیرق عثمانیها کلی شنجرفی است لهذا رنگ کیسه مخصوص مجلس خاص وکلا را از اطلس کلی شنجرفی انتخاب کرده و کتاب ستایش خود شان نیز موسوم بر (قرمزی کتاب) یعنی کتاب سرخ نموده اند در ایران هم رنگ کیسه لازم است سفید باشد زیرا که زمین بیرق دولتی سفید است

بافروعات

فقره نوزدهم بعد از نوشته و ممهور شدن فرمان نامه ها مستشار صدارت اظهار آنها را کپیه کرده بعد با اوراق داده قبض خود را پس میگیرد مسوده اوراق نیز در دفتر اشارات کرده بمنشی مجلس میدهد و او هم در سجل مجلس بعینها ثبت کرده بمقام صدارت تقدیم مینماید . صدراعظم نیز اگر مقتضی بداند برای هر کاغذ یک فهرست نوشته بحضور همایون رسانیده هر امری شرف صدور یابد فقط آن حکم را بواسطه یک ابلاغ اطلاع میدهد و اگر مقتضی نداند اول قرار مجلس صاحب کاغذ کتباً اطلاع داده بعد از نتیجه آن اطلاعی بخاکپای همایون میدهد .

فقره بیستم بعد از اتمام عمل هر کاغذ با مسودات و اعتراضات و سایر متفرعات بیک پاکت گذارده و بخط اطمینان سر پاکت بالاک و مهر نایب مجلس تمهیر کرده بمدیر اوراق داده میشود مدیر اوراق نظر بنمره و خلاصه که در روی پاکت نوشته اند کرده بعد از ثبت در مخزن آن روز بخزانه اوراق که با سنگ و آهک و آهن ساخته شده است بموجب قاعده قدیم در دولابچه مخصوص انسال و در محل مخصوص آن ماه محفوظ میدارد و بدون امر مجلس هیچوقت این پاکتها از جایشان برداشته و مکشوف کرده نمیشود مگر بوقت معین .

فقره بیست یکم امر قرائت اوراق در مجلس و پاکنویسی و مسوده نقل آنها بدون با مستشار صدارت و پاکنویس و ثبت با منشی مجلس است ولی هر این دو شخص صاحب اختیارند اگرچه بقدر لزوم شاگردان از نجبا و فارغ التحصیل دار الفنون ابرای ثبت اوراق بموافقت منشی مجلس داده میشود اما این شاگردان در هنگام مذاکره مجلس نخواهند بود و اوراق مهمه و سوای دولتی را منشی مجلس بشاگردان نداده بنفسه ثبت بدفتر اسرار نموده و آن دفتر را نیز مثل سایر دفاتر و اوراق بخزانه اوراق فرستاده علی الصباح باز از خزانه اوراق جلب نماید

فقره بیست دوم لایحه های قوانین و نظامات از برای تدقیقات چند نسخه طبع شده بجهة هر اعضای یک نسخه داده میشود و مشارالیهم نیز تدقیقات کامل اجرا نموده نهایة الخاید در ظرف یک هفته همان لایحه را بمقام ریاست داده در مجلس مخصوص مذاکره نموده قرار میدهند

فقره بیست سوم هرگاه حضور شخص خارجی در مجلس لازم آید از جانب ریاست رقعه نوشته

بواسطه یکی از اجزا دانهای مخصوص مجلس که از نجبای صاحبمنصبان نظامی هستند فرستاده آن شخص دعوت کرده میشود اما اگر آن شخص از وزرا باشد باید که یکی از سرهنگان اجزای احضار رقعه آن شخص را برده قبض الوصول بیاورد .

فقره بیست چهارم خدام این مجلس بد زبان و کرهای مادرزادی است که از صغر سن اطفال اینها را باشی تربیت میکند و بیزبان باشی همیشه در مجلس دم در در صندلی مخصوص خود نشسته منتظر امر است . هرگاه یکی از اعضای کرام کاری داشته باشد با ایما و اشارات مخصوص بیزبان باشی فرموده آن هم امر آن شخص محترم را بجا می آورد .

فقره بیست پنجم فقره چهارم قانون جزا هرگاه شخصی از اشخاص اسرار دولت را افشا نماید بعد از محاکمه جزای (از این قرار) شخص کاشف اسرار مقرر و بموقع اجرا آورده میشود . اگر آن سر باعث انقلاب و شورش شده است اعدام . اگر باعث قطع مراوده سیاسیه دولتی شده مؤبداً آهن بند . اگر مانع اجرای خیال خیرخواهانه دولت شده مؤبداً از نوکری اخراج . اگر از مواد عادیه باشد از عضویت عزل و سه سال حبس علی التوالی جریمه ماموریتی است .

فقره بیست و ششم صدراعظم دولت مامور است که این قانون را بموقع اجرا گذارده مراقب شود که احدی حرکتی بظهور نیاید تحریراً فی کذا و کذا

بسمه تعالی

تفصیل غار و واقعه در کوه سمت جنوب قلعه چرات که مسمی به لی لیشت است از دامنه تا پشت این غار

تقریباً یک ساعت راه است هزار ذرع برهنه غار مانند پله بصعوبت بالا میروند در غار و روبشمال است عرضش دو ذرع

وطولش بسمت مشرق ده ذرع بسمت مغرب چهار ذرع است وارد غار که میشوند فضائی است که تقریباً بیست ذرع عرض و ده ذرع

طول این فضا است ارتفاع سقف این فضا که مانند طاق است هفت ذرع است تقریباً شصت نفر آدم میتوانند در این فضا هم

بنشینند همه جای سقف واقع آب دارد معلق در غار ریزد بجنب سر بالا میرود چهل ذرع مسافت در این فضای کوچکتر

از فضای اول است بالاتر از این فضا و خیلی صعود بر آن صعب و چراغ لازم دارد فضای دیگری است بقدر فضای اول غار

در سقف این دو فضا آب متقاطر است و متحجر مثل لوله لوله روی زمین هم که میچکد متحجر میشود و بالای آنجا که آب غلتیده

بشکل ستونی بالا میرود انتها که بسقف متحجر شده است اول بشکل لوله مجوف است قدری که زیادتر میشود بشکل دوات

دیگر و بزرگتر تشکیل یافته است روی آنها سست اما جوف آنها که نازک طی کشیده است سخت شیشه مرمر خیلی خوب است

در اطراف فضاها هم خاک سفید دارد شبیه بآهک راهی که صعود بالا میکنند خیلی صعب است تخته سنگهای بزرگ بر روی هم

ریخته و دالان آب دارد و در تحتانی آب زیادی جاری بعبه است ان آب زیاد از برف و باران سر کوه بهم رسیده که

نفوذ میکرده اما آن آب که متحجر میشود و معدنی مرمر است قطره قطره خیلی کم میچکد و در سقف در فضای بالا اشکال غریب

زیاد متحجر شده و عجیب است که با کلنگ باید کند روی زمین هم شد سقف بهم نظر اینجا چکیده متحجر شده و اشکال غریب بهم رسیده

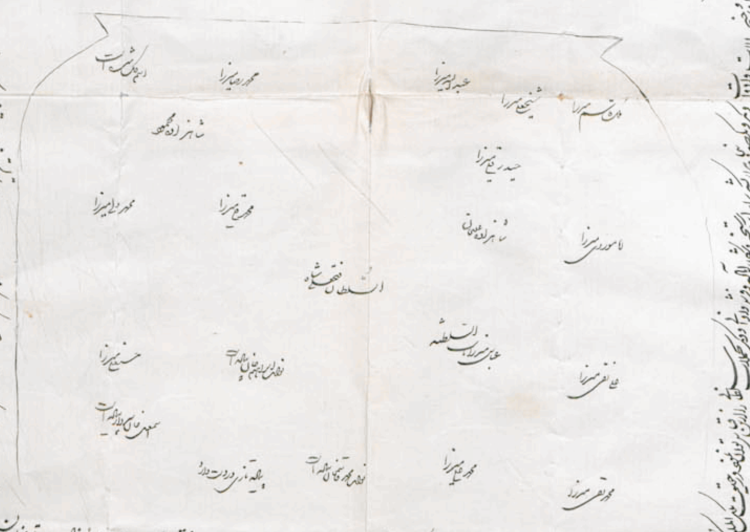
بسم الله الرحمن الرحیم

شهنشاه جهان فتحعلیشاه ... از دعوی و از نصرت جهانی ... بود ممکن ولی ممکن نباشد ... غرض چون شاعر اشد درین کوه ... حسابگر ... تاریخ ... لاالرا

که روزش ماه و ماهش سال ... از او ملک و وزیران سوالی ... بانقاش ممکن از کمالی ... بسنج آفتاب بی‌زوالی ... ز قدر و کاین شال ...

تعالی الله از این تمثال کامل ... نه از کیهان ... بقای آب و جانش از تباهی ... ز قدرش آتش دوزخ شراری ... سخن با پرده کو ...

بهشتی صورت فرخ جمالی ... نه از کشور ستانان پس همالی ... فنای بحر و کانش از زوالی ... ز مهرش چشمه کوثر زلالی ... ببشک ... ضمیر ...



این پادشاه عادل و دل ازکف دریا که بصورت مهر تابان و رشک ماه کنعان و بمعنی جامع محاسن ... رحمن بعد از خاقان شهید ... سال همیون ... تاریخ ایران

در زمان ... مملکت ایران شورش و انقلاب پدید آمد ... پوسته تمهید ربط ... را

و داد و ترفیه حال عباد ... از خزانه ... با الی ... نعمای ...

کعبه ... از ... مملکت ... استمرار در ایام عاشورا

مصارف تعزیه داری حضرت سید الشهدا علیه السلام ... از خزانه ... دارالشفا ...

و تذهیب روضات ... در اول جلوس ...

که ... بقدر ... ده کرور ...

بسرکاری عالیجاه عبدالله خان حاکم

عمارات فیروزکوه و طراحی آقا عبدالله

نقاشباشی و معماری و حجاری و نقاشی

کار العصری استاد قاسم ولد

استاد علی ... حجارباشی سمت

اتمام پذیرفت

۱۲۳۳

ابهى ما يزين به فصول الخطاب جواهر حمد الله الملك الوهاب الذي انار براهين انتظام الدنيا والدين وابان سبله على لسان نبيه المبعوث رحمة للعالمين صلى الله عليه وعلى آله واصحابه

وخلفائه الاكرمين واحبائه ما حفظ حدود الاسلام والمسلمين وصين ثغور دار المستظلة بين الملوك والسلاطين اما بعد [illegible]

محامد [illegible] اكمل [illegible] مسند [illegible] علم افراز [illegible] سروری [illegible] بهاء الدنيا والدين [illegible] الاسلام والمسلمين

مصدر [illegible] القاان [illegible] شاه [illegible] جانبلرينه [illegible] انتظام

ولائق [illegible] تعظيم واكرام وجوامع تعظيم واحترام حاوی لطائف [illegible]

زبور [illegible] تصوير [illegible] بين الدولتين [illegible]

برلنه [illegible] اولديغی [illegible]

[illegible]

مفتاح [illegible]

[illegible]

محصل [illegible] صنوف [illegible] والالسنه [illegible]

[illegible]

حالنین معود [illegible] قلوب [illegible]

اوله [illegible] خصوص [illegible]

وذات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الوكلاء [illegible]

عهد [illegible] فاما [illegible]

زمام [illegible]

تعبير [illegible]

مقتضای احکام شریعت [illegible]

وبين الحضرتين [illegible] السلطان [illegible]

ما من اقبال [illegible] قلنان حدود [illegible] مصافات [illegible]

خادم الحرمين الشريفين السلطان الغازي محمود خان [illegible] المؤيد بتأييدات الله الملك المنان المفوض اليه امر [illegible] ابن السلطان الغازي مصطفى خان [illegible]

[illegible]

لذا و رخصت همایونمز ارزانی و جاری قلنه‌رق یعنی طرف باهر الشرف خاقانیمزدن بو دفعه خدمت سفارته مأمور معتمد و موثوق رسول درایت شمولمز وساطتیله بعث و ایصال قلنان دیگر نامه همایون مودت مشحونمز مطالعه

مضامین حقیقت آگیندن معلوم اولدیغی اوزره مرسوم داوری تمکینلری قلنمق مقرردر موما الیه سفیرلری [illegible] ملوکانه [illegible] مشمول و وصوله فائز اولوب اداء خدمت سفارته [illegible]

لوازم بندگی [illegible] مواهب [illegible] احراز [illegible] صوب [illegible] انصافلرینه مأمول عفو و انصراف اولمشدر انشاء الله تعالی

لدی الوصول بروجه محرر دیگر نامه همایون حقایق مشحونمز مؤداسنجه [illegible] عنوان [illegible] و عظمت نشان جانبنه لایق [illegible] حضرتین [illegible] نقیصه [illegible] اولدیغی [illegible]

عادی اولمق مرامی [illegible] مرسوم صحیفه ذهن درک موهبت [illegible]

طبع تابناک [illegible] سیاق [illegible] صورت سلم [illegible] ضمیر دیانت مصیر [illegible] جلوه گر قبول و ارتضا اولدیغی حالده فیما بعد [illegible]

مالک [illegible] کامکاری [illegible] زیور [illegible] اولدقجه گرگ زمان [illegible] مژده [illegible] اخلاف و اعقاب [illegible] قصر مشید [illegible] تحکیم و [illegible]

وصحیح [illegible] حسن وفاق و اتحاد [illegible] اولمیه جغی [illegible] سفیر صداقت [illegible] الیه بعث و تسییر اولنان

دیگر نامه همایون خلافت [illegible] ظاهرا و باطنا [illegible] صورت نظام و انجام اولمسی خصوصنه طرف [illegible] الشرف

کامکار [illegible] مبارکت [illegible] حقایق [illegible] باقی همیشه [illegible] فلک [illegible] و تواتر

طالع و درخشان و مهر عالم افروز وفاق و اتحاد [illegible] العالی

[illegible] ۱۲۰۷ [illegible]

[illegible]

١٧٢٣

قریه ایست از دوازده عراق که با آن شهر دو فرسخ فاصله

که در توابع آن است شهر [illegible] و در طرف [illegible] سلطان آباد واقع است [illegible]

آن تا سلطان آباد شش فرسخ [illegible] بعضی از آن [illegible] میکنند

در قریه است معروف [illegible] آن قریه از [illegible] در آن

که صاحب مجد الدوله [illegible] آن قبل از سلطان [illegible]

و بعضی [illegible] معروف [illegible]

و الآن هم از دیوان [illegible] و سایر مردم [illegible]

لعلاوه [illegible] که از بلاد [illegible] دارد [illegible]

متصرفی [illegible] درجات [illegible] که تمام [illegible]

[illegible] عرض [illegible]

دفعه دیگر [illegible] از [illegible] آن [illegible]

[illegible] خلفا عباسی [illegible] الآن در [illegible]

[illegible]

در واقع [illegible]

[illegible] از آن [illegible]

[illegible] عراق است [illegible]

بعضی آنها [illegible] قلعه و عمارات [illegible] واقع [illegible]

از [illegible] قلعه [illegible] واقع [illegible]

و [illegible] واقع [illegible]

[illegible] واقع [illegible]

که [illegible] است [illegible]

[illegible] و آب [illegible]

و [illegible] آن [illegible]

[illegible] در [illegible]

[illegible]

داده [illegible]

[illegible] جواب [illegible]

در ملك نصيحه كه [illegible]

خود ابيات عراق عجم [illegible]

[illegible]

موجودات والعوج في الوجه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... ابو دلف ... [illegible]

... خلیفه ... [illegible]

... سرداران ... [illegible]

... الواثق ... [illegible]

... دولت ... [illegible]

... ابو الفرج اصفهانی ... [illegible]

مناظره ... [illegible]

... ابو دلف ... [illegible]

... معتصم ... [illegible]

... خلیفه ... [illegible]

... دولت ابو دلف ... [illegible]

... سرداران ... [illegible]

... ابو بکر ... [illegible]

... ابو طالب ... [illegible]

[illegible]

مملکت و لیعهد [illegible]

نمره

[illegible]

دارو [illegible]

۱۷۳۱

[illegible]

۱۷۳۰

[illegible]

[illegible]

deux hautes parties contractantes s'engagent à conclure, le plustôt possible, une convention réciproquement avantageuse pour la construction de chemins de fer appropriés à l'usage du trafic commercial des provinces susmentionnées.

Art. 5. — Le gouvernement de S. M. le Shah de Perse s'engage à prohiber strictement l'exportation de ses Etats tout le long de la frontière des provinces d'Astembad et de Khorassan, de toutes armes et munitions de guerre, en adoptant en même temps des mesures propres à empêcher les Turcomans établis sur le territoire persan puissent s'en approvisionner. Les autorités de la frontière persane doivent prêter le concours le plus effectif aux agents du gouvernement impérial russe, dont le devoir consiste à empêcher que des armes soient exportées du territoire persan. De son côté le gouvernement de S. M. l'Empereur de toutes les Russies s'engage à empêcher que, des armes et des matériaux de guerre, soient fournis du territoire russe aux Turcomans vivant en Perse.

Art. 6. — Ayant en vue le respect et l'accomplissement des stipulations de la présente convention et dans le but de mettre un ordre dans la conduite des Turcomans résidant sur la frontière persane, S. M. l'Empereur de toutes les Russies aura le droit de nommer des agents sur tous les points de la frontière persane. Dans toutes les questions concernant l'observance, l'ordre et la tranquillité dans les districts contigus aux possessions des hautes parties contractantes, ces agents susnommés agiront comme des intermédiaires dans les relations existant entre les autorités russe et persane.

Art. 7. — Tous engagements et stipulations contenus dans les traités et conventions conclus antérieurement entre les deux hautes parties contractantes continueront à être en vigueur.

Art. 8. — La présente convention rédigée en double et signée par les plénipotentiaires des deux parties, qui y ont apposé le sceau de leurs armes, doit être confirmée et ratifiée par S. M. le Shah de Perse et par S. M. empereur et autocrate de toutes les Russies; les ratifications doivent être échangées entre les plénipotentiaires des deux parties à Téhéran, dans l'espace de quatre mois ou avant, si possible.

Fait à Téhéran, le 9[21 décembre 1881, qui correspond, d'après la date Musulmane, au du mois Mouharem 1299.

Signé : IVAN ZENOVIEF.

Cette convention fut envoyée à lord Granville par M. Ronald Thomson, représentant anglais à Téhéran, qui écrit à la date du 23 janvier :

J'ai l'honneur de vous remettre ci-inclus, par l'information de V.-S., une traduction du traité des fontières d'Akhal-Korassan, conclu dernièrement entre la Russie et la Perse, comme je vous l'annonçais par mon télégramme en date du 4 janvier. Cette traduction a été faite du texte russe par M. Stephen. En la comparant avec la version persane, j'observe que les termes employés dans l'article 4 ne sont pas les mêmes dans deux langues. Dans le texte russe il est dit, que les deux gouvernements, s'engagent, ayant en vue le développement du trafic commercial entre la province Trans-Caspienne et celle de Khorassan, de procéder à une conclusion réciproquement avantageuse pour la construction des chemins de fer entre les provinces Trans caspiennes et celles du Khorassan, tandis que, dans le texte persan de cette clause, il est dit qu'à l'effet de faciliter les opérations commerciales entre les provinces Trans caspiennes et celles de Khorassan, les deux puissances contractantes s'engagent, par rapport à la construction des lignes ferrées propres au transport des marchandises entre les deux susdites contrées, à prendre tels arrangements, qui puissent être pour toutes les deux réciproquement avantageux. Le ministre des affaires étrangères m'a informé que Nasseer-Dowleh, qui était précédemment employé au ministère des affaires étrangères à Téhéran, et dernièrement au ministère de la justice, sera nommé commissaire en vertu de l'article 2 de cette convention pour la démarcation locale de la ligne frontière, sur la base établie dans l'article 2.

Perse

Traité avec la Russie pour la rectification de la frontière

Le *Mémorial diplomatique*, dans son numéro du 18 mars, annonçait que parmi les pièces contenues dans un *Blue Book*, qui a été distribué par le gouvernement anglais aux deux Chambres du Parlement, figurait un traité intervenu dans le cours du mois de décembre de l'année dernière entre la Perse et la Russie relativement à une rectification de frontière.

Nous sommes aujourd'hui à même de publier le texte de ce document :

Au nom de Dieu tout-puissant, Sa Majesté le Shah de Perse, et S. M. l'Empereur et autocrate de toutes les Russies, reconnaissant la nécessité de définir exactement la frontière de leur possessions orientales de la mer Caspienne, et d'y établir la sécurité et la tranquilité, ont convenu de conclure une convention à cet effet, et ont nommé comme leurs plénipotentiaires :

S. M. le Schah de Perse, d'une part, Mirza-Saïd Khan, Mautemid-ul-Mulk, son ministre des affaires étrangères ;

S. M. l'empereur et autocrate de toutes les Russies, d'autre part, Ivan Zenovieff, son envoyé extraordinaire et ministre plénipotentiaire près la cour de S. M. le Shah ;

Qui, ayant échangé leurs pleins pouvoirs respectifs, reconnus en bonne et due forme, ont convenu et rédigé les articles suivants :

Art. 1er. — La ligne frontière entre les possessions de l'Empire russe et l'Empire persan, à l'est de la mer Caspienne, est fixée comme il suit : commençant au golfe Hassan Kuli, le cours d'Atrek sert de frontière jusqu'à Chat. De Chat la ligne frontière suit dans une direction nord-est les sommets de Songou Dagh, et les chaines de Sagirim de là, elle s'étend plus au nord de la rivière Chandir, et gagne le lit de cette rivière à Tchakan Kalé. De Tchakan Kalé elle court dans une direction plus septentrionale à la chaine des montagnes qui divisant les vallées de Chandir et de Sumbar, et s'étend le long de la chaine de ces montagnes plus au nord, en descendant vers le lit de Sumbar à l'endroit où le fleuve Ach-Agaian se jette. De ce point et plus à l'est du lit de Sumbar elle marque la frontière jusqu'aux ruines de Medjet-Dainé. De là, la route qui conduit à Durrum forme la frontière jusqu'à la chaine Kopet Dagh, au travers de laquelle la frontière s'étend vers le sud-est, mais avant d'atteindre la partie supérieure de la passe de Giamab, elle se tourne vers le sud au milieu des sommets des montagnes qui séparent la vallée de Sumbar de la source de Giamab. De là en prenant une direction sud-orientale à travers les sommets de Missino et les montagnes de Tchoubest, elle atteint la route conduisant de Giamad à Rabach, passant à distance d'une verste au nord du dernier entroit. De ce point, la ligne frontière courant la chaine des montagnes jusqu'au sommet du mont Dalang, passe de là au côté septentrional du village de Khaïrabat s'étendant au nord-est jusqu'aux limites de Geok Keital. Des limites de Geok Keital, la ligne frontière traverse la gorge de la rivière Firuzé en croisant le côté septentrional du village de Firuzé. De là la ligne frontière se dirige au sud-est, vers les sommets de la chaine des montagnes qui restreignent la vallée au sud, à travers laquelle passe la route d'Askabad à Firuzé, et court le long de la crête de ces montagnes vers le point le plus oriental de cette chaine. De cet endroit la ligne frontière s'élève au sommet le plus septentrional de la chaine d'Aseim en passant le long de sa hauteur vers le sud-est, et contournant, alors vers le nord, le village de Keltechina, elle court vers le point où les montagnes Ziri-Kon et Kizil-dagh se joignent, s'étendant de là, vers le sud-est, le long des cimes de la chaine de Ziri-Kon, pour aboutir dans la vallée du fleuve de Baba-Durmaz. Elle se dirige alors au nord et atteint l'oasis de la route qui mène de Gavars à Lutfabad, en laissant au levant la forteresse de Baba-Durmaz.

Art. 2. — Bien que, dans l'article premier de la présente convention, les points principaux au travers desquels passe la ligne-frontière, soient indiqués, entre les possessions de la Russie et de la Perse, les hautes parties contractantes doivent nommer des commissaires spéciaux, dans le but de tracer exactement sur les lieux la ligne-frontière, et d'ériger les poteaux marquant les propres limites. La date et le lieu de réunion des susdits commissaires seront mutuellement convenus par les hautes parties contractantes.

Art. 3. — Bien que les forts de Giamab et de Kultulab, situés dans la gorge à travers laquelle passe le fleuve qui baigue le sol de la province transcaspienne, se trouvent au nord de la ligne qui, en vertu de l'article 1er de la présente convention, doit servir de limite entre les territoires des deux hautes parties contractantes, le gouvernement de S. M. le Shah s'engage d'évacuer les susdits forts dans l'espace d'une année, à partir de la date de l'échange des ratifications de la présente convention, mais il aura le droit durant la même période de transférer les habitants de Giamab et de Kultulab en dedans de la frontière persane, et de les y établir. De son côté, le gouvernement de l'empereur de toutes les Russies s'engage à ne pas élever des fortifications dans ces dites localités et à ne pas y installer aucune famille turcomane.

Art. 4. — Ayant en vue le développement des transactions commerciales entre la province transcaspienne et le Khorassan, les

---

بسمه تعالی

[illegible]

طهران تا قم

[illegible]

خانقین تا بغداد

[illegible]

قم تا کنگاور

[illegible]

کاظمین تا کربلای معلی

[illegible]

کنگاور تا کرمانشاهان

[illegible]

کربلای معلی تا نجف اشرف

[illegible]

کرمانشاهان تا خانقین

[illegible]

LE MÉMORIAL DIPLOMATIQUE

[illegible] sur un brassard au [illegible] bleu les lettres [illegible] E. D. De plus, ell[illegible] tenue de ne pas [illegible]borer sur ses étab[illegible]s de toute na[illegible]re et sur ses bateau[illegible]re pavillon que [illegible] sien, lequel est com[illegible] de cinq bandes [illegible]rallèles, perpendiculaires à la hampe dis[illegible]sées dans l'ordre suivant de leurs couleurs : [illegible] la bande [illegible]uis le droit d'avoir des pharm[illegible] [illegible]tre capitale. Ce sou[illegible] avait accordé [illegible] privilège aux Alle[illegible] parce qu'il con[illegible]dérait les Allemand[illegible] des gens so[illegible]res et consciencieux [illegible]

[illegible] les capitales, mais non d'y [illegible]ire le commerce comme apothicaires. Heu[illegible]sement le comte Ignatiew est intervenu [illegible], au lieu de permettre que les pharmaciens [illegible] fussent forcés de vendre leurs établis[illegible]ements immédiatement, il leur a accordé [illegible]core un terme de toute une année.

Grâce à la vigilance de notre police, le [illegible]alfaiteur connu sous le nom de Kobozow, [illegible]ui avait creusé une mine dans la maison du [illegible]mte Mengden, petite rue des Jardins, a [illegible] arrêté à Moscou il y a quinze jours. Son [illegible] nom est Bogdanowitch. Il est enfermé [illegible] dans la forteresse.

On dit qu'après demain l'amiral Possiett [illegible]inistre des voies de communication, sera [illegible]ommé gouverneur général de la Finlande. [illegible]est la première fois que ce poste émi[illegible]ent serait confié à un Finlandais.

Le portefeuille des voies de communica[illegible]on passerait au général de Kaufman II, [illegible]embre du conseil de l'empire et ancien in[illegible]ndant général. Il a la [illegible]tation d'être un [illegible]omme actif et énerg[illegible] il a déjà posé [illegible]omme condition la [illegible]on du comité [illegible]es chemins de fer, p[illegible]ar M. le comte [illegible]aranow. Ce comité en [illegible] est tout à fait [illegible]perflu ; loin de faire le moindre bien, il a [illegible]ntravé en toute occasion la marche des af[illegible]ires. Avec le général Kaufmann, le com[illegible]

[illegible]

Comment peut-on [illegible]cilia[illegible]on, lorsque des hommes [illegible] sur les [illegible]asses une influence aussi considérable se [illegible]aissent aller à des insultes pareilles ? Ce [illegible]ont des irréconciliables, soit ; mais il fau[illegible]rait nous montrer qu'il y a aussi des chefs [illegible]ui seraient disposés à entendre le langage [illegible]e la raison. Or ces c[illegible]fs, on ne les a pas en[illegible]ore trouvés. M. G[illegible]tone a fait en plein[illegible]hambre un aveu d'im[illegible]puissance devant l'a[illegible]itation envahissante. L'opposition conser[illegible]atrice et les « home-rulers » ont pris act[illegible] de cet aveu. L'une se fait dans la question [illegible]rlandaise plus libérale que les libéraux ; les [illegible]utres redoublent leurs objurgations. Ce [illegible]'est plus par la coercition qu'il faut espé[illegible]er ramener un peu d'ordre dans ce [illegible]haos, et cependant, si M. Gladstone cède, il [illegible]era taxé de faiblesse : voilà précisément où [illegible]st le danger pour le ministère.

Il a toutefois donné une preuve de clé[illegible]mence en rendant la liberté sur parole à M. Parnell pour quelques jours.

On peut être certain que M. Parnell, une [illegible]ois son pieux de[illegible] accompli à Paris, re[illegible]viendra se cons[illegible]risonnier à Kilmain[illegible]ham, d'abord p[illegible], quels que soient ses [illegible]éfauts, c'est u[illegible] gentleman, ensuite [illegible]parce que le rôle [illegible]martyr lui réussit trop [illegible]ien pour qu'il songe à le répudier. Ce serait peut-être un acte de bonne politique que de [illegible]ui accorder la liberté pleine et entière ; mais [illegible]lors il faudrait relâcher sans condition les [illegible]utres suspects, ou du moins ceux qui ont [illegible]'honneur d'être membres du Parlement. On [illegible]ense à Londres qu'il y a au moins quatre [illegible]inistres qui prêchent en faveur du pardo[illegible] [illegible] et de l'oubli des injures [illegible] personne n'est [illegible]ssez téméraire pour affirmer que M. Glad[illegible]stone et M. Forster partagent cette opinion.

[illegible]

[illegible]meille bénévolement. Ainsi que le Mémo[illegible] diplomatique le faisait observer la sem[illegible] dernière, nous entrons dans une péri[illegible] pacification et de concorde européenne [illegible] nomination de M. de Giers ne contrib[illegible] pas peu à consolider la paix. Tout le m[illegible] s'en applaudit sincèrement, franchem[illegible] Londres ; on voit au[illegible]ne extrême [illegible]tisfaction la bienv[illegible] que le sultan [illegible]moigne à lord Duf[illegible] d'un bon pré[illegible]sage pour le main[illegible] contrôle anglo-français en Egypte. [illegible]tive d'assassinat dont Arabi bey a failli être victime laisse les Anglais singulièrement froids et peut-être même incrédules. Les détails manquent ; mais jusqu'à présent on n'est pas éloigné de croire que c'était un coup monté pour donner au parti "national" égyptien les bénéfices de la persécution et raviver dans un certain groupe de fanatiques l'animosité contre les deux grandes puissances occidentales. Quoi qu'il en soit, les relations entre l'Angleterre et la Sublime Porte n'en seront pas altérées.

—

On nous écrit de SAINT PÉTERSBOURG le 26 mars | 7 avril :

L'assassinat du général major Strelnikow, commis presque sous les yeux du gouverneur général Gurko, prouve que, malgré les dispositions clémentes de l'empereur, les nihilistes continuent leurs criminelles agitations. Heureusement le général Gurko a fait un court procès aux assassins arrêtés en flagrant délit ; le cinquième jour après leur crime, ils ont été pendus. Beaucoup de personnes se prononcent contre le mode actuel de punition des assassins politiques et sont d'avis que pour des criminels semblables il serait utile de rétablir la peine du knout, appliqué publiquement : le knout effraierait beaucoup de nihilistes et ramènerait la tranquillité.

Les Allemands vivent dans une certaine agitation ; ils s'imaginent que tôt ou tard l'empereur se laissera entraîner par le parti chauviniste à faire la guerre à leur pays. *Rien n'est plus faux.* L'empereur est d'un caractère très énergique et le meilleur homme d'Etat de son empire ; il ne songe en rien à une guerre pour laquelle il n'y a pas trace de raison. Par son ordre, le comte Ignatiew a fait savoir aux journaux belliqueux de [illegible]

— Sous la date du [illegible] mars, M. John Wilson a reçu du gouv[illegible] belge l'exequatur comme consul [illegible] Bru[illegible]es.

GRÈCE. — M. J. [illegible]ennadius, ancien secrétaire de la légation à Londres, est transféré en la même qualité à Vienne ; il est remplacé à Londres par M. G. Argyropoulos, secrétaire à Vienne.

— M. Zean Pestemalzoglou est nommé vice-consul et chancelier du consulat [illegible] Trieste.

ITALIE. — M. Maccio, ancien consul [illegible] Tunis, est nommé ministre à Montévidéo.

PORTUGAL. — M. João de Sousa de Almeida Couto, a été nommé archiviste et bibliothécaire du ministère des affaires étrangères.

— M. José Correia Loureiro, ancien consul à Saint-Louis-de-Maragnon, est nommé consul à Pernamb[illegible] remplacement de M. Claudino d'Araujo [illegible]marães, nommé consul à New-York.

ROUMANIE. — M. Simon Sacus est nommé vice-consul honoraire attaché au consulat général à Stockholm, avec droit de remplacer le consul général en cas d'absence ou de maladie.

RUSSIE. — M. le major général Lantz est nommé attaché militaire à l'ambassade de Londres, en remplacement du général Gorloff.

— Le conseiller d'Etat Kondriavtzew a reçu du gouvernement allemand l'exequatur comme consul à Berlin.

TURQUIE. — Nasri bey Franco, ancien premier secrétaire de l'ambassade à Paris, est nommé consul général à Odessa.

— Bacanlé effendi, secrétaire du consulat général d'Odessa, est nommé consul à Gên[illegible]

VÉNÉZUELA. — [illegible] 29 février tous les ministres ont d[illegible] démission, à l'occasion de l'inaug[illegible] de la nouvelle constitution.

— Le général Lino Duarte Level a été nommé ministre des relations extérieures, [illegible] remplacement du licencié Rafael Seijas, démissionnaire ;

— Le général Andrés A. Level a été nommé ministre du *Fomento* (commerce, agriculture, etc.), en remplacement de M. M. Cabano, démissionnaire.

— Le docteur Narciso Lopez Camacho [illegible] nommé ministre de l'instruction publique en remplacement du docteur Anibal Doniel, démissionnaire ;

— M. José R. Gauthier a été nommé ministre des travaux publics, en remplacement de M. R. Arpurua, démissionnaire.

VARIÉTÉS

SOCIÉTÉ DES AMIS DE LA PAIX

Discours prononcé par M. Ad. Franck

Mercredi 29 mars a eu lieu, dans la salle des Encouragements à l'Industrie, la 16e séance générale de la *Société française des amis de la paix*. La réunion [illegible] et choisie, était présidée, comme à l'ordinaire, par M. Ad. Franck. Il avait à ses côtés MM. Frédéric Passy, [illegible] Henri [illegible]urnal, député de Castre [illegible] tous les deux vice-présidents de la Société. On remarquait sur l'estrade, parmi [illegible] membres du conseil d'administration, [illegible] sénateurs, des députés, des membres [illegible] l'Institut, des publicistes, des avocats, [illegible] financiers, des négociants, des ministres des différents cultes.

[illegible]

باید همراه خودم باشد [illegible]

امروز جمعه یازدهم محرم بخاطرم رسید که نظر به انقلاب هوا و سوء قضا چیزی که بخاطر میرسد

چند کلمه نوشته بجهت بستگان کار بخورد

اولا بفضل جناب احدیت امیدوارم که [illegible] شیعه [illegible] و [illegible]

ارزو است از کربلا و نجف ... کرده شوق [illegible] و نجف [illegible] موعود رسد این

آرزو برای من بر دلم ماند بعون الله تعالی

اگر اجل رسید راضی بحرکت نعش خودم نیستم مرا آورده در سمت شرقی منبر مسجد

صفه صف و دفن کنند بالا در زیر پله اول منبر که هرسال می‌رود یک قدمی آدم ... قدم

پای خود سال بر سر قبر من بگذارد [illegible] تخفیفی در گناهان من میدهم آب و ... ای

مصلح البته حاضرین [illegible] در سال ... از زبان مردم در رحمت [illegible]

بلکه تخفیفی در گناهان [illegible] رسد

مخارج برداشتن و تشییع ... صفه صفا و [illegible] با مسکن ... لباب شود از

بعض جوابات حلال است و [illegible] از باب ان [illegible] سال [illegible]

بشود نه پول دیگر ... سلاطین نیستم [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

خود سال دیدن ... کسی نیست دفتر جواب آنهم [illegible] چرا که خرج [illegible]

و حالت بار باید ... جواب [illegible] فرق [illegible]

[illegible]

جواهرات و اسباب ... موافق سیاهه حاجی حیدر ... و آقا محمد حسن بایدیه رسد

کم ... دو ساله از [illegible] هزار [illegible] و [illegible] اما [illegible] هم

[illegible]

[illegible]

[illegible] هزار تومان	... دو هزار تومان	... هزار تومان	... پانصد تومان
... پانصد تومان	... هزار تومان	...	حساب ... آقا محمد حسن ...
جواهرات ... آقا محمد حسن ...	...	بازوبند ...	...

جواهرات هم همین است ... مردم آزرده نشوند

[illegible] ... نه آنکه اینقدر اهمال کرد حالا الله ... تمام شدند

دادالله ابراهیم خان ... عوض خدمات و زحمات ... اللطف

... خواهد رفت انچه ... دارم ... کار ... بعد

فراهم شده اگر ... اهمال کنند ... فراهم ... آورده ... آن آدم

... این ... کار ... اهمال و تعلل ... ابوالقاسم را

پاک بجا آورده ام اگر ... باشد او ... آقا ... کنند ... و ... را

... ابوالقاسم ... در ... مردم ...

... خودش ... کند ... چیزی است که ... بصرف ... آن

... بصرف ثغور اسلام ... ال

مسلمانان است و باید بصرف ثغور مسلمانان برسد

املاک ... که خود دارم

ده هزار ...	... اسباب ... آن ...	...
ده هزار ...	...	...

عمارت ... ییلاق ... باغ ... در ... ومال و ... بیرون ... و ... سب

برده و داده ام همه ملک من است

انچه کتاب دارم ... بعد بمصرف او و اولاد

انچه در ... خواهد ... بخودشان بخشیدم ... بمصرف

خودشان ... اینها ... زنده ... خودشان است

... دارم ... ... خودشان ... نقد

همه باید ... سری ... سه

... هر کس ... بکند ... است

در طهران املاک دارم ... خریده ام ... آقا ... است

شاه مرحوم ... ابتیاع کرده ام ... بخشیده ام ... بصیغه شرعیه ...

صیغه ... و نصف دیگر ... معوضه کرده ... جداست

در وقف ... مردم ملک من است

در باب ... مازندران ... است ... بعینه ...

ده ... آقا ... است ... از ... بعد ...

خریدم و پول ... و ... کردم در باب ... و ... گیلان ... علی ...

... است ... که ... وقف ... مقام و ... دونند

شرایط آنها معتبر است

[illegible]

صورت مال التجاره [illegible] از ربیع الاول ۱۳۰۱ الی ربیع الاول ۱۳۰۲ از ممالک فرنگستان از بندر طربزون بطرف ایران عبور نموده

جنس اشیاء	کیلو برای هر [illegible]	قیمت [illegible]	از انگلیس مقدار	از انگلیس قیمت	از فرانسه مقدار	از فرانسه قیمت	از هلند و آ[illegible] مقدار	از هلند و آ[illegible] قیمت	از سویس مقدار	از سویس قیمت	از بلژیک مقدار	از بلژیک قیمت	از ایتالیا مقدار	از ایتالیا قیمت	از عثمانیه مقدار	از عثمانیه قیمت	عدد بارها	کیلوگرام	قیمت از قرار لیره انگلیس
ماکولات و مشروبات																			
ادویه جات	عدل ۸۷ کیلوگرم	۷	۲۸۰	۱۴۶۰	۱۱۰	[illegible]											۲۹۰	۳۳۹۲۰	۲۷۲۰
قند	عدل ۱۰۰	[illegible]			۲۲۷۲	۷۱۳۷۱	[illegible]	۶۲۰۰									۲۵۴۰۲	۲۵۴۰۲۰۰	۶۷۷۲۹
چای	[illegible] ۹۸	۱۶	۴۰۹	۶۵۳۳۰													۴۰۹۰	۴۰۰۸۲۰	۶۵۴۲۰
شراب و مشروبات	[illegible] ۱۰۰	۱۰۶۳	۲۸	۳۲۲	۷۰	۷۰۰	۵	۱۳۵									۱۶۳	۱۶۳۰۰	۱۱۷۴
جمع			۴۴۱۸	۶۷۷۴۴	۲۲۹۵۰	۶۲۱۴۹	[illegible]	[illegible]									۳۰۰۴۵	۲،۹۹۱،۲۵۰	۱۳۷۰۷۸
منسوجات																			
چلوارس وسط	لنگه ۱۱۲ کیلوگرم	۹ [illegible]	۲۰۰	۱۹۵۰													۲۰۰	۲۲۴۰۰	۱۹۵۰
شله	لنگه ۱۱۲ کیلوگرم	۲۹	۷۲۱	۲۰۹۰۹					۸۶	۳۳۹۴							۸۰۷	۹۰۲۸۴	۲۲۳۰۲
سفید بار چوانه	لنگه ۱۱۲	[illegible]	۵۳۵	۱۳۹۳۳													۵۲۵	۵۹۱۲۰	۱۲۹۴۴
ماهوت درگز	لنگه ۱۱۲	[illegible]	۱۰	۸۰۰	۱۲	۱۲۰۰	[illegible]	۷۱۵۲۰			۱۷	۱۳۶۰					۱۲۲۱	۱۲۷۸۷۲	۷۴۸۸۰
ماهوت کلاهی	لنگه ۱۱۲	۴۰					[illegible]	۲۳۲۰									۵۸	۶۴۱۶	۴۳۲۰
کلابتون بافته و [illegible]	صندوق ۷۵	[illegible]			۱۶	۱۶۰۰	۲	۱۷۶۰									۵۰	۱۲۵۰	۳۳۲۰
متقال	لنگه ۱۱۲	[illegible]	۹۲۵۲	۱۱۴۵۶۴											۱۴	۹۶۰	۹۳۰۴	۱،۰۴۷،۲۲۲	۱۱۴۵۶۴
زرفقیل	صندوق ۸۷	[illegible]	۲۱	۶۲۰	۵۴	۲۱۲۰	۱۲	۴۰۶۰									۲۲۷	۱۹۷۳۹	۷۳۵۰
دستمال و [illegible] چهارقد	لنگه ۱۱۲	۳۸	۸۸۰	۲۳۳۳۰					۱۶۱	۶۴۲۲							۱۰۴۱	۱۱۷۳۸۸	۳۹۸۴۴
آق بانوی باسمه	لنگه ۱۱۲	۳۴	۱۱۷۱	۳۹۸۱۴													۱۱۷۱	۱۳۱۱۵۲	۳۹۸۱۴
آق بانوی سفید	لنگه ۱۱۲	۲۵ [illegible]	۳۰۷	۹۴۶۲													۳۰۷	۳۵۵۸۴	۹۴۶۲
چیت	لنگه ۱۱۲	۳۲ [illegible]	۱۰۴۶۰	۳۵۰۴۱۰	۴۶	۱۵۴۱			۲۲	۷۳۷							۱۰۵۲۸	۱،۱۷۹،۱۳۶	۲۵۲،۶۸۸
سفید پارچه نقش دار	لنگه ۱۱۲	۱۷	۹۷۰	۱۶۹۷۵													۹۷۰	۱۰۸۶۴۰	۱۶۹۷۵
پارچه ابریشمی	صندوق ۸۷	۱۵۰ [illegible]			۲۲	۳۳۰۰	۶	۶۰۰	۴۷	۴۷۰۰			۵	۷۵۰			۸۰	۶۹۲۰	۹۳۰
ابریشمی مخلوط	صندوق ۸۷	[illegible]	۲۲	۱۱۰۰	۱۶	۱۱۰۰	۶۵	۳۲۵۰	۶۲	۲۷۰۰							۱۶۵	۱۴۲۵۰	۹۰۲۵
مخمل	صندوق ۱۱۲	[illegible]	۴	۱۰۰	۱۶	۱۶۰۰	۲۴	۱۷۶۰					۱۰	۱۲۰۰			۵۰	۵۶۰۰	۳۶۰
پارچه پشمی	[illegible] ۱۱۲ کیلوگرم	۴۳ [illegible]	۲۴۰	۱۰۴۴۰	۱۸	۷۸۲	۳۰۱	۱۳۰۹۴									۵۵۹	۶۲۶۰۸	۳۳۲۱۷
نخ قوالی	صندوق ۱۱۲ کیلوگرم	۱۲ [illegible]	۲۰۵	۲۳۶۰			[illegible]	۶۶۳	۳۰	۵۲۰			۱۲	۱۵۶			۳۰۸	۳۴۴۱۶	۲۷۹۹
اشیاء مختلفه	صندوق ۱۱۲ کیلوگرم	۱۸	۱۰۶	۱۹۰۸	۱۴	۲۱۶	۵	۲۷۰	۷	۱۲۶			۵	۹۰	۲۱	۳۷۸	۱۶۶	۱۸۵۹۲	۲۹۸۸
جمع			۲۵۳۰۲	۶۱۸۹۰۵	۲۱۲	۱۳۶۰۰	۱۸[illegible]	۴۹۷۱۷	۳۲۲	۱۸۶۹۹	۱۷	۱۳۶۰	۳۲	۲۱۹۶	۳۳	۱۳۳۸	۲۷۹۱۲	۳،۰۷۵،۶۱۴	۷۴۶۵۴۵
معدنیات و اشیاء معدنیات																			
[illegible] مس	[illegible] ۷۵ کیلوگرم	۱۰	۱۲۰	۱۲۰۰													۱۲۰	۹۰۰۰	۱۲۰۰
خورده آلات	صندوق ۱۰۰	۶	۲۰۲	۱۲۱۲	۱۲۰	۷۲۰	۵۷۲	۳۴۳۲			۳۰	۱۸۰			۲۰	۱۲۰	۹۴۴	۹۴۴۰۰	۵۶۶۳
فولاد	[illegible] ۸۷	[illegible]					۳۴۴	۵۲۷									۳۴۴	[illegible]	۵۲۷
قلع لوله	صندوق ۱۰۰	۹	۹۸	۸۸۲													۹۸	۹۸۰۰	۸۸۲
قلع [illegible]	صندوق ۵۰	۲	۲۵۰	۷۰۰													۲۵۲	۱۷۶۰۰	۷۰۰
جمع			۷۷۰	۳۹۹۴	۱۲۰	۷۲۰	۹۱۶	۳۹۵۹			۳۰	۱۸۰			۲۰	۱۲۰	۱۹۲۴	۱۶۷۵۱۴	۸۹۷۲
اجزای کیمیاگری																			
قرمز	عدل ۱۰۰ کیلوگرم	۲۰	۲۵	۷۰۰	۱۰	۲۰۰											۳۵	۳۵۰۰	۹۰۰
[illegible]	صندوق ۸۷	۱۰۱۸			۵۴	۵۴۰	۵۹۰	۴۷۲۰									۶۴۴	۵۶۰۲۸	۵۲۶۰
آئینه جیبی	صندوق ۱۰۰	۱۰					۸۵	۸۵۰									۸۵	۸۵۰۰	۸۵۰
کبریت	صندوق ۷۵	۲					۹۱۶	۱۸۳۲									۹۱۶	۶۸۷۰۰	۱۸۳۲
چینی و بلورآلات	صندوق ۱۰۰	۳ [illegible]	۵۹	۲۹۵			۱۵۸	۵۵۳									۲۱۷	۲۱۷۰۰	۸۴۸
[illegible]	صندوق ۱۰۰	۵	۵۰	۲۵۰													۵۰	۵۰۰۰	۲۵۰
شیشه پنجره	صندوق [illegible]	۱۴ [illegible]									۵۰۴	۲۵۲					۵۰۴	۳۱۲۴۸	۲۵۲
جمع			۱۴۴	۱۲۴۵	۶۴	۷۴۰	۱۷۴۹	۷۹۵۵			۵۰۴	۲۵۲					۲۴۶۱	۱۹۵۶۷۸	۱۰۲۹۳
اشیاء مختلفه																			
اشیاء کفش‌دوزی	صندوق ۱۰۰ کیلوگرم	۲۰	۲۲	۴۴۰	۲۱	۴۲۰											۵۳	۵۳۰۰	۱۰۶۰
پیانو	صندوق ۵۰ کیلوگرم	۳۵			۲	۷۰	۴	۱۴۰									۶	۳۰۰	۲۱۰
ساعت و جواهرآلات	صندوق ۷۵ کیلوگرم	۸۰ [illegible]	۲	۱۶۰	۵	۴۰۰	۸	۵۶۰									۱۵	۱۱۲۵	۱۱۲۰
اشیاء مختلفه	صندوق ۱۰۰	۵	۹۳	۴۶۵	۱۴۰	۷۰۰	۱۵۵	۷۷۵	۴۰	۲۰۰			۳۲	۱۶۰	۱۵۶	۷۸۰	۶۱۶	۶۱۶۰۰	۳۰۸۰
جمع			۱۲۷	۱۲۶۵	۱۶۸	۱۵۹۰	۱۶۷	۱۴۷۵	۴۰	۲۰۰			۳۲	۱۶۰	۱۵۶	۷۸۰	۶۹۰	۷۱۰۲۵	۵۴۷۰
ماکولات و مشروبات			۴۴۱۸	۶۷۷۴۴	۲۲۹۵۰	۶۲۱۴۹	۲۶۷۷	۶۳۸۵									۳۰۰۴۵	۲،۹۹۱،۲۵۰	۱۳۷۰۷۸
منسوجات			۲۵۳۰۳	۶۱۸۹۰۵	۲۱۲	۱۳۶۰۰	۱۸۸۴	۴۹۷۱۲	۳۲۳	۱۸۶۹۹	۱۷	۱۳۶۰	۳۲	۲۱۹۶	۳۳	۱۳۳۸	۲۷۹۱۲	۳،۰۷۵،۶۱۴	۷۴۶۵۴۵
معدنیات و اشیاء معدنیات			۷۷۰	۳۹۹۴	۱۲۰	۷۲۰	۹۴۳	۳۹۵۹			۳۰	۱۸۰			۲۰	۱۲۰	۱۹۲۴	۱۶۷۵۱۴	۸۹۷۲
اجزای کیمیاگری			۱۴۴	۱۲۴۵	۶۴	۷۴۰	۱۷۴۹	۷۹۵۵			۵۰۴	۲۵۲					۲۴۶۱	۱۹۵۶۷۸	۱۰۲۹۳
اشیاء مختلفه			۱۲۷	۱۲۶۵	۱۶۸	۱۵۹۰	۱۳۷	۱۴۷۵	۴۰	۲۰۰			۳۲	۱۶۰	۱۵۶	۷۸۰	۶۹۰	۷۱۰۲۵	۵۴۷۰
جمع کل [illegible] ممالک دولت علیه ایران			۳۰۸۰۱	۶۹۳۸۹۳	۲۳۵۱۴	۶۹۵۷۱	۷۴۷۱	۱۱۹۰۷۱	۳۷۳	۱۸۹۱۹	۵۵۱	۱۸۹۳	۶۴	۳۲۵۶	۲۰۹	۲۲۳۸	۶۳۰۸۲	۶،۵۰۰،۵۷۱	۹۰۸۳۵۹

[illegible]

قیمت مال التجاره [illegible] ۹۰۸۳۵۹ لیره
قیمت مال التجاره [illegible] ۳۶۴۴۵۲ لیره
فاضل مال التجاره [illegible] ۵۴۴۹۰۷ لیره
بحساب پول ایران [illegible] تومان ۱۷۴۴۳۷۰۲

صورت مال التجاره ئیکه از ربیع الاول ۱۳۰۱ الی ربیع الاول ۱۳۰۲ از ممالک ایران از بندر طرابزون بطرف فرنگستان عبور نموده

جنس اشیاء	[illegible] کیلو جوال لنگه صندوق	قیمت [illegible]	بعثمانیه مقدار	بعثمانیه قیمت	بانگلیس مقدار	بانگلیس قیمت	بفرانسه مقدار	بفرانسه قیمت	بنمسه و آلمان مقدار	بنمسه و آلمان قیمت	بیونان مقدار	بیونان قیمت	بامریکا مقدار	بامریکا قیمت	عدد بارها	کیلو	قیمت [illegible]
محصولات زراعت																	
بادام	جوال ۷۵ کیلوئی	۶	...	...	...	...	۶۲	۳۷۲	...	...	...	...	...	...	۶۲	۴۶۵۰	۳۷۲
قیسی و میوه خشک	۸۷	۲ و ۱۰ شاهی	۷۵	۲۶۲	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۷۵	۶۰۲۵	۲۶۲
پسته	لنگه ۱۰۰	۴	...	...	...	...	۶۰	۲۴۰	...	...	...	...	...	...	۶۰	۶۰۰۰	۲۴۰
مازو	جوال ۱۰۰	۵	...	...	۱۵۰	۷۵۰	۳۲	۱۶۰	...	...	...	...	...	...	۱۸۲	۱۸۲۰۰	۹۱۰
چوب گردو	۶۲ پوط	۵	...	...	...	...	۱۳۲	۶۶۰	...	...	...	...	...	...	۱۳۲	۸۱۸۴	۶۶۰
زرنیخ	جوال ۱۱۲ کیلوئی	۸	۳۰	۲۴۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۳۰	۳۳۶۰	۲۴۰
قلم	لنگه ۷۵	۹	۱۰۴	۹۳۶	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۱۰۴	۷۸۰۰	۹۳۶
کشمش	صندوق ۶۲	۲	...	...	۴۷۹	۹۵۸	...	...	...	...	...	...	...	...	۴۷۹	۲۹۶۹۸	۹۵۸
برنج	جوال ۱۰۰	۴	۱۴۵	۵۸۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۱۴۵	۱۴۵۰۰	۵۸۰
تنباکو	لنگه ۱۱۲	۹	۱۵۱۸۰	۱۳۲۶۲	...	...	...	...	...	...	۳۲۶	۲۹۳۴	...	...	۱۵۵۰۶	۱۷۳۶۶۷۲	۱۳۹۵۰۴
کتیرا	جوال ۶۲	۶	...	...	۵۵	۳۳۰	...	...	...	...	...	...	...	...	۵۵	۳۴۱۰	۳۳۰
جمع	...	...	۱۵۵۲۴	۱۲۸۶۲۸	۶۸۴	۲۰۳۸	۲۸۶	۱۴۳۲	...	...	۳۲۶	۲۹۳۴	...	...	۱۶۸۳۰	۱۸۳۸۹۹۹	۱۴۰۰۴۲
محصولات حیوانی																	
روده	صندوق ۱۰۰ کیلوئی	۱۰	...	...	...	...	...	...	۱۵۰	۱۵۰۰	...	...	...	...	۱۵۰	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰
تخم ابریشم	لنگه ۶۲	۷۵	۱۶	۱۲۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۱۶	۹۹۳	۱۲۰۰
پوست	۱۰۰	۶	...	...	...	...	۳۰۰	۲۴۰۰	...	...	...	...	...	...	۳۰۰	۴۰۰۰۰	۲۴۰۰
موم	۱۰۰	۱۰	...	...	...	...	۷۰	۷۰۰	...	...	...	...	...	...	۷۰	۷۰۰۰	۷۰۰
پشم	۱۰۰	۴ و ۱۰ شاهی	...	...	...	...	۵۴۰	۲۴۳۰	۱۰۸	۴۸۶	...	...	...	...	۶۴۸	۶۴۸۰۰	۲۹۱۶
جمع	...	...	۱۶	۱۲۰۰	...	...	۱۰۱۰	۵۵۳۰	۲۵۸	۱۹۸۶	...	...	...	...	۱۱۸۴	۱۲۷۷۹۳	۸۷۱۶
محصولات [illegible]																	
غالی	لنگه ۱۱۲ کیلوئی	۲۰	۴۲۲	۸۴۶۰	۱۰۹۳	۲۱۸۶۰	۶۲۰	۱۲۴۰۰	۶۱	۱۲۸۰	...	...	۲۵	۵۰۰	۲۲۲۰	۲۴۹۷۶۰	۴۴۶۰۰
چیت (اصفهان)	۷۵	۳۰	۶۶	۱۹۸۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۶۶	۴۹۵۰	۱۹۸۰
عبا	۷۵	۵۰	۶۰	۳۰۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۶۰	۴۵۰۰	۳۰۰۰
شال	۱۰۰	۱۵۰	۶۱۷	۹۲۵۵۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۶۱۷	۶۱۷۰۰	۹۲۵۵۰
حریر	۷۵	۱۵۰	۹	۱۳۵۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۹	۶۷۵	۱۳۵۰
ابریشم	۷۵	۱۰۰	۵۷۹	۵۷۹۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۵۷۹	۴۳۴۲۵	۵۷۹۰۰
اطلس	۷۵	۲۰	...	...	...	...	۱۵۸	۳۱۶۰	...	...	...	...	...	...	۱۵۸	۱۱۸۵۰	۳۱۶۰
جمع	...	...	۱۷۵۳	۱۶۵۲۳۰	۱۰۹۳	۲۱۸۶۰	۷۷۸	۱۵۵۶۰	۶۱	۱۲۸۰	...	...	۲۵	۵۰۰	۲۷۱۹	۲۷۶۷۶۰	۲۰۴۰۴۰
انجکه	صندوق ۱۰۰ کیلوئی	۳۰	...	...	...	...	۲۰	۶۰۰	۵۱	۱۵۳۰	...	...	۱۰	۳۰۰	۸۱	۸۱۰۰	۲۴۳۰
مختلفه	۱۰۰	۳	۸۳۷	۲۵۱۱	۲۵	۷۵	۲۸	۸۴	۱۸	۵۴	...	...	...	...	۹۰۸	۹۰۸۰۰	۲۷۲۴
جمع	...	...	۸۳۷	۲۵۱۱	۲۵	۷۵	۴۸	۶۸۴	۶۹	۱۵۸۴	...	...	۱۰	۳۰۰	۹۸۹	۹۸۹۰۰	۵۱۵۴
جمع کل اخراجات ممالک ایران			۱۸۱۴۱	۲۰۷۵۸۹	۱۸۰۲	۲۳۹۷۳	۲۱۲۲	۲۲۳۰۶	۲۹۶	۳۹۵۰	۳۲۶	۲۹۳۴	۲۵	۸۰۰	۲۲۸۲۲	۲۲۴۲۵۵۱	۲۶۲۲۵۲

هو الله [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تعالی

تعاونوا بالبر والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان

المؤید بتأیید الملک الجبار [illegible]

بر ذمت همت ذوی الاحترام الخواص والعوام واجب است که [illegible] مقام [illegible]

فی سبیل الله [illegible] لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون [illegible]

بالحسنة فله عشر امثالها خطاب [illegible] مثل الذین ینفقون

کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء [illegible]

[illegible] وجدنا [illegible] حضرت [illegible] الصدور [illegible]

[illegible]

[illegible] موضع [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] اهل اسلام و ایمان [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible] موضع [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible]

[illegible] الخیرات [illegible]

الخیرات والمبرات [illegible]

[illegible] موضع [illegible]

[illegible] موضع [illegible] کنند [illegible]

حدود [illegible] حدود [illegible] موضع [illegible]

[illegible] حضرت شیخ [illegible] موضع [illegible]

[illegible] موضع [illegible]

شیخ قطب الدین [illegible] موضع [illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] والله [illegible]

[illegible] سنه [illegible]

[illegible]

فهرست معاهدات و قرارنامها و نامجات و عدد صحایف و وقوع انها در سنوات هجریه مطابق با سنوات مسیحی			
معاهدات	صفحه	سنوات هجریه	سنوات مسیحیه
معاهدهٔ جناب خاتم انبیاء ص با طایفه ارامنه و یهود	۱	۴	
معاهدهٔ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با طایفه نصاری و ارامنه	۷	۴۰	
معاهدات سلاطین ایران با دول متحابه ایران با عثمانی			
معاهدات	صفحه	سنوات هجریه	سنوات مسیحیه
عهدنامهٔ شاه صفی صفوی با سلطان مراد رابع پادشاه عثمانی	۱۱	۱۰۳۹	۱۶۳۹
عهدنامه نادرشاه با سلطان محمودخان اول پادشاه عثمانی	۱۵	۱۱۶۰	۱۷۴۷
عهدنامهٔ فتحعلیشاه مرحوم با سلطان محمودخان ثانی پادشاه	۱۹	۱۲۳۸	۱۸۲۳

معاهدات	صفحه	هجریه	مسیحیه
عهدنامه محمدشاه مرحوم با سلطان عبدالمجیدخان پادشاه روم	۲۵	۱۲۶۳	۱۸۴۶
ایران با روس			
عهدنامهٔ فتحعلیشاه طاب الله ثراه	۳۰	۱۲۲۸	۱۸۱۳
عهدنامهٔ فتحعلیشاه جنتمکان	۴۰	۱۲۴۳	۱۸۲۸
عهدنامهٔ فتحعلیشاه جنتآرامگاه تجارتی	۴۹	۱۲۴۳	۱۸۲۸
قرارنامهٔ تعرفات	۵۴	۱۲۴۳	۱۸۲۷
قرارنامهٔ افلاس	۶۲	۱۲۵۹	۱۸۴۳
قرارنامهٔ سرحدات	۶۶	۱۲۶۰	۱۸۴۴
ایران با انگلیس			

معاهدات	صفحات	هجری	مسیحی
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه باساردنیا	۱۳۹	۱۲۷۳	۱۲۵۷
ایران با اسپانیول			
عهدنامهٔ محمد شاه طاب ثراه	۱۳۳	۱۲۵۸	۱۸۴۲
ایران با هولند			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه باکلیوم سیتم	۱۳۸	۱۲۷۳	۱۸۵۷
ایران با دانیمارک			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه با فرودریک هفتم	۱۴۱	۱۲۷۴	۱۸۵۸
ایران با سوید و نورویج			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه	۱۴۳	۱۲۷۵	۱۸۵۸

معاهدات	صفحات	هجری	مسیحی
ایران با یونان			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه با یونان	۱۴۹	۱۲۷۸	۱۸۶۱
ایران با ایتالیا			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه	۱۵۷	۱۲۷۹	۱۸۶۲
ایران با عثمانی			
قرارنامهٔ تلغرافیه	۱۶۴	۱۲۸۰	۱۸۶۳
عهدنامهٔ منعقده فیمابین دول خمسه بعد از محاربهٔ سبواستاپول			
عهدنامهٔ منعقده در فوق	۱۷۰	۱۲۷۳	۱۸۵۶
ترجمهٔ کاغذ ناپلیون سیم فرانسه به امپراطور روس	۱۷۲	۱۲۷۱	۱۸۵۴

۷

معاهدات	صفحات	هجری	مسیحی
وصیت‌نامهٔ پطر کبیر پادشاه روسیه	۱۸۲		
قانون‌نامهٔ دولت عثمانی در باب تملک املاک تبعهٔ دول خارجه در خاک خود			
ترجمهٔ قانون‌نامهٔ فوق	۱۸۵	۱۲۸۴	۱۸۶۷
ایران با عثمانی			
مسودهٔ عهدنامهٔ دوستی و تجارت که مضامین آن منسوخ و موقوف‌الاجرا گذاشته شد	۱۹۳	۱۲۸۵	۱۸۶۸
ایران با انگلیس			
قرارنامهٔ تلغرافیه	۲۰۲	۱۲۸۹	۱۸۷۲
ایران با کمپانی انگلیس			
قرارنامهٔ راه‌آهن با بارون رویتر	۲۱۲	۱۲۸۹	۱۸۷۲
فرانسه با روس			
قرار عهدنامه در باب حقوق قونسولها	۲۲۵	۱۲۹۱	۱۸۷۲

بسم الله الرحمن الرحیم

این کتابت خطیست معروف و نگارشیست مشهور و سندیست مضبوط و عهدیست که
رعایت آن واجب است از برای جمیع امت از نصرانیه و غیرهم که در اطراف
و اکناف عالم از طرف شرق عراق عرب و عجم و از جانب بلاد عرب ساکنند
خواه نزدیک باشند به بلاد اسلام و خواه دور مردمان ایشان را دور بدانند یا بشناسند
و صحیفه‌ایست و عهدنامه‌ایست لازم الاطاعه و حفظ و نگاهداشت آن بر اهل
اسلام متحتم است چرا که رعایت این امر و این وصیت را بر ذمه خود لازم
شناسد اعتقاد او بمذهب اهل بیت راسخ خواهد بود و اهلیت و سزاوار
ثواب خواهد داشت و کسی که باین تضییع و نکث این عهد نماید و مخالفت نماید
و در گذرد از آنچه امر کرده باشند بدو پس البته نسخ عهد کرده باشد در نقض
و نکث عهد و پیمان خدای عزوجل و خواری و یا ادیان مخالف باشند و سزاوار
لعنت گردد خواه از سلاطین و غیره باشند و خواه رعیت باشند از مؤمنان
و مسلمانان پس شروع کردم در این عهدنامه بذکر پیمان و میثاق که از نصاری ایشان
مامور شدم و بستم این عهد و پیمان را بشرطی که اینچنین عهدی و پیمانی هیچ پیغمبری از
پیغمبران مرسل بسته و هیچ ملکی از ملائکه مقرب را میسر نشد که در باب طاعت و ادای
فرائض محکمه باشند پس آنکه اهل اسلام باشند باید وفا بعهد معهود نمایند و
نگاهداشت ایشان نمایند و اعانت ایشان را بر خود لازم دانند در هر جا
که باشند خواه دور و خواه نزدیک در رعایت جماعت ایشان و معابد ایشان و جاهائی

که ایشان

که ایشان عبادت پروردگار نمایند جائیکه هر وقت رهبانان و کشیشان می‌باشند و در هر
مکانها که از امثال کوه یا جبال و بیابانها و غارها و شهرها و شکستها و هر راهب و سیاح
که باشند حیاطت و نگاهداشت این جماعت دین ایشان و ملک ایشان نمایند اگر
در طرف مغرب و اگر در طرف مشرق اگر در دریا و اگر در خشکی اینکه رعایت ظاهر
جزیی نمایند باید که ایشان را در پناه حفظ و امن و امان خود دارند و از هر آزاری
و مکروه بر که ایشان را مساعی حفظ و معاونت ایشان را بر خود لازم شناسند
چرا که ایشان رعیت منند و اهل ذمه منند و اتباع و اعوان اسلام اند و بر من
واجبست در هر حال رعایت و حفظ و حراست ایشان از هر گونه آزاری و دفع
که از کرب آزار ایشان بشود باید که در مطالبات و خراج زیاده از قدر طاقت
ایشان طلب ننمایند و از آنچه ایشان را امر شده تجاوز ننمایند و ظلم و ستم بر ایشان
نکنند و تغییر امور ایشان ندهند و کشیشان را از عمل خود باز ندارند و نصرا
منع از این و هر جا که دارند نشوند و در صومعه و معبد خود هر طریق که خواهند
عبادت کنند و در تخریب و انهدام کلیسای ایشان سعی ننمایند و از خانه و
عمارت ایشان را خرابی مساجد و بیوت اهل اسلام نکنند و غصب ننمایند
که رضای ایشان پس هر کس از فرموده در گذرد و خلاف امر پیغمبر را کرده
عهد و سبب فراموشی کرده و مخالفت خدا و رسول خدا باشد و از ایشان زیاده
از چهار درم یا چیزی به خراج طلب ننمایند یا یک چادر حریر قیمتی و اگر جهت خراج از
ایشان حاصل شود بر او اضافه مسلمانان خواهد بود که در بیت المال صرف
در مصرف معین صرف نمایند و زیاده از این از ایشان طلب ننمایند و چیزی اگر

عبارت صحیح است
یا نادر در متن نوشته
غلط است غلط مسلم
در فصل اهلیک

(٢)

تجارت و صحبت جمعیت خواه در بحر و بر خواه معدنی نمایند و خواه معدن جواهر و طلا
و نقره و مال بسیار داشته باشند باید از هر ده درهم یک درهم پس از آنکه دران آیین
بر شعبه باشند و اطاعت آن مذهب بر ذمه داشته باشند از ایشان چهار درهم بجز به
طلب دارند و از جمیع مطیع و منقاد این امر شده باشند باید از هر ده درهم یک درهم طلب
ننمایند بشرطیکه منزل و قایم مقام باشند و از اهل ذمه آن جمعی که اراده ای باشند
و از مسکن جا دور نباشند و جای دیگر مقامی نداشته باشند هر جزء جزیه طلب ننمایند که
اگر از دست ایشان از میراث یا جزیه چیزی باشد که مال و حق امام دران باشد
پس آن حق را از او طلب دارند و جبر و ستم بر او روا ندارند که نقد و طاقت او
و طمع در تجارت و زراعت و مواد او ننمایند و اهل ذمه را تکلیف نکنند که ایشان
اتفاق نمایند در دفع اعدای دین و در محاربه و مثل آنکه مسلمانان را اعز قوت
واقع شود اهل ذمه را جبر نمایند که با ایشان بر سر اعدا خروج نمایند و اگر ایشان را
دشمنی واقع شود و مسلمانان اسب و شتر و سلاح محاربه را از ایشان تقصیر کنند پس
هر یک اسب ... [illegible] ... و اهل ذمه اعتقادی و جبیه
اسلام نمایند و جدال ننمایند که به نیکوترین وجه و مال مرحمت و ملاطفت خود را
بر ایشان گسترده و دفع ضرر اهل شر را از ایشان نمایند و در هر مکان و جا که باشند
و اگر یکی از اهل ذمه جنایتی نماید در قتل و جرح و غیره مرا بین باب اولا لازم نداشته
که باید از او قرضه اسیر از او طلب ننمایند و طرق صحیح فیما بین ایشان جاری دارند
و از قبور و ... [illegible] ... و ... دیگر رفته که از بهر عهد و میثاق
و اعطای جزیه و خراج اهل ذمه است با ایشان دشمنی و بی ... ندارند و ایشان را امان

اهم

(٣)

اسلام همچو مهر ثبت و کفو به بود تا از زنان ... اخواسته شوند و جمعی مسلمانان متعدی
از ازدواج و انکار ایشان را با رحمت ایشان تعرض ننمایند و اگر در رضا
و رغبت خود در حباله مسلمانان داخل شوند و نکاح مسلمانان در آیند عقد دوام
یا جزء و مرد و رضای زنان ایشان رخصت دهند و هر که را اورا ارادت دارند در شوند
ممانعت و منع از آن که در نکاح ایشان در آید از آن زن نصرانیه خود و اگر از
دین منع از عبادت خانه نصاری ننمایند و در دین و آیین خود بدان طریق که خواهد
سلوک نماید و از اقتدا اجماعت و مادر آن زن را منع نکنند و جبر و اکراه
ننمایند در ترک و رفض دین و آیینی که دارد پس اگر کسی از فرموده که خواب عهد
تخلف نماید مخالفت خدا کرده بر ... پیغمبر ... جبار ذوالجلال سبب نقض پیمان
رسول خدا و در نزد حق تعالی از کاذبان از زشت خود و مرادی دست ...
و نصرانی را ... عبادت خانها و صومعه ها که داشته باشند در معنی دین خود و کرده
ناچیه مسلمانان معاونت و امداد خود را و جا را ایشان در دفع نداشته و این اعانت
از قبیل ترحم و مرحمت داشته چون ایشان اطاعت کرده اند و اولی خوار ... شد
و در پناه آمده لذا اعانت و امداد ایشان در هر باب لازم شده است و اگر
کسی از ایشان رعیت و صلح و جمیع مسلمانان و مشرکین منع رسالت او ننماید
و اگر اعانت و امداد و ... نمایند قبول دارند پس اگر او را منع نمایند
در مکان ظالمان باشند نزد رسول الله عاصی باشند و خلاف مذهب آنحضرت
نموده باشند این شرط حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله با ... نصاری
شرطها نموده بر او و دست فرموده و مقرر نموده آنحضرت با ایشان در دیر ... سلمانی

(۵)

انجاهت امری چند که اهل ذمه بر ذمه خود واجب دانند و تخلف از ان جایز ندانند
و وفا بعهد و پیمان نمایند یکی آنکه مقاومت مشرکین اهل حرب اشکارا و پنهان
نمایند و دشمنان مسلمانان را در خانه خود راه ندهند که در محل فرصت با اهل
اسلام دست یابند و اهل حرب را در خانه و صومعه خود فرود نیاورند و اهل
حرب را یاری و امداد ننمایند بسلاح تیز و شمشیر و اسب و غیره و طریق کید
مشرکین ندهند و مال خود را امانت بایشان نسپرند و صاحب حق را نزد اهل
حرب نبرند و بزبان و دست امداد اهل حرب ننمایند و ضیافت اهل حرب
نکنند مگر در جائی که تقیه لازم باشد و اگر مسلمانی در حوالی ایشان واقع شود
تا سه روز و سه شب رعایت او در ابر خود لازم دانسته و زیاده لازم نیست و از آن
دگر وه اهل شر را از مسلمانان دور گردانند و اگر احتیاج افتد به پنهان
گردن یکی از مسلمانان در منازل و اطاق و عمارات حق او را جای دهند
و مواسات نمایند و در معاش و غیره مادام که پنهان باشد تغافل جایز ندارند
و فرزندان و ازواج مسلمانان به دشمنان دین ننمایند و نشان نه دهند و از قسم نبوده
در نگذرند پس کسی از اهل ذمه در امری از این امور خیانت و تقصیر نماید شرط
و عهد را باطل نموده باشد پس بیزار است از او خدای تعالی و رسول
با او خصمی خواهند نمود پس وفا بعهد و شرط را بر خود لازم و واجب شمرند تا
روزی که خدای تعالی خواسته بود شاید است باین عهد نامه این خط که در
میان خواجه بزرگ رهبانان و رؤسا راست حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه
واله وسلم نوشته و شرط نامه در میان ماند

(۶)

حسب الفرموده حضرت رسول خدا احمد مصطفی صلی الله علیه واله نوشت این عهد نامه را
در روز دوشنبه چهارم ماه که شش از سال چهارم از هجرت گذشته است شهادت
حق سبحانه و تعالی به آنچه در این کتاب نوشته شد است من بدل منه فعلیه لعنت الله ... الخ

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین

ترجمه عهدنامه سید بنی هاشم ابن عتبه ابن وقاص بعز و حضرت رسول الله ابن عبد
المطلب بخط طالب علی ابن ابی طالب علیه السلام بخط کوفی در مسجد قبل الشهر
نبی الکفار علی نبینا و آله و علیه السلام نوشته شد در ماه صفر المظفر از تاریخ سنه
من الهجرة النبویه

به درخواست جماعتی از علمای طایفه ارامنه و ... و مصاحب ... بعضی از اصحاب
عاقب و سید عبد یشوع و ابن محن و ابراهیم الراهب و عیسی الاسقف
با چهل نفس از اکابر طایفه ارامنه و راهب بودند در عاقبت عهدنامه و ...
... ان کسی را که به قلعه ها و دربندها می فرستادم پس به سبب این ... وفا
و مصاحب ... و عهد کرده ام با ایشان از جانب خود و جمیع اهل اسلام
از شرق تا مغرب به لکه ... ایشان ... مادام که ...
و بعد از وفات ... ایشان ثابت و ... ایشان ظاهر شود و در عاقبت
عهد و پیمان ... جمیع پادشاهان عالم از مسلمانان ... و این واجب است ...
... که ... از ... ایشان ... و از ...
... و جمیع از ... ظاهر ... و ... که ... عهد

مراد و نباید بر کند و ... و نه نقصان به ... بعمل نمودن در او ...
بر کند عهد مرا و نقصان بر کند از اوامر مرا و بعمل نمودن این عهدنامه و ...
و جمیل نموده باشند بر چیزی که با ایشان داده ام با کسی که مخالفت کند مرا از
... عهد خدای ... و ... او و ... برگرد خدای را
و کافی است شهادت ... و ... و ... اسامی ایشان مذکور شد و اگر
نصاری ... نوشته مرا ... در عهد و پیمان و امان باشند بر جمیع
اهل نصاری را که ... گرفته اند ... و در این عهدنامه است ...
است میانه نصاری و مسلمانان و ... از ... عهد کرده و
دادم با ایشان ... و خوشنودی خاطر ... دادم ... این عهدنامه ...
مادام که حال ایشان مستقیم ... و از شرائط ... و ... را
از ایذا و اهانت ... و اگر ... شرط ... به ...
مسلمانان و ... را ... بزرگان مسلمانان و ... را
و تاکید ... عهد را که جماعت نصاری ... طلب کنند و اراده ... از
برای ایشان شرط ... که از ایشان ... از مسلمانان پادشاه و ...
پادشاه نقض عهد و پیمان ... و ایذا ایشان کند این عهدنامه را حاضر سازند
... پادشاه ... چیزی را که امر کرده ام تا اگر ...
نباید ... و ... و ... عهد ... نصاری ...
... با ایشان ... و جمیع مسلمانان ...
... مسلمانان و واجب ... و اهانت نصاری ... عهد ...

در ایشان کرده ام تا انکه داخل شوند در باب وفاداری نمایند بر چیزی که
به ایشان مکافات نموده ام بر این شرط و عهد نامه و این عهد نامه باید است الی
کس را قبول نماید و خشم کننده است مر دروغ گویان و اهل شک را و تا انکه
چیزی نباشد نصاری را بر آنکه از آن جماعت در برابر اسلام آراسته شده اند و
مخالفت نمودن آن چیزی که آراسته و نوشته ام در این کتاب و وفا نمودن نصاری
بر آن چیزی مستوجب دشمنی آن شده لهذا باعث آن می شود که آنکه خدا امر
نموده به منع ایشان بر دیگری که حقوق ایشان را وا می نماید از جماعت داری
جایز دارد از بهر دروغ شوند پس عهد کردم و پیمان نمودم که آن کسانی که
سؤال کردند و خواستند از من و از جمیع دوستان من از مسلمانان و دادم
بایشان عهد و پیمان خدا را از انبیا و اصفیا و اولیا از مسلمانان و مؤمنان
اولین و آخرین و که او بکردم آن چیزی را امر فرموده است خدا بر پیغمبران مرسل
و فرشتگان مقرب از حق طاعت و بجا آوردن و وفا نمودن بر عهد خدا
و رعایت نمودن نصاری را امر شده به من که من بر ایشان نقطه دارم پس بر من
واجب است رعایت کنم و نگاه دارم ایشان را از هر بدی و اذیت و آفات
رسیدن و اصحاب من و پیروان من که در بیضه اسلام و آنچه از چیز بفرستد و اداء
و به غازیان و مسند باید علی نمایند و کر قید و اگر او با ها کنند و تغییر نه
علم ایشان را و نه راهب را از رهبانیت و نه نصرانی را از نصرانیت
و تغییر نه دهند زاهدان را از صومعه خویش و منع ننمایند سیاحان و سیر
کنندگان ایشان را و خراب نکنند خانه از خانه های عبادت و دیرهای ایشان را

و داخل ننمایند چیزی از خانه های ایشان را در بنای مساجد و خانه های مسلمین و هر کس از
ناموس ایشان را و کرده باشد این عهد نامه را و نقض کند بر ایشان و شرط شکست عهد ایشان
و باشد در میان ایشان پس آنکس مرد عاصیست که چنین زده است به اسلام و لا بدل
است چیز را و آن کس را ضایع سازد این عهد و شرط را و مخالفت کند و از این
در گذرد عهد و پیمان خدا را شکسته است و مستوجب لعنت می شود پادشاه باشد یا غیر آن
از مؤمنان و مسلمانان چیزی و بر کسی نکند مگر آنکه به رغبت نصرانی باشد و به دین اسلام درآید و بحث
نکنند با ایشان مگر از روی لطف و آشتی و بالند بر ایشان بال رحمت را و دفع نمایند
بدی را از ایشان و در هر جا که پیدا باشند و در هر مکان که باشند و اگر اهل ذمه
محتاج شوند به مسلمانان در مرمت عبادت خانه و صومعه و مصلی شهر و دیار
و خانه های مسلمانان باید مدد نمایند ایشان را و به هند با ایشان و یاری نمایند
به حصه از بیت المال و از اطراف قرض حسب نمایند مگر به طریق احسان
و تقویت بر مصالح کار ایشان و وفا به عهد است از برای ایشان و منت است بر خدا
و رسول خدا بر ایشان و آن کسی که مخالفت این شرط کند ظالم است و بر پیغمبر خدا
عاصی است و از حق رسول خدا دور شده است و از او را اطلاع نمیشود و اگر
وفا نماید و تمام کند این شرایط را که قرار داده ام و به امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب
علیه السلام وفا کند بر آنچه بر ایشان قرار داده است او و بر مسلمانان است
رعایت کنند این را و مخالفت ننمایند تا آنکه بر تابید فان و ساعت آخر شود

و کفی بالله و الحمد لله رب العالمین

والسلام

هو الله تعالی شانه العزیز

سلطان ١٠٣٩ صفی

صورت عهدنامه در سنه ١٠٤٩ هجری فیمابین باب دولت جاه شاه صفی طاب ثراه
و سلطان مراد رابع سلطان عثمانی منعقد گردیده

بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله بیده مقالید الامور و نفذ
کل شیء و الصلوة و السلام علی نبیه الکریم محمد المفضل اوتی الحکمة و فصل الخطاب
و علی آله الکرام و اصحابه العظام خیر الآل خیر الاصحاب   چون جناب
ذو العرش المجید دارا و حضرت فعال لما یرید ابد انتظام عالم و رتق و فتق
امور بنی آدم منوط بر آیه کریمه الذین عاهدوا و نظم کریم والموفون بعهدهم اذا عاهدوا
اولان سلاطین روی زمین و خواقین دوران مرتبت تزاید و الفقرتین
بسته و موقوف اولوب زر جناح حمایت زبده ممالک اسلامیه نوروزون
ایمن و سالک مؤمنین کمال امن و سلامته رهین اولمق خصوصا حق
خلیفه فی الارض رتبه عالیه سلطنت کبرای مزبوره و طبقه سامیه مزبور منقبت
جمیع طبقات لیه وب خدمت حرمین الشریفین شرفهما الله تعالی سعادت ابدا
قرین حضرات منه شرف و متابعت سنت سنیه حضرت رسول الثقلین صلی الله
تعالی علیه و سلم ایله دایره دولت و سلطنت مزبوره و سعت و بسطت و برودت
درون صفا مشحون انوار محبت آل و اصحاب ایله جلا و شعشعه و پرتو
طارق پرتو فیضان سبب رستگاری روز جزا اولوب فاحکم بین الناس بالعدل
مواجب اوزره ممالک عدل و داد و جاده و افی الله حق جهاده ایلرلازم
الاتباع اوزره سالک مسالک غزا و جهاد ایده وب ان ینصر الله ینصرکم فحوای

ترابی

شرایف دولت اندیشه مزبور مقتضای طبیعت ابد علت همیشه کار دولت مزبوره اولنمغه شرط ظفر قرین
مجری و مخ کفار شرکین و چون سد اسکندری و کوه مرصد ممالک محروسه حصن حصین
استحکام لازم دولت روز افزون مزبوره ثبات و دوام سلسله سلطنت ما بومزه ابد
الدهر استقرار و استحکام و لوازم حارس لا تعد نعمائه قدسیه ذاته و اسمائه عالیحضرت
معالی منقبت سامی مرتبت گرامی منزلت مسند نشین اقلیم ایران حامی فارس خاندان
فرمانفرمای ملک عجم شاه صفی دام منظور نظر عنایت ربانی اولوب حضرت مصافات ظهور دعوات
صافیات و تسلیمات وافیات ائتلاف و اهدا اسندن صورت اتحاد ارسال اتحاد
بودرکه مخفی علیه گروهان دقایق رسیده و منتبه عالم مدار منزه بین الاعیان مجرد قاله
زر فضل سلامت و ساطت نامه و حق خانه سرای و اصدار اولوب خلاصه محروی
خلاف اجتماع و جمعیت جمع مروت ابت الفت غرای تغییر و تبیان و التیب تجدید
محبت کریمه کرامت نشان تقریر و تبیان ایدوب صراط مستقیم مصافات مهتدی
و شیمه کریمه قرآنیه مقتضی اوله ایله طالب صلح و صلاح و راغب فوز و فلاح
اولوب بالفعل وزیر اعظم عالی المقدار و جانب سرحده سردار و سپهسالار بر
اولان دستور اکرم مشیر افخم نظام العالم ناظم مناظم الامم مصطفی پاشا ادام الله
تعالی اجلاله به گونه بیان و کیفیت عهد و مجاری و المفارقین صادر و فرمان نفاذ رسیده
نواب ام مجلده علیه اولوب لنفیذه انتظام امور مصالح و عهود و تعقید قضایای
قطع حدود و خصوص شرایط رعیه و سکنه اولنوب بزاده ولقوریایکان است لرنه
اولان مسئوره حدود و کرجستان و باورایه تمام مطلق جانب ما بومزه مستقل اولوب
سند لیلی حضرموت و درتنکه دار نجه شهرزور تمام مملکت مزبوره ریشی اولوب حیثیده اولان

صوالری اوجانب همایونه اولوب ویا بنده اولان طاق اوته طرفده قالوب
ودرنه ودرتنگ بیلی ایله سنور تعیین اولنوب وجانب همایونه اولدوغی جانب
حضرت اربون حضبه الدین وداره وتابعلری اولنلر قبیله لر طرفی سریخ اولوب
بیره وزنجیر قلعه لری اوته طرفده قالوب طاق اوزرنده واقع اولان زنجیر قلعه سی
هدم وخراب اولوب قلعه مهربان [illegible] طرفنده اولان کوه [illegible]
جانبه اولان وشهرزور قربنده طاق قلعه سنک اوته طرفنده واقع اولان طرفدن
قلعه [illegible] اولان اطرافی جانب همایونه ضبط اولنوب داورمان
قلعه سی [illegible] ایله اوته طرفده قالدی شهرزور ومریوان کده واشنو
اولوب قزلجه [illegible] جانب همایونه ضبط اولنوب ومهربان [illegible]
ایله اوته طرفده قالدی وان [illegible] قلعه لری جانبنده معاریو قلعه
لری طرفیندن نقض اولنوب اوزره قرار ویرلمکله مشار الیه کرک برشروح
کلری قول وقراره رعایت اوله بیلکی وجنابعه معاهده ومصافات مراسمین رعایت
ومراعات ومراعات لوازمی مجتنبات اولوب اما مره وقتا فوقتا
تعهد ایده دکلرینه کوره دفعه لرینی اجتناب ایده دکلری اول نامه
نفس ایده وب حبا کزدن کلان وسیله مخصوصه ایله جانب همایونه اولنمش ایسه
ایده دکلری اجلال [illegible] الایچ مجد [illegible] علایق وجب
دارلش ممالک [illegible] برمحل قرار داده ومصالح شرطلری اصل ربته
قبول نقوب قول شرطلری مقرر حدودده قطع وتعیین اولنان سنور وحدود
داخلنده واقع اولان جانب همایونه ستور وضرب وسابق اوله ایده نزله

مجردان وممالکدن مجرب اولان مهر ومراضه دن وصحاری دار ارضیدن
قزلباش طایفه سنک هکذا بر موجب اکرارافی عمرنا اکر طایفه دراسی اولوب
بن موارد سه منقضا مخبر ونوابع ولواحقیه مرکلدان بارکاه اعلایه معتمدان
درکاه معلادن ضبط اولنه اوله وذکر اولنان مواد دول ابجدده قارس وان
وشهرزور وبغداد وبصره نک وسایر سنورلرینه داخل اولان قلاع وبقاع وبلاد
واراضی وصحاری وبراری وتلال وجبال اوطه طرفدن دخل وتعرض اولنمیه ابدی
حط حکم لارده فالا براهیم خان سعادت افزا قرنده اصلا فکره کدر کتیرلیان
عهد اکنک جلوه وبصره عرکه ایده الدریع النعمة کلام قصبجه سی اوزره زیر
حکومت اولنه بعض اکثرو ادا ما عباسه دخی صاحب تسنمین دخی الذوین ورده
سلطنه رسول الثقلین وسایره اصحاب کزین ودانسه مجتهدین رضوان الله تعالی
علیهم اجمعین حضراتنه ربان دراز لقبله رخصت دربوب منع اولنمیه ورد
وره وجه رخصت ویرلیوب هر بو جمع قرار داده اولا انتهاد الفرودن
ثبات وفا ایله مقرون اوله مادامی او جانب کزدن خلاف عهد ومیثاق
ومرحب اختلاف ونفاق بر وضع ظاهر اولمدیه وانفکارا اولنیه طرف
کامرانی شرف نامنا نزدن دخی بو مثال مذکور مجرد ومسطور اولان شروط
وقیودی مرعی قلنوب لاریب کره تعرض اولنیوب اکرن ارسال اولنان
عهدنامه کز مقابلسنده ایسه بو ملوک همایون صدق نشان مرتکب اولسه لکوزه
ودیوان قطنده ره بنده خصوصیت بو طرف ودولت مراسم القلت دخی
فزقی معطف اوله وشفه سعد وشرف الفدی بطورت اجتناط بارنامه نزله

مفتوح و باب مهر اداب ارباب رسالتی که در حقیقه ادا نماید و کدن جنگ و اجازت
عیدیه از جانبین گرفته صورت والظرافه در حقیقه اولین نامه ما بین مفهوم شده مهین
اولیان درگاه سعادت دستگاه هر طرف گردیدن اتفاق را ما بین دو دولت کار م
مقرر فرمودند که دایم مجدد باید هر با تقریب دروازه اوله برد هراه اصلاح اهالی
و هر دو دولت مظفر جهان ملک نشان هر رب العالمین با لنبی و اله الامجاد و اولیا

شهر شوال ۱۰۳۹

صورت عهدنامه نادر شاه و رضا خان جانبین و سلطان محمود خان اول سلطان   عیسوی ۱۷۴۷
عثمانی منعقد گردیده ۱۱۶۰

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی اقام عمود الصلح بیقظه قلوب السلاطین و اجری عیون الامن
بین الانام بانظار الخیر فی مرایا افکار الخواقین و الاساطین و جمع بالفتهم
امر امور المسلمین و اذهب غیظ قلوبهم بتحریر عهود و رسوم من علوه عقوده و امرهم
بایفاء العهود کما ورد فی کتاب المجید یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود
و الصلوة و السلام علی رسوله محمد صاحب المقام المحمود و علی آله و اصحابه لاسیما
خلفاء الراشدین الذین بذلوا فی اصلاح الدین غایة المجهود   چون
در شهور این ایام مصالحه میان اهالی ایران از خوانین سابقه ماسنده می
قبول سلطنت شده بنا بر آنکه از بدو خروج شاه اسماعیل صفوی سبب ورفض
در ایران شیوع و معادات مخالفت میانه روم و ایران ظهور و وقوع داشت
نظر به مذهب حنیف اهل سنت و جماعت و هر خلفا را با وکرام و اسلاف عظام بوده

از سلطنت ایشان محافظه دیده از آنکه التماس کرده از آن کرده ما هر شر او فسخ شود
در درگاه دولت علیه بالسان و دیگران تارک لا طائفه و حقیقت خلافت خلفا کبار
رضوان الله علیهم نایل شده تحصیل مسئول ما هر خواهند شد ایشان هم حکم اقدس را
قبول و از حالات سالفه تکول کرده حقیقت مصیبت قرة الاعین عظم سلاطین
جهان و اعظم خواقین دوران مهدی سلیمان حشم خدیو خورشید علم ناصر الاسلام
و المسلمین قامع الکفرة و المشرکین خاقان البرین سلطان البحرین ناشر السکة فی الخافقین
خادم الحرمین الشریفین برادر جهان داور گرامی درگاه پادشاه اسلام پناه ظل الله
السلطان الغازی سلطان محمود خان مد الله تعالی ظلال خلافته علی روس العالمین
خلیفه اهل اسلام و فروغ سلطنت دین شرکانیه لعقد برادری بیت الخلافه بین الحضرتین
و رفع خواهش شوره و دولتین از جانب قزلباش نواب همایون ما مطالب خمسه الحاد
و اتفاق سابقه مسطور است لاکه شاه سکندر دستگاه قبول و مدار گذار اعود
سفرای آنحضرت شده و راسخ بقبول و داد ورا بغداد رسید علیه و حمایت
علیه مرکز اسلامیه موجب نزاع فزاع خاتم خواهشمند فسخ ابرام کرده مذاکره
نواب همایون در باب محبت علیه کلی از اظهار ارتباط مشهور ایران رفع
تناقض و رفع بناقض و از اله جدال و از اله اثار جدال مسطور در هر شایستیم لکن
بنا بر خواهش آن پادشاه سلیمان مقام و حفظ ناموس اسلام تکالیف معهوده
متروک و طرق مسالمت مسلوک داشته ابن نبیله ارام گرفت را که که فلک رحمت
اعلام نمودیم لاجرم مفرز از ممالک عراق و الوند ما هر کمان در از منه سالفه سلاطین
ترکمان متعلق داشت و به سبب اختلاف اکبر شاه اسماعیل به دولت علیه عثمانیه انتقال

با فرط محبت و اتحاد رسیده در درگاه و بر طبع اقدس پادشاه اسلام پناه شاق و منافی لطف
رسم وفاق بنابر آنکه از آن ممالک محروسه عظیمه از آن حضرت بحوزه ممالک محروسه
این طرف القا بود آن حضرت را از راه برادری در رد و قبول مطالب رسا و حسنه
و وعده نامه ها بود از اول دولت و الاستحباب اتفاق را الا وجه لطف اقدس عز
و علو الحبیبه امتزاج با فرط محبت اگر به نظر عبارات منکره و مسائل مردوده از
دولت علیه در اعلان از آنها [illegible] عظمی ربوبیت [illegible] لیکن عینی را متمم میدارم
لکن بنابر بعضی جهات خاطر اقدس مشتمل بر آن است که بجزئیه موارد سابقه منقح شد
از این مطلب نیز برای رفع الکلفت و التیام اتفاق و اخلاص و صفا که ایام
خلد مراتع سلطان مراد خان رابع مجدد و معین گردید [illegible] در زمان دولت
عظمی و اخلاف کرام و اعقاب عظام سلاطین در عرصه روزگار باقی و پایدار
بماند از آنجا که اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه وعده [illegible] مجدد و در وجوه
محبت را معقود موافق [illegible] فرموده لذا نیز مراعات [illegible] را بر
خود واجب و رضا جوئی خاطر آنحضرت را از [illegible] مطالب و اعظم
مراتب شمرده قبل از ورود نامه مشکینه الختامه [illegible] اسلام را
بحسن ارتقا مقرون و منعقد برای بنای امر [illegible]
و لیکن [illegible] ترکیب اساس و شرط [illegible]
استحکام پذیرفت اساس صلح [illegible] خاقان خلد مراتع سلطان مراد خان
رابع و رافع [illegible] مقرر بوده و جهان
دستور را استقرار داشته [illegible] آن راه [illegible]

و نتیجه در بنام [illegible] بعد آنچه لایق شأن طرفین و مقرون بصلاح و لایق [illegible] و از امور
مهمه [illegible] که دوست و دشمن [illegible] مصالحه و مسالمه بین الطرفین اجتناب شده
ان شاء الله تعالی [illegible] دوستی و محبت در میان دو دولت علیه [illegible] زاده
گردیده و دوام الایام و الی الابد قائم و برقرار بعد [illegible] حجاج ایران
و زوار [illegible] عازم بیت الله الحرام باشند ولاة و حکام [illegible]
ایشان [illegible] احوال
را لازم دانسته از برای تاکید مودت [illegible] در سال [illegible]
در ایران و از ایران در [illegible] بعد [illegible] ایشان از طرفین داده شود
امرا از طرفین رخصت [illegible] ایشان [illegible] هر کس [illegible] بوطن خود
بدون ممانعت ایشان [illegible]
اخراج [illegible] ایران احوال [illegible]
اعمال [illegible] در اصول عقاید و مذهب اهل سنت [illegible]
را [illegible] و الکعبه المعظمه و مدینه منوره [illegible]
اسلام [illegible] از طرف روم [illegible] حجاج آن مملکت [illegible]
اسلامیه [illegible] از ایشان [illegible]
و همچنین در [illegible]
[illegible]
[illegible]
از اهل ایران بروم و از روم به ایران [illegible] تسلیم شود

لهذا بجهة رعایت مسطورات را منظور داشته عهد نمودیم در مصالحه که مادام عهود و شروط
مبنیه بین الدولتین و اعقاب و اخلاف حضرتین مرعیه و برقرار و مخلد و پایدار بوده
مادام و از جانب آن دولت علیه امری مخالف عهد و میثاق بظهور نرسد از این طرف
نقض عهد و قواعد مسالمت نخواهد شد فی شهر ... تحریر ... و از اوایل

حرره العبد الراجی ... حرر فی ... محرم الحرام
۱۱۶۰ هزار و یکصد و شصت هجری

صورت عهدنامه فیمابین خاقان خلدآشیان مغفور فتحعلی شاه
و سلطان محمود خان ثانی سلطان عثمانی مغفور لهما

۱۸۲۲ مسیحی — ۱۲۳۸

بسم الله الرحمن الرحیم

غرض از تحریر این کتاب مستطاب آنکه در این چند سال بسبب حدوث بعضی حوادثات
در میان دولتین علیتین اسلام روابط صلح و صفوت و ضوابط ودّ و الفت قریب به
تبدل بنقار و خصومت شده در این وقت که وجوب بعضی جهت جامعه اسلامیه
و عدم رضای طرفین به سفک دماء و وقوع آنگونه حوادث و غوغا اعاده رسم ورود
دیگر به دوستی و محبت از جانب دولتین فخیمتین اظهار رغبت و میل شده لهذا
در جنب خاقان المعظم فریدون فرّ کیوان رفعت فلک بخت ملک سپاه کیوان آرایش تاج و گاه
عدل پرور دادگستر جامع الاسلام و المسلمین جلال الدنیا و الدین غیاث الحق و الیقین
خاقان الخاقان ظل الله فی الارضین حافظ حوزه مسلمانان سلطان سلاطین جهان
دارا در جمشید جاه سلیمان دستگاه اسلام پناه رعیت‌پرور کیهان خدیو ملک

جهان تاج‌بخش شاهنشاه ممالک ایران الخاقان ابن الخاقان الخاقان فتحعلی شاه خلد الله
ملکه و سلطانه و افاض و حکم امور دولت علیه قوی دولت دنیا و دین وجه عالی ترک
و جاه داری ملک رکاب کیوان همت برجیس فطنت فلک فرّ ملک سپاه ... رکن
جلال عضد رکاب اقبال پادشاهزاده آزاده ولیعهد دولت علیه ایران عباس میرزا
عز نصره این عهد همایون و جاه‌گر جهان‌شدار وکالت نامه شاهی مخصوص و مباهی گشته از جانب
دولت علیه عثمانیه نیز از جانب والامجدان العهد کیوان منزلت عرش فلک بنیان زمره آفاق
نامه داری پادشاه اسلام پناه سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین
الذی که والفاتحه السلطان ابن السلطان الغازی سلطان محمود خان ابد الله تعالی
ملکه و اقباله و کان ... کتاب عزت لقاب لایق انتساب جلالت‌مآب ... سمت
امیر کبیر ... لطف اشرف ... محمد ... الامور ... الصاحب عهده ... الکرم ...
ولایت ارزنة الروم و سر عسکر جانب شرق محمد امین رؤف پاشا دام مجده عطا و
شفاها این عهد همایون ... جانب سر عسکر ... گماشته
ما بین خود که عقد معاهده که مصالحه مبارکه با تحریر آن ... طرفین ...
اساس ... هزار و یکصد و ... بر موجب مصالحه و عهدنامه ... واقع
عهد و ... و شرایط سابقه که از امر حاج ... و ... و مستلزم
امر و ... معین ... در ... میان ... بین الدولتین باقی ... و مبنی
لهذا ... و ... قارن ... شده ... علیتین شرایط
دوستی و تقضای الفت و محبت ابداً ... باشد شرایط ... عهد ...

وحشم در ایام بهار و تابستان در ییلاق سابقه و از موارد که موجب کدورت و منافی سلم
و مصالحت بوده قطع نمایند و آنچه داخل حدود قدیمه دولت علیه عثمانیه میباشد
چه در اثنای حرب و چه مقدم بر آن هر قدر از اولیای دولت علیه ایران برآمده
بغیر از قلاع و اراضی و قصبات و قرا از تاریخ این سند تا باختتام مدت شصت
روز بطرف دولت عثمانیه تا تسلیم بعد و مراعات حدود ابتدائیه که قبل از جنگ
گرفتاران طرفین را بلاکم و کاست تخلیه و ابرا کرده و آنچه در اثنای راه مخارج
الیه لازم شود از ذوقات و غیره اعطا شده بر حدات طرفین انتقال شوند
طوایف و ایلات حیدرانلو را در امور واگذاشته که هرگاه [illegible] خالیه از [illegible]
و کردستان و حدود اکراد ایلات اکراد را با زنان بسته و در جمیع حال و از جهات
سنجاق و کردستان را داخل چادر و مبیک تمام الاسباب ده جهان الوجاع از طرف دولت
علیه ایران مدافعه و تعرض و تجاوز نکنند و در تصرف سابق و لاحق منقاد مطیع شوند
و در حوالی مذکوره اگر از ایلات طرفین به ییلاق و قشلاق عبور نمایند و باب
رسومات عادیه ییلاق و قشلاق و سایر رعایای و وقوع یابد مابین وکلای
نواب ولیعهد دولت ایران و والی بغداد گفتگو شده رفع نمایند و باعث
کدورت بین الدولتین نباشد بلکه بقیه از ایلات ایران بجمیع قرب بر و بر
منازل و سایر بلاد اسلامیه آمد و شد مینمایند مثل حجاج و تجار و زوار و
مترددین ایلات بلاد اسلامیه رو به مسافرت مینمایند و از ایشان باج و گمرک
و سایر دعای خلاف قانون شرعیه مستند جزئی مطالبه نشود و گذرنامه از نوار عتبات

عالیات مادام که مال التجاره نداشته باشند از ایشان چیزی مطالبه باج و خراج نشود
و اگر مال التجاره داشته باشند موافق حساب گمرک سطله (؟) به نقاط پایتخت طلب نمایند
و از طرف دولت ایران نسبت به تجار دولت عثمانی و اهالی ایشان بر همین وجه رفتار
نمایند و بمقتضای شرایط سابقه قبایل در حق حجاج و تجار دولت علیه تقیید و اجرای
شرایط تربیه از جانب وزرای عظام و میرمیران کرام و سایر ضابطان و حکام
دولت عثمانی کمال دقت و رعایت شود و از شام شریف الی حرمین محترمین
در زاب و ایاب از جانب امیر حاج همراه بودن نظارت حال ایشان شود و علاوه
شرایط مسطوره واقع شده و در حق ایشان نزاع رود در حمایت امیرحاج رعایت
بموجب شرایط مذکوره بدون امتناع توجه برفع آن نمایند و از معذورات جسیمه
شاهنشاهی و حرمهای شاهزادههای عظام و سایر اکابر دولت ایران و مکه معظمه و
عتبات عالیات سبب و بمقتضای رتبه ایشان حرمت و احترام نمایند و گذارندگی
در خصوص رسومات گمرکی از تجار ایران و ضبط اموال دولت علیه عثمانی
سابقه مقرر شد و در مال التجارت ایشان که فقط بقرار گمرک خود و چهار فروش گمرک
گرفته و بیت المال ایران نه گرفته و اداره و امر تجارت ایشان بیرون دیگری
منعقد شده است از ایشان گمرک گرفته شده و تجار ایران که مال التجاره چون و فرنگ را از
راه بنادر اسلامبول و سایر بلاد و دوم می آورند و بیع و شری میمانند یک نقد
اکتفا نشود و در هر کس مزاحم هیچ نمایند و از تجار دولت دولتین طلبیده
و به ممالک طرفین آمد و شد مینمایند بمقتضای عهد عامه اسلامیه معامله و سختگیری ننمایند

از ابتدا و اقرار محفوظ باشند

ماده سیم از عشیره حیدرانلو و سبکی که در مابین متنازع فیها بوده و اکنون در خاک
دولت علیه عثمانیه ساکن می‌باشند مادامیکه در تحت اطاعت اگرچه در ممالک
ایران تجاوز کرده خسارت زنند سرحدداران ایران منع و زجر ایشان را وقت
نماید اگر در تجاوز و خسارت اصرار نمایند و از ضابطان سرحدات
منع نپذیرند از تصاحب ایشان دولت عثمانیه گذشت نماید و اگر ایشان به رضا
و رغبت خود بخاک ایران کوچ کنند دولت عثمانیه ایشان را مانع و تصاحب ننماید
و بعد از انکه بطرف دولت علیه ایران کوچ کرده بعد اگر بخاک عثمانیه بیایند قطعا قبول
و تصاحب از ایشان نشود و در صورتیکه بطرف ایران کوچ کنند و بعد از ان اگر از
حدود دولت عثمانیه تجاوز کرده خسارت بزنند سرحدنشینان دولت ایران
در منع و تجاوز ایشان دقت نمایند

ماده چهارم بموجب شرط قدیم فراریهای از جانبین تصاحب نشود و کذلک
از جمله عشایر و ایلات هرکس و هر ایل از دولت عثمانیه بدولت علیه ایران و از
دولت علیه ایران بدولت علیه عثمانیه گذر کند بعد از ان گذشتگان تصاحب
نشود

ماده پنجم انچه در دارالسلطنه اسلامبول و سایر ممالک دولت عثمانیه اموال تجارت
ایران موقوف مانده [illegible] ضبط شده [illegible]
[illegible] باشد بمعرفت [illegible] و بمعرفت شرع و معتمد دولت

ایران تصاحب ان اموال تسلیم شود و سوای اموال مذکوره انچه در اثنای وقوع حوادث
از حجاج و تجار و زوار و سایر اهالی ایران در ممالک عثمانیه از جانب بعضی وزرا
و ضابطان جبرا و قهرا گرفته باشند بعد از اظهار و اخبار دولت ایران از دولت
علیه [illegible] بر طبق ان تعهد و کیل ایلچی‌ها در [illegible] از اثبات شرعی گرفته
تسلیم شود

ماده ششم در ممالک دولت عثمانیه از اهالی ایران کسیکه فوت می‌شوند اگر وارث
و وصی شرعی نداشته باشند امین بیت المال ترکه ان متوفی را بمعرفت شرع
در دفتر کرده بمعرفت سجل شرعی [illegible] و ان مال را بعینه [illegible] تا مدت یکسال
حفظ نمایند و کسانیکه وصی شرعی او باشند بموجب ثبت سجل شرعیه اشیای متروکه
تسلیم شود و در رسوم [illegible] اشیاء را گرفته باشند و ان اشیاء اگر در
مدت مذکوره حرق و تلف شود ادعای ان نشود و اگر در مدت مزبور وارث و
وصی نیامد ترکه محفوظه را امین بیت المال باطلاع معتمد دولت ایران فروخته
ثمن او را محفوظ نمایند

ماده هفتم بموجب شرط سابقه براینکه بعد از این [illegible] در هر سه سال یک نفر از
طرفین [illegible] مقیم [illegible] و هرکس از طرفین در اثنای
حرب [illegible] ایشان [illegible] مصالحه [illegible]
اهانت نشود

ماده هشتم انچه از اساسی و شروط و مواد [illegible] مذکور شده [illegible] محمره
[illegible] لذا که قرار داده شد از طرفین قبول گشته ادعای اموال منهوبه و

حکایات و مصارف جریده را از جانبین معاف و معفو کرده صرف نظر فرمایند
و از جانب دولتین علیتین ایلچیان و سطا از تاریخ این سند الی مدت شصت روز
در سرحد دولتین تعیین گردد ملاقات کرده تصدیق نامه‌ها با سند نامه طرفین ایصال
و تسلیم شود تا این معاهده خیریه و مسالمت حقیقیه از تاریخ تحریر سند مرعیا و معتبر
و مرعی بوده از هر جهت تأیید گردد و رعایت و محافظت منطوق و مفاد شروط مذکوره در این
و خلاف این عهود و شروط معقوده در مرابطه از جانبین وضع و حرکت و معامله
جایز ندارد و از جانب جناب وکیل مشار الیه نظر به رخصت کامله از جانب
دولت عثمانیه در این تاریخ هزار و دویست و سی و هشت نوزدهم شهر ذی قعده الحرام
یوم کشنبه این سند ممهور شده و از این جانب نیز این عهد نامه که دولت علیه
ایران رخصت کامله حق اساس و شروط و مواد مذکوره را او هم مشروط و مقبول
نموده این سند تحریر و تکمیل شد که بدست جناب مشار الیه داده و تسلیم شد بالیمن و السعادة
و الخیر و البرکة و الحمد لله اولا و آخرا و ظاهرا و باطنا
۱۲۳۸ هجری

صورت قرارنامه فارسی که فیمابین پادشاه رضوان جایگاه ایران محمد شاه
نور الله مرقده با سلطان عبد المجید خان سلطان عثمانی
استقرار یافته سنه ۱۲۶۳ هجری ۱۸۴۶ مسیحی

بسم الله الرحمن الرحیم غرض از ترقیم و نگارش این کلمات خجسته دلالات
آنکه از آنجا که بین طرفین چون فیمابین سلطنت جاوید آیت سنیه و دولت دوران

عدت

عدت عدیده ابد الدوام دولت عثمانیه بعض عوارض و مشکلات حدوث و وقوع
یافته بود بنابر مقتضای استحکام اساس دوستی و الفت و ضوابط سلم و مصلحت
و جهت جامعه اسلامیه فیمابین دولتین علیتین در کار رد اشکالات مسطوره و کلای
طرفین علیتین بران متفق می‌شدند با تسویه و تنظیم امور مزبوره را از وجه
مرضی و مناسب و موافقت شان دولتین علیتین و تأکید بنیان صلح و مسالمت
و تشیید ارکان موالات و مودت از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت
شده برای نظم و انجام امور عارضه مذکوره و تنظیم امور متعلقه رخصت کامله
اعلیحضرت قدر قدرت کیوان حشمت ملک مدار فلک اقتدار شهنشاه تاج
و سریر جهان الاسلام و المسلمین جلال الدنیا و الدین غیاث الملة و الدین خاقان
البرین و البحرین ظل الله فی الارضین حافظ حوزه ملت و ملک و دولت جمشید جاه
دارا دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زینت بخش تخت کیان افتخار ترک
جهان خدیو ممالک ایران شهنشاه ممالک ایران السلطان ابن السلطان ابن
السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان محمد شاه غازی لا زال اعلام ایام
سلطنته فی ظلال الله جلاله و زین فلک قدره بمصابیح کواکب الاقبال
امکان جاه ... میرزا تقی خان وزیر که منصب نظام و تنظیم کرمانشاهان
مبارک نیز حضرت مرتبه اول و امیر نظام افتخار خاص نیز است و وکالت
جانب و مخصوص گشت و نیز از طرف اعلیحضرت کیوان منزلت شمس فلک خلافت
جهانداری تاجداری پادشاه اسلام پناه سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین
الشریفین ذو الشوکة و الشأن السلطان ابن السلطان سلطان عبد المجید خان

جناب جلالت و عزت نصاب افادت انتساب انوری زاده السید محمد نوری سعدالله افندی
که از اعاظم رجال دولت علیه عثمانیه و حائز صنف اول از رتبه اولی و نشان
مخصوص آن رتبه است مرخص و نایل شده به وجه احسن اصول عادیه به ابراز و نشان
دادن و ملاحظه و مبادله وکالت نامه‌های مبارکه که اتفاق معاهده مبارکه در ضمن
نه فقره اینه قرار داده شد و در ضمن کتاب مستطاب بیان و در مجلس منعقده ارزنة
الروم مبادله می‌شود

فقره اول دولتین اسلام ادعای نقدیه مطلوبات نقدیه طرفین را از یک
دیگر ادعا می‌کردند کلیةً ترک کنند ولکن این فقره مقاولات ثانویه مطلوبات
مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خلل نیابد

فقره دوم دولت ایران تعهد می‌کند که جمیع اراضی سهلیه ولایت ذهاب یعنی اراضی
جانب غربیه آن را به دولت عثمانیه ترک کند و دولت عثمانیه تعهد می‌کند که
جانب شرقیه ولایت ذهاب یعنی جمیع اراضی جبالیه را با دره کرند به دولت
ایران ترک کند و دولت ایران قویاً تعهد می‌کند که در حق شهر و سنجق و ولایت
سلیمانیه از هر گونه ادعا صرف نظر کرده به حق تملک که دولت عثمانیه در ولایت
مذکوره دارد وقتاً من الاوقات به طور دخالت و تعرض ننماید و دولت عثمانیه
نیز قویاً تعهد می‌کند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی
یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است
به ملکیت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهد داشت که کشتی‌های
ایران به آزادی تمام از محل ریختن به بحر تا موضع الحاق حدود طرفین

در نهر مذکور

در نهر مذکور آمد و رفت نمایند

فقره سیم طرفین متعاهدین تعهد می‌کنند که با این معاهده حاضره سایر ادعاهای خاکی را
در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلا تأخیر مهندسان و مأمورین را تعیین
نموده برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود ما بین دولتین را قطع نمایند

فقره چهارم طرفین قرار داده‌اند که خسارات که بعد از قبول اخطارات
دوستانه دو دولت بزرگ واسطه در نهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۱ تبلیغ و تحریر طرفین
شده و هم رسومات مراعی از سال حلول تأخیر افتاده برای اینکه ساعیاً از روی
عدالت فصل و احقاق شود از دو جانب بلا تأخیر مأمورین را تعیین
نمایند

فقره پنجم دولت عثمانیه وعده می‌کند که شاهزادگان فراری ایران را در بروسه
اقامت داده غیبت آنها را از محل مذکور و مراوده مخفیه آنها را با ایران
رخصت ندهد و از طرف دولتین علیتین تعهد می‌شود که سایر فراری برحسب معاهده
سابقه ارزنة الروم عموماً رد شود

فقره ششم تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه و
جاریه اموال مذکوره نقداً یا جنساً به نحوی که در معاهده منعقده ارزنة الروم
در سنه ۱۲۳۸ در ماده مربوطه به تجارت است مسطور شده ادا کنند و از مبلغ مندرج
مذکوره تا تکمیل شده علاوه و مطالبه نشود

فقره هفتم دولت عثمانیه وعده می‌کند که برحسب معاهده امتیازات سابقه ادای امتیازات لازمه

بغیر از حق زوار ایرانیه اجرا دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند
بکمال امنیت محلهای متبرکه را که در ممالک دولت علیه عثمانیه است زیارت
کنند و همچنین متعهد میگردد که برای استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم
فیمابین دو دولت اسلام و تبعه طرفین برقرار است از هر جانب تدبیر و سعی را استعمال
نماید تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت علیه عثمانیه بجمیع امتیازات نایل میگردند
سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره ور بوده خواه در تجارت و خواه
در مواد سایره از هر نوع ظلم و تعدی و بی حرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این
بالیوزهایی که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار
ایرانیه بجمیع محلهای ممالک عثمانیه که لازم بیاید نصب و تعیین شود در حق آنها
و در حق تبعه و تجار دولت عثمانیه که به ممالک ایران آمد و شد میکنند معامله متقابله
کاملاً اجرا دارد

فقره هشتم دولتین علیتین متعهد میگردند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت
عشایر و قبایلی که در سرحد میباشند تدابیر لازمه را اتخاذ و اجرا کنند
و بهمین خصوص در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد و دولتین علیتین
تعهد میکنند که از عهده هر نوع حرکات تعدی و بی شکل غصب و غارت و قتل
که در اراضی یکدیگر وقوع بیابد بر آیند و قرار داده اند عشایری که متنازع
فیه میباشند و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی
که بعد ازین دایماً اقامت خواهند کرد یکدفعه باراده اختیار خودشان حواله
شود و عشایری که تبعیت آنها معلوم است جبراً باراضی دولت متبوعه آنها

داخل

داخل شوند

فقره نهم جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده که در سنه ۱۲۳۸ در ارزن
الروم منعقد شده که بصراحة باین معاهده حاضره الغاء و تغییر داده نشده است کلیه
در این صحیفه مندرج شده باشد کافه احکام و قوت آن ابقا شده است و فیمابین
دولتین علیتین قرار داده شده است که بعد از مبادله این معاهده در ظرف دو ماه
یا کمتر مدتی از جانب دولتین قبول و امضا شده تصدیق نامهای آن مبادله
خواهد شد و کان التحریر فی یوم سادس عشر شهر جمادی الآخره

۱۲۶۳ ۱۸۱۳ مسیحی

صورت عهدنامه گلستان که در سنه ۱۲۲۸ هجری فیمابین دولتین علیتین
دولتین ایران و روس منعقد
گردیده است

بسم الله الرحمن الرحیم اعلیحضرت قدر قدرت خورشید رایت پادشاه جمجاه
امپراطور عالیجاه ممالک مستقله کل ممالک روسیه و اعلیحضرت
قضا قدرت کیوان رفعت پادشاه اعظم سلیمان جاه ممالک مستقله کل
ممالک شاهانه ایران بملاحظه کمال مهربانی و اتفاق جمعی که در ما بین
دو دولت علیتین دارند رفع و دفع عداوت و دشمنی که بر خلاف رای شوکت
آرای ایشان است طالب و مستقر داشتن مراتب مصالحه میمونه و دوستی جوارت سابقه
مؤکده را در بین الطرفین راغب میباشند بحسن الوجوه رای علیتین قرار گرفته

در انجام این امر نیک و منظور از طرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم
امپراطور با استقلال کل ممالک اروسیه عالیجاه معلی جایگاه جنرال از جانب
اروسیه سپه سالار و مدبر عساکر [?] جوانب قفقازانیه و گرجستان ناظم
امور مصالح شهریه ولایات معموره گرجستان و قفقازانیه و حاجی ترخان
و کارپردازی امور ... در سرحدات و سامان امور ... بحر خزر صاحب
حمایل الکساندر نوسکی و حمایل مرتبه اولین آنا و دارای نشان عسکریه مقتدره
حضرت گیورگی صاحب شمشیر طلا ... و نشانات و ... را
تشریف افتخار ... اعطا شده و اعلیحضرت قدر قدرت والا رتبت پادشاه
اعظم مالک الاستقلال ممالک ایران هم عالیجاه معلی جایگاه ایلچی بزرگ دولت
ایران در امور دولتین روم و انگلیس نخبة عمدة الامراء والاعیان مقرب درگاه
ذیشان و محرم اسرار نهان و پیشکار کل امور دولت علیه ایران از خانواده
دودمان وزارت و از امرای ... حضور در مرتبه دوم خان صاحب نشان
عطایای خاص پادشاهی خود از خنجر و شمشیر و کارد مرصع و استعمال ملبوس ترمه
و اسب با یراق مرصع میرزا ابوالحسن خان را در این کار مختار و وکیل نموده اند
حال در معسکر روسیه در رودخانه زیوه در محال گلستان متعلقه ولایت قراباغ
ملاقات و جمعیت نموده بعد از ارائه و مبادله نسخه ... اختیار کلی خود
بیکدیگر و ملاحظه و تفتیش امور متعلقه مصالحه مبارکه بنام نامی پادشاهان عظام قرار
و بموجب اختیارات طرفین قبول و فصول شروط مرقومه را الی الابد مقبول
و مقصوب و استقرار داده ایم

فصل

فصل اول بعد از این امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا حال در میان دولتین علیتین روسیه
و ایران بود بموجب این عهدنامه الی الابد مقطوع و متروک و مراتب مصالحه اکید
و دوستی و وفاق شدید در میان اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم امپراطور مالک
الاستقلال کل ممالک روسیه و اعلیحضرت خورشید رایت پادشاه دارا شوکت
ممالک ایران و وراث و ولیعهدان عظام و میانه دولتین علیتین ایشان پایدار و
مسلوک خواهد بود

فصل دوم چون پیشتر بموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول و رضا از جانبین دولتین
علیتین شده است که مراتب مصالحه در بنای استاطسکوا و پرزنتیم یعنی در طرفین هر محال و
ولایتی که الی قرارداد مصالحه الی حال بوده است از آن قرار باقی و تمامی الکاء و
ولایات که تا حال در تحت ضبط و تصرف هر یک از دولتین بوده کماکان در ضبط
و اختیار ایشان باشد لهذا در میان دولتین علیتین روسیه و ایران بموجب خطوط مرقومه
ذیل سرحد و سرحدات مستقر و تعیین گردیده از ابتدای اراضی ادینه بازار بخط مستقیم
از راه صحرای مغان تا بمعبر یدی بلوک رود ارس و از بالای کنار رود ارس
الی اتصال و الحاق رودخانه کپنک چای به پشت کوه مقری و از آنجا خط حدود سامان
ولایات قراباغ و نخجوان از بالای کوه های الکز به دلگی رسد و از آنجا سرحدات
قراباغ و نخجوان و ایروان و نیز از سر حصه گنجه جمع و متصل گردیده بعد از آن حدود
مزبوره که ولایات ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس الدین لو را تا به مکان
ایشک میدانی مشخص و منفصل میسازد و از ایشک میدانی نیز از بالای سر کوه های
طرف راست طرق و رودخانه های حمزه چمن و از کوه های پنبک الی گوشه حدود محال

تا کنار و از گذشته تا کنار از بالای کوه برف دار که منشعب از سرحدهای شوره گل و
میانه محال قریه سدره او اریک به جوف نزاده به چار رتق و منضبط شد معلوم و مشخص می گردد
و چون ولایات خان نشین طالش در هنگام عداوت در تسخیر دولتین به دست افتاده
لهذا به جهت کمال صدق و راستی حدود ولایات طالش مزبوره را از جانب اردبیل
و از ما بعد از تصدیق این صلح نامه از پادشاهان عظام معتمدان و مهندسان مأموره
که بموجب قبول و قرار یکدیگر و به معرفت سرحدداران جانبین جبال و رودخانه ها
و دریاچه و امکنه و مزارع طرفین تفصیلا تحدید و تمیز و تشخیص می سازند از آنچه معلوم
و تعیین ساخته آنچه در حین تحریر این صلح نامه در دولتین در تحت تصرف جانبین
معلوم شود آن وقت خط حدود ولایت طالش نیز بر اساس استاتوس کو ادپرزنتیم
مستقر و معین ساخته هر یک از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد
ماند و همچنین در سرحدات مزبوره فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته
باشد معتمدان و مهندسان مأموره طرفین هر یک طرف بر اساس استاتوس کو ادپرزنتیم
رضا خواهد داد

فصل سیم اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم بالاستقلال ممالک ایران به جهت
ثبوت دوستی و وفاقی که با اعلیحضرت خورشید رتبت پادشاه اعظم امپراطور
ممالک روسیه دارند به این صلح نامه به عوض خود و ولیعهدان عظام تخت شاهانه
ایران ولایات قراباغ و گنجه که الان موسوم به الیزابت پل است و الکای
خوانین نشین شکی و شیروان و قبه و دربند و بادکوبه و هر جا از ولایات طالش را
با خاکی که الان در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان

و محال

و محال شوره گل و آچوق باش و کورنه و منگریل و ابخاز و تمامی الکاء و اراضی که در
میانه قفقازیه و سرحدات معینه الحالیه بوده و نیز آنچه از اراضی و دریای خزر
الی کنار دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق به ممالک امپراطوری روسیه می دانند

فصل چهارم اعلیحضرت خورشید رایت امپراطور والا شوکت
ممالک روسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود نسبت به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه
اعظم ممالک ایران و به جهت اثبات این معنی که بنا بر همجواری طالب و راغب است
در ممالک شاهانه ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی در بنای ابدی مشاهده
و ملاحظه نماید لهذا از خود و از عوض ولیعهدان عظام اقرار می نماید که هر یک از
فرزندان عظام ایشان که به ولیعهدی دولت ایران تعیین می گردد هرگاه محتاج به اعانت و
امداد دولت روسیه باشد مضایقه ننمایند تا از خارج کسی دخل در مملکت ایران نتواند
و به اعانت و امداد روس دولت ایران مستقر و محکم گردد و اگر در سر امور داخله
مملکت ایران فیمابین شاهزادگان مناقشه روی نماید دولت روس را در آن میانه
کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید

فصل پنجم کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر تردد می نمایند
به دستور سابق مأذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک
شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت
به آنها بشود و کشتیهای جانب ایران هم به دستور سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانه
سواحل روسیه شوند و به همین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت
و یاری دوستانه درباره ایشان معمول گردد و در خصوص کشتیهای عسکریه جنگی روسیه به طرزی

در زمان سابق در دریا و هم در وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم در دریای خزر بوده لهذا حال
بر نسق سابق این امتیاز مخصوص به ایشان بوده بهمین رسم معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای
دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشند

فصل نهم نظر باینکه در جنگ [illegible] بهمین که از اولیا طرفین ایلچی
[illegible] از کشتیبان و [illegible] دیگر باشند [illegible] بعد از
[illegible] و حفظ [illegible] از طرفین مرخص [illegible] هر یک [illegible] از
جانبین [illegible] و [illegible] برای [illegible] داده [illegible] رسانند و وکلای دولت
طرفین بر حسب [illegible] در خصوص [illegible] کار [illegible] امرا طرفین را
[illegible] خواهند کرد و [illegible] تقصیر و خواهش خود [illegible] قرار داده [illegible]
[illegible] رعیت اراده [illegible] داشته باشند [illegible] حقوق دولت
[illegible] از [illegible] و [illegible] کار [illegible]
تقصیرات از طرفین [illegible] عطا [illegible]

فصل دهم علاوه از قرارداد امور [illegible] اعلیحضرت [illegible]
امپراطور اعظم روسیه و اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالک ایران [illegible]
[illegible] طرفین [illegible] و [illegible] دارالسلطنه جانبین [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] دولت [illegible]
[illegible] که از [illegible] حمایت در باب معاملات [illegible] طرفین
[illegible] از [illegible] و ایشان [illegible]
[illegible] احوال ایشان [illegible] رعایای طرفین [illegible] گردد

بر حسب

بر حسب عرض و اظهار وکلای مزبور در محل رسیده بکمال مابین داده شود

فصل [illegible] در باب امور [illegible] و ارباب معاملات در میان ممالک [illegible]
[illegible] که بسبب [illegible] ارباب
معاملات [illegible] دولت علیه روسیه [illegible] دولت علیه ایران [illegible] از
دولت [illegible] داشته باشند از طرفین
[illegible] ممالک [illegible] دولت [illegible] هر [illegible]
[illegible] و تجارت [illegible] بر حسب [illegible]
[illegible] از ممالک روسیه [illegible]
ایران و [illegible] از طرف ایران ممالک روسیه [illegible] رسانند
[illegible] اگر [illegible] ارباب معاملات طرفین [illegible]
[illegible] بر حسب [illegible] وکلای طرفین [illegible]
[illegible] اظهار [illegible] از [illegible]
[illegible] و [illegible] قطع و فصل [illegible]
[illegible] ارباب معاملات [illegible] ارباب تجارت طرف ممالک
روسیه [illegible] ممالک ایران [illegible] اگر [illegible]
[illegible] ممالک [illegible] دولت ایران [illegible] طرف
دولت ایران [illegible] از طرف دولت
روس [illegible] تجارت [illegible] دولت ایران [illegible] ممالک روسیه [illegible]
ممالک [illegible] دولت روسیه [illegible] و [illegible] از [illegible]

دولت روسیه در آن زمان توقف و تجارت در ممالک ایران فوت شود اموال و املاک
او در ایران باشد چون جنس معروف او در اموال رعایای دولت دوست است لهذا باید
اموال متوفی بر حسب شرع ... ورثه متوفی ... ورثه متوفی کرده و
اذن خواهند داد که املاک متوفی را با قوام او بفروشند چنانکه در این معنی
در میان ممالک روسیه با پادشاهان دیگر رسم و عادت است به هر دولت
هیچ مضایقه ننمایند

فصل نهم باج و گمرک اموال تجار طرف دولت بهیه روسیه که به بنادر و بلاد ایران
می‌آورند از یک تومان پانصد دینار در یک بلد گرفته از آنجا با اموال مزبوره به هر
ولایت ایران بروند چیزی مطالبه ننمایند و همچنین اموالیکه از ممالک ایران بیرون ببرند
آنقدر گرفته زیاده بعنوان مستحق و تحمیل و اخراجات چیزی از تجار روسیه
بزور مطالبه نشود و همین قرار در یک جا باج گمرک تجار ایران که به بنادر
ممالک روسیه می‌آورند یا بیرون می‌برند به دستور گرفته ... هیچ وجه
تفاوت نداشته باشند

فصل دهم بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی به بلاد
سرحدات طرفین ... اختیار به تجار در باب معاملات طرفین داده شده
که اموال خودشان را فروخته اموال دیگر خریده یا معاوضه کرده دیگر از امنای
گمرک و مستحفظین طرفین ... نداشته باشند زیرا که بر ذمه امنای گمرک و مستحفظین
لازم است که ملاحظه نمایند تا معطلی به تجار در کار و در باب معاملات و تنزیل ...
باج خزانه را از باج ... از ... هر که باشد ... یافت دارند

فصل

فصل یازدهم بعد از امضای این عهدنامه که در این شروط نامه وکلای مختار دولتین
علیتین بلا تأخیر باطراف ... اعلام و اخبار نمایند و امر اکید ...
بلا فاصله در ترک و قطع امور عداوت و دشمنی به هر جا ارسال خواهند کرد
شروط این شرطنامه ... که به جهت استدامت مصالحه دائمه طرفین مستقر و در نسخه
شده و به ترجمان خط فارسی ... و از وکلای مختار ... دولتین علیتین بخط
و امضای ایشان با خط مهر ممهور گردید مبادله با یکدیگر شده است ... از طرف اعلیحضرت
... پادشاه اعظم امپراطور اکرم مالک کل ممالک روسیه و از جانب
اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه والاجاه ممالک ایران ... خط شریف ایشان
تصدیق کرده ... این صلحنامه ... به هر دو دولت ... بوکلای مختار
برسد لهذا از دولتین علیتین در مدت ... حاصل گردد تحریراً ... معسکر
روسیه در ... محال گلستان ملحقه ولایت قراباغ ... بتاریخ ...
شهر شوال ۱۲۲۸ هجری و ... ۱۸۱۳ عیسوی

جنرال لفتنانت ... امپراطور روسیه ... وکلای دولت
... از عهدنامه ... قرار ... بنا براین ... مصالحه ...
استقرار ... وکلای ... لهذا ... از دولت بهیه ایران
... دولت بهیه روس ... از شاه ... برای حضرت
قدر قدرت امپراطور اعظم ... دولت بهیه روس ...
در مطالب ایران ... گذشته ...

در دو در خانه زبان محال گلستان متعلقه ولایت قراباغ بتاریخ بیزدهم ۱۰ اکتبر
سنه ۱۸۱۳ عیسوی مهر مهر وکیل مختار دولت علیه ایران میرزا ابوالحسن خان
مهر مهر جنرال لیتنانت نیکولای رتیشچف سردار
دولت روسیه والسلام [illegible]

دیباچه عهدنامه ایران و روس

الحمد لله از وقت انعقاد عهدنامه مبارکه گلستان و مبادلات و معاهدات
دوستانه ما بین علیتین و ظهور آداب کمال یگانگی و تکمیل حقوق یکجهتی منعقده فیمابین حرکات
اعدا بر خلاف وزارت نگاهداشت از جانب سرحدداران طرفین بظهور رسیده موجب
مسموع شده امر عظیمه بشده و از اکابر دولت شاه پادشاه جانبین از اختیار اسکوت
مخالفات باکیه اولیای دولتین علیتین بجهة عهد سالمت را اهتمامات جهادکارانه
و گذشته تحقیقانه در رفع و دفع مادیه اتفاقیه بظهور رسیده عهدنامه مبارکه
جدیده بنیاد نهاده چنانکه در طی فصول مرقومه مذکور است مرقوم و مختوم امنه بمهر
وکلای دولتین علیتین در ماه شوال در سال هزار و دویست و چهل سه هجری مطابق
هایون شرف استقرار و استحکام پذیرفت بر اولیای دولتین لازم است و از این
پس نیز در تکمیل مرحمات مزید جهتی و مراقبت اهتمامات جهادکارانه مبذول دارند
در ایجاب استحکام و استقرار عهدنامه مبارکه را برادر است دوستانه فیمابین خود
و اگر در صورت تحقیک امر در ترقیه رسیده بمقتضای خیر اهتمام منعقد شرط دارک
از لازم نمایند دو دقیقه از دقایق دوستی را
مهمل و متروک نگذارند

[illegible]

سواد عهدنامه دولتین علیتین ایران و روس در اردو در ترکمان چای که بتوسط
نواب ولیعهد دولت ایران در سنه ۱۲۴۳ بتحریر
بشرف اختتام یافت

اعلیحضرت پادشاه اعظم والاجاه امپراطور اکرم بزرگ و شهنشاه مالک الاستقلال
کل ممالک روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت جمشید شوکت پادشاه
اعظم و شهنشاه ممالک ایران چون هر دو بالسویه اراده و مشیت همایون خود را مصروف
بر این داشته‌اند که نوائب و مکاره جنگ را که بکلیه منافی رای ایشان است بنهایتی برسانند و بنیان مراسم حسن
مجاورت و مودت را ما بین این دو دولت بواسطه صلحی مستقر و دائم باشد و در ابقای
اختلاف و نفاق باشد راسخ سازند که در بنای مستحکم استقرار دهند لهذا برای انجام
این کار خجسته آثار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه جناب ایوان پسکویچ جنرال
آجودان و جنرال انفانتری سردار عساکر جمیع الکای قفقاز و حاجی ترخان و ... بقلعه
حربیه بحر خزر و صاحب حمایلات الکساندر نوسکی مقدس مرصع بالماس و آنا مرتبه
اول مرصع بالماس و ولادیمیر مقدس مرتبه اول و ژورژ مقدس مرتبه دوم
و صاحب شمشیر افتخار که طلا مرصع بالماس است و دیگری مرصع بالماس و صاحب
حمایلات دول خارجه مرتبه اولین عقاب سرخ پروس و هلال دولت عثمانیه
و نشانهای دیگر و جناب الکساندر اوبرسکوف ... مشاور
امپراطوری و صاحب حمایلات مقدسه مرتبه ثالث ولادیمیر و مرتبه ثانی آنا
والنوسکی و ... را و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران نواب مستطاب والا شاهزاده
نامدار عظیم الشان نایب السلطنه عباس میرزا را وکلای مختار خود تعیین کرده با ایشان

قرار که در ترکمان چای مجتمع شدند و اختیار نامه‌های خود را ابراز کرده موافق
قاعده و شایسته دیدند فصول ذیل را تعیین و استقرار داده‌اند

فصل اول بعد الیوم مابین اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه و مودت
و وفاق کامل الی الابد متحقق خواهد بود

فصل دویم چون نزاع و جدالی که مابین عهده کنندگان رفیع الشان واقع و امروز
بپایان رسید قطع کرده عهود و شروطی که بموجب عهدنامه گلستان بر ذمت ایشان لازم
بود بر طرف و ترک میداشت لهذا اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت
پادشاه ممالک ایران چنین لازم دیدند بجهت عهدنامه گلستان عهدنامه دیگر
باین شروط و عهود قرار دهند تا مابین دولت روس و ایران بیشتر از پیشتر موجب
استقرار و انتظام روابط آینده صلح و مودت گردد

فصل سیم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و از جانب ولیعهدان و جانشینان
بدولت روسیه واگذار میکند تمامی الکای نخجوان و ایروان را خواه اینطرف رود
ارس باشد یا آنطرف و نظر باین تفویض اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران متعهد میشود
که در ظرف انقضای این عهدنامه در مدت شش ماه همه دفاتر و دستورالعمل‌های متعلق باداره
این دو ولایت را تسلیم امرای روسیه بدهد

فصل چهارم دولتین علیتین متعاهدتین عهد و پیمان میکنند که برای سرحد مابین ممالک خود
بموجب خط سرحدی وضع نمایند که از نقطه سرحد ممالک عثمانیه در خط مستقیم قله کوه آغری
کوچک اقرب است ابتدا کرده این خط تا بقعه آن کوه کشیده میشود و از آنجا تا سرحد

رود قره

رود قره‌سوی پائین میرود و منتهی میشود چون این خط باینجا رسید بمتابعت مجرای
ارس تا قلعه عباس آباد میرود و در مقابل عمارات ابنیه قلعه عباس آباد که در راست ارس
واقع است نصف قطری بقدر نیم فرسخ که عبارت از سه ورس و نیم روسی است
رسم میشود و در این نصف قطر در همه اطراف امتداد میابد همه اراضی و عرصه که در
این نصف قطر محاط و محدود میشود بالانفراد متعلق بروسیه خواهد داشت و از تاریخ
امروز در مدت دو ماه با صحت و درستی کمال مشخص و معین خواهد شد و بعد از این از جانب
و طرف شرقی این نصف قطر نقطه وصل میشود خط سرحد بمشروع متابعت مجرای
ارس میکند تا معبر یدی بلوک و از آنجا خاک ایران بطول مجرای ارس امتداد میابد
تا فاصله و مسافت سه فرسخ که عبارت است از بیست و یک ورس روسی بعد از وصول
باین نقطه خط سرحد بالمساوات از صحرای مغان میگذرد تا بمجرای رودخانه بالهارود
بمکانی که سه فرسخ واقع است پائین تر از ملتقای دو رود کوچک موسوم به ادینه بازار
و ساری قمیش و از آنجا این خط بکنار چپ بالهارود تا ملتقای رودخانهای مذکوره
و ساری قمیش صعود کرده بطول کنار راست رودخانه ادینه بازار شرقی تا منبع
رودخانه و از آنجا تا اوج قله بلندیهای جگیر امتداد میابد بنحوی که همه آبها که بجانب
بحر خزر میرود متعلق بروسیه خواهد بود و همه آبها که سراشیب و مجرای آنها بجانب
ایران است تعلق بایران خواهد داشت چون سرحد مملکتین اینجا بواسطه قلل جبال
تعیین میشود لهذا قرار داده شد که از این کوهها آن طرف که بسمت بحر خزر است بروسیه
و طرف دیگر آنها بایران متعلق باشد از قله بلندیهای جگیر سرحد تا قله کمر قوئی بطرف
کوههائی میرود که طالش را از محال ارشق منفصل میکند قلل جبال از هر جانب مجرای

بیابد را فرق میدهد لهذا از انجا بعد خط سرحد را همان سمت تعیین میکند و در وقت
دریاب مسافت واقعه ما بین منبع لوینه بازاره و قلل کوه کوچک آغری از آن خط سرحد
کر قلل مذکوره به جایی که جبال و جبال زونه را از جبال ارتش قسمت میدهد مشابهت
میکند تا سرحد جبال و تلیخ هم از انجا بر طبق همان خط نظیر در باب مجرای سیاه سیمن شد
روزنه نیز از آن حصه در سمت مخالف قلل جبال مذکوره که واقع است از این قرار
حصه روسیه خلیفه بود از ابتدای انسر حد جبال و تلیخ خط سرحد ما بین دولت متقابل
جبال کلوبود و سعد که جبال عظیم و ارو تلیخ میگذرد متابعت میکند تا به منبع نالما
رعوف نامرسوم به استارا و به سمت ملاحظه آن مخالطه در باب مجرای سیاه و از
آنجا خط سرحد متابعت مجرای رودخانه مذکوره گرفت تا ملتقی و دهنه آن به بحر خزر و خط
سرحد را که از آن متفرقات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد داد تکمیل
خواهد نمود

فصل پنجم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای اثبات دوستی خالصانه که نسبت به
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه دارد به این فصل از خود و از عوض اخلاف
و ولیعهدان سریر سلطنت ایران تمامی الکاها و اراضی و جزایری را که در میانه
خط حدود معینه در فصل مذکوره فوق و قلل برف دار کوه قفقاز و دریای
خزر است و کذا جمیع قبایل را چه چادرنشین و چه خانه دار که از این الکاها و ولایات مذکوره
هستند و اختیار همانا الی الابد مخصوص و متعلق به دولت روسیه میداند

فصل ششم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران نظر به مصارف کثیره که دولت روسیه را
بواسطه جنگ واقعه فی ما بین الدولتین اتفاق افتاده و همچنین نظر به ضررها و خسارتها که به

رعایا

جهت رعایای دولت روسیه رسیده تعهد میکند که به واسطه دادن مبلغی وجه نقد اینها را
اصلاح نماید و مبلغ آن وجه ما بین الدولتین به ده کرور تومان قرار گرفت که عبارت
از بیست ملیون منات سفید روسی و طرز کار و عهد و زمان تحصیل اینها به قرار عمل
علیحده همان قرار داد اعتبار و خلیفه داشته که گویا لفظاً بلفظ در این عهدنامه مصالحه
مندرج است معین گردیده شده

فصل هفتم چون اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران شایسته و لایق دانستند همان فرزند
خود شاهزاده عباس میرزا را ولیعهد و وارث تخت فرموده به نیت خود تعیین فرموده است
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه برای اینکه از نیات دوستانه و تمنای صادقانه
خود در رغبت استحکام این ولیعهدی دارد به اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برهان
واضح و شاهدی لایح بدهد تعهد میکند که از این روز بعد شخص وجود نواب مستطاب
والا عباس میرزا را ولیعهد و وارث برگزیده تاج و تخت ایران شناخته و از وقت
جلوس تخت شاهی پادشاه بالاستحقاق این مملکت داند

فصل هشتم سفاین تجارت روس مانند سابق استحقاق خواهد داشت که به آزادی
بر دریای خزر و بطول سواحلش سیر کرده و کنارهای آن فرود آیند و در حالت
شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت و همچنین کشتیهای تجارت
ایران استحقاق خواهند بود به قرار سابق در بحر خزر سیر کرده به کنارهای روس بیایند و در حالت شکست
کشتی همان نسبت استعانت و امداد خواهند یافت در باب سفاین حربیه که جهازهای
عسکریه روسیه دارند چون از قدیم بالانفراد استحقاق داشته‌اند در بحر خزر سیر
کنند لهذا امتیاز حق مخصوص کما فی السابق امروز بالاختصاص به ایشان داده میشود به نحوی که

غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نتوانند در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشند

فصل نهم چون مکنون خواطر اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه
و اعلیحضرت پادشاه ایران این است که بکمال اوج اعتماد و اکید باین سعادت و صحبت
ایشان مقرر گشته مستحکم باشد لهذا اقرار داده شد که سفراء و وکلا و کارگذاران که
از جانب دولتین علیتین بجهت رسالت خلاصه برای انجام خدمات اتفاقا یا برای اقامت
دایمی بدربار خود مأمور شده موافق شأن دولتین علیتین و ملاحظه شرف بجهت اکمال آن
گشته حالت و ولایت مورد اعزاز و احترام شوند و در این باب دستورالعمل
مخصوص و ترتیبات قرار داده خواهند شد که از طرفین ملحوظ گردد

فصل دهم چون اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
استقرار و فراوانی روابط تجارت را مابین دولتین مانند یکی از نخستین فواید
ملاحظه کرده در بست ازانکه بمسالمه حاصل شود لهذا اقرار داده شد که
تمامی اوضاع و احوال متعلقه بحمایت تجارت و امنیت تبعه دولتین را بنوعی که
مستحکم رابطه کامل باشد معین و منظم در معاهده جداگانه که در این عهدنامه ملحق
و مابین وکلای مختار جانبین مقرر شده حسب الشرط جزو همین عهدنامه محسوب و مشروط
محفوظ میدارد اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای دولت روس که
الحال این اختیار را مرعی میدارد که در هر جا که مصلحت تجارت اقتضا کند قونسولها
و حامیان تجارت تعیین نماید و متعهد میگردد که این قونسولها و حامیان را که هر یک تابعه
از ده نفر اتباع تجاوز نخواهند داشت فراخور رتبه ایشان مشمول حمایت و احترامات
و امتیازات سازد و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از جانب خود وعده می کند که

در

در بابت قونسولها و حامیان تجارت اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران همین رسم
مساوات مرعی دارد و در حالتیکه از جانب دولت ایران نسبت یکی از قونسولها
و حامیان تجارت روسیه شکایت حق بجانب باشد کارگذار دولت روس که در دربار
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران توقف خواهند بود و این حامیان و قونسولها در ربط
در تحت حکم او خواهند شد او را از شغل خود معزول داشته بعد کرد ولیکن اداره امور
مزبوره را بر شخصی دیگر رجوع خواهند کرد

فصل یازدهم همه امورات و ادعاهای رعیت طرفین که بسبب جنگ بتاخیر افتاده بود برقرار اتفاق
معامله ایران بعد از اتمام مصالحه رسیده و مطالباتیکه رعایای جانبین از یکدیگر یا از
خزانه داشته باشند بزودی و بالتمام وصول پیدا خواهند کرد

فصل دوازدهم دولتین علیتین متعاهدتین بالاشتراک در منفعت تبعه جانبین قرار داده اند که
برای آنها مهلت سه ساله داده شود تا از جانب رعایای املاک دارند از هر دو طرف
قرار دهند تا بآزادی در بیع و معاوضه آنها قدرت داشته باشند لکن اعلیحضرت امپراطور
کل ممالک روسیه از منفعت این قرارداد در باره این مقدار که وقتی و دو الف
میشود سردار سابق ایروان حسین خان و برادر او حسن خان و حاکم نخجوان کریم خان
مستثنی مینماید و همه امرای جنگ که لیکن خواه در مدت جنگ اخیر باشند یا قبل
از آن در تحت قبضه طرفین که به یکدیگر افتاده باشند از مدت وعده بهر نوعیت
که باشد آزاد گردند و بلا استثنا بهر جا که میل داشته باشند
لباس فرستاده می شود یا اینکه از جانب میرزا جانبین که در آنجا مأمور فرستادن ایشان
بولایت مقرر خواهند بود تسلیم شوند و لیکن جانبین معاهده در این باب همه امرای جنگ

روس و هم با اسیری اتفاقیه دیگر در روسیه هر جا که در انجا بعد از این یا بعلت اوضاع
و اسباب دیگر در دست سپنه مانده و تقاضا نمایند همان قسم ازادی را می‌کنند و هر
وقت اسیری وقت کسان اختیار رعیت و رعایات حفظه داشته در اظهار و اعلام کنند
و تعهد می‌کنند هر وقت اسیر حقه به دولت عرض نماید ایشان را مطلع کنند که
خلاصی شود و سازند

فصل چهاردهم هیچیک از جانبین معاهدتین مطالبه وطن گشتگان و فراریانی را که قبل
از جنگ یا در مدت آن تحت اختیار جانبین گذاشته باشند مطالبه نکنند و لکن
برای منع نتایج مضرت جانبین که در ربط بعضی از این فراریان
با هم ولایتیان یا اتباع قدیم ایشان حاصل تواند شد دولت ایران تعهد می‌کند که
حضور و توقف فراریانی را که الحال یا بعد از این با اسم اشخاص معلوم خواهند داشت در قطعه ولایت
خود مابین ارس و خطی که از رودخانه چهریق و دریاچه ارومی و رودخانه جغتو
و قزل اوزن تا التقای آن به بحر خزر واقع است رخصت ندهد اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه از جانب خود همچنین وعده می‌کند که فراریان ایرانی در ولایات
قراباغ و نخجوان و در قسمتی از حصه ولایت ایروان که در کنار راست رود
ارس واقع است اذن توطن و سکنی نخواهند داشت لکن معلوم است که این شرط معمول و مجری
نخواهد گردید مگر در باب کسانی که صاحب مناصب عالیه یا رتبه و نشان دیگر
باشند مانند خوانین و بیگها و ملاها و بزرگان که صورت و رفتار و اغواها و مجادلات
و حرکات خفیه ایشان در باب اهالی هم ولایتیان و اتباع و زیردستان قدیم خود
موجب رسوخ فاسده و انفصال و افساد تواند شد در خصوص رعایای جانبین که متمکنین در مابین

در اینی

ولیکن فقره ارادۀ رعایای جانبین هر از جنگ و پیش گذشته باشند بعد
از این گذرنده وطن و مرخص خواهند بود در هر جا که بخواهند اقامت در این دولت
حکومت و اختیار او گذشته باشند مناسب دانند سکنی و اقامت کنند

فصل پانزدهم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از حسن اراده و سایش ممالک خود
با ارادۀ در رعایات سکنۀ تا رانه الان سبب این جنگ حضرت ما
ملکت روا داشته و بجهت انفصال این عهدنامه بعفو تام اکرام نموده ولایات
اذربایجان رعایا و ایلات مناصب آنجا یکان عفو کامل مرحمت می‌فرماید
و هیچیک از ایشان بدون استثنای مراتب و طبقات بجرم عقیده‌ها و عملها و رفتارهای
ایشان در مدت جنگ یا در اوقات تصرف چند و به قشون روسیه از ایشان
مأخوذ نخواهد بود و عتاب و ازار نخواهد دید و از امروز یک سال مهلت بایشان مرحمت می‌شود
که بر ازادی با عیال خود از ممالک ایران بملک روس نقل و اموال و اشیای منقول
نقل و بیع کنند بدون اینکه دولت و حکام ولایات انها را مانع شوند و از ازاد
و اشیاء منقوله بسبب ایشان حقی و تزدی اخذ نمایند و در باب املاک ایشان
بجاله پنج سال مهلت مقرر می‌شود در این مدت بیع یا هر چه خواهش خود بانها گذاری
در باب انها نمایند و از این عفو و بخشش مستثنی می‌شود کسانی که در این مدت یک سال
بسبب تقصیری و کاری که مستلزم عقاب دیوانخانه‌ها به موجب عقوبت
میگردیدند

فصل شانزدهم بعد از امضای این عهدنامه معاهدین و کلای مختار جانبین اهتمام
خواهند داشت و بجمیع جا حکم‌های لازمه بفرستند تا بلا تاخیر حرکت

ترک نمایند این عهدنامه مصالحه در دو نسخه نیک مضمون ترتیب یافته است و بدستخط
وکلای مختار جانبین رسیده و بمهر ایشان ممهور آمده ایشان مبادله شده است از جانب
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مصدق و ممضی
و تصدیق نامه‌ها که بدستخط مخصوص ایشان مزین خواهد بود در مدت چهار ماه
یا زودتر اگر ممکن باشد مابین وکلای مختار ایشان مبادله خواهد شد تحریراً در قریه
ترکمان‌چای بتاریخ دهم شهر فوریال ۱۸۲۸ مسیحیه عبارت است از پنجم شهر
شعبان ۱۲۴۳ هجری بعد از لحاظ و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید بامضای وزیر

امور دول خارجه میرزا ابوالحسن خان (این فقره در عهدنامه اول است مجدد
در رساله رقوم شده)

سواد عهدنامهٔ تجارت

فصل اول چون دولتین علیتین مایل هستند که اتباع خود را از جمیع منافع و فوائدی
که از آزادی در خصوص تجارت حاصل میشود بهره‌مند دارند لهذا باین تفصیل قرار دادند
که رعایا و اتباع روس تذکره که از دولت خود داشته باشند در همه ممالک
ایران میتوانند تجارت کرده و کذلک بممالکی که مجاور دولت مذکوره میتوانند رفت
و همچنین است اهالی ایران امتعه خود را از دریای خزر یا از خشکی که سرحد مابین
روس و ایران ملک معلوم است میتوانند برده و سوداگری نموده و بیع نموده و خرید کرده و
متاع دیگر بعوض برده و از هرگونه حقوق و امتیازاتی که در ممالک اعلیحضرت امپراطوری
به اتباع دول کامله الوداد او بملاحظه بهره‌مند شوند بهره‌مند خواهند شد در حالتیکه یکی از
اتباع دولت روس در مملکت ایران وفات یابد اموال منقوله و غیرمنقوله او چون متعلق

برعیت

برعیت دولت دوست است بدون نقصان به اقوام یا شرکای او تسلیم خواهند شد و در اختیار
تمام که بنحو شایسته دانند معامله نمایند در صورتیکه اقوام یا شرکای او موجود نباشند
اختیار ضبط و کفالت این اموال بوکیل یا کارپرداز یا کونسول روسیه واگذار
میشود بدون آنکه هیچ مانعی از جانب حکام ولایت ظاهر شود

فصل دویم چون در برات و حجت و تمسکات و دیگر عهدها و در امور تجارت معمول
است اما جائی که ممکن باشد نزد کونسول روسیه و حاکم ولایت و در جائیکه کونسول
نباشد نزد حاکم ولایت ثبت میشود تا آنکه هنگام منازعه مابین الطرفین برای
قطع دعوا از طریق عدالت تحقیقات لازمه توانسته شود اگر یکی از طرفین خواهد
بدون آنکه ثبت نماید و فقط تمسکات محرره و مهر شده ادعای قبول در محکمه عدالت
است و درست داشته باشد از دیگری ادعا نماید مجرا نخواهد شد و دلیل دیگر ناقص
این قبیل ادعاها در محکمه محض نفس حقیقت آن نماید مقبول نگردد مگر
معاملات منعقده بصورت مذکوره این الا جائی قطع و فسخ شده باشد بشرط
تمام رعایت و محافظت هرگونه جانب در انجام آن لطف رسیده و باعث ضرر
یکی از طرفین گردد و بصورت قانونی جسارت مینماید از طرف دیگر حفظ بود در صورتیکه
از تجار روس و ایران مفلس شود حق ارباب طلب از امتعه و اموال او حاصل شود
اما اگر از وکیل یا کارگزار یا کونسول استدعا نماید در مفلس مذکور ملک الفرض
در کل رعایت حقوق ارباب طلب جانب در ولایت روسیه گذاشته است با نهایت
تفحص کردن این مفلس مبلغ چند معادل نمایند که این قرارداد در فصل معین
گشته همچنین در ممالک ایران در ولایت روس موافق قواعد تجارت میکند

مرعی خواهد شد

فصل سیم برای اینکه تجارت تبعه جانبین متعاهدین بر وجهی که سابقاً شروط آن مذکور
گشته اند محقق و مستحکم باشد قرارداده شده است که هر که از تبعه دولت روس
به ایران آورده یا از این مملکت بیرون برده شود و کذلک از امتعه محصول
ایران که به توسط آن دولت از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد مابین روس
و ایران به ولایات روس بیرون شود همچنین از امتعه روس که در ممالک ایران به اعمال
راهها بیرون می برند کافه اهالی در وقت داخل شدن و بیرون رفتن از
گمرک صد پنج از همه گمرک گرفته می شود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر از ایشان
مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در گمرک و
تعرفه ها برعهده قرارداد که بعد از این معهود در ممالک خود گمرک مزبوره را صد پنج از
صد است اضافه نخواهد نماید

فصل چهارم اگر دولت روس یا ایران با دولت دیگر در جنگ باشد تبعه جانبین ممنوع
نخواهند بود از اینکه با امتعه خود از خاک دولتین متعاهدتین عبور کرده به ممالک
دولت مزبوره بروند

فصل پنجم چون برحسب عادات که در ایران مرسوم است بسیار اشکال است
که خانه و انبار و دکان مخصوص برای وضع امتعه خود با جاره به دست آورند لهذا
به تبعه روس در ایران اذن داده می شود که خانه برای سکنی و انبار و دکان برای
وضع امتعه تجارت هم اجاره نمایند و هم به ملکیت تحصیل کنند و متعلقان دولت ایران
به آن خانه ها و انبارها و دکانها عنفاً داخل نخواهند شد لکن در وقت ضرورت از وکیل

یا کارگذار

یا کارگذار یا کونسل روسیه استرخاص می توانند نمود و ایشان صاحب منصب یا جماعتی
تعیین کنند که در وقت ملاحظه خانه یا امتعه حضور داشته باشند

فصل ششم چون وکیل و کارگذار دولت امپراطوری و صاحب منصبان مأمور با ایشان و
کونسولها و ترجمانها در ایران امتعه که لازمه ملبوس ایشان بوده باشد و اکثر اشیا هم در
مملکت برای احتیاج بیع نمی کنند لهذا برای آنکه بدون باج و خراج هر گونه امتعه و اشیا
که خاصه مصارف ایشان بوده باشد هیچ باج نداده و کذلک هرگاه اجزاء و ذوات متابعه وکیل و
یا کارگذار یا کونسول دولت ایران مقیم دربار دولت روس باشند مرعی و محفوظ
خواهد بود و کسانیکه از اهل ایران برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونسولها و صاحبان تجارت
روس لازم است ما دام که نزد ایشان می باشند مثل تبعه روس از حمایت ایشان بهره مند
خواهند بود و لکن اگر شخص از ایشان مرتکب جرمی شود و برحسب حکمیه مستحق تنبیه مزبور الصورت
و از دولت ایران یا حاکم در جایی که آنجا باشد نزد بزرگان ولایت مجرم را ایفاد و استطلاع از
ایلچی یا وکیل یا کونسل دولت روس که در هر کدام از آنها مطالبه کند تا اجرای عدالت شود و اگر
این مطالبه مبنی بر دلایل و حجج و تقصیر متهم را ثابت کند ایلچی یا کونسول و وکیل
در دادن او مضایقه نخواهد کرد

فصل هفتم هر ادعا و امر متنازع فیها در مابین تبعه روسیه بالانفراد در حکم و قطع و فصل
وکیل یا کونسلهای اعلیحضرت امپراطوری بر طبق قوانین و عادات
دولت روسیه رجوع می شود و همچنین است منازعات و دعاوی که در مابین تبعه روس
و تبعه سایر دولت اتفاق افتد در صورتیکه طرفین به این راضی شوند و منازعات و دعاوی که
در مابین تبعه روس و ایران واقع شود به دیوان حاکم شرع و در حاکم عرف ولایت محول شود

و اموال ایشان را ضبط و ملاحظه نمایند که در حضور ترجمان وکیل یا کونسل هیچ اموال نقصان نیابد
و گرفته براق تا زمان ضبط شده باید با استعلام ... هرگاه ادعای غیر شده
در اتفاق تحقیق و ملاحظه نمایند که بدون اطلاع وکیل یا کارگزار یا کونسل روسیه
سابقاً از آن اجناس ملاحظه نمی‌کنند و در این حالت آن از استعلام و حکم
میرزا نقد قضیه که در دفترخانه اعظم ثبت نموده در تبریز یا طهران ... که مالک
در حضور یک نفر ترجمان وکیل یا کونسل روسیه

فصل هشتم کار قضیه و جنایات آن که بجای بزرگ در میان خود رعایای روسیه
واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی یا وکیل یا کونسل روسیه
خواهد بود بر وفق قوانین شرعیه که با ایشان در باب ایل عرف خود داده شده است
اگر یک از تبعه روسیه بجهت جرم مستلزم سیاست دیگران متهم شود به همین جهت او مسئول
حاکم ولایت نباید او را که در حضور ایلچی شراکت او بجرم ثابت و مدلل شود
و در این حالت نیز مانند حالتی که یک از تبعه روسیه متهم بجرمی شود هیچ حکام
ولایت نتوانند بتشخیص حکم جرم بپردازند مگر در حضور گماشته از طرف
وکیل یا کونسل روسیه اگر در آن مکان نباشد جرم او در وکیل و کونسل نباشد
حکام ولایت مجرم را بجایی که کونسل یا صاحب منصب از اداره وکالت روسیه
در آنجا باشد روانه می‌کنند و استشهادها نیز در باب برائت یا اشتغال ذمه متهم از اعلی
حاکم و مقتدران مکان از روی صداقت مرتب و مهر ایشان رسیده بر وفق کیفیت
تجاوز حکم جرم ... فرستاده خواهد شد و اگر به استشهاد ... مسند مقبول ...
خواه بود که متهم عدم صحت آن را دلالت ثابت نماید در صورتی که متهم جنایت کند

باید متهم گشته قرار صریح حاصل شود و مجرم را بوکیل یا کونسل روسیه تسلیم نمایند
که برای اجرای سیاست در ... ممالک روسیه بفرستند

فصل نهم دولتین علیتین ... اهتمام تام در باب رعایت و اجرای شروط این
عهدنامه ... حکام ولایت و دیوان ... و سایر رؤسای طرفین هم از
... در هیچ حالت تخلف ... [illegible]
... چنانکه ... وکلای مختار
امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران در روز ...
نوشته ... در این معاهده مندرج است و از نتایج ... عهدنامه
علامات ... روز در ترکمان چای اختتام یافته است و جمیع آن ...
... محفوظ در حفظ عهدنامه ... مرقوم و مصدق است
منظم و مقرر داشتیم لهذا این ... [illegible]

... ماه ... سال ... در قریه
ترکمان چای ... دوم ... سال ...
... ۱۲۴۳ هجری

قرارنامه تجارت

چون وکلای مختار روس و ایران ... عهدنامه
عمده ... برای تجارت ثابته ... و کلا و کارگزاران
... لهذا ...
... دولت ایران ... [illegible]

روس بتفلیس حضور وارد شده باشد تا جز یک نفر از مرتبه و شان ایلچی مناسب است استقبال
کرده نامه را باستقبال او بفرستد دولت ایران عازمت ... قرار کرجستان یا
از طرف سرحد مهماندار را اخبار نماید که روز ورود او را بر سرحد تعیین می نماید و ایلچی
از جانب خود اهتمام کرده سوار و پیاده از طرف حاکم ... کرده مهمانداران ورود
او وارد آنجا بزرگ و از ساعت ورود مهماندار ایلچی را ملاقات کند که مستعد ... او
و احترامات و اکرام ... ملاقات او ... ایلچی را در منزل استقبال
خواهند کرد در بین آن منزل با یکنفر از عظام شهر آن ... مستقبلین هم ... مهماندار
و اتباع شایسته و اگر ایلچی در محل معتبر ... کند حاکم خود برای ملاقات
ایلچی بر مستقبلین ... تا ... برای او ... شده همراهی خواهد کرد اگر ایلچی
در شهر ... که از شاهزادگان حاکم آنجا ... گفت که شاهزاده ... حاکم آن ...
برای دیدن آمده ملاقات ایلچی و ... را ملاقات ... او ... فرستاده و اگر ایلچی
بار ... از شاهزاده که ایلچی ... سفارت ... تعیین ... خواهد
کرده ... برای ایلچی ... در ... ایلچی ...
احترامات ... خواهد بود مهماندار اهتمام ... کرده ...
از دولت دولت ایران را از ورود ایلچی اخبار کند تا اینکه ... ارکان
... ورود ... کنند ... ایلچی ... منزل دارالسلطنه ...
... ایلچی ... از ... ملاقات ...
پذیرفته خواهد شد ... دارالسلطنه ... باستقبال ... از جانب ...
... ایلچی را ... خواهد ... پذیرفته خواهد ... مستقبلین شهر

باره

باره برای ایلچی ... احترامات عسکریه ... شان او ... خواهند
او ورود ... مستقبلین ... ایلچی را ... برای او مهیا ... شده خواهند برد ... دا
... قراول احترامی برای او ... بود ... ورود او وزیر پادشاه و ... دار
سلطنت ایلچی را ملاقات خواهند کرد و بعد از ورود السلام خاص اعلیحضرت پادشاه ...
رفت و ... ساعت ... او را اعلام خواهند کرد ... برای ...
او ... اینصورت ایلچی ... روانه ... و ... شاهی ...
... ایلچی ... و ... قراول ... ایلچی از عقب
ایشان ... ایلچی ... از ... شاهی ... شود ... اسب ...
خود ... شده ... و ... ایلچی ... و ... اشخاص سفارت
و اتباع او از جانب راست و ... از جانب چپ او باشند و از
جانب ... پادشاهی ... از عقب او ... دو ...
ایلچی ... پادشاهی ... ایلچی ... کرده و ...
... پادشاهی ... عمارت ... برای ...
... و ... ایلچی ... اهتمام خواهد داشت
... ایلچی ... عمارت ... برای
خواهد شد و ... اول ... تا بیرون آمدن پادشاه
چند ... ایلچی ... همراهان خود ...
... عمارت ... قراول ... ایلچی ... بیرون
خواهند ... ایلچی ... اعلیحضرت پادشاهی ... او را

از جانب شاه به خلاف اطلاق با ایلچی تکلیف خواهد کرد و ایلچی با همه اسباب خود باید
خواهند رفت آنها در هیچ حالت از ایلچی و از همچنین اراء اصحاب او درخواست
نخواهند شد که هیچ گونه تغییر در وضع و رفتار خود دهند به جهت لکن ایلچی و اتباع او تمام
خواهند کرد و در باب حفظ گذر و خرج گشتن تدارک نماینده قبل از داخل شدن بیرون
بیاورند بعد از خلعت نیاز که حضرت شاه ایلچی را از جانب شاه تکلیف خشنودی نموده و
برای او سند ماه فرمان گشته بعد از انقضای مهلتی معین ایلچی ایشان ترتیب [illegible]
مراجعت ... لکن بدون اسبکه اطلاق وزیر اعظم با ایلچی سپهسالار [illegible]
بعد از هنگام اول ایلچی باز به اشخاص به بدن او اطلاع و رفتن رسوم و رسوم
تشریفات برای ... و کیل روس با کارگزاران خلعه بود که همچنانکه صاحب
منصبان با استقبال او می‌فرستند در برنامه خواهند بود و اصحاب ایشان
در عهد دیگر و هم مستقل برای ایشان بیرون گذاشته‌اند و همان عسکری در قراول
هستند برای ایشان پیش‌کش خواهند کرد وزیر اعظم اعلیحضرت پادشاهی او را
هم بی ایشان گذاشته رفت ایدون تخلف کرده بعد باز دید ایشان خواهد
رفت اگر ایلچی و وکیل کارگزار از جانب دولت خود حامل مراسله باشند
اعلیحضرت پادشاه از دست ایشان خود خواهد گرفت همان تشریفات توسط دولت
روس در حق ایلچیان و وکلا و کارگزاران ایران که با مرتبت برابر بطور
بی دریغ می‌باشند رعایت خواهد شد لکن به ملاحظه اختلاف عادات و رسوم در دو
مملکت این نکته که در شغل بی‌دقته است در ضبط و [illegible] وکلای مختار [illegible] را داده
همان قدر و قیمت داده که لفظ عهدنامه عمل امروزه مندرج است تحریر یافت و [illegible]

زکوه

ترکمانچای بتاریخ ... شنبه ... جمادی بجانب است از پنجم شهر شعبان المعظم
سنه ۱۲۴۳ هجری به ملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید
و اسفار و وزیر دول خارجه بجناب ... ایلچی
ایلچی مختار رسید

نظر بحصول فصل چهارم عهدنامه عهده امروزه اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران تعهد می‌کند در تاریخ اختتام عهدنامه سرحد را در مدت ... ماه
حقیقه ... را ... با ... تخلف ... دولت روسیه است و در میان نصف دو ...
در حسب فصل چهارم عهدنامه ... مذکور شده است و ... اتفاق خصمانه ... قبل
از جنگ ... عهدنامه ... سوابات ... تعدی ... تصرف ... ایران ...
از قشون خود تخلیه کرده با سرحد روس و همین جهت ... فرمانه خواهد
و تسلیم نماید تا ... تعویض ولایت مذکور با وکلای روسیه دولت ایران
متوجه خلاف ... هیچ گونه ... با اهالی ولایت و ایشان ... و حکام ولایت
از هر کس خلاف ضابطه و نظام ... در این مدت ... اتفاق بیفتد از طرف
دولت ... خواهد بود

نظر بحصول فصل ششم عهدنامه عمل امروزه ... اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران تعهد است ... ب ... حضرت امپراطور کل ممالک روسیه
مبلغ خسارت ده کرور تومان ... ... روسی ... در ...
... که ... گشته است ... ده کرور تومان از آن در مدت هشت روز بعد
فاصله از اختتام عهدنامه ... اتفاق ... بوکلای مختار روسیه ...

... [illegible]

انعقاد داده شود و هم گروه نیز باید ده روز تا در خبر بر تحصیل شود و سه کرور دیگر
نیز تا بیست ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارت از بیست و ششم شهر رمضان سنه ۱۲۴۳ هجری ایصال
کرده و دو کرور باقی هم که تتمه ده کرور تومانات دولت ایران به روسیه
متعهد ایصال گشته در غایت شهر [illegible] سنه ۱۸۲۹ مسیحیه که عبارت است از رجب [illegible]
هجری سنه ۱۲۴۵

به جهت اینکه اعلیحضرت امپراطور معاهده [illegible] قسم [illegible] ایصال [illegible] کرده
تمام ولایت آذربایجان در تصرف [illegible] عساکر روسیه [illegible]
و انتظام آن [illegible] روسیه [illegible] حکومت [illegible]
اکمال [illegible] وضع [illegible] اجرای [illegible] رعایت
و حسن ضابطه و آسایش [illegible] مخصوصه جهت تدارکات
[illegible] عساکر [illegible] ولایت [illegible]
[illegible] مذکوره [illegible] کرور تومان است و
یازدهم ماه [illegible] سنه ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارت است از [illegible] صفر سنه ۱۲۴۴
[illegible] تسلیم شود [illegible] تمام ولایت آذربایجان از ایران منفصل
[illegible] اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه مطلق استحقاق [illegible]
[illegible] حمایت [illegible]
[illegible] انتقال [illegible] ایران [illegible]
[illegible] دولت روسیه [illegible]
معلوم است [illegible]

دولت

دولت ایران نزد دولت روس [illegible] از تعهدات نقدیه بری الذمه خواهد بود لکن
مقرر است اینکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران [illegible] کرور [illegible]
پنج کرور [illegible] مشروط [illegible] داده شود [illegible] آذربایجان [illegible]
مدت [illegible] عساکر روسیه تخلیه خواهد [illegible] ایرانیان [illegible]
[illegible] قلعه و ولایت [illegible] ایصال کرده [illegible] کرور [illegible]
[illegible] سنه ۱۸۲۸ مسیحیه [illegible] عساکر روسیه [illegible]
[illegible] روسیه [illegible] تخلیه [illegible] آذربایجان
[illegible] اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران [illegible] دولت امپراطوریه روسیه [illegible]
روسیه [illegible] کرور تومان را داده باشد
[illegible] دولت [illegible] حکومت [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران [illegible] خواهد [illegible]
لکن [illegible] ضابطه [illegible] شرایط [illegible]
[illegible] فصول [illegible] مقرر گشته است تغییری
حاصل نخواهد کرد

عساکر روسیه [illegible] آذربایجان را در تصرف خواهند داشت
چون [illegible] عساکر روسیه در [illegible]
این مملکت اقامت نمایند لهذا قرار داده [illegible] عساکر ایرانی [illegible]
[illegible] ولایات داخله ایران [illegible]

برای رفع امور یکه موجب اختلال ضابطه و نظام عسکریه می‌شود و حفظ آن
مابین عساکر جانبین در مدت توقف چند وقتی در ولایات [illegible] در فصل سابق قرار
داده شد بنابر این لازم است مقرر شود که در مدت اقامت هر فراری لشکر روس
که بجانب ایرانیان بگریزد باید بواسطه رؤسای ایران گرفته شود و به امرای
نزدیک‌ترین رؤسای روس تسلیم شود و همچنین هر فراری لشکر ایران که بجانب
روسیه بگریزد بلافاصله گرفته شده به نزدیک‌ترین حاکم ایران تسلیم شود
ماده هشتم قرار از باب لقد [illegible] از جانبین باید آن بر اثر تشخیص حفظ [illegible]
در [illegible] السلطنه فصل چهارم عهدنامه که عهده‌دار [illegible] شده‌اند نامزد خواهند شد
و کذلک برای ترتیب نقشه اراضی [illegible] رسیده تصحیح فرمان فرمای
گرجستان و نسخه دیگر در کمال مشاهده تصحیح نواب مستطاب نایب‌السلطنه
عباس میرزا اصلح خواهند شد و بعد از آن این نقشه‌ها با دستخط مشترک در مستقبل
دولت ادبی (؟) و سند خواهد بود این فصل هم بالکل برای [illegible] عهدنامه سبک اوراق
کشف نامه مشتمل بر [illegible] است [illegible] و [illegible] داشت که در کمال
حفظ در آنجا مندرج است و در هر حال به وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل
ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران اختیار داده دستخط نموده مهر کردند
تحریراً در قریه ترکمان‌چای گرجستان بتاریخ دهم [illegible] سنه ۱۸۲۸ مسیحیه
عبارت است از پنجم شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۴۳ هجری
بملاحظه و تصدیق نواب نایب‌السلطنه رسید
و به مهر وزرای [illegible] رسید

قرارنامه افلاس

در [illegible] مابین وکلای دولتین ایران و روس منعقد گردید به تاریخ
شهر ۱۲۴۳ هجری ۱۲۴۳ هجری

نظر به اینکه بجهة رفع افلاس تجار و رفع جمیع جهات ورشکستگی لازم است که از قرار
فقرات ذیل است

اول جمیع سندات حواله و فروخت و تمسکات و غیره هر نوع [illegible] در [illegible]
معتبر در دفتر مخصوص حاکم [illegible] بجهة [illegible] ثبت شود و در
دفتر دیگر [illegible] از روی تاریخ و غیره [illegible] ثبت گردد نمره دفتر
بر روی سندات نوشته شود و اوراق دفتر نمره داشته باشد و [illegible]
و نمره داشته باشد

دوم سند اینکه در دفتر بزرگ معتبر [illegible] در [illegible] در دیوانخانه
از روی الف با اسامی صاحبان نوشته شود و دفتر بزرگ فهرست شود

سیم [illegible] مقام [illegible] در دیوانخانه
معتبر شده است [illegible] و [illegible] اول وصول
[illegible] و این قرارداد [illegible] قواعد [illegible] و احکام افلاس جاری است [illegible]
بود

چهارم [illegible] سندات [illegible] واجب [illegible] سند اینکه [illegible] در
دیوانخانه [illegible] ترجیح دارد [illegible] سندات خارجی [illegible]
[illegible] سندات در دیوانخانه معتبر [illegible] است

و بیع مستندات و دفاتر را مدت یکسال قبل از ورشکستگی به دیوانخانه عرضه ننموده باشد

پنجم هرگاه املاک غیر منقول را که به او فروخته شده با بیع شرط گذارده باشد قبل از دو وعده خیار فسخ
از ادای قیمت مشتری به او بدهد و چنانکه بر وعده تعهد اقرار نداده به بیع لازم هم خواهد بود
و دیوانخانه قبل از ثبت و صدور حکم افلاس چنان مستند جزئیه و فروخت باید حکم نماید
در قباله و خیار فسخ آن به دست مشتری داده شده است و بیش از آن چنان غیر منقول را خریده
فروخته تلف نموده اگر بیع و شرط ذکر شده باشد

ششم لوایح و حساب ثابت کرده باشد که اسباب طلبکاران و بهره کار بوده به حفظ
و نگاهداری بروز ورشکستگی نوشته باشند و نیز اطلاع رسیده و ادعای العقود نداشته
ننموده و یا رقم دعاوی قرض ثابت کرده

هفتم قرار و وفات هر یک از طلبکاران حق مطالبه تنها را خود و از ورثه مرحوم
قبل از انقضای مدت وعده خواسته داشته که ورثه اموال مرحوم را رد نماید

هشتم هر یک از تجار که به دعوی افلاس نماید باید قسم یاد کند که از اموال خود
چیزی پنهان نکرده و پیش از افلاس خود را هم ثابت کند و جمیع شرکا و کارکنان او هم
باید قسم یاد نمایند که از اموال او چیزی پنهان نکرده‌اند

نهم از این قرار ورشکستگی در ثبت برقرار است تا خاتمه محاکمه تأمین نمایند و دیوانخانه اموال
ورشکسته را و اموال اولاد و زن او را ضبط خواهند کرد و اگر در محضر ورشکسته ثابت
نمود که از طلوع ورشکستگی او صاحب این اموال شده‌اند و آنچه از اوقات آن
و هیچ وجه دفع ورشکستگی نشده و ورثه با آن رسید باید اینکه حاصل کاسبی
خود آنها است هیچ جهت از حق آن نخواهد رفت از ضبط معزول خواهد بود

دهم

دهم چنانچه بعد افلاس از حرفت اتفاقیه و غرق تا به و از غرق و نقصان به
مرده به ادون ضامن نیست

یازدهم مجازات مفلس حیله‌کار مجازات دزد و مجازات شخص کاذب حیله‌کار بود و اجتناب
که مفلس مجازات آن را با تمام مراد داشته با مستقر به بصیرت قرار و قدرت تجار و حیله
بر مفلس حیله باید مدت طول مراقبت اش در حبس بماند و با ادعای حکم حاکم شرع
بناء مراد داده و داشته و جمیع اموالش ضبط حیله شده و با تمام تجارت آنان
نموده باشد لازم است مجازات او و برای احکام و اموال او را
پنهان داشته‌اند با تمام حیله بود

دوازدهم شرط ثابت بودن مفلس پس از افلاس و امتیاز و اتفاق شرکات با ملاک
و همین شرط ... قرار ظهور افلاس منعقد است با ملکیت

سیزدهم تقسیم اموال ورشکسته فیمابین طلبکاران قرار از چهار ماه خلاص نخواهد بود و اگر
اجناس ورشکسته از قبیل چیزهای تلف شدنی در زود منافع و نقص می‌شود پیش از چهار ماه
و از وقت و سایر باید جدا رنگ نقد نمایند و مال الیک قرار و اشتهار افلاس
بابت مفلس می‌نویسند باید در کمرک ضبط نمود و همه دیوانخانه فروخت و تسلیمات
هر نوع مراسلات با سم مفلس مستقر بر عدم صدق افلاسش باشد باید
به دیوانخانه برساند

چهاردهم هرگاه مفلس کل قرض خود را ادا نتوانسته است باید به صاحب
حیله شده و طلبکاران به رضای خود شان برای طلب‌ها مبلغ مهلت خواسته‌اند
و در آن اثنا هر چه حاصل او شد با ارث و غیره به عوض قرض باید داده شود

بالتمام چنانچه در سابق بود و فعلاً نیست با مستندات تفصیلی ظاهر شود و در دیوانخانه ثبت را
به تصدیق مهر دیوانخانه باید از عهده قروض ورشکسته برآید

ثالثاً اتباع ایرانیه در محلی جنس مطلوب می‌شوند از انبار است اول تجارتخانه
حق دارند که وطلب از جنس حساب نقد و جنس خود را از مردم گرفته است
مهر تمام اگر به تمام و اثر جنس بجا هم می‌رود اتباع ایرانیه اقدس حقوق را در دست
از ظهور اقدس نقد حقوق آن ملک طلبکاران بخشید که جای هم که
جز منقولات از سابق نیز فروخته است با هیچ شرط که ادا نموده است تماماً قروضه
با هیچ شرط نگذارد

چهارم اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری ایران در بعضی اماکن متعلقه به تبعه خود (از قبیل)
الکام ... عمارات و تعمیرات به جهات بسیاری مجبور که سبب آن است
جاهای مردم را موقوف نموده قرض میگیرند هیچ یک را از رعایای
این دولت جا داده مدت متعلق آن را اشغال ... و معطل و بسیار را از جاهای خود مطالبه
و هر که خلاف حکم پادشاهی نماید مورد مؤاخذه خواهد شد

پنجم چون جهت جنس رفت از تجارت هر جا ملک انبار مفروز است لهذا اولیای
دولت قاهره در همه جای ایران از تجارت کالا میشود ملک انبار در میان جزو اهل فرنگ
مگر که هر وقت کار تجارت دولت بهیه روسیه به ... رجوع میشود باید
قطع و فصل آن در حضور یک نفر صاحب منصب سفارت یا قونسلگری شود همچنین ضبط
اموال منقول و متعلقات مفروض شده در جائیکه با رعایای خارجه حال ... به
معنی در حضور یک نفر صاحب منصب روس نیز کار که از ایران و روس طلبی و ورشکسته را انداخته

کارش

کار انتقال به ... ولایت خواهند بود چنان مطالبه خواهند که مشارالیه متعهد خود
رعایای دولت بهیه روسیه هم دیگری را باب فقره هم و ... منقول ذکر شده
تعهدات اسلامی شود و در ایران هر کس به قرار حق دارند اول دیوان اسلامی
و هم ملک تسلیم رعیت چنانچه ملک که مرقوم به جهت و در هیچ شرط نکرده در دیگر مصالح
نفس با ... از وقت از دیوان اعلا در رعیت اول ملاحظه که تحریر استنساخ
بیست و هفتم شهر شوال ۱۲۵۹ در دارالخلافه طهران
تحریر یافت

قرارداد است در فیمابین دولتین بهیتین ایران و روس
تاریخ بیست و هفتم شهر جمادی الاخری سنه ۱۲۶۰ ‏ ۱۸۴۳ برج
در دارالخلافه طهران تحریر یافت

برای رفع اختلاف و منع ... سرحدات ایران و روس به جهت از
مهاجرت حاصل آید وکلای طرفین حسب الاذن و مأموریت دول خودشان
این قرارداد را منعقد و امضا کرده‌اند

اولاً رعایای هر دو دولت هم بدون اذن و نوشته و ملاحظه دولت خودشان کلیه
مهاجرت نکنند کرد

ثانیاً هرگاه از رعایای دولتین بهیتین هم بدون ضبط کلیه جمع کرده خود دیگر و بیت
سرحدداران نزدیک به جای او ... بر طرفین رابطه را ... به قونسول دولت
تسلیم خواهند نمود ... همراه خواهد

ثالثاً هرگاه بعضی از رعایای دولتین در خصوص مهاجرت خود از دولت خودشان خواهند

که باید دولت خارجه باشد

چنانکه اگر جانبین دولتین در عالم دوستی از عهد یک چیزی بخواهند با صفا بیفزایند برای
بعض فصول را داخل نمایند که منافی مقررون بفقرات مرقومه نباشد

محل مهر جناب میرزا آقاسی   محل مهر جناب سر غور اوزلی وزیر مختار دولت

وثیقه نامه مهوره فیما بین دولتین ایران و انگلیس

چون در این اوان سعادت نشان سفیر با تدبیر روشن ضمیر صاحب تمیز عالیجاه
شأن و دولت همراه عالیجاه عمدة الامراء العظام المسیحیه سر هرفرد جانس بارونت
از جانب سعادت جوانب شهریار کامکار حضرت عدل گستر فلک مکان خورشید کلاه
جمجاه دارا ناظم مناظم کشورستانی صدرنشین ارائک سلطنت و تاجداری
شرف افزای مسند عدالت و جهانبانی عدیم المثال بلازوال دارای اریکه داد و دل
پادشاه والاجاه فلک دستگاه ممالک جمیع ممالک انگلستان و هندوستان
ادام الله تعالی ایام سلطنته الباهره برسم سفارت با نامه همایون بجانب ایران
وارد دربار سپهر نشان و شرف اندوز تقبیل عتبه علیحضرت قدر قدرت قضا نفاذ
گردون حشمت جم بارگاه فریدون مکان فلک دستگاه خورشید علم خسرو داور اعظم
قهرمان مالک رقاب الامم حامی الاسلام والمسلمین عز الملة والدین فتحعلی شاه الماء والطین
شهنشاه جم اقتدار که رقبه ... ایران و توران لازال مشارق آفتاب مطالع
مطلع کواکب الاحوال گردیده و مراتب وکالت نامه معتبره بمهر مهر آثار پادشاه
والاجاه معظم الیه در نتیجه مبانی یکجهتی و الفت دولتین علیتین وکیل مطلق و معتمد
مختار بود و از طرف همایون اشرف شاهنشاهی بهره‌بار کامکار ممالک ایران نیز عالیجاهان

رفیع

رفیع جایگاهان نجابت و جلالت پناهان عزت و دولت دستگاهان مهربت و
حشمت همراهان مقربت الخاقان صدر الوزراء العظام معتمد الدولة العلیه العالیه
میرزا محمد شفیع وزیر اعظم امین الدولة العلیه القاهره حاجی محمد حسین خان
مستوفی الممالک دیوان اعلی را که از قبل اشرف جداگانه وکالت مطلقه
تفویض رفته بود با عالیجاه ایلچی مشارالیه تمهید شرایط مودت و یکجهتی و وفاق
دولتین علیتین پرداخته ارکان اتحاد را بنحوی که نقض ... ملاحظه طرفین مستحکم و مشید
ساخته با شئونه عالیجاهان مشارالیهم بعد از انعقاد مجالس عدیده و طرح مقالات و
مکالمات لازمه باستصواب و رضای یکدیگر بنای عهد و میثاق و داد و دوستی مربوط
و یکجهتی و وفاق ما بین دولتین علیتین به اصول مفصله ذیل گذاشته بر اولیای
دولتین ... لازم داشته‌اند که از ... هر یک ... سطور عهد و شروط را
منظور و مرعی گذارند

چون تفصیل شرایط و توضیح و تبیین معاهده ما بین موقوف بر تحقیق مکالمات کافی و
مجالس متعدده و این وثیقه مهوره مقدمه عهدنامه مهوریست که در قم مسکور تا تاریخ
... که در ... وزیر مختار جانبین را ... مابین و قرار
کل عهدنامه ... مشتمل بر جمیع معاهده و حاکم جمیع شرایط و مهر الطرفین
دستخط و مهر وکلا ... گردد و مدار یکجهتی دولتین بر آن باشد

اولا باید این عهدنامه در میان دو دولت جاوید مدت بر ثبات صدق و دوستی
بسته شد از ... و تغییر و تبدیل ... وزرا و ... و تغییرات ...
و تکالیف ... دولتین ... موافقت ... باشد

چه زیاده بر قرار ملک وسعت تمام دارد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان
و وزرا و امراء و ولاة و حکام ولایات و سرحدات ممالک ابد الاباد استوار
باشد

دوم اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم دانسته‌اند که از تاریخ این عهدنامه همه
عهدها و شرطها با هر یک از دول فرنگ بسته‌اند باطل دانسته و لشکر
هیچ دولت از طوایف فرنگ را از ملک ایران راه عبور به طرف مملکت هندوستان و سمت بنادر
هندوستان اذن ندهند

سیم در صورتی که لشکری از طوایف فرنگ به مملکت ایران آمده در صدد
محاربه با پادشاه والاجاه انگلستان قشون و لشکر و اسباب در عوض آن
وجه نقد و توپ و تفنگ و سایر و جمع نقدی که صلاح دولتین باشد کمک
نهایت سپهر اقتدار پادشاه ایران بفرستند و در دفع و رفع ایشان کمک و یاری
کامل اعانت و امداد نمایند و مقدار این قشون با سلیح و وجه نقد و ارتباطات
و اسباب از قراری است که در این عهدنامه مفصل منقح و معین خواهد شد و اگر
بنای مصالحه فیمابین آن طایفه فرنگ و اولیای دولت علیه ایران نزاع و جنگ واقع
شود اولیای دولت بهیه انگلیس اتفاق اقدس پادشاه والاجاه انگلستان کمال
سعی و اهتمام و دقت نماید در فیمابین ایران و آن طایفه فرنگ صلح و آشتی
صلح واقع شود و اگر هم مقدور نشود این صلح پادشاه والاجاه انگلستان
به طوری که رقم شد و از عهدنامه مفصل تحقیق داده قشون یا لشکر یا وجه
نقد و اسباب به کومک ایران بفرستد و امداد و اعانت و کومک الی انجام جنگ فیمابین

ایران

ایران و آن طایفه هنگامی که در صلح با آن طایفه با اولیای دولت
ایران صلح نماید مطابقه رود اولین کومک نمایند و هرگاه افغانه هندوستان را
با اولیای دولت انگلیس نزاعی و جدال باشد اولیای دولت ایران از طرف
لشکر تعیین کرده به طوری که مصلحت هر دو دولت بهیه باشد به دولت انگلیس اعانت و امداد نمایند از
قراری که در عهدنامه مفصل منقح و معین خواهد شد

چهارم اگر از اهالی هندوستان قشون و لشکر وارد به خلیج العجم شود و قبل از اذن
و رخصت اولیای دولت ایران به جزیره خارک یا جای دیگر از سواحل عمان
نزول کرده باشند بهر جهت از رفع و دفع و تفرقه و اخراج ایشان کرده و از تاریخ
عهدنامه هیچ یک ذکر کرده در تحت اختیار اولیای دولت ایران باشند اگر
اولیای فسخ ممالک و ولایات و بنادر جنت و دیگر و دستگاه قاطعاً
هندوستان محتاج باشند و اولیای دولت ایران خواهند برای امداد
خود قشون را لشکر داده و اگر ضرر رسد هندوستان نمایند
در عوض قشون لطف نموده دیگر بافت در عهدنامه مفصل منقح خواهد شد
وجه نقد برای اخراجات و تدارکات بازیافت نماید

پنجم اگر قشون مذکور رخصت اولیای دولت ایران در جزیره خارک یا جای
دیگر از سواحل عمان توقف نمایند باید از جانب کارگزاران دولت ایران
کمال شفقت و مهربانی نسبت به ایشان معمول دارند و حکام و بنادر فارس
نمایند و سیورسات و آذوقه برای قشون مذکور لازم و در کار باشند
و شهر حاضر وقت نرخ قیمت بازیافت نمایند

ششم اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت انگلیس را
در این میانه کاری نیست و به هیچ جهت اعانت و امداد نخواهند کرد مگر اینکه به خواهش طرفین
واسطه صلح گردند

هفتم این عهدنامه مجمل مبارکه برسم دستورالعمل محافظت مرقوم و در ضمن آن عهده
شرایط صحت ثابتی را این عهد جانبین رسوم و شرایط مقرره و منعقد بین الدولتین
و قرارات اولیای دولت علیه ایران معاهده و شروط مخالف دولت
انگلیس ... و افراد ایشان در حدود هندوستان ... هیچ یک
از طوایف فرنگ تا به رسیدن این عهدنامه مجمل تا به پایه ارادت این عهدنامه
... دولت ... فواید آثار گردد ... و کلا ...
به اثر و استحکام این عهدنامه مبارکه را دستخط و مهر گذاشته‌ایم تحریراً
دوازدهم ماه مارچ ... مطابق ...
سنه ۱۲۲۴ ... ۱۸۰۹ عیسوی

... دستخط پادشاه انگلیس ...

ما این عهدنامه مجمل را دیده‌ایم ... و شروط آن را مقبول و
منظور داشته‌ایم ... برادر ...
... شروط این عهدنامه ... المعقوده
... برای ... پادشاه ...
این عهدنامه ... و ... گذارده‌ایم ...
...

تاریخ دوازدهم ماه مارچ عیسویه سال جلوس (همایونی) ۱۸۰۹

عهدنامه مجمل فیمابین دولتین ایران و انگلیس در دارالخلافه طهران منعقد شده است مجدداً ... الکافی

این مجموعه اوراق دستخط ... اتفاق
رسیده دولت و وکلای حضرتین علیتین به رسم عهدنامه مفصل به طریق صدق ...
... چون ... عالیجاه رتبة السفرا ... جانب دولت از جانب
دولت علیه انگلیس ... مقدمات ... علیتین وارد دربار ...
... عهدنامه ... دولت علیه ایران ... الفخام ...
الوزراء العظام ... للصداره والوزاره ...
... العظام ... العالیه ...
... ممالک ایران ... دولت
دولت علیه انگلیس ... عهدنامه مفصل ...
... ساحت ...
... اتحاد ...
... دولت ... التزام ...
... دولت ...
... وکلای ... حضرت ...
... از قرارات ... عهدنامه ...

سبیل و مقرر خواهد گشت

اول آنکه اولیای دولت علیه ایران رجوع و لازم دانستند که از تاریخ این عهدنامه
هر عهد و شرطی که با هر یک از دولتهای فرنگ بسته‌اند باطل و بی‌اعتبار
و لشکر سایر طوایف فرنگستان را از حدود متعلقه ممالک ایران راه عبور به طرف
هندوستان و سمت بنادر هند ندهند و احدی از این طوایف را که اراده داخل
مملکت ایران نمود و اگر طوایف مزبور خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان
و بخارا و سمرقند و غیره عبور به مملکت هند نمایند اولیای دولت ایران حتی‌المقدور پادشاهان
و والیان و سایر اعیان آن ممالک را مانع شوند و از [illegible] طوایف مزبور را باز
دارند خواه از راه تهدید و تخویف و خواه از روی رفق و مدارا

دوم اگر دشمنی از طوایف فرنگ به مملکت ایران آمده باشد اولیای
دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش اعانت و امداد نمایند فرمانفرمای
مملکت هند از جانب دولت بهیه انگلیس هرگاه امکان و قدرت داشته
بقدری که خواهش اولیای دولت ایران باشد عسکر و سپاه از مملکت هندوستان
روانه سمت ایران نمایند و اگر بجهت بعضی [illegible] فرستادن سپاه امکان
نداشته باشد هر ساله مبلغی [illegible] هزار تومان جهت اخراجات سپاه دولت
ایران [illegible] مادام که جنگ و جدال با طوایف مزبوره در میان باشد وجه
مزبور [illegible] و کارسازی [illegible] وجه نقد مزبور [illegible] به ایلچی [illegible] است
[illegible] دولت بهیه انگلیس لازم است [illegible]
[illegible] در فصلات [illegible] مرقوم می‌شود

سیم اگر احدی از طایفه فرنگ را با دولت علیه ایران جدال و نزاع داشته باشد و دولت
بهیه انگلیس مصالحی اتفاق افتد پادشاه والاجاه انگلستان کمال سعی و دقت
نماید که مابین آن طایفه نیز رفع دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد و اگر
این سعی کارگر نیفتد پادشاه ذیجاه انگلستان به طریقه مرقوم شده از مملکت هند
عسکر و سپاه کومک ایران نماید که با آنچه در بابت هزار تومان مقرر داده برای
خرج لشکر و غیره کارسازی دولت علیه ایران نماید و این اعانت مادام که جنگ
مابین ایران و آن طایفه باشد و رفع جدال نشود و آن طایفه با دولت ایران صلح
نمایند مضایقه نکنند و [illegible] مقصود این امداد کامی نمایند و در صورتیکه
صلح مابین آن طایفه و دولت بهیه انگلیس اتفاق افتد باز هر وقت اولیای
دولت علیه ایران خواهند و جنگ و جدال با آن طایفه نشود و معلم و غیره جهت تعلیم
و نظم سپاه ایران اولیای دولت انگلیس [illegible] وقت بقدر مقدور [illegible]
مضایقه ننمایند

چهارم چون قرارداد مملکت ایران [illegible] شاهنشاهی [illegible]
[illegible] قرار داده [illegible] عوض سپاه از دولت انگلیس داده شده [illegible]
[illegible]

پنجم هرگاه طایفه افاغنه را با اولیای دولت بهیه انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای
دولت علیه ایران سپاه تعیین نموده [illegible] به دولت بهیه انگلیس
اعانت و امداد نمایند و وجه اخراجات آن را از اولیای دولت بهیه انگلیس
بگیرند [illegible] قرار که اولیای دولتین قطع و فصل خواهند نمود [illegible]

دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را در این امر
کاری نیست و به هیچ طرف کومک و امداد نخواهند کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه
صلح گردند

ششم در هنگامیکه در بنادر و دریای قلزم چوب و اسباب جهاز شود و شاهنشاه ایران
خواهش نمایند در جزایر بحر و بنادر کشتیهای جنگی سازند بپادشاه ذیجاه انگلستان
اجازت بطلبند و عمله کشتی سازی و غیره از دارالسلطنه لندن و هم از بندر بمبئی
نامزد بخدمت شاهنشاه ایران حاضر و خدمت مرجوعه را مرتب نمایند و مواجب و
اخراجات آن بارکاران شاهنشاه دولت ایران باشد به رای قرار رو با ایلچی
دولت بهیه انگلیس داده خواهد شد

هفتم اگر از رعایای ایران کسی یاغی و دشمن گردد یا فرار نموده و قرار به دولت انگلیس
نماید به محض اشارت امنای دولت ایران آن کس را از ولایت مرزبور
بیرون کنند اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران نمایند و در صورتیکه
پیش از رسیدن آن کس به ولایات مرزبور اشارتی از امنای دولت علیه ایران به آنجا
و حکام آن حدود برسد آن کس را در جهت [illegible] ندهند و اگر از ممانعت آن کس
فرو رود او را گرفته روانه ایران نمایند

هشتم اگر در بحر العجم اولیای دولت علیه ایران را امداد ضرور شود اولیای
دولت انگلیس بشرط امکان و فراغ [illegible] کشتی جنگ و قشون بفرستند
و اخراجات [illegible] بعد از وقت قطع و فصل [illegible] کنند [illegible]
مرزبان ایران [illegible] امنای دولت علیه ایران [illegible] بفرستند و از جای

اگر

و دیگر با خفت و خواری تمام عبور کنند

نهم مواجب صاحبمنصبان سرهنگ و جمعه و غیره سواره‌ای دولت بهیه انگلیس حفظه‌ا
که بر حسب خواهش شاهنشاه جمجاه ایران خواسته شده بخدمت ایشان مشغول باشند و از
عنایت خسروانه با بهره باشند [illegible] مواجب [illegible] قرار
مواجب [illegible] صاحبان و سرداران [illegible]

صاحبان و سرداران		جهازی	توپ	
لفتنان جنرال	میجر جنرال	کرنیل	لفتنان کرنیل	میجر
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اکزند جنرال		کپتان	لفتنان	
[illegible]		[illegible]	[illegible]	

سرکردگان و دیگر لوازم			سرکردگان دیگر [illegible]		
کرنیل	لفتنان کرنیل	میجر	کرنیل	لفتنان کرنیل	میجر
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
			کپتان	لفتنان	
			[illegible]	[illegible]	

رفعت بحر [illegible]			رفعت [illegible]		
رفعت میجر	رفعت	کارول	رفعت میجر	رفعت	کاربور
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ظفر انتساب شاهنشاه جمجاه ایران حاضر و مشغول خدمت سرکار باشند و هر یک
از صاحبان منصب [illegible] حاضر شوند از قسم [illegible] در حق
[illegible] موافق رتبه هر یک از ایشان و هر یک [illegible]
دیگران باشند [illegible] موافق رتبه [illegible] انعام داده

حواله شده مرحمت نمود اگر خدا نخواسته یکی از ایشان در خدمت مرجوعه کوتاهی
کنند بمجرد اظهار ایلچی از خدمت شاهنشاه معزول خواهند شد

فصل دهم چون منظور رای شاه جمجاه انگلیس از این عهدنامه جاوید ابد الابد ابد الاباد
والدهور و الاعصار بدوام و برقرار باشد و از هر دو طرف میل اشرف فقط
جلب مودت هر یکی از اولاد فرزندان سپهر پایه شاهی و ولیعهد دولت
و نسبت کسی در سلطنت هر یک دولت دیگر چون در ایران برادر دارد و داشته
و این طریقه را معمول و مرسوم داشته و هر گاه ولیعهد یکی از برادران خود
محتاج باعانت جمعی از دولت دیگر بن نظر تقویت بزرگ و صلاح دولتین
مملکتین و عقد در طرفین این معاهده دیگر هر دو امداد و اعانت نمایند و امداد
و اعانت در آن حال از قرار تحقیق فصل سابقه در این عهدنامه مبارکه منظور
باید ولیعهد ... شده برقرار باشد

یازدهم چون از قرار یکه براد با ... دولت رایج و از کون ... و هنر
بگیر واقع شود که منظور از این عهد و دوستی از دیار قوت هر دو دولت
و دوستی هر دو مملکت است و هر یک را مشیت خاطر آنست که بیکدیگر تقویت
کرده و امداد یکدیگر بمملکتین طرفین افزوده باشند و مطلب و خواهش امنای
دولت بهیه انگلیس آنست که دولت علیه ایران روز بروز زیاد قوی و مستحکم گردد
و از خارج شدن لشکر و خلل و تفرقه در مملکت مزبور نماید و بامداد دولت بهیه انگلیس
دولت و مملکت علیه ایران قوی و مستحکم گردد اگر برادر داخله مملکت ایران فیمابین
شاهزادگان یا امراء و سرداران نزاعی روی دهد دولت بهیه انگلیس را در آن

میانه

میانه کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید و ایضاً اگر امری از شرایط
و الکای دولتها از مالک متعلقه بایران را بدولت بهیه بدهند که در عوض آن
آن الکا و اعانتی نمایند هرگز اولیای دولت بهیه انگلیس این امر را قبول نکرده
بهیچ وجه از این مقوله گفتگو نکنند و دخل و تصرف در ممالک متعلقه بایران هرگز نکنند
نموده است العفد بعون الله و حسن توفیقه این چند فصل ... خجسته با خلاصه و نتایج
تالیف منعقد و پیوسته باشد این عهدنامه میمون را امنا و وکلای حضرتین علیتین
در باتهم ... است و در این شهر طهران تعقیب و ازده کلمه مستحکم و منعقد داشتیم
و دستخط و مهر کرده شد بتاریخ چاردهم ماه مارچ ۱۸۱۲ عیسویه مطابق بیست و دوم
شهر صفر المظفر ۱۲۲۷ هجریه تحریر شد و الحمد لله ...

سواد دستخط عباس میرزا نایب السلطنه

چون اعلیحضرت قدر قدرت فلک رفعت شاهنشاه عالم پناه نیابت سلطنت
این دولت قاهره را بما مفوض فرموده لهذا قبول این عهدنامه مرحمت اعلای
بزرگ همت بزرگانه نموده لازم شمردیم که این عهد میمون خجسته را که فیمابین
بسته و محکم گردیده است بر وجه که در عهدنامه مبارکه مبسوطاً و مشروحاً است
از عالم تحریر الحال اتفاق شان فیمابین نموده از طرف کارداران دولت علیه
شان با حضرت ولیعهدان دولت بهیه مستقر و برقرار باشند و تخلف و تجاوز
روی نخواهد داد (... خبر ...)

عهدنامه تجارت فیمابین ایران و انگلیس در عهد شاهنشاه
ایران محمد شاه طاب ثراه

چون بمن الطاف خداوند یگانه جلت نعمائه و عظمت آلائه از روزی که عهد دوستی
و الفت ما بین دو دولت قوی شوکت ایران و انگلیس مرتب و ممهد گشته روز
بروز سلاطین نامدار خسروان معدلت شعار دو دولت ابد آیت و امرای آنها
واحدا بعد واحد اصول و فصول آن را محترم و محفوظ داشته متعلقان مملکتین را
از فواید آن متمتع و محظوظ فرموده لهذا که عهدنامه تجارت هم در دیباچه
عهدنامه سنه ۱۲۲۹ اولیاء دولتین بهیتین وعده انعقاد آن کرده اند و تا کنون
بعضی جهات در عهده تاخیر مانده بود لهذا برای تکمیل جمیع شرایط معاهده و مودت
در این سال فرخنده فال اعلیحضرت قضا شوکت قدر قدرت فلک رتبت گردون
حشمت حضرت اعظم خدیو جم حشم حامی حوزه الاسلام و المسلمین عون الملة و الدین
شاهنشاه ممالک فسیح المسالک ایران خلد الله ملکه و سلطانه جناب جلالت — محمد شاه
و نبالت همراه عزت و نجابت اکتناه امیر الامراء العظام زبدة الکبراء الفخام
میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه را بوکالت مطلقه سرافراز فرموده
و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت ثریا مکانت عالی جاه حضرت اجل نامدار
شاهنشاه ممالک انگلستان و هندوستان ابد الله شوکته و دولته جناب جلالت
و نبالت نصاب مجدت و رفعت انتساب عمدة السفراء المسیحیه زبدة الکبراء
العیسویه سرجان وزیر مختار را بوکالت تامه مفتخر فرموده و وکلای دولتین علیتین
عهدنامه تجارت را در دو فصل منعقد و ضمیمه عهدنامه اصلیه ملحق نمودند
بین الدولتین همواره منظور بوده و متعلقان طرفین را فواید آن عاید گردد
اول آنکه تجار دولتین علیتین بالمره ماذون و مرخص هستند در هر گونه امتعه و اشیاء را

بمملکت

مملکت یکدیگر نقل نمایند و در هر جا بخواهند بفروشند مبایعه و معاوضه نمایند و از مال التجاره
که می آورند و می برند در همین دو ولایت یک مرتبه بطریق نقدی از تجار دول کامله الوداد
فرنگ گمرک مال التجاره گرفته میشود از تجار رعیه طرفین مطالبه و حاصل شود و در زمان
خروج گمرک بطریق نقدی از تجار دول کامله الوداد فرنگ گمرک مال التجاره گرفته
میشود از تجار رعیه طرفین مطالبه و حاصل شود و دیگر بهیچ اسم و رسم از تجار دولتین در
مملکتهای جانبین چیزی مطالبه نخواهد شد تجار و متعلقان و منتسبان طرفین در ولایات
جانبین بهمه مرتبه دول کامله الوداد فرنگ از هر گونه رعایت و حمایت و احترام محظوظ
بهره یاب خواهند گردید
دویم چون برای رسیدگی امور تجار جانبین لازم است که از هر دو دولت وکیل التجاره
باشد مشخص و تعیین شود لهذا قرار داده شد که دو نفر وکیل التجار از جانب دولت بهیه
انگلیس در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز اقامت داشته باشند بشرط
آنکه حاکم دار السلطنه تبریز مقیم خواهد بود از افراد که ایلچی جنرال قونسول
امتیاز داشته باشد و چون از سالهای پیش باليوز از دولت بهیه انگلیس در بندر
ابوشهر متوقف است دولت علیه ایران اذن میدهد که باليوز مزبور کما فی السابق
در آنجا اقامت نماید و یک نفر وکیل التجار از جانب دولت علیه ایران در دار
الخلافه لندن و بندر بمبئی که مقر تجارت باشد بهمان مراتب و امتیازات که وکلای
التجار دولت بهیه انگلیس در مملکت ایران دارند دارا خواهد بود این
عهدنامه تجارت را ما وکلای دولتین بهیتین در دار الخلافه طهران بتاریخ ... شهر
رمضان المبارک سنه ۱۲۵۷ هجری مطابق ماه اکتوبر سنه ۱۸۴۱ عیسویه رقم و مهر نمودیم

قرارنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و انگلیس

سواد دستخط همایون که در اول این قرارنامه مرقوم فرموده اند

(این سواد مطابق با اصل و اصل هم مطابق با نوشته شده صحیح است فی شهر شوال المکرم
سنه ۱۲۶۷ [illegible])

دولت ایران قرار میدهد که کشتی های جنگی دولت انگلیس و کمپنی تا مدت یازده سال
اذن داشته باشند که به جهت احتمال حمل غلام و کنیز سیاه کشتی های تجار رعایای ایران را تفتیش
در دریای [illegible] مرقوم می شود تفتیش نمایند در کشتی های رعایای دولت ایران هم کشتی
تجار و غیره [illegible] این کشتی ها [illegible] مطلق دخل و تصرف نمایند که [illegible] داد با دولت
ایران قرار می دهد که هیچ غلام و کنیز سیاه در کشتی های [illegible]
و آنکه قرار است [illegible] اذن و اجازه تفتیش در کشتی های تجار رعایا [illegible] داده می شود
از ابتدای تفتیش تا انتها به [illegible] و [illegible] صاحب منصب ایران بشود که در
کشتی های دولت انگلیس منزل و مکان دارد
تا اینکه کشتی تجار را از جمله انعقاد از زمان تفتیش غلام و کنیز معطل کنند و اگر غلام و کنیز
در کشتی ها [illegible] کارگزاران دولت انگلیس گرفته [illegible] اگر خسارت
[illegible] دو نوع [illegible] غلام و کنیز [illegible] زحمت و ضرر [illegible]
[illegible] صاحب منصب ایران [illegible] کشتی های انگلیس هستند [illegible]
[illegible] ایران [illegible] این دولت [illegible] صاحب ان [illegible]
اعلیحضرت پادشاه ایران [illegible] غلام و کنیز [illegible] کارگزاران این دولت [illegible]

ان

ان [illegible] کشتی های جنگی دولت انگلیس با [illegible] صاحب منصب دولت
ایران هیچ نوع دخل و تصرف در کشتی های تجار رعایای ایران نکنند مگر صاحب منصبان
دولت ایران هم [illegible] این قرار [illegible] است تا مدت
یازده سال و [illegible] یازده سال و تمام شدن موعد مدت اگر [illegible]
بلکه [illegible] یازده سال [illegible] کشتی [illegible] دولت ایران
و خلاف [illegible] حقوق [illegible] از جانب این دولت [illegible]
آنکه غلام و کنیز [illegible] ایران [illegible] در ایران هستند از
[illegible] اگر [illegible] از [illegible] و [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] غلام و کنیز [illegible]
ایران [illegible] دولت انگلیس [illegible]
[illegible] قرار [illegible] تا مدت یازده سال است [illegible]
[illegible] ربیع الاول سنه ۱۲۶۸ [illegible]
تا ابتدای [illegible] شهر شوال المکرم سنه ۱۲۶۷

قرارنامه این است

[illegible] دولت علیه ایران با جناب [illegible] صاحب وزیر مختار دولت انگلیس
[illegible] سنه ۱۲۶۷ در دار الخلافه طهران سواد دستخط [illegible]
در اول این قرارنامه مرقوم [illegible] (این سواد صحیح و مطابق اصل و [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۷ [illegible])

دولت ایران قرار میدهد و متعهد میشود از جانب قشون بخاک هرات نفرستند مگر وقتیکه
قشون از خارج بر سر هرات بیاید یعنی از سمت کابل و قندهار و خارج دیگر در
صورت فرستادن قشون در آن حالت دولت ایران متعهد میشود که قشون مزبور
داخل شهر هرات نشود و بعد از رجعت قشون خارج رو بخاک خود فوراً بجهة مراجعت قشون
ایرانرا مراجعت بخاک ایران نمایند
دیگر دولت ایران قرار میدهد و متعهد میشود که از مداخله در امورات داخله
هرات نماید یعنی از تصرف یا تصاحب یا تملک یا حکومت که در آن قرار داد
در ایام ظهیر الدوله یار محمد خان مرحوم مداخله فیمابین بود که در تبریز کاغذ سابق
رفته است بنا بعهد دولت علیه ایران قرار میدهد که هر نوشته و عریضه بر این اتفاقات
هر خطاب بسید محمد خان نوشته باتفاق سفارت و از سفارت انگلیس در مشهد هم
بعد از اینکه داده شود
دیگر دولت ایران قرار میدهد که از ادعای اینکه سکه و خطبه یا هر گونه
علامتی از علامات رعیتی یا زیر دستی حکومت ایران بعهدهٔ اهالی هرات ادعا اگر بشود
ایام کامران مرحوم یا مرحوم یار محمد خان از نظر ایشان بعمل میامد و جمیع نوشته و یا سکه
بنام سکه بخطبه دولت ایران را حرف نیست و قبول خطبه کرده و ... قرار اسم
فرزند سید محمد خان اعلام خواهد کرد
دیگر قرار داده میشود مجلس قشون چیان را احضار کند که از آنجا راه ترقب
اتفاق و در هرات مقیم باشند و ایضاً وکیل مقیم در هرات گذارد که در ایام مرحوم کامران
یا مرحوم یار محمد خان آمد و رفت داشتند یعنی دائم از هرات وکیل مقیم در ایران نگاه دارند

و از

بازشد چنانکه در عهد کامران و یار محمد خان از هر گونه مراوده و ارتباطات بود از جمله آن
اگر گروهی از ایلات ترکمان و افغانستان و غیره بر ممالک ایران امداد لازم
شود هراتیها بدولت ایران نمایند چنانکه مرحوم یار محمد خان که در کاغذ اسب
میداد بعضی وقتها امداد میرسانید و با اخلاص رفتار
دیگر دولت ایران قرار میدهد بدون شرط و بدون استثنا جمیع هراتیانرا
که در مشهد و در طهران و یا در جاهای دیگر ایران هستند مستخلص و مطلق العنان بسازد
و ایضاً هم به منصوره ... و متهم از سید محمد خان قبول کنند که تمامی را که
سید محمد خان که از هرات بیرون کرده و آن اشخاص ... باز بجا بیایند
دیگر اینها ... که در این نوشته ... مالیات سابق ... عنایت و محبت ... و تحسین
قرار داد فرمان که حکم صحیح شاهزاده حاکم مملکت خراسان صادر میکنند و جاری
سازد شرط ... این قرار نامه نوشته شد از مقررات
این قرار داد از سنه مطلق تا از جانب دولت ایران تا وقتی معمول و برقرار است
یا حضرات ... که دولت ایران در هرات دارد ... و همچنین از دولت
انگلیس این شرایط را قرار داده است از طرف دولت انگلیس مراوده و مداخله
و تسلط از جانب در امور داخله هرات و نزاع هرات نشود و اگر خارجی از قبیل
افغانستان و غیره خواسته باشند مداخله و دست اندازی بخاک هرات و متعلقات
آن نمایند و اولیای دولت ایران از دولت انگلیس خواهش نمایند دولت انگلیس در مقامات
دوستی و سفارت اینها کار نمایند که در هرات بحالت استقلال خود باقی باشد
بتاریخ پانزدهم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۹

سواد دستخط ملکه انگلیس در زمینه قبول عهدنامه فوق

ویکتوریا بعطف عنایت الهی ملکه بریتانیای اعظم و ایرلند و حافظ وفاداری
و دیانت و غیره و غیره و غیره بحضور همه کسانیکه این نوشته جات باو خواهند
رسید از ما سلام گنند چون این است عهدنامه صلحی در مابین ما و برادر مکرم
پادشاه ایران باتمام رسیده و ممهور در پاریس از جانب انگلیس و ایران در پاریس در روز چهارم
ماه مارچ بواسطه سفرای مختار ما و برادر مکرم سابق الذکر ما که کلمه به کلمه باختیار تام
و تمام جهت که رلدن امر و دستور العمل عهدنامه مسطور مزبور بیان نوشته
مربوط و منضم گشته است ما دیدیم و هیچیم عهدنامه سابق الذکر را سنجیدیم و قبول
کردیم و برقرار داشتیم یعنی عهدنامه را و جمیع فصول را و فقرات آن را جزءاً جزءاً
و فرداً فرداً چنانکه در این بیانات را کتبی و قبول و برقرار و امضا داریم از جانب
خود ما و از جانب اخلاف و جانشینان خود ما و متعهد شاهانه خود ما متعهد بر این
مرتبتیم که ما تصدیق است درستی عهدنامه تمام و امضا و مجری داریم جزءاً و کلاً همه فقرات
مندرجه و بیان شده در عهدنامه سابق الذکر را و اجرا نگذاریم و تا قوه داریم اجازه نمیدهیم
امری را که اخلال را جبراً و قهراً و از کسان مایه دریا تغییرات جبری به وکیت نیابت و
استحکام این فقرات است و باعث تقدیم مهر بزرگ دولتی بریتانیای اعظم و ایرلند نهادیم
با این بیانات مهر شد و منضم شد باشد در مابین شاهانه خود ما در کاخ ... در دولتی
کمیتی ترابیت ... ما در بیستم ماه مارچ ~~بعد~~ ... سال هزار
هشتصد و پنجاه و هفت عیسوی ۱۸۵۷ سال بیستم
سلطنت ما

صورت مصالحه نامه فیمابین دولتین ایران و انگلیس تاریخ نهم رجب ۱۲۷۳ مطابق ۱۸۵۶ عیسوی

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت و قمر ما رایت پادشاه اعظم کل ممالک ایران
و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس هر دو مع الوصف از روی صدق مایل هستند که
مصائب جنگ را که در میانه مبدء کدورات و منشاء انقلابات است رفع نماید و روابط
دوستی قدیمی فیمابین دولتین علیتین را بوقوع یک صلحی که بر
وفق فواید طرفین باشد بر بنیان محکم بر پا نمایند لهذا برای اجرای این
مقصود و مطلوب اعلیحضرت پادشاه ایران جناب جلالت مآب مقرب الخاقان
فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تمثال همایون و
حمایل آبی و دارای کمر مرصع الماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت شاهنشاه
انگلیس جناب مکرمت نصاب هنری ریچارد چارلس بارون کاولی از امنای شورت
انگلیس و از اجزای شورت جلیله مخصوصه اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس حامل نشان
بزرگ ملک مرتبه حمام و سفیر کبیر مخصوص و فوق العاده دولت انگلیس در دربار اعلیحضرت
امپراطور فرانسه و غیره و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین فرموده و ایشان
بعد از آنکه اختیارنامه های خود را ابراز و مبادله نمودند و موافق ترتیب رسمی دیدند
فصول ذیل را مقرر و مقبول داشتند

اول از روز مبادله امضای این عهدنامه صلح دائمی فیمابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران
و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس هم چنین فیمابین اخلاف و ممالک و رعایای طرفین صلح و دوستی

دائمی خواهد بود

دوم چون به دولت و اقبال خاقانین دولتین ایران و انگلیس صلح برقرار گردید
بحکم این فقره مقرر است که عساکر دولت انگلیس ممالک ایران را تخلیه خواهند کرد
موافق شرایط و تعهدات ذیل

سیم دولتین علیتین متعاهدتین تعهد کننده که کل اسرا که در ایام جنگ بدست عساکر طرفین
افتاده باشند بلادرنگ آزاد نمایند

چهارم اعلیحضرت شاهنشاه ایران تعهد میکنند که بلافاصله بعد از مبادله امضاهای
این عهدنامه یک عفونامه کامل اعلام نماید که بواسطه آن جمیع رعایای ایران که
در وقت جنگ بر ملا و خفیه با عساکر انگلیس معهود و خیانت شده باشند از عقوبت
این حرکت محفوظ و معاف باشند بطوریکه هیچکس مواخذه نداشته باشد بجهت این حرکت خود
مورد تنبیه و اذیت و ضرر نخواهد بود

پنجم اعلیحضرت شاهنشاه ایران تعهد میکند که بلادرنگ لازمه تدابیر را بکار برند
که عساکر و کارگزاران ایران را از ملک و شهر هرات و سایر ممالک افغان
بیرون کشند تخلیه ممالک مزبوره تا مدت سه ماه بعد از مبادله امضاهای این عهدنامه
معمول خواهد بود

ششم اعلیحضرت شاهنشاه ایران راضی میشود که ترک کند کل ادعای سلطنت بر ملک
و شهر هرات و ممالک افغان و هرگز مطالبه نکند از روسای هرات و ممالک
افغان هیچ علامت اطاعت مثل سکه و خطبه و باج و نیز اعلیحضرت ایشان
تعهد میکنند که بعد از این از هر مداخله در امور هرات و ملک افغانستان اجتناب نماید

اعلیحضرت

اعلیحضرت ایشان وعده میدهند که استقلال هرات و تمام افغانستان را اعتراف
نماید و هرگز باستقلال ممالک مزبوره مداخله نکند در صورت ظهور منازعه فیمابین
دولت ایران و ممالک هرات و افغانستان دولت ایران تعهد میکند که اصلاح آنرا
رجوع باهتمامات دوستانه دولت انگلیس نماید و اقدام بجنگ نکند مگر در صورتیکه
اهتمامات دوستانه دولت انگلیس مثمر ثمری نشود از طرف دیگر دولت انگلیس تعهد میکند
که در هر وقت اعتبار حضور در ممالک افغان بکار برده نگذارد که از آنها و همچنین
از اهالی هرات هیچ نوع تشویش و دربست بدولت ایران بشود و اگر دولت ایران
در وقوع مشکلات رجوع بدولت انگلیس نماید دولت انگلیس جهد بلیغ و کوشش را خواهد
نمود منازعات فیمابین را موافق عدالت و شأن دولت ایران اصلاح
نماید

هفتم در صورتیکه از جانب هرات و ممالک افغان بر سرحدات ایران تجاوزی
شود هرگاه ترضیه شایسته حاصل نشود دولت ایران حق خواهد داشت که بجهت دفع
تنبیه جانب متعدی اقدام بحرکات جنگ نماید اما این صراحتاً مقبول و معلوم است
که هر لشکری از جانب دولت ایران که بجهت مقصود مزبور از سرحد تجاوز کند بمحض
اجرای مقصود مراجعت بملک خود خواهد کرد و استعمال حق مزبور بهانه توقف
دائمی عساکر دولت ایران یا الحاق نمودن یک جزء از ممالک مزبوره بممالک ایران
نشود

هشتم دولت ایران تعهد میکند که بعد بلافاصله بعد از مبادله امضاهای این عهدنامه جمیع
اسرائیکه در ایام جنگ در افغانستان بدست عساکر ایران افتاده باشند بدون عوض

نفعی را زیاده داده دولتین علیتین ساعیتین در صورت لزوم مأمورین منتخب خواهند کرد که در شرایط
این فقره را معمول دارند

نهم دولتین علیتین متعهد میشوند در باب نصب و اعتراف قونسولهای جنرال و قونسولها
و وکلای قونسول هر یک از این دو دولت در ممالک همدیگر حالت دول کاملة الوداد را
خواهند داشت و نسبت به رعایا و حمایت و تجارت ایشان در هر باب ملاحظه رفتار
خواهند کرد به رعایا و تجارت دول کاملة الوداد میشود

دهم بلا فاصله بعد از مبادله امضا نامهای این عهدنامه سفارت انگلیس به جهت
طهران خواهد رفت که در آن وقت دولت ایران راضی شده در سفارت مزبوره را با
عذر و اعتذار به شرایط خاطر خواه و تشریفات مندرجه در رقعه علیحده که امروز وکلای
دولتین علیتین ساعیتین ممضی داشتند

یازدهم دولت ایران تعهد میکند در مدت سه ماه بعد از مراجعت سفارت انگلیس به
طهران یک مأموری را تعیین نماید که به اتفاق یک مأمور دولت انگلیس مطالبات
نقدی جمیع رعایای انگلیس را از دولت ایران تحقیق و تشخیص نماید و دولت ایران
هر یک از این مطالبات را که مأمورین مزبور حق دانسته باشند یا دفعتاً یا به اقساط
خواهد داد در یک مدتی که بیشتر از یک سال از تاریخ اعلام مأمورین نباشد و مأمورین
مزبور تحقیق و تشخیص خواهند کرد و دعاوی دولت ایران را بر رعایای ایران و بر رعایای
سایر دول که تا وقت عزیمت سفارت انگلیس از طهران در زیر حمایت انگلیس بوده
و از آن وقت به بعد ترک حمایت مزبوره نکرده اند

دوازدهم باستثنای آنچه در فصل سابق مقرر شده دولت انگلیس حق خود را ترک و انکار خواهد
کند

که حمایت کند من بعد از کسانی از رعایای ایران را که بالفعل در نوکری سفارت و قونسولها
و وکلای قونسول انگلیس نباشند به شرط اینکه چنین حقی به دول دیگر داده و معمول نشده باشد
در این باب و در جمیع خصوصات دیگر دولت انگلیس مطالبه میکند و دولت ایران هم متعهد
میشود که همان امتیازات و معافات در ممالک ایران به دولت انگلیس و به نوکرها
و رعایای ایشان داده خواهد شد که به دول کاملة الوداد و نوکرها و رعایای ایشان داده میشود
و همچنین دولت انگلیس و نوکرها و رعایای ایشان بهره یاب خواهند بود از همان احترام و
اعتبار که به دول کاملة الوداد و نوکرها و رعایای ایشان داده میشود

سیزدهم دولتین علیتین ساعیتین به حکم این فصل تجدید میکنند همان قرارداد را که در ماه اوت
۱۸۵۱ مسیحی مطابق شهر شوال ۱۲۶۷ در باب منع تجارت غلام و کنیز در خلیج فارس
فیمابین این دو دولت داده شده است و علاوه بر این تعهد میکنند که قرار مزبور بعد از
انقضای مدت آن قرار یعنی از ماه اوت ۱۸۶۲ مسیحی تا مدت
ده سال دیگر برقرار خواهد بود و بعد از آن تا اینکه یکی از جانبین یک
اعلام رسمی به قرار مزبور را منسوخ موقوف بدارد این اعلام مزبور معمول نخواهد بود مگر یک سال
بعد از ظهور آن

چهاردهم بلا فاصله بعد از مبادله امضا نامهای این عهدنامه عساکر انگلیس از جمیع حرکات
خصمانه را نسبت به دولت و مملکت ایران ترک خواهند کرد و دولت انگلیس علاوه بر
این تعهد میکند که به مجرد اینکه قرارها تخلیه هرات و ممالک افغانستان از عساکر
ایران و همچنین قرارداد پذیرایی سفارت انگلیس به طهران کاملاً مجری شد عساکر انگلیس
خود را از جمیع ولایات و اماکن و جزایر متعلقه به ایران بلا درنگ بیرون خواهند

کشیده دولت انگلیس متعهد می‌کند که در این اثنا هرگز از عساکر شاهنشاهی حرکتی که موجب
ضعف اطاعت رعایای آن مکان نسبت باعلیحضرت شاهنشاه ایران باشد نخواهد کرد
بلکه تقویت اطاعت مزبوره را نهایت مقصود دولت انگلیس است و علاوه بر این
دولت انگلیس متعهد می‌کند که در نقد آن مکان رعایای ایران از زحمت حضور عساکر انگلیس را
در تحصیل اذوقه و کرایه عساکر مزبوره تا لازم شود دولت ایران متعهد می‌کند که در مکانها
حکم قرض نماید و عساکر انگلیس را در تحصیل اذوقه مزبوره اعانت کنند و نیز دولت
انگلیس متعهد می‌کند که در حین ابتیاع اشیا قیمت آن را بطور نرخ روز از جانب
مامورین انگلیس نقد برسانند [illegible]

عهدنامه حالیه مصدق خواهد شد و امضاهای آن مبادله خواهد شد در بغداد در مدت
سه ماه یا زودتر هرگاه ممکن شود و بجهة اثبات مسطورات فوق ایلچیان طرفین
این عهدنامه را امضا و بمهر خود ممهور ساخته‌اند در پاریس در چهارشنبه در یوم هفتم
شهر رجب ۱۲۷۳ تحریر یافت ۱۸۵۷ عیسویه

محل دستخط همایون
اوراق موجبه الملک الاقدس همایون شاهنشاهی
۱۲۷۳
محل مهر مبارک

تصدیق صدر اعظم دولت علیه ایران
میرزا آقاخان رسید به مهر شد
۱۲۷۳ محل مهر

عهدنامه منعقده ما بین دولتین ایران و فرانسه

چون در این اوان سعادت نشان و زمان بهجت افزان ضد بر فلک جاه سلطنت دستگاه

امپراطور

امپراطور ممالک فرانسه و پادشاه ایطالیا نایل الفت و اتحاد با اعلیحضرت قدر قدرت
قضا سطوت خورشید رایت شاهنشاه صاحبقران و خسرو گیتی‌ستان پادشاه انجم سپاه
آفتاب علم وارث تخت و دیهیم کیان فرمانفرمای ممالک فسیحة المسالک ایران و عجم
السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ابن الخاقان ابو المظفر ناصرالدین شاه قاجار
خلد الله ملکه و سلطانه که نگاشته کلک تصمیم مبانی الفت و وفاق و تشیید مبانی و تاکید
عهد مودت و اتفاق سلطنتین بهیتین از هر جانب با رخصت کامله تعیین رخصت گذارده
نموده از طرف جناب امپراطور فرانسه جناب والوسکی وزیر اعظم و کابینت
سرای امپراطوری صاحب نشان همایون از قبیل نشانهای دولت جسیمه و غیره که بر بار داده
ماموری گردیده بنای عهد و شرط را ببنده آستان ملک بنیان پادشاهی و از جانب
درگاه سپهر اشتباه شاهنشاهی سفیر دولت جاوید قرار امیر قرین میرزا محمد رضا وزیر
دار السلطنه قزوین که هر دو بمقتضای اصلاح و تکمیل مبانی با یکدیگر ملاقات نموده معاهدات
منعقده قرار شروط مسطوره ذیل مواثیق و عهد را امضا کرده از منعقده فرمان اولیای
دولتین کبری و امناء سلطنت عظمی رضا نامه ابلاغ و اقرار و عهد همایون فرمان ساخته
تسلیم یکدیگر نمایند

اول آنکه فیمابین اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه فلک بارگاه ایران و جناب امپراطور
فرانسه و پادشاه ایطالیا صلح مؤبد بوده و من بعد با یکدیگر رشته الفت و وداد
و مراسم محبت و اتحاد را مرعی فرموده همواره ما بین ایشان و رعایای ایشان کمال وفاق
معمول باشد
دوم آنکه جناب امپراطور اعظم بمقتضای مراسم دوستی و مودت با دولت علیه

ایران متعهد و کفیل گشته که هرچه از امور رخ دهد در ممالک ایران تمام به دعاوی که
امپراطور خواسته باشد بعد از این دخل در خاک ممالک ایران نماید جناب امپراطور اعظم
با اعلیحضرت پادشاه ایران کمال موافقت بعمل آورده در دفع دشمن بر در رفتن حرکات
ممالک روس که را ارایه و هر چه مقدور دارند بکوشند

سیم آنکه جناب امپراطور اعظم ادعای تملک ولایت گرجستان ملک حلال
مرو و ثانی اعلیحضرت پادشاه ایران میداند و حقیقت مطلب بر جناب امپراطور منکشف
و معلوم است

چهارم آنکه جناب امپراطور فرانسه پادشاه ایطالیا در خصوص اخراج قشون
طایفه روسیه از ملک گرجستان و تمامی خاک ایران بر ذمه همت خود لازم
و مقرر داشته که طایفه مزبوره را بسرعت و قهراً از جمیع خاک ایران
اخراج نموده و بعلاوه ترک شهر گرجستان ایران نمایند و چنانکه با روسیه بنای
عهد صلح نمایند از شروط از جمله شروط عهدنامه ایشان قرار داده و بطریق امور
دولت حق در این خصوص کماهی نمایند و کمال اهتمام در باب این مطلب شده بوده بر ذمت
همت عالی خود واجب و لازم می شناسند

پنجم آنکه از طرف قرین الشرف جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا یک نفر
سفیر معتبر بحضرت کیوان رفعت گسیل نموده در آستان ملک بنیان اعلیحضرت قدر قدرت
همایون پادشاه ایران اقامت نموده بخدمت گذاری و مصالح لذت علیحق
قیام نماید
ششم آنکه هرگاه رای بیضا ضیای جهان آرای اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران اقتضا

کند

نماید و عساکر پیاده و توپچی برسم ضابطه فرنگ تعلیم و مهیا نمایند و بعضی قلعه ها ضابطه
فرنگ بنا گذارند جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا بنا بر این مطلب توپ انگریز
و تفنگ حربیه از هر قدر که لازم لعله باشد بصوب ایران ارسال و قیمت آنرا
از قرار قیمت فرنگستان بسرکار جناب امپراطور اعظم عاید شود

هفتم آنکه از دولت علیه ایران هرگاه خواهش نمایند که بطریق قلعه های فرنگ قلعه
ساخته باشند و توپخانه بقاعده فرنگ ترتیب دهد و عساکر پادشاه را بضابطه فرنگ
تعلیم نماید هر قدر توپچی و مهندس و منصبدار لازم بوده باشد از قرار مزبور جناب امپراطور
فرانسه و پادشاه ایطالیا متعهد گردیده روانه صوب ایران نماید هر در ابکار ترتیب
قلعه و ترتیب توپخانه و تعلیم عساکر پیاده نمایند

هشتم آنکه بنا بر موافقت فیمابین دولت علیه از جانب شوکت جوانب اعلیحضرت قدر
قدرت همایون جهان ممالک ایران از جهت قطع مکاتبه و مراسله با قرال انگلیس
گردیده از جانب دولت علیه ایران متعهد شده هر بار خصومت با ایشان گذاشته
بجهت دفع انقلابها که روا نماید و بنا بر این مطلب ایلچی سرکار شرکت مدار ایشان
و بکایب منه و انگلیس رفته در حاضر و احضار او امر نماید و از جانب انگلیس
و کمپانی انکه پالیرز و وکلای قرال انگلیس در سواحل بنادر هم و ولایات ایران اقامت
نموده باشند اینها را اخراج و اموال داشته انگلیس ضبط شود تجارت ایشان را
بر آب و خشک از جانب ایران منقطع نمایند و فرمان قضا جریان همایون در این
خصوص از مصدر عز و شأن صادر گردد و در اثنای این مخاصمه از طرف انگلیس کسی به
سفارت یا بهانه دیگر هرگز بسفیری بجانب آستان فلک بنیان پادشاه حرمت نماید

ایشان را مطلع و در رد و دفع ایشان مدد و سلاح برسند

نهم آنکه هرگاه دولتین مستقیمین روسیه و انگلیس باهم اتفاق نموده بمملکت دولتین علیتین فرانسه و ایران عزیمت و حرکت نمایند این دو دولت نیز باتفاق یکدیگر بدفع ایشان اقدام نموده از روی موافقت و اتحاد بمخاصمه و محاربه و مجادله ایشان پردازند و چنانچه بجانب یکی از این دو دولت بنای تعدی و حرکت نمایند اولیای دولتین علیتین ایران و فرانسه یکدیگر را خبر نموده بدفع ایشان پردازند و آنچه در ماده سابقه مرقوم شده از ضبط مال و استقامت ایشان بطریق مشروح در ماده فوق عمل نمایند و در موافقت و اعانت یکدیگر بهیچوجه فروگذار نکنند و اهمال و مسامحه و اهمال جایز ندارند

دهم آنکه اعلیحضرت پادشاه معظم بارگاه ایران موافقت و ملاطفت فرموده از جانب افغان و قندهار و آن حدود بتجهیز سپاه و تهیه جمعی نفر مرده در دفع و قمع مستغنی شده و معین کرده و بجهت تسخیر و تصرف ممالک هندوستان متصرفه انگلیس سالک و مجهز مقصد تا پادشاهی راه عبور و ارسال قشون نمایند و ولایات متصرفه انگلیس را ضبط و تسخیر نمایند

یازدهم هرگاه کشتی فرانسه از جانب بنادر ایران عبور نماید و بعضی تدارکات و ذخایر و بعضی ضروریات برای ایشان درکار باشد و لازم گردد اولیای دولت باشان محبت و مساعدت نمایند و در تدارک ایشان از لوازم معاضدت را بجا آورده اعانت نمایند

دوازدهم آنکه جناب امپراطور اعظم خواهش مینماید که هرگاه بجانب هندوستان

بجهة

بجهة دفع انگلیس فرمان لشکر ضرور شود و اقتضا نماید که از جانب خشکی سپاهی بجهة هندوستان ارسال نماید اعلیحضرت پادشاه ایران لطف و اجازت بایشان اعانت فرموده از راه مسالک هر طرف و هر جهت که ... اقتضا نماید بانجا رخصت داده روانه هند نمایند و سپاه ایران نیز با ایشان موافقت نموده بالاتفاق عزیمت دشمن نمایند و مرتبه هر وقت به این اراده و عزیمت را داشته باشند موقوف است باینکه پیشتر باولیای دولت علیه ایران در این خصوص اظهار نموده چنانچه علم آرای پادشاهی اقتضا نماید و رخصت هم بایشان ... عهدنامه جداگانه در این خصوص فیمابین دولتین علیتین ایران و فرانسه قرار و سلاح عبور فرانسه و کیفیت لشکر ... باشند و ... ذخایر و ضروریات ایشان در کدام راه و کدام منزل باید تدارک شود و چه عده از سپاه ایران همراه ایشان باشند یکجا قرارداد نموده باذن و رخصت اعلیحضرت پادشاه جمجاه الحال روانه هندوستان شوند و در خصوص این مطلب باید باذن و رخصت شاهنشاهی عهدنامه و شرط علیحده نوشته شود ... تعهد این مطلب ... موقوف است بعرض اولیای دولت قاهره و اذن شاهنشاه عالیان پناه

سیزدهم آنکه هرگاه کشتیهای فرانسه در دریای عمان از بنادر ایران ... و ذخایر ضروری شود آنها بنابر قیمت فروخته شود ... از فرانسه بازیافت دارند و هرگاه ... سپاه ایشان از اسلحه جبه خانه و بعضی اشیاء ضروری شود بجهت آنکه در ماده سابقه قلمی شده ذخیره و آنچه که ایشان ضروری باشد ایران بایشان فروخته از قرار قیمت ایران ... نماید

چهارم آنکه نزد طرفین اظهار نموده‌اند و هم مرقوم شده که قرض دولت فرانسه بوده
با دولت روسیه و انگلیس بهیچ وجه من الوجوه مشروط نموده قرارداد نشود و در هیچ
سمت با ایشان راه مرور و عبور ندهند

پنجم آنکه بجهة امداد و رفت تجار بنا بر انتفاع و رونق و امور متعلقه تجارت در دارالسلطنه
طهران بکارگذاران مبارک اعلیحضرت پادشاهی عرض شده قرارداد در جمیع امور مزبوره گذاشته
شود و عهدنامه علیحده در خصوص مرقوم نمایند

ششم آنکه انشاء‌الله تعالی این عهدنامه در دارالسلطنه طهران بعد از چهار ماه از این
تاریخ مبادله شده رضانامه بمهر مبارک اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی مزین شده
تسلیم اولیای دولت فرانسه و بمهر جناب امپراطور در رضانامه ایشان تسلیم اولیای
دولت علیه ایران شود تحریراً در اردوی جناب امپراطور اعظم در ملک فینکنستین
بتاریخ ۴ روز صفر المظفر شهر سنه ۱۲۲۲ هجریه ۱۸۰۷ عیسوی

عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و فرانسه

چون اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت شمس فلک تاجداری بدر افق
جهانداری را از غایت عدم صاحب کلاه شقه طراز لوای شاهنشاهی جمیع اقبال نامدار
ناپلئون امپراطور ممالک فرانسه و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت
فلک رتبت گردون حشمت حضرت اعظم ... انجم حشم جمشید جاه دارای دارا دستگاه
وارث تاج و تخت کیان شاهنشاه اعظم بالاستقلال کل ممالک ایران هر دو
مع الیوم اراده و تمنای مبادله قاعده داشته روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار
و بواسطه عهد دوستی و تجارت رسانیده باشد بنابر دلخواه تبعه دولتین قوی بنیان حاصل شود

مواد

مودت و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت امپراطور
ممالک فرانسه جناب مسیو ... را که پسر ... و وزیر ... و ایلچی مخصوص دولت بهیه
فرانسه صاحب نشان افتخار ... و ... حاجی ... که از کبیر
ولتاه ... دفتر ... و اعلیحضرت شاهنشاه ایران اجلال الدوله العلیه
صاحب نشان ... امپراطور ... و حمایل سبز و قرمز و صاحب نشان تمثال همایون
از درجه اول ... و حمایل شیر و خورشید مرصع و عصای ... الماس و دانه و ... الماس
و مروارید و صاحب نشان درجه اول امیر خان اعظم و حمایل سبز درجه خصوص
نفر اول و صاحب ... جناب اشرف امجد ارفع میرزا آقاخان صدر اعظم
دولت علیه ایران ... و کلای مختار خود تعیین کرده و ایشان بعد از آنکه در دارالخلافه
طهران مجتمع شده و ... موافق قاعده و مناسبت
دیده شد و فصول آتیه را برقرار کنند

اول ... دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت بهیه فرانسه
و رعایای آن دولت ... و اتحاد دایمی برقرار خواهد بود

دوم سفرای کبار و وزرای مختار هر یک از دولتین ...
... مقیم ... و ... سفرای کبار و وزرای
مختار ... و اتباع ... اتباع ... سفرای
کبار و وزرای مختار دولتین ... و اتباع ایشان معمول و مجری ... امتیازات
ملحوظ خواهد بود

سیم ... تبعه دولتین ... از قبیل ... و تجار ... در ... و ... مملکت

محروستین سیاحت یا توقف نمایند باید از جانب حکام و ولایات طرفین عزت
و حمایت شایانه درباره ایشان بعمل آید خواهند که در هر حال سلوک و رفتار با اتباع
دول کاملة الوداد منظور می‌شود در حق ایشان نیز منظور و ملاحظه شده و با لطف و مهربانی
مأذون و مرخص اند که هر گونه امتعه و اجناس و محصولات چه از راه دریا و چه از
راه خشکی بمملکت یکدیگر حمل نمایند و از مملکت یکدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه
نمایند و بهر جزو از اجزاء ممالکین که بخواهند حمل و نقل نمایند
چهارم هر گونه امتعه و اجناس که اتباع دولتین علیتین معاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند
یا از مملکت یکدیگر بیرون ببرند و همچنین که از آنجا بدیار اتباع دول کاملة الوداد
حمل و دخل امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین و همین حقوق را از مملکتین مطالبه
می‌شود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حقوق دیگر بعلاوه بهیچ اسم و رسم در دولتین علیتین
مطالبه نخواهد شد
پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت بهیه فرانسه مرافعه یا مباحثه
یا منازعه روی دهد طی گفتگو و اجرای مرافعات آن با تمام عهده وکیل یا قونسول دولت
فرانسه است اگر متوقف در محل اسکان ایشان مرافعه و مباحثه و منازعه لیکن باشد
والا در محلی که اقرب بمکان ایشان مزبور باشد خواهد بود وکیل یا قونسول مزبور
طی این گفتگوها را بر وفق قوانین متداوله در مملکت فرانسه خواهد کرد و هرگاه مرافعه
یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه دولت بهیه فرانسه و اتباع دولت علیه در مملکت
ایران حادث گردد در حضور وکیل یا قونسول دولت بهیه فرانسه مقیم باشد مقالات
مسند احکام تحقیق و تدقیق و حسب الحکم بعدل و انصاف در محکمه دولت علیه ایران

و در

در محل عادلانه طی آن چنانکه شایسته امور است بحضور احدی از طرف ایلچی و وکیل یا قونسول
دولت بهیه مزبوره خواهد شد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در مملکت ایران
فیمابین اتباع دولت بهیه فرانسه و تبعه سایر دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای
حکم آن بعهده وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود که آن گفتگوها و منازعات
فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت بهیه فرانسه و تبعه سایر دول خارجه
در ممالک محروسه فرانسه اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن بنحوی خواهد بود که با
اتباع دول کاملة الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرتب می‌شود تبعه دولت علیه ایران
در ممالک فرانسه یا اتباع دولت بهیه فرانسه در ممالک ایران اگر متهم بگناهی گردند
بنحویکه در مملکتین مزبورتین با اتباع دول کاملة الوداد رفتار می‌شود با ایشان نیز معمول
و مرتب و ضبط و حفظ خواهد شد
ششم هرگاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین محروستین وفات یابد در صورتیکه
نسبت را اقوام یا شرکا باشند ترکه او بتمام تسلیم ایشان خواهد شد و در صورتیکه
متوفی نسبت را اقوام و شرکا نباشد ضبط ترکات او بعهده وکیل یا قونسول دولت متبوع
تسلیم ورثه نماید را باید بر وفق قوانین متداوله در مملکت خود چنانکه شاید و باید در ارباب
معمول دارد
هفتم دولتین علیتین معاهدتین بجهت حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن
اسباب حصول معاشرت دوستانه و معاملانه فیمابین تبعه جانبین چنین مستحسن دانستند
که از طرفین سه نفر قونسول قرار گیرد و قونسولهای دولت بهیه فرانسه در دارالخلافه طهران
و بندر ابوشهر و دارالسلطنه تبریز مقیم و قونسولهای دولت علیه ایران در دارالسلطنه پاریس

و شهرهای سینا و جزیره بوربان توقف نماید این قونسولهای دولتین متعاهدتین مأمورند
در محل متوقفه سکنه مملکتین محروستین از اعزازات و امتیازات و معافیاتی که
قونسولهای دول کافه الوداد در ممالک محروسه جانبین محفوظ است بهره یاب
خواهند گردید

خاتمه این عهدنامه دوستی و تجارت حاضره که بجهت حفظ کمال صداقت و دوستی و اتحاد
فیمابین دولتین فخیمتین ایران و فرانسه منعقد شده است بعون الله تعالی طرفین شروط
مندرجه در آن را ابد الدهر از روی صدق و درستی مرعی و محفوظ خواهند داشت
و وکلای مختار دولتین متعاهدتین متعهد شده‌اند که امضانامجات همایونیه از جانبین که بجواب
نامجات مصدقه در دار الخلافه طهران یا دار السلطنه پاریس در ظرف مدت هشت ماه یا کمتر اگر
ممکن گردد مبادله نمایند وکلای مختار دولتین علیتین متعاهدتین این عهدنامه مبارکه
حاضره را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نموده‌اند این عهدنامه مبارکه بتاریخ دوازدهم
شهر ژوئیه یکهزار و هشتصد و پنجاه و پنج عیسوی مطابق بیست و هفتم شهر شوال المکرم
یکهزار و دویست و هفتاد و یک هجری در دو نسخه فارسی و فرانسوی
مطابق و موافق یکدیگر مرقوم شده است

عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و اوستریا

بسم الله الرحمن الرحیم

چون ایزد متعال ولی النعمه بلاد مستقل اعظم و تاجدار بلاد مستقل اکرم زیب افزای
سریر خلافت و تاجداری و زینت بخش اریکه سلطنت و شهریاری بجهت آثار عدل و الطاف
معدلت جود و انصاف داور تاج و تخت دارای فر و بخت شکارگاه ربع مسکون

خلد الله سلطانه و السلمین ملکه که با اعلیحضرت رعیت پرور افاق ملوک گیتی مالک
ممالک محروسه ایران موافق عهدنامه مبارکه هرکس تمام ازو تعلق داشته باشند
سلامتی را باشند در رجب و در شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۲ هجری در پاریس
فیمابین اعلیحضرت شاهنشاه و اعلیحضرت امپراطور اوستریا مراتب اختیارنامجات
از طرفین داده شده و مهر از جانب همایون جلالتمآب مقرب الخاقان فرخ خان
امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون و حمایل و دارای
کمربند مرصع الماس و غیره و از جانب اعلیحضرت امپراطور اوستریا جناب مسیو
بارون ژورژ الکساندر صاحب نشان ایمپراطوری
امیر از رتبه اول و سفیر کبیر اعلیحضرت امپراطور
عهد دوستی و تجارت قرارداد منعقد شده است که مشتمل است بر فصول آتیه و کلمه
بکلمه این فقره است

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم پادشاه مستقل
کل ممالک ایران و اعلیحضرت امپراطور اوستریا پادشاه هنگری و بوهم و
دولتین و غیره واله و گالیسی و لودومری و ایلیری و
اوستریا و غیره از روی صداقت داعیه جانبین دولتین
را بر قرار و منعقد یک عهدنامه دوستی و تجارت و مساعدت سفاین و
تجار در دو سه نمره دولتین متعهدتین مقررات جانبین را مستحکم سازند فیمابین برای
انجام این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب جلالتمآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک

سفیر کبیر خود صاحب لقب ... جناب ... دارای نشان ... تمثال همایون و غیره و غیره
و اعلیحضرت امپراطور اطریش جناب بارون ژوزف الکساندر ده هوبنر صاحب
نشانهای سلطنتی امپراطوری لئوپولد و تاج آهن از رتبه اول مشیر مخصوص و سفیر کبیر خود
مقیم دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان
بعد از آنکه در پاریس مجتمع شدند و اختیارنامهای خود را ملاحظه و مطابق و موافق ترتیب
رسمی یافتند فصول ذیل را قرارداد نمودند

فصل اول از امروز ما بین ممالک و رعایای دولت علیه ایران و ممالک و رعایای دولت علیه
اطریش دوستی صادق و اتحاد صمیمی برقرار خواهد بود

فصل دوم سفرا و سایر مأمورین دیپلماتیک دولتین علیتین متعاهدتین که بدربار
یکدیگر مأمور و مقیم خواهند شد در ممالک دولتین نسبت بایشان و اتباع سفارت ایشان همان
نوع احترامات و رفتار خواهد شد که در حق سفرا و مأمورین دیپلماتیک دول کاملةالوداد
میشود و در هر باب از همان تشریفات و معافات و امتیازات بهره‌یاب
خواهند بود

فصل سوم رعایای دولتین علیتین متعاهدتین با اذن خواهند بود که با آزادی تمام در ممالک
طرفین سیر نمایند و از خاک ممالک همدیگر بگذرند یا آنکه کارگزاران
ولایتی متعرض ایشان نشوند بلکه کمال دقت را خواهند کرد که ایشان را از هر نوع
مزاحمت محفوظ بدارند و ... ایشان را ... نمایند و در حق ایشان
... رعایت کنند ... سفر ... مخصوص ...
بر ایشان وارد نیاید و کیفیت ... مقصود ... عبور و مرور و سایر ... بایشان

عط

مطلع خواهند کرد

فصل چهارم رعایای دولتین علیتین از صنوف تجار و پیشه‌وران و سیاحان و از برای مصالح خود
بممالک طرفین بروند از حین دخول تا وقت خروج خود نسبت بایشان همان رعایات
و مراعات و رفتار مرعی خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملةالوداد میشود بنا براین تبعهٔ دولتین
علیتین متعاهدتین ماذون خواهند بود که چه از خشکی و چه از دریا امتعه ممالک یکدیگر را بیاورند
و از مملکتی بمملکت دیگر ببرند و در ولایات طرفین حمل و نقل کنند و در تمام وسعت ممالک
دولتین موافق قواعد و قوانین جاریه ولایات طرفین تجارت نمایند خانها و انبارها
و دکاکین بجهت امور خود اجاره نمایند و از ایشان هیچ اسم و بهانه مالیاتی مطالبه
نخواهد شد مگر آنچه از رعایای دول کاملةالوداد مطالبه میشود و چون مقرر است که اگر
دولت علیه ایران برعایای یک دولت خارجه در ایران حق خریدن و تملک اراضی و خانها
و انبارها و سایر املاک بدهد همان حق نیز برعایای اطریش داده خواهد شد رعایای دولتین
... نخواهند ... تجارت ... نمایند در باب ... تجارت ... ممالکت
خواهند بود ... تجارت ... صاحب منصبان و مأمورین رعایای دولت
علیه ایران ... خانها و دکاکین یک رعیت اطریش ... نخواهد شد
و در صورت لزوم باید در هر جائیکه مأمور دیپلماتیک یا قونسول ... رسما ... تحقیق
کرده باشند در جائیکه مأمور یا قونسول اطریش نباشد در این باب نسبت بتبعه دولت
متعاهدتین همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملةالوداد میشود در جائیکه از دول
مشارالیهم مأمور یا قونسول نیست

فصل پنجم رعایای اطریش که بممالک ایران امتعه ببرند یا از ممالک ... حمل نمایند در باب

حقوق گمرک نسبت باتباع اهالی رفتار خواهد شد و نسبت به رعایای دول کامله الوداد
می‌شود و همچنین رعایای ایران در ممالک دولت اوستریا امتعه بیرون که از ممالک خارجه
بخارج حمل نمایند در باب حقوق گمرک و مالیات نسبت باتباع اهالی رفتار خواهد شد
و نسبت به رعایای دول کامله الوداد می‌شود

ششم نظر باینکه همیشه مراودات مخصوصه در مابین دولت اوستریا و سایر دول جرمانیا
برقرار است اعلیحضرت شاهنشاهی و اعلیحضرت امپراطوری قرار می‌دهند در شعبه ممالک مزبوره
جرمانیا باید در ایران بهره یاب باشند از جمیع حقوق و امتیازاتی که به اطراف این
عهدنامه تجارت و تبعه اوستریا داده شده است بشرط اینکه دول مزبوره جرمانیا
در مدت سه سال از تاریخ انعقاد این عهدنامه متعهد گشته همان حقوق و منافع
در ممالک اوستریا بتجارت و رعایای ایران داده شده خود نیز بتجارت و رعایای ایران
بدهند

هفتم در اینکه چون مقصود حقیقی کلیه حمایت تبعه و تجارت جانبین و کلیه تسهیل مراودات
حسنه و معاملات رعایای طرفین برای خود این حق را اختیار می‌کنند که هر یک از دولتین
سه نفر قونسول معین نماید قونسولهای ایران در وینا و ولایت و تریست اقامت خواهند
داشت قونسولهای اوستریا در دارالخلافه طهران و دارالسلطنه تبریز و در یکی از بنادر
خلیج فارس که بعد بر سبیل توافق معین خواهد کرد به قونسولهای مملکتین چه شخصاً و چه بجهت
اجرای امورات خود و چه بجهت خانه‌ها و مراسلات ایشان بهره یاب خواهند
بود از کل احترامات و امتیازات در حق قونسولهای هر مرتبه و مأمورین تجارتی دول
کامله الوداد معمول می‌شود و در حالت ظهور انتقاش دولتین به ترتیب مستثنی خواهند

قونسولها

قونسولها بجهت حفظ و حراست خانه قونسولگری لازم است مستحفظ داشته باشند به جهت امورم
و بیرق ملکیت و قونسولهای اوستریا میتوانند حمایت کنند اگر دولت ایران بیک دولت
خارجه چنین حقوقی بدهد همان حق نیز به دولت اوستریا داده خواهد شد و در انقضای شش
سایر حضرات دولت اوستریا بهره یاب خواهند بود از همان امتیازاتی که به دول
کامله الوداد داده می‌شود و این مقرر است که اگر یکی از مأمورین قونسولگری دولت
اوستریا در ایران مشغول بتجارت شود در باب تجارت خود بهمان قوانینی و رسومی که در حق
دولت متبوعه او جاریست مطیع خواهد بود

هشتم دولتین علیتین جمیع تعهدات و سایر قرار دادهائی که در میان جانبین را در باب امور تجارتی
با کمال صدق و درستی محفوظ و مقرر خواهند داشت بجهت مزید مراقبت امنیت تبعه
اوستریا در ایران در مشکلات و مضرات و معاملات و مرافعات جمیع قضایا و معاملات در مابین
رعایای دولتین علیتین متعهد می‌شوند در باب امور تجارت مسطوره و ایراد شکوه باید در دیوانخانه
و در صورت عدم آن در نزد حکام و گماشتگان ایران و ولایت حل و رجوع این نوع کارها باشند
و لکن اگر در هر جائیکه قونسول اوستریا باشد در نزد او نیز عرض شود و در صورت
ظهور منازعه تبعه انتقال و تخفیص اگر نزد منازعات مزبوره را برد به جهات
قطع و فصل نماید بنا بر این هرگاه مسئله است حتمیه بطریق مذکور نوشته باشند
دیگر اوانا یک رعیت اوستریا از رعایا برای ایجاد دیگر آنها سر نشانه بهیچ دلیل دیگر
ادعای او بمیان ملاحظه شده که در صورتیکه ادعا شده که مقبول رعیت اوستریا باشند
و همچنین دولت علیه اوستریا متعهد می‌گردد که در ممالک خود به دقت قواعد و رسوم جاریه
بر طبق انتقالی رعایای ایران باشند و در این باب نسبت بایشان مثل رعایای دول

کما هو الوداد در رفتار نمایند

نهم جمیع منازعات و مباحثات و کلیه دعاوی که در ایران فیمابین تبعه اوستریا ظهور
نماید مامورین دیپلوماتیک اعلیحضرت امپراطور در دربار دولت علیه ایران یا قونسول
اوستریا در دوران عملیات یا در مکانیکه اقرب بآن باب مقر باشند مواد نزاع را بر وفق
قوانین اوستریا بتحقیق و فیصل خواهند کرد با آنکه کارگزاران ولایتی نیز حاضر باشند و همچنین
من الوجوه ممانعت یا معارضه نباید بکنند دعاوی و منازعات و مباحثات نیز که در ایران
فیمابین تبعه اوستریا و رعایای سایر دول خارجه اتفاق بیفتد قطع و فیصل مواد آنها
فقط بتوسط مامورین یا قونسولهای ایشان خواهد بود جمیع منازعات و مباحثات و
جمیع دعاوی که در ایران فیمابین تبعه دولتین علیتین متعاهدتین ظهور نماید در دیوانخانهای
ایران قطع و فیصل خواهند شد و ما انقطع دعوا هر مباحثات و دعاوی جایز نخواهد بود
که در حضور و بعد از اطلاع مامور دیپلوماتیک یا قونسول امپراطوریه یا باسم او در
حضور یک مترجم اوستریا و ملاحظه تام این مواد بر وفق قوانین و رسوم و ملاحظه
خاتمه یابد و هرگاه که بحکم حاکم شرع طریقه محاکمه آن حکم کرده باشد و اگر بعد
از وقوع حکم جدید مطالعه و تحقیق آن واجب شود این کار به محاکمه جاری کرده باشد
که بعد از مامور دیپلوماتیک یا قونسول اوستریا یا باسم قونسول مشارالیه در حضور
مترجم اوستریا در یکی از دیوانخانهای بزرگ که منعقد در طهران و تبریز و اصفهان
منعقد است بالعمل دیده هر تعهدات شده دولت علیه ایران در ممالک اوستریا در حق
ملاحظه رفتار نمایند حقوق و دعاوی کلیه منظوره باشد که از احکام [illegible] قوانین
و دیوانخانهای اوستریا [illegible] رعایای مملکتین و تبعه سایر دول خارجه بهره مند هستند

در باب

در باب مرافعه مامورین دیپلوماتیک و قونسولها و کارگزاران دولت علیه ایران
در امور رعایای ایران در نزد کارگزاران امپراطوری دولت بهیه اوستریا با ایشان
همان مرتبه رفتار خواهد شد که در ممالک اوستریا با مامورین دیپلوماتیک و قونسولهای دول
کاملة الوداد داده می‌شود

دهم اگر کسی از تبعه دولتین علیتین در ممالک جانبین مفلس شود تمام اموال و اشیاء و مطالبات
و قروض او در وقت خواهند کرده لازم است طلب را قطع و بعد از آن اموال او را
میان طلبکاران بموجب حقانیت و بر وفق نسبت تقسیم نمایند و بعد از اتمام این امر
طلبکاران مزبوره به هر اندازه مبالغ منظوره مستثنات طلب خود را رد نمایند
این مفلس را با حکایت حسب اوستریا در ایران مسئول کرده با حضور بتوسط مامورین
دیپلوماتیک یا قونسول اوستریا و قونسول مشارالیه با اقتضای اطلاع طلبکاران
بدهکار بعد از تفحص اقدام خواهد نمود و معلوم کند که آیا مفلس مذکور در وطن
خود اموالی که کفایت طلب ایشان را بنماید باقی گذاشته است یا خیر هرگاه یکی از تبعه دولت
ایران در ممالک اوستریا مفلس شود دولت بهیه اوستریا با مامورین دیپلوماتیک و قونسولهای
کاملة الوداد داده می‌شود

یازدهم هرگاه یکی از تبعه جانبین در ممالک دولتین وفات یابد ترکه او باید تماماً
تسلیم مامور یا قونسول دولت متبوعه میت شود که او بر وفق قواعد و رسوم مملکت خود
در انجاب مبانات حال عمل نماید

دوازدهم هرگاه در مواد جرائم کبیره رعایای ایران در ممالک اوستریا یا رعایای
اوستریا در ممالک ایران مورد اتهام شوند محاکمه مواد مذکوره در مملکتین از قرار طرز عمل

و نسبت به دول کامله الوداد معمول است
بند نهم هرگاه فیمابین یکی از دولتین متعاهدتین و یک دولت دیگر جنگی واقع شود محض
این سبب هیچ نوع خلل و ضرر و تغییری بر اوداد حسنه و به دوستی صادقانه که مابه
الاتحاد فیمابین دولتین علیتین ایران و امریک است با برقرار باشد نخواهد
رسید

این معاهده حاضره از تاریخ روز مبادله تصدیق نامجات الامضا ده سال
برقرار خواهد بود و همچنین بعد از این مدت نیز برقرار خواهد ماند تا انقضای
یکسال ... پس از آنکه یکی از دولتین علیتین متعاهدتین نیت خود را در توقیف
و ترک اجرای این معاهده به دولت دیگر اظهار نماید حکام و سرکردگان و کارگزاران
چاکران و صاحب منصبان و سایر کارگزاران دولتین علیتین مأمور خواهند بود در اجرای
شروط بذل کمال دقت نمایند و هر چاکر از جمله از شروط مذکوره تخلف نماید باید
... تصدیق نامجات امضای ... پادشاه ... در پاریس یا در اسلامبول در
مدت شش ماه یا زودتر هرگاه ممکن شود مبادله خواهد شد که تسهیل اعتماد مسطوره فوق
وکلای دولتین علیتین متعاهدتین این عهدنامه را امضا و به مهر خود ممهور ساختند در دو
نسخه در زبان فارسی و فرانسه در پاریس بتاریخ بیست و دوم شهر رمضان المبارک
۱۲۷۳ هجری مطابق هفدهم شهر مه سنه ۱۸۵۷ عیسوی تحریر یافت ...
پادشاهی ... ملاحظه کامل عهدنامه را ... مسطوره فوق را اعتماد و تصدیق
داشتیم ... مراتب این مسطوره ... قبول و ممضی و تصدیق ... و ...
... و قبول و ... از برای خود ... اطلاعات ... در ...

قرار

قرارداده شد از جانب مملکت متفقه معمول خواهد شد از برای اعتبار آن ما این تصدیق
نامه را به خط خود ... مزین ... ساخته ... دولت جاوید مدت خود مختوم شد
تاریخ ... شهر ذی حجه الحرام ۱۲۷۳ ... سال ... سلطنت ما

... خط ... ۱۲۷۳

... الملک ...

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و رئیس ممالک مجتمعه
امریک شمالی

بسم الله الرحمن الرحیم

چون از جانب اعلیحضرت ... پادشاه ... مستقل اعظم و ... اکرم ...
افراز ... خلافت ... و ... سلطنت و ... اثار
عدل و انصاف ... داور ... و ... دارای ...
... الاسلام و المسلمین ... عدالت ...
... مالک ایران موافق ...
... داشته باشد ...
... دولت ... اسلامبول ... حضرت
... رئیس ممالک مجتمعه امریک ... موافق ... از طرفین ...
... از جانب ... مدت ... الملک ... خان ...

دولت علیه ایران صاحب نشان تمثال همایون و حمایل مخصوص آن و حامل کرسنت مکلل بالماس
وغیره وغیره وغیره و از جانب رئیس ممالک متحده امریک تاماس کارول اسپنس وزیر
ممالک متحده مزبوره مقیم دربار دولت عثمانیه عهدنامه دوستی و تجارت قرار داده و منعقد ساختند
و مشروطات بر فصول آتیه و کلمه بکلمه از این قرار است

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت فلک رتبت گردون حشمت خسرو
اعظم صاحبقران اکرم جمشید جاه داراب دستگاه وارث تاج و تخت کیان شاهنشاه
اعظم بالاستقلال کل ممالک ایران و رئیس ممالک متحده امریک هر دو علی
السویه تمنا دارند که علاقه و روابط دوستی فیمابین دولتین بر قرار
و بواسطه عهدنامه دوستی و تجارت که بالسویه نافع و سودمند تبعه دولتین قوی بنیان محکم
بدو مودت و اتحاد فیمابین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه
کل ممالک ایران جناب مجدت و فخامت نصاب امین الملک فرخ خان ایلچی کبیر
دولت علیه ایران صاحب نشان تمثال همایون و حمایل مخصوص آن و حامل کرسنت مکلل
بالماس وغیره وغیره وغیره و رئیس ممالک متحده امریک تاماس کارول اسپنس وزیر
ممالک متحده مزبوره مقیم دربار دولت عثمانیه را وکلای مختار خود معین کرده و ایشان
بعد از آنکه اختیارنامه‌های خود را مبادله کردند و مطابق قاعده و شایسته دیدند فصول
آتیه را برقرار و منعقد

اول از الیوم ببعد فیمابین دولت علیه ایران و رعایای ایران دولت و دولت و رعایای
متحده امریک تا ابد دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

دوم

دوم سفرا و کارپردازان و مأمورین دیپلوماتیک هر یک از دولتین که بخواهند در دربار
یکدیگر مأمور و مقیم سازند همان رفتار و سلوک که در حق سفرا و کارپردازان و مأمورین دیپلوماتیک
دول متحابه و اتباع اکثر الوداد معمول میشود بعینها همان رفتار نیز در حق سفرا و کارپردازان و مأمورین
دیپلوماتیک دولتین معاهدتین و اتباع اکثر الوداد معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ خواهند
بود

سوم تبعه دولتین معاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌وران و غیرهم که در ممالک محروسه طرفین
سیاحت یا توقف نمایند بایستی از جانب حکام و ولات و وکلای طرفین بحرمت
و حمایت قادرانه بهره‌مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول
کامله الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و بملاحظه و ضمانت این
و رعیتی لهذا هرگونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه
خشکی مملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت همدیگر ببرند و بفروشند و مبادله و معاوضه
نمایند و به هر جا از بلاد و ممالکین که بخواهند حمل و نقل نمایند و لکن امتعه‌ای که مقرر است
در تجارت داخلی هر یک از دولتین تجارت داخله ممالکین نمایند در خصوص تجارت مزبوره مطیع
قوانین آن مملکت که معمول تجارت مزبوره باشد خواهند بود و در صورتیکه یکی از دولتین
معاهدتین بعد از این درباب تجارت داخله امتیازات تازه برعایای دول خارجه
اعطا نماید همان امتیازات نیز داده خواهد شد برعایای امریک از این دولت که در ممالک دیگر
مشغول تجارت داخله باشند

چهارم هرگونه امتعه و اقمشه و اتباع دولتین معاهدتین که بمملکت همدیگر نقل نمایند
یا از مملکت همدیگر بیرون ببرند و چه گمرکی که از تجار و اتباع دول کامله الوداد علی الرسم

استفاده و معاملات ایشان بولایات دولتین و محل خروج از مملکتین مزبورتین از ایشان
نیز مطالبه خواهد شد و حق و دیه جداگانه هیچ اسم و رسم در دولتین علیتین مطالبه نخواهد
شد

پنجم در ممالک محروسه ایران هرگاه مرافعه یا مباحثه فیمابین تبعه دولت علیه ایران و
اتباع دولت ممالک مجتمعه امریک تماما واقع شود در صورتیکه وکیل یا قونسول دولت مجتمعه
امریک مقیم باشد مقالات متداعیین را تحقیق و تدقیق و اجرای حکم معمول و اتفاق
در محکمه دولت علیه ایران در محلی که بطرز آن مسکن نه امور است با حضور امنای از
منصب آن وکیل یا قونسول دولت ممالک مجتمعه امریک خواهد شد در ممالک محروسه ایران
اگر فیمابین اتباع دولت ممالک مجتمعه مرافعه یا منازعه روی دهد طرح گفتگو و اجرای احکامات
آن با تمام عهده وکیل یا قونسول دولت ممالک مجتمعه امریک است اگر متوقف در محل
آن مرافعه و مباحثه و منازعه بوده باشند و الا در مملکت با قرب محل از برای آن است
خواهد بود وکیل یا قونسول مزبور طرح گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در ممالک
مجتمعه و تبعه سایر دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای حکم آن بعهده وکلا یا قونسول
اهل طرفین خواهد بود که در آن گفتگو یا منازعه یا مرافعه فیمابین تبعه دولت علیه ایران
و اتباع ممالک مجتمعه اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن بحضور ... بوده با انتساب
دول کاملة الوداد در ممالک مزبوره معمول و مرتب میشود تبعه دولت علیه ایران
در ممالک مجتمعه با اتباع دولت ممالک امریک تماما در ممالک ایران اگر متهم
بکاری که بیره گردنه به مجرم در مملکتین مزبوره نباید با انتساب دول کاملة الاتحاد رفتار
میشود با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد

ششم

ششم هرگاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین محروستین وفات یابد در صورتیکه
نسبت را اقوام یا شرکا باشند ترکه او با تمام تسلیم ایشان خواهد شد و در صورتیکه
شخص متوفی را اقوام و شرکا نباشند متروکات او امانةً بوکیل یا قونسول دولت
متبوعه متوفی تسلیم میشود تا آن را بر وفق قوانین متداوله در مملکت خود چنانکه شایسته باشد
در این باب معمول دارد

هفتم دولتین علیتین معاهدتین بجهت حمایت اتباع خود و تقویت امر تجارت و
فراهم آوردن اسباب حصول مباشرت دوستانه و مراودات فیمابین تبعه جانبین
چنین استحسان نمودند که حق داشته باشند هر یک سه نفر وکیل یا قونسول در مملکت
دولتین مقیم سازند و از طرفین سه نفر قونسول برقرار نمایند قونسولهای دولت
علیه ایران در شهرهای واشنگتون و نیویورک و نیواورلئانس توقف خواهند
داشت و قونسولهای دولت ممالک مجتمعه در دار الخلافه طهران و بندر ابوشهر و دار
السلطنه تبریز توقف خواهند نمود و این قونسولها در دولتین معاهدتین بالسویه در محل توقف
مسکونه مملکتین محروستین از اعزازات و امتیازات و معافاتیکه قونسولهای
دول کاملة الوداد در ممالک جانبین دارند بهره یاب خواهند گردید و مزید بر آن
و قونسولهای ممالک مجتمعه امریک رعایای دولت علیه ایران را نه استخدام
ظاهرا و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و از این اصول هرگاه از طرفین تخلف شده
انفصال و معزولی خواهند داشت و اگر قونسولهای مزبور با
شغل تجارت ... ایشان نیز مطیع خواهند بود بهمان قوانین و دستور سایر اشخاص
رعایای دولت متبوعه ایشان در همان محل تجارت میکنند مطیع هستند و همچنین تابعین

و دولتین متعاهدتین مقرر است که هر دو طرف که مأمورین و عمله جات دولت
ممالک متحده امریک بیشتر از آنکه ... بموجب عهدنامه برای مأمورین روس
در ممالک ایران معین شده است

حکم این عهدنامه دوستی و تجارت که به ملاحظه کمال صداقت و دوستی و اعتبار فیمابین
دولتین ایران و ممالک متحده امریک منعقد شده است از تاریخ مبادله امضاء جات
ملوکانه تا ده سال برقرار خواهد بود و اگر پیش از انقضای ده سال مذکور هیچیک
از این دو دولت بموجب اعلام رسمی میل خود در باره قطع و توقیف اجرای این عهدنامه
بدولت دیگر اظهار ننماید عهدنامه مزبور تا یک سال دیگر علاوه بر مدت مذکور
برقرار خواهد بود و همچنین تا دوازده ماه بعد از زمانیکه یکی از طرفین اعلام
مزبور را نماید و وکلای مختار دولتین متعاهدتین قرار دادند که امضانامجات
دولت ... در اسلامبول در مدت شش ماه یا کمتر اگر ممکن شود مبادله
نمایند وکلای مختاره دولتین متعاهدتین این عهدنامه مبارکه را امضا کرده و مهر
مرقوم و مختوم نمودند این عهدنامه مبارکه در دو نسخه بزبان فارسی و انگلیسی بتاریخ
یکهزار و دویست و هفتاد و سه هجری ۱۲۷۳ فی دوازدهم شهر ربیع الثانی مطابق یکهزار
و هشتصد و پنجاه و شش عیسوی ۱۸۵۶ در اسلامبول مرقوم گردید بنابر علیه اعلیحضرت
پادشاهی پس از ملاحظه کامل عهدنامه دوستی و تجارت مسطور فوق را امضا و تصدیق
داشتیم بجمیع مواد و فصول مسطوره فیه قبول و مضبوط و تصدیق میفرمائیم و در کل مفاد آن
و مقبول و مکانه و از برای خود و اخلاف خودمان وعده میفرمائیم که اتمام در رعایت عهده
قرارداد شود از جانب ما کمال مقبول و مجری خواهد شد از برای استحکام این

تصدیق

تصدیق نامه را بخط خود مان مزین نموده محکم کرده ایم و بمهر دولت خود مان
ممهور شد مرقوم شد بتاریخ پنجم شهر جمادی الاولی ۱۲۷۳
یکهزار و دویست و هفتاد و سه هجری سال نهم
سلطنت همایون

محل مهر و دستخط همایونی

محل مهر مبارک

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و بلجیک در سنه ۱۲۵۷

بنام خداوند یگانه حمد الهی را ... الکون حکمة تبارس الحدود و ...
فی العالم مشیته بتهیه العقود و بر خردمندان تیزهوش و تیزبینان سخن بزرگ
پوشیده نماند که جناب رب جلاله انتظام امور معاش و صلاح حال رعایا را قبضه
ارادت و اختیار سلاطین با عدل و داد داده تا کافه برایا در کنف ظل و حصول
آثار و نتایج مطالب و اصناف مآرب طرق مجازات و وداد بسته بر هر ایران
نفاذ و خلاف حساب گذارند تبیین این مقال آنکه اعلیحضرت کیوان رفعت
مشتری رتبت بهرام سطوت خورشید شوکت ناهید بهجت عطارد فطنت قمر طلعت
مالک ممالک محروسه ایران وارث تاج و تخت سلاطین کیان ظل الله فی الارضین
کهف الاسلام و المسلمین محمد شاه قاجار خلد الله ایام سلطنته الی آخر الدوران و اعلیحضرت
حضرت فلک رفعت قضا قدرت قدر رتبت ... ممالک بلجیق لیوپولد ادام الله
ایام سلطنته الی آخر الزمان هر دو مع الوثوق ... دیدند ... تاسیس قواعد ...

و حمیت و تبعه بر اسم عادت و مودت و ترفیه حال رعیت و کشایش ابواب
منافع تجارت بر روی تبعه و رعایا و برایا مابین دولتین علیتین معاهده دوستی و تجارت
منعقد و برقرار شود لهذا دولت علیه ایران عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندس
باشی که سفیر کبیر و ایلچی مختار دولت علیه ایران در دربار دولت عثمانیه صاحب نشان
صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید مرصع بوده و صاحب حمایل سبز و سرخ
و نشان افتخار دولت علیه عثمانیه را از قرار دستخط اعلیحضرت همایون و امضای
جناب جلالت مآب اجل اعظم افخم بندگان سپهسالار قاطبا در این خصوص وکیل و مختار
نموده و اعلیحضرت پادشاه بلجیق از قرار دستخط همایون و امضانامه عالیجاه جناب
بارون فرانز واهان وزیر مختار دولت بهیه بلجیقا مقیم اسلامبول
صاحب منصب نشان اعلیحضرت پادشاه تمامی مملکت بلجیق و صاحب اردن دولت
فخیمه فرانسه و صاحب نشان درجه اول افتخار دولت علیه عثمانیه را در این باب
ماذون و مختار ساخته لهذا امورین مذکورین بعد از مبادله اختیارنامه های خود فصول
معاهده را در ضمن هفت ماده بنحو آتیه داده اند
اول بعد از این دولت علیه ایران و دولت بهیه بلجیقا و تبعه ایشان اساس دوستی خود را
پایدار و برقرار شود
دوم تبعه دولتین فخیمتین اتباع و سایرهما به مملکت یکدیگر تردد کنند و کلاً از رعیت و هر که
خواهند بکرایه برای امر تجارت و نشیمن خود منزل و حجره و انبار اجاره کنند
ماذون هستند و از طرف حکام و دیوان ممانعت نشود و در حق ایشان رعیت دولتین
رعایت عزت و حرمت محفوظ شود از اجحاف و ستم مصون و محروس باشند

و اگر

و اگر یکی از دولتین فیمابین یک دولت دیگر جنگ و محاربه داشته باشد اصلاً بدوستی
مابین این دو دولت بهیه خللی نخواهد رسید
سیم اگر هر یک از تبعه دولتین بهیتین بعنوان تجارت یا سیاحت ممالک همدیگر بروند
یا توقف نمایند در حق ایشان از انواع احترام مرعی شود از عوارض و تکالیف معاف باشند
و در وقت دخول و خروج تجار دولت بلجیقا از امتعه ایشان در یکجا گمرک از
صد پنج گمرک با ملاحظه گرفته شود و از امتعه تجار دولت علیه ایران مثل تبعه دولتین متحابتین
فرانسه و انگلیس بر وفق قرار نامه رفتار گردد
چهارم از تبعه دولت بهیه بلجیقا اگر بطریق سیاحت یا تجارت ممالک دولت علیه
ایران تردد نمایند برای امنیت و محافظت ایشان از طرف دولت علیه ایران احکام
داده شود و عبور و مرور ایشان بکمال احترام و مانع ایشان نشوند و حمایت از ایشان
نماید
پنجم دولت علیه ایران ماذون است که دو نفر رئیس تجار از دولت بلجیقا در تبریز
و دار الخلافه طهران مقیم شوند و امور تبعه دولت خود رسیدگی کنند و همچنین اگر
دولت علیه ایران اگر بخواهند در شهرها بنادر و معدودی از شهرهای مملکت بلجیقا رئیس تجار
گذارند ماذون خواهند بود
ششم اگر مابین تبعه جانبین از بابت معامله نزاع و دعوا اتفاق افتد باتفاق رئیس
تجار و ترجمان آن دولت موافق ترتیب و عادات مملکت قطع و فصل آن دعوا بشود
و در صورتیکه یکی از تبعه دولتین مفلس و ورشکست شود برای تشخیص و تحقیق اموال و اسباب
او در فیمابین ارباب طلب بطور عدالت و تقسیم نماید و همچنین در وقت وفات

یکی از نسخه طرفین امضا و مهر شده ولایات او به رئیس تجاران دولت تسلیم شود
هفتم انکه در این عهدنامه و شروط تجارت ابدالدهر
با کمال وفق و صداقت از طرفین مرعی و محفوظ خواهد شد و بهیچ بهانه خلل و نقصان
باجرای ان راه نخواهد یافت این عهدنامه و شروط تجارت بسیاق واقعه در دو نسخه تحریر
و امضا شده و از جانب مرخصین دولتین علیتین ممضی و ممهور گشته و مبادله گردید
ان را به تصدیق المتبرزه از طرف دولتین علیتین تصدیق گشته در مدت چهار ماه
یا کمتر از تصدیق نامها باسلامبول امین المامورین از سرزمین مبادله گردد تحریرا فی
یوم دوشنبه بیستم ماه جمادی الاول مطابق سال او دیل جنریت و بلیک هزار و دویست
و پنجاه و هفت ۱۲۵۷ هجری مطابق چهاردهم شهر جولای سنه ۱۸۴۱ عیسوی در دارالخلافه
اسلامبول انجام پذیرفت

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و بلجیک در سنه ۱۲۷۳

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون پادشاه اعظم و شاهنشاه افخم
سلطان بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت لئوپولد اول پادشاه بلجیک
در صدد بذل اهتمام ما بین دولتین از روی اتحاد و حقوق جدید روابط تازه برقرار و بر ترقی
تجارت ممالک محروسه خود بیفزایند از سابق محرک شد عهدنامه منعقده
شده و برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران جناب جلالتمآب مقرب
الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون و حامل
امتیازات رسمی و الماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه بلجیک وکیل مختار

دوم

دوم جنرال دوسهرین وزیر امور خارجه خود از اجزای مجلس وکلا و دارای نشان لئوپولد صاحب
نشان امیر بزرگ خارج از حد و نشان ... به دولت سروارم کنستیون و بیلا و نشان و ادیک سن
موریس ولازار و صاحب نشان مجیدیه از مرتبه اول و نشان بزرگ سلک امپراطوری
عقاب سفید و سلک ستاره قطب نما و نشان نورو و سلک ... و غیره و غیره و غیره
وکلای مختار خود تعیین نموده و ایشان بعد از انکه در بر وکلای مختار خود اختیار نامجات
خود را مبادله نموده و موافق ترکیب و ترتیب فصول اتیه را برقرار نمودند

اول فیمابین دولت علیه ایران و رعایای ان و دولت علیه بلجیک و رعایای ان دولت
برادری و دوستی صادق و اتحاد محکم و پیوسته برقرار خواهد بود

دوم سفرای کبار و امنا و وکلای مختار و ... که از دولتین علیتین معاهدتین تعیین خواهند شد بعهده
یکدیگر ... و مقیم ... همان رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار دوله اعظم نامزد ...
معمول کمال ... و اتباع انها معمول میشود بعینها همان رفتار نیز در حق سفرای کبار و
امنای ... دولتین معاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ
خواهند بود

سیم تبعه دولتین علیتین معاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه وران و غیرهم که در ممالکین
سیاحت و ... امنیه ... از جانب حکام و ولایات و وکلای طرفین معزز و محترم
خواهند بود ... و در هر حال ... ... معمول کامل الاولاد منظور
میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و ... و در تحفظ از ... کرده
... ... از راه دریا و چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر بیایند و از
مملکت یکدیگر بروند ... و جابجا ... نمایند و هر جا از ... ممالکین که خواهند

مساکن متعلقه به ایشان ... خواهند بود خانه‌ها و دکاکین و انبارهایی که بجهة سکنی و امور تجارتی
خود کرایه نمایند با اکثر از جانب کارگزاران دولتی ... بشود و بجهة [illegible] رعایای
دولت بلجیک که بخواهند بعزم سیاحت یا تجارت در ممالک ایران بروند مقرر است [illegible]
و فرامین ... که موجب رفع موانع و مایه تقویت و حمایت ... ایشان ... خواهد شد
و کلیه اینها مقرر است که تجار طرفین ... اقدام به تجارت داخله مملکتین ... مطیع قوانین ...
تجارت مزبوره باشند خواهند بود
چهارم کشتیهای تجارتی طرفین ... و ... اتباع دولتین متعاهدتین بمملکت دیگر
تعلق داشته باشند یا از مملکت بیرون ببرند ... کشتیهای تجارتی و اتباع دول کامله
الوداد ... و ... معاملات ایشان ... دولتین و ... از مملکتین
... لذا ایشان نیز ... معامله شده ... [illegible]
مبنی ... خواهد شد
پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت بلجیک مرافعه یا مباحثه یا منازعه
روی دهد حل گفتگو و اجرای ... آن با تمام ... وکیل قونسول دولت بهیه بلجیک
خواهد بود اگر ... بلجیکان ... مرافعه و مباحثه و منازعه ... باشد و الا در
محکمه ... بلجیکان ... خواهد بود ... قونسول مزبور حل گفتگو را بر وفق
قوانین ... در مملکت بلجیک ... که هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه دولت
بهیه بلجیک و اتباع دولت علیه در ممالک ایران ... وکیل قونسول دولت
بهیه بلجیک ... مقالات ... و تحقیق ... بعدل و انصاف در
محکمه دولت علیه ایران ... با حضور ... وکیل

یا قونسول

یا قونسول دولت مزبوره خواهد بود هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در مملکت ایران فیمابین
اتباع بلجیک و تبعه سایره دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای گفتگوی آن بعهده وکلای قونسولهای
طرفین خواهد بود ... گفتگو و منازعه ... فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت
بلجیک در مملکت ایران اگر ... گردد ... در ... مزبوره ... با اتباع سایر
دول کامله الوداد رفتار میشود با ایشان نیز معمول و مراتب قطع و فصل خواهد شد
ششم در صورت وفات یکی از رعایای دولتین در
ممالک طرفین ... ترکه میت ... معمول خواهد بود ... ترکه رعایای دول کامله
الوداد مجری است
هفتم دولتین متعاهدتین بجهة حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب
معاشرت دوستانه ... قرار دادند که فیمابین تبعه جانبین ... و از طرفین ... نفر
قونسول برقرار گردد قونسولهای دولت ایران در دارالسلطنه ... [illegible]
اقامت خواهند داشت و قونسولهای دولت بلجیک در دارالخلافه طهران و دارالسلطنه تبریز
و بندر ابوشهر مقیم خواهند بود ... قونسولهای دولتین متعاهدتین ... در محل ...
مملکتین و از احترامات و امتیازات و معافاتی که قونسولهای دول کامله الوداد در
ممالک ... محظوظ و بهره‌یاب خواهند گردید ... قونسولهای دولت
ایران ... رعایای بلجیک را ... در خفیه حمایت نخواهند کرد ...
و قونسولهای بلجیک رعایای ایران را ... در خفیه حمایت نخواهند کرد و قونسولهای
دولتین متعاهدتین هر دو در ممالک طرفین مشغول تجارت ... مطیع خواهند بود ... قوانین
... سایر رعایای دولت ... مشغول تجارت ... باشند مطیع

هستند

ششم در صورتیکه ظهور جنگ فیمابین یکی از دولتین متعاهدتین و یک دولت دیگر هم بهم
رسد دولت دیگر ... تا ... فیمابین دولتین متعاهدتین برقرار باشد
هفتم این عهدنامه ... ملاحظه گردد

هشتم دوستی و اتحاد فیمابین دولتین علیتین ایران و پروس منعقده شد بعنوان ...
از تاریخ ... تا ده سال از جانبین بصدق و راستی
... اگر یکسال پیش از انقضای این مدت مقرره هیچیک از دولتین
میل خود را در توقف و اجرای این عهدنامه ... دولت دیگر اعلام نکرده باشند عهدنامه
حال برقرار خواهد ماند تا مدت یکسال بعد از تاریخ روز ... اعلام ...
اعلام ... دولتین متعاهدتین ... ناجات ...
... از طرف ... در طهران ... پروس ...
... مبادله ... عهدنامه ...
... عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه
در پاریس ... هزار و دویست و هفتاد و سه هجری ...
این عهدنامه ... اعظم ...

ایران رئیس نزد جناب مقرب الخاقان
امین الملک فرخ ...
در پاریس ...

امضا فرخ خان
...

...

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و پروس در سنه ۱۲۷۳

بسم الله الرحمن الرحیم

چون از ... پادشاه ... باستقلال اعظم ... باستحقاق اکرم زیب افزای
سریر سلطنت و ... بخت را که ... آثار عدل و انصاف
... جمشید ... داور تاج و تخت و دارا فر و فرخنده بخت ...
... و ... اسلام و ... پادشاهی ممالک ... پرور ...
ممالک ... ممالک ایران موافق این ... و رعیت ... داشته
باشند ... روز دوم ذی قعده الحرام هزار و دویست و هفتاد و سه هجری
در پاریس فیمابین اعلیحضرت ... و اعلیحضرت پادشاه پروس موافق اختیارنامه
... جناب مقرب الخاقان امین الملک
فرخ خان سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب نشان تمثال همایون و حمایل ...
... و از جانب اعلیحضرت پادشاه پروس ...
... ملت ... صاحب ...
... صاحب نشان ... از رتبه اول ...
صاحب نشان ... از رتبه اول ...
قرارنامه دوستی و تجارت قرار داده و منعقد نموده است ... کلمه بکلمه از این
قرار است

چون اعلیحضرت ... پادشاه اعظم ... باستقلال ممالک
ممالک ایران و اعلیحضرت پادشاه پروس هم از جانب خود ... ممالک ...

کرک و ولایات اعلیحضرت شاهانه ایده حسنه از جمله نشان بزرگ ترک جهبرک ممالک نشان
بزرگ شقلاد جهبرک و روس شنبانه و دیوان بزرگ و لاله بر کفلاد او لاد جهبرک و نشانهای امانت
و سواکرین و ارنالب بر نیزرک و ممالک و الاکند و جهبرمنت مملکت بست و دیا جلا بر
بزرگ و بم لاله کراد و روس و چه از جانب جایز اجزای شراکت کمرکها و تجار رعایا
سپرده معظم لقرین از جمله سلطنت بادیه وسلطنت ممالک و سلطنت ها بزرگ و سلطنت و دیوتر کت
و نشانه بزرگ با مملکت عیسی و نشان بزرگ عیسی چه برای خود و چه برای خاندانها جهبرک
لاله کراد و روس و ممالک و خود شراکت کمرکها و تجار رعایا توفیق از جمله نشان بزرگ
سالس و نشانهای سالس برجمن و ممالک اتابزرگ و ممالک کوبرک و کته ممالک شواد
سبه رکه ره ولستاره و غیره ادسبه رکه سونه و نشانس روس لنفراد و روس لنف و نشان
بر ایوکه و شواو لو جهبرک و نشانه نامبرده نیز از اراده مخلوق مرحمت آمیز الوبه اراده و تماشا
معاهدانه دارند بر روابط دوستی ما بین ایران و ممالک مذکوره برقرار و دوام استحکام عهد دوستی
و تجارت را که بالطبیعه نافع و سودمند است به اصل شهود خواهد و مرودت و اتحاد را بطور دائم
مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران جناب جلالت
مآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون و حمایل
آبی و دارای کمربند مرصع الماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه پروس
مسیو ... کمر ... این فرد ... سالس فرانسوا کنت و انتقال و ... بزرگ نشان لیسینی بزرگ و غیره
خود و وزیر مختار و ایلچی فوق العاده مخصوص صاحب نشان عقاب سرخ پروس از مرتبه اول
و مرکب ... صاحب نشان ... از مرتبه اول و غیره و غیره و غیره را وکلای
مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه در باب اسناد تفویض نامه و اختیار نامه های خود ابادله کردند

و موافق

به موافق ترکیب مرقومه ذیل فصول آتیه را برقرار نمودند
اول ما بین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت علیه پروس و سایر
ممالک متحده المذکورین و رعایای آن ممالک دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد
بود
دویم سفرای کبار و وزرای مختار و سایر مأمورین دیپلوماطیک هر یک از اجزای متعاهده
که از جانب هم به دربار یکدیگر مأمور و مقیم سازند همان رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار
و وزرای مختار دول کاملة الوداد و اتباع ایشان معمول می‌شود بعینها همان رفتار نیز در حق
سفرای کبار و وزرای مختار اجزای متعاهده و اتباع ایشان معمول و مجری و جمیع امتیازات
محفوظ خواهد بود
سیم تبعه ممالک متعاهده از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌وران و غیرهم در ممالک یکدیگر
سیاحت یا توقف نمایند باید از جانب حکام ولایات و وکلای ممالک متعاهده
عزت و حمایت کامله بهره‌مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت به اتباع
دول کاملة الوداد منظور می‌شود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و با امتعه و منافع
در حق خواهند بود هر گونه امتعه و اقمشه و مصنوعات چه از راه دریا و چه از راه
خشکی به مملکت یکدیگر برند و بفروشند و یا خریده و معاوضه نمایند و در کل ممالک متعاهده
حمل و نقل نمایند و گمرکی که این مقررات در تجار دول ممالک متعاهده و اقوام تجارت دول کاملة الوداد
نیز مطیع قوانین آن جا خواهند بود که محل تجارت مرسومه باشد
چهارم هر گونه امتعه و اقمشه که اتباع ممالک متعاهده به مملکت یکدیگر نقل نمایند یا از مملکت
همدیگر بیرون ببرند گمرکی که از تجار و اتباع دول کاملة الوداد حال و در آتیه وصول

ایشان بولایات جمهوریه متحده و حمل جنس و چیز از ممالک مزبوره مطالبه میشود از ایشان
نیز مطالبه خواهد شد و حق و دیگر مطالبه و هیچ اسم و رسم در ایران و در ممالک متحده امریکن
مطالبه نخواهد شد
پنجم در ممالک ایران اگر فیمابین اتباع ممالک متحده امریکن مرافعه یا مباحثه و منازعه روی دهد
حل و فصل و اجرای عدالت آن با تمام عهده وکیل یا قونسول ممالک متحده امریکن است
اگر مرافعه در میان ایشان و رعایای ایران مرافعه یا مباحثه یا منازعه در مملکت ایران فیمابین
تبعه دولت علیه و اتباع ممالک متحده امریکن حادث گردد در حضور وکیل یا قونسول ممالک
متحده امریکن مقیم باشد مقالات مترافعین بحکم شرع و قانون و اجرای حکم عدل و انصاف
در محکمه دولت علیه ایران در محل موافق طریق رسوم آنجا امر است با حضور امین از منتسبان
وکیل یا قونسول ممالک متحده امریکن خواهد شد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در
مملکت ایران فیمابین اتباع متحده امریکن و تبعه و سایر دول خارجه واقع شود تحقیق
و اجرای حکم آن بعهده وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود که حکم کنند و منازعه
و فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع ممالک متحده امریکن و تبعه سایر دول خارجه در
ممالک روس و سایر ممالک متحده امریکن با تبعه ممالک متحده امریکن در مملکت ایران اگر
متهم بجرایم کبیره گردند نسبت به آنها در ممالک مزبوره با اتباع دول کامله الوداد رفتار میشود
با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد
ششم هرگاه احدی از اتباع ممالک متعهده در ممالک دیگر وفات یابد و در صورتیکه
میت را اقوام باشند کلیه ترکه او بالتمام تسلیم ایشان خواهد شد و در صورتیکه تنخواه
میت را اقوام نباشد کلیه ترکه او به وکیل یا قونسول دولت او داده شود در مملکت خود چنانچه شایسته داند به ورثه

معمول

معمول دارد
هفتم ممالک متعهده ایران و متحده امریکن بجهة حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و
فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت دوستانه و عادلانه فیمابین تبعه جانبین
چنین مستحسن شمرده اند که هر یک دو نفر قونسول در ممالک یکدیگر تعیین نمایند قونسولهای ایران
در ممالک متحده امریکن مقیم خواهند بود در هر جائیکه از دول خارجه قونسول باشد
قونسولهای ممالک متحده امریکن در دارالسلطنه طهران و دارالسلطنه تبریز و بوشهر اقامت
خواهند داشت این قونسولهای ممالک متعهده با کلیه در محل توقف ممالک مزبوره
از اعزازات و امتیازات و معافات قونسولهای دول کامله الوداد در ممالک
مزبوره محفوظ و بهره یاب خواهند گردید وزیر مختار یا ایلچی و قونسولهای ممالک
متحده امریکن رعایای دولت ایران را در حقیقت حمایت نخواهند کرد وزیر
مختار و ایلچی و قونسولهای ایران رعایای دولت بهیه روس و سایر ممالک متحده امریکن
را در حقیقت حمایت نخواهند کرد قونسولهای ممالک متعهده هم در ممالک
یکدیگر مشغول تجارت نشده مطیع خواهند بود بهمان قوانین و رسوم و سایر تجار
حال تبعه ایشان هم مشغول تجارت مزبوره چنانکه مطیع هستند
هشتم این عهدنامه ... دولتین ... ممالک
ایران و ممالک متحده امریکن انعقاد یافته بعون الله تعالی از تاریخ روز امضای آن
تا مدت ده سال ... معتبر و محفوظ خواهد بود ... برقرار خواهد ماند
تا ... از انقضای آن ده سال اگر یکی از اجزای متعهده ... در عدم بقای
این عهدنامه ... هر یک از اجزای متعهده حق خواهد داشت ... ده سال

و دیگر تا این عهدنامه را موقوف بدارد دو سال دیگر فیمابین اجزای متعهده معتبر است
و این عهدنامه و جمیع قراردادهای آن لغایت ترک و باعتبار خواهد بود که از ده ماه
از وصول اعلام نامه مرقومه آن

و این عهدنامه همه جزء تصدیق خواهد شد و تصدیق نامجات آن در مدت چهار ماه
یا زودتر اگر ممکن شود در پاریس مبادله خواهد شد و کلای
مختار جانبین این عهدنامه را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند در پاریس در چهار
نسخه دو نسخه فارسی و دو نسخه دیگر بزبان فرانسه در سیم شهر ذی قعده الحرام سنه ۱۲۷۳
هزار و دویست و هفتاد و سه هجری مطابق با شهر ژوئن ۱۸۵۷ عیسوی

محل مهر و خط همایون

محل امضای [illegible]

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و ساردانیا
در سنه ۱۲۷۳

بسم الله الرحمن الرحیم

بعون ایزد متعال بخشنده بلاد استقلال اعظم و نگارنده استحقاق اکرم زیب
افزای سریر خدمت قاهر اقتدار و زینت بخش [illegible] که سلطنت و [illegible] رسوم و
دالانصاف [illegible] داور تاج و تخت دارای فر و تخت [illegible] شکوه
[illegible] و [illegible] سلطان الاسلام و المسلمین [illegible] رعیت پرور

افتخار

افتخار ملوک گیتی مالک و الوارث کل ممالک ایران موافق این مبارک مسطور برکس
[illegible] و نطق داشته این مسعود [illegible] در غره شهر رمضان المبارک سنه
یکهزار و دویست و هفتاد و سه هجری در پاریس فیمابین اعلیحضرت و کلای دولتین اعلیحضرت
پادشاه ساردانیا موافق اختیارنامجاتی که از طرفین داده شده بود برقرار است و از جانب
جناب جلالت مآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب
تصویر همایون و حمایل آبی و دارای کمربند مکلل بالماس و غیره و غیره و غیره و از جانب
اعلیحضرت پادشاه ساردانیا موسیو [illegible] وزیر مختار
و ایلچی مخصوص خود [illegible] و سرهنگ [illegible] اول [illegible] موریس و لازار
و [illegible] صاحب منصب بزرگ لژیون دونور و غیره و غیره عهدنامه دوستی و تجارت قرارداد
و منعقد شده است و مشتمل است بر فصول ثلثه دیگر که هر کدام از این قرار است

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون پادشاه ساردانیا و قبرس و اورشلیم
و الا [illegible] دوک ساووا و ژن و [illegible] پرنس پیمون و غیره و غیره و غیره به ذیل [illegible]
مودت [illegible] اراده [illegible] ساختن روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار
و بر روابط عهد دوستی و تجارت [illegible] خواهند بود
و [illegible] رستگی [illegible] این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران
جناب جلالت مآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب
تصویر همایون و حمایل آبی و دارای کمربند مکلل بالماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت
پادشاه ساردانیا موسیو [illegible] وزیر مختار و ایلچی مخصوص خود
[illegible] و سرهنگ [illegible] اول [illegible] موریس و لازار [illegible] و صاحب منصب

بزرگ از یون وزرا و غیره و غیره وزیر را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه
در پاریس مجتمع شدند و اختیارنامه‌های خود را ابراز کردند و موافق قاعده و شایسته دیده فصول
آتیه را برقرار نمودند

اول کل فی الیوم فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت بهیه ساردینیا و رعایای
آن دولت دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

دوم سفرای که دو دولت مزبوره هر یک از دولتین ساميتين بخواهند در دربار یکدیگر
مامور و مقیم سازند [illegible] رفتار و سلوک [illegible] در حق سفرای کبار دول [illegible]
امتیازات محفوظ خواهند بود

سیم تبعه دولتین علیتین ساميتين از قبیل سیاحان و تجار و غیره در ممالکین محروستین
سیاحت یا توقف نمایند باید از جانب حکام و ولات و وکلای طرفین بعزت
و حمایت [illegible] رفتار نمایند [illegible] و در هر حال مثل کسانی که از تبعه دول کامله الوداد
منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و با ملاحظه [illegible] در حق آنها که
هرگونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی مملکت [illegible]
و از مملکت دیگری برند و بفروشند و مبادله و معاوضه نمایند و بهر جا [illegible]
مملکتین [illegible] حمل و نقل نمایند و لکن [illegible] طرفین از اقدام
تجارت داخله ممالکین [illegible] تجارت مزبوره باشند خواهند
بود

چهارم هرگونه امتعه و اقمشه اتباع دولتین علیتین ساميتين از مملکت دیگری نقل نمایند
یا از مملکت دیگر بیرون ببرند [illegible] از تجار و اتباع دول کامله الوداد [illegible]

امتعه

امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین [illegible] و از ممالکین مطالبه میشود
از اتباع ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق دو دولت علیه و بهیه [illegible] دولتین علیتین
مطالبه کرده باشند

پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت بهیه ساردینیا مرافعه یا مباحثه یا منازعه
روی دهد فیصل گفتگو و اجرای عدالت آن باتمام بعهده وکلا یا قونسول دولت بهیه ساردینیا
اگر توقف در محلی [illegible] مرافعه و مباحثه و منازعه [illegible] و الا در مملکتی که اقرب
مکان باشد [illegible] خواهد بود وکیل یا قونسول مزبور فصل این گفتگو را بر وفق قوانین متداوله
در مملکت ساردینیا خواهد کرد و هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه دولت بهیه
ساردینیا و اتباع دولت علیه در مملکت ایران حادث گردد [illegible] وکیل یا قونسول دولت
بهیه ساردینیا مقیم باشند معاملات [illegible] و تحقیق و تدقیق و اجرای حکم عدل و انصاف
در محکمه دولت علیه ایران بعمل [illegible] امری است با حضور [illegible]
وکیل یا قونسول دولت بهیه مزبور [illegible] خواهد شد و هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در مملکت
ایران فیمابین اتباع دولت ساردینیا و تبعه سایر دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای
حکم آن بعهده وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود [illegible] گفتگو و منازعه فیمابین
تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت بهیه ساردینیا و تبعه سایر دول خارجه در ممالک
محروسه ساردینیا اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن [illegible] خواهد بود با اتباع دول کامله
الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرتب میگردد تبعه دولت ایران در ممالک ساردینیا یا اتباع
دولت ساردینیا در ممالک ایران اگر [illegible] در ممالکین [illegible]
با اتباع دول کامله الوداد رفتار میشود با ایشان [illegible] معمول و مرتب و قطع و فصل [illegible]

خواهد شد

ششم هرگاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین وفات یابد ترکه او بتوسط قونسول
دولت متبوعه او تماماً تسلیم اقوام و وارث و صاحبان حقوق او خواهد شد و هرگاه
در شخص متوفی وارثی نباشد ترکه او در مملکتین امانةً بوکیل قونسول
دولت متبوعه تسلیم میشود تا مشارالیه بر ازای ادای قروض که در آن مملکت بذمه
متوفی است بر وفق قوانین مملکت خود چنانچه بایست [illegible] در این باب
معمول دارد

هفتم دولتین معاهدتین که بجهت حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن
اسباب حصول معاشرت دوستانه و علاقه ما بین تبعه جانبین خیلی احتیاج دارند
نموده اند از طرفین [illegible] قونسول بر قرار گردد و قونسولهای دولت ایران در
دارالسلطنه [illegible] و [illegible] توقف خواهند داشت و قونسولهای دولت
ساردینیا در دارالخلافه طهران و [illegible] دارالسلطنه تبریز مقرر خواهند بود
این قونسولهای دولتین معاهدتین بالسویه در [illegible] مملکتین از امتیازات
و اختیارات و [illegible] قونسولهای دول کامله الوداد در ممالک جانبین [illegible]
بهره یاب خواهند گردید و مأمورین و [illegible] و قونسولهای ساردینیا رعایای دولت
ایران را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و مأمورین و [illegible] و قونسولهای
ایران رعایای دولت ساردینیا را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و قونسولهای
دولتین معاهدتین هرگاه در مملکت طرفین مشغول تجارت شوند مطیع خواهند بود بقوانین
و رسوم [illegible] سایر رعایای دولت متبوعه ایشان که مشغول [illegible] میباشند مطیع هستند [illegible]

دیگر

و دیگر اینکه عهدنامه مبارکه حاضره کمال صداقت و دوستی [illegible] ما بین دولتین علیتین ایران
و ساردینیا منعقده شده است [illegible] از تاریخ روز مبادله امضانامجات طرفین
تا مدت ده سال از جانبین [illegible] و مرعی و محفوظ خواهد بود اما اگر یکسال
پیش از انقضای این مدت مقرره هیچیک از دولتین معاهدتین میل خود را در توقیف
و اجرای این عهدنامه رسماً بدولت دیگر اعلام نکند و هیچ عهدنامه [illegible] برقرار خواهد
ماند تا مدت یکسال بعد از تاریخ روز اظهار [illegible] اعلام [illegible] اعلام [illegible]
عهدنامه و وکلای مختار دولتین معاهدتین تعهد میکنند [illegible] امضانامجات [illegible]
خود را در [illegible] در طهران از طرف شاه [illegible] اگر مقدور گردد مبادله نمایند
وکلای مختار دولتین معاهدتین این عهدنامه مبارکه حاضره را امضا و مهر خود مرقوم
و مختوم نموده اند این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه در غره شهر رمضان المبارک
سنه ۱۲۷۳ هجری تحریر یافت بتصدیق دولت علیه ایران [illegible]
رسماً مبادله گردیده

سواد عهدنامه منعقده فیما بین دولتین ایران و اسپانیول در سنه ۱۲۵۸
۱۸۴۲ عیسوی

الحمد لله رب العالمین دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول بجهة ملاحظه ترقی
و تسهیل تجارت و عموم رغبت مملکتین در ترقی و وسعت دادن بصنعت تجارت
و [illegible] از [illegible] از اعلیحضرتین معظم دولتین [illegible] مقدمه
مانند انعقاد عهدنامه [illegible] لهذا [illegible] السویه
غالب [illegible] رفاقت و [illegible] داشته [illegible] برقرار و پایدار باشد

برای انجام این مرام اعلیحضرت ملک رفعت بخش برج جلالت نخبه سلاطین نامدار وارث
تاج و تخت کیان صاحب اختیار ممالک وسیع المسالک ایران ظل الله فی الارضین کهف الاسلام
والمسلمین السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان ابن الخاقان محمد شاه قاجار
ادام الله ایام سلطنته از طرف قرین الشرف جناب عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفر خان مهندس
باشی که سفیر کبیر مخصوص دولت علیه ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان مهر تمثال
صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید مرصع و صاحب حمایل افتخار سبز و مرصع
و نشان درجه اول افتخار دولت علیه عثمانیه را دارد ضمن اختیارنامه را به صحه لکانه در این خصوص
وکیل مطلق و مختار نموده و جانبین هم رفعت و اقامت رخشان سلطنت سکونه
نونهال بوستان جلالت السلطانه که از ابتدای ... بنام ملکه اسپانیول در ایام
صغر سن امور سلطنت متعلق بوالده معظمه اعلیحضرت بال ... و امپراتور و صاحب اختیار
مملکت دیگر قرار و بر عهده موکول است از طرف جناب جنرال ... ریقیض و کارده
صاحب نشان ... منصور درجه اول ... ممالک اسپانیول و صاحب نشان
امیر قان سلطان از ابریکا لیک ... خانی جنابه مرد وزیر مختار دولت ... ایلچی
در استانبول بهیه را از قرار نوشته وکیل مطلق و مختار تام کرده بعد از مرور ... قرار
نشان دادن و ملاحظه نمودن اختیارنامه های یکدیگر که همه را موافق رسم و ضابطه یافته قرار
عهدنامه ... را در ضمن شش فصل ... امضا ... دادند
اول ... بین دولتین ... [illegible] ایران و دولت بهیه اسپانیول و تبعه طرفین الی ماشاء الله
اساس دوستی و اتفاق و محبت و سلامت دائمه ... برقرار باشد
دوم تبعه دولتین علیتین ... با ... و آزادی در تمام مملکت یکدیگر ... باشند

معامله

و معامله و سیاحت و تجارت کنند خانه و دکان و حجره و انبار رعیت دولت
امر خود کرایه نمایند و از طرف ماموران دیوان بهیچوجه مخالفت نشود و هر چه بر بسته
احوال ایشان را مراعات نموده رفتار کنند و سیاحان و تجار طرفین ...
شود و نقد و جنس در با استراحت و آرام ایشان ... و در وقت ضرورت احکام داده شود
با ما حرمت شود و کسی تعدی نشود حمایت از ایشان کنند
سیم رعیت تبعه دولتین علیتین که بعنوان معامله و تجارت یا بطریق سیاحت بمملکت
یکدیگر تردد می‌نمایند از زمان ورود تا وقت خروج لازمست احترام از هر جهت بعمل آید و از ایشان
هیچ امر و رسم عوارض مطالبه نکرده گمرک ... ولی در حین ورود و خروج مملکت
یکدیگر مثل تبعه دول متحابه گمرک گرفته شود
چهارم دولتین علیتین بجهت حمایت رعایا و تبعه خود رضا دادند که از کارگذاران ...
... در خوانند بندر ... مناسبه که تجار اقامت کند دولت علیه ایران
مأمورین خواهند رخصت ... از طرف دولت بهیه اسپانیول در دار الخلافه طهران
و یک نفر دیگر در دار السلطنه تبریز مقیم شود و همچنین دولت بهیه اسپانیول ... خواهند گذاشت
و یک نفر وکیل از طرف دولت علیه ایران در ... پاریس ... و یک نفر دیگر
در بندر ... دولت علیه ایران نایب ...
وکیل تجار منصوب نمایند
پنجم هر وقت ... در خصوص معامله و داد و ستد و غیره مابین [illegible] دولتین معامله ...
دعوی و اتفاق افتد آن نزاع ... با حضور و اطلاع وکیل تجار یا ترجمان آن دولت
موافق عادات و شریعت مملکت قطع و فصل شود و اگر ... بکلی ...

معیوب شود یا آن شخص ادعای افلاس نماید باید از جانب حکام دقت در ارسال و حبس و
اموال و مطالبات او با اطلاع وکیل تجار یا ترجمان آن دولت قسمت غرما شود و هر
قدر که از قرض آن شخص باقی بماند اسباب طلب او باید ذمه او را بر ربوده تکلفات
او وارد نیاید و همچنین و قرض هرکس از تبعه دولتین وفات کند باید جمیع متروکات
و دفتر او به وکیل تجار آن دولت تسلیم شود قرض و طلب او به مقتضای رد کیل تجار موافق شریعت
مملکت جاری شود

ششم اگر یکی از دولتین متعاهدتین با دولت دیگر جنگ و محاربه داشته باشند هیچ تبعه از دولتین
دیگری به هیچ‌وجه از برای دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول به هیچ‌وجه خلل و ضرری
نرسد

هفتم این عهدنامه در حق تجارت و دولتین به هیچ گذشته در ضمن عهدنامه قرار
داده شده است به هر دو ضرر آنکه از آثار دولتین مساعدتی حسب مواد از ادوام
رعیت داشته به هیچ‌وجه از برکات آن خلل نخواهد رسانید و آن [illegible] در مدت چهار ماه یا کمتر
عهدنامه مزبور به امضاء و مهر امضاء دولتین رسیده در اسلامبول مابین وکلای مختار دولتین
مبادله خواهد شد

خاتمه این عهدنامه بعد از تصدیق و وکلای طرفین در دو نسخه بیان داده انجام پذیرفته
گشته قرار نامه و امضای طرفین در دارالخلافه اسلامبول به تاریخ سیم ماه ربیع سلطانی
سیم محرم سنه ۱۲۵۸ و سنه ۱۸۴۲ مسیحی

محمد [illegible]

کرد

[illegible]

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و هولند در سنه ۱۲۷۳
۱۸۵۶ مسیحی

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم پادشاه با استقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت گیلیوم پادشاه هولند امیر اورانژ ناسو دوک بزرگ
لوکسمبورگ و غیره و غیره و غیره هر دو علی‌السویه اراده و تمنا نمودند که در تأکید
روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و روابط عهده دوستی و تجارت را مابین تبعه خود
دو سند تبعه دولتین قوی بنیان خواهد بود و اتحاد جانبین را مستحکم سازند
لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران جناب جلالتمآب مقرب
الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون و
حمایل دارای نشان و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه هولند
[illegible] وزیر مختار خود در دربار
اعلیحضرت امپراطور فرانسه صاحب نشانهای بزرگ و تاج و [illegible]
گراند و صاحب منصب بزرگ و غیره و غیره و غیره را وکلای مختار خود
تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه در پاریس مجتمع شدند و اختیارنامه‌های خود را مبادله
کردند و مطابق قاعده فصول ذیل را قرار دادند

اول برای مدام فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت بهیه هولند
و رعایای آن دولت و جزایر و ممالک خارجه آن دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار
خواهد بود

دوم سفرای کبار و وزرای مختاره هر یک از دولتین معاهدتین که از این به بعد در پایتخت دیگر
مقرر و مقیم سازند همان رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار یا وزرای مختاره دول کاملة
الوداد و اتباع انها معمول میشود بعینها همان رفتار نیز در حق سفرای کبار و وزرای
مختاره دولتین علیتین معاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ
خواهند بود

سیم تبعه دولتین معاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌ور و غیره هم در مملکتین
سیاحت یا توقف نمایند باید به ایشان از جانب حکام ولایات و وکلای طرفین حرمت
و حمایت کما ینبغی معمول خواهند گردید و در هر حال سلوکی نسبت به اتباع دول کاملة
الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور و ملحوظ بشود و باملاک و منازل
و محترفات هر که داشته و قیمه و مصادرات چه از راه دریا و چه از راه خشکی
مملکتین به یکدیگر بیاورند و از مملکت به دیگری برند فروخته شده و یا بدهند معاف و قبض نمایند
و هم بعد از ادای حقوقی که خواسته جمع و نقل نمایند و لهذا این مقرر است که تجار
طرفین را اقدام به تجارت داخله مملکتین نمایند مطیع قوانین آن مملکت که محل تجارت مقرر و تجا
باشند خواهند بود

چهارم کشتیهای تجارتی که بنام هر یک از تبعه دولتین علیتین معاهدتین بمملکت دیگر
نقل نمایند یا از مملکت به دیگری بیرون ببرند و به هر کالا هر از کشتیهای تجارتی و از تجار
و اتباع دول کاملة الوداد در یک دور داشته و مصادرات که شده بر ایشان هم نیز و همچنین
خروج از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق دو و بیع هم
بیع ام در رسم و در دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد از نرخ گمرک عهدنامه حال مستقر است

اگر

اگر منعقد است و امتیازات مخصوصه در جزایر خارجه اولند و در هند نیدرلند که اطراف سیاح
ارض مملکت نیدرلند که جمیع حقوق و مصادرات داشته و الا نیز خود داده شده یا بر از این داده
شود و این مقرر است که هر وقت این خصوص بخشیده شده بر عایای دولت ایران همان طور رفتار
خواهد شد نسبت به رعایای دول کاملة الوداد یورپ و امریکه و آسیا و غیر از آنها
مبذول است کلیه اسباب از سیر نیدرلند معمول است و مخصوصه رعایای دولت ایران
همان حقوق را خواهند داشت که رعایای دول انگلیس و فرانسه و عثمانیه دارند

پنجم دولتین علیتین بجهت حمایت اتباع و تقویت
امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت دوستانه و علاقه جانبین
متعهد میشوند چنین انتساب نمایند هر دو از طرفین سه نفر قونسول برقرار کرده قونسولهای
دولت علیه ایران در امستردام و روتردام و بتاویا مقیم خواهند بود و قونسولهای دولت
بهیه هولند در دار الخلافه طهران و بندر ابوشهر و دار السلطنه تبریز اقامت خواهند
داشت این قونسولهای دولتین معاهدتین باید در محل قونسولخانه مسکونه مملکتین محترم و مستحق
اعزازات و امتیازات و معافاتی که قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک جانبین
محفوظه بهره یاب خواهند گردید و هرگاه بر ضد این عمل از ملکت و قونسولهای ایران رعیت
دولت هولند را رعیت هر دو در رعیت حمایت نخواهند کرد و همچنین به هیچ ملکت و
قونسولهای هولند رعایای دولت ایران را رعیت هر دو در رعیت حمایت نخواهند
کرد قونسولهای دولتین معاهدتین در ممالک طرفین مشغول تجارت نمیشوند مطیع خواهند
بود بهمان قوانین و رسوم که سایر رعایای دولت متبوعه ایشان که مشغول تجارت هستند
میباشند مطیع هستند

ششم که این عهدنامه مودت و تجارت حاضره بملاحظه کمال صداقت است و از روی اعتماد فیمابین
دولتین ایران و دولت هلند منعقد شده معمول است تا ... از تاریخ روز مبادله تصدیق
نامجات طرفین تا دوازده سال از جانبین لازم الاجرا و ... ملحوظ خواهد بود
اما اگر یکسال پیش از انقضای این مدت مقرره هیچیک از دولتین متعاهدتین میل
خود را در تخفیف اجرای این عهدنامه بدولت دیگر اعلام نکرده باشند عهدنامه
حال برقرار خواهد ماند تا مدت یکسال بعد از تاریخ روزی که اظهار چنان اعلام بدولت دیگر
کرده اعلام مزبور ظهور نماید و وکلای مختار دولتین متعاهدتین متعهد گشته اند که تصدیق نامجات
پادشاهان ذیجاه خود را در پاریس یا در ... در مدت شش ماه مبادله نمایند و وکلای
مختار دولتین متعاهدتین این عهدنامه حاضره را امضا و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند
این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه در پاریس ... ماه ... قلمی
شد ۱۲۷۳ ... مطابق ... ۱۸۵۶

نیز بمبادله دولتین رسیده بود

۱۲۷۴

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و دانمارک در سنه

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم پادشاه با استقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت فردریک هفتم بلطف خدا پادشاه دانمارک و ...
و ... و ... دوک ... و ... و ... و لوانبورک و اولد
نبورک ... اراده ... عهدنامه ... روابط دوستی فیمابین دولتین
برقرار ... عهدنامه ... تجارت ... فیمابین دولتین

و اتحاد

و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تحقیق این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب
جلالتمآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر ایران صاحب نشان ... و
حمایل ... و دارای ... ماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه
دانمارک ... دو وزیر ... خود ... اعلیحضرت امپراطور فرانسه ...
ژان شارل و ... صاحب نشان بزرگ
دانبروک و نشان افتخار ... صاحب نشان بزرگ سنت ستانیسلاو روس و
... نشان ... بزرگ ... ژرژ روس و ...
و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه در پاریس مجتمع شدند
و اختیارنامه های خود را ... نمودند و مراتب ... فصول آتیه را
برقرار کردند

اول بعد الیوم فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت علیه دانمارک
و رعایای آن دولت دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

دوم سفرای کبار و وزرای مختار هر یک از دولتین متعاهدتین که آنها بدربار یکدیگر
مأمور و مقیم سازند ... در حق سفرای کبار و وزرای مختار دول
کاملة الوداد و اتباع ایشان معمول می شود ... در حق سفرای کبار
و وزرای مختار دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان احترامات
ملحوظ خواهد بود

سیم تبعه دولتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار ... و غیرهم که در مملکتین ...
... حمایت ... از جانب حکام و ولایات و وکلای طرفین عزت و ...

قادر اند بعینه خواهند کرد و به و در هر حال مثل که گرفته است از اتباع دول کاملة الوداد
منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و بالمعاوضه ... و حق
خواهند بود که هرگونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی
مملکت دیگر بیاورند و از ممالک همدیگر بیرون ببرند و بفروشند و معاوضه
نمایند و بهر جا از بلاد مملکتین که بخواهند حمل و نقل نمایند ولیکن این مقررات
در تجار طرفین و اقوام تجارت داخله مملکتین نمایند مطیع خواهند بود بقوانین آن مملکت
در باب تجارت مزبوره باشد

جهات کشتیهای تجارتی دو طرف که امتعه و اقمشه و اجناس در این معاهدتین بممالک همدیگر
نقل نمایند یا از ممالک همدیگر بیرون ببرند هرگونه که از تجار و اتباع دول کاملة
الوداد و از کشتیهای ایشان حین ورود و امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین
و حق عشور و رسوم از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و ...
جمیع امور در حق این معاهدتین مطالبه نخواهد شد

شرط در این معاهدتین بجهت حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم آوردن اسباب
حصول معاشرت دوستانه و علاقه فیمابین تبعه جانبین چنین مستحسن شد و بنا شد که
طرفین سر قونسول و قونسول برقرار کرده قونسولهای ایران در کپنهاگ و هیلسینگور ساکن
دانمارک و قونسولهای دولت دانمارک در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز و بندر
ابوشهر اقامت خواهند داشت قونسولهای مذکوره این معاهدتین بالسویه در داخل حقوق مملکتی
مملکتین از امتیازات و احترامات و معافاتی که در قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک
محروسه جانبین مخصوص است بالسویه بهره‌مند خواهند گردید ... قونسولهای

ایران

ایران و رعایای دولت دانمارک که در ممالک محروسه در حقیقه حمایت ... هستند که قونسولهای
دولتین معاهدتین در ممالک طرفین مشغول تجارت باشند مطیع خواهند بود بجهت قوانین و
رسوم ... رعایای دولت متبوعه ایشان که مشغول تجارت مزبوره می باشند مطیع
هستند

حکم این عهدنامه ... مدت ده سال با ملاحظه کامل ... دوستی و اتحاد فیمابین دولتین
ایران و دانمارک منعقد شد و بعد از انقضای ده سال از تاریخ روز مبادله امضانامجات
طرفین ... از جانبین ... و ... ملحوظ ... اگر یکسال
پیش از انقضای ... از این معاهدتین ... در توقیف اجرای
این عهدنامه ... دولت دیگر اعلام کرده باشد عهدنامه ... برقرار خواهد ماند
تا مدت یکسال از تاریخ اظهار چنان اعلام ... وکلای مختار
طرفین ... امضانامجات ... مدت یکسال ... هرگاه
... در پاریس ... وکلای مختار ... این معاهدتین این عهدنامه
... مرقوم و مختوم نموده‌اند این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه بتاریخ
سی ام شهر ربیع الاخر سنه ۱۲۷۴ ... مطابق ... ۱۸۵۷ عیسوی

تحریر یافت والسلام

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و سوید و نروژ در سنه ۱۲۷۳ ۱۸۵۷ عیسوی

بعون ایزد متعال ... پادشاه با استقلال اعظم و شهریار ... مستحق اکرم زیب
افزای سریر ... سلطنت و شهریاری ... عدل و انصاف

مهر طلعت جم‌جاه عدالت و انصاف‌دار دارای تاج و تخت دارای فر و بخت کیخسرو حشمت دارای دیهیم و نگین
حامی الاسلام والمسلمین ملک معدلت‌گستر عدل‌پرور رعیت‌پرور دارا شکوه کیوان مالک
الرقاب کل ممالک ایران موافق این مبارک سطور به هر کس بنمایانند و تصدیق داشته باشند
معلوم می‌نماییم در روز بیست و هفتم ربیع الاول سنه ۱۲۷۴ هجری در پاریس فیمابین امنای حضرت
همایون ما و اعلیحضرت پادشاه سوید و نروژ موافق اختیارنامه‌ها که در از طرفین داده شده
بود از جانب ما جناب جلالت‌مآب مقرب الخاقان فرخ خان امین‌الملک سفیر کبیر دولت
علیه ایران صاحب تصویر همایون و حمایل آبی و دارای کمر مکلل به الماس و غیره و غیره
و از جانب اعلیحضرت پادشاه سوید و نروژ سیر لوینا بارون مندرستروم صاحب جزو
وزیر مختار و ایلچی مخصوص خود صاحب نشان بزرگ ستاره قطب و صاحب نشان شارل
سیزدهم و نشان سن اولاف نروژ و صاحب نشان بزرگ لژیون دونور و دانبروگ
و غیره و غیره و غیره و مقیم دربار دولت فرانسه عهدنامه تجارت قرار داده شد که
مشتمل است بر فصول آتیه و کلمه به کلمه از این قرار است

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم و پادشاه بالاستقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت اوسکار اول پادشاه سوید و نروژ و گوت‌ها و وندال‌ها
هر دو علی‌السویه اراده و تمنای علاقه مودت و روابط دوستی فیمابین را برقرار و به واسطه
عهدنامه تجارتی که بالسویه نافع دولتین و تبعه طرفین باشد مودت و اتحاد فیمابین را
مستحکم سازند لهذا برای این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب جلالت‌مآب
مقرب الخاقان فرخ خان امین‌الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون
و حمایل آبی و دارای کمر مکلل به الماس و غیره و غیره و غیره و اعلیحضرت پادشاه سوید و نروژ جناب

بارون

بارون ماندرستروم صاحب جزو وزیر مختار و ایلچی مخصوص خود صاحب نشان بزرگ
ستاره قطب و صاحب نشان شارل سیزدهم و نشان سن اولاف نروژ و صاحب نشان
و صاحب نشان بزرگ لژیون دونور و دانبروگ و غیره و غیره و غیره را وکلای مختار خود
تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه در پاریس جمع شدند و اختیارنامه‌های خود را ملاحظه نمودند
و موافق ترتیب رسمی دیدند فصول آتیه را برقرار کردند

فصل اول — من‌بعد الی‌الابد فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت سوید
و نروژ و رعایای آن دولت دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

فصل دوم — سفرای کبار و وزرای مختار که هر یک از دولتین متعاهدتین بخواهند به دربار دیگری
مأمور و مقیم سازند همان رفتار و رسومی که معمول در حق سفرای کبار و وزرای مختار دول
کاملة الوداد و اتباع ایشان معمول می‌گردد نسبت به ایشان رفتار شده در حق سفرای
کبار و وزرای مختار دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و به همان امتیازات
محظوظ خواهند بود

فصل سیم — تبعه دولتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌ور و غیرهم که در ممالک یکدیگر
سیاحت و توقف نمایند بالسویه از جانب حکام و ولات و وکلای طرفین محترم
و حمایت کامل خواهند شد و در هر حال سلوکی که نسبت به اتباع دول کاملة الوداد
منظور می‌شود در حق ایشان نیز منظور خواهد بود و بالطرفین ... در حق ...
بوده هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی مملکت یکدیگر
بیاورند و از ممالک به ممالک دیگر ببرند و بفروشند و معاوضه نمایند و به هر جای
از بلاد ممالکین هر کجا بخواهند حمل و نقل نمایند ولکن این منظور است که تبعه طرفین ...

تجارت داخله مملکتی خواهند مطیع خواهند بود چنانچه تبعه آن مملکت در تجارت مزبوره
باشند

فصل چهارم کشتیهای تجارتی و هر گونه امتعه و اقمشه و اجناس طرفین معاهدتین بممالک همدیگر
نقل نمایند چه از ممالک دیگر بیرون برده و چه کرایه در ازای تجارت و اجناس دول کاملة
الوداد و از کشتیهای ایشان چنانچه وارده امتعه و محصولات ایشان بولایات طرفین معاهدتین داخل
خروج از ممالک طرفین [illegible] از ایشان [illegible] مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده بهیچ اسم
و رسم در طرفین معاهدتین مطالبه نخواهد شد

فصل پنجم طرفین معاهدتین بجهت حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن
اسباب حصول معاشرت دوستانه و علاقه فیمابین تبعه جانبین چنین اختیار نمودند
که از طرفین سه نفر قونسول بر قرار کرده و قونسولهای ایران در واشنگتن و نیویورک و
نیواورلئان مقیم خواهند بود و قونسولهای دولت ینگی دنیا در دار الخلافه طهران و دار السلطنه
تبریز و بندر ابوشهر اقامت خواهند داشت قونسولهای طرفین معاهدتین بالسویه در جمیع
[illegible] مملکتین از امتیازات و اعزازات و معافی که بقونسولهای دول کاملة
الوداد در ممالک محروسه جانبین حاصل است بهره یاب خواهند گردید ماموریت و نوکرهای ایلچی
و قونسولهای ایران رعایای دولت ینگی دنیا را [illegible] ظاهرا و در باطن حمایت نخواهند
کرد ماموریت و نوکرهای ایلچی و قونسولهای دولت ینگی دنیا رعایای دولت ایران را
ظاهرا و در خفیه حمایت نخواهند کرد و قونسولهای طرفین معاهدتین در ممالک طرفین
مشغول تجارت باشند مطیع خواهند بود چنانچه [illegible] رعایای دولت
[illegible] ایشان هم مشغول تجارت [illegible] باشند مطیع هستند

فصل ششم

فصل ششم این عهدنامه دوستی و تجارت را که بملاحظه کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین دولتین
محروسه ایران و دولت ینگی دنیا منعقد شده است [illegible] از تاریخ روز مبادله امضا
نوشته طرفین تا مدت ده سال از جانبین بصدق و دوستی مرعی و محفوظ خواهد بود و
اگر یک سال پیش از انقضای مدت مقرره هیچیک از طرفین معاهدتین میل خود را در توقیف
و اجرای این عهدنامه بدولت دیگر اعلام کرده باشد عهدنامه بحال برقرار
خواهد ماند تا مدت یک سال از تاریخ اظهار چنان اعلام از طرفین اعلام مزبور [illegible]
وکلای مختار طرفین متعهدین [illegible] واقف نامجات پادشاه ذیجاه خود را در مدت
یکسال [illegible] در اسلامبول مبادله نمایند وکلای
مختار طرفین معاهدتین این عهدنامه را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند این عهدنامه
در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه بتاریخ سیم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۷۳ هجریه مطابق
سیزدهم دسامبر سنه ۱۸۵۶ عیسویه تحریر یافت بنا علیه ما اعلیحضرت پادشاهی چون از مواد
کاغذ عهدنامه دوستی و تجارت مسطوره فوق را ملاحظه و تصدیق داشتیم بموجب این دستخط
[illegible] قبول و [illegible] تصدیق میفرمائیم و در کمال [illegible] و تکلیف
خود و اولاد خود [illegible] آنچه در این عهدنامه قرار داده شده
از جانب [illegible] معمول خواهد شد برای اعتبار [illegible] این تصدیق نامه را بخط
خود [illegible] بمهر دولت خود [illegible] مختوم شده بتاریخ شهر
[illegible] سنه ۱۲۷۳ هجری سال [illegible] سلطنت همایون ما
الواثق بالله الملک [illegible] السلطان [illegible] شاه قاجار

[illegible] جمادی الاولی ۱۲۷۳

[illegible]

صورت عهدنامه مبارکه که فیمابین دولت علیه ایران و یونان در اسلامبول
در سفارت سنیه واقعه در شهر اسلامبول بتاریخ بیست و چهارم شهر
ربیع الثانی سنه ۱۲۷۸ مطابق ۲۸ ماه اوکتبر امضا و انعقاد یافته

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اراده مقدس اعلیحضرت پادشاه والاستقلال اعظم و شهریار با استحقاق اکرم زیب افسر
زیب خلافت قاهره و زینت بخش اورنگ سلطنت و شهریاری رافع لوای عدل و انصاف
ماحی علایم جور و اعتساف داور تاج و تخت دارای فر و بخت مسکن اساس دین مبین کهف
ملاذ الاسلام و المسلمین ملک عدالت گستر جم رتبت بر دور افق ... کیوان مالک
بالوراثه کل ممالک ایران موافق امر مبارک سلطانی بر هر کس تبعه الیه داشته باشد
معلوم میگردد که بتاریخ بیست و چهارم شهر ربیع الاخر ۱۲۷۸ هزار و دویست و هفتاد و
هشت هجری مطابق ۲۸ ماه اوکتبر ۱۸۶۱ یکهزار و هشتصد و شصت و یک مسیحی در
اسلامبول فیمابین اعلیحضرت وکلاء اعلیحضرت پادشاه یونان موافق اختیارنامجات
صادر از جانب ملوکانه شده بود از جانب ما کمال قابلیت انتساب منفعت نگار قاآن میرزا
حسین خان ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود مأمور در دربار دولت علیه عثمانیه صاحب نشان
شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز و صاحب نشان درجه اول مجیدیه و صاحب
نشان درجه اول ملک شیر و خورشید و صاحب نشان درجه اول لیوپولد و صاحب
نشان سنت انا از درجه اول متمکن الماس و دارای کمر مرصع و غیره و غیره و غیره و از
جانب اعلیحضرت پادشاه یونان جناب ... مارک رنگیرو ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود
مأمور در دربار دولت عثمانیه صاحب نشان سنت ... از درجه ... و غیره و غیره و غیره

۸۴

عهدنامه تجارت قرارداد و منعقد شده است که مشتمل است بر فصول ذیل و کلمه بکلمه
از این قرار است

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم پادشاه والاستقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت اوتون اول پادشاه یونان ملک الحال بجانب هر دو
علی السویه ... مصالحه ... روابط فیمابین ... قرار داده و به استحکام
انعقاد یک عهدنامه دوستی و تجارت و ... ترجیح دارند
منعقد ... باشد صورت و ... استحکام ساخته ... این کار
اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران جناب فخامت نصاب منفعت نگار قاآن میرزا حسین خان
ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود مأمور در دربار دولت عثمانیه صاحب نشان شیر و خورشید
از درجه اول با حمایل سبز و صاحب نشان اول ... با حمایل مخصوص آنها
و صاحب نشان درجه اول مجیدیه و صاحب نشان درجه اول ملک شیر و خورشید
و صاحب نشان درجه اول لیوپولد و صاحب نشان سنت انا از درجه دوم متمکن
بالماس و دارای کمر مرصع و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه یونان جناب
... مارک رنگیرو ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود مأمور در دربار دولت عثمانیه صاحب
نشان سنت ... از درجه ... و غیره و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین کردند و
ایشان بعد از آنکه در اسلامبول مجتمع شدند و اختیارنامجات خود را ابراز نموده و موافق
ترتیب ... فصول ذیله را قرار گذاشتند

فصل اول من بعد فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت بهیه یونان و رعایای

از دولت متبوعه [illegible] و اتکال حکم بر قرار خواهد بود

فصل سیم سفرا و مامورین دیپلوماتیک هر یک از دولتین علیتین متعاهدتین هر بار دیگری که مامور و مقیم
مملکت دیگر شوند در مملکتین نسبت بایشان و اتباع سفارت ایشان همان [illegible] رفتار خواهد شد
که در حق سفرا و سایر مامورین دیپلوماتیک دول کامله الوداد میشود و در هر باب
از همان ترتیبات و معافات و امتیازات بهره یاب خواهند بود

فصل چهارم تبعه دولتین علیتین متعاهدتین هر طرف [illegible] خواهند بود که بآزادی تمام در ممالک
طرفین سیر و سیاحت نموده و از خاک یکی بممالک همجوار دیگری بروند با اینکه از مکانی که اهالی آن
دولتین باتباع ایشان تردد [illegible] را خواهند کرد و ایشان را از هر نوع حمایت
محفوظ خواهند داشت و [illegible] نسبت بایشان مراقبت نمایند و در حق ایشان قدر امکان
اظهار محبت کنند و در وقت سفر و سیاحت [illegible] ایشان وارد
نیاید و بجهت حصول این مقصود [illegible] برای ایشان [illegible]
خواهند شد

فصل پنجم رعایای دولتین علیتین از صنوف تجار و پیشه وران و سایرین هر برای مصالح
خود بممالک طرفین بروند از حین دخول تا وقت خروج نسبت بایشان همان رعایت
و رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کامله الوداد میشود بنابراین تبعه دولتین
علیتین متعاهدتین مامون خواهند بود که هم از راه خشکی و هم از راه دریا بآزادی تمام
امتعه ممالک یکدیگر را وارد و از مملکت همدیگر بیرون نموده در ولایات طرفین حمل
و نقل نمایند و در تمام وسعت مملکت طرفین موافق [illegible] و قوانین جاریه ولایات
طرفین تجارت کنند فابریکها و انبارها و دکاکین بجهة امور خود اجاره نمایند و از این

تا

بیع اموال و رسوم [illegible] ولایات مطالبه نخواهد شد که آنچه از رعایای دول کامله الوداد
مطالبه میشود و این مقرر است هر اختصاص و حق و امتیازی که دولتین علیتین متعاهدتین
بیک دولت ثالث بدهند همان اختصاص و حق و امتیاز نیز برعایای دولتین اعطا
خواهد شد بغیر از اختصاصات و امتیازاتی که از دولتین متعاهدتین بدولت ثالث
بنابر اطمینان [illegible] داده [illegible] و این نیز مقرر است که هر یک از دولتین
متعاهدتین [illegible] مستحق خواهد شد همان امتیازات [illegible]
شروط [illegible] دیگر باشد
رعایای دولتین علیتین متعاهدتین در مملکتین که بخواهند تجارت [illegible] در باب
تجارت [illegible] مطیع آن قوانین خواهند بود که [illegible] تجارت [illegible] منصبان
و مامورین [illegible] رعایای دول [illegible] ایران [illegible] و دکاکین [illegible]
که [illegible] ژاپان نخواهد شد در صورت لزوم [illegible] در هر جایی که مامور دیپلوماتیک
یا قونسول ژاپان باشد [illegible] از وقت اختیار [illegible] نیز از طرف
خود کمال [illegible] خواهش کارگزاران [illegible] خواهند کرد
تفتیش [illegible] در حضور [illegible] مامور یا قونسول [illegible]
تعیین کرده باشد در جایی که مامور یا قونسول ژاپان نباشد در این باب نسبت
[illegible] همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کامله الوداد میشود
در جایی که از دول [illegible] مامور یا قونسول نیست

فصل ششم رعایای دولت بهیه ژاپان در ممالک محروسه ایران [illegible]
[illegible] در باب حقوق گمرکی نسبت بایشان همان رفتار خواهد شد که نسبت

برعایای دول کاملة الوداد معمول میشود و همچنین رعایای دولت علیه ایران در ممالک ژاپن
امتعه میبرند یا از ممالک دیگر تا محلی که دایر است درباب حقوق گمرک و مالیات نسبت بآنها
همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد میشود

فصل ششم کشتیهای تجارتی هر یک از دولتین در بنادر ممالک دیگری داخل شده اقامت خواهند
کرد چه خالی و چه مملو از امتعه تجارت از زمان دخول تا وقت خروج بهره‌مند از
جمیع رعایات و امتیازات خواهند شد که حالیه داده شده یا بعدها داده شود بیش
از آنکه کشتیهای دول کاملة الوداد مطالبه میتوان نمود هرگاه امتعه و محصولات
بدون تعیین محل خروج و دخول امتعه در رابطه کشتیهای مطابق معاهده ... حمل و نقل
حمل شده و هرگاه از کشتیهای دول کاملة الوداد مطالبه در حین ورود
امتعه و محصولات بر ممالک جانبین و چه در محل خروج مطالبه میشود از ایشان
نیز مطالبه خواهد شد

فصل هفتم هرگاه کشتیهای دولت علیه ایران یا دولت بهیه ژاپن در بنادر و سواحل
ممالک جانبین غرق شوند معاونت [illegible] کشتیهای ... دول کاملة الوداد میشود
در حق ایشان نیز با همان ملاحظه خواهد شد

فصل هشتم بجهة حمایت تبعه و تجارت جانبین بجهة تخفیف مراودت حسنه ما بین
جانبین رعایای طرفین در لین معاهده ... خود حق را اختیار میکنند
هر یک سه نفر قونسول تعیین نمایند قونسولهای دولت علیه ایران در
... یکی از بنادر دیگر بنادر معین شود اقامت خواهند کرد و قونسولهای
دولت بهیه ژاپن در دارالخلافه طهران و دارالسلطنه تبریز و در یکی از بنادر خلیج فارس

در هر

در هر یک که معین شود اقامت خواهند کرد قونسولهای مملکتین چه شغلاً و چه برای اجرای
مأموریت و چه بطور خانه خود و چه بطور مأموریت و چه خدمه ایشان بهره‌یاب خواهند
بود از همان امتیازات و احترامات و حقوق قونسولهای هر رتبه و مأمورین تجارتی
دول کاملة الوداد که مرعی و معمول میشود در حالت ظهور اختلاف میان دولتین یا در موجب
استعمال قونسولها بجهت حفظ و حراست خانه قونسولگری لازم است حفظ را بایشان
بدهند مأمورین ... ممالک و قونسولهای ژاپن بنابه ... خفیه و ... در ...
هیچیک از تبعه دولت علیه ایران را در خدمت سفارت یا قونسول جنرال
یا قونسول و وکلای قونسول دولت ژاپن نباشد جلب کنند و این مقررات
هرگاه قونسول یا وکیل یا مأمور قونسول دولت بهیه ژاپن در ممالک محروسه
ایران مشغول تجارت شود درباب تجارت خود مطیع خواهد بود همان قوانین
و رسومی را در حق رعایای دولت متبوعه او جاری است سفرا و قونسولهای جانبین
مطابق معاهده ... خدمات خود مترجم و ... خانه و ملازم را اگر مناسب
دانستند نگاه خواهند داشت بدون تشخیص تبعیت ایشان هرگاه اتفاق افتد که یکی از
از آن اشخاص ... در خدمت ... مرتکب حرکات ناشایسته ...
و قونسولها ... در خدمت خود او را ... بجهة ... اظهار ... گذاران ...
او را از خدمت خود اخراج نماید ... ملازم ... از تبعه
آن دولت باشد

فصل نهم ترکه ... که در ممالک محروسه ایران از جانب
رعایای ژاپن یا تبعه ژاپن در رعایای ... در ممالک ژاپن از جانب

رعایای ایران با رعایای یونان و رعایای خارجه واقع شود قطع و فصل آن موافق
قواعد و رسومی که در ممالک یونانی در حق سایر رعایای دول کاملة الوداد منظور
و معمول است خواهد شد مرافعات و مباحثات و منازعاتی که در ممالک محروسه
ایران فیمابین رعایای ایران و رعایای یونان واقع شود رجوع به دیوانخانهٔ ایران
خواهد شد و امر قطع و فصل و حکم آن مباحثات در دیوانخانه جایز نخواهد بود مگر در
حضور و بودن قنسول یونان یا نایب او و در حضور یک مترجم یونانی و در
هر حال موافق آن رفتار و رسومی که در حق سایر دول کاملة الوداد معمول و مجری است
در باب جرایم کبیره هرگاه رعایای دولت بهیهٔ یونان در ممالک محروسهٔ ایران و یا
رعایای دولت علیهٔ ایران در ممالک یونان متهم گردند آن کیفیتی که در ممالک
جانبین موافق قواعد مقرره معموله در حق سایر رعایای دول کاملة الوداد در دیگر
رفتار می‌شود با ایشان نیز معمول و مرتب خواهد شد هرگاه امری از اتباع
دولتین در مملکتین محروستین وفات یابد متروکات او امانةً بالتمام به وکیل
یا قنسول دولت متبوعه جهت تسلیم خواهد شد تا آنها را به وراث او برساند
در مملکت متوفی چنانچه مشابه باید در این باب معمول دارد

فصل پنجم هرگاه فیمابین یکی از دولتین ساعیتین و یک دولت دیگر جنگ واقع شود
محض این سبب هیچ نوع خلل و فتور و تغییری به وداد و دوستی حالیه که فیمابین
دائماً ابدالدهر فیمابین دولتین علیتین ایران و یونان برقرار باشد نخواهد
رسید

فصل ششم این عهدنامه دوستی و تجارت که فیمابین بکمال صداقت و درستی فیمابین دولتین محروستین

ایران

ایران و یونان منعقده شده است معمول و فقط از تاریخ روز مبادله امضاجات تا
دوازده سال از جانبین بصدق و راستی مرعی و محفوظ خواهد بود اگر یکسال پیش
از انقضای موعد مقرره هیچیک از دولتین میل خود را در توقیف و اجرای این
عهدنامه به طرف دولت دیگر اعلام کرده باشد عهدنامه حاضره برقرار خواهد بود
تا مدت یکسال بعد از اظهار جانبین اعلام و فقط اعلام نزد وکلای مختار و وکلای
مختار دولتین ساعیتین متعهد می‌شوند امضاجات خود را در اسلامبول
در ظرف سه ماه یا کمتر اگر ممکن شود مبادله نمایند وکلای مختار دولتین
معاهدتین این عهدنامه مبارکه حاضره را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند
این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه در تاریخ بیست و چهارم شهر ربیع الاول
یکهزار و دویست و هفتاد و هشت هجری مطابق شانزدهم ماه اوکتبر یکهزار و هشتصد
و شصت و یک مسیحی در اسلامبول نوشته شد

بنا علیه ما اعلیحضرت شاهنشاهی بعد از ملاحظه کلمه بکلمه عهدنامه دوستی و تجارت مسطوره
فوق را امضا و تصدیق داشتیم جزء بجزء مواد این سطور مسطوره قبول و ممضی
و تصدیق می‌فرماییم و در کمال میل و اطمینان قبول و مکانه ما از برای خود و اخلاف
و مستمر فرماییم که آنچه در این عهدنامه قرار داده شده از جانب اولاد و اخلاف
معمول خواهد شد و از برای اعتبار آن ما این تصدیقنامه را بخط خودمان مزین
نموده و حکم فرموده‌ایم که بمهر دولت خودمان مختوم شده بتاریخ بیست و ششم شهر جمادی الاخری
یکهزار و دویست و هفتاد و هشت هجری سال چهاردهم سلطنت ما

الواثق بالله الملک القهار السلطان ناصرالدین شاه قاجار

تحریر ۱۲۷۸ ... در طهران

محل مهر مبارک

میرزا سعید خان وزیر امور خارجه
دولت علیه ایران

محل مهر

با صاحبان امضا رسیده دارای اختیارنامه‌های دولتین متبوعه خود در خصوص
مذاکره و امضا نمودن یک عهدنامه دوستی و تجارت و کشتی‌رانی مابین دولتین
علیتین ایران و ایتالیا بالسویه در باب معنی و مفهوم جزو ششم فصل هشتم عهدنامه
امضا شده امروز متفق الرأی بوده‌اند که جزو [illegible] هیچ قسم وزرا و
قونسول جنرالها و [illegible] قونسولها و [illegible] دیگر از دولتین
متعاهدتین حق حمایت نخواهند داد در رعایای طرف دیگر را مثل نوکر خود
که بعد و پیش از آنکه عهدنامه حالیه [illegible] اعطا کرده اند
تصاحب نمایند که معنای جزو [illegible] امضا شده است و وزرای مختار
اظهار انتظار دولت متبوعه طرفین خود خواهند [illegible] نمایند تا اینکه به واسطه
[illegible] این معنی در بیان
اصل عهدنامه امروز امضا شده مندرج شود [illegible] شرطنامه حاضره
در دو نسخه در اسلامبول به زبان فرانسه در شانزدهم ماه اوکتبر یکهزار و هشتصد و
شصت و یک مسیحی مطابق [illegible] شهر ربیع الآخر یکهزار و
دویست و هفتاد و هشت هجری ۱۲۷۸

سواد عهدنامه فارسی است که فیمابین دولت علیه ایران و دولت
ایتالیا منعقد شده است

بسم الله الرحمن الرحیم

بعون الله تعالی پادشاه [illegible] اعظم و شهریار [illegible] الاستحقاق اکرم
زینت افزای سریر خلافت [illegible] که سلطنت و شهریاری [illegible]

عدل

عدل و انصاف ناصر [illegible] جمشید [illegible] داور تاج و تخت دارای فر و بخت
[illegible] ملاذ الاسلام و المسلمین [illegible]
[illegible] ملک الدین [illegible] ایران [illegible] این مبارک
[illegible] میرزا [illegible]
ربیع الثانی سنه هزار و دویست و هفتاد و نه هجری در دار الخلافه طهران فیمابین
اعلیحضرت [illegible] و اعلیحضرت پادشاه ایتالیا موافق اختیارنامه‌ها [illegible]
داده شده [illegible] از جانب [illegible] جناب جلالت‌مآب میرزا سعید خان وزیر امور
دول خارجه مؤتمن السلطنه صاحب تصویر [illegible] مرصع با الماس و دارای [illegible]
و [illegible] با الماس و صاحب حمایل [illegible] اول تاج [illegible] و نشان اول [illegible]
[illegible] و نشان اول [illegible] و نشان [illegible] و نشان اول
[illegible] از مرتبه اول و نشان [illegible]
فرانسه [illegible] و از جانب اعلیحضرت پادشاه ایتالیا [illegible]
[illegible] صاحب نشان [illegible]
[illegible] صاحب نشان [illegible] از مرتبه [illegible] و نشان [illegible]
[illegible] و نشان [illegible] از [illegible] فرانسه [illegible]

[illegible] قرار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون پادشاه اعظم و شاهنشاه
بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا هر دو بالسویه اراده
و نیت بر ملاحظه دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و بواسطه عهدنامه دوستی
و تجارت که بالسویه نافع و سودمند شده دولتین خواهد بود مودت و اتحاد جانبین را
مستحکم سازند برای انجام این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب جلالتمآب میرزا
سعید خان وزیر امور دول خارجه مؤتمن السلطان صاحب نشان همایون مرصع
الماس و دارای شرابه و حمایل مکلل بالماس و صاحب حمایل سرخ و نشان اول
اول تاج آهن و نشان اول لیوپلد بلجیک و نشان اول دانبروغ دانمارک و نشان
اول پولر سوئد و نشان اول مجیدیه عثمانیه و سنت آنای روسیه از مرتبه اول
و نشان حمایل لژیون دونور فرانسه و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا
موسیو مرچلو چروتی وزیر مختار و ایلچی مخصوص صاحب نشان کماندور از نشان
شاهانه سن موریس و لازار صاحب نشان مجیدیه عثمانیه از مرتبه دویم و نشان
کماندوری از دولت یونان و نشان چهارم از لژیون دونور فرانسه و غیره
و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین کرده و ایشان بعد از آنکه در دار
الخلافه طهران مجتمع شده و اختیارنامهای خود را مبادله نمودند و موافق قاعده
و شایسته دیدند فصول ذیل را برقرار نمودند

اول فیمابین دولت علیه ایران و دولت ایطالیا و رعایای آنها دوستی صادق
و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

دویم سفرا و وزرای مختار که هریک از دولتین متعاهدتین بخواهند به پایتخت دیگر
مأمور و مقیم سازند همان رفتار و رسوم که در حق سفرای کبار و وزرای مختار دولتین
متعاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات ملحوظ خواهد بود

سیم تبعه دولتین علیتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار
و پیشه وران و غیرهم در ممالک محروسه یکدیگر بسیاحت و تردد نمایند بالسویه از جانب
حکام و ولایات و وکلای طرفین بعزت و حمایت و رعایت کامله بهره مند خواهند گردید
و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول کاملة الوداد منظور میشود در حق ایشان
نیز منظور خواهد شد و با امتعه و اموال و در حق لوازم مرکبه امتعه و اشیا
و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت
یکدیگر بیرون ببرند بفروشند و باید معامله نمایند و هر جائی از بلاد ممالک محروسه
محل نقل نمایند و بکمال آسودگی بتجارت طرفین در اقدام بتجارت
داشته ممالک نمایند مطیع قوانین آن جاها و محل تجارت مزبوره باشند خواهند
بود

چهارم هر گونه امتعه و اشیا از اتباع دولتین علیتین متعاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند
چه از مملکت یکدیگر بیرون ببرند و چه بمملکت یکدیگر بیاورند از اتباع دول کاملة الوداد
معمول در ورود امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین و حین خروج از ممالک
مطالبه میگردد از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و رسم علیحده بهیچ اسم و رسم در
دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد

پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت بهیه ایطالیا مرافعه یا مباحثه

رجوع به طرف گفتگو و اجرای عدالت آن با تمام تعهد وکیل یا قونسول دولت ایطالیا
است اگر توقف در وجود مکان این مرافعه و مباحثه و منازعه مقیم باشد
و الّا در مملکت او اقرب مکان از بود است خواهد بود وکیل یا قونسول مزبور حق
این گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در مملکت ایطالیا خواهد کرد هرگاه مرافعه
یا مباحثه یا منازعه فیما بین تبعه دولت بهیه ایطالیا و اتباع دولت علیه در مملکت
ایران حادث گردد در این صورت وکیل یا قونسول دولت بهیه ایطالیا یا مقیم باشد
مخالفت به مبین و تفحیص و ترفیق و اجرای حکم عدل و انصاف در محکمه دولت
علیه ایران هرجا که به طرف دیگر از امورات است با حضور احدی از جانب
وکیل یا قونسول دولت مزبور یا خواهد شد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه
در مملکت ایران فیما بین اتباع دولت ایطالیا و تبعه سایر دول خارجه واقع شود
تحقیق و اجرای حکم آن به عهده وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود که گفتگو
و منازعات فیما بین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت بهیه ایطالیا و تبعه
سایر دول خارجه در ممالک محروسه ایطالیا اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن
نیز خواهد بود با اتباع دول کامله الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرتب میشود
تبعه دولت علیه ایران در ممالک ایطالیا یا اتباع دولت ایطالیا در ممالک ایران
اگر متهم به گناه یا جرم گردند تنبیه و در مملکتین مزبورتین با اتباع دول کامله الوداد رفتار
میشود با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد
ششم هرگاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین وفات یابد ترکه او به قونسول یا
قونسول دولت متبوعه او با تمام تسلیم اقوام و وارث و صاحبان حقوق او خواهد شد

در صورتیکه

در صورتیکه شخص متوفی را وصی یا وارث شرعی نباشد ترکات او در مملکتین امانةً
به وکیل یا قونسول دولت متبوعه تسلیم میشود تا آنها را به ارباب ارث و ادای قروض متوفی به مدعیان ملک
به عهده ... است بر وفق قوانین متداوله در مملکت خود چنانکه شایسته است دولتین
معمول دارد
هفتم دولتین متعاهدتین بجهة حمایت اتباع و تقویت امر تجارت و فراهم نمودن
اسباب حصول معاشرت دوستانه و عادلانه فیما بین تبعه جانبین چنین استحسان
نمودند هر دو از طرفین سه نفر قونسول برقرار گردد قونسولهای دولت ایران
در دارالسلطنه طهران و شهر ونیز و کالیاری توقف خواهند داشت و قونسولهای
دولت ایطالیا در دارالخلافه طهران و بندر ابوشهر و دارالسلطنه تبریز مقیم خواهند
بود این قونسولهای دولتین متعاهدتین با سایر در محل متوقف بودنشان در مملکتین از امتیازات
و امتیازات و معافاتی که قونسولهای دول کامله الوداد در ممالک محروسه جانبین
محفوظ بهره‌یاب خواهند گردید و هر دو ... ملک و قونسولهای ایطالیا
رعایای دولت ایران را نه در ظاهر و نه در حقیقه حمایت نخواهند کرد و همچنین
دیپلوماتیک و قونسولهای ایران رعایای دولت بهیه ایطالیا را نه در ظاهر و نه
در حقیقه حمایت نخواهند کرد قونسولهای دولتین متعاهدتین در مملکتین طرفین مشغول
تجارت نمی‌توانند شد ... خواهند بود به ایشان قوانین ... رعایای دولتین ...
ایشان که مشغول تجارت ... باشند ...
خاتمه این عهدنامه دوستی و تجارت که ... حفظ کمال صداقت و دوستی و اتحاد
فیما بین دولتین علیتین ایران و ایطالیا منعقد شده است ...

روز بعد از مبادلهٔ تصدیق‌نامجات طرفین تا ده سال از جانبین بصدق و درستی
مرعی و محفوظ خواهد بود اما اگر یک سال پیش از انقضای این مدت معین هیچیک
از دولتین معاهدتین میل خود را در توقیف اجرای این عهدنامه رسما به دولت
دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه حال برقرار خواهد ماند تا مدت یک سال بعد از
تاریخ روز اعلام فسخ آن اعلام هر وقت که اعلام شود از طرف رسمیه وکلای مختار
دولتین معاهدتین متعهد گشتند که این تصدیق‌نامجات پادشاه ذیجاه خود را در پاریس
در ظرف شش ماه یا کمتر اگر ممکن شود مبادله نمایند وکلای مختار دولتین
معاهدتین این عهدنامه مبارکه را امضا و با مهر خود مهر نموده و مختوم
نموده‌اند این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه در دار الخلافه طهران بتاریخ
بیست و نهم شهر ربیع الاول سنه هزار و دویست و هفتاد و نه هجری ۱۲۷۹
مطابق بیست و چهارم ماه سپتامبر سنه هزار و هشتصد و شصت و دو عیسوی تحریر
شد

فصل ملحقه

اول اولیای دولت اعلیحضرت شاهنشاه ممالک محروسه ایران قرار می‌گذارند
که الی مدت چهار سال رعایای ایران از فروش پیله ابریشم و تخم و
تجار ایطالیا را از طهران مرخص باشند بشرط آنکه وجه صدور گمرک آنها به دولت
علیه ایران باز گمرک عاید شود

دوم اگر در وقتی فیمابین باشد بین گمرک دولت علیه ایران و تجار ایطالیا
از محاسبات بروز نماید و باب حساب گمرک با حقه اتفاق افتد در آن صورت چون
تخم ابریشم بیشتر جزو جنس دیگر تلف می‌شود و باید بطرف فروش برود تجار گمرک بر حسب

وسط

وسط یا بعد از وقوع از خارج بردن تخم ابریشم بنا به ترک شود که در آن
حالت تقضیات نامه منضبط عمال تاجره طرف مباحثه است در عوض آن قدر
تخم و مواد ... اختلاف گشته‌اند در خصوص آن مباحثه واقعه در دار الخلافه
طهران فیمابین اولیای دولت علیه و اجزای سفارت اعلیحضرت پادشاه ایطالیا
موافق قاعده حکم جاری شود و معین است که داوهای ایرانیان تجار مزبور تا رفع
قضایای محاکمه خواهد بود

سیم اولیای دولت علیه ایران اذن می‌دهند که در سه جای مملکت که محل تجارت
و آن عبارت از تبریز و بوشهر و رشت می‌باشد قونسول یا وکیل قونسول منصوب
نماید و مثل قونسولهای دول کامله الوداد از امتیازات بهیه دارا باشند و دولت
ایطالیا هم ملتزم است که بعد در عهدنامه در هر جا از بلاد خود که دولت ایران
بعد تجارت مناسب داند اجازه خواهد داد قونسول ایران توقف نماید

چهارم این فقرات ملحقه در امور و امتیاز است جزو کل از عمال عهدنامه
و دارای تعیین کمال عهدنامه خواهد بود الا چهار سال در فقره اول نوشته شده است
در دار الخلافه طهران بتاریخ امروز بیست و نهم سپتامبر هزار و هشتصد و شصت و دو
عیسوی مطابق چهارم شهر ربیع الثانی هزار و دویست و هفتاد و نه هجری سنه ۱۲۷۹

بنا برعهده اعلیحضرت پادشاهی که بعد از ملاحظه کامله عهدنامه مرتبه تجارتی مسطوره
فوق را امضا و تصدیق داشتیم بموجب موافق این سطر رعیت قبول و معتبر
و تصدیق نمائیم و ... و قبول کامله از ارباب ... داخله

و معاهده فرمائیم که آنچه در این عهدنامه را بدستخط همایون مزین نموده حکم فرمودیم
که بمهر دولت جاودان مختوم سازند تاریخ یازدهم ربیع الثانی هزار و دویست و هفتاد
و نه سال یازدهم سلطنت ما
۱۸۶۲ مسیحی

محل دستخط همایون

الواثق بالله الملک القهار السلطان ناصرالدین شاه قاجار

محل مهر مبارک

محل امضای وزیر امور خارجه

میرزا سعید خان وزیر امور خارجه دولت علیه ایران

محل مهر

امضاکنندگان این ورقه وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت شاهنشاه ایران
و وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه ایطالیا مقیم دربار اعلیحضرت
امپراطور فرانسه از جانب دولتین متبوعتین خود مأموریت داشتند که عهدنامه
دوستی و تجارتی منعقد در دارالسلطنه طهران مورخه بیست و هفتم ربیع الاول
هزار و دویست و هفتاد و نه هجری مطابق بیست و چهارم سپتامبر هزار و هشتصد و
شصت و دو مسیحی را که فیمابین دولتین ایران و ایطالیا بفارسی و فرانسوی
به امضای اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا رسیده بود
مبادله نمایند لهذا در پاریس جمع شده بعد از آنکه مضمون فارسی و فرانسوی
نسختین را موافق و مطابق یافتند عهدنامه های امضا شده را باتفاق نسخ اولی
مبادله کردند بتاریخ یوم دوشنبه بیست و دوم شهر جمادی الاخری سنه هزار و دویست

و هفتاد

و هفتاد و نه هجری مطابق یازدهم دسامبر هزار و هشتصد و شصت و دو مسیحی
در پاریس

محل امضای حسن علی خان   محل امضای نیگرا

هو

صورت قرارنامه تلغرافیه منعقده مابین دولتین ایران
و عثمانیه فی شهر جمادی الثانیه ۱۲۸۰

بسبب تحریر وثیقه و باعث نظر شفقه آن است که چون دولتین علیتین ایران
و عثمانیه بجهت حصول مخابرات و توسیع روابط ملکیه طالب بستن که خطوط
تلغراف خود را از طرفی ممالک عثمانیه و تا بفرنگستان و از طرف دیگر
ممالک ایران و هندوستان اتصال بدهند لهذا بجهت انعقاد و امضای چنان
قرارنامه از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت پادشاهی امضا کننده در ذیل
این سند عمده درگاه جهان پناه میرزا حسین خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه
ایران در اسلامبول حامل نشان تمثال همایون پادشاهی مکلل بالماس و نشان شیر
و خورشید از درجه اول با حمایل سبز و دارای نشان مجیدیه از درجه اول
و نشانهای سایر دول و از طرف اشرف حضرت سلطانیه السنیه عمده این عالی
پاشا ناظر امور خارجه حامل نشان مرصع عثمانیه و نشان مجیدیه از درجه اول
و نشانهای امتیاز و دارای نشان شیر و خورشید از رتبه اول با حمایل
آبی و نشانهای سایر دول وکلای مختار معین شده اختیارنامه های خود را
بیکدیگر ابراز و مطابق قواعد جاریه یافته فقرات ذیل را در مواد ده فصل

قرار داده شد

فقره اول دولت علیه ایران متعهد می‌نماید که از خطوط تلغراف خود را امتداد
بدهد الی یک نقطه سرحد عثمانی و دولت علیه عثمانی نیز متعهد می‌شود که از خط
تلغراف اسلامبول و بغداد یک شعبه [illegible] بکشد الی نقطه مزبوره سرحد و در آن نقطه
خطوط تلغراف دولتین بهم اتصال یابد

فقره دویم نقطه اتصال خطوط تلغراف دولتین علیتین بتصدیق طرفین در بندر خانقین
در سرحد ایران و عثمانی واقع است معین شده است و لکن این نیز مقرر است
که دولتین علیتین بجهت تسهیل و توسیع مراودات تلغرافیه خودشان هر وقت
و در هر نقطه سرحد خود که لازم بشمارند خطوط تلغراف خود را باهم
اتصال خواهند داد

فقره سیم دولت علیه عثمانی تعهد می‌نماید جمیع تحریرات تلغرافیه که از ممالک ایران
یا از ممالک خارجه که با دولت علیه ایران ارتباط تلغرافیه داشته باشند
بجهت ممالک عثمانی یا آن ممالک خارجه که با دولت علیه عثمانی ارتباط تلغرافیه
داشته باشند حامل بشود بدون مضایقه قبول و عبور بدهد و همچنین مقرر است که
دولت علیه ایران جمیع تحریرات تلغرافیه که از ممالک عثمانی یا ممالکی که با دولت
علیه عثمانی ارتباط تلغرافیه دارند بجهت ایران یا ممالک خارجه که دولت علیه
ایران با آنها ارتباط تلغرافی دارد حامل بشود بدون مضایقه قبول و عبور بدهد
تحریرات تلغرافیه ایران در ممالک عثمانی و تحریرات تلغرافیه عثمانی در ممالک
ایران از حالا [illegible] بعین تحریرات تلغرافیه داخله طرفین [illegible]

تلغرافیه

تلغرافیه دول خارجه در ممالک جانبین متمایز و مختلف هستند بهره‌مند خواهند
بود

فقره چهارم دولتین علیتین ایران و عثمانی تعهد می‌کنند که بجهت ارسال تحریرات
تلغرافیه خود جمیع آلات موثره سرعت و صحت که حال در ممالک دول یوروپ
معمول است استعمال نمایند و نیز دولتین علیتین اعلام می‌دارند که در خصوص کل شرایط
و عملیات ارسال تحریرات تلغرافیه قرارنامه بروکسل را حتی الامکان بین قرارنامه مشارالیها
بالاتفاق تصدیق و قبول نمایند

فقره پنجم تحریرات تلغرافیه که از خطوط دولتین علیتین نسبت بیکدیگر صدور و وصول
یابند منقسم به دو صنف خواهند بود

صنف اول مشتمل خواهد بود از آن تحریرات که از ایران بجهت ممالک عثمانی یا از ممالک
عثمانی بجهت ایران ارسال می‌دارند

صنف دویم مشتمل خواهد بود از آن تحریرات که از ممالک خارجه یا از ممالک طرفین
بممالک جانبین ارسال می‌دارند و مقاصد آنها خارج از ممالک دولتین باشد

فقره ششم نرخ تحریرات صنف اول در ممالک
دولتین از [illegible] گرفته تا مقصد فرسخی سی پاره با اینکه [illegible] بیست و با کلمه
بود در ممالک طرفین برای هر تحریر تلغرافیه مرکب بیش از بیست کلمه با کثر رسوم
معینه فوق جاری خواهد بود و از هر تحریر متجاوز از بیست کلمه باشد علاوه بر رسوم
فوق از برای هر ده کلمه متجاوز از برای کسور این عدد ده علاوه‌اش گرفته
خواهد شد

فقره هفتم طرز مخابره تحریرات صنف دویم از روی قرارنامه بروکسل که بین قرارنامه
حاضره ملحق شده معین خواهد شد باستثنای مسافات خطوط ممالک ایران و عثمانی
اسیا که تابع رسوم فقره فوق خواهد بود بنابراین قرار رسوم تحریرات صنف دویم
مرکب خواهد بود از رسوم ایران و عثمانی از اول منازل ایران الی اسلامبول
دو صاحبقران و ده غروش حساب خواهد شد و از رسوم فرنگستان که از اسلامبول
تا منتهای فرنگستان حساب خواهد شد همین طرز رسوم نیز در باب مراسلات ممالک
عثمانی ممالک ایشان معمول و مجری خواهد بود

فقره هشتم دولتین علیتین متعهد میشوند که جمیع تحریرات تلغرافیه عثمانی که در ایران
یا بر ممالک اسیا که در دریا از ممالک مزبوره بفرنگستان ارسال شود به قسمت مساوی
منقسم نمایند که قسمت ازان از خط تلغراف خانقین و ایران و قسمت دیگر را از خط
بغداد و بصره عبور بدهند

فقره نهم تحریرات تلغرافیه فیمابین ممالک ایران و عثمانی بزبان فارسی و ترکی و انگلیس
و فرانسه خواهد بود

فقره دهم کارگزاران تلغراف دولتین علیتین صورت حساب فیمابین را در اخر
هر ماه با یکدیگر مبادله خواهند نمود و در اخر هر شش ماه حساب و مطالبات طرفین تسویه
تفریغ و کارسازی خواهند کرد مطالبات و مبادله وجوه از این قرار خواهد بود
صاحبقران معادل پنج غروش پنج غروش قران معادل پنجاه غروش فرانک معادل
چهار غروش و نیم غروش معادل [illegible]

فقره یازدهم عهدنامه حاضره بعد از چهار ماه یا اگر ممکن شود زودتر اجرای کامل خواهد رفت

واز تا

و از تاریخ مبادله تصدیقنامجات الی ده سال برقرار خواهد ماند

فقره دوازدهم این عهدنامه حاضره از جانبین دولتین علیتین تصدیق خواهد شد و تصدیق
نامجات طرفین از تاریخ امروز الی شش ماه دیگر یا اگر ممکن باشد زودتر در اسلامبول
مبادله خواهد گردید

خاتمه این دوازده فقره که در فوق مندرج است با شرط و مقرر شده است استناد الی
الملک السلام در مدت معینه فوق بواسطه مبادله تصدیق نامجات طرفین حسن
اختتام خواهد پذیرفت وکلای مختاره دولتین علیتین بجهة قبول فصول مسطوره در فوق
این قرارنامه را ممضی و بمهر خود مزین ساختند تحریراً فی ۸ شهر [illegible]

۱۲۸۰ — ۳ [illegible] ۱۸۶[illegible] مسیحی

وزیر مختار دولت علیه ایران — ناظر امور خارجه دولت علیه عثمانیه

محسن — عالی

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دول خمسه در سال در پاریس ۱۲۷۲ هجری مطابق ۱۸۵۶ مسیحی

بنام خداوند قادر اعلیحضرتان امپراطور کل ممالک روسیه و امپراطور فرانسه
و ملکه مملکت متحده انگلیس و پادشاه ساردینی و سلطان ممالک عثمانیه بعد از متفق شدن
بر اینکه اسباب نفع عامه سوا گردیده و ملل خارجیه را فرح [illegible]
لذلک از برای استحکام قوام بنای جمیع صلح عامه با اتفاق اعلیحضرت
امپراطور اوتریش مستقل بودن و در صورت اجمعیه ممالک عثمانیه را منظور

داشته شرائط وافیه‌ده ایجاب ایدن حقوق خداداد و واجب الاحترام اعلیحضرت سلطانیه
هر بری از جانب خود اشخاص ذیل الاسامی‌یی مامور بیورمشلردر

(الکسانده نیقولاویچ)
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه اجودان مخصوص خود الکسی کونت اورلوف
ده جنرال یاوران نظامی و عضو شورای مجلس مملکتی ایله اتفاقا مسیو فیلیپ بارون دو
برونوف مستشار خاص و ایلچی کبیر ده دیار ایالات جرمانیا و دی حضرت قرالیه
... از جانب حضوره مامور بیورمشلر

(فرانسوا ژوزیف)
اعلیحضرت امپراطور اوتریش شارل فردیناند کونت بول شاونشتاین
مستشار خاص و وزیر دربار و وزیر امور دول خارجیه حضورلری و رئیس
مجلس وزرا وغیره‌لری ایله اتفاقا مسیو ژوزف الکسندر بارون دو هوبنر مستشار خاص
و سفیر مخصوص حضوره در دربار فرانسه از جانب حضوره مامور بیورلمش

(ناپلیون ثالث)
اعلیحضرت امپراطور فرانسه مسیو الکسندر کونت کولونا والوسکی سناتور مملکت
و وزیر امور خارجه حضورلری ایله اتفاقا مسیو فرانسوا ادولف بارون دو بورکنه
ایلچی کبیر حضوره در دربار باب عالی از جانب حضوره مامور بیورلمش

(ویکتوریا)
علیاحضرت ملکه انگلیس عزیزالقدره جورج ویلیام فردریک کونت کلارندون
بارون هاید دو هیندون پر مملکت متحده انگلیس مستشار علیاحضرت ملوکانه
در شورای خاص ناظر امورات خارجه ایله اتفاقا عزیزالقدر هنری ریچارد شارل
بارون کاولی پر مملکت انگلیس مستشار شورای مخصوص و ایلچی کبیر خاص در دربار فرانسه
از جانب حضوره مامور بیورلمش

(گیوم رابع)
اعلیحضرت پادشاه پروسیا مسیو اوتو تئودور بارون مانتوفل رئیس شورای وزرا

دووزیر

و وزیر امورات خارجیه حضورلری ایله اتفاقا مسیو ... هاتزفلد ... ایلچی
کبیر حضوره در دربار فرانسه از جانب حضوره مامور بیورلمش

(سلطان عبدالمجید)
اعلیحضرت سلطان ممالک عثمانیه محمد امین عالی پاشا وزیر اعظم حضورلری ایله اتفاقا
محمد جمیل بک ایلچی کبیر حضوره در دربار فرانسه از جانب حضوره مامور بیورلمش

وکلای مختاره دول مزبوره در مجلس پاریس جمع شدند چون گزارش و خواهش وقت
مائی در میان دول سلطنتی برقرار شد اعلیحضرتان امپراطور کل ممالک روسیه
و امپراطور فرانسه و امپراطور اوتریش و ملکه مملکت متحده انگلیس و پادشاه ساردونیا
و سلطان مملکت عثمانیه ملاحظه نمودند که برابر ... و اعلیحضرت پادشاه پروسیا
مطابق قرارداد نامه مورخ سیزدهم ماه ژوئیه سنه ۱۸۴۱ عیسویه مطابق سنه ۱۲۵۷ هجریه
استقرار یافته بود لازم ... قرارداد جدید ... شود

چون واسطه ... قدرت ... داشت لهذا باید تفتیش
نزد ... مامور مختار مجلس پاریس روانه نماید لهذا اولکی ... مسیو اوتو
تئودور بارون مانتوفل رئیس شورت خانه و وزیر امور خارجیه و غیره
حضوره را با اتفاق مسیو ... فردریک شارل فرانسوا کونت هاتزفلد و لدنبورغ
مستشار خاص و ایلچی کبیر حضوره در دربار فرانسه وغیره از جانب حضوره
مامور بیورلمش

مامورین و وکلای مختاره مرقومه بعد از ابراز و مبادله نمودن اختیارنامه‌ها
مواد ذیل را قرار دادند

ماده اول از تاریخ مبادله و تصدیق ... عهدنامه عامه ... حضرت

امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت امپراطور فرانسه و علیاحضرت ملکه مملکت متحده
انگلیس و اعلیحضرت پادشاه ساردن و اعلیحضرت سلطان ممالک عثمانیه و نیز مابین
وارثان و ولیعهدان ایشان و دولت و ملت ایشان دائمی و برقرار خواهد
ماند

دوم قرار اینکه مصالحه فیمابین اعلیحضرتان سلاطین یک بیک و خوش نیت قرار شد
اماکن و اراضی در تصرف لشکر طرفین در هنگام جنگ [illegible] از طرفین تخلیه خواهد شد
و در این باب قرار معین داده خواهد شد

سیم امپراطور کل ممالک روسیه رد نمودن شهر و ارک قارص و سایر اراضی مملکت
عثمانیه که در تصرف لشکر روسیه است با اعلیحضرت سلطان عثمانیه متعهد می‌باشد

چهارم اعلیحضرتان امپراطور فرانسه و ملکه مملکت متحده
انگلیس و پادشاه ساردن و سلطان دولت عثمانیه با امپراطور کل ممالک روسیه رد نمودن
شهرها و بنادر سباستاپول و بالاکلاوا و کامیش و اوپاتوریا و کرچ و ینی‌کاله
قلعه کلبرن و همچنین سایر اراضی که در تصرف عساکر دول متحده است متعهد
می‌نمایند

پنجم اعلیحضرتان پادشاهان دول متحده اهالی طرفین را در میان جنگ جانبداری
و امداد دشمن کرده بودند از طرفین معاف می‌دارند

ششم اسرای در میان جنگ [illegible] دیگر فورا [illegible] طرفین
رد می‌شود

هفتم اعلیحضرتان پادشاهان دول متحده اقرار می‌نمایند که باب عالی اهل منافع

حق

حق الناس معاهده اتفاق اهل فرنگ شماره نمایند بنابراین سلاطین مذکوره متعهد می‌شوند
که هر یک از جانب خود حرمت و در حالت اصلیه باقی ماندن مملکت عثمانیه را
منظور دارند و به اتفاق ضمانت نموده و تعهد می‌کنند که حرمت و استحکام
تمام نگاه دارند و هر نوع خلاف که در منافع عامه در این باب نظر از ضرر محسوب
بگیرد

هشتم هرگاه فیمابین باب عالی و دول متعاقده در عهد که در این معاهده واقع شوند
خصومت واقع گردد لازم است که باب عالی با یکی از دول مذکوره قبل از اقدام
به قوه لشکریه دول متعاقده دیگر را اعلام نماید و واسطه شده به خلاف
منع آیند

نهم اعلیحضرت سلطان نظر به [illegible] فرمان عالی
ظاهر نموده امرا از اهالی بدون مذهب و ملت و عقیده و هر باشد فرقه را
خواسته باشند خاصه در باب [illegible] ملاحظه و وقت در این باب
رعایت خواهد داشت و بنا به ثبات دول مذکوره هر یک از دول مذکوره
فرمان مرقوم را ملاحظه دول اروپا نظر به [illegible] فرمان سلطان را
اتفاق با اتفاق [illegible] در امور ملکیه و امورات داخله سلطانی
مداخله کرد

دهم قرارنامه در بیستم ماه ژوئیه سنه ۱۸۴۱ مسیحی با قاعده و رسم قدیم سلطنت
قدیم عثمانیه منعقد شد در باب داخل شدن کشتیهای جنگی دول خارجه به خلیج و تنگه
و داردانل حالا نیز مجدداً به اتفاق در این باب برقرار است و نسخه قرارنامه

از دریای ... وضبط شده بود صحیفه عهدنامه که دیده ... خود لازم ... تعهد
عالیه می‌گذارند

یازدهم بحر سیاه را دائما از برای ملل بیطرف گشته‌اند راه جنگ را بالمره ممنوعا
و مسدود گشته‌اند ام از آنکه دولت بحریه یا غیر بحریه باشد مگر آنچه در ماده
چهاردهم و نوزدهم مقررات مستثنی است

دوازدهم تجارت بحریه و بنادر و میاه بحر سیاه از هر قسم قیود بالمره محفوظ است
و از بهر انتظام امورات تجارت هر دو دولت قرانتین و گمرک و نظمیه‌خانه قرار
خواهند داد ... با تجارت ... و حرکت ... و نقل ... تجارت و اطمینان
و اسباب این بحر دولت روسیه و عثمانیه موافق قانون حقوق ملل در سواحل شهبندرها
تعیین خواهند کرد

سیزدهم چون بر طبق ماده یازدهم بحر سیاه صورت حریت گرفت لهذا
بنا نهادن قورخانه و ترسانه در کنار آن بحر عبث و ناصواب است بنا بر این
امپراطور روسیه و سلطان عثمانیه متعهد می‌شوند که در سواحل بحر مزبور ابدا
بنا نهادن و نگاه داشتن قورخانه و جبه خانه بحریه ننمایند

چهاردهم امپراطور کل ممالک روسیه و سلطان عثمانیه در تعیین شکل و کشتیهای
جنگی سبک که در سواحل خود از بحر سیاه لازم دارند قراری با هم
منعقد خواهند داشت و قرارنامه مزبوره نیز حکم جزو عهدنامه کلیه عالیه دارد و
در قوت و اثر مثل اصل عهدنامه است و بدون اذن و اجازه دول متعاهده
تغییر و تبدیل پذیر نخواهد شد

پانزدهم

پانزدهم انجمن (وینه) مواد اصلیه انتظام امورات کشتی رانی رودخانه‌ها را که از ممالک
از هم جدا دارند یا عبور و مرور می‌نمایند تشخیص و تعیین کرده که تا کل دول متعاهده همان
مواد اصلیه را بنا بر نظام در باب دانوب و دهنه دانوب منضبط می‌شمارند و جاری می‌دارند
و جمیع دول فرنگ این امر معهود را عهده دارند کشتی رانی رودخانه دانوب بهیچ حقی
تفاوت نباید کرد و در قرار آنها مسائل نباشد که هیچ باجی از طرفی مجبور نیست
بجز از قرانتین و مستحفظین از برای اطمینان ... را ... و رفاه ... رعایا
مستقر شده لذا رودخانه در میان ممالک آن جاری شده است قرار شد
و نظم امر مقدر امکان سعی خواهد شد که هیچ چیز مانع کشتی رانی از رودخانه
نشود

شانزدهم از برای انجام انتظام ماده سابقه دول متعاهده هر یک از طرف خود مأموری
مشخص کرده به مجلس مزبور خواهند فرستاد و رودخانه مزبور را ... پاک نموده ... را
حتی قدر ... از دریا و دهنه ... پاک خواهند کرد تا عبور کشتی آسان شود و ...
... و برای مصارف این فقره و بنای سایر ابنیه مأمورین اخراجات خواهند
نمود

هفدهم مجلس ... اجزای آن از طرف دولت اوتریش و ... را ...
باشند و این مجلس ... از ایالات مختلفه دانوب ... لاحق خواهد
گردید ... مأمورین مزبور تا اول آنکه قواعد ... رودخانه را ترتیب دهند ثانیا
موافق عهدنامه وینه خوانین و حرکات خلاف قانون را بالمره رفع نمایند ثالثا آنکه
به انتظام ... رودخانه ... مرتب دارند چهارم هر آنچه در دهنه دانوب ...

رجوع خواهند نمود حالا اماده است که از روی احتیاط ملاحظه کرده اخبار رسانیده که کدام یک
جانب کشتی را نگاه داشت

هم معلوم است که مجلس فرنگستان آنچه لازمه ماموریت است عمل خواهد آورد
و مجلس ماموریت در دو خانه رسیدت و سال امورات محفوظ شده تبعی کند تمام خواهند
نمود که ماده جداگانه سواد صرف داشته‌اند و در مجلس یک که تعیند و قره از ماموردین
اطلاع داده شده مجلس ماموریت به رو سو بهم خواهند زد بعد از انجام مجلس
دارالصحص که از برای دوخانه قرار شده است که اختیار مجلس اول داشت این
مجلس خواهد داشت

و نیز هم قواعد سابق الذکر که در دولت بفرانسه اقدام نموده از برای اجرای
حقوق آن قواعد هر یک از دولت حقی خواهند داشت والسلام

ترجمه سواد کاغذ اعلیحضرت ناپلیون سیم فرانسه باعلیحضرت امپراطور روس ۲۹ ماه ژانویه سنه ۱۸۵۴ مطابق با سنه ۱۲۷۱ هجری

بکاغذ اول

اعلیحضرت   معارضه و بینایی آن اعلیحضرت در باب عالیه عثمانیه
ظاهر شده نتایج رسیده است که ماکیان لازم می‌بینیم که خود دلاسطه اصل شود که
دولت فرانسه در این گفتگو متکلف به آن نشده بر کرده است اظهار کنم و وسایل
که از قرار نبط رنج خاطر هر دو به هم استراحت و آسایش ممالک فرنگستان است
انضباط کند ظاهر است و از شرح دوران اعلیحضرت به دولت مهم در دولت اعلیحضرت

دیگر را

و دیگر به فرانسه است چنانچه مستعد می‌شود که قرار رود که کشتی بحری در این بقعه پیشنهاد
کرده که فقط مایه انتقال شده است و در آن گفتگو که از هر دولت که مظنون آن است
برخلاف این رسم اما به کشتی گفتگو جمیع بر دارالتصرف (نوتله او دالافی) آن سبب
از کشتی بردار مجبوری کرد لاجرم شدن آن اعلیحضرت داخل ولاعرفیه در نقاط که
باب عالیه عثمانیه چیزی فرو گذاشت کردیم و آنها را مطلع نمودیم که این تصرف
موجب علامت جنگ نیست این نیز دلیل و حجت بود کمال میل باصطلاح

پس از آن ورقه دولت انگلیس و اتریش و پروس که بجهت آن اعلیحضرت اطلاع
در سفارت بود به اینکه از طرفای ترحمیه حمله آن اعلیحضرت نیز قبول این میل بود
دلالت این خبر عجب از زرا شنیده بودیم و در زمان اعلیحضرت در اسطوره
در تا والدت مراد و حال ما ترجمه نامه در زرا و فقرات نامه نتایج معطلی اینجا
را از رسم رد داده آن سبب نتوانستم در اسلامبول نیز قبول نمایند فقط مانده
جا که آن اعلیحضرت تحفظ نموده‌اید اصرار و ابرام دایم از جانب باب عالیه
عثمانیه اظهار نموده بود و بعضی از مراد و فصول شروط اصطلاح ما تغییر داده شد
آن تغییرات سوا بعد القبول دیدیم چیزی نبوده و در قبول آن انکار کنیم و این سند
در نزد آن اعلیحضرت فرستاده و به جای آن باب عالیه عثمانیه
ناگوار و مبرا است از آزادی عمالیه نشناخت که در این بعضی اینکه در مقابل قشون آن
اعلیحضرت لشکری ترتیب که به نهر حرکت کرده و اعلام جنگ را هم از ما منزل
در حالت اضطراب دیده و وقت دیده و از ما استمداد نمود و حقیقة بر بار آنجا بیش
حق شد که کشتی انگلیس و فرانسه حکم صادر شده در بوغاز اسلامبول لنگر انداخته

استبداد کار امورات دولت عثمانیه بجهت حاجت بود که امداد و در جنگ شدن در امر محاربه
آماده و رایگان تحریک و تحریک نکردیم حکم الاستقرار که نیش سلطان عثمانیه انفعال
اصطلاح و موجهه می‌رسانیدیم با امید اینکه وسیله حصول قبول مسئول این است دولت
دولت در میان محفوظ قراری گذاشته لذا در تکلیف دیگر بر آن اعلیحضرت نماییم الآن
اعلیحضرت از جانب خودشان اظهار صلح و نگرانی اعتراف علیهان بر قوت و قدرت
خویش است منظور قرار داد حفظ را در ساحل جنوب شرقی (داب) و شمالی دولت اسپانیا بر مواضع
ملک انگلیس عثمانیه داده با جسم و موجهه سزاوار شان بزرگ ملکی خواسته اعلام کرده
لهذا در قرارداد حفظ را بر افسر اعلامیه داد تا اینکه حقیقةً ما ناشی نبودیم لکن لطف
ملک ناظر به (سیناب) ما را به اجتناب … واقع و یا تردید باشد قیر رخود
در لیقی فرانسه و انگلیس لازم شمرده در انگلستان برای امداد عثمانیه نوشته زیرا که به ق
اما رایان زر و جنگ از جاده … در خشکی می‌شوند بند دیگر از دریا تفاوت کلی دارد
و در واقع بوغاز اسلامبول سه هزار آتش خانه بود و هم اینها و از جمله دولت
عثمانیه انگار نکرد که در کشتی و جنگی بحری نخواهد گذاشت هم از دریا بر اینها
تاخت آورده واقعه سیناب نظیر آن بود … و تکرار اتفاق جز حرف جنس بود
زیرا فرستادن و نفرستادن دولت عثمانیه جهات جزئیه کشتی‌های روسیه مع السویه
بود حقیقت کشتی‌های روسیه آنها در راه‌های عثمانیه کشتی‌های آنها حمله نمودند در حالی
دریا از لنگرگاه … لنگر انداخته با سکون و آرام نشسته بودند و آنها را خراب
نمودند با وجود اینکه اظهار اطمینان داده بودند جنگ حاضر خواهد شد که از حمله
و هجوم و جنگ با آن کشتی‌ها در دریا … دیگر در آنجا تنها تکلیف … مختلف شده

علم

که غیرت نظامیه انتقام گرفتند صدای توپهای سیناب با نهایت هم … کرده و بر دل …
در انگلیس و فرانسه قدر … رسانده … فرو رفته و در آنجا هم صدای توپ
… رسیده به صدا و … کرده گفتند … مرتبه محترم باشند از وقت
که حادثه در کشتی‌های ما در بحر سیاه شده و مخالفت کنند حتی قدم … اگر اتفاق
کنند باز دیگر طوری واقع شود از آن جهت به اقتضای احتیاج شده … شده به طور
فرنگی در باب الملاح … که محل … دولت عثمانیه … روسیه …
شرع نمی‌کنیم لکن جانب … کردیم … خودشان جهات جزئیه …
کنند و منظور از … کشتی‌های روسیه در بحر سیاه … مدت طول
جنگ بودن … لازم بوده … دولت عثمانیه … کرده بود
و مایه دولت … باشد تا در حالی … احسن … گذاشته
شود

اعلیحضرت … کار به این مقام
رسیده … یا انفصال و جنگ قطعی آن اعلیحضرت …
منعقد شده اظهار … ممالک فرنگستان به غیرت
رسانیده و در کمال اقتدار … حقوق … بعدم …
نموده … آن اعلیحضرت در اختیار یکی از این دو … اختیار
… اعلیحضرت … به نتیجه اصلاح
از اعلام … رفته …
… حرکت کند … از انجام تقاضای

جنگ و حرکت کرده و بر دو داشته شود بطوری که روسیه معادل دو دولت جزء انگلیس
کند و کشتیهای جنگی هم از بحر سیاه بیرون برود

اعلیحضرت در صورتیکه بهتر بدانند در جلد و واسطه دولت عثمانیه معاهده جدیدی تعیین
نمایند و وکیل مختار سلطان عهدنامه قرار دهند و آن قرارداد نامه را با پاریس چهار دولت
عهده دارند

اعلیحضرت این قرارداد را که انگلیس بدان متفق می باشیم قبول نماید در این
صورت ... ممکن می گردد و موافق اراده حضرت ... می گردند چیزی در این تکلیف
نیست و در حقیقت مراد ارشاد اعلیحضرت بانی ... ابدی ایشان عزیز می
رساند لکن اگر اعلیحضرت به سیاست ... قبول این نکنند و در فرانسه
و انگلیس جاری می شود و امور را ... و اقبال همه جنگ واگذارند این امور
را در تدبیر و احقاق حق می توانستند انجام دهند و اعلیحضرت جلال
کننده و حق ناحق ... می باشد و الحق عبارت ... بصدق کلی که خود
اعلیحضرت در مراسله ۱۸ ماه ژانویه ۱۸۵۳ چنین نوشته اند و اظهار
نموده اند عبارات و مواد آنچه ... و اطلاع اولا بطور ثانیا عشق جمیع
ثالثا حرمت عهدنامه را اجا نگاه داری ... این کلمات سزاوار است
بر ... از ... جاری شده و مطابقت مراد ما است از آنجا که ... در این مواد قصد
دولت ... ازاعلیحضرت خواهش می کنم در باب ... غرض نیست
مراد در این بیانات است ... ایشان هستم

(در پاریس در عمارت ... ۲۹ ماه ژانویه ۱۸۵۴) سلطان ... ۱۲۷۱

وصیت

وصیت نامه پطر کبیر امپراطور ممالک روسیه

پس از حمد و ثنای خالق کون و مکان جمله اولاد و جانشینان خود را از وصیت
مندرجه ذیل مطلع می گردانم چرا که حالیه ... در زمان ... حالیه انجام ... تمامی
اولاد من ... روشن ... یکدیگر و سایر ممالک فرنگستان ... خواهد شد زیرا که
همه پادشاهان و سلطنتهای فرنگستان ضعیف شده اند

و سلطنت روس که از ... الی الآن در ترقی ... و وسعت و نظم و نسق
شاید ... جمیع سلطنتهای دنیا ... تواند ... اگر این سلطنت بطوری چنین
خود باشد ... اختیار ... مرادش تا سواحل مقصود رسانیده (...)
... دست داده ... در پاس ... و جانشینان من ...
... این سلطنت ... او را ... خواهند ساخت بنا بر آن
این ... کلمات بطوری ... در وصیت می نویسم که دستورالعمل ایشان
بوده باشد

اول آنکه دولت روس باید همیشه اسباب کارزار را مهیا و آماده داشته باشند و این
... ترقی این قوم خواهد شد

دوم آنکه ... در هنگام جنگ سپهسالاران اطراف و اکناف ممالک
فرنگستان را طلب ... در جنگ ... باید داشت و در زمان امن ... دولت
علم و کسب و صاحبان صنایع ... لازم باید دید

سیم هنگام وقوع فتنه و فساد ... ممالک اروپا و در دیگر ممالک ... شرط حصول ...
... باید ... حضور ... اتفاقات ... طایفه (جرمانیا) زیرا که

ریاست متصل به این سلطنت است

چهارم باید در ممالک (پولونی) یعنی لهستان بنای ارده ی هرج و مرج برپا کرده تشویق امرا
و بزرگان آن ریاست را رشوت داده در ریاست داری ایشان خلل باید انداخت
و در زمان مجلس (سیم) لشکر را طلب داشته هر طوری که باشد در لهستان باید گذاشت
و اگر بعضی بسیار از سلاطین دیگر اخلال کرده یا فتنه و فساد بکنند اورا هم از ممالک
لهستان قسمی بطور رشوت السکوت باید داد باز کم کم آن رفتن باید راه شان زمینه
بعد از آن حصه در راه از لهستان را قسمت داده شرط تصرف خود باید
در آورد و سلطنت خود را کاملتر باید نمود

پنجم از ملک سوید و نوروج هر قدر ممکن است بقبضهٔ تصرف باید آورد اما تدبیری
باید اندیشید که اول والیان آن ولایت بر ما حمله بیاورد تا ما را برای افتتاح
و تسخیر آن ریاست یک بهانه بدست بیاید و برای حصول این مقصود ملک (دانمارک)
را از (سوید و نوروج) باید جدا کرد و فیمابین والیان این دو مملکت تخم عداوت
و خصومت باید کاشت

ششم شاهزادگان روس را لازم است همیشه دختران والیان و سلاطین
و بزرگان (المانیا) که صاحب مراتب اعلا باشند تزویج بیاورند که در ضمن این
فایده عظیم مقصود است

هفتم با سلطنت انگلستان اتحاد و ارتباط و در امر تجارت اتفاق باید داشت
چون ایشان جهت سامانی کشتیها تخته و چوب بسیار از این دولت خریده خواهند کرد لهذا
منفعت کثیر حاصل خواهد شد و نیز بسبب دوستی ارتباط با قوم انگلستان بوقت ملاقی

جهازات

جهازات جنگی خرید باید خواهد نمود

هشتم ریاست شمال تا دریای (بالطیک) ضبط و تصرف باید کرد و طرف جنوب مملکت
روس را تا بحر سیاه وسعت باید داد

نهم خیر الامکان اینچنان کوشش باید نمود که شهر اسلامبول و قرب جوار آن بدست
روس حاصل شود و هر کس که صاحب اسلامبول خواهد شد صاحب دنیا خواهد بود
لهذا ضرور است که در میان ایران و عثمانی همیشه جنگ و جدال باشد و باید تدابیر
گوناگون بکار برده مملکت ایران روز بروز بی پول و کم تجارت بشود بلکه
همیشه در پی تنزل ایران باید بود بعد از آن قصد هندوستان باید نمود چرا که
آن ملک بسیار وسیع و جای تجارت بزرگ است هرگاه در آنجا تسلط بهم رسید
پس هر قدر پول که به سلطنت انگلستان حاصل میشود آن را اصالةً تحصیل میتوان
کرد با دولت اوستریا ظاهراً دوستی باید داشت اما چنان تدبیرها باید اندیشید
که (جرمانیا و اوستریا) رفته رفته در قبضه ما بیفتد و باید که شریک اوستریا
گردیده ترکها را از ملک اروپا بیرون کرد لکن بطوری رود از جانب
اوستریا را فایده حاصل نشود و آن بر ما طرف است
پس آنکه اوستریا را در طرف دیگر مشغول باید نمود
دیگر اینکه اوستریا را از ممالک عثمانی اینچنان ملکها به سپرده پس از چند روز باز
به قبضه ما بیاید

دهم همراه (یونانیان) جمیع دانشمندان به اراده تا هنگام جنگ ایشان مددکار
و حامی ما باشند

یازدهم لزوم رفع نمودن (سوئد و ایران و روم و لهستان) با اوستریا و فرانسه
انگلند ارتباط پیدا نماید که اگر از این دو یکی دوستی ما را قبول ننمود پس بدین
وسیله با تمامی دیگران ایستاد و نابود کند بعد از آن بانقرام به قبضه خود
درآورد و حکمران باشد حاصل کلام اینکه تمامی ممالک اروپا را از شرق
و سلطه خود بیاورید

دوازدهم اگر از این دولتهای مزبوره فرق گیرد چاره بسوی قبول نکند پس اینکه آن
تدبیر باید کرد در ما بین اینها حکومت فتنه و فساد واقع شود و به این جهت رفته رفته
یکی از میان اینها تباه و برباد خواهد شد آن وقت باید ما متوجه ریاست سلطنت
تاراج سلطنه بلا فراغت اصلی را تمامی ممالک اروپا فرمان روا باید گشت و در
انجام کار آنچه سایر ممالکات هست بسوی تصرف در تحت در آمد

تمام شد

(پطر اول امپراطور روسیه)

وفات پطر کبیر

مسیحی	هجری
۱۷۲۵	۱۱۳۹

بهاء دو شاهی

صورت دستخط اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان

(ترجمه قانون نامه عثمانی)

ترجمه قانون نامه درباره ممالک عثمانیه به تبعه دول خارجه حق تملک املاک میدهد
مورخه هفتم ماه صفرالمظفر ۱۲۸۴ هجری
مطابق ۱۸ ماه ژوئن ۱۸۶۷ مسیحی

بجهة

بجهة از دیاد آبادی ملک و رفع مشکلات و اشتباهات که در خصوص اجرای حق
تملک درباره تبعه خارجه در ممالک عثمانیه ظاهر میشد بجهة تکمیل و استحکام آن
حقوق و شرایط و مراتع مصالح مالیه و ضبط و اداره ملکیه جای فصول ذیل بحکم
اعلیحضرت سلطان بعنوان قانون برقرار شد

فصل اول

تبعه خارجه داخل هستند در همه ممالک عثمانیه غیر از ایالت حجاز خالصاً در شهرها
و قصبات و در املاک صحرا که اعم از مسقفات یا مزروعات هست بجا در حق تملک
بهره یاب شوند با حال انفراد که مانند تبعه عثمانیه بهره یاب هستند بدون شرط دیگر
مگر اینکه تبعه خارجه نیز درباره املاک خود باید محکوم همان قوانین و رسوم باشند
که در حق تبعه عثمانیه جاری میشود چنانکه در ذیل ذکر شده است
این احکام در باب اشخاصی که از تبعه عثمانیه بوده اند و تبعیت دیگر اختیار کرده اند
از حقوق این قانون خارج و محروم خواهند بود و از برای این نوع اشخاص و حقوقی
این مطلب قانون دیگر در آتیه وضع خواهد شد

فصل دوم

چون تبعه خارجه در استیفای املاک که خواه در شهر یا در صحرا با تبعه
عثمانیه مطلقاً مساوات کامل و شرکت خواهند داشت در امورات مراجع باملاک تبعه
خارجه باشد باید بعینها با تبعه عثمانیه مساوی و در همان حالت باشند نتیجه از این
حالت مساوات حاصل شده بود از این قرار است
اولاً تبعه خارجه باید مطیع قوانین و رسوم ضبطیه و اداره بلدیه باشند

و همچنین اطاعت نمایند بآن قوانین و رسوم ضبطیه و اداره بلدیه باشند و همچنین
اطاعت نمایند بآن قوانین و رسومی که ایشان در خصوص تملک و نقل و عطا بر جمیع
شرایط املاک مجری هست و خواه بعد از این مجری و معمول بشود
ثانیاً باید جمیع مالیات و رسوم دیوانیه که بر املاک شهری و صحرائیه وارد است و بعد از این
وارد بیاید به هر شرط و به هر اسمی که بوده باشد ادا نماید
ثالثاً باید از برای جمیع مسائل که متعلق بملکی که دارد و از برای جمیع مرافعات
محاکم خواه مدعی و خواه منکر حتی در صورتی که تمام مرافعین تبعه خارجه باشند مستقیماً محکوم
دیوانخانه‌های عثمانی باشند و در جمیع این امور موافق آن حق و موافق آن شرایط
و صفات که اهالی رفتار خواهند شد درباره تبعه عثمانی رفتار میشود با اینکه
در این مواد که تبعه خارجه بهره هستند امتیازات شخصی که از تبعیت خارجه دارند محفوظ
نمیشد اما بشرط اینکه امتیازاتی که ذاتاً بحکم عهدنامجات بجهت شخص و اموال منقول
ایشان معین است محفوظ و برقرار و بدون مداخله باشد

فصل سیم

هرگاه یکی از تبعه خارجه که صاحب ملک باشند مفلس شود متعلقین افلاس او رجوع
بکارگزاران دولتیه که آن تبعه تابع است خواهند کرد که آن املاک را که ذاتاً موافق
قانون عوض قرض میتوان محسوب شود بمقام فروش بیاورند و همچنین هرگاه یکی
از تبعه خارجه بر ضد تبعه خارجه دیگر که صاحب ملک هم از جانب محکمه تجارت
خارجه حکمی صادر نماید در خصوص آن حکم نیز بطریق قرار دق رفتار خواهد شد
و بجهت اجرای حکم مزبور برای فروش یا ضبط املاک بقروض حق باید رجوع بکارگزاران

عثمانی

عثمانیه نماید تا املاکی را که بموجب قانون عوض قرض محسوب کرد اذن فروش حاصل
نمایند و کارگزاران دول اجانب فقط حکم مزبور را جاری خواهند ساخت
که هرگاه شخص مفلس بخواهد املاکی را بفروش برساند حقیقةً جزو آن صنف املاکی
هست که میتوان عوض قرض محسوب داشت

فصل چهارم

از تبعه خارجه هر کس مأذون است املاک منقوله خود را که قانون اجازه داده
برسم هبه یا بحکم وصیت به هر کس بخواهد واگذار نماید و لکن املاکی که از او باقی
بماند یا املاکی که قانون اجازه نداده که برسم هبه یا وصیت به دیگری واگذار
نماید تقسیم آن املاک موافق قانون ترتیب عثمانی معمول خواهد شد

فصل پنجم

هر یک از دول خارجه قرار است که دولت عثمانی در باب اجرای حق تملک
تکلیف مینماید قبول کرد تبعه آن دولت فی الفور از فواید این قانون بهره یاب
خواهند بود

ترجمه پروتوکول قانون نامه ارباب حق تملک

قانون نامه تبعه خارجه حق تملک میدهد هیچ خللی نمیرساند بآن معافات و امتیازاتی
که عهدنامجات مقرر کرده اند و این معافات در راجع هستند بشخص
و اموال منقول آن تبعه خارجه که صاحب املاک بشوند حفظ و حمایت خواهند
کرد

چون اجرای این حق ممکن است اما خارجه بنا بر این خواهد داشت و بیشتر از سابق به
خاک عثمانی سکنی نماید دولت عثمانیه تکلیف خود میداند اشکالات اجرای
این قانون را احتمال می رود در بعضی اماکن ظهور کند قبل از وقت
دفع نماید

مقصود قرارداد راجع به تعرض بمنزل است

چون منزل هر شخص که در خاک عثمانی سکنی دارد معاف از هر نوع تعرض میباشد
و هیچکس نمیتواند بدون رضای صاحب خانه داخل منزل او بشود مگر باقتضای
احکام صادره از کارگزاران عدلیه صادر شده باشد و مگر در حالتی که رئیس
محکمه یا مامور دیگر بر حسب اختیارات مخصوص حضور داشته باشد لهذا منزل
تبعه خارجه نیز بر طبق همین حق و حکم عهدنامجات معاف از هر نوع تعرض و دخول
جبری میباشد و ضابطان حکومت نمیتوانند داخل منزل تبعه خارجه بشوند
مگر با حضور قونسول یا وکیل قونسول که حق به تبعه مزبور داشته باشد
مقصود از منزل هیئت مسکن و متعلقات اوست که
از آنجمله اطاقها و سقفها و حیاط و باغچهها و دیوار بند باشد با استثنای
سایر املاک

در اماکنی که از محل اقامت قونسول کمتر از نه ساعت دور باشد ضابطان حکومت
جنایتی در فوق ذکر شد نمیتوانند بدون حضور قونسول داخل منزل تبعه خارجه
بشوند و از آن طرف قونسول هم باید بلا فاصله وقت حضور خود را بکارگزاران
آن محل برساند بطوری که از دقیقه ای که از جانب حکومت اخبار بدهند تا دقیقه

ورود

ورود قونسول یا وکیل از طرف او عازم بشود بیشتر از شش ساعت طول نکشد تا اجرای
تحقیق حکومت بیشتر از بیست و چهار ساعت معوق نماند و در جاهائیکه از محل اقامت
مامور قونسولگری نه ساعت یا از نه ساعت بیشتر دور باشد ضابطان حکومت
میتوانند باقتضای ضرورت کارگزاران محلی با حضور سه نفر از ریش سفیدان
و معتبرین اعضای مجلس آن محل داخل منزل تبعه خارجه بدون حضور مامور قونسولگری
بشوند و لکن فقط در حالت لزوم فوری بجهة تحقیق و تفحص جنایت قتل و یا قصد قتل
و حرقت و یا سرقت با اسلحه و یا دزدی با عنف و یا دزدی در شب و در خانه مسکون و یا
عصیان و طغیان با اسلحه و یا سکه قلب زدن

این قرار معمول خواهد بود خواه جنایت از تبعه خارجه صادر شده باشد و خواه
از تبعه عثمانی و خواه جنایت مزبور در منزل تبعه خارجه وقوع یافته باشد و خواه
خارج از منزل ایشان در جای دیگر وقوع رسیده باشد

این قرارداد جاری نخواهد بود مگر بر آن جزو املاک و منزل محسوب میشود چنانچه
در فوق بیان شد خارج از منزل و در سایر املاک تفتیش خود بخود ضبطیه بدون
استثنا و امتیاز بتمام مجری خواهد داشت

اما در صورتیکه شخص بجهة تفتیش جنایت گرفته بشود و آن شخص از تبعه خارجه باشد
معافات و امتیازاتی که راجع بشخص اوست رعایت خواهد بود

آن مامورین در ورقههای مخصوص جائیکه در فوق تصریح شده باید تفحص خانگی نماید
و آن اعضای مجلس هم باید با او حاضر باشند مجبور خواهند بود تفصیل تفحص خانگی را
بنویسند و شرح و بعده فاصله شرح مزبور را به کارگزاران اطلاع بدهند

که ایشان هم جلب تمایل بمرور قنسولگری و اقرب بدان مکان بفرستند
بجهت تبیین طرز معامله ضبطیه در آن مواقعی که ذکر شده دولت عثمانیه یک قرارنامه مخصوص
انتظام خواهد کرد

در جاهائی که از محل اقامت قنسول بیشتر از نه ساعت دور باشد و در آنجاها
قانون ترتیبات عدلیه ولایتی برقرار شود حکم مجلس منتخبین که در آنجا قضاوت عدلیه
باشند و حکم دیوانخانه آن قضا در حق تبعه خارجه بدون حضور وکیل قنسول
صدور خواهد یافت و لکن از برای [تبعه خارجه] مرافعاتی که موضوع آن بیشتر از هزار غروش
نباشد و هم از برای آن جرم تقصیراتی که جزای نقدی آن بیشتر از پانصد غروش
نباشد

اما تبعه خارجه در هر حال حق خواهند داشت که تحقیق و تجدید و استیناف آن احکام را
که موافق قرارنامه فوق صادر شده باشد رجوع به دیوانخانه متنازع ایالت نمایند و این تحقیق
جدید موافق حکم معاهدات با حضور قنسول و بر حسب حکم دیوانخانه [ایالتی] قطع و
معمول خواهد شد

رجوع این تحقیق جدید در هر حال اجرای حکم اول را ساقط نخواهد کرد الا
در هر حال اجرای جبری احکامی که بشرط مذکور فوق صادر شده باشد بدون موافقت
قنسول یا وکیل قنسول و بدون دستیاری ایشان جایز و روا نخواهد بود
دولت عثمانیه یک قانوننامه اعلام خواهد کرد که قواعد مرافعه را از برای طرفین در جاری
اصول فوق تصریح و تبیین نماید
تبعه خارجه در هر محل که باشند مأذون خواهند بود که بمیل خود و اقسام امور خود را

بدون

بدون حضور قنسول رجوع بمجلس ریش سفیدان آنجا یا بدیوانخانه قضا نمایند
فقط در صورتی که موضوع آن از اختیار و قدرت آن مجلس و آن دیوانخانه‌ها
خارج باشد اما از حق تبعه به استیناف امر برقرار خواهد ماند و موافق این حق
مرافعه مزبوره را با دیوانخانه متنازع رجوع و در حضور قنسول یا وکیل او در آنجا
تحقیق و قطع خواهد شد لکن باید رضایت تبعه خارجه را باینکه حکم آن در جایی که
ذکر شده با حضور قنسول شود قبل از هر نوع مرافعه بر حسب نوشته داده
شود

مخصوصاً تصریح میشود که این حق در هیچ وجه در باطل بودن مرافعاتی که موضوع
املاک خواهند بود نزاری و آن مرافعات با همان شرایط که قانون برقرار
کرده است تحقیق و قطع خواهد شد
حق مرافعه توسط وکیل و حق اینکه هر کس که در مجلس تمیز بدون اختلاف بنویسد
رسد و حق اینکه در صورتی که طرفین در روزنامجات طبع کرده در همه
مقام بجهت تبعه خارجه در دیوانخانه‌های عثمانیه ثابت و برقرار خواهد بود
و همچنین بجهت تبعه عثمانیه
قرارداد فوق معمول خواهد بود تا وقتیکه معاهدات قدیم تغییر بیابد دولت
عثمانیه این حق خود را حفظ کرده است که برای تغییر معاهدات مزبوره بعد
از هم اتفاق با دول متحابه مشاوره کند تا این مقصود محرک نشده باشد

تاریخ ورود ۱۲۹۱
نمره [illegible]
[illegible]

مسوّده عهدنامه دوستی و تجارتی فیما بین دولتین ایران و عثمانی بتوسط جناب جلالتمآب حاجی میرزا حسین خان سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم دربار دولت علیه عثمانی

فصل اول

جمیع حقوق و امتیازات و معافیاتی که بموجب عهدنامجات و قرارنامجات از سابق تا امروز بدولت و به تجارت و رعایای ایران از جانب دولت علیه عثمانیه داده شده است بحکم این عهدنامه جدیده ثابت و مستقر میماند مگر آن فقراتی که در این عهدنامه صراحتاً تغییر بیابند

فصل دوم

هر نوع حقوق و امتیازات و معافیاتی که دولت علیه عثمانیه از زمان سابقه تا امروز بهر دولت خارجه یا بتجارت یا به تبعه آن دولت داده است دولت علیه عثمانیه کلیه آن حقوق و معافیات و امتیازات را بحکم این عهدنامه بدولت و تجارت و رعایای ایران میدهد و نیز دولت علیه عثمانیه تصدیق و تعهد مینماید که در بعد از این هر قسم حقوق و امتیازات و معافیاتی که بهر دولت خارجه یا بتجارت یا رعایای آن دولت چه رسماً و چه حقیقةً بدهد یا بگذارد و هر وقت از یک حق و امتیاز مخصوص بهره یاب باشند مثل این خواهد بود که کلیه آن حقوق و امتیازات و معافیات را بدولت و تجارت و رعایای ایران داده باشد بطوریکه دولت و تجارت و رعایای ایران هم در آن قرار و اجازه تازه بالاستحقاق از کلیه آن حقوق بهره یاب خواهند بود

فصل

فصل سیم

رعایای دولت علیه ایران که بعد از این خواهند بود یا بنفسه یا بتوسط وکیل خود در کل ممالک و متعلقات دولت عثمانیه هر نوع امتعه و محصولات ارضیه و صناعیه موجوده در ممالک عثمانیه را بدون هیچ قسم استثنا خواه بجهت تجارت داخله و خواه بجهت تجارت خارجه ابتیاع و خرید نمایند چون دولت علیه عثمانیه متعهد شده است در هیچیک از محصولات ارضیه و صناعیه ممالک خود را مخصوص هیچ قسم تجارت انحصار قرار ندهد لهذا اعم از اینکه در هیچ نقطه ممالک عثمانیه نه از برای خرید و نه از برای فروختن و نه از برای حمل و نقل هیچ نوع امتعه هیچ قسم اجازه و تذکره علاوه مطالبه نخواهد شد هرگاه از جانب کارگزاران دولت علیه عثمانیه چیزی مطالبه یا اجرای چنان اجازه یا تذکره بشود آن حرکت مخالف عهد خواهد بود و دولت علیه عثمانیه متعهد میشود که مرتکبین این حرکت را خواه از وزرا یا رجال دولت و خواه از هر صنف مأمورین دولت باشند فی الفور تنبیه شدید نماید و هر ضرری که از چنان حرکت بر تبعه دولت علیه ایران وارد آید با تمام و کمال تدارک نماید

فصل چهارم

تبعه دولت علیه ایران یا وکلای ایشان هر نوع امتعه و محصولات ارضیه و صناعیه ممالک عثمانیه را بجهت فروش و صرف در داخله ممالک عثمانیه ابتیاع نمایند در چنین خرید و فروش اشیاء مزبوره که بجهت هر قسم معاملات و متعلق باین قسم تجارت باشد فقط آن رسوم را خواهند داد که تبعه دولت عثمانیه یا تبعه دول

خارجه که بیش از همه محل احتیاج و مورد مساعده هستند در همان مواقع
می دهند

فصل پنجم

تبعه دولت علیه ایران هر نوع امتعه و محصولات ممالک عثمانیه را از جمیع جاهای
ممالک عثمانیه تجارت و به هر یک از ممالک خارجه که بخواهند چه از دریا و چه از خشکی
چه بواسطه کشتیهای خود و چه بواسطه کشتیهای عثمانیه و خارجه حمل و نقل نموده ادای
هر نوع حقوق و رسوم تجارتی خواهند نمود که هنگام حمل و نقل این اشیاء
بخارج فقط صدی شش گمرک خواهند داد و از هر متاعی این صدی شش رسم گمرک
را گرفته باشند دیگر در هیچ نقطه ممالک عثمانیه هیچ قسم حق و رسوم دیگر
مطالبه نخواهد شد خواه متاع مزبور در دست صاحب اولیه خود و خواه بدست
دیگری انتقال یافته باشد و صراحةً مقرر است که این صدی شش رسم گمرک در
هر سال صدی یک تنزل خواهد یافت تا اینکه بعد از پنج سال به صدی یک قرار
بیابد

فصل ششم

چون قرار اخذ گمرک اولیه از مال التجاره که صادره در ممالک طرفین از عهود
سابقه تا کمال طرفین مساوات لعد است لهذا حکم این عهدنامه حاضره نیز تبعه
دولتین علیتین ایران و عثمانیه هر نوع امتعه ارضیه و صناعیه خاصه ممالک طرفین را
داخل ممالک همدیگر نمایند بطریق مساوات صدی هشت رسم اولیه گمرک
اول از دولت گمرک خواهند شد و بعد از آنکه از امتعه مزبوره صدی هشت حق

اولیه

اولیه گمرک گرفته شد خواه متاع مزبور در همان جای وارده فروخته شود
و خواه بهر جای دیگر داخله ممالک طرفین نقل گردد در هیچ صورت نه از بایع
و نه از مشتری بابت امتعه مزبوره هیچ اسم و رسم حق دیگر مطالبه نخواهد شد

فصل هفتم

دولتین علیتین به تبعه خود اجازه تجارت توپ و تفنگ و باروت و گلوله و سایر مهمات
حربیه در ممالک طرفین نخواهند داد مگر در صورتیکه اجازه این تجارت را به تبعه
یکی از سایر دول خارجه داده باشند و تفنگ و طپانچه و سایر اشیاء که مخصوصاً
برای شکار و استعمال شخصی باشد از این منع مستثنی خواهد بود

فصل هشتم

دولت علیه عثمانیه صراحةً تعهد و تقبل می نماید به دولت علیه ایران که هر گاه اراده
خواهد نمود هر قسم اسلحه و اسباب عسکریه از قبیل توپ و تفنگ و نیزه و غیره
هر نوع اشیاء و امتعه حربیه معروفه که بخواهد از ممالک عثمانیه بگذراند و
بگذراند عبور بدهد با اینکه از اشیاء مزبوره هیچ نوع رسوم مطالبه نشود و بعد
اگر از جانب کارگزاران دولت علیه عثمانیه در عبور آنها احتیاط لازم است
و آنگاه ظاهر بشود

فصل نهم

تبعه دولت علیه ایران در تجارت و در جمیع معاملات خود با ممالک عثمانیه
و اقامت و سفر آن در ممالک عثمانیه از هر حیثیت همان حقوق و امتیازات را
خواهند داشت که تماماً از جانب دولت علیه عثمانیه به تبعه دول اکملة الامتیاز

داده شده است بعد از این داده شود

فصل یازدهم

کشتیهای دولت علیه ایران و کشتیهای تبعه آن دولت در جمیع دریاها و بنادر و رود
خانها و معابر بحریه ممالک عثمانیه خواه در حمل و نقل امتعه و خواه در رسوم تجارت بها
از هر جهت همان حقوق و امتیازات را خواهند داشت که از جانب دولت عثمانیه
بکشتیهای دول خارجه کاملا داده شده است یا بعد از این داده شود

فصل دوازدهم

امتعه ممالک خارجه که اراده خواهند نمود از هر طرف و از تمامی سرحدات ممالک
عثمانیه بممالک خارجه عبور نمایند دولت علیه عثمانیه صراحةً متعهد شده
که در عبور این امتعه چه از ایران بممالک خارجه و چه از ممالک خارجه بایران
اقدام بهیچ امری ننماید که موجب منع یا مانع اشتغال حمل و نقل امتعه مزبوره از آنجا
شود و از این امتعه نقلیه در خاک دولت علیه عثمانیه هیچ قسم گمرک و رسوم مطالبه
نخواهد شد که صدی دو نقلیه و بعد از انقضاء پنج سال از تاریخ امضای این عهدنامه
رسم مزبور فقط صدی یک قرار خواهد گرفت و نیز مقرر است که در حق امتعه
ارضیه و صناعیه محصوله در ایران که در ممالک عثمانیه رسم ادخالیه صدی
هشت را ادا ننموده باشند و خواهند امتعه مزبوره را بسوای خارج خاک عثمانیه
حمل نمایند امتعه مزبوره را محکوم تجارت نقلیه خواهند نمود و در این صورت مباشرین
گمرک دولت علیه عثمانیه باید در حین خروج امتعه مزبوره از ممالک عثمانیه مقدار
تفاوت ما بین رسم گمرک صدی هشت و رسم گمرک تجارت نقلیه باشد بصاحب

امتعه

امتعه مزبوره را بعینه رد نماید

فصل سیزدهم

تبعه ایران که در ممالک عثمانیه مشغول تجارت امتعه ممالک خارجه باشند همان
رسوم را ادا خواهند نمود و همان حقوق را خواهند داشت که از برای تبعه دول
خارجه که مشغول تجارت امتعه ممالک خود هستند مقرر باشد امتعه و محصولاتی
که از ممالک ایران به ایالات عراق عرب و کردستان عثمانیه و ایالات
ارزروم و قارص داخل نمایند از امتعه و محصولات مزبوره در این ایالات
عثمانیه فقط صدی شش گمرک خواهند گرفت امتعه و محصولاتی که گمرک دفعه اولیه
طور گمرک داده اند دیگر بهیچ وجه جایز نخواهد بود که از آن امتعه و محصولات
بهیچ اسم و رسم حق دیگری مطالبه نمایند نه از مشتری و نه از بایع و در
مقابل این قرار امتعه و محصولاتی که از این ایالات مذکوره در ممالک
ممالک ایران حمل و نقل نمایند گمرک اخراجیه آنها از روز تصدیق این عهدنامه
فقط در صدی یک خواهد بود

فصل چهاردهم

چون دولت علیه عثمانیه طالب این است که تجارت دخان و تنباکو در ممالک محروسه
سلطانیه از سایر امتعه تجارت مستثنی باشد دولت علیه ایران نیز بجهة ابراز
علامت حسن نیت و [illegible] لطف خود نسبت بآن دولت موافقت با این خواهش
مرعیه و از آنجائیکه حفظ منافع عامه [illegible] لوازم مرداخله و تبعه
ایران [illegible] بتجارت دخان مشغول شده اند که اگر کمپنی [illegible] ایشان

مهلت داده شود ممکن نیست بتوانند بدون ضرر فاحش خود را فارغ البال نمایند لهذا
بجهت رعایت این ماده چنین قرار شد که قوانین و نظامات موضوعه بجهت تجارت
دخان در ممالک عثمانیه بعد از مدت یکسال از روز مبادله این عهدنامه بجهت تجار
صورت اجرا یابد … دخان حاصله در ممالک ایران … و در این مدت یکسال
تجار دخان نیز مثل سایر امتعه حاصله در ایران به آزادی در داخل ممالک
عثمانیه شده و دخان حق ادخالیه و سایر امتعه محصوله از ایران همین رسم ادا
نموده کار … بعد از انقضای مدت یکسال تبعه دولت علیه ایران
در ممالک عثمانیه در باب مرسومات تجارت دخان همان تکالیفی مکلف خواهند
بود که تبعه دول اکثر الالتفات مکلف‌اند و از عوائد انحصار ممتاز … که تبعه … شده
شده تبعه دول اکثر الالتفات از آن بهره‌مند می‌باشند

فصل چهاردهم

چون در ایالات مجاوره ممالک ایران جمع کثیری از رعایای دولت علیه ایران
سکنی دارند … از ایران داخل آن ایالات می‌سازند … بجهت
صرف رعایای ایران است لهذا … ایران در داخل ممالک عراق
عرب و کردستان عثمانیه و ایالات ارضروم … حقوق گمرک این دو قسم
تجار در آن ایالات … بجز از حقوق ادخالیه سایر ممالک … ادا
نکرده … از ادای … در کمال آزادی …
هیچ نوع گمرک و رسم دیگر … و معرض مطالبه نرسد

فصل پانزدهم

تبعه

[illegible]

تبعه دولت علیه عثمانیه در امور تجارت خود در ممالک ایران همان امتیازات و حقوق
را خواهند داشت که به تبعه سایر دول خارجه داده می‌شود

فصل شانزدهم

امتعه‌ای که به تقلب از گمرک گذرانیده باشند در ممالک طرفین ضبط و در آن … شده
مشروط بر اینکه در تحقیق … کمال دقت بطریقه عدالت عمل آورده باشند

فصل هفدهم

دولت علیه عثمانیه صراحتاً متعهد می‌شود که بجهت حصول امنیت و تسهیل عبور حجاج …
و زوار عتبات عالیات علاوه بر آنچه در معاهدات سابقه بین الدولتین معین
شده است در جمیع ممالک عثمانیه هر نوع امنیت جانی و مالی و احترام بجهت آنها مهیا
و هرگاه … جانی یا مالی یا احترامی در هر جای ممالک عثمانیه … غفلت
و تقصیر مستخدمین و کارگزاران دولت به آنها وارد آمده باشد دولت علیه عثمانیه
متعهد می‌شود که … مقصرین … و … ارباب رتبه و منصب
باشند در کمال شدت تنبیه و مؤاخذه نموده و از غرامت خسارت آنها برآید
و در اماکن متبرکه مذکوره … هیچ … حجاج و زوار ایران با حجاج و زوار
عثمانیه گذارده و نیز صراحتاً مقرر است که از اشیاء … حجاج و زوار
از … حقوق … بجهت تجارت
نیست حق گمرک با رسم دیگر مطالبه نخواهد شد … چون جمع کثیری از تبعه
دولت علیه ایران مشغول در ممالک دولت علیه عثمانیه به تجارت و کسب و عمل …
… اهل ایران … اختصاص …

وارد دولت عثمانیه شوند تعهد می‌نماید که در امنیت طرق و شوارع و حفظ مال
و جان تبعهٔ ایران کمال اهتمام خود را مصروف سازد و اگر برحسب اتفاق آسیبی
بمال و جان یکی از آنها وارد آید در هر ایالتی که این واقعه اتفاق افتد مأمورین
و کارگذاران دولت علیهٔ عثمانیه مجبور خواهند بود در تفحص مرتکبین آن حرکت کمال
سعی و بذل جهد داشته و مرتکبین مزبور را بلا توقف الفور پلیس نمایند و برحسب احکام
شریعت مطهره و قوانین دولت علیهٔ عثمانیه مورد مجازات شوند و هرگاه از طرف
مأمورین مزبوره در اجرای تکلیف خود در این فقرات قصور و اهمال یا تقاعدی
معلوم شود دولت علیهٔ عثمانیه آن مأمورین را دارای هر رتبه که باشند بلاتأخیر معزول و
محاکمه و مؤاخذه خواهد آورد و از عهدهٔ غرامت و خسارت متضررین منهوبین و مقتولین
خواهد برآمد

فصل چهارم

دولت علیهٔ ایران هم تعهد میکند که هر نوع رفتار و سلوکی که در ممالک عثمانیه
در مواد جنایتی نسبت به تبعهٔ ایران معمول باشد عیناً همان رفتار و سلوک را
در حق تبعهٔ دولت علیهٔ عثمانیه در مواد جنایتی صادره از آنها در ممالک ایران
معمول دارد

فصل پنجم

از جانب دولتین علیتین بالاتفاق و بلاتأخیر مأمورین مخصوص تعیین خواهند شد که
که از بابت رسوم گمرک امتعهٔ ممالک ایران که داخل ممالک عثمانیه میشود و همچنین
از بابت رسوم گمرک امتعهٔ ممالک عثمانیه که تبعهٔ دولت ایران بخارج حمل می‌نمایند

که

یک فقره مشخص کننده ایشان و امتعهٔ تجارتی ایران در ورود و خروج به اولیای
گمرک عثمانیه زیاده وارد شده از رسم باشد هر قدر در عدلهای گمرک داشته‌اند
باز فقره مزبور از روی آن قبض معین خواهد شد و این فقره بر از نقصه
طرفین بلا فاصله مجری خواهد بود الی مدت هفت سال هرگاه یکی از دولتین
معاهدتین تغییر فقره مزبوره را منسوخ نماید باید این مطلب را یکسال
قبل بطرف دیگر اعلام نماید و هر یک از دولتین معاهدتین مختار خواهد بود در این
مطلب سوده در انقضای هر هفت سال بطرف دیگر اعلام کند

فصل ششم

این عهدنامه در کلیهٔ ممالک دولت علیهٔ عثمانیه واقعه در یوروپ و آسیا و مصر
و افریقا و در ممالک عرب و افلاق و بغدان مجری خواهد بود و مدت اجرای این
عهدنامه از تاریخ مبادلهٔ تصدیق‌نامجات الی دوازده سال خواهد بود که یکسال قبل
از انقضای این مدت هر یک از دولتین معاهدتین مختار خواهند بود اگر تغییر
این عهدنامه را خواسته باشد مطلب خود را بدولت دیگر اعلام نماید و در صورتیکه
از هیچ طرف چنان چیزی اعلام نشود این عهدنامه باز تا دوازده
سال دیگر مجری و برقرار خواهد ماند

سواد قرارنامهٔ تلغرافیه منعقده فیمابین وزارت امور خارجه
دولت علیهٔ ایران و سفارت دولت بهیهٔ انگلیس مقیم دربار ایران
مورخهٔ سنهٔ ۱۲۸۹ هجری مطابق سنهٔ ۱۸۷۲ مسیحی

چون اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه کل ممالک ایران و اعلیحضرت پادشاه

ممالک متحده بریتنی اعظم و ایرلند مایل هستند که رویه مخابره تلغرافات فیمابین
اروپا و هندوستان را که از خاک ایران عبور می‌نماید در حسب عهدنامه‌های
قبل قرار شده و موقوف نموده بود اعادت دهند

لهذا مقرر فرموده‌اند قرارنامه که جهة حصول این مقصود ضرورت انجام
پذیرد و برای تقدیم این امر از جانب سرکار [illegible] وکیل و مختار خود
اعلیحضرت پادشاه کل ممالک ایران جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه
خود صاحب نشان تمثال همایون مکلل بالماس و صاحب حمایل آبی و دارای
شرابه جواهر و عصای مکلل بالماس و صاحب نشان شیر اول با حمایل مخصوص
آن و دارای نشان اول عقاب سفید با حمایل آبی و صاحب نشان سنت انا
مکلل بالماس از درجه اول و نشان مجیدیه از درجه اول و نشان اول تاج
آهن و نشان اول لیوپولد و نشان اول دانه‌بروغ و نشان اول سنت
موریس و لازار و نشان اول سنت [illegible] و [illegible] و نشان اول
پولر [illegible] و صاحب نشان اول عثمانیه
و اعلیحضرت پادشاه ممالک متحده بریتنی اعظم و ایرلند جناب رانلد
[illegible] طامسن شارژدافر خود در دربار دولت ایران و وکلای
مشارالیهما بعد از آنکه در دار الخلافه طهران مجتمع شدند و اختیارنامه‌های خودشان
را ملاحظه کردند مراتب و شرایط فصول ذیل را قرار دادند

فصل اول

دولت انگلیس برای ترویج و تسهیل ارسال مخابرات (انطرناسیونال) کمپانی [?]

ثانی

ثانی [?] رشته که الان فیمابین دار الخلافه طهران و بندر بوشهر در ایران
بتوسط سرکار صاحب‌منصبان مخصوص خواهد کشید و اخراجات از خود دولت
انگلیس متحمل میشود در عوض نظر بفایده که از این رشته [illegible] خواهد شد دولت
انگلیس متعهد میشود که از این رشته‌ها [illegible] از قرار [illegible]
علیه دولت ایران متعهد میگردد مبلغ ده هزار تومان در مدت ده سال
از قرار سالی یک هزار تومان جهة اعانت مخارج رشته‌های سیم به دولت انگلیس
برساند دولت ایران نیز متعهد می‌نماید هر گونه امداد و در حفظ رشته‌های سیم برای
صاحب‌منصبان انگلیس لازم است حتی المقدور بنماید

فصل دوم

چون بر حسب فصل دوازدهم عهدنامه پاریس مورخه چهارم ماه مارچ سنه ۱۸۵۷
کلیه مأمورین دولت انگلیس در ایران حق حمایت و محافظت [illegible] دولت
ایران دارند چون اداره تلغرافخانه انگلیس مقیم ایران مشغول خدمات [illegible]
میباشند باید در هر [illegible] کارگذاران و ملازمان آنها را در تحت حفظ [illegible]
داشته در هر وقت [illegible] مستحفظ لازم باشد [illegible] اسباب
[illegible] حفظ و امنیت تلغرافیان را فراهم بیاورند

فصل سیم

تا زمان انقضاء [illegible] فصل اول مقرر شده است تقسیم رشته‌های
اول و دوم [illegible] برای مخابرات داخله (انطرناسیونال) کما فی السابق برقرار
خواهد بود بجز از روی شرایط در فصل هشتم قرارنامه چهارم ماه رجب المرجب سنه ۱۲۸۲

مقرر شده مجری خواهد بود

فصل چهارم

پس از انعقاد سیم ثالث رئیس اداره تلغرافات انگلیس الی الان اتمام آن را بدولت
ایران خواهد داد و تقسیم رشته های تلغراف از این قرار خواهد بود
سیم اول جز آن رشته که در سنه ۱۲۸۱ انعقاد یافته برای مخابره داخله خواهد بود
و رشته ثانی و ثالث برای مخابره (انطرناسیونال) خواهد بود به استثنای آنچه
موجب فصل ششم معین شده

فصل پنجم

بجهت رفع هرگونه اشتباه در کار کردن این رشته های مختلفه تلغرافی دولت
ایران با سیم اول مشغول مخابره خواهند بود و در بین دولت انگلیس با سیم ثانی
ثالث مخابره خواهند کرد دولت ایران برای مأمورین انگلیس اطاق های
جداگانه در تلغراف خانها که در اداره غالب می‌باشند حاضر خواهند
کرد

فصل ششم

هرگاه سیم اول یک وقتی عیب کند که رشته از کار بیفتد موقتا برای مخابره
ایرانیها عاریه داده می‌شود تا زمانی که سیم اول بحالت مخابره بازگشت نماید
مشروط بر اینکه هر دو رشته ثانی و ثالث در تمام انعقاد خود خوب کار کرده
و فارغ از وصل بهم دیگر باشند اگر سیم اول با سیم ثانی یا با ثالث وصل شده باشد
و نقطه یک سیم عیب هم نداشته باشد آن وقت اگر با سیم اول انتقال یافته است
مقرر

مقرر خواهد ساخت که در بین ایرانها تا هنگام رفع آن انتقال نشده است
به دولت با سیم اول مخابره نمایند هرگاه سیم اول با سیم ثانی یا ثالث
انتقال یابد به درجه که سیم با هم دیگر نزدیک لمس باشد یا اینکه سیم ثانی
و ثالث معیوب شده باشد یا اگر هر سه رشته گرفتن با هم دیگر وصل شده باشند
ادارهای ایران و انگلیس با یک رشته که محکم تر است با هم شده است در شبانه روز
از قرار تقسیم یک ثلث و دو ثلث مخابره خواهند کرد که در وقتهای ایران و انگلیس قرار
ساعتهای مخابره طوری که سلاو بفارسی معین خواهند داد

فصل هفتم

حاصل کل مخابرات داخله که بتوسط رشته سیم دولت ایران می‌شود تماما
اختصاص به دولت ایران خواهد داشت منظور از مخابره داخله آن
تحریرات تلغرافیه است که در یک تلغراف خانه ایران شروع شده در تلغراف خانه
دیگر ایران ختم می‌شود

فصل هشتم

چون دولت ایران قبل از وقت در حفظ حقوق منافعی که در وقت خط اروپا
و هند حاصل می‌شود با کمپانی تلغرافی اروپا و هند قراری داده شده است دولت
انگلیس قرار میدهد و ... هر درجه که مرجع گردد دولت قبول داشته باشد دولت
ایران در عوض منافع سینی ... به هر ساله از کمپانی مزبوره دریافت داده اول
سالیانه دوازده هزار تومان است باد ... برای هر تحریر تلغرافات که ...

اولاً حق را برقی از روسیه و از خارجه اروپا و هند بتوسط خط سیم از جلفا
به دولت روس الحال به رو بتهری ... ترک می نماید لهذا دولت انگلیس
که تا اروپا و هند رسوم مزبور را بدون هیچ کم و کسری قرار به هند تقسیم
خواهند کرد و محاسبات آن را به دولتی [illegible] دولت ایران ما بین خود تفریق
خواهند نمود در خصوص تحریرات (انترناسیونال) که در ایران شروع
یا ختم می شوند دولت ایران متعهد می شود مدت سه سال تمام حق (طرمینل)
خود را برای این قسم تحریرات به دولت انگلیس واگذار کند و دولت انگلیس
هم در عوض آن در سالی مبلغ ده هزار قران به دولت ایران کارسازی خواهد داشت
پس از انقضای مدت سه سال دولت ایران مختار خواهد بود یا مبلغ سالیانه
را از روی وجه حاصل متوسط تحریرات (طرمینل) معین شده و تغییر قبول
نماید و یا اینکه وجه رسوم تمام تحریرات (طرمینل) حقیقی را مطالبه و دریافت
کند دولت ایران به دولت انگلیس واگذار [illegible] و معین نماید که
کدام تحریرات واقعاً (طرمینل) می باشد و کدام تحریرات باید (طرانزیت)
دانست که با ایران [illegible] در صورتی که معلوم است در ممالک ارسال
ممالک خارجه است مادامی که این [illegible] باشد دولت ایران
بر عهده بگیرد در مجلس (انترناسیونال) [illegible] هرگونه تغییرات در نرخ
مخابرات (طرانزیت) و غیره حاصل شود [illegible] قبل از وقت
با دولت انگلیس قراری داده باشد

فصل نهم

فصل نهم

چون اداره انگلیس برای ارسال صحیح تمام مخابرات (انترناسیونال) و تفریق محاسبات آن
مشغول می باشد نسبت این مخابرات را از روی نرخی که بر حسب قرارنامه (انترناسیونال)
تلگرافی از وقت در آن [illegible] معین است وصول خواهند کرد کل مخابرات (انترناسیونال) که در
ایران شروع می شود باید اخبار را مأمورین از جانب دولت ایران معین شده باشند
قبل از ارسال بمقصد ثبت و مهر نمایند مخابرات (انترناسیونال) که در ایران ختم
می شود باید به توسط همان مأمورین به صاحبان اخبار برسد و مأمورین مذکور مجبورند که
برای این مخابرات اوراق انگلیس فقط به هند تلگرافخانهای انگلیس و تمام اسناد [illegible]
مخابره (انترناسیونال) است هر وقت برای رجوع و تفتیش اداره ایران حاضر خواهند
بود مخابرات (انترناسیونال) عبارت از آن مخابراتی است که به توسط رشته های سیم خود
از ممالک دو دولت یا از ممالک دول متعدده می گذرند

فصل دهم

نگاهداری رشته های تلگرافی و درستی آن با تعیین و اختیار و دارایی بر حسب مستحفظین آن
در دولت رئیس ادارات انگلیس و صاحب منصبان آن خواهد بود
دولت ایران از بابت این تاریخ هر ساله مبلغ [illegible] قران به اسم [illegible] رئیس اداره
انگلیس حقوق [illegible] و این مبلغ را از وجه مقرره [illegible] تلگرافخانه اروپا و هند به دولت
ایران [illegible] در فصل هشتم این قرارداد [illegible] دولت باید [illegible]

فصل یازدهم

تکلیف صاحب منصبان [illegible] و مستحفظین سیم فقط نگاهداری سیم و درستی آن خواهد بود

در حالتی که عمداً به سیم صدمه و نقصی وارد بیاورند دولت ایران به واسطه اقدامات مؤثره
و درگاه حکام ممالک محروسه مجرمین را حاضر کرده و مقصرین را گرفته و تنبیه نمایند لهذا دولت ایران
حکام و کارگزاران طهران و دیگر را امر خواهد فرمود که درین خصوص مراقبت و اطلاع با صاحب منصبان
انگلیس همه با ایشان کمال مراقبت منظور داشته باشند

فصل دوازدهم

در صورتی که دانسته و عمداً تفنگ و سنگ ابا برشته‌های سیم وارد بیاورند دولت ایران
اخراجات تعمیر را متحمل خواهد شد

فصل سیزدهم

برای اینکه رئیس انگلیس تحت ملاحظه و کار از حالت رشته‌های سیم و تلگرافخانه‌ها
حاصل نماید و به واسطه اسباب درست کار کردن آنها و رفع هیچ هرج و مرجی در تلگرافخانه
قرار دهد لازم بیاید صاحب منصبان و تلگرافچیان ایران احکامات و اوامری
که صاحب منصب مذکور در خصوص اتصال سیم در تلگرافخانه‌ها در وقت و طرز امتحان
رشته‌های سیم صادر نماید مرکزاً قبول و تمکین نمایند

فصل چهاردهم

چون مشخص شده است که در اواخر سال ... سنه ۱۸۶۹ قرض دولت ایران به دولت انگلیس از جهت
آلات و ادوات سیم ... و بعضی فقرات رجوعه نصب سیم اول به موجب ...
کیسه پانزده هزار و ... و هشت هزار و ... چهل و هفت هزار و ...
و هفده ... بوده است دولت انگلیس قبول نماید ... مبلغ مزبور را به ...
در ظرف بیست و چهار سال به بیست و چهار قسط مساوی از کمپانی اروپ و هند [illegible]

نماید

نماید هرگاه کمپانی اروپ و هند بخواهند مبلغ مزبور را زودتر ادا نماید حق دارد
هر وقت که از جانب کمپانی اروپ و هند قصوری در رسانیدن اقساط سالیانه ظاهر شود
دولت انگلیس ازاله آن را به دولت ایران اخبار خواهد نمود و از آن وقت دولت ایران
برای هر مبلغی که از قرض مذکور باقی مانده باشد مسئول خواهد بود تحت این فصل
هیچیک از حقوقی که دولت ایران به فقره قرارنامه سررشته تلگرافچی ایران و کمپانی هند
و انگلستان بر کمپانی مزبوره داشته باشد خللی وارد نخواهد آورد

فصل پانزدهم

هر قسم اسباب که اداره انگلیس از خارج لازم داشته باشد برای رشته سیم در ایران از
رسوم گمرک و سایر عوارضات معاف خواهد بود

فصل شانزدهم

این قرارنامه راجع به آن قسمت تلگرافخانه‌ها است که از دارالخلافه طهران الی بندر بوشهر
استوار نموده است و در صورتی که رئیس اداره انگلیس معین نماید که اداره تلگراف
طهران و خانقین را هم دارا بر عهده بگیرد این قرارنامه به آن قسمت تلگراف نیز راجع
خواهد بود در آن صورت ترتیب قسمت تلگرافخانه از طهران الی خانقین و طرز محاسبات آن
از روی قرار مخصوص مابین اداره‌های ایران و انگلیس مقرر خواهد شد

فصل هفدهم

هرگاه صدمه سازشی در مابین مأمورین تلگرافخانه در تعیین دقیقه به جانب وزیر دول
خارجه ایران و جناب سفیر دولت انگلیس مقیم دارالخلافه طهران رجوع خواهد شد
که قرار از آن بدهند

فصل دهم

این قرارنامه از روزی برقرار خواهد بود که امضانامه‌ها در طهران مبادله شود تا غره ماه ژانویه ۱۸۹۵ مسیحی اعتبار و حکم باقی خواهد بود در آن تاریخ اداره انگلیس تمام خط سیم را با هر چه از لوازم آن وقت باشد با نظام رشته ثالث و شعبه‌ها را مجانی به دولت ایران واگذار خواهد نمود پس از آن هر نوع مداخلتی که حق دارد در تلغراف دولت ایران ترک و موقوف خواهد کرد

فصل یازدهم

پس از استقرار سیم ثالث دولت انگلیس مختار خواهد بود در هر وقت که مایل باشد قبل از انقضاء مدت این قرارنامه و بعد از شش ماه اخبار خط سیم را مجانی حالت که هست به دولت ایران واگذار نماید و صاحب منصبان و مأمورین خود را از مملکت ایران بردارد و از آن تاریخ به بعد دیگر به تلغراف دولت ایران هیچ ربطی و مدخلیتی نداشته باشند

فصل دوازدهم

امضانامه‌های این قرارنامه ها باید در مدت پنج ماه یا هر گاه ممکن شود زودتر در طهران در روز شهر رمضان سنه ۱۲۸۹ یکهزار و دویست و هشتاد و نه هجری

مطابق ۵ نوامبر سنه ۱۸۷۲

یکهزار و هشتصد و هفتاد

و دو مسیحی نگاشته

نوشته شد

مهر

صورت قرارنامه منعقده در باب راه آهن فیمابین دولت علیه ایران و کمپانی انگلیس مورخه روز پنجشنبه نوزدهم شهر جمادی‌الاولی
مطابق بیست و چهارم ژولیت سنه ۱۸۷۲

کمپانی عامه ایرانی و انگلیسی

به جهت راه آهن و اعمال منفعه عامه در ایران

مطابق امتیاز حقوق از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران به بارون جولیوس دورویتر

فیمابین دولت شاهنشاه ایران و بارون جولیوس دورویتر تقسیم شدن فقرات زیر منعقد و برقرار است

فقره اول دولت علیه ایران بحکم این قرارنامه به بارون جولیوس دورویتر اجازه و اختیار تام میدهد که در فرنگستان به اسم و بر شرایطی که خود مشخص نماید کمپانی یا چندین کمپانیها تأسیس و احداث کند که در تمام خاک ایران به آن کارهای منفعه که در این امتیازنامه مذکور است اقدام کنند و امتیازات مرقومه را مجری بدارد

فقره دویم دولت علیه ایران از برای مدت هفتاد سال امتیاز انحصاری و قطعی راه آهن بحر خزر را الی خلیج فارس به بارون جولیوس دورویتر و هر که او واگذار نماید و همچنین به ایشان حق انحصاری و قطعی به جهت هر شعبه راه آهن که مناسب بدانند خواه به جهت اتصال ولایات و شهرها در داخل خاک ایران خواه به جهت اتصال راه‌های آهن ایران به راه‌های آهن ممالک خارجه از هر نقطه از نقاط سرحدات ایران رو به هندوستان و فرنگستان

بسازند و نگاهدارند از نو

فقره سیم دولت علیه ایران به اصحاب این امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحصاری داده است که در هر نقطه که مناسب بدانند (ترامواها) بسازند خواه بجهة اتصال شهرها و قصبه‌ها و دهکات با همدیگر خواه بجهة اتصال این اماکن براههای آهن یا بآن نقاطی که کمپانی در آنجاها کار دارد کمپانی از برای ساختن این ترامواها همان امتیازات و حقوق را خواهد داشت که بجهة راه آهن در فقرات چهارم و پنجم و ششم داده شده است

فقره چهارم در قرارنامه که بجهة ساختن خطوط راه‌های آهن و شعبه‌های آنها و پلهای جهت دیوارها رکز و تلف در راه‌های احتیاط و برای راه‌های خروج و ورود و منازل و اماکن مسکونی از برای مأمورین و کارخانجات لنگری و انبارها و ملحقات آنها لازم شود دولت علیه ایران همه آنها را اولاً از املاک خالصه مجاناً باین کمپانی مرحمت و در باب اراضی که تعلق باشخاص داشته باشد باید کمپانی با صاحبان آن اراضی بارضای طرفین قرار بگذارد و دولت علیه ایران با تمام وسایل خود کمال سعی و اهتمام را خواهد نمود که این اراضی را بقیمت عادله مملکت از برای کمپانی خریده تحصیل نمود و اگر لازم شود اصحاب این اراضی را موافق قاعده مجبور نماید اراضی خود را به کمپانی بفروشند علاوه بر عرض مقرره راه‌های آهنی دولت علیه ایران از هر طرف خطوط مسلسل این هر قدر طول آنها باشد از املاک خالصه از آن اراضی که تا انقضای این قرارنامه زراعت کرده باشند و یا حاصلخیز شده مقدار بیست متر به کمپانی بدهد و هرگاه علاوه از شهرها و دهات که کمپانی بانقضای مقصود

خو

خود قرار داده است از برای راه‌های آهن منازل قرار بدهد و مسلک کمپانی مقتضی باشد و در بعضی نقاط دولت ولو بزرگ منازل لب زده دولت ایران در آنجاها که کمپانی بخواهد کمپانی چهار هزار ذرع مربع زمین خواهد داد که بجهة امور این مخصوص در آنجا باشند تا از اسباب گذران این دستگاه‌ها فراهم بیاورد

فقره پنجم کمپانی اجازه و اختیار تام دارد که بجهة ساختن و حفظ و تعمیر راه‌های خود هر مصالحی که لازم داشته باشد از قبیل ریگ و سنگ و آهک و غیره از املاک خالصه مجاناً بگیرد و بجهة مصالح تعمیرات از قبیل آلات و ادوات و غیره و دواب و غیره که کمپانی بخواهد در جاهائی که کار دارد بخرد دولت قدغن خواهد کرد که بیش از قیمت رواج مملکت چیزی در بها نگیرند

فقره ششم هر نوع مصالحی که بجهة ساختن و نگاهداشتن طرق آهن لازم باشد داخل مملکت ایران خواهد شد با آنکه هیچ رسومی نه بدهد نه رسوم گمرک نه رسوم بجهة خروج امتعه نه رسوم دخول نه رسوم انبار و نه رسوم دیگر که در عرض سلطنت چه از جانب دیوان و چه از جانب اشخاص مطالبه شود و گمرک حق ممانعت نخواهد داشت اما بطوری که سرعت و درستی در وصول مصالح ملاحظه که مقصود است بهیچ وجه تأخیر نیفتد و همچنین حق معافیت از هر نوع رسوم از برای تمام مصالحی که بجهة اقامت و کار کردن و تعمیر تعمیرات کمپانی لازم شود از جانب دولت معهود بر قرار است مأمورین و عمال کمپانی از هر نوع مالیات داخله معاف خواهند بود و همچنین کل اراضی کمپانی از هر قبیل و هر قدر که باشند از هر نوع مالیات و [illegible]

لکن معاف خواهند بود و محصولات کلیه اعمال و اسباب کار و تعمیرات کمپانی با آزادی از تمام
خاک ایران عبور و مرور خواهند کرد و در عوض هیچ وجه از خاک ایران از هر نوع رسوم و
مالیات معاف و آزاد خواهند بود

فصل سیم طرز نقشه خط راه آهن و معبری که باید بسازند هر قطعه راه آهن که
بسازند با موافقت دولت علیه معین شده و در هر حال ممکن خواهد شد باید امتیاز نامه
مقرره

فصل هشتم روزی که این قرارنامه مهر شود جمیع [illegible] انگلیس [illegible] دولت ایران
و اصحاب این امتیاز در بانک انگلیس [illegible] گذاشته خواهد شد هرگاه در ظرف
این قرارنامه الی [illegible] دیگر شروع به این کار نشود این مبلغ ضبط خواهد شد
مگر اینکه تأخیر شروع کار بحکم اسباب [illegible] بواسطه [illegible] موانعی باشد که از اراده
کمپانی خارج باشد از قبیل جنگ و غرق و تعطیل حمل و نقل در ممالک خارجه [illegible]
قبض حاکم رشت [illegible] که [illegible] راه آهن از رشت الی طهران [illegible]
[illegible] از [illegible] این مبلغ [illegible] به کمپانی رد خواهد شد

فصل نهم کمپانی تعهد می‌کند در تمام مدت این امتیاز از منافع خالص عمل راه آهن
صدی [illegible] به دولت ایران بدهد

فصل دهم [illegible] مدت این امتیاز که عبارت از هفتاد سال است باید
اصحاب این امتیاز قبل از وقت در باب [illegible] تصرف و تمتع این راه [illegible] این مدت
ایشان [illegible] با دولت گفتگو کنند و قراری بگذارند در صورتی که
[illegible] دولت و اصحاب امتیاز قرار تازه [illegible] جمیع خطوط [illegible] که

این

این امتیاز و قرارنامه منافی شرایط باشد با مصالح ثابته و قرارداد [illegible] دولت علیه
بعد در باب ابنیه و توابع خط راه آهن رجوع خواهد شد به آن قواعدی که عموماً سایر
دول رعایت کرده‌اند و [illegible] در این باب برای دولت مسامحه [illegible] اصحاب
این امتیاز در عوض راه آهن به دولت واگذار نمایند حق مطالبه هیچ [illegible] و هیچ
تعهدی نخواهند داشت

فصل یازدهم دولت علیه ایران بحکم امتیاز نامه صادره این قرارنامه حاضره به اصحاب
این امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحصاری [illegible] و در مدت طول این
امتیاز در تمام ممالک ایران معادن زغال سنگ و آهن و مس و سرب و نفت و
و غیره [illegible] و هر معدن دیگر که ایشان مناسب بدانند کار بکنند و از آنها تمتع بردارند
بغیر از آن معادن که ملک مردم است و صاحبان آنها الان در آنها کار می‌کنند
در خصوص این نوع معادن هرگاه کمپانی بخواهد آنها را بخرد باید با صاحبان آنها
بر طبق طرفین معامله نماید بطور [illegible] نوع مقرر است و هیچیک از کارگزاران دولت
و [illegible] هیچیک از [illegible] نمی‌توانند در خصوص یک
معدن ادعای حق تصرف نمایند مگر در صورتی که مدت پنج سال قبل [illegible] بصورت
[illegible] در آن معدن کار کرده باشند [illegible] از این شرط [illegible] که کمپانی
[illegible] ماده [illegible] خواهد شد و از جانب کمپانی [illegible]
آن ولایت [illegible] خواهد شد و اگر لازم شود دولت صاحبان آن زمین را مجبور
خواهد کرد که [illegible] به کمپانی [illegible] دولت معادن طلا و نقره

وجواهر را از برای حفر کانها میدارد و از برای کار کردن این نوع معادن دولت مرقومه
با کمپانی قرار مخصوص گذارد

فصل دوازدهم از محصولات خالص هر معدنی که کمپانی کار میفرماید از دولت ایران
از منافع خالص آن سالی صدی پانزده مرسوم مقرر خواهد گرفت

فصل سیزدهم از برای کار کردن معادن ایران و انتقال آنها براههای آهن و تراموای
و طرق دیگر هر قدر زمینی لازم بشود از املاک خالصه مجاناً به کمپانی داده خواهد شد
بجهت کار کردن این معادن کمپانی بهره یاب خواهد بود از همان امتیازی که در فصل
ششم برقرار است و همچنین محکوم همان تعهداتی خواهد بود که در فقره دهم
معین است

فصل چهاردهم دولت علیه ایران بحکم این قرارنامه بصاحب این امتیاز حق
مخصوص و امتیاز انحصاری و قطعی بمدت طول این امتیاز در جنگلهای
ایران کار کند و آن جنگلها را کار فرمایند و از آنها تمتع بردارند این فصل
کار کردن و تفصیل تمتع کمپانی در جنگلهای ایران هر زمینی که باشد بهر زمینی
که تا امضای این قرارنامه زراعت نشده باشد جایز و معمول خواهد بود در هر
جائی که کمپانی در قطار اشجار را بریده باشد هر اراضی که دولت بخواهد فروخته شد
کمپانی قبل از هر کس حق خواهد داشت که آن اراضی را از دولت بقیمت متداوله
بخرد دولت ایران از منافع خالص این جنگلها سالی صدی پانزده قسمت خواهد برد

فصل پانزدهم دولت علیه ایران بصاحب این

امتیاز

امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحصاری بمدت مدت این امتیاز در تمام ممالک
ممالک ایران بجهت برگردانیدن رودخانهها و جاری کردن آبها و ساختن بندها و دستگاهها
و حفر چاهها و کندن چاههای آرتزین و مجراهای مصنوعی و بجهت آوردن آبها که دولت
بآنها حقی نگذاشته باشد و جاری کردن آن آبها به نقاط مختلفه و حقوق اصحاب
این امتیاز متعلق به آنچه هر عملی و کاری و اقدامی لازم باشد بجهت مجاری آبها
و هیچ صاحب ملکی نتواند بعبور این آبها هیچ نوع مانعی بکند یا عبور را اهمیت
مانع و عوایق بگذارد و از آن طرف هم بصاحب ملک و از عبور این آبها خسارتی
وارد بیاید کمپانی تدارک خواهد نمود

دولت علیه ایران بجهت کارها و بناهای آب گیری و هر نوع اقداماتی که متعلق به آب داشته
باشد هر قدر زمینی هم لازم بشود کمپانی مجاناً خواهد داد و علاوه بر این دولت ایران
از هر طرف جویها که کمپانی ساخته باشد بمقدار بیست ذرع زمین بطول آن جویها
مجاناً بکمپانی خواهد داد و هر زمینی را بدون کمپانی بواسطه آبهائی که آورده باشد
دایر بکند بتصرف اختیاری و زراعت آن زمین حق کمپانی خواهد بود به کمپانی
نسبت آبهائی که آورده فروخته شد باتفاق دولت با رضای طرفین معین خواهد
کرد دولت ایران از منافع خالص این آبها سالی صدی پانزده قسمت خواهد
برد

فقره شانزدهم بجهت ساختن راه آهن و امتیاز آن بحکم این قرارنامه بصاحب
این امتیاز نامه و آنکه در فقره ... است و بجهت اجرای آنها و متعلق کارها و اقدامات

و دیگرات هر در فوق ذکر شده است دولت علیه ایران به بار دون … و دیگر کارها
یا دیگر کارها او اجابات و تفتیش تمام مردم و علم این قرارنامه است به اینکه … اشتباه
نور حمایت از عهده … فرانک باشش میان لیره انگلیسی باشد برسم حصه‌های
شراکت باسند … کارخانه سفت و قیمت … عهده در این
مبلغ را حفظ … اصحاب امتیاز به شخص خواهند کرد
فقره هفدهم دولت ایران که این قرارنامه کلیه هر سرمایه که حاصل شده باشد
یا به حال … سال صدی … ایران عهده … هم کلیه ادای سه و نیم
کلیتاً ضمانت می‌کند
فقره هیجدهم این ضمانت … به عهده … معادن … و جنگل‌های دولت
علیه ایران است این ضمانت … که پس از اتمام خط راه آهن
از بحر خزر الی اصفهان مطابق … طرز و ترکیب … دفتر … است
تا آن وقت … سالیانه را از … سرمایه … حاصل شده است
… سرمایه … اجازه … امتیاز … حاصل …
… ادا خواهد کرد
فقره نوزدهم دولت علیه ایران که این قرارنامه متعهد می‌کند … گمرک‌های
ایران را از تاریخ ماه مارس ۱۸۷۴ مطابق شهر ۱۲۹۱ هجری تا مدت
بیست و پنج سال به اصحاب این امتیاز … به جهت این اجاره گمرکها اصحاب این
امتیاز مبلغ اجاره حالیه را به دولت خواهند داد … هم مبلغ

پانصد

پانصد هزار فرانک بابت … هزار لیره انگلیسی هم سالیانه اضافه خواهند داد این شرایط از برای
پنج سال اول … مقرر است و از ابتدای سال ششم در عوض این پانصد هزار فرانک مبلغ
اضافه … از کل منفعت خالص سالیانه … صدی شصت به دولت داده خواهد شد غیر از
قیمت اجاره
فقره بیستم در صورتیکه دولت علیه ایران بعد از این مصمم شود که امتیاز بانک را یا تجارت
… کمپانی … اقتدار … بدهد … اصحاب این امتیاز که این قرارنامه ملفوظ و
مسطور … از برای این کمپانی‌ها بر جمیع اشخاص و کمپانی‌های دیگر حق رجحان
خواهند داشت
فقره بیست و یکم از برای … کارها و اقدامات از قبیل گاز و فرش کوچه‌ها و تزیین
پایتخت و راه‌ها و … کارخانه‌ها و … کارخانجات ابریشم
و سایر کارخانه‌ها و غیره که بعد از این امتیاز … اصحاب این امتیاز خاصه
در … این … امتیاز حق رجحان بر جمیع اشخاص و کمپانی‌های دیگر خواهند
داشت
فقره بیست و دوم اصحاب این امتیاز در هر وقت … خواهند بود که کلیه این حقوق
که … این امتیاز نامه داده شده است یا بعضی از این حقوق را به هر طور که بخواهند
کمپانی‌ها و دیگر … به شرکت … متعهد …
فقره بیست و سیم اصحاب این امتیاز تعهد می‌کنند که این … معادن و … جنگل‌ها
و … راه آهن … هم شروع … دولت علیه

ایران نیستند در طرف حقوق ملکی ایران معاملات خارجه که کمپانی مختار است بیاورد حق
اجرت به هر قدر عمله که کمپانی بجهة اجرای این اعمال مختلفه لازم داشته باشد بتقویت از اهالی
مملکت از برای کمپانی بهم خواهد رسید

دولت علیه ایران از برای حفظ امنیت هر زمانی و هر محلی که بجهة هر یک از این اعمال
کمپانی داده است و همچنین از برای کمال امنیت هر یک از وکلا و کارگزاران و مأمورین
و عملجات کمپانی هر قدر امدادی لازم باشد اعلام خواهد کرد و هر تدبیری که در باب
آن حکم بجهة اجرای آنها خواهد نمود

فقره بیست و چهارم این امتیاز نامه بزبان فارسی ترجمه شده است در صورت ظهور
مشکلات فیمابین طرفین متعهدین معنی نسخه انگلیسی مستند خواهد بود در طهران
تاریخ بیست و پنجم ژولیه سنه ۱۸۷۲ مطابق روز پنجشنبه هیجدهم شهر جمادی الاولی
سنه ۱۲۸۹ هجری

جناب اشرف امجد میرزا حسینخان مشیرالدوله صدر اعظم دولت علیه ایران
بحکم امتیاز نامه مبارک شاهانه که از جانب اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه
ایران داده شده است باتفاق چند نفر از وزرای دولت این قرار نامه را
امضا و تصدیق داشته و اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی نیز این قرار نامه را
با مضای همایون خود منظور و تصدیق فرمودند

محل مهر همایون	امضای همایون	السلطان ناصرالدین شاه قاجار

وزراء و وکلای دولت علیه ایران که مهر نموده‌اند بقرار ذیل است

نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم	نواب امامقلی میرزا عمادالدوله	جناب میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه
جناب میرزا محمد قوام الدوله وزیر مالیات	جناب حسنعلی خان نظام الملک وزیر مالیه	جناب میرزا محمد علی میرالملک وزیر رسایل مخصوصه
جناب یحیی خان معتمد الملک وزیر دربار اعظم	جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک	جناب محمود خان ناصر الملک
جناب حسینعلی خان وزیر فواید عامه	جناب پاشا خان امین الملک وزیر عدلیه	

این یک فقره است در کتابچه از جمیع فقرات هجدهم قرار نامه سهوا از نوشتن افتاده

بطوریکه مصرح مقررات است که هر گاه در آن وقت اتمام خط راه آهن از رشت الی اصفهان
دولت علیه ایران بجهة ادای منافع صدی هفت مسئول نخواهد بود
آنوقت کمپانی لازم خواهد بود که تا آن وقت معادن و راهها و جنگلها و گمرک را بکار انداخته
بمنافع هر کدام اضافه در منافع آنها منفعت آن سرمایه که ضمانت شده صادر باشد
در صورتیکه اصحاب امتیاز در آن وقت چنان نتیجه حاصل نیاورده باشند از
دولت هیچ مطالبه نخواهند کرد و در اداری تعهد این کتابچه اجحافی که بدولت اضافه کرده باشد
وزراء هم مقرر است هیچ تغییر و جزئی جایز نخواهد داشت و در انجام لازم خواهد بود که منافع

مزبور کارها از روی مرتبه او داده شده با اینکه بعد از جناب رحمه مرتبه دیگر رجال داده شده
باین طور رضا داده که در این امتیاز نامه مقرر شده است و نظر به همه مقررات که
بارون جولیوس درویتر کمپنی قبول این امتیاز نامه حاضر بوده این همه استثنا و انفصال
و انفصال نکند جمیع آن تعهدات که مستر کوت در خصوص این امتیاز نامه در طهران
به عهده گرفته است تبادل به تاریخ بیست چهارم اوت ۱۸۷۲ مطابق روز شنبه
نوزدهم جمادی الثانیه ۱۲۸۹

سواد کاغذی است که مستر کوت وکیل و مامور بارون جولیوس درویتر در طهران نوشته است

بعد از تمکین و رد همه بعض فقرات عهد امتیاز نامه که در ماه اخیر و اعمال فوائد عامه
در ایران داده بامضای اعلیحضرت شاهنشاهی به تاریخ بیست و پنجم ژوئیه ۱۸۷۲ در حق
بارون جولیوس فطانت مزبور من که وکیل بارون درویتر هستم در مقابل جناب
ناظم الملک وکیل دولت ایران تعهدات ذیل را بر عهده میگیرم

فقره اول قرار است جمیع آن کمپانیها که صاحب امتیازات را لابد خواهد که امتیاز نامه
منتقل نماید قبل از وقت باید به ناظم الملک با کره اتفاق نامه مخصوص داشته باشد
تحقیق و قبول نماید

فقره دوم در خارج حول جمیع کارها و اقدامات که راجع به امتیاز نامه مزبور باشد باید
قبل از وقت و پیش از اجرا مامور دولت مذاکره شود و تصدیق او برسد

فقره سیم قیمت و منافع همه در سهام بابت او داده و همچنین قیمت رد منافع و مناسبت صدور
سرمایه های بعد به هر طرز که باشند با ناظم الملک وکیل مشار الیه مذاکره و معقول

خواهد

خواهد شد
فقره چهارم جمیع کارهایی که در تحقیق و اجرا و مسائل دیگر اقدامات که تعلق به امتیاز نامه
مزبور دارد موافق قوانین معموله ممالک فرنگستان با اتفاق مامور دولت ایران در تحت
قاعده وضع خواهد شد و این مقرر است که جمیع این فقرات مذکوره یک امضای مامور
دولت جهت اجرای آن قواعد کافی خواهد بود و نیز مقرر است که دولت ایران هیچ تکلیفی
در خصوص بر عهده نامور جمع نخواهد گذاشت که جنبه را انضباط او در اجرای تعیین این قرارداد
بر هم زند حکم این قرارنامه مشار الیه خواهد بود که لفظ حفظ در امتیاز نامه اصلی نوشته
باشد

ایضاً سواد نوشته مستر کوت وکیل بارون درویتر که در طهران نوشته است

چون والاحضرت فلان ادعا میکند که از جانب دولت ایران با و بعضی حقوق داده
شده است بارون درویتر باید که ادعا او را اعتراف نماید تعهد میکند که این امتیاز نامه
حاضره که موافق قانون تقصیر کرده است مجبور خواهد کرد پس از آنکه والاحضرت فلان
با رابطه یک ترک دعوا دولت ایران را از هر نوع مسئولیت بری ساخته باشد
دولت ایران تعهد میکند که با هر نوع وسایل خود بارون درویتر را تقویت نماید که
از والاحضرت فلان این ترک دعوا را از روی تقصیر که صادر شده است اخذ نماید

امضاء (کوت)

سواد دستخط همایون شاهنشاهی بعد از مراجعت از سفر فرنگستان

جناب مشیرالدوله از امروز بعد از ملت کمپانی با دولت ایران بارانیر یا دکلا

راجع بدولت ایران در فقره راه آهن داشته باشند باید مدت تا کمپانی نماید
و قرار یعنی لازم است داده شود تحریراً فی سنه ۱۲۹۰ در طهران دوم رمضان المبارک
نما فن ریتر ۳ ×

ترجمه قرارنامه ایست که درباب حقوق قونسولها فیمابین دولتین روس و فرانسه منعقد شده است بتاریخ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۱ هجری مطابق هفتم مارس روسی ۱۸۷۴ عیسوی

فصل اول هریک از دولتین معاهدتین حق دارند که در مملکت یکدیگر اگرچه در متصرفات کلنی دیگر هم باشد در بنادر و محل تجارتها جنرال قونسول و قونسول و ویس قونسول و وکیل قونسول نگاه دارند لیکن هریک از دولتین مزبورتین این حق را برای خودشان محفوظ میدارند که هر جا را که مناسب میدانند مستثنی نمایند باین معنی که در آنجاها قونسول متوقف نشود مشروط براینکه این حق برای دول دیگر داده نشده باشد جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها و وکلای قونسولها بعد از آنکه موافق قرار و رسم اهالی مملکت پذیرفته و شناخته شدند از وقت اقدام باجرای خدمت و تکالیف خودشان خواهند نمود

فصل دوم جنرال قونسولها و قونسولها و قونسولها و نایب ها و ویس قونسول و وکلای قونسولها که رعیت دولتی هستند که آنها را مامور کرده از تحمیلات معاف و مسلم خواهند بود اولاً از دادن منزل نظامی و از دادن منزل نظامی ثانیاً از دادن مبرورات ثالثاً از دادن مالیات مستقیم و مالیات شخصی و مالیات متحرک که

بجهة

بجهة نقیض تحمیلات و منافع وضع شده است خواه این مالیات را دولت قرار داده باشد خواه جماعت لکن در صورتیکه مامورین مزبور تا فرق تکالیف و یا تجارتها و یا صنعتی در اهالی مملکت بیتی مصروف خود داشته باشند از وقت انها مطیع همان تحمیلات و عوارضات خواهند شد که سایر اهالی ناس مطیع شده انها از قرار آن گرفت و دیگر نمود و حبس را دیگر در باب کارهائیکه موافق قوانین اهالی مملکت باید رجوع بوزارت شود (مثل آنکه در باب جنایات) از قبیل قتل و سرقت و غیره واگر مامورین مزبور از قبیل تجار باشند مزبوران انها را حبس بازداشت فقط بجهة تجارت لکن نه بجهة مرافعه داشتن این معنی ملحوظ است که انها تجارت دارند و سایر تجار در این قبیل کارها موافق قانون مملکت گرفته و حبس میشوند انها را هم میتوان حبس کرد و اما مطلق بجهة داشتن مرافعه حبس انها ممکن نیست زیرا که جنابیه در فوق ذکر شد این امتیاز برای همانها داده شده است

فصل سیم دولتین که دیوانخانه های مملکت شهادت جنرال قونسولها و یا قونسولها و یا وکلای انها و یا ویس قونسولها را لازم داشته باشند باید انها ادای شهادت کنند لکن به الضرورت کارگزاران عدلیه باید انها را بموجب کاغذ رسمی دعوت بدیوانخانه نمایند و اگر عذری برای مامورین باشد و فقط درکارهای غیر از جنایت باشد کارگزاران عدلیه باید بخود ایشان در منزل انها رفته از زبان انها استماع شهادت کنند یا آنکه باتفاق رسم مملکت تحریراً از انها سوال نمایند مامورین مزبور هم مجبور هستند که خواهش کارگزاران عدلیه را در مدتیکه تعیین خواهد شد بعمل بیاورند

فصل چهارم جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها و وکلای قونسولها میتوانند
نشان دولت خودشان را بالای در (؟) گذاشته و این کلمات را بنویسند
(قونسولگری یا ویس قونسولگری یا وکیل قونسولگری دولت فلان) همچنین در بنادر
بحری مختارند بیدق دولت خودشان را بالای خانه خودشان یا در کشتی که
سوار شده بجهت خدمت میروند نصب نمایند و این محقق است که علامات مزبوره
نمیتوانند دلالت (؟) بر پناه دادن قونسولگری بشوند چونکه فقط بجهت این است که
تبعه و اهل (؟) دولت متبوعه قونسول محل توقف مأمور خودشان را
بشناسند

فصل پنجم دفترهای قونسولگری هر وقت مقدس و محترم خواهند بود ضبط و اقلا
انها عقلا جایز نیست چنانچه کارگذاران محلی نمیتوانند هیچ وقت و بهیچ سببی
که باشد یکی از نوشتجات دفترخانه را ملاحظه کنند و یا ضبط نمایند اگر قونسول
و یا ویس و یا وکیل قونسول علاوه بر شغل قونسولگری در همان محل تجارت و حرفه هم داشته
باشند انوقت باید نوشتجات قونسولگری از نوشتجات و دفاتر تجارت کلا جدا
شود و در جای علیحده گذاشته شود

فصل ششم اگر برای جنرال قونسولها و یا قونسولها و یا ویس قونسولها مانعی روی دهد
مثلا غیبت نمایند و یا بمیرند انوقت دفتردار یا نایب که سابقا بکارگذاران محل
معرفی شده باشند کاملا حق دارند تکالیف قونسولها را معمول و مجری
دارند و در این مدت از همان حقوق و امتیازاتیکه بموجب این عهدنامه بمأمورین
مزبور داده شده بهره مند شوند

فصل هفتم جنرال قونسولها و قونسولها حق دارند بشرط اینکه بین دو دولت معین شود مأموریت
اجازت ویس قونسولها و یا وکیل قونسولها در شهرها و بنادر و جاهائیکه تحت قلمرو
ایالات ایشان تعیین نمایند این مأمورین میتوانند بلا تفاوت از تبعه دو دولت و یا از تبعه
خارجه انتخاب بشوند و باید از قونسولها که آنها را تعیین کرده تصدیق دولت داشته باشند
بموجب همان حکم مأمورین مزبور در تحت حکم قونسول خواهند بود و آنها از همان معافات
و امتیازاتیکه در این عهدنامه تصریح شده متمتع خواهند شد که از مستثنیات که در
فصول چهارم و سیم ذکر گردیده و این مخصوصاً متفق است اگر یکی از تبعه دولتین که محل توقف
قونسول است در یکی از شهرها یا بنادر همان مملکت بسمت قونسول و یا وکیل قونسول تعیین
شده باشد انوقت قونسول یا وکیل قونسول یکی از تبعه دولت متبوعه خود محسوب شده
و مطیع قوانین خواهد شد که سایر تبعه دولت متبوعه خود هستند همان قوانین را
لکن بهیچ وجه تبعیت بقوانین مملکت نمیتواند منع اجرای مأموریت او بشود و یا اینکه
بعضی جهت دفترهای قونسولگری را کارگذاران محلی نمیتوانند تحقیقا ملاحظه نمایند
یا ضبط کنند

فصل هشتم جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها و وکیل قونسولها حق دارند
در صورت نقض فصول عهدنامه‌ها یا قراردادها یا در صورتیکه در حق تبعه انها ظلم
واقع شود و بموجب شکایت انها شده باشد بکارگذاران محلی و خودشان شکایت و رفع آن را
و جواب نمایند و در صورتیکه کارگذاران مزبور حرف انها را مسموع ندارند انوقت
حق دارند اگر در همان دولت مأمور دیپلوماتیکی نداشته باشند کیفیت را بکبری وزارت
همان دولت اظهار نمایند

فصل نهم جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها و وکیل قونسولهای
دولتین حق دارند در منزل خودشان [illegible] بسته و در [illegible] تبعه خودشان
هر ایشان کاپیتانها و ملاحان و مسافرین و تجار و سایر تبعه خودشان رسیده [illegible]
بر حسب قوانین دولت متبوعه خودشان شهادت و سایر اظهارات اشخاص مزبوره
را ثبت نموده تصدیق ایشان داشته باشند (و هم عبارت از تعرفات که در باب
[illegible] مستندات شرعیه تعیین میشود)

اولاً میتوانند وصیت نامه و قباله و سایر اوراق معامله و سایر مستندات شرعیه متعلقه
به تبعه خودشان را ثبت بنمایند لکن اگر این مستندات در باب رهن که [illegible] و [illegible]
املاک غیرمنقوله است که در آن مملکت متوقف قونسول است آن وقت باید
مستندات مزبوره موافق قواعد و قوانین مخصوصه همان مملکت نوشته
شود

ثانیاً میتوانند مستندات را که فیمابین یک نفر یا اشخاص متعدد و اهالی همان مملکت
که در آن متوقف قونسول است نوشته میشود همچنین مستنداتی که فیمابین اهالی همان
مملکت متوقف قونسول جاری میشود لکن متعلق بالاملاک و کارها میباشند که
در مملکت قونسول واقع است یا کرده خواهد شد آنها را هم با مهر خود مزبور [illegible]
انشاء و امضا کنند همچنین مأمورین مزبوره حق دارند مستندات کارگزاران دولت
متبوعه خودشان را ترجمه کنند و با مهر و امضای خودشان معتبر و تصدیق نمایند جمیع
این مستندات که در فوق ذکر شده همچنین هم سواد و ترجمه [illegible] اگر بطور
لازم معتبر و تصدیق شده باشد [illegible] قونسولگری رسیده باشد در [illegible] و وثوق

مشابه آنها

مشابه آنها همان قوت و اعتبار را خواهد داشت که سایر مستندات که در پیش ناظر
یا مأمور دولت همان مملکت تمام شده و هم مشروط بر اینکه از این مستندات حقوق مهر
[illegible] و ثبت دفتر و سایر مالیات معموله ملکی که همان مستندات در آنجا ابراز و مجری
خواهد شد استیفا شده باشد

فصل دهم جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها و وکیل قونسولها میتوانند
در صورتیکه این قاعده مجری شده و [illegible] خودشان اتفاقاً کشتیهای تجارتی خودشان [illegible]
مکتوب مأمورین مرقوم شده تا اینکه از کاپیتان و یا ملاحان استنطاق نمایند و از مستندات کشتی را
ملاحظه کنند و اظهارات آنها را در باب مسافرت و مقصد و مقاصد و حوادثات
شنیده و مشروح بنویسند و مسافرت آنها را سهل نمایند و یا اگر آنها بدیوانخانه‌ها و
دفترخانه‌ها کارگزاران همان مملکت بروند همراهی نمایند و [illegible] کارگذاری
و غیره در باب امورات اتفاقیه یا خواهش‌های آنها کنند که در صورتیکه مخالف
قوانین تجارتی مزبوره را مجری دارند [illegible] کارگزاران عدلیه و صاحب منصبهای
گمرکخانه باید حتی‌الامکان ملاحظه در حضور قونسول یا وکیل قونسول باشند
در صورت [illegible] این باب نقل قونسول یا ویس قونسول و یا وکیل قونسول [illegible]
میشود باید بدقت ملاحظه حتمی معلوم شده باشد اگر در ساعت معینه خود قونسول نیز
یا یک نفر وکیل نفرستاد آن وقت کارگزاران بدون حضور قونسول و یا وکیل
او میتوانند حتی‌الامکان ملاحظه لازمه را بکنند
این متفق است که این فصل تنها [illegible] که کارگزاران عدلیه بموجب قواعد گمرکخانه
اتخاذ کرده‌اند شامل نمیشود و آن تنها [illegible] و قرار [illegible] بدون حضور قونسول و [illegible]

آن مجری خواهند شد

فصل ۱۸ رسم در باب حفظ نمودن و بار کردن کشتیها و پائین آوردن بار آنها و امتعه
مال التجاره و امور گمرک و اسباب قوانین و قواعد معموله مملکت دولتین علیه ایران
قونسولها و ویس قونسولها و وکیل قونسولها مکلف هستند و منظورا داخله کشتیهای تجارت
هموطنان را حفظ نمایند پس در اینصورت متنازعات را که فیما بین کاپیتان
و صاحب منصبان و ملاحان کشتی اتفاق میافتد خاصه متنازعات را که در باب مواجب
و اجرای حقوق قرارنامه در میان باشد حقوق مامورین مزبور حل و قطع میکنند
کارگزاران محلی نباید اینها را مداخله نمایند مگر در صورتیکه منازعات در دعوا
که اتفاق افتد نظم شهر و ساحل را مغشوش کند یا آنکه کسی از اهل مملکت یا دیگر
که داخل جزو عمله جات کشتی نیست یکی از منازعه کننده ها باشد

در سایر مسائل تحقیقات کارگزاران محلی اینها خواهد بود که اگر قونسول یا ویس قونسول
یا وکیل قونسول در باب گرفتن یا حبس کردن نفری از عمله جات کشتی حمایت اینها را
لازم داشته باشد تقویت لازم را بکنند

اگر لازم شود که حبس اشخاص مزبوره طول بکشد آن وقت قونسول یا ویس قونسول
هر چه بشود ... باشد بموجب الحکم رسمی کارگزاران عدلیه اطلاع بدهند

فصل ۱۹ام اگر یکی از عمله جات کشتی فرار نماید

اگر هر طرف یکی از ... کشتی ... هم باشد فرار قونسولها و قونسولها و ویس
قونسولها و وکیل قونسولها مرقوم انها را اگر خواه کشتی دولت هموطنان خودشان خواه
و خواه مملکت خودشان در این باب لازم است که مامورین مزبور در این باب را رسما

بکارگزار

بکارگزاری محلی اظهار کرده و در اثبات اینکه اشخاص مزبوره فی الحقیقه از عملجات
کشتی بوده اند یا دفتر کشتی یا سرخط ها یا سایر نوشته جات را که فقره مزبوره اثبات
میکند ابراز نمایند و اگر کشتی حرکت کرده باشد سواد صحیح دفترها مصدقا
فوق الذکر را نشان بدهند چنانچه کارگزاران محلی هم بعد از انکه تصدیق
ادعای مامورین مزبور را بموجب سطور محقق کردند مخیر نباشند در دادن قراری
فوری که ادنی ممانعت نمایند

حتی لازم است که کارگزاران محلی با مامورین مزبور در باب تفحص و دستگیر فراریها
لوازم حمایت و تقویت را بکنند و بموجب اظهار رسمی مامورین مزبور اینها را
بمخارج قونسولگری در حبس نگاه دارند تا اینکه کشتی ها اینها از عملجات او بوده اند
برسند یا وسیله فرستادن اینها بمملکت خودشان اتفاق بیفتند اگر از روز حبس
فراریها الی سه ماه وسیله فرستادن مفقود شده یا اینکه مخارج اینها منظما
مطابق قاعده داده نشد آن وقت کارگزاران محلی مختار هستند فراریهای
مزبوره را از حبس بیرون کنند چنانچه فراریهای مزبور دیگر مرتبه بجهت تقصیر
مزبور گرفتار نشوند و دیگر حبس نشوند

اگر فراری در ساحل مرتکب خلافی یا یکی از امور جنایت شده باشد آن وقت
کارگزاران محلی میتوانند فرستادن او را تاخیر بیندازند تا کار او در
دیوانخانه تمام شود و فتوای دیوانخانه کاملا و بالتمام در حق او مجری
گردد

ملتین متعاهدتین در این باب متفق هستند اگر فراری یا عملجات دیگر کشتی یکی از تبعه

مگر اینکه در این فاصله اگر ده سال است از وقت شخص مزبور در تحت مصونیت این فصل
مستثنی و معاف می‌باشد

فصل بیست و دوم هرگاه وقتی که میان صاحب کشتی و بارکننده و بیمه‌کننده‌ها اختلافی
باشد قطع و فصل عیوبیکه به کشتی رسیده و بین خواه کشتی مزبور در حینیکه در آب
بار روانی بشود و خواه جمیع آن با مأمورین قونسول خواهد بود مگر اینکه منفعت یکی
از اهالی آن مملکت که مأمورین قونسول است یا منفعت شخص تبعه دولت دیگر
در میان باشد از وقت قطع و فصل آنها با کارگذاران محلی خواهد بود

فصل بیست و سوم وقتیکه یکی از کشتیهای دولت یا تبعه قونسول غرق بشود کارگذاران
محلی هرچه زودتر مراتب را به استحضار جنرال قونسول یا قونسول یا وکیل قونسول
که اقرب محل وقوع حادثه باشد باید برسانند اما مادامیکه در باب مستخلص کردن
کشتی غرق شده و چیزهای نشسته روس در آب فرانسه می‌شود با تمام از جانب
جنرال قونسول و قونسول و ویس قونسول و وکیل قونسول روس معمول خواهد
شد و همچنین عکس اقدامات استخلاص کشتی فرانسه در آبهای روس از جانب مأمورین
فرانسه خواهد بود

مداخله کارگذاران محلی در مملکت یکدیگر فقط در این باب خواهد بود که قونسولها
حمایت نمایند و نظم را حفظ کنند و حقوق خلاص‌کننده‌ها را که جزو
عملیات کشتی شکسته اشتغال نمایند و اجرا دارند و قواعدیرا در باب داخل کردن و
بیرون بردن اموال مستخلص شده وضع شده مجری نمایند
در صورت غیبت جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها و وکیل قونسولها و تا وصول

اینها

اینها و یا مأمورین اینها کارگذاران محلی باید حمایت لازمه را از اشخاص کشتی شکسته
و نگذارند اموال مستخلص شده نقص و حیف و میل بشود

فصل بیست و چهارم جنرال قونسولها و قونسولها و نایب قونسولها و ویس قونسولها
و وکلای قونسول در مملکت دولتین متعاهدتین و سایر متصرفات اینها از همان
حقوق و امتیازات و معافاتیکه با مأمورین سایر دول متحابه در مملکتین داده شده
بهره‌مند خواهند شد

فصل بیست و پنجم این عهدنامه از روز امضا الی ده سال معمول و مجری خواهد بود
اگر یکی از دولتین متعاهدتین یکسال پیش از انقضای مدت به دولت دیگر اظهار
نکرد که فصول این عهدنامه را متروک دارد باز تا یکسال از تاریخ انقضا
مجری و مستدام خواهد بود

فصل بیست و ششم رئیس دولت جمهوری فرانسه متعهد می‌شود که بجهت امضای این عهدنامه
از مجلس ملی اذن گرفته تصدیق و اجرای این عهدنامه را حاصل نماید و مبادله این عهدنامه
هرقدر ممکن باشد زودتر در پطربورغ بشود و الا فاصله مجری خواهد بود
حالیه وکلای مختار طرفین این عهدنامه را امضا کرده و به مهر خودشان ممهور
نمودند در پطربورغ بیستم ماه مارس روس اول ماه آوریل فرانسه سنه
هزار و هشتصد و هفتاد و چهار مسیحی

محل امضای گرچقوف وزیر امور خارجه روس — محل امضای جنرال لفلو سفیر
کبیر فرانسه مقیم اینجا

(مطابق ماه ربیع الثانی
۱۲۹۱ هجری)

بسمه تعالی

فیمابین جناب حسینعلی خان وزیر فواید عامه دولت علیه ایران و جناب میرزا ... خان
امین الملک وزیر رسایل خاصه با اختیارنامه و اجازه که از دولت متبوعه خود داشته
از یک طرف و جناب فالکن هاگن ژنرال ماژور مهندس معاف شده از خدمت دولت امپراطوری
روس از طرف دیگر فصول ذیل در باب ساختن راه آهن از کنار ارس تا به شهر
تبریز معین و مقرر گردید

فصل اول

فالکن هاگن ژنرال ماژور مهندس معاف شده از خدمت دولت روس متعهد می‌شود
که راه آهنی از نزدیک قصبه جلفا بین رود ارس و شهر تبریز با پول و سرمایه خود بسازد
و کمپانی دیگر که اسم این راه آهن راه آهن تبریز خواهد بود از برای اینکه این راه
آهن را با راه آهن قفقازستان متصل نماید دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران وعده
می‌دهد از دولت اعلیحضرت امپراطور روس خواهش نماید که یک راه آهن از شهر
تفلیس الی سرحد ایران در قصبه جلفا یا نقطه دیگر در رود ارس که مقابل جلفا
باشد بسازد در این صورت ژنرال ماژور مهندس مشار الیه متعهد می‌شود که راه
آهن خود را به راه آهن روس متصل نماید و به اداره راه آهن روس نصف قیمت پل را
که بر روی رود ارس ساخته می‌شود کارسازی نماید

فصل دوم

فالکن هاگن ژنرال ماژور مهندس حق ندارد که این امتیازنامه را که دولت
اعلیحضرت شاهنشاهی برای ساختن و بکار بردن راه آهن به او داده است به دیگری منتقل نماید

الا

الا کمپانی که ژنرال مهندس مشار الیه خودش تشکیل داده برای این راه آهن انتخاب
و معین نماید و کمپانی که در تمام مدت ساختن راه آهن حق فالکن هاگن ژنرال
ماژور را باید داشت و بعد از اتمام راه آهن کمپانی مختار خواهد بود اداره بکار
انداختن راه و اعمال متعلقه بحرکت راه را که به فالکن هاگن رجوع نماید یا به دیگری
چون دولت ایران تا کمپانی قانونا از برای اینگونه امورات تشکیل نشده است
این کمپانی ژنرال ماژور فالکن هاگن متعلق خواهد شد موافق قوانین دولت روس
که از برای انتقال کمپانی بنای این راه آهن مقرر است

فصل سیم

ژنرال فالکن هاگن متعهد می‌شود کمپانی که بجهت این مقصود متعلق خواهد شد تا ده
ماه بعد از مبادله این امتیازنامه مشغول به ساختن راه آهن شود مقصود از این شروع به شغل
اشتغال به اعمال جسیمه حقیقیه است نه مقصود اشتغال به اعمال عمده مقدماتی است
بر وجهی که این جزو اقدام کند به اعمال راه را انتقال نماید و اگر کمپانی خواسته
هرگز در ظرف ده ماه بعد از مبادله این امتیازنامه شروع بکار نماید جایز و مختار
خواهد بود و نیز کمپانی متعهد می‌شود که از تاریخ شروع بکار راه آهن تبریز بنهایت
پنج سال راه آهن را انجام تمام نماید و بکار بیندازد و در این ضمن متعهد می‌گیرد که اگر
دولت اعلیحضرت امپراطور راه آهن از تفلیس تا جلفا را زودتر از انقضای مدت فوق تمام
تمام کند کمپانی ژنرال فالکن هاگن شش ماه بعد از راه افتادن راه آهن تفلیس به جلفا
این راه آهن را کاملا تمام کند و دولت اعلیحضرت شاهنشاهی وعده می‌دهد که چنانچه
در فصل اول این امتیازنامه مقرر است از دولت اعلیحضرت امپراطور خواهش نماید

که راه تفلیس بجلفا را در ترتیب نموده تمام برسانند و از برای مخارج آن هر کیلومتر
مذکوره از عهده تعهدات حق را به ژنرال فالکنهاگن و شرکت آن کیلومتری چهار ماه و به
از امضاء و مبادله این امتیازنامه مبلغ یکصد هزار [illegible] بابت [illegible] را به یکی از
بانکهای دولت روس که دولت ایران معین نماید موافق قواعدی که در روسیه معمول است
وثیقه بگذارد و این وثیقه بعد از ساخته شدن راه آهن به این تفصیل که پس مسترد
خواهد شد

بعد از قطع راه	بعد از گذاشتن چوبها	بعد از نصب کردن میلهای راه آهن
[illegible] هزار منات	[illegible] هزار منات	[illegible] هزار منات
بعد از راه افتادن قطار	[illegible]	
[illegible] هزار منات		

فصل چهارم

آنچه که ساخته میشود باید محکم و موافق قواعد عالیه معماری و مهندسی که در راههای آهن دولت روس معمول است ساخته شود اختلاط و انحراف راه باید با قواعدی که [illegible] اتخاذ کرده و انگاه در کار کردن راه ظاهر شود راه باید یک شعبه باشد و فاصله مابین دو میل آهن از طرف اندرون باید [illegible] انگلیس باشد طول شیب که از برای نگاهداشتن چرخ ارابه و رد شدن عرادهای دیگر ساخته میشود باید موافق اتفاقاتی که از برای کار کردن راه باشد و کلیه باید کمتر از [illegible] طول تمام راه باشد وزن میلها اگر آهن باشد هر یک یارد انگلیس آن نباید کمتر از پنجاه و چهار گیروانکه انگلیس باشد پلها و دره‌ها و نهرها باید از سنگ یا آجر یا فلز

یا فولاد

باشد دیوار از سنگ و [illegible] از آهن باشد و درب و دکانها به اصطلاح فرانسه (گار) مرکب نیز و انبارها از برای جمع جنس تجار و کارخانها باید از سنگ یا آجر باشد سایر بناها هم از منازل که (استاسیون) مرکب نیز و آنچه که در عرض راه واقع میشود از مصالح معموله و مطبوعه که در آن مکان متداول است ساخته شوند منازل را باید موافق قاعده آب داشته باشند و عده منازل کمتر از [illegible] نباشد عدد نقاط قطع راههای معموله و قناتها در راه باید موافق اتفاق مکان باشد در حین افتتاح راه باید اسباب متحرک از قرار تفصیل ذیل

مجمع بخار	عراده مسافرین از [illegible] درجه	عراده بارکشی
بیست	[illegible] دستگاه	[illegible] دستگاه

در سال اول راه حاضر باشد کمپانی باید اسباب متحرک را مطابق ازدیاد تردد مسافرین و حمل و نقل امتعه از راه آهن زیاد نماید تا به قسمی که در هر لزوم راه [illegible] کمپانی متعهد میشود که عراده که [illegible] فرانسه (ترن) مینامند مخصوص حرکت مرکب در این راه حاضر نماید

فصل پنجم

طول حقیقی و قطعی راه آهن معین خواهد شد بعد از طرح راه آهن از روی تحقیقات مفصل

فصل ششم

کمپانی حق خواهد داشت که با پول و به خرج خود راه آهن تبریز را [illegible] هم در حینی که در فصل سیم از برای آن معین شده است و هم در مدت چهل و چهار

سال تقویم فرنگی از وقت افتتاح حرکت از روی راه آهن مزبور

فصل هفتم

سرمایه اسمی کمپانی که باصطلاح فرانسه (کاپیتال) می‌گویند شش میلیان و چهار صد و پنجاه هزار، با جاقوی روسی مبلغ می‌شود و به واسطه اختراع و اصدار اسناد موسوم به (اکسیون) منعقد می‌شود و در اختیار کمپانی خواهد بود که قدری از اسناد اکسیون را به اسناد موسوم به (او بلیقاسیون) تبدیل نماید

فصل هشتم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی به کمپانی ضمانتی را که بفرانسه (گارانتی) می‌گویند از روز اتمام راه آهن تبریز و استدامه حرکت آن و الحاق آن به راه آهن از تفلیس الی جلفا الی انقضای مدت امتیاز نامه منفعت خالص سالیانه از قرار صدی پنج از صد از سرمایه اسمی کمپانی که در فصل هفتم ذکر شده است یعنی سالیانه مبلغ یکصد و ده هزار تومان رایج ایران تومانی ده عدد صاحبقران که هر صاحبقران عبارت است از بیست و یک کاپیک و کسری که یک نقره روسی یا فرانسه (استالینگ) می‌گویند بدهد اما دولت ایران مجبور نیست سکه دیگری بجز سکه خود بدهد یعنی تومانی ده عدد صاحبقران مقصود این است که اگر منافع خالص سالیانه راه آهن تبریز به سالی یکصد و ده هزار تومان نقود دولت ایران نرسد کسر آن را بدهد و ادای این پول در سالی یکدفعه می‌شود مبنی سی‌ام دیگر روز بعد از تقدیم محاسبات کمپانی که آن تقدیم باید هر سال در شب عید نوروز که بیست و یکم ماه مارس است بشود

فصل نهم

دولت

فصل نهم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی حق خواهد داشت که حساب خارج کارکردن راه آهن و منافع او را رسیدگی نماید و این رسیدگی توسط اشخاصی که دولت ایران مخصوصاً مأمور می‌نماید و موافق قواعدی که در ولایتهای راه آهن موجود معمول است خواهد بود و کمپانی متعهد می‌شود که خارج کارکردن راه آهن از اندازه و قاعده که در راه‌آهن‌های روسیه متداول است تجاوز ننماید

کمپانی متعهد می‌شود که به دولت اعلیحضرت شاهنشاهی صدی از صد از منافع خالص که از کارکردن راه آهن بعد از برداشتن از صد از سرمایه اسمی کمپانی که در فصل هفتم مندرج است حاصل می‌شود کارسازی کند

فصل یازدهم

دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران وعده می‌دهد که از دولت امپراطوری خواهش نماید که کمپانی را در فروش اسناد مندرجه در فصل هفتم در ممالک خود تقویت نماید

فصل دوازدهم

بعد از انقضای مدتی که جهت تصرف کمپانی در راه آهن در فصل ششم معین شده است دولت اعلیحضرت شاهنشاهی راه آهن مزبور را با جمیع ادوات و آلات متحرکه و غیر متحرکه خود در آن متصرف خواهد شد لیکن در این مقام در عوض چرخهای کالسکه و عرادها و آلات و ادوات دیگر که کمپانی در سر اسباب که در ابتدای اتمام راه آهن موافق فصل چهارم موجود بوده افزوده است قیمت آن اسبابها را از قراری که در روزی که به کمپانی داده خواهد شد دولت ایران قیمت و نقد کالای اموال و اسباب افزوده شده را تصدیق خواهد

و یا بر ضرر طرفین کمپانی رد خواهد کرد و همچنین کمپانی جمیع تدارکات [illegible]
مصالح دیگر راه را دولت اعلیحضرت شاهنشاهی واگذار خواهد کرد و قیمت آنها [illegible]
[illegible] کمپانی داده خواهد شد

فصل سیزدهم

کمپانی حق خواهد داشت که نرخ حمل و نقل مسافرین و اموال را از راه آهن تبریز موافق مقتضیات تجارت و حمل و نقل اموال و اشخاص را موافق قواعد و نظمی که در راههای آهن روس و سایر راههای راه آهن فرنگستان متداول است برقرار دارد

فصل چهاردهم

کمپانی مکلف است که رشته تیلگراف که در زمان نظم و حفظ حرکت راه لازم است از پول خود در پهلوی راه آهن بکشد

فصل پانزدهم

کمپانی مختار است که [illegible] هر جور نوکری از اشخاص را که لازم داشته باشد خواه از رعیت اعلیحضرت شاهنشاهی خواه از رعایای [illegible] بگیرد به شرط اینکه آن اشخاص که نوکری کمپانی را خواهند کرد [illegible] از آن اشخاص مشهور [illegible] نبوده باشند و در نزد کارگزاران دیوانی مقصر [illegible]
و اگر اتفاقاً کمپانی چنین شخصی را به نوکری خود قبول نموده به محض [illegible] کارگزاران دولت [illegible] آن شخص را از نوکری رفع خواهد نمود

فصل شانزدهم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی تعهد می‌کند که کمپانی از زمینهای [illegible] که در سر راه

آهن

آهن از تبریز الی رود ارس واقع است زمینی که در کنار راه آهن با منازل و [illegible]
آن لازم است مجاناً [illegible] عرض این اراضی از هر طرف [illegible] راه آهن [illegible]
فرانسه و [illegible] در جاهائی که انبار و منازل باید ساخته شود [illegible] فرانسه عرض و [illegible]
[illegible] فرانسه طول خواهد بود

و اگر لازم شود از شعبات راه آهن شعبه‌ای که به یک طرف کشیده شود این شرط در
آن باب هم مجری است و اگر در جاهائی که در کنار راه آهن و منازل و متعلقات آن لازم
شود که مال اشخاص باشد و اگر مجبور شود بناهائی از بناهای متعلقه به دولت یا اشخاص
خراب شود دولت در باب بهای اراضی متعلقه به اشخاص و خراب کردن بناها در صورتی که
کمپانی عوض و قیمت مالکانه آنها را [illegible] کمپانی [illegible] خواهد نمود

هرگاه احدی در فروش اراضی یا تخریب ابنیه با اخذ قیمت معموله راضی نشود دولت
[illegible] کمپانی به تخلیه اراضی و تخریب ابنیه [illegible] قیمت مالکانه را [illegible]
[illegible] مساجد و مقابر و بقاع شریفه از تخریب مستثنی است

فصل هفدهم

کمپانی [illegible] خواهد بود که در حدود معینه اراضی که جهت راه و ابنیه آن تخلیه می‌شود
هر نوع معادنی را که در [illegible] راه آهن و ابنیه در راه یافت شود [illegible]
و اگر در حدود اراضی [illegible] کمپانی [illegible] با فاصله [illegible]
[illegible] از راه آهن [illegible] اراضی که جهت آن تعیین شده است [illegible] معدن [illegible]
یافت شود دولت ایران قبول می‌نماید که حق کار کردن در این معدن را به کمپانی واگذار
نماید و کمپانی متعهد می‌شود که حقوق صاحبان املاک را از سطح زمین [illegible] بکند

و اگر صاحبان املاک مانع کار کردن کمپانی در آن محال بشوند دولت اعلیحضرت
شاهنشاهی چنانکه از قرار در باب تخلیه اراضی از برای راه آهن مقرر شد تقویت خواهند نمود
و صاحبان املاک را وادار خواهد کرد

فصل چهاردهم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی متقبل است اگر که در وقت ساختن و کار کردن راه
لازم شود [illegible] کمپانی تا داده [illegible] اگر خود دولت چنین اراده
داشته باشد و هرگاه کمپانی بصلاح خود بداند از جاهائی که آب یا سبزه
باشد و احداث (ارتزیره) یعنی چاه مصنوعی به تنقیه و احداث قنوات
کند معمول الملک که بقنوات مردم بهیچ وجه اختلال نرسد [illegible] از برای
حفر آنها تحصیل نماید آن وقت آن

فصل پانزدهم

آلات و ادوات و مصالح مخصوصه راه آهن چه در وقت ساختن و چه
در وقت کار کردن راه آهن از ادای وجوه گمرک و سایر رسومات
معاف خواهد بود

فصل شانزدهم

از ادای وجوه مداخل راه آهن نیز از ادای هر رسومی معاف می باشد
و نیز کمپانی از ادای رسوم معاملات و مستغلات متعلقه به ساختن و کار کردن
راه آهن معاف است از برای حمل و نقل [illegible] زمین و [illegible] اجاره و داشته دیگر از
راه آهن [illegible] از جانب کمپانی معین شده است نباید ادعای [illegible]

ننموده

ننموده و خواه اشخاص دولت و خواه خود دولت هیچ رسومی و حقی بعنوان گمرک
نخواهد مطالبه و دریافت نماید

فصل هفدهم

کمپانی اداره امور متعلقه به ترتیب و کار کردن راه آهن و دفترداری و محاسبات
خود را در محل مخصوصه راه آهن و کالت [illegible] (در کنترل) [illegible]
واگذار نماید و این اداره وکیل کمپانی است هم در نزد اولیای دولت اعلیحضرت
شاهنشاه ایران و هم در نزد کارگزاران امور و هم در نزد اشخاص متعلقه که با کمپانی
سروکار دارند و همین جهت کل امور متعلقه کمپانی باید باین اداره رجوع شود

فصل هجدهم

از برای رسیدگی و قطع و فصل هر نوع گفتگو و دعاوی که در امور کمپانی در اجرای
فصول این امتیاز نامه خواه از جانب دولت علیه ایران و روس و خواه
از جانب [illegible] و خواه از طرف کمپانی ظهور برسد یک مجلس [illegible]
[illegible] مرکب باشد از یک نفر رئیس [illegible] دو نفر اعضای مجلس از جانب دولت
ایران و یک نفر صاحب منصب از ژنرال قونسولگری روس مقیم تبریز با دو نفر
از جانب کمپانی در صورت اتفاق آراء امر اتفاقیه را قطع و فصل نمایند
در صورت اختلاف باکثریت و در صورت تساوی [illegible] را از [illegible] ژنرال
قونسولگری روس رجوع نماید اگر [illegible] کار را در [illegible] قطع و فصل
کرده [illegible] طرفین رجوع به [illegible]

فصل نوزدهم

اگر دولت اعلیحضرت شاهنشاهی خواسته باشد یک راه آهن از تبریز بنقطهٔ دیگر آن لب رود
باید اجازه بکمپانی باشد و در برابر ساختن راههای آهن که در مدت پنج سال
از روز امضای حتمی این امتیاز نامه حق دولت ایران و یا کمپانی دیگر در مسافت
صد میل انگلیسی از یک نقطه از نقاط راه آهن مذکوره بهیچوجه نباشد زیرا
دولت اعلیحضرت شاهنشاهی کمپانی راه آهن تبریز را در صورت شرایط مساوی
بسایرین ترجیح خواهد داد

فصل سی و سیم

اگر کمپانی ژنرال فالکنهاگن راه آهن تبریز را بر طبق عهدی که در فصل سیم معین شد
تمام ننماید از جهة تقصیر خودش مگر بجهة آنکه از اختیار او خارج است از
قبیل وقوع جنگ و محاصره بنادر روسیه یا ایران شده که در موقع
کار مانع اشتغال میباشند و غرق کشتیهای حامل مرقومات راه آهن یا
بسبب بروز انقلابات مهمه عرضکه مجلس کمیسیون مصدق آن باشد مدت
اتمام و افتتاح راه آهن باندازهٔ مدت موانع و مشکلات امتداد خواهد یافت و لیکن
اگر کمپانی بتقصیر خود باعث شود که راه آهن را در مدت مقرره تمام ننماید دولت
اعلیحضرت شاهنشاهی در وجه ضمانت او را مستفید میسازد و شرط ... هم ... ملکی
شش ماه بعد از این تتمه ... کمپانی از عهده تعهدات خود برنیاید از جمیع حقوق
که امتیاز نامه باو میداده محروم مانده و مبلغ یکصد هزار ... و نقره سکه
که در فصل سیم مذکور است بدولت ایران تسلیم کرده در مدت یکسال باید محاسبات
خود را تفریغ حتمی و قطعی که بزبان فرانسه (لیکویداسیون) مینامند نماید و در این صورت

کمپانی

کمپانی حق دارد در کل مملکت خود سهم به هر کس بخواهد بفروشد

فصل سی و چهارم

چون بر طبق مفاد این امتیاز نامه باید این کمپانی در روسیه منعقد شود ژنرال
فالکنهاگن متعهد میشود که تماماً در ظرف شش ماه بعد از امضای حتمی راه آهن
موافق فصل سیم این امتیاز نامه بصورت قواعد کمپانی راه آهن جات فرانسه (اسطاطو)
مرکزیه و موافق قواعد دولت روسیه نوشته و تصدیق شده است بدولت اعلیحضرت
شاهنشاهی تقدیم نماید دولت اعلیحضرت شاهنشاهی و ... برای ترویج کار کمپانی
با دولت روس قرار گذارد که دولت روس اجازه بدهد که قواعد کمپانی در روزنامه
نوشته شود و اسناد (اکسیون) و (اوبلیگاسیون) کمپانی در آن مملکت دایر گردد

فصل سی و پنجم

اسناد موسومه به اکسیون و اسناد موسومه به اوبلیگاسیون کمپانی را خود کمپانی
حاضر نماید و این اسناد باید بیک زبان خارجه بضمیمه زبان فارسی باشد به اسناد
متعدده ... عبارات زبان فارسی نوشته شود و به ثبت و مهر دولت ایران
برسد و این فقره شروط و مقررات که کمپانی در نشر حکم بر روی آن اسناد
نوشته میشود درج نماید که ادای وجه و منافع آن اسناد عهده کمپانی است و هیچ ربطی
بدولت ایران نداشته باشد

فصل سی و ششم

کمپانی ژنرال فالکنهاگن متعهد میشود که در (واگونها) جای طایفه اناث
علیحده باشد و نیز در منزلها آشپز و قهوه‌چی و شربت دار مسلمان داشته باشد

دیگر از رسائل جاری خارجه تمت

فصل بیست هشتم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی متعهد گشته که بعد از امضاء و مبادله این قرارنامه
بدون تأخیر و فوراً احکام لازمه صادر نماید که حکام و مباشرین عرض سبیل
بهمه سبیل مأمورین که ناگزیر برای بازدید و کشیدن مساحت و تعیین خطوط
راه آهن و عملیات این مأمورین شوند لازمه تقویت بعمل آورند

فصل بیست نهم

فالکن هاگن ژنرال ماژور مهندس روس اختیار دارد که جمیع تدابیر
لازمه اجرای مفاد این امتیازنامه را معمول دارد و دولت اعلیحضرت
شاهنشاهی قبول می نماید که به فالکن هاگن ژنرال ماژور مهندس فوق کمال
مساعدت خواهد کرد کمال تقویت را در هر وقت و از هر بابت جزئیه و کلیه
در مساعدت و دایر نمودن راه آهن تبریز بعمل آورد

تاریخ پنجشنبه پانزدهم ذی حجه الحرام ۱۲۹۱ هجری مطابق بیست و یکم
ژانویه ۱۸۷۵ عیسوی منعقد و ممضی شد   مهر

مهر نیاز ادرلی

همراه نقاط

سواد نامه شاه سلطان حسین صفوی پادشاه هشتم از صفویه خطاب بپادشاه
به الکسی اوغلی پطر کبیر اول سنه ۱۱۰۸ هجری مطابق سال
۱۶۹۶ مسیحی

پطر الکسای اوغلی اولوغ بی اق خان
اق اردو نبک و مسکو نبک و کباد نبک و لادمیر نبک و نوغراد
نبک و قازان نبک و حاجی ترخان نبک و توراننبک و نوسفا
نبک و اسپلان نبک و توربنبک و جوغنبک و پرنبک و نکا
نبک و بلغار نبک و اوزکر انبدانجی بولغان نوغراد نبک چرنیغا
نبک و رزان نبک و راستو نبک و یاراسلاو نبک و اف کول
نبک و اودور نبک و اوبدور نبک و قاندین نبک و جمله شمال
طرفی نبک بیوک شاهلیق خان حضرتلرینه بیوک دولتلو تکلو
و کوپ کوب تحفه لر کیم ادالا در بزره بر کیلدن دوستلق شانی
دایرنا جانبا نفی فانانشو قلیفتی نمایان قیلغای صیاد تماندین
حکره جا بلیکزنه مومدا اقد و دغای بیزکیم جنت بر بیلق
خاقان و اوجاق نر للیق خسرو عالی مکان شاه بابام انار الله
برهانه حضرتلرینه سنبز ملکان و کوچیلکر سیمین منکای البلاد
کوند ملکان که نفسی ایدکان لیق حضرتیکزکیم باد قلغان سیمین منکای
کونکلیق با بید ه بازغای او شبو تا بوق فوقلادنیک مادر و ملا فلون

اوشول کونچه خان اعظملیق متاع لاردینکیزنی ساتقای وسائر القابلاری
ایشکای ایردینکیز بو ده کونکول جاقده کیم شوشنا اهلی تغتی قوتلیق اولتورد
کانیزدین بیرا لحالیدین کیچکای دینکیزنی بیرکوبیدین دولتیزنی ایلچی
ملادیوز لاردیمه کو توقلیق ناپو قیلادی هر سارید ین ایلچکای ایردی
قوباش تیکلیق باقلیش بیرسنکر اسیغرایر تیکاج صداقتی وسنوکومیکی
اول عالی رای حضرتیدین بوکسرک اوردولفر تنسقایدور سارلیق جهتیدین
وشادلیق نفعتین اوجاقده اوچپهان واوعان رضا سیغه کوز لاریز اچیبان
ونابابالاردیمین کوزل بوسولیدین کوزاقوب اواولوق مرشدلیق خان
ایلان بولیق بوکینفا تغیرد ناتنا شوقلیق اساسی تاتیق بوقغا باعلاو
قالدین اثر وقغا ایلان باینداش بولقان قرهان عالیشانیز موجلیجه
خدیوانلیق ایشلوو بیرکیشقان قوت لا بیدین اول کوچیلکزفنه باز
دیلق ایدوق وردعائیده حضرتلاری اسنهوکی کبی سعیدیمین کودسائز
شادالیبی توناد بنیز ابان سبز سلامت ایلان هندوستان ولایتی
رینه بوتامسل دود دیننه کیم عرش اشیاقلق مطیع الشان شالیاجی
وانبغاه اتالاردی اتا صداقت اوزدهدین بازغان بتیلغلاردیقه
بیزسبب تنادو بیلاو دیچه حضرتلری خزینه سی قیدرین ملادو دعائیغه
اولکوکیران فضیل اوزده مهرلیق خط کوردکز دهامای سبدین
تعاسین تائیو دعای ایردی باد قیلقان وولاینوریز قی ونوالیاج
قوماغده کیم مثبت نشان اولغان مملکتیز عه کیلکای ایردی صرف طرف

نفیك

نفیك قاموق سلطان لاریغه جالملار نفیك سیز بیلکان خطبنی حضرتیریغه
کوستاروب اوشول ملا لتلتق خان اعظمیك دعائیتی کوزلاتوب
تزیرد تاتشود غان منغا کیم وبلیکانیکه شادلیق بادلیقیز اونا بلیدور
ومنکوکیدیمیین میتکای ایتلادی اوتکار ملیه قلوبین ومغنایی خاقانک
سیله کاسیز وعنایا تیزا باعنیدین حوجوك بوتغالدین صونك قاقت
ایله حضرتلاریغه بولد اغایدور اول سانلو سایبلان بیوك خانفرباره
بونای کیم خاطرایز اسیند دیتق هر تیکلیغ ادمالادی اونك کسکه
دقیقه نو دالاتفاحتی وکونکیر ودن اثیا للادی اوتیلد دقیقه باغلا
تفاحتی بیلوب حضرتیریغه کونو ل اسنیاجا تلادی باد ایرشدا غلا
قلقزیکیرایلان منکو صحبتی کوتلك بولیغه کسکاتینز دابرتا جاقدا
قانا شوقلق باسیمن برکینکالیز انتهی
دایم حضرتی ذوالجلال دنعاسیله سلطنت تماشاها جاقیغه کلسنکا

سوادنامه شاه طهماسب ثانی پادشاه درسیم ارز سلاطین صفویه به پطر کبیر
اول سنه ١١٣٦ محمد سلطان سال ١٧٢٣ مسیحی

مهر الله تعالی شأنه العزیز

بسم الله الرحمن الرحیم

مفخر السلطنة والجلالة والابهة والعظمة والعزة والاقتدار ... الکرام
ابیج اولوف لی اق خان

محبت‌نامه مودت ختامه واجب الاعزاز اعلیحضرت ثریا منزلت کیوان رفعت
بهرام مرتبت فریدون شوکت بهرام صولت نوشیروان عدالت سلطنت و شوکت
و جلالت پناه ابهت و عظمت و نصفت دستگاه دولت و نبالت و عدالت
گستر پادشاه جمجاه ستاره سپاه خورشید کلاه فرمانفرمای کل ممالک سمت شمال
اروس و پطربورغ از تخت جبیه و مسکو و کییف و ولادیمیر و نوقراد و بوسکا
و سیلان و سبیر و لکوس و سمولنسکی و ... و ... و پرسکا و لسنسکی و ...
سکی و نوقرود او چرکز او کیر ... و ... دیرسکی و بولغار ... سکی
و ... و ... ارسکی و کنه ... و ... در هیتر و قزلزار و قات
که رایات فیروزی آیات از دار السلطنه اصفهان با موکب همایون عظیم القدر
داشتیم بعزم انتظام و ترفیه احوال قاطنین و ساکنین ممالک وسیع المسالک ایران
زمین از درگاه کیوان غلام نواب شوکت و حشمت افزا حضرت دار السلطنه قزوین
مضرب خیام سعادت فرجام بوده بودیم که رفعت و معالی پناه عمدة الاعاظم
و الاعیان المسیحیه لطفا [illegible] (سیمیون اردوم) که از جانب نجیب
گذرت سفارت مامور شده و مدتی بود در ولایت ایران توقف نموده
ادراک ... تشرف ... مجلس بهشت آیین و مقتشم حضرت علیه ... ادم ... زینی
نواب کامیاب سپهر رکاب مالک رقاب اشرف اقدس ارفع اعلی ... ...
که جان عالمیان فدای نام و جهانش تا کجا مهر شرف بود سعادت یاب مجلس حضور گردیده
نامه محبت ختامه را در کمال ... تقدیم رسانیده عرض نمود که در این وقت
خبر ... از جانب نجیب عمدة الاعاظم و الاعیان قاسم بیک نزد او وارد شده

مشار الیه را

مشار الیه را تا که تمام با دارای سفارت مامور ساخته خواهش نموده‌اند که او به کرویت
اشرف حضور رسیده برسانیده بعد از اطلاع بر مضمون مودت مشحون آن بر ائمه صلاح
دولت و ... که مراعات اتحاد و ... جانبین که از دیرباز معهود و مسابق مؤکد
شده و مستحکم است در آن باب سعی آید و از مضمون مودت رسوم رقیمه کریمه مسلم
گردید ... را ... بر ... ما رسانیده اند که در دار السلطنه اصفهان
عمدة الاعاظم (الکسی لسکاکر) به نیابت او در الکای شماخی و شیروان توقف نموده
هرگاه از شیروان آن پادشاه رفعت جاه در ممالک محروسه ایران تردد و عبور
می نماید امری حسب ... رود ... مشار الیه مطالب و مهمات ایشان
بجا ... مقصد ... ایشان ... گرده ... نمایند
آن دولت ... عالی ... و سایر ... و ...
عظام و وزرای کرام و عمال ... ایشان ... ترتیب اشتغال و مهمات
سلطانه ... بوده‌ایم ... مراعات خاطر عمدة الاعیان مشار الیه و نایب او
و سایر تجار ... آن دیار لوازم اهتمام ... که مشار الیهم بهمه
جهت راضی ... لوازم محبت و دوستی ... آن پادشاه خورشید کلاه
رسانند و ... دیرباز ... معاهده و ... که در روز
تا بر ... واقع شده ظاهر است که ... دولت ابد مدت
و ... چنانچه از ... آن سرحد ... خلاف ... و ... اقرب ...
بسته آن ... واقع شده ... سلطنت و ... و شوکت ... جهت
و جلالت دستگاه نبالت و ... اقتدار ... خلف السلاطین العظام شایسته ...

شاهنشاه السلطنه والدنیا قرة الشوکه والدوله والاقبال حسینقلی خان دام
کرجستان کارتیل برداری که از بایکان مامور و انتظام احوال آن طرف به
عهده اهتمام او مقرر داشته اند عنقریب به تیغ جان‌ستان بهرام انتقام قزلباش
بزار اعمال خویش خواهند رسید نظر بر آنکه درین وقت منظور نظر
اکسیر تاثیر مرحمت آن عالیجاه است از مشار الیه چون خود داشته به خدمات
لایقه که در خور داشته مامور فرمایند درین وقت که به سوانح
حوادث روزگار رفعت و معالی پناه و عزت و عوام دستگاه و مبدا المرتبه والمعالی
(ابراهیم بیک) غلام خاصه شریفه نایب عالیجاه و وزیر دیوان اعلی را با سفارت
مامور و مشار الیه را ماذون فرمودیم که بعد از رسیدن به شرف خدمت آن
صاحب عزت و جاه و ادای مراسم تهنیت و عرض آنچه صلاح در استحکام مواد محبت
و ائتلاف داند تقدیم رسانیده بزودی رخصت معاودت به مقر نصرت اثر یابد
باقی ایام دولت و عظمت و نصفت و حشمت

سنه ام باد

۱۱۳۶

سواد نامه شاه طهماسب ثانی به الکساندر اول پطر دوم مرقوم به تاریخ
از رکهاسنه ۱۱۴۱ هجری مطابق سال ۱۷۲۸ مسیحی

هو المستعان

بسم الله الرحمن الرحیم

شاهنشاهم ایده الله تعالی بالطاف خفیه

منز

شهر السلطنه والجلاله والسعاده والنصفه والشوکه و ... الملک ... را ادعا
ابد الطرف دوام ایام سلطنت خدایگان پادشاهی ... مرتبه کامیاب و شاهی ... است
وظیفه ... ده ... عطا کنش ... رفتار از کرم و دل ... را رضه
... الطاف جهان ... ابتدای ... فرمان ... فتح و ظفر ...
و ... و ... که ... پادشاه ... است که ...
... سلطانی سلطنت ... که ... فرمان ... اقرب للتقوی
... وجعلناکم خلائف فی الارض ... اصلحوا ...
... که ... است ... صلوات طیبات و درود ... زاکیات
نثار و ایثار رسول ... و برگزیده حضرت ... خطاب مستطاب
وما محمد الا رسول ... جریم قاب قوسین او ادنی محمد ... آدم
رسالت ... او خاتم است درود خدا ... او ... و اصحاب
... او ... رسول خدا ... فاتح ابواب
انا مدینة العلم وعلی بابها ... که چون زبان قلم
... زبان ...
... رسول انام ...
... تقریر ...
خورشید ... حضرت رفیع ... شوکت ...
سلطنت ... شوکت ... که ...
خسرو ... فرزند ... آفتاب ... فلک ...

از حدیقهٔ عظمت و اقبال نوزهرهٔ سلطنت و اجلال سنیع برومند شهریاری
چراغ صفابخش انجمن نامداری صاحب جاه و ملک بارگاه پادشاه ستاره سپاه خورشید
کلاه در زمینهٔ دیهیم پروری برازندهٔ افسر برتری شهنشاه والا دل هوشیار چه
بر پدر شاه عالی تبار خداوند عالم بود میراث کهن دار گیتی که هنداراو جلوه گری
ساز که بر عارفان رموز دانش و هوشمندان کنوز بینش در حجاب خفا نگذاشته
که دنیای دون و جهان بوقلمون را بقائی نبود و مصرع صدق مشحون کلّ نفسٍ ذائقة الموت
هر فردی از افراد بنی نوع انسان ناشراب ناگوار مرگ لابد از دست ساقی اجل خواهد
چشید و در گلشن جهان زیبی از گلهای رنگارنگ بوقلمون چند روزی دامن
آمال و امانی پرساخته از آن باغ بیحاصل بیرون خواهد خرامید

دو در دارد این باغ آراسته در و بند از هر دو برخاسته درآ از در باغ بنگر تمام
ز دیگر در باغ بیرون خرام صورت این حال سنوح قضیهٔ مرحوم پادشاه ذی جاه جنت مکان
خسرو خورشید کلاه است هرچند از این امر کدورت اثر جان که از برای خاطر
انور نواب همایون ما گرد کدورت غبار کلفت نشسته لکن از استماع جلوس
آن پادشاه والامقام بر تخت آبای عظام دل غنچه سان شکفتن آغاز نهاد جلوس
آن پادشاه دارا اقتدار بر اورنگ آبا و اجداد فرخنده و مبارک باد و معلوم رأی
سلطنت پیرا خواهد بود که نواب همایون ما بعد از آنکه بامر نواب کامیاب
ملک رقاب ولیعهد شده و در قزوین جلوس فرمودیم چنانچه شیوهٔ پادشاهان عظام
نامدار و طریقهٔ خسروان والامقام کامکار است که احوالات خود را در هر حالت
بیکدیگر دوستان خود اشعار می نمایند چگونگی احوالات خود را به پادشاه صاحب جاه

مرحوم

مرحوم امپراطور جد آن پادشاه خورشید کلاه و والد حضرت خواندکار روم
نمود و مصحوب ایلچیان خود ارسال فرموده منتظر آن بودیم که از هر طرف که ایلچیان
عظیم الشأن و دوست قدیم این نیازمند درگاه قادر یزدان بوده اند اعانتی که سزاوار
دوستی و رفاقت پادشاهان بزرگ ایشان باشد بعمل خواهد آمد که بجهت اعانت ایشان
دشمنان خود را دفع و باز تخت قدیم خود را تصرف نماییم بعد از رسیدن ایلچیان
همایون ما که بخدمت پادشاه مرحوم مزبور سرداران ایشان با سپاه وارد دارالمرز
شده توقف نمودند و چون اکثر ایلچیان حضرت خواندکار رسیده از راه اکثر دولت
واقف نبوده این معنی را دولت او بزودی جبر از لشکر خود را با سرداران بگرجستان
داغستان روان و اکثر دیگر را تعیین نموده با افغان و اوزبک گردیده و متعاقب
آن نوشتجات کمال اجیر چند از ارکان دولت عثمانیه مشعر بر پرسش و توقع ما رسید
که چرا سپاه پادشاه روس را که دشمن قدیم خاندان آل عثمان است در ولایت
خود آورده و در قرب جوار ما جا داده و در آن ولایت متمکن ساخته استمداد
و استعانت می کنید هرچند از این طرف معاذیر چند مرقوم شده مشفقانه
نوشته بیهی دولت او نیز در مقام مناصحت را بر تصرف ولایات ایران گذاشته
و از جانب مرحوم پادشاه مزبور نیز اثری بفعل ظهور نرسید بلکه روز بروز سپاه
ایشان نیز قدم پیش نهاده بر دور و نزدیک بعضی از ولایات ما را تصرف نمودند
و این معنی باعث ازدیاد امید اوزبک ایران و جرأت ملاعین افغان که طایفهٔ رعیت
زاده اند گردیده فی الحقیقه هرگاه این پادشاه عظیم الشأن این نیازمند درگاه
ملک ستانی را در آن زمان که بودار اصفهان بلکه ممالک ایران در تصرف اولیای

دولت ابد پیوند بود فرصتی بدست افتاده دفع آن طایفهٔ خذلان نشان که جهات
بوجود دو نشاء زاده و از حوادث روزگار . و شنیده [illegible] که [illegible] در
مصر را [illegible] به پادشاهان [illegible] و خرابی صاحب اشتهار روی داده است
قدم جرئت پیش نهاده چند روزی منشاء آشوب و فتنه شده بعضی به احسن و اهل
دهی بیشتر تا پای تخت ایران [illegible] تصرف [illegible] و چون این نیازمند
درگاه حضرت ظل اللهی [illegible] به خیال نموده مصلحت را در سکوت
دیده و [illegible] در اظهار دوستی تا موجب زیادتی مودت اعلیحضرت جهانگیر
و [illegible] اعلیحضرت معظم له [illegible] دشمن [illegible] که دولت خاطر
[illegible] از ورود [illegible] (بیرون کیک) ایلچی دولت [illegible]
به دربار ملک [illegible] اولیای دولت عثمانیه از [illegible] نواب نادر [illegible]
[illegible] مخالفت و موافقت [illegible]
[illegible] طایفه ظاهر [illegible] پیش کرده [illegible]
و فرمان اعلیحضرت [illegible] از نشئات [illegible] پاشا
وزیر اعظم و عبدالله پاشا سردار و بیگلربیگی وان و احمد پاشا سردار و
بیگلربیگی بغداد و سایر امنای آن دولت به دربار ملک رفعت رسید چون [illegible]
انتظام بنای مصالح قدیم که فیما بین [illegible] ایلچی [illegible]
بود در ولایت روم نگاه داشته بعد مضطرب [illegible] و حقیقت [illegible]
نشئات [illegible]
ارسال نموده بود نواب [illegible] صدق و صفای طینت که جبلی ذات

برکات

برکات این خانزاده رسالت ماب است این مراتب را مبنی بر صدق انگاشته
خیال فرمودیم که البته حال بر قبحت نقض عهد برخورده [illegible] که بنای
دوستی تازه و محکم [illegible] از این [illegible] پادشاهان [illegible] نامه
ایلچی در این خصوص [illegible] و نامه نوشته جهت اتمام حجت نزد اعلیحضرت خوانکار
فرستادیم که مقارن این حال نوشته از ایالت و شوکت پناه حشمت و جلالت دستگاه
[illegible] (داماد [illegible]) جنرال
آن پادشاه [illegible] خورشید کلاه [illegible] طرفین [illegible]
[illegible] ایلچی افغان نزد اولیای
دولت عثمانیه رفته [illegible] آل عثمان [illegible] با آن طایفه نام و نشان صلح
نموده‌اند و نقل آن نیز از نشئات دیگر [illegible] سیادت پناه میر محمد رضای
رشتی که از سادات و اعیان رشت است [illegible] در خصوص [illegible]
[illegible] ایلچی افغان نزد سردار [illegible] آن طایفه
[illegible]
که از جانب نواب [illegible] سردار و صاحب اختیار است [illegible]
انتظار کرده بود که سردار را [illegible] این مراتب [illegible] نواب [illegible]
نموده [illegible] از [illegible] نشئات [illegible] اطلاع [illegible]
این حال [illegible] خاطر خورشید [illegible] دولت و دشمن [illegible] و از این
اندیشه [illegible] از جانب [illegible]
[illegible] آن پادشاه [illegible] آل عثمان [illegible]

مرهم خواهد بود که مصالحه امنای دولت عثمانیه با افغان از راه خوف و بیم
و خیالات فاسد و دور از کار شده و الا چه گنجایش دارد که پادشاه اولوالعزم
چینی که در میان پادشاهان طاق و مشهور آفاق باشند با وجود اینهمه عظمت
و حشمت و لشکر انبوه و بی انتها پیدا که از ان حالت بی قبحت شده و مزده
و دزدی چند طایفه صلح و صلاح که طریقه سلاطین حشمت آیین است بمیان
آورده دزدی را در مملکت پادشاهان مشروع و نقض عهد دوستان قدیم خود
با چنین طایفه سازش نماید در این صورت نواب همایون ما بر خود لازم میدیدیم
که طریقه دوستی را با آن پادشاه عظیم الشان که از دست رفته بود و دوست دار قدیم
مستحکم ساخته با دولت عثمانیه ... آن پادشاه والا جاه
نیز در این طایفه ثابت قدم بوده و دوستی ما را نسبت بعمل آورده و تمام
اولیای دولت آن پادشاه رفیع الشان قرار داده اند که دفع دشمنان این
خانواده بر دارند که در مقام دوستی در هیچ باب مضایقه ننمودند و هرگاه
پادشاه مرحوم جد آن حضرت ملک ... از ما خواهش نموده بود که در عرض
انها امداد و اعانت دشمنان ما را دفع نموده بازگشت ما را به ولایات
ایران که از تصرف ما بیرون رفته متصرف ما داده اند اگر انها را خود در تصرف
دارند و از ایشان ... از انکه کار دشمنان ما بالفعل چندان
صعوبت ندارد که ... دفع ... بازگشت ما به ولایات ایران و از تصرف بیرون
رفته ما است تا متصرف ما باید بقیه آن را نیز ... خواهیم گذاشت هرچند
قدرت جناب اقدس الهی پایه بران است که ... نواب همایون

دولت

در تصرف ... دور و افغان باشند نهایت این مملکت ابد الدهر در دودمان
آل عثمان باقی خواهد ماند اگر نیز چنین مقتضی نباشد ان نیز تا انقراض عالم در دست
و اولاد خود ... لیکن گنجایش نخواهد داشت که از مملکت شما
و نیز ممالک ایران ... تصرف ... داده باشند و ... مضایقه
ننمودند بلکه در عالم محبت زیاده بر آن ... در میان پادشاهان
در شان سابق رونق یافته ... مملکت ... و ...
... بلکه امداد ... اعظم نموده اند امداد پادشاهان
بیکدیگر در ... چنانچه پادشاهان فرنگستان
که در هنگام خصومت و جنگ با روس ... و بیکدیگر امداد نموده اند
و ... پادشاه و ... هندوستان و والیان ... ترکستان
نیز که با ایران ... از آبا و اجداد ... مقام ... در کار ...
عدم امداد و اعانت ... هر یک ... خاندان مروت و احسان در
ممالک ... دشمنان ... بوده و ...
... نواب همایون الحمدلله ... توقف او رفته
لصلاح ... دشمنان ... طرف ... بر دولت
... استیلاء ... سپاه و نواب همایون
که ... سرداران ... نموده باشند ... آن دولت عظمی باشند که ...
تا ... ممالک ایران
... آن پادشاه رفیع الشان ... ایشان ... از آن خسرو ...

و شهر به روزنامه‌دار و در تمام دوستی و یگانگی توقع آن است که در باب استحکام مبانی
دوستی و رفع دشمنان بنا که تمام و در هر باب شرایط آن را منظور فرموده باشند
که انشاءالله تعالی از این طرف نیز دو طرفه رقم شده اند الله که بتکلف دوستی و رز
نخواهد شد و ایران پادشاه ... را که در دیار بزرگ ... است و حقیقی
و مقرر فرموده‌ایم که ایلچی که از جانب نواب همایون ما جهة پرسش آن پادشاه
صاحب رای ... لازم شده انشاءالله تعالی فیض باب ادراک بزم ادم بزم
آن پادشاه ستاره سپاه خواهند شد و چون فیمابین این خانواده و این دودمان
و پادشاهان عظیم الشأن مسیحیه از قدیم مرابطه و بنا روش اتحاد مستحکم مرتبه
و فیمابین ارکان آن را و بنا شده جهت دولت ... گردیده و ... تبدیل
این نامه سعادت ختامه اعلیحضرت پادشاه ... و عزیزه ... از دو رکن دوستان ...
بزرگ دوستان است مستور داشته ... فرموده‌ایم خاطر مسرور می‌شود که سبب علاقه محبت
دوستی که دوستی ایشان نه از سبب ... که کارکنان ... قریح نمایند که در
باب رسید آن ... نامه که ... اعلیحضرت سلطنت ... اهتمام عمل آورده
و همانا ابواب مراسلات ... مفتوح دارند
ایام سلطنت و حشمت و ملکرانی مستدام باد

سواد نامه شاه طهماسب ثانی پادشاه نهم از سلاطین صفویه به امپراطور آلمان در سنه ۱۱۳۷ هجری مطابق سال ۱۷۲۲ مسیحی

هوالمستعان

هوالمستعان

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

شاه عباس ... الله فی ظله مقامه

شاه ... الله لطفه الخفی (تخصیص ...) باب ...
عتبه حضرت ... و علیه السلام ... پادشاه پادشاهان ...
سرکرده و ... تمام ... الذات برکاته الداوم الزمان را به ...
ابواب تحف دعوات و ... اجابت ... رای ... ضیاء و ...
... مجد الخلد ... اند
بعد از آنکه این نیاز نامه در گاه ... نواب کامیاب سپهر رکاب
مالک رقاب از دارالسلطنه اصفهان عنان عزیمت بجانب قزوین ... ن
که ... پادشاهان ... ایران است ... داشته ... و ...
... الله ... و ... طفر ... اقدس ... که سایه دار
ملازم رکاب ... و در تحت ... نصرت ... سلطنت و ... طغرا ...
خاقانی ... داشته ... سلاطین ... و ... ایشان ... تحت
... که ... دار ... دارالسلطنه ... جلوس سعادت ... فروزه
... رکاب ... وجود ... و نظر نواب کامیاب ...
... ما ... اجابت ...
که ... سپاه ... از ... و ... از ... و ...
... سلطنت ... تمام ... و قطع دشمنان ... اقدام ... ایم

پس از حرکت از قزوین محمود با اینان و آن کم گشته تبه مملکت و طغیان
فرصت جوی گشته قوچی قلیچ از سپاه ردیف سپاه حرز را با برکرکمان نگاه داشت
مرو نیز قزوین قزلباش خبر زیده در طریق راه بسیع کار کرد ایران عرش
انتشاه رسیده حضور عزیزی که نیز دوزین بانه در رکاب اقدس حاضر بوده
عجالة بقلع وقمع آن تیره ضمیران مامور و مخصوصا از این شاه دار و الادشان
دخاصان وسفرای ان درگاه خلافت مکان بجانب آذربایجان نهضت فرمودیم
که در ان بین سرعان سریع التیر خبر رسانیده که بعد از التقای جنود مسعود
با سپاه محمود مردود بکم قادر چون شکست فاحش هنگام گشت از آن عدد
انبوه جمعی کثیر مقتول و بقیة السیف با امان الامر کرده ایشان از سوی که
بوده رهوار فرار نموده تا تا متفرق گردیده و بعد از ورود به آذربایجان
ملاحظه حال غازیان نصرت نشان سعیم رای جهان آرا گردید اطاعت
و جواب از … که دستان که عقب الدف و دستهای بزننده الدال …
… فرستند که خاصت … با … ناسند و در این وقت
که … قریب … جلوس سعادت مانوس واقع … نصرت
قرین حال شده بطریقه و … قدیم … قدوة الاخ …
و … والاشان با … که از جانب آن پادشاه
خورشید کلاه … عظمت مدار سلطان … ذات
شریف … بشارات آن … بوده باشند اما در این
اوان … ایران … که … خاص و عام گردیده … جنابا …

اطلاع

اطلاع که مربوط کیفیت حالات آنطرف نموده بنا بر علیه اعلیه ازان طرف قرین الشرف
پیش دستی دافع گردید بلطف … تقدیم جانبین و استحکام قدیم … که از دربار
… استوار … از راه … الله …
(… بوحنا کا پو چپی … شوق) جیته الله جلوس … و رسانیده
خبر این فتح مبین معروض … کثیر المودت ارسال فرمودیم که مراتب
قوانین را که … حضرت … از ان تاریخ الی الان …
… نظر … دوستان خالص
… باشند … حضرت … باشند
بنا بایام الفت و … حرمت پاینده
و سنه …

سواد نامه شاه سلیمان به امپراطور دولت ازریش سنه ۱۰۹۱ هجری

پروپولدش باشد   لطایف تحفات … و شرایف …
… از … کمال رفعت و … و غایت … و استحکام …
تعظیم و تکریم … تعظیم … مغایرت جناب شریف …
عزت ادب شرف الیف … والشریه …
… والشریه … و …
و … و …
و … ولایات … و …

قرا بکلا مسکرداند که تشنیم شمامه نامه مؤالفت ختامه که درین ولا بوسیله شگفتی
ازهار مبارکباد و جلوس وجود مقدس بر اورنگ عرش فرسای شاهی و شهریاری
و دادن دار گیتی سعادت بنیاد نقد ذات اشرف اقدس در عهد عظیم
القدر سعادت بارگاه سلطنت و تاجداری [illegible] خامه مودت
تیز عطر بیز جامع السن و [illegible] قلم گردیده بیان شده بود بزم
ارم لطافت [illegible] عنوان را رونق و بهای
[illegible] تازه تازه دماغ جمعیت
[illegible] رفته
بود [illegible] واپای
که در خصوص [illegible] دار السلطنه اصفهان
وادن [illegible]
بود [illegible] شوکت و اقتدار قدر قضا
اقتضا [illegible] صدق و صفا [illegible] و الله
بوده [illegible] ارکان [illegible] مستقبل الاحوال
[illegible] ۱۰۹۰

لیفض

سوکو نامه شاه سلیمان به امپراطور [illegible] سنه ۱۰۹۱

هو الله سبحانه

حمد الله للسلطنة [illegible] العز والامتنان
[illegible] سلطنت
و جلالت پناه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و اقبال [illegible]
الزوال [illegible] و ابواب [illegible]
و کار [illegible] (پادشاهان) [illegible]
ان [illegible] ممالک [illegible] ایران [illegible] جهان [illegible]
بوده [illegible]
[illegible] رقم خامه
[illegible]
[illegible] و الله در باره
[illegible]
[illegible]
[illegible] الى الله

همراه این شیوه پسندیده در امر مزبور به اعلام حقایق حالات و اظهار
مقاصد و مهمات که در این صوب صواب داشته باشند محرک سلسله دوستی
و موالات و فاتح ابواب مودت و مصافات بوده باشند که همت علیای
پادشاهانه به حصول آن مصروف و معطوف گردد سنه ۱۰۹۱

[illegible] (نشانه [illegible])
[illegible]
اللهم صل علی [illegible]
نامه [illegible]
[illegible]

هو الله سبحانه

نامه ایست که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت اقدس روحنا فداه
به اعلیحضرت سلطان مجید خان فرستاده شده ۱۲۷۵

مدار معدلت و دولت و مرکز سعادت و شوکت حضرت سلطان عظیم الشان
مقرب الخاقان حاجی میرزا احمد خان که بعنوان وزیر مستقیم در نزد سعادت
و در عسکر الدان انحضرت معین شده بود تبدیل او لازم آمد و چون حفظ
روابط مناسبات دوستی و حسن همجواری که مابین دولت علیه ما و آن دولت سنیه
موجود است مطلوب خاطر ملوکانه ما می باشد لهذا عمدة الخوانین العظام مقرب
الخاقان میرزا امین خان که در شماره چاکران معتمد حضرت ما
محسوب است بعنوان جلیل وزیر مختار و ایلچی مخصوص برای خدمت سفارت
معین شد تمنای شاهانه ما چنانست بیانات مقرب الخاقان معزی الیه را که از

او

طرف دولت علیه ما بر تقریر خاصه بنیات متعلقه باتحاد از دیاد مناسبات
اتحاد و موالات دایر بین الدولتین را که ما مسئول خالصانه ما می باشد حواله
سمع اجابت رضا فرموده به لوازم آنها باطلاع آثار محبت و مودت مبذول داشت
فرمایند که این معنی از زودی صمیمیت است محرر شد [illegible]

والسلام

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت سلطان مجید خان به اعلیحضرت
اقدس روحنا فداه نوشته شده ۱۲۷۶

قدر الالقاب که بینه عالی القاب ایران است

ممالک پادشاهانه میزک بعض جهاتنی سیاحت نیتنه ایلری حرکت ایدنده
ممالک دولت علیه مزه متجاوز اولان بر ... دخی کلمسی اوله فلان ساعه
رئیس خالصانه اولرب ذات شوکت سمات شاهانه‌لرینه درکار اولان
محبت صمیمیه و موالات حقیقیه مجانه‌نک ابراز آثاری به ... ایتولیات
ایله شاهانه‌لرنک ترکیب و تنفیسنی سید جلیله اتخاذ اولنه‌رق بوکره اکو
کمال ... استنده وه الیزر ... و وزراء دولت علیه مزدن اسماعیل پاشا
قصه‌ق زده قالستر ... رسال اولنش اولدیغی حالده مرکب شاهانه‌لرینه
مشتمل اولدیغی مع الشرف معلوم اولدقده اشبو رسامه ... بلک
تحریراً ایجرا اجرای ... بین الدولتین موجود اولان روابط حسن
همجواری و موالات تاکید و تزایدی ارزو کرده خالصانه نزد الله ...
بیانیه اشبو نامه مجانه تحریر و مصحوب ... تقدیم قلنه‌سی

[illegible] صورت نامه [illegible] سلطان عبدالمجید خان [illegible] ناصر الدین شاه

بنده تعالی قرین حرمت خاتمت سپهر را وله قدره بعد از این در هر طرف حالتی
از آثار مراودات شاهانه به شغل تفتیش متضمن در [illegible]

والسلام

نامه ایست که از طرف قرین الشرف اعلیحضرت شهریاری روحنا فداه
با علیحضرت سلطان مجید خان نوشته شده ۱۲۷۶

بعد الالقاب سابق التحریر

نامه محبت نشان اعلیحضرت که واسطه ابلاغ مراودات خالصانه از طرف
قرین الشرف سلطانانه بود واصل ایام را افزار دیگر باشد فی الواقع مودت
برازنده و رتبه صداقت را ترویج داده و لیکن اسعد حقیقی با رسائل رسیده
ما بین الدولتین از ایشان ورود و همه ضمیر شاهانه نزده و برده بستیع و سرود
گردیده و در این سفر که موکب ما را در حدود آذربایجان و ان نواحی مغرب
جنام حرمت اختتام شده بود و نیز بسبب مراوده ممالک دو دولت مسرور و سیاحت
داشتیم راغب بودیم که از دولت همجوار ما بعلاوه مراتب اظهار مودت
با مودت جناب میرزا ... ... اولیات حکایت رو برو از تعظیم عزم
معاودت سفر سلطنت عظمی بسیع ها یون رسید اگر اسم نظر بسیر موکب ما
بجانب دارالخلافه و ظهور نا خیر در ورود او مقصود حضور ... حاصل شده
با وجود دلیل صفوت آن اعلیحضرت قرار داده ایم و نامه مودت علامه سلطانانه
که ... قفای روابط قرب صحیح و صداقت ... عزت ... با یکدیگر مراتب احترام
بود بر مراتب حسب مراودات و مدایح ... و مراعات خالصانه ما نسبت به

اوراق خارجه ... سلطان ... عبدالمجید ...

آن اعلیحضرت افزوده و در این اوان سعادت نشان این فرصت را مغتنم
شمرده ایم که مراتب صفوت و مراودات حقانی نگار شد این نامه مودت
علامه نسبت بذات اعلیحضرت شاهانه انگاشته نمائیم همواره با رسائل و رسائل
حضرت و ... خاطر اورش ها یون ما را مسرور خواهند داشت ایام
دولت و ... ...

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه با علیحضرت
سلطان مجید خان نوشته شده ۱۲۷۶

بعد الالقاب

الحمد لله والمنه که علایق مودت و روابط صلح و صفوت بنا بر مناسبات
جهت جامعه اسلامیه فیما بین دو دولت علیتین مستحکم و استوار و مستحکم و برقرار است
و با تقاضای مراسم مودت و یگانگی و لوازم مراعات و پیوستگی اسباب
... و رشته ... ... مستحیم و استوار است و ... ...
... ... که ... ... و درجه سلم ...
... ... لهذا اشاعت بسیع ... ... دولت ابد
مدت و سلطنت جاودانه ... ها یون ... ...
... ... و صول ... ... از ... اول
برادران ... حضرت ... داده ... ... مقرب ... ...
میرزا حسین خان وزیر ... ... مختار ... ... ابلاغ
... ... که همه روزه ... ...

اوراق خارجه ... سلطان عبدالمجید ...

صلنت اینی و شوکت افزوده خواهند و کنونات خاطر دوستی مظاهر
که ترجمش در عهده ایچ فاسه و نامه گزاری بعده سفیر سابق الالقاب
محول است که ادا نماید و ضمیر دوستی تخمیر آن اعلیحضرت را بر حقایق این معنی
منفت سازد باقی ایام سلطنت و جهانداری مستدام باد تحریرا فی رمضان المبارک

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت سلطان مجید خان با اعلیحضرت قره‌قورت ظل الله نوشته شده ۱۲۷۷

بعد الالقاب

بین الدولتین موجود اولان روابط قدیمه وفاقیه و ذات شهانه مسالمت
شاهانه لرینه بالتشکر نزد مستفروهی اولان مخالصت و محبت
اقتضاسنجه بو کره طرف خالصانه مزه ارسال اولنان نشان ذی شان
ب‌روت سعادت عنوان و هیئه انتباه رکب بالکار گوام قدری اولنق او زره اخه
و قبول اولنوب بو بابده حاصل اولان ممنونیت بیرون احاطه تحریر
و اشارت در جانب شاهانه لرنک حقلرنده سبقت و یاران گزیده لری ایکاب
مکارم لطفانه مز فقاد اپا بیه جانب دولت دوستی حسب اولور
انار شرف مخالصت کاری اظهار ایله کلری شکله عهد جانبه نزد دوستی
دولتک ناگه دوستی اولدیلی سو رتبه ده ملزم و مقدم بولندیغی زمن نشانه
ز نزده دخی ابوری سکه به و قفا یای مجیدیه و ممسلمه دن بولنسیدیه د بودفعه
ابراز اوان از جیبی باد کاربه بعدی مخالصت دن طولانی حصول بولدقلی
محفوظیت کلکه بیانه ابتدار قلمدیغی بینه تعالی اعطا عزوم شاهیدی

اوله جغنده بو بابده دخی طرف خالصانه مزدن قابل محبت شاهانه لری اولدیغی
اولنمشدر فی ۱۹ ذی الحجه

نامه اعلیحضرت سلطان عبد المجید خان به اعلیحضرت اورنس شاهنشاهی فی ۸ ربیع الاول ۱۲۷۷

بعد الالقاب

نزد شهامت وقدر شاهیلرنده سفارت دولت علیه ز عبد تری اولورکه سلطنت
سنیه مزک رتبه اولیسنی حائز رجالدندن عبید را قنده بری ذی الدولة
اوردننه اجمالیک عنوانیله توجیه واعطا اولنمش اوله بقنه حقنده حسن
نظر شاهیلری مشمول اولدرق امور بنه تفرعات دولت علیه زمانه و فرع
بولرغ اندا وخصوصیکه ذات مکارمت شاهیلرنه اولان محبت
و مودت صمیمیه مزه دینی الدولتین بوکمال اولان مناسبات حقیقیه
لک برما فوق زیاده اجمیسی شرتبه ارزو ارده مز اولدیغنه دائر تودیع
محافظه در ایشقان تو شقات صمیمیه نزد جانب شاهیلرینه دهی دوق
و اعتماد اولنیکه مامول خالصانه اولدیغی دوامی برابر زیاده غایت و مسالمت
فیمانه ارتقا قلقمده ایدوکینه منا سعم شاهیلری اوله جغنده ابراز
این دخی ابراز نامه رسالات کاری دفتره بسط ترفیع کرده خالصانه
نزدر

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت سلطان مجید خان با اعلیحضرت ناپولیون ثالث امپراطور فرانسه نوشته شده ۱۲۷۷

بعد الالقاب

برادر محبت ازرم سلطان عبد المجید خان حضرتلرینک اکبر رتیش بدی سنه
عمری نهایت ذی الحجه سنک اون بشنجی صالی کونی ارتحال دار بقا ایتمش اوله
نیندن اشبو وقوعات موله بذات فخامت سمات شاهانه لرینه اشعار رابطه برادر
وبوندن حاصل اولان حزن واسفنک جناب شاهانه لرینک دخی حصه ثانیه اوله
حقتری بدیهی اولدیغی رابطه حضرتلری طرفلرینه درکار اولان اتحاد و ودادیه
رانک حق خالصانه ده دخی جمیله بیع طرفدر ... جناب رب
الله نک اراده العیه سی و سلطنت سنیه مزک اصل ... اوزره
اجداد عظام ... ب زاهم حضراتک تخت سلطنت لرینه بالتوارث وقوع
بولان جلوس همایونمز ... تز دولت علیه مزله دولت
فخیمه لری بینه ده تمشا موجود اولان جهت جامعه دینیه و مناسبات وروابط
ودادیه نک تأکید و تأییدینه و ذات محاسن سمات شاهانه لرینه درکار اولان
مودت خالصه و محبت فائقه نک دلائلی ابراز ... اوله
حقنده هر حالده ذات حشمت ... جناب حقک ... ایتمسینه
بو ایسمز الطاف الهیه

تحریرا فی شهر

ذی الحجه

۷۷

صورت نامه ... سلطان ... شاهنشاه ...

نامه ایست از طرف اعلیحضرت سلطان عزیز خان با علیحضرت
شاهنشاهی جمجاه در رجب فرخ ماه ۱۲۷۷

بعد الالقاب

جناب حی وحی ومهیمنک اراده ازلیه سیله برادر محبت ازرم سلطان
عبد المجید خان حضرتلرینک مرحوما عازم گلشن سرای جنان اولمسی حسبیه ...
علیه مزک قاعده مرعیه و سلطنت سنیه اوزره بالتوارث اجداد عظام ... ام
ما دارا الیم حضراتک تخت همایون تخت سلطنت لرینه جلوس همایونمز وقوعبولنه
وسلطنت سنیه مزله دولت فخیمه لری بینده وجمیع زمانده موجود اولان جهت
جامعه اسلامیه و مناسبات ودودیه مواله نک بر قات دها تأکید و تقاسی ...
غرض الا ... دولت علیه مز طرفندن اوروبا تحلیک ... نزد
حکمرانیلرینه ... مامور اولوب مراتب دیوانیه مزدن رتبه اولی
بالا ده ... رتبه سی فانه اولان حیدر افندی کمالکان
عنوان مذکوره ... افندی ... دخی ... ی
امور مامور سنده ... حسن نظر و ... شاهانه لری اولنمسی ... جلیله
اشتمام اولنمسی ... دولت علیه مز طرفندن دخی بالخاصه تأکید
موالات دولتین ... اولان ... دا ... شاهانه
مزدن ... دخی کانه اقادات ... وثوق و اعتبار اولنمسی
التماس ایدرو ذات ... شاهانه لرینه اولان محبت کامله و مودت خالصه

کمک و تزاید مخالفت فیمابین از ترتیبات شده بولنه جقدر دخیل گرده تا عیان شده
مبادرت ایدرم هر حالده حصول المیده بو نظر الطاف متمادی دن قلمنا ایدرم
شهر ربیع

نامه‌ایست که اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاهی با اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان نوشته شده ۱۲۷۸

بعد الالقاب

نظر بتشیید مبانی وداد و دوستی که برسم اتحاد که از قدیم مابین دولتین علیتین
باقتضای ملاحظات کلیه وحدت جامعه اسلامیه برقرار و پایدار بوده و این مقصود
اهم همواره از حسن نیات مودت آیات جانبین در افزایش و [illegible]
مأمول خاطر محبت ذخایر ما بوده است در این موقع که از تقدیرات مشیت قادر بیچون
جنت مکان [illegible] سلطنت [illegible] از حضرت سلطان عبدالمجید خان
بر روان انار الله برهانه [illegible] اعلیحضرت [illegible] انتقال یافت که
از مقاصد عمده ما بود [illegible] حفظ و تاکید علایق دوستی و
و مودت فیمابین [illegible] کفایت جناب
حاجی میرزا حسین خان [illegible] وزیر مختار و ایلچی کبیر مخصوص که در دار
السلطنه [illegible] اقامت [illegible]
[illegible] آن اعلیحضرت [illegible]
بدوستی [illegible]

[illegible]

که جناب [illegible] کافی السابق [illegible]
در تکمیل مرحمت حسن توجهات آن اعلیحضرت [illegible] باشد و بقای
سلطنت و استقلال [illegible] آن اعلیحضرت [illegible] ذات همایون
بالطاف حضرت متعال [illegible] شهر ربیع الاول [illegible]

نامه‌ایست که از طرف قرین الشرف اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه باعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان نوشته شده ۱۲۷۸

بعد الالقاب

نامه مودت ختامه [illegible] که باعلام خبر ارتحال اعلیحضرت سلطان عبدالمجید خان
غفران مآب خاطر مودت [illegible] انتقال تاج
و تخت سلطنت [illegible] اعلیحضرت [illegible] مشغول [illegible] مسرت داشته
بود [illegible] مودت افزوده [illegible] حزن و اندوه
[illegible] از وقوع آن قضیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آن اعلیحضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]

ضمیر بیرون بادان دولت فخیمه مسعود کردد لهذا جناب فخامت نصاب عمدة الامرای
العظام مقرب الخاقان محمد رحیم خان علاء الدوله را که از اجله چاکران سده سنیه
و اعاظم معتمدان عتبه علیه است بسمت ایلچی کبیری مامور ان دربار شوکت قرار فرموده
و یقین داریم که جناب مشار الیه بعد از درک حضور مهر ظهور سلطانی
بطوری شایسته از عهده ماموریت خود برآمده مسلک مودت آن اعلیحضرت
را در این موقع در بار معظم آن درگاه بطوری که باید مشهود و خاطر مودت
مظاهر آن اعلیحضرت خواهد داشت همیشه مشتاق بقای ذات همایون
ملکانه و ارتقای مدارج عز و اقبال آن اعلیحضرت را از الطاف
بیکرانه ایزد متعال مسئلت میباشیم حرر فی شهر ربیع الآخر ۷۸

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت سلطان عزیز خان باعلیحضرت
کیوان رفعت شاهنشاهی روحنا فداه نوشته شده ۱۲۷

بعد الالقاب

اهدای دعوات مستطاب تام حضرتکزه تخت سلطنت سنیه‌یه وقوع بولان
جلوس همایونمزدن طولایی تبریک و تهنیت ایچون جناب علاء الدوله محمد رحیم
خانک مامور بیتی سفیر خان سوی ایله واسطه سیله ارسال قیلنان نامه
محادثت علامه شاهانه‌لری مآل معلوم خالصانه‌مز اولمشدر دولت
علیه‌مزله دولت فخیمه‌لری بیننده قدیماً جاری اولان مناسبات دوستانه خانک

برای

بیان نامه‌سی تجدید آمال همایونه مزدادات مجالس مشاهیری مشتمل بر
احوال صفوت شعار ایله کت مودت مخصوصه اصطکاک اخص مطالب خیر
خواهانه مزاده لرینی عالیه حق خالصانه‌مزده بود جمله ابراز دلایل موجب
واقع اولان تحت حکم اشبو ابراز دوستانه‌مزه رفاقت دلایل
درایش و کمال ممنونیت همایونه‌مزی موجب اولمشدر و خان سوی الیه مودت
محافظه درایتراد اولان تبیانات دوستانه حسن تبلیغ ایمش اولدیغندن
مودت مرعوبه‌یه اولدیغی بر تمایز ذاتلرینک انتخابی دخی تلقیه حفظ طرفینی استقلال
ایمش اولدیغندن دخی تجدید همسایه مساعدت قرینه ایله و کماینبغی تعالی معلوم
مزدوم شاهانه‌لری اولدقده هر حالده مودت آمیزانه بقای آثار مخادنت لرینه
شنت داره و قرین مساعدت مشمول خالصانه حرر فی غره رجب ۷۸

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان باعلیحضرت
شاهنشاهی روحنا فداه نوشته شده ۱۲۷۸

اهدای ادعیه مستطاب تام حضرتلرینه تخت سلطنت سنیه‌یه وقوع بولان
جلوس همایونمزی تبریک و تهنیت ایچون دولت علیه‌مزده سفارت مقیمه‌لری
نمایشنده بولنان میرزا حسین خانک مامور بیتی اقتضا اولیه تفصیل ارسال
بیوردقلری نامه‌لری بر قطعه نامه مودت علامه نهایت بیابانلرینه رسیده

دولت خلافت کاری اولمشدر موی الیک حضرت شاهانه لری دستغلر اولدیغی
حسن اتحادیه برابر مامور قلنه ه القای سلطنت سنیه برلر دولت علیه ری
و ذات خلافت سماتلرینه جانب ... کمال ایلیه جکنه اعتبارلری قسم
اولان خلافته دقیقه کمی مستغرق ... اراده لسنه ولی ... اوله جغنی
محفوظیت ... انضمام ایدیه جک ... موسی الیک ... و مناسبات
خلافت ... کبیرانه ... دولت علیه ...
سعادت ... اولمغین ... نامه ... تحریر ...
قلبیه ... تبشیر ... شاهانه لری ... اوله ...
دفع اجرای لازمه ... خلافت ...

فی ۱۹ شهر شوال ۸۲

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه به اعلیحضرت
سلطان عبدالعزیز خان نوشته شد ۱۲۸۲

بعد الالقاب
الفت و اتحادی که ... در میان ... دولتین ... ثابت و استوار
و محکم و برقرار است اقتضای آن دارد که در مراتب مسرات و دایع و موارد
بهجت ... که حکایت از مکنون ضمایر ... از مخزون سرایر
... دولتین ... صفای صدق و صفا ...
باشد که ... از لطف ... عطف عنان کند

و مسرات ... و عیان ... در این زمان ... اوان ...
... رسیده ... و ... روشن ...
شاهانه ... اعلیحضرت ... لهذا ...
... سلطنت ...
... اعلیحضرت ...
از ... اعلیحضرت ...
... الدوله ... از ...
دار ... اعلیحضرت ...
... اختصاص داده ...
... حضرت ...

ایام سلطنت و جهانداری ... شهر جمادی الثانیه ۸۲

نامه ایست که از طرف سنی الجوانب اعلیحضرت شاهی روحنا فداه
به اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان نوشته شد ۱۲۸۳

بعد الالقاب
نامه مودت ... سلطانه ... حضرت عظمت ...
... اعلیحضرت ... شاهنشاهی ...
... جناب ... الله ...
... از آن جانب ...

جواب نامه ازدیاد روابط مودت و تقدیم شرایط اتحاد اراده کمترین
سالت تأثیر ملوکانه مالت و محبت شاهانه نموده‌ایم تجدید مراسم موالفت
دلنشین مبانی حضرت مقصود فرموده‌ایم و از لوازم این مبارک مقطور
میداریم که از هر موضع و مقام نزاهت حسن مودت را بطور احسن ظاهر جمله
وسایل را که موجب فزایش مصافات و مراودات حسنه فیمابین دولتین
علیتین تواند بود وجه نظر ملوکانه قرار داده‌ایم مبین است هر وقت که مامور
هیئه شاهی جناب جلالت‌مآب ... افندی روز ... رود [illegible] تخصیص آن اعلیحضرت
بوده در حضرت همایون ما بهره حسن اعتبار مامور خواهد گردید و البته
جناب مشارالیه نیز ... محبت عطوفت را که دلیل سعادت و کمال اتحاد است
معلوم شده بنا باطلاع کامله که از نیات خالصانه محبانه اعلیحضرت
ولایت ... از خود دارد ... اراده و خلوص عقیدت زاید
مع ماسبق خود را در اینجا حضرت همایون و دوران دولت روز افزون
محل وثوق و اعتماد خواهد نمود و پیوسته مترصد وصول نامجات سعادت
سمات بوده دوام دلستواران اعلیحضرت را در اریکه سلطنت و ...

شهر صفر المظفر ۸۳

نامه ایست در ارطرف اعلیحضرت سلطان عزیز خان به اعلیحضرت
ظل اللهی روحنا فداه بسنه ۱۲۸۳

صدرالالقاب

صدرالالقاب

ذات قدسی صفات شاهانه زینت‌ده کار اولان مودت صمیمیه مرکوز اثر مقتضاسی
اولمق اوزره حق خالصانه‌مزده بر کمال و لسان محبت مخصوصه شهادت بیانی
رنگ یادگار اولدقلری ارسال بیوریلان نشان مفخرت بر یاد اولان
نامه ... علاوه فخامانه‌لری و ... مودت ایله اخذ اولنمشدر ... حقیمزده
اولان رابطه مخصوصه‌ی ... تکمیل ... مزده کران بها اوله
قدن پک قدر و اعتبار یادگاری دخی گمی بیوک بولنه‌جق ...
دولتلرینه جاری اولان ... ادامه و تأییده ایله ... اتفاق
مملکت ... ایرانه ... مزده ... حج
محفوظیت اوله‌جق و هر حال ... ایام عمر سعادت ... شانه‌شاهی ...
کندن ... حق خالصانه‌مزده بو وجه ظهور ... کلان اثر مودت شاهانه
زینتدن ... موجب ... تشکرات و مخصوص خالصانه
... قدر حد ... اوله قدر ... اوزه‌ای
دخی ... رقابتی ... وارد قلبی مخصوص خالصانه

شهر ربیع الثانی ۸۳

نامه ایست در از طرف اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان به اعلیحضرت
شاهنشاهی روحنا فداه بسنه ۱۲۸۳

ذات معالی صفات شاهانه زینت‌ده کار اولان خلوص و محبت خالصانه مرکز

دینی الله و یقین بر کمال و بولان کمیز و و برنک علایق اولق روزه عقد اعظم
نامه منسوب اولدرق تأسیس ایده‌کمز شان منابه تک بر قطعه سی ارسال قلمش
اولنده رکمک بر محبت خالصک بر کار اولق اوزره طرف شاهانه لرینه قبول
قنار خالصانه مزابه دلالت بر حال ده تمادی ایام عمر و اقبال قیبانه لری خلاصه
مقاصد و امال محبانه مز بولنه ییز نمینه تمامه قرین ۴ فی منو سمعی اوله قده
بو رتق جری بعد ادام اثار مودت حین خواهی لری دست دار ایده تمک مأمول
و تمنی خالصانه مزدر ربیع الثانی ۸۳

نامه اعلیحضرت شاهنشاهی باعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان
شهر شوال المکرم ۱۲۸۳

نامه مودت ترسیم شاهانه با مقام شان ذیشان لازم التعظیم آن اعلیحضرت
و متضمن اظهار کمال تمیز وصفا و اعادی جانب صفوت جواب شاهنشاهی
شرف ورود و اصل ابلاغ کریم کردید و چون مرتبه وسیله جمیله رسوم یگانگی
را تکرار با تقدیم رسانیده بود و تو داوری که الله در میان حاصل است
دلیل تازه اتحاد کرده محبت موجب شغف خاطر محبت بنیان شد و ارکان
مسالمت را خاطر ... چنانکه پیشنهاد و طرفین است زیاده آنچه سابق
مشید و استوار ... و ستنی از بیان است چنین علامت مودت که از آن
طرف قرین لطف ظهور رسیده همواره برسم یادگار منظور نظر خالصت اثر
شاهنشاهی بوده ... درجه عزت و اعتبار نامی خواهد بود و در سال نامه ...

خاتمه

خاتمه شهود و بیگانه شاهانه اعلیحضرت مسبب ایم که روز و بار عمر و عزت و بقای
ذات بزرگ صفات آن اعلیحضرت در سریر جهت و اجلال از اولین مقاصد
و کامه های ... دعا طرازان اعلیحضرت را در اجابت این معنی بهترین مسئولیه
می شماریم و همواره با بهای موجبات تزئین علاقات قواعد مسالمت را مستحکم خواهند
داشت شوال المکرم ۸۳

یادگار نسته شد

نامه ایست که از طرف حضرت ظل اللهی روحنا فداه به پادشاه
دولت عثمانیه نوشته شده ۱۲۸۳

بعد از ستایش خداوند و درود و درود نامعدود بر روان پاک پیغمبران و به
شناسائی چون عهده دوستان که دل با صفا اوای بزم حضور معدلت ظهور پادشاه
مرحوم ... و ... فرهنگ و شهریار شوکت دستگاه پدر او که فرخنده ورث یگانه
خجسته پرکار یکانه روح پادشاه ذیجاه دولت عثمانیه داشته مکشوف رای اعلا
سپرده ایم رحلت اعلیحضرت والد تاجدار شهریار ازدار الفنای دنیا
به دار البقای عقبی چنانکه در نامه صفوت علامه سند ربیع بود باعث حزن و
اکدار خاطر مودت اثر شاهنشاهی گردید و از استماع این قضیه هایله اندوه
و ملال ناتمامی حاصل فرمودیم و از جانب دیگر جز بهجت از جلوس آن
پادشاه با فروجاه و تخت سلطنت فسیح و انبساط فزوده دیگر از ارتباط و دوستی
که از قرون سالفه تاکنون فیمابین دو لتین مرعی و دوست آن عم و که درست علاقه

از دیدار خورسندی و بهجت بر هم حسن وداد تازه نمود و وابسته با اعلیحضرت
شهد و موجب است که ساحت محبت و شادی از لوازم محبت و اتحاد است
و باقتضای سالقی که در مودت قریبا هم دارند این سخن بهنیت از طرف
قرین الشرف همایون با مرحمت و از کمال صفای نیت و کمال بقای آن
اعلیحضرت دوره بهیاری پیوسته طالب هستیم و امیدواریم که وجود
مودت آمودان اعلیحضرت از هرگونه مصایب و عوارض مصون بوده
با فام بهجت و سرور مقرون باشند همواره با ارسال نامجات میامن ارکان
مودت خواهند بود   ایام سلطنت و کامرانی مستدام باد   تاریخ شهر رجب
۱۲۹۳ هجریه

سواد نامه اعلیحضرت ولیعهد همایون ایران باعلیحضرت
پادشاه بلجیک مورخه شهر جمادی الاولی ۱۲۹۳

بعد از ستایش خداوند و درود و هدیه ثنا که چون عهد دوستان یکدل با صفا
استوار و هم ارزم مثال باشد صاحب جاه با فرهنگ و شهریار شوکت دستگاه
بهادر نیک فرخنده دولت یگانه خجسته بر کامکار باشاه زیبا دولت بلجیک
دام شوکته را بعد اعلام مسید این نامه مودت ختامه آن اعلیحضرت
در منظور از خبر بهجت وقوع عقد ازدواج فیمابین نواب کامیاب کونت
الله نواب برادر کامگار آن اعلیحضرت و خواهر خجسته اختر نواب حشمت مآب
پرنس شارل امپراطور با احتشام اطریش و بعد آن مبارکه و صحبت بوده در استقبال

[illegible]

آن

آن اعلیحضرت از اظهار فرمان نامه که دوستانه را با ارسال تبریک کرده از آنجا
که باقتضای دوستی و مصافات بینه در سلوک و سرور در همه وقت شرکت و خود مان را
با آن اعلیحضرت شریک و انباز میدانیم این قضیه را جنبه آن از طرفت دفاتر
مرا قرین انبساط و ملال داشت که شرح آن در طی این نامه مودت ختامه حاصل
از فرط کمال نگرانی بود از خداوند در باقتضای حکمت بالغه خود در ازاد
هر قدر شهدی و تلخی فات در دوری سرور [illegible] است الحمد [illegible]
در علم [illegible] اتفاق آن اعلیحضرت و [illegible] آن [illegible] نایبه
داشته و [illegible] و قرار [illegible] ناگوار [illegible] اقتضا [illegible] اختیار
آن اعلیحضرت که [illegible] تحمل و شکیبائی آن [illegible] شرکت آن تاریخ
سپهر [illegible] سلطنت [illegible] باعث [illegible] شوکت با کمال
اقبال و حضرت [illegible] همواره [illegible] گذارش نامجات مودت
آیات مبارکه [illegible] ایام سلطنت در فزون و استدام باد

سواد نامه اعلیحضرت تاجدار ایران به اعلیحضرت پادشاه
بلجیک مورخه شهر رجب ۱۲۹۶

هدیه ثنائی که چون عهد دوستان یکدل با صفا استوار و مانند جلالت دستور
پادشاه صاحب جاه با فرهنگ و شهریار شوکت دستگاه بهادر نیک
نهال دوستان سلطنت یگانه دولت خجسته بر کامکار پادشاه زیبا دولت بلجیک

داشته محفوف روابط اتحاد مستدعی دارایی است و نامه نامی و جواب مکتوب که از
آن اعلیحضرت که مشعر از حسن عنایت از ترقی مولود ارجمند از نواب نائب السلطنه
مستقیم واب کامیاب برادر فرخنده اختر آن اعلیحضرت بود از طرف قرین
الشرف ملوکانه به تراکمی دولت قریب گردید با تقدیم مراسم تبریکات و تعارفات
که مخصوص روابط حقوق مودت و حسن جوار با آن اعلیحضرت شرکت و ابراز میداریم خاطر
دوستانه ما از این سرور و خرسندی قرین گردید امیدواریم که باعث
نصف آن اعلیحضرت و خاندان سلطنت است اقتران امر سعادت قرین مسرت
ناصر گشته باز خورد از سرور مشترک آن اعلیحضرت را تهنیت میگوئیم
و به ابراز تقدیم شرایط تبریک لزوماً از خداوند متعال بقای شوکت و اجلال
دودمان خجسته را در سایه اقبال آن اعلیحضرت مسئلت می نمائیم امیدواریم
همیشه با اظهار مسرت و ناصر و همدمی با صداقت ارسال نامه با دوام و بقای
فرح افزا صحت ذات همایون که سلسله مکاتبت بوده صحت مزاج خود را از فزاینده
خاطر مودت ظاهر ملوکانه دارند ایام سلطنت مستدام باد

سنه ۱۲۹۵

الی توسط جناب میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایلچی مخصوص مقیم
دربار دولت عثمانی داخل انجمن حضور همایون گردید از این بشارت مسرت
اکید و تهنیت فایق الغایه آن اعلیحضرت که ما را در سرور و مسرت خود مشارکت میدانند با مقتضای
عهد مودت موافق و اتحاد بر سر دوستانه اسلام و سلسله که به سرور موهوب
شریف مسلم و اتحاد طرفین خاطر عهد مودت با آن اعلیحضرت به رکن ثابت رابطه
یگانگی در سلامت ... و جالب و از خداوند متعال احتشام این جشن خجسته
را سلامت و دوام شوکت آن اعلیحضرت مقرون و اهل مراد و مزید
دولت و مودت ابدیت مقرون ارکان اتحاد پیوسته ایام سلطنت

سنه ۱۲۹۵

سواد نامه اعلیحضرت شهریار ایران با اعلیحضرت پادشاه
پروس مورخه سلخ شعبان ۱۲۹۵

نفحات نسیم تحیات فزون از مدایح احتدال انوار بزم ارم مثال
پادشاه صاحب جاه با فرهنگ حضرت خورشید فر ارکان اورنگ
همایون جلال و بستان سلطنت مبارک مهر سپهر دولت ... و سرور ترک
و قدار فرخنده برادر با استظهار ... دولت پروس داشته
محفوف روابط اتحاد ... دارم نامه مودت ختامه نامی و مفاوضه مسرت
افاضه که در حق اقتدار و ترویج اثرات ... آن اعلیحضرت کامکار

بواسطهٔ سفارت دولت ما مقیم اسلامبول شده و با تحیات کریمه معدلت
بخش انجم حضور و بهجت افزای خاطر مودت مظاهر گردید از اینکه کونفرانس
اسلامبول تا با امضای الاتفاق والاتحاد بر رایت اعلیحضرت والا
مفوض گشته و بهمین جهة در ضمن نامهٔ مودت ختامه استحکام مراودات اتحادیه
ایشان را با این دولت علیه تأیید و استقرار نموده بودند باعث خشنودی و انبساط
تمام دولت ما به مراودات مذکوره و تشیید مبانی اتحاد شده و رجا و امید
حاصل است که بعون الهی همت خالصانهٔ طرفین مراودات مزبوره روز بروز
تشیید و تزاید و تنمیهٔ منافع جانبین در ممالک یکدیگر دائمی و ممتد خواهد بود
از خداوند متعال ... پیوسته اعلیحضرت کامکار را توفیق
اقتدار و بقای سلطنت و تأیید ارزانی داشته باشد در دار الخلافه طهران
در عمارت ارگ سلطانی قلمی شد

۱۲۸۵

سواد نامهٔ اعلیحضرت پادشاه بلجیک مورخه صفر المظفر

۱۲۸۶

برادر مهر استظهار دوست صاحب جاه با فرهنگ و ... شوکت و ...
... دولت ... بر کامکار پادشاه ذی جاه دولت بلجیک
مکتوب ... همایون نامه ... اغاز محبت انجام ... مکتوب ...
مودت ... سلطنت ... فرزند ...

ترجمهٔ نامهٔ خاقان چین با اعلیحضرت ملکهٔ انگلیس مورخهٔ شهر جمادی الاولی ۱۲۹۱ مطابق ۱۸۷۴

(... دیار چین) مرکه شاهنشاه معظم و افخم و حاکم ... استحقاق اقطاع
... حسب ... چین و ... چین ... حضرت ... کار
در روز ... شاهنشاه ... هستم ... (تقدیم) ... کانه ام شده
... از ... رسید
... ان حضرت ... در ... صلح و مسالمت بوده و لطف و ملاطفت
... برای ... شاهنشاه ... هستم ... امروز
صلح کردم ... گشته و ... در رشتهٔ
و مسالمت ... را بیان نکنم
امروز فرمان دادم که ... حضرت ... با تربیت ...
حکم کردم ... و دستهٔ ... و از
طرف ... ازار و اذیت ... باشد
... خودشان را
اصلاح گشته و ... بزرگ ... شهرها ... گشته
... شان ... نخواهند
... خودم ... کردن ... از ... تعلیم
و حکمت ... خواهند

مستفید شود و یک قطعه از قطعات لطف و مرحمت فیض شرف گشته کسب علم
و معرفت داد و فی مابینه
به شهر جون (طوطوم) او کرم که از کرات تابنده خانه (اودس)
واز نجوم سیاره مشتری (سالتودن) [illegible]
[illegible] در زبان [illegible]
کهتر بیدار کردن از بسم [illegible] جنبه [illegible] فرشاد
از خدای [illegible] زلفت کم شده و [illegible] رفته رفته کوچک شود و [illegible]
مطوف و [illegible] شاهنشاه [illegible] در درجه کمال است
دائم

رسالة
ميزان المقادير
في تبيان التقادير

تصنيف قدوة الاعلام الافاضل
رضي الدين القزويني صنفها
لرئيس فقهاء عصره سلطان
العلماء خليفة السلطان
طاب ثراه

رسالة ميزان المقادير بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد [illegible] العليم [illegible]
الكريم كثيرا اما بعد [illegible] المصطفى [illegible] وآله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اختلاف الآراء [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ميزان المقادير [illegible]
[illegible]

بالفكر الرزين

بالفكر الرزين [illegible] ممالك الاسلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] المروزية
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

الحبة فهو سبع [illegible] هذا الاستعمال [illegible] الا في [illegible] المشهورة [illegible]
حسبما اتفقنا [illegible] الطسوج [illegible] شعيرتين [illegible]
[illegible] القيراط [illegible] قيراط الدرهم [illegible] قيراط الدينار [illegible]
[illegible] اما قيراط الدرهم [illegible] اربع شعيرات [illegible]
في [illegible] القيراط [illegible] الطسوج حبتان [illegible]
[illegible] سبع واما القيراط [illegible] شعيرة [illegible] شعيرة [illegible]
واما القيراط العراقي [illegible] شعيرات [illegible] شعيرة [illegible]
القيراط [illegible] يختلف [illegible] البلاد [illegible]
[illegible] العراقي [illegible] المعيرة [illegible]
[illegible] شعيرة [illegible] الدانق [illegible]
[illegible] الدرهم [illegible] شعيرات [illegible] الدرهم [illegible]
والقيراط [illegible] الطسوج [illegible] درهم [illegible]
[illegible] الدرهم [illegible]
[illegible] الدرهم [illegible] شعيرة [illegible]
[illegible] شعيرة [illegible]

الدرهم [illegible]

[illegible] الدرهم [illegible] شعيرة [illegible]
[illegible] الفضة [illegible] الوزن [illegible]
[illegible]
[illegible] الدرهم [illegible]
[illegible] الدرهم [illegible]
[illegible] المثقال [illegible]
[illegible] شعيرة [illegible]
[illegible] مثقال [illegible]
[illegible] شعيرة [illegible]
[illegible] شعيرة [illegible] درهم [illegible]
[illegible]
[illegible] البصرة [illegible]
[illegible] شعيرة [illegible]
[illegible] شعيرة [illegible]
[illegible] شعيرات

و[illegible] أربع عشرة [illegible] دراهم [illegible] أربع [illegible] الأوقية [illegible]
كما في الصحاح والقاموس [illegible] درهم [illegible] الأوقية [illegible]
كتاب [illegible] الأوقية [illegible]
[illegible] الفقهاء [illegible] أصحاب اللغة والأطباء [illegible] عشرة [illegible]
درهم [illegible] درهم [illegible] المعتبر [illegible]
وعلى [illegible] عشرة دراهم [illegible]
في شرح [illegible] القاموس [illegible]
صاحب الصحاح [illegible] المعتبرة [illegible]
بعض [illegible] عشر درهما [illegible] مثقال [illegible]
والمعتمد [illegible] الأوقية [illegible] عشر [illegible]
درهما [illegible] مثقالا [illegible] في الصحاح [illegible]
[illegible] الأوقية [illegible]
فإنه [illegible] الأوقية [illegible] عشرة دراهم [illegible]
أربع [illegible] الأوقية [illegible]
[illegible] عشرين [illegible]

[illegible]

فقد [illegible] الصحاح والقاموس [illegible] عشرة أوقية [illegible]
[illegible] درهما [illegible]
[illegible] الأوقية كانت [illegible] درهما [illegible] الرطل [illegible]
[illegible] الرطل [illegible]
[illegible] ستة آلاف [illegible]
[illegible] عشرة أوقية [illegible]
[illegible] مثقالا [illegible]
وثمانية [illegible] عشرة أوقية [illegible]
بلا زيادة [illegible] مثقالا [illegible]
أربع [illegible] الصحاح والقاموس [illegible] عشرة [illegible]
الرطل المعتبر [illegible]
[illegible] عشرة أوقية [illegible] مثقالا [illegible]
[illegible] العراقي [illegible] العراقي
[illegible] العراقي [illegible]
في الرطل العراقي [illegible]

ثمانية آلاف ومائتان وثلاثة وعشرون شعيرة وكل أربع شعيرة قيراط [illegible]
[illegible] بالمعنى الأول يبلغ رطلا ونصف رطل [illegible] العراقي [illegible]
أوقية والخلاف في التعبير كما قرره المحقق [illegible] آلاف وثمانية شعيرة [illegible]
وعشرين أوقية بالمعنى المذكور يبلغ رطلا [illegible] رطل وفي [illegible]
رطلا وثمن رطل [illegible] والمحقق [illegible] عشر آلاف [illegible]
وستة [illegible] يبلغ رطلين [illegible] العبارة أي الأربع [illegible] وفيه اختلاف في
الأول [illegible] من تعبير الأوقية [illegible] التبريزي [illegible] الألف [illegible]
يبلغ ثمانية مثاقيل صيرفية [illegible] المحقق [illegible] الألف [illegible]
شعيرة يبلغ [illegible] مثقال صيرفي [illegible] المحقق التبريزي والكر بحسب الوزن أما
المكيال [illegible] في التعبير [illegible] ألف [illegible] في [illegible]
فهو [illegible] عليهم [illegible] الأصحاب [illegible] كما ذهب إليه [illegible]
[illegible] الكل [illegible] ذهب إليه [illegible] جماعة منهم ابن بابويه [illegible]
والأولى في [illegible] والعلامة [illegible] الاحتياط [illegible]
[illegible] في قدر الكر العراقي [illegible] والعلامة [illegible]
[illegible] والرابعة [illegible] الشيخين [illegible]

وحسن ألف

وحسب الف [illegible] الفقهاء [illegible]
أربع [illegible] الأوقية [illegible]
[illegible] العشرة [illegible] كما في الكافي [illegible]
درهم كما في [illegible] الألف [illegible] عشرة آلاف [illegible]
في الكافي [illegible] عشرة آلاف [illegible]
مائة وعشرون رطلا وفي [illegible] أوقية [illegible] الألف [illegible]
ومائة أوقية [illegible] الألف [illegible] الألف [illegible] رطل [illegible]
الألف [illegible] الأجر [illegible] بعض [illegible]
[illegible] أحد [illegible] في الأخبار [illegible]
[illegible] الألف [illegible]
[illegible] مثل [illegible] تقريبا
[illegible] المقدرة [illegible] الكيل [illegible] المقدرات [illegible] الكيل [illegible]
[illegible] الألف [illegible] المعتدل [illegible]
[illegible] من [illegible]
[illegible] المقادير [illegible] المقدر [illegible]

سوى القطر وهو من التعبير بقدر به فاختلفوا في قدره بحسب اختلاف الروايات عن [illegible]
مثقالا [illegible] بقدر [illegible] وصل [illegible] الاول [illegible]
فقد القسم الثاني بحقيقة [illegible] التقدير [illegible] المد [illegible] بتقدير [illegible]
ثمانية وانما [illegible] درهما [illegible] درهم [illegible] مثقالا [illegible]
سبع رطلا ورطل العراقي [illegible] احتمالي [illegible]
من المحدثين وفسره [illegible] الرطل [illegible] معلوم [illegible]
والا فمائة [illegible] درهما [illegible] درهم [illegible] مثقالا [illegible] سبع رطلا
ورطل [illegible] الا [illegible] درهم
[illegible] مثقالا [illegible] سبع رطلا [illegible]
[illegible] الصاع [illegible] الاثلث [illegible]
[illegible] درهم [illegible] مثقالا [illegible] سبع رطلا [illegible]
[illegible] درهم [illegible]
[illegible] مثقالا [illegible] رطلين [illegible] العراقي
[illegible] درهما [illegible] مثقالا [illegible] سبع
رطلين [illegible]

ولنعم دراهما

[illegible] ثمانية مثاقيل [illegible] سبع [illegible]
[illegible] المعرب [illegible]
[illegible] الصاع [illegible] ربع [illegible] صح
[illegible] الرطل [illegible] سبع [illegible]
ان [illegible] رطل [illegible]
[illegible] واعلم انه [illegible] باختلاف [illegible]
[illegible] رطلا [illegible]
ثمانية [illegible] رطلا [illegible]
[illegible] عشرة [illegible]
[illegible] صاع [illegible] زكاة الفطر [illegible]
[illegible] الصاع [illegible] المد [illegible]
[illegible] احتمالهم في تقدير المد [illegible] الصاع [illegible]
[illegible]
[illegible] رطل [illegible] صاحب القاموس [illegible]
[illegible] رطل [illegible] رطل

على تعبير الحنفية وثمانية ارطال العراقي ثمانية ارطال على تعبير العامة وقال العلامة رحمه الله
تسعة ارطال الحنفية ويعطي جمهور فقهائنا خمسة وثلث ثم تسعة ارطال على تعبير [illegible]
والكيلجة وهي من صنعاء [illegible] سبع عشر رطلا وثلث ارطال ... رطل على تعبير العامة كذا
في الصحاح والقاموس والمكوك كتنور [illegible] كما في الصحاح [illegible] مكيال [illegible] عشر رطلا
وربع رطل كذا في القاموس والاردب بتقديم الراء المهملة [illegible] مكيال [illegible] اربعة
وعشرون صاعا كذا في القاموس [illegible] الذهب [illegible] في [illegible] الاربع [illegible]
احتمالات والقنقل [illegible] مكيال يسع ستة عشر رطلا [illegible] كما في الصحاح [illegible]
[illegible] وتفسيره [illegible] يسع [illegible] الصاع [illegible] المختار [illegible]
الصاع [illegible] الرطل [illegible] وتفسيره [illegible] يسع [illegible] صاع [illegible] عشر رطلا
من حيث القاموس [illegible] واختلاف التعبير [illegible] والقفيز المكيال [illegible]
تفسير [illegible] مكيال [illegible] اربعة وعشرين [illegible]
والقاموس والكر [illegible] تشديد الراء [illegible] اربعة وعشرين صاعا
نقل [illegible] القاموس [illegible] الصحاح والجريب المكيال [illegible] الارض [illegible]
حسب القاموس [illegible] مكيال [illegible] ستين [illegible] والعشر [illegible]
في [illegible] [illegible] ستين [illegible]

[illegible]

[illegible] فيختلف الآراء [illegible] اختلافهم في [illegible]
[illegible] والذكر [illegible]
الالف [illegible] نقلا من القاموس [illegible]
نقلها [illegible] العراقي [illegible] القفيز [illegible] القفيز وذكر
المقادير المقدرة [illegible] تقديرات [illegible] القفيز [illegible] الشعيرة [illegible]
[illegible] حيث [illegible] المساحة [illegible] عرض [illegible] السطح [illegible]
[illegible] المقدر [illegible] عرض الشعيرة [illegible]
الشعيرة [illegible] الراحة [illegible]
[illegible] عرض كل الشعيرة [illegible] شعيرات [illegible] شعيرات [illegible]
[illegible] المقادير [illegible] القفيز [illegible]
ان القفيز [illegible] الخط [illegible] القفيز [illegible] القفيز
[illegible] القفيز [illegible] الاصبع [illegible] شعيرات [illegible]
الاكثر [illegible]
[illegible] القدر [illegible] الشعيرة [illegible]
في القدر [illegible] الشعيرات [illegible] شعيرات [illegible]

والشعيرة سبع شعرات [illegible] كما ان [illegible] شعيرات والشعيرة [illegible] شعرات [illegible]
كونه سبع شعرات الشعيرة ست شعرات بعكس الثالث فنقل الاول صاحب الهداية [illegible]
ونقل الثاني [illegible] في شرح لمعة الفقه ولم اطلع على نقل الرابع [illegible]
في الكل مع الثالث [illegible] حاصل [illegible] بعكس [illegible] المذهب [illegible]
في تقدير الاول [illegible] ان يكون [illegible] ثمانين شعيرة [illegible] ان يكون [illegible]
[illegible] ان يكون [illegible] وهو [illegible] الاختلاف في جميع [illegible] الا [illegible]
الا [illegible] بكل واحد من التقديرات التي نقل [illegible] ان [illegible] ثم [illegible]
[illegible] الفقهاء [illegible] اربع اصابع مضمومة [illegible] في عشرين [illegible]
[illegible] وست وستين [illegible] وثمانين [illegible] والشعيرة [illegible]
والمعتبر [illegible] هو [illegible] الا ان [illegible] التقدير [illegible] الفقهاء
والا [illegible] عشرة اصابع [illegible] التقدير [illegible]
[illegible] مع [illegible] ان [illegible] بما [illegible]
[illegible] الفقهاء [illegible] في [illegible] التقدير [illegible]
[illegible] الا ان [illegible] يختلف بحسب اختلاف [illegible] الفقهاء
[illegible] الا ان المعتبر [illegible] المتعارف [illegible] الذراع [illegible]

الذراع

صح

الذراع الشرعي [illegible] ذراع [illegible] من طرف المرفق الى طرف [illegible]
[illegible] اربع وعشرين اصبعا [illegible] قبضات والذراع [illegible]
[illegible] سبع وعشرين اصبعا [illegible] قبضات الا [illegible] والذراع [illegible]
ذراع الفقهاء [illegible] اثنين وثلثين اصبعا [illegible] قبضات [illegible]
[illegible] في [illegible] الذراع [illegible]
[illegible] الشرعي [illegible] الاف [illegible] الف [illegible]
[illegible] الف [illegible]
وذراع الشرعي [illegible] التقدير [illegible] الف [illegible] الذراع الفقهاء
[illegible] والفرسخ [illegible] عند الاكثر [illegible]
[illegible] الف ذراع [illegible] الشرعي [illegible] الاف [illegible]
الاف [illegible] وثمانمائة [illegible]
[illegible] في التقدير [illegible] الاف [illegible] الاقوال [illegible]
[illegible] اختلافهم في الفرسخ [illegible] الذراع
الفقهاء [illegible] الف ذراع [illegible] الى [illegible]
[illegible] بخلاف [illegible] في تقدير الفرسخ [illegible]

الفقهاء [illegible] بستة آلاف [illegible] الذي [illegible] ثلث [illegible]

الذراع وان [illegible] بذراع اليد [illegible] الى [illegible] عشر [illegible]

عن [illegible] الف [illegible] الالف [illegible] الذراع و [illegible] التفاوت في التقدير [illegible]

الى [illegible] في [illegible] شرح [illegible] الاتفاق [illegible] الميل [illegible]

الالف كل [illegible] اصبع [illegible] ثلاثة آلاف كل [illegible]

وعلى التقدير [illegible] الميل [illegible] الف اصبع [illegible] الاتفاق [illegible]

[illegible] الميل [illegible] صاحب القاموس في تفسيره [illegible] آلاف [illegible]

[illegible] الميل بالاطلاق [illegible] ربع [illegible] عشر [illegible]

ونقل صاحب القاموس في [illegible] القدرة [illegible] شرح [illegible]

[illegible] الفرسخ [illegible] اربعة [illegible] ميل [illegible]

[illegible] ذراع [illegible] [illegible] الاحتمالات المذكورة

في [illegible] المذاهب [illegible] عشر

[illegible] الذي [illegible] المعتبرة في [illegible]

[illegible] اذا كان [illegible] بعض [illegible]

[illegible] الاعتبار [illegible] بالعرف [illegible] العشر

ديوث

[illegible] في [illegible] القصبة في [illegible]

عشر [illegible] القفيز [illegible] الارض [illegible]

هذه الذراع حاصل ضرب القصبة [illegible] القاموس [illegible]

[illegible] الارض [illegible] ثلاثة آلاف [illegible] ذراع [illegible] القفيز

[illegible] باختلاف اعتبارات البلاد [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] حاصل ضرب [illegible]

في [illegible] [illegible] بين [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] في [illegible] حاصل ضرب [illegible]

في [illegible] [illegible]

[illegible] المذكورة [illegible]

[illegible] العادة [illegible]

[illegible] بين [illegible]

[illegible] المذاهب [illegible]

الى العواليين الحكيمين فى تقدير الكر اشتد وازم على العمر ان تحكم كف من الماء بذرالا اذا
استطاع فيمتنع علومه عشرة شبر بنصف اذا علم الكر جو من مربع كل العداد
وثلث شبر [illegible] وهذا العبد جدا جدا ما اردنا ايراده من التفصيلات لانه
يسوق الكلام فى التنبيهات [illegible] تتميم اعلم ان الشيخ فى آخر القانون
ذكر بعض الاكيال والاوزان المعروفة فى اليونانية فقال [illegible] من [illegible]
من [illegible] ابن سرابيون [illegible] فى هذه [illegible] ايه فى [illegible]
[illegible] فى طرف الكرة وجوه [illegible] على اللغة اليونانية [illegible]
المعروفة فى هذه الازمان والافادة فى [illegible] ذكرها [illegible]
[illegible] بعضه من اليونانية وكفى بالفصل الذى ذكره فى آخر القانون [illegible]
ومع [illegible] ذكرها فى هذه [illegible] كثير فائدة [illegible] فى النسخ القانون [illegible]
مختلفة فى الكثرة وفى [illegible] اللغات اليونانية [illegible] على وجه [illegible]
[illegible] فى [illegible] غير صحيح [illegible] غير مفيد [illegible]
مما ذكره [illegible] كثير [illegible] بعض [illegible] كثيرة [illegible]
غير محصور وكان [illegible] من [illegible] غير [illegible]
الفائدة [illegible] الشواهد [illegible] ذكرناه [illegible]

الرطل نصف

رطل ونصف والرطل اثنا عشرة اوقية [illegible] فى وضع [illegible] العدد [illegible]
والرطل عشرين [illegible] اوقية [illegible] اوزانه [illegible] الرطل اولا
ثانى عشرة اوقية والاوقية [illegible] قبل [illegible] الرطل البغدادى [illegible] مثقالا
فرطل [illegible] العشرين [illegible] والاوقية [illegible] [illegible] مثقالا
وكسر اوله [illegible] قبل [illegible] مثقالا [illegible] الرطل [illegible]
[illegible] مثقالا [illegible] ثمانية [illegible] مثقالا وكسر [illegible]
تتميم لا يظهر [illegible] من [illegible] فى [illegible]
قد عرفت مما تقدم ان الدانق [illegible] عبارة عن [illegible]
والطسوج [illegible] عبارة عن [illegible] فاعرف الآن
ان الدانق [illegible] الطسوج [illegible]
ام [illegible] المتعارف [illegible] المعتبر [illegible]
[illegible] الاتفاق على [illegible] شعيرة [illegible] شعيرة [illegible]
[illegible] الذى [illegible] شعيرة [illegible] شعيرة [illegible]
[illegible] الذى [illegible] شعيرة [illegible]
[illegible] شعيرة [illegible] الفائدة [illegible] شعيرة

وقد عرف ان المثقال ستون شعيرة والدانق اثنا عشر ... الا ان يخص ... في اصطلاح
اهل الفقه وكذلك ... خطا ... شعيرة ... حيث زعم ان ...
الدينار الدانق شعيرات ... ان يعلم ان الدانق ... مخرجها من الدينار ...
مخرجها الدانق للدانق وشعيرات مخرجها الطسوج للطسوج ثم ان الكلام ...
... مخرج ... حسن ... حبة ... ان ... الدينار
ولمثقال شعيرة ... كون الدينار ... وهو ...
عشرة دراهم ... الشهر ... الى ... الانقال ...
الاقوام وقد ... كان هو الفلط ... بعض ... الفيا ...
المستقيم حيث ... في ذلك ... بعض ... الفقيه ... في ... جزو ... شعر
هست ... [illegible]
زر ... [illegible]
و ... شعر ... [illegible]
و ... سبع ... [illegible]
انا ... الدرهم ... [illegible]
لم ... شعيرة ... [illegible]

الثاني الاخر

ان علم الفقيه ... حساب المثقال شعر ... درهم ... وزن ...
... قيراط ... سبع ... جو ... بعد ...
وقد ... الفقيه ... الى ... ان الدينار ... حبة
... ان يكون الدينار ... حبة ... ستين ...
... ستين ... ان الدرهم ... مراده ... عشر ... الدانق
... ان ...
الانقلاء ... الكلام ... حبة
تتميم فذكر ان الدراهم ... الدراهم ... الشعير ...
ان ... الشرعي ... الدرهم الذي وزنه ستة دوانيق ...
... الفضة ...
... ان ... الفضة ...
الدراهم التي ... ستة دوانيق ... عشرة ... القيراط
... الدرهم في زمان ... دوانيق ...
... منها ...
في زمان ... دوانيق ... الاول ...

ويظهر منه أيضا وجه [illegible] وكأنه كانت الدراهم في بعض الأزمنة بقدر أحد

القدرين اللذين ذكرناهما بلا استبعاد مما ذكره الشيخ الكبير رحمه الله في باب

العقيقة في وضع الزكاة مما وضع خبر حبيب الخثعمي قال كتب أبو جعفر المنصور إلى محمد بن

خالد وكان عامله على المدينة أن يسأل أهل المدينة عن الخمسة في الزكاة من المائتين كيف

صارت وزن سبعة ولم يكن هذا على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله وأمره أن يسأل

فيمن يسأل عبد الله بن الحسن وجعفر بن محمد عليهما السلام قال فسأل أهل المدينة فقالوا أدركنا

من كان قبلنا على هذا فبعث إلى عبد الله بن الحسن فسأله فقال كما قال المستفتون من

أهل المدينة قال فقال ما تقول يا أبا عبد الله فقال إن رسول الله صلى الله عليه وآله

جعل في كل أربعين أوقية أوقية فإذا حسبت ذلك كان على وزن سبعة وقد كانت

وزن ستة كانت الدراهم خمسة دوانيق قال حبيب فحسبناه فوجدناه كما قال فأقبل

عبد الله بن الحسن فقال من أين أخذت هذا قال قرأت في كتاب أمك فاطمة

عليها السلام قال ثم انصرف فبعث إليه محمد بن خالد ابعث إلي بكتاب فاطمة

عليها السلام فأرسل إليه أبو عبد الله عليه السلام إني إنما أخبرتك أني قرأته ولم أخبرك أنه

عندنا قال حبيب فجعل محمد بن خالد يقول لي ما رأيت مثل هذا قط

توضيحه [illegible] يظهر أن المعتبر في الزكاة هو العدد ولا الوزن [illegible]

الدراهم

الدراهم [illegible] من الفضة من حيث العدد كما [illegible] ثم [illegible]

ويستدل على ذلك بما [illegible] عن بعض أهل الظاهر اعتبار العدد [illegible]

أبو سعيد [illegible] رسول الله صلى الله عليه وآله ليس فيما دون خمس أواق من الورق صدقة

فبعد هذا [illegible] كيفية [illegible] سبعة دراهم في زمان [illegible] الزكاة

مع أنه في عهد رسول الله صلى الله عليه وآله كان [illegible] الدراهم [illegible] أن المعتبر في الزكاة

هو الوزن لا العدد وأن الدراهم في زمانه [illegible] مختلفة [illegible] رسول الله صلى الله

عليه وآله فأجاب أبو عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام بأن [illegible] جعل في كل أربعين

أوقية أوقية يعني أن المعتبر في الزكاة ربع العشر [illegible] العدد [illegible]

[illegible] ذلك [illegible] في الوزن [illegible] العدد [illegible] عليه السلام [illegible]

ذلك كان [illegible] ربع العشر [illegible] الوزن [illegible]

الزكاة [illegible] هذا الزمان [illegible]

ذلك [illegible] الدراهم التي قبل زمانه [illegible] كانت [illegible] الدراهم

[illegible] مراتب الزكاة [illegible] الدراهم

[illegible] العدد [illegible] الوزن [illegible] الدراهم [illegible]

[illegible] الدراهم [illegible]

تتميم من الاوزان التي ينبغي معرفتها التي يرجع اليها في حساب [illegible] هو مثقال الصيرفي الذي
عليه مدار السكتين المحمدية العباسية الرائجتين في هذه الايام [illegible]
والمحمدية والعباسية التي ضربتهما مشتملة على نصف مثقال [illegible] مدار المثقال التبريزي [illegible]
المشهورين بين الانام [illegible] التبريزي في زماننا ستمائة [illegible] التي ضعف
الف وثمانين وهذا المثقال مع [illegible] في هذا الزمان مرجع المقادير المذكورة
ونحن [illegible] الاوزان المشهورة [illegible] بالشعيرة [illegible] احتياطا [illegible]
عليه فعلم كما [illegible] العلامة رحمه الله [illegible] ضبط [illegible] نيف شعيرات العين وثمانمائة
وعشرة وثمانين جزءا من عشرة الاف اجزاء الشعيرة [illegible] من جنس الصاع [illegible]
مخمسة [illegible] مثقالا [illegible] مثقال البصري في [illegible] العراقي الذي يكون
عنده [illegible] من [illegible] صاع [illegible] مثقالا
والنصف [illegible] مثقال [illegible] ان الرطل العراقي عنده عبارة
عن المائتين مثقالا [illegible] الاف [illegible] واحدى وسبعين شعيرة
اربع شعيرة وجب ان يكون المثقال الصيرفي المذكورة والتي بها ضبط اهل
عبارة عن تلك الشعيرات فالنسبة مثقال واحد صيرفي يلزم ان يكون عنده
مائة ونيف شعيرات العين وثمانمائة وعشرة وثمانين جزءا من عشرة الاف

اجزاء الشعيرة

اجزاء الشعيرة كما عرفت [illegible] كان الشيخ [illegible] قدس سره كان ضبط ثمانية [illegible]
وسبعين جزءا من سبعمائة وسبعين جزءا من شعيرة [illegible] ضبط الصاع والرطل [illegible]
ثم ما ضبطه العلامة مع الفرق بان الرطل [illegible] من احدى [illegible] مثقالا [illegible]
المجموع [illegible] الاستلاف [illegible] الشعيرة زائدة على [illegible] شعيرات رطل العلامة
[illegible] الشعيرة [illegible] بالتجارب [illegible]
وجب ان يكون المثقال الصيرفي التي بها ضبط الرطل عبارة عن هذه الشعيرات الزائدة
على شعيرات رطل العلامة [illegible] مثقال واحد صيرفي يلزم ان يكون عنده عبارة
عن مائة ونيف شعيرات خمسمائة وخمسة وسبعين جزءا من سبعمائة وسبعين جزءا
من شعيرة كما عرفت ثم [illegible] الشيخ [illegible] ان لم القيت في ذلك [illegible] العلامة
وضبط ما صح عنده فاتفقا [illegible] في قدر الصاع والرطل [illegible] الى المثقال الصيرفي
مع ذلك الاختلاف [illegible] من غرائب الاتفاقات [illegible]
[illegible]
اختلاف [illegible]
[illegible]
[illegible]

وزنه بالعويب مستفيضة ان المثقال الصيرفي المتعارف في زماننا عبارة عن اربع [illegible] شعيرة

فيزيد [illegible] وثلث ربع [illegible] الشرعي والظاهر [illegible] ابا [illegible] ومصره [illegible] الى ان

بعض الظن انهم [illegible] ان يكون [illegible] ولكن [illegible] ما ثبت لدى [illegible] فكري

القاصر [illegible] ذهن [illegible] مع انه [illegible] العلامة

والشيخ البهائي رحمه الله [illegible] المثقال الصيرفي زايد [illegible] بمقدار التفاوت الواقع

في الضبطين وكذا الكلام في التفاوت القليل الواقع [illegible] رحمه الله [illegible]

ومن [illegible] متفاوتة في الازمنة [illegible] التفاوت الواقع

في المن التبريزي في زماننا بين [illegible] ضبط الشيخ [illegible] المن التبريزي [illegible] مثقال

صيرفي [illegible] ستمائة [illegible] ان يكون هذا التفاوت الواقع

في المن [illegible] التفاوت في المثقال [illegible] بين [illegible] مثقال

الذي ضبطه الشيخ قريب [illegible] ستمائة [illegible]

[illegible] من التفاوت [illegible]

تتميم اعلم ان الراجح [illegible]

مثلا [illegible] الشعير [illegible]

[illegible] الشعير [illegible]

القياس

القياس [illegible] الحنطة [illegible]

كما [illegible] ان [illegible]

[illegible]

[illegible] معين [illegible]

[illegible] العلامة [illegible]

[illegible] التقدير [illegible]

[illegible] القدر [illegible]

[illegible] التقدير [illegible]

[illegible] الشعير [illegible]

[illegible] التكليل [illegible]

[illegible] التقدير [illegible]

[illegible] الفقهاء [illegible]

[illegible]

[illegible]

	المن التبريزي	المثقال الصيرفي	الشعيرة	الخردل	الفلس	الفتيلة	النقير	القطمير	الذرة	الهباء
[illegible]	٥	٥	٢٨	صح						
[illegible]	٥	٥	٤٨	٣	٥	٥	٥	١	١	٥
[illegible]	٢٤٢	٥٤٤	٢٣	صح						
[illegible]	٣٤٨	٣٤٣	٧٢							
[illegible]	١٤٨	٥٠٢	٢٢	١	٨	٣	٣	٣	٥	١
[illegible]	٥	٩٢	٧٢	صح						
[illegible]	٥	٩١	٧٥	١	٨	٣	٢	٣	٩	٩
[illegible]	٥	١٥٨	٢٨	٣	٣	٢	٣	٣	٥	١
[illegible]	٥	١٥٧	١٢	صح						
[illegible]	٥	٢١٨	٣٦							
[illegible]	٥	٢٤٧	٣٩	٥	١٥	١	٤	٢	٣	٣
[illegible]	١	٤١	١٨	٥	١	٤	١٠	٥	٨	٤
[illegible]	١	٤٨	٢٨	صح						
[illegible]	٣٤	٨٥	٥٥							
[illegible]	٣٤	٣٤٥	٥٨	٣	٥	٥	٥	١	١	٥
[illegible]	٥٥	٢٣	٢٩	٢	٦	٥	٥	٤	١٥	٢
[illegible]	٥٥	٥١٤	٢٤	صح						

في غير الصحيح ... يحمل كل من ... من ... لكن ... القول ... الفقهاء ... الطرفين ...
من جهات ... وطرح ... لضعف السند وغيره حيث اتفقت
قواعد الاصول ... الى ... منهم ...
كل ... كان ... عندهم ... المقادير المرزونة المكيلة التي ...
مقصد ... قسم معتبر ... الشرع ... دائرة ...
الفقهاء ... بل ... الاول ...
قسمين قسم معتبر ... ذكره ... قسم ...
... الشعيرة ... مثقال ...
ولما كان القسم الاول ... المعتبرة في الشرع ...
من حيث ...
للبيان ... المقادير ... واحد ... الاوزان المعروفة
في زماننا ... التبريزي ... الصيرفي ... الشعيرة ...
حدود ... المقادير المعتبرة المذكورة ...
من ... الشعيرة ...
... [illegible]

تتميم يظهر مما مر في تضاعيف المسائل ان الاختلافات الواقعة بين فقهائنا رضوان الله عليهم في
قدر المد والصاع والوسق كلها مبنية على الخلاف في [illegible] بما في قدر الرطل العراقي بان
ستون مثقالا او مائة وستون مثقالا وهذا الخلاف قائم بين العلامة وكثير [illegible]
في قدر المد بانه رطل وربع او رطلان ورطل العراقي وهذا الخلاف قائم بين ابن
ابي نصر البزنطي وغيره من الفقهاء [illegible] الاول لضعف السند وقال العلامة
في التحرير وقال ابن ابي نصر المد رطل وربع [illegible] رواية ضعيفة [illegible]
في المبسوط [illegible] قال البزنطي ان المد رطل وربع [illegible] فيكون المد رطلين [illegible] بالعراقي
[illegible] الصاع بالمد [illegible] قطع النظر عن الاختلاف [illegible]
فقهائنا والروايات [illegible] في [illegible] الاكثر [illegible]
[illegible] الصدوق [illegible] الفقيه في باب [illegible]
يجب فيها الزكاة وليس [illegible] الشعير [illegible] والوسق ستون صاعا والصاع
اربعة امداد والمد وزن مائتين [illegible] الشيخ [illegible]
في [illegible] عن ابراهيم بن محمد الهمداني [illegible] الفطرة
فكتبت الى ابي الحسن صاحب العسكر عليه السلام اساله عن ذلك فكتب ان الفطرة صاع [illegible]
[illegible] اهل المدينة [illegible] تسعة [illegible]

ويكون الفطرة

يكون الفطرة الف ومائة وسبعون درهما [illegible] جعفر بن ابراهيم
الهمداني [illegible] الى ابي الحسن [illegible] بن ابي [illegible] في
الصاع [illegible] الفطرة [illegible] الصاع للعراق فقال [illegible]
المدينة [illegible] ارطال العراق [illegible] في انه يكون [illegible] الف ومائة وسبعون
[illegible] الرجل [illegible] الفطرة وكم [illegible]
ارطال [illegible] المدينة [illegible] ارطال بغدادي [illegible]
[illegible] عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام قال كان رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible]
بصاع والمد رطل ونصف والصاع ستة ارطال [illegible]
[illegible] الشيخ [illegible]
عن سليمان بن حفص المروزي قال قال ابو الحسن عليه السلام الغسل بصاع [illegible]
[illegible] اربعة امداد والمد مائتان وثمانون درهما والدرهم ستة دوانيق والدانق [illegible]
[illegible] الشعير [illegible]
عن [illegible] الغسل [illegible] رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible]
[illegible] اربعة امداد وكان المد قدر رطل وثلاث اواق [illegible] الشيخ [illegible]
[illegible] في هذا الخبر الصاع [illegible] اربعة امداد [illegible] المد رطل [illegible] اواق [illegible]

رواية [illegible] فالصحيح [illegible] ستة آلاف وذلك [illegible]

[illegible] ما بين آدم [illegible] ستة آلاف [illegible]

[illegible] خمسة اعداد [illegible] الروايات اربعة اعداد [illegible]

وذلك [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

انه [illegible] الرواية الصحيح [illegible]

[illegible]

[illegible] ستة آلاف [illegible]

اعداد [illegible]

[illegible]

[illegible] ما بين [illegible]

[illegible] الصحيح الف ومائة وعشرين [illegible]

[illegible] الف ومائة [illegible]

دابن

[illegible] اعداد [illegible] الحديث [illegible]

[illegible] الصحيح [illegible]

هذه الرواية [illegible]

[illegible] سنين [illegible]

واحد [illegible] ستة عشر [illegible]

[illegible]

ما بين [illegible]

[illegible] الصحيح [illegible]

ما بين الف [illegible] ما بين [illegible]

[illegible] هذه الرواية [illegible]

[illegible] الرواية الثانية [illegible]

الرواية [illegible]

[illegible]

[illegible] ستة آلاف [illegible]

[illegible]

او وجب الكر بخمس عشرة او بعبارة من الماء الواحد منه الى حتى يعجبه الى الف رطل بعث

ستة ارطال او مثقالين بالاوقية المحررة بالمدينة موافقا لقدر القدر او بحروه على ما

اما عشرة دراهم وثلث اسباع درهم تبلغ سبعة مثاقيل والنصف خمسة عشر وثلثها ثلاثة

وثلثي عشرة مثقالا ... اما عشرة دراهم تبلغ سبعة مثاقيل فخمس عشرة يبلغها

ثلاثة وثلث مثاقيل واما ... درهما تبلغ ثلاثة مثاقيل فخمس عشرة يبلغها

ثلاثة وستة عشرون مثقالا ... ان الاستبلغ ... حتى لا حد المدني اذ حده

ارطال درهما وخمس ... تزيد على ... فخمسة ... عن خمس عشرة ... الى

بعشر المدني ... على جميل خمسة اعداد ... ومن الاكثر استظهارا

بالشهرة والاتفاق والروايات الصحيح كما ذكره الشيخ رحمه الله تعالى ... سليمان

ان تحديد الرطل ... المشهور على المدني بالاوقية مع تحديده بالعراقي ... التخفيف

في معنى العدد ... اذ الرطل ... عبارة عن الرطلين عراقيين ... في

هذا المعنى مع ربع رطل عراقي ... العلامة ... الرطل ... بالعراقي

رطل ونصف بالمدني ... الروايات المدنية كما ... من الرواة

العراقي مع ذكر انه الصحيح ... بين الفقهاء ... العراقي ... اذ اتفق

فيه ... الاوقية ... اذ ... كل ... العراقي

ينقص عن الماء

ينقص عن الماء او يزيد عليه ... الى المذاهب واذا حصل على المدني الى الكل يزيد عليه

جميع المذاهب فالاصح مطابقا ... قبل ... الصحاح ... بتقدير الاوقية في

ارطال ... دراهم ... فيها ... تنبيه ... تقدم ...

ان الكر المعتبر في باب الطهارة المعروف ... قدر ... الاكمل ...

مقدرين بالبدن وبالمساحة ... فيه احتمالات ... الرواية

اصلاحية ... الى استقلاله ... بالوزن ...

بعكس ذلك بان يكون المساحة اصلاحية ويكون الوزن طريقا الى استقلال ...

المسامة لعدم ... كثر ... والكتاب ...

كل منهما ... تغير ... ان كان منها

تفاوت كثير كما في ... التحرير ... الشيخ ابي جعفر الطوسي رحمه الله ...

... في باب ... الكر ... رواية البدن بعد ذكر الرواية ...

فلا سيما في هذا الخبر المتقدم ... ذكرنا في كتابنا تهذيب الاحكام ...

هذا الخبر ... الشيخ رحمه الله وجعلناه ... التحديد بالاشبار ...

لذلك ... بل ... الذي ... احد ...

تعتبر ... الطرق ... الاول ...

لا يتقدر بحيث لو زالت نقص ولكن لما ظهر من تعريف الكر بالالف ومائتين رطل ان الرطل عند العلامة رحمه الله
من شيوخنا رحمهم الله هو الرطل العراقي حيث رجحوا خبر العراقي في الارطال ورد [illegible] المدنية
لما [illegible] بالمساحة وذكرنا ان تعريف الكر بانه مبلغ [illegible] شبر من الكلمة [illegible] في العرض
وسبعة اثمان [illegible] ابن بابويه رحمه الله هو ثلثة اشبار [illegible] من زوال [illegible] مالا
ما ينبت [illegible] البعض [illegible] ان البعد [illegible] بين التقديرين [illegible] الا ان
يكون احدهما علامة والاخر [illegible] كل منهما [illegible] اخر [illegible]
عدم [illegible] الاخر [illegible] وذلك كثيرة في الشرع فاقبل البعض من ابن بابويه
لم يعتبر العراقي او عمر المدني مع ان الكر عنده قريب من [illegible] عنده من اعتبر العراقي
اشهر فيما تقرر ثم ان العلامة رحمه الله في المختلف وافق ابن بابويه رحمه الله في
والشهيد رحمه الله في الذكرى وافق الجمهور فيه ومع هذا [illegible] كلامهما في الارطال
الارطال العراقية لا يمكنه ان [illegible] الارطال [illegible] باختياره [illegible]
دون الارطال المدنية [illegible] ان [illegible] الكلام [illegible] فان الارطال العراقية
ان [illegible] ابن بابويه [illegible] العلامة [illegible] الكر [illegible]
الارطال المدنية [illegible] اذ التفاوت بين المذهبين في [illegible]
التفاوت [illegible] الوزن [illegible] الصاع [illegible]

بقوله بان النقل

بقوله بان النقل من الشهيد رحمه الله ان [illegible] الارطال العراقية في باب التقدير [illegible]
من [illegible] بخلاف الرطل المدني [illegible] العبد [illegible] رواية [illegible]
في هذا المقام ان الارطال العراقية [illegible] من الارطال المدنية [illegible] ابن بابويه [illegible]
[illegible] الى المذهب المشهور [illegible] المدنية [illegible]
قدر شبر [illegible] عندنا [illegible] قريب من التحقيق [illegible]
وثمانية [illegible] مثقالا [illegible] مبلغ [illegible] شبرا [illegible]
في الكر [illegible] عشرين [illegible] مثقالا [illegible] الارطال العراقية [illegible]
من المدنية [illegible] الى [illegible] مبلغ [illegible] شبرا [illegible]
شبر [illegible] وثمانية [illegible] مثقالا [illegible]
مثقال [illegible] ان الارطال المدنية [illegible] عبارة عن [illegible] عشرين [illegible]
وخمسمائة [illegible] مثقالا [illegible] مثقال [illegible] الجدول [illegible]
من الارطال العراقية [illegible] الشهيد رحمه الله [illegible]
وثمانية [illegible] مثقالا [illegible] مثقال [illegible]
المدنية [illegible] لا يبلغ [illegible] عشرين [illegible] والتفاوت [illegible] الارطال العراقية [illegible]
[illegible] الا [illegible] التفاوت [illegible]

في الملا بين بحسب الوزن الى حد يسير ذلك كما يشهد به التجربة ولكن بعض [illegible]
فلا شك ان المناسب حمل الاهل في القدر المرسوم به وحمل الرطل [illegible]
الى استعلام عرفهم ذلك القدر كما فيما نحن فيه ان يكون ما اختاره من الرطل [illegible]
عليه لا اقتصار عنه من باب الصدقة وتحقق كون الصاع القدر الشرعي بنفسه زيادة
ولا بطلان الفدية بما القدر المشهور [illegible] حقيقة عند الفقهاء [illegible]
او مع الاحتمال من تحقيق النقصان [illegible] زيادة الفدية عليه [illegible]
لدعوى تحقق زيادة عليه الصحيح لكونها مستندة للشروع الى تحديد المذكور [illegible]
عنه الله [illegible] تتميم ينبغي للمكلف المقلد لشرع المهتم بتحصيل براءة الذمة
ان يكون طريقه التمسك بالاحتياط والعمل على وجه يكون خارجا عن عهدة
الخلاف في جميع ما ذكر من المسائل الخلافية فيختار في قدر المد والصاع
المعتبرين في الكفارات وزكاة الفطرة مثلا مذهب الجمهور [illegible]
المد بما يبلغ مائة وسبعة وستين مثقالا صيرفيا واثني عشرة [illegible]
ما يبلغ ستمائة وثمانية وستين مثقالا [illegible] في [illegible] اذ هذا التقدير
اكثر من جميع المقادير السابقة كما ترى والاحوط هنا هو الاكثر فيختار في قدر الرطل
المعتبر ويحقق ايضا العلامات في حال الرطل [illegible]

مع كوره

مع كسوره الثابتة في الجدول حتى يكون [illegible] مائة
وثلاثة وثمانين مثقالا وكرر اذ هذا التقدير في النصاب افضل من سائر التقديرات
والاحوط هنا هو الافضل وعلى هذا [illegible] في قدر الكر والمسافة حسب ما [illegible]
طريقة الاحتياط [illegible] انه اصح [illegible] في زماننا [illegible]
والتحري [illegible] والقائم بالحق [illegible]
وتحقيق ما هو الحق من خدمته والخروج عن عهدة ما هو الصواب من التكاليف
بفراغ البال والكلام [illegible] بحسب الوقت لتضييع العمر [illegible]

والحمد لله [illegible] ما اردنا ايراده
في غرة [illegible] وصلى الله [illegible]
[illegible]
والله الموفق
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلم على خاتم الانبياء والمرسلين
محمد و آله الطاهرين صلوة دائمة الى يوم الدين وبعد
چنين رای بنده خاطر الملکوت ناظر کيميا ماثر نواب قدسی القاب
عالميان مآب مرکز دايره دين و دولت قطب فلک ملک و
ملت کافل مصالح الامم مخدوم اصحاب السيف والقلم ناظم مناظم
انتظام الملک بالراى الصائب على اوجه الاتم محيى مراسم المجد والسخا
آثار ان الاسماء تنزل من السماء آية رحمة الله على الانام ناشر
صحايف النصفة على صفحات الايام سلطان اعاظم الوزرا
شرقا وغربا مطاع اعاظم الامراء بعدا وقربا اعتضاد الخلافة الخاقانية
القاهرة الباهرة السلطانية اعتماد الدولة العلية العالية